نصایح لقمان حکیم

تألیف

حجة الاسلام والمسلمین

حاج سیّد هدایة الله مسترحمی

انتشارات اسلامیّه

خیابان پانزده خرداد تلفن ۵۶۳۵۴۴۸

دورنگار: ۵۶۲۱۹۶۶

۱۳۸۱ هجری شمسی

مسترحمی، هدایت‌الله، ۱۳۱۱ ـ
نصایح لقمان حکیم / تالیف هدایةالله مسترحمی چرقویه‌ای اصفهانی. ـ تهران: اسلامیه، ۱۳۸۰.
۳۳۶ ص.
ISBN 964 - 481 - 136 - 4
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
۱. لقمان ـ کلمات قصار. ۲. اخلاق اسلامی. ۳. اندرزنامه‌ها. الف. عنوان.

BP ۸۸/۷۷ /۶ن۵م ۲۹۷/۱۵۶
کتابخانه ملی ایران ۲۷۲۹۵ـ۸۰م

● نام اثر : نصایح لقمان حکیم
● مؤلف : حاج سیّد هدایت‌الله مسترحمی (چرقویه‌ای)
● ناشر : اسلامیّه
● شمارگان : ۳۰۰۰ جلد
● نوبت و تاریخ چاپ : اوّل ـ ۱۳۸۱ هجری شمسی
● چاپ : اسلامیّه
● شابک : ۹۶۴ـ۴۸۱ـ۱۳۶ـ۴
● : ISBN 964 - 481 - 136 - 4

الله

بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ
كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿۱۳﴾ وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ
لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴿۱۴﴾ يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ
فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿۱۷﴾
يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ
مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿۱۸﴾ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿۱۹﴾ وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ
أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿۲۰﴾ «سوره مبارکه لقمان (ع)»

به نام خدای بخشایشگر بخشنده

و ما به لقمان مقام علم و حکمت عطا کردیم (و فرمودیم) که بر این نعمت بزرگ خدا را شکر کن، و هر کس شکر حق گوید به نفع خود اوست (که خدا نعمتش بیفزاید) و هر که ناسپاسی و کفران کند (باز به زیان خود اوست که) خدا از شکر و سپاس خلق بی‌نیاز و (به ذات خود) ستوده صفات است ﴿۱۳﴾ ای رسول ما؛ یاد کن وقتی را که لقمان در مقام پند و موعظه به فرزندش گفت: ای پسر عزیزم؛ (نخست پند من به تو اینست که) هرگز شرک به خدا ناور که شرک بسیار ظلم بزرگی است (زیرا مخلوق عاجز فانی را به جای خالق قادر أبدی نهاده‌ای و این وضع شئ در غیر موضع و منشأ هر گونه ظلم به خود و به خالق است) ﴿۱۴﴾ باز لقمان گفت: ای فرزندم؛ بدان که خدا أعمال بد و خوب خلق را گرچه به مقدار خردلی در میان سنگی یا در طبقات آسمانها یا زمین پنهان باشد همه را (در محاسبه) می‌آورد که خدا بر همه چیز توانا و آگاهست ﴿۱۷﴾ ای فرزند عزیزم؛ نماز بپادار و أمر به معروف و نهی از منکر کن و بر این کار از مردم نادان هر آزار بینی صبر پیش گیر که این صبر و تحمّل در راه تربیت و هدایت خلق نشانه‌ای از عزم ثابت (مردم بلند همّت) در مور عالَم است ﴿۱۸﴾ و هرگز به تکبّر و ناز از مردم (أهل نیاز) رخ متاب و در زمین با غرور و تبختر قدم برمدار که خدا هرگز مردم متکبّر خودستا را دوست نمی‌دارد (و عاقبت خوار و ذلیلشان خواهد کرد) ﴿۱۹﴾ در رفتارت میانه‌روی اختیار کن و سخن آرام گو، نه با فریاد بلند که منکر و زشت‌ترین صداها صوت الاغ است (شاید صدا و هیاهوی مردم جاهل عالِم نمای مغالطه‌کار مراد باشد چنان که از أخبار بدست می‌آید) ﴿۲۰﴾

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمة

أَلحَمْدُ للهِ الَّذِيْ فَتَحَ بَصائِرَ أَولِيآئِهِ بِالْحِكَمِ وَ الْعِبَرِ ، وَ اسْتَخْلَصَ هِمَمَهُمْ لِمُشَاهَدَةِ عَجَائِبَ صُنْعِهِ بِمَجَارِي الْفِكَرِ ، ثُمَّ خَصَّصَ الْحِكْمَةَ بَعْضَ عِبادِهِ بِالْحُسْنىٰ فَأَفاضَ عَلَيْهِ مِنْ نِعَمِهِ مَا أَيْسَرَ بِهِ وَ اسْتَغْنىٰ .

وَ الصَّلاةُ وَ السَّلامُ عَلىٰ جَدِّنا سَيِّدِ الْوَرىٰ، وَ شَمسِ الْهُدىٰ، مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفى الَّذِيْ كُشِفَ بِهِ الدُّجىٰ، وَ عَلىٰ أَبِيْنا ابْنِ عَمِّهِ وَ وَصِيِّهِ وَ صِهْرِهِ وَ خَلِيْفَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى الَّذِي صَلّىٰ بِالْقِبْلَتَينِ، وَ ضَرَبَ بَينَ يَدَي رَسُوْلِ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم بِسَيْفَينِ، وَ طَعَنَ بِرُمْحَينِ، وَ هَاجَرَ الْهِجْرَتَينِ، وَ بَايَعَ الْبَيْعَتَينِ، وَ قَاتَلَ بِبَدْرٍ وَ حُنَينٍ .

وَ عَلىٰ بِنْتِهِ اُمِّنَا اُمِّ الأَئِمَّةِ، الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ وَ الْبَتُولِ الْعَذْرآءِ ، فَاطِمَةَ الزَّهْرآءِ .

وَ عَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِيْنَ هُمْ كَانُوا : مَعالِمَ دِيْنِ اللهِ ، وَ مَعَادِنَ حِكَمِ اللهِ ، وَ مَظاهِرَ لُطْفِ اللهِ ، وَ مَخازِنَ عِلْمِ اللهِ ، وَ مَهَابِطَ وَحْيِ اللهِ ، وَ حَمَلَةَ كِتَابِ اللهِ ، وَ خُلَفَآءَ رَسُوْلِ اللهِ : الْحَسَنِ، وَ الْحُسَينِ، سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، وَ عَلِيٍّ السَّجَّادِ ،

وَ مُحَمَّدٍ الْبَاقِرِ، وَ جَعْفَرٍ الصَّادِقِ، وَ مُوسَى الْكاظِمِ، وَ عَلِيٍّ الرِّضَا، وَ مُحَمَّدٍ التَّقِيِّ الْجَوادِ، وَ عَلِيٍّ الْهَادِي النَّقِيِّ، وَ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ، وَ الْحُجَّةِ الْغَائِبِ الْمُنْتَظَرِ الْمَهْدِيِّ.

اَللّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُمْ، وَ زِدْنا مَحَبَّتَهُمْ، وَ اسْلُكْ بِنَا سَبِيلَهُمْ، وَ احْشُرْنا مَعَهُمْ، وَ أَهْلِكْ أَعْدَآئَهُمْ، وَ فَرِّقْ سَدادَهُمْ، وَ افْشِ عَوائِبَهُمْ، وَ ابْتَذِلْ جاهَهُمْ، وَ اخْزِ فِعالَهُمْ.

و بعد: چنین گوید:

این بنده امّیدوار به رحمت و مغفرت و فضل إلهی، و معتصم بعد از قرآن به أحادیث أجداد طاهرین خود، حاج سیّد هدایة الله مسترحمی حسینی حسن‌آبادی جَرقُویه‌ای إصفهانی ـ حجّة الإسلام حاج سیّد محمّدرضا ـ حجّة الإسلام حاج سیّد حسین ملقّب به حاج سیّد آقابزرگ (مدفونین در مزار حسن‌آباد جرقویه) ـ سیّد محمّد مشهور به سیّد آقاجان ـ سیّد أبوطالب ـ سیّد سلیمان ـ میرأبوطالب ـ میرفتّوح (مدفون در بقعه سلطان بُندَرآباد یزد) ـ میر فتّاح (مدفون در بقعه سلطان بُندَرآباد یزد).

کتاب حاضر

کتاب حاضر که در مقابل دیدگان خود دارید، و مورد مطالعه و دقّت نظر و بررسی شما خواننده محترم قرار گرفته، چنانکه مشاهده می‌فرمایید بیانات و نصایح و رهنمودهای حکیمانه و سراسر درس فضیلت و أخلاق مردی بزرگ است، بنام: حضرت لقمان(ع)، که دارای روحی بسی قویّ، و فکری بلند، و مهربان، و دلسوز جامعه، که برای رسیدن بشر به اوج سعادت، و راه یافتن به مقامات عالیه و کمالات انسانیّت، و خلاصه: دست یافتن به درجات و أهداف که خدای تعالی برای بنی آدم مقرّر نموده، بیان فرموده بفرزندش: (ناتان ـ ماثان ـ مَشْکَمْ ـ أَشْکَمْ ـ وَشْکَمْ)، خصوصاً،

و برای ما عموماً، به زبان عبری و یا سریانی ، که أئمّه معصومین علیهم‌السلام به عربی بازگو و ترجمه نموده‌اند، و در لابلای کتابهای روایی و أخلاقی بطور پراکنده نقل شده .

کتاب حاضر به ظاهر با أندك، حجم دارای مطالبی است بسیار سودمند از آداب و سنن ، و نصایح و مواعظ و سفارشات درباره زندگی بهتر داشتن، که می‌توان گفت: در هر خانه‌ای باشد؛ چراغی است روشن، و در دست هرکه باشد؛ نوری است فروزان، و در هر کتابخانه‌ای باشد؛ کوکبی است درخشان خردمند حقیقت‌جو را؛ تحفه‌ای است گرانبها، و تشنه علم و معرفت را؛ شربتی است گوارا، مواعظ آن داروی شفابخش أمراض روحی،و رهنمود آن به آداب و سنن بهترین راه نیکبختی، عمل به دستورش؛ انسان را از چنگال دیو نفس رهایی داده، و از بیابان ظلمانی جهل و حیرت نجات بخشیده و به سرمنزل فلاح و رستگاری می‌رساند، نیك و بد، زشت و زیبا، نور و ظلمت، خیر و شرّ را به او فهمانیده، و راه سعادت و شقاوت را بدو نشان داده، و به عالَم نور و ملکوت أعلی رهنمون گشته، و او را به جوار رحمت خداوند، و مقام قرب، و به درجه انسان کامل خواهد رسانید .

سیره ما در این کتاب

برای جمع‌آوری و ترجمه عربی نصایح و گفته‌های حضرت لقمان(ع) که بعنوان روایت از أئمّه معصومین علیهم‌السلام در کتابهای متعدّد و بطور پراکنده نقل و ثبت شده از سال ۱۳۸۱ قمری تا سال ۱۴۱۷ هجری قمری در ضمن مطالعات مشاهده کرده‌ام یادداشت نموده‌ام که اینك با ترتیب حروف تهجّی(أ ، ب ، ت ، ث) به شکل این کتاب درآمده، بدون ادّعای استقصای کلّی، و منابع و مصادر روایت را با سلسله سند آن نوشته‌ام ، زیرا:

الکافی(ص:۵۲،ج:۱)، مرآةالعقول(ص:۱۷۹،ج:۱)، شرح الکافی(ص:۲۶۳،ج:۲)،

روضةالمتقین (ص:۲۷،ج:۱)، عليّ بن إبراهيم، عن: أبيه، و عن: أحمد بن محمّد بن خالد، عن: الحسين بن يزيد النّوفلي، عن: اسماعيل بن أبي زياد السّكوني:

عَن: أَبِيْ عَبدِاللهِ عليه السلام قالَ: قالَ أميرُالمُؤمِنينَ عليه السلام : إذا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيْثٍ فَأَسْنِدُوهُ إلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ بِهِ، فَإنْ كَانَ حَقّاً فَلَكُمْ، وَ إنْ كَانَ كِذْباً فَعَلَيْهِ .

امام صادق عليه السلام می‌فرموده که حضرت أميرالمؤمنين عليه السلام فرموده: هرگاه مطلبی را بازگو کردید، آن را به کسی که برای شما بیان نموده نسبت دهید، تا اگر راست باشد به نفع شما خواهد بود، و اگر برخلاف واقع و دروغ باشد، گناهش به گردن او خواهد بود .

و طبق أمر مبارك حضرت صادق عليه السلام که از آن حضرت روایت شده:

روضةالمتقين(ص:۲۷،ج:۱)، بحارالأنوار(ص: ۱۵۰،ج:۲)، الكـافي(ص:۵۲،ج:۱)، مرآة العقول (ص:۱۸۲،ج:۱)، شرح‌الكافي(ص:۲۷۰،ج:۲)، محمّد بن يحيى، عن: أحمد بن محمّد بن عيسى، عن: أحمد بن محمّد بن أبي نصر، عن: جميل بن درّاج، قال :

قَالَ أَبُوعَبْدِاللهِ عليه السلام : أَعْرِبُوا حَدِيثَنَا (كَلامَنا) فَإنّا قَوْمٌ فُصَحاءٌ .

حضرت امام صادق عليه السلام می‌فرمود: أحادیث ما را إعراب‌گذاری کنید (و کلمات آن را کاملاً واضح و آشکار، و هر کلمه‌ای را مطابق با حروف خودش بنویسید و بگویید، تا دچار اشتباه نشوید)، زیرا: ما أئمّه از هر جهت فصیح هستیم .

توان خود را بکار گرفتم و متن روایات را مُعرب نمودم، و ممکن هم است غضّ البصر و یا اشتباه ذهنی شده باشد که امید است أعزّه تذکّر دهند .

و ممکن است این شیوه پسندیده، مورد تشویق و خورسندی أفراد باإطّلاع و محقّق و هوشیار و دلسوز و انسان و أخلاق دوست و علاقمند شود، همچنانکه امکان دارد گفته شود: مورد تمسخر و استهزآء بیماران فکری و نظرتنگان قرار خواهد گرفت ، و خواهند گفت: نقل سند ، و مصدر روایت، برای حجیم و بزرگ بودن

کتاب است، و برای عموم فائده‌بخش نیست. خاصّه روایات مربوط به أخلاق، و ایـن شما خواننده محترم هستید که در این باره باید قضاوت بفرمایید و اظهارنظر کنید .

آداب النّفس(ص:۱۸۱،ج:۱) :

إذا مِتُّ کان النّاسُ صِنْفَانِ شامِتٌ   وَ آخَـرُ مُثْنٍ بِـالَّـذِی کُنْتُ أصْنَعُ

شاعر گوید : هر زمانی که از دنیا رفتم، مردم درباره من دو دسته خواهند بود: دسته‌ای بدگو، و دسته‌ای ثناگو و مدح کن، نسبت به کاری که أنجام داده‌ام .

و إنَّ اللهَ ﷻ عِنْدَ نِیَّةِ عَبْدِهِ .

خدای ﷻ است آگاه از نیّت باطنی و فکر و أندیشه بندگانش .

و ناگفته نماند : تا آنجا که درحدّ و توانایی علمی و فکری من بوده کوشیده‌ام شرح و تأیید ۲۲۷ گفتار حکمت‌آمیز حضرت لقمان(ع) را با ۳۱۶ حدیث از روایات نقل شـده از أهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که منبع علم و کمـالات و سـرچشـمه هـر دانـش و فیوضات هستند، تنظیم دادم، برای آنکه: بهره بیشترنصیب مطالعه کنندگان گردد .

و نکته لازم به ذکر این است که در ترجمه به اصل روان بودن و سادگی توجّه داشتم، لیکن ترجمه کاملاً بصورت آزاد انجام نگرفته، و رعایت اصل انطباق ترجمه بـا متن مورد نظر بوده

البتّه: این تلاشی بوده و در حدّ بضاعت علمی نگارنده‌که بس ناچیز است ، و هرگز کار خود را از خطـا و لغـزش مصـون نمـی‌دانم، و بـا شایسـتگی از تذکّـرات صاحب‌نظران استقبال می‌کنم برای چاپهای بعدی .

حضرت لقمان کیست ؟

نام آن حضرت : لقمان فرزنـد بـاعورا پسـر نـاحور پسـر تـارُخ ، و بعضـی می‌نویسند: لقمان پسر عنْقا پسر مَرْبَـد پسر صاوُون، و لقب مشهور او: حکیم، است .

و أقوال مختلفی درباره آن حضرت نقل شده از جمله در :

بحارالأنوار(ص:۴۲۳،ج:۱۳)، از تفسیر مجمع البیان(ص:۳۱۵،ج:۸)، نقل شده که: حکیم و دانای به مسائل دینی و أخلاقی بود، و پیغمبر نبود، و بعضی گفته‌اند که پیغمبر بود.

و گفته شده که غلام سیاه‌پوست حبشی‌نژاد، و یا سیاه‌چهره از مردم سودان و یا نوبه، و پیرو دین حضرت موسی کلیم الله(ع) و در زمان حضرت داود(ع) می‌زیسته.

و گویند: که پسرخواهر حضرت أیّوب(ع) و بعضی گویند: پسرخاله آن حضرت بوده، و از معمّرین به حساب آمده، و در محلّ دفن آن حضرت نیز اختلاف است، و چون در کتابهای رجالی و تاریخی بحثی از آن حضرت آمده، نیازی نیست که در این کتاب بطور تفصیل بیان شود.

و در تفسیر روح البیان(ص: [illegible] ج:۳)، می‌نویسد: وَ الْجُمْهُوْرُ عَلَى أَنَّهُ كَانَ حَكِيْماً ، حِكْمَةُ طِبٍّ وَ حِكْمَةُ حَقِيْقَةٍ

همگان را عقیده بر اینست که حکمت لقمان شامل : علم طبّ و علم بیان و نصایح اخلاقی و رهنمود بود .

در هر حال میان حکمایی که در تاریخ مشهورند، یگانه حکیمی که خدای ﷻ در قرآن کریم از او نام برده و ستوده است فقط حضرت لقمان(ع) است که می‌فرماید: « وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ » (ما به لقمان حکمت عطا کردیم) و سخنان حکیمانه آن حضرت چنان ارزشمند است که بعضی از گفته‌های او را بیان فرموده در سوره‌ای که بنام آن حضرت نامیده شده (سوره:۳۱) ، و در أحادیث رسول خدا ﷺ و أئمه معصومین علیهم‌السلام ذکر شده .

و در بحارالأنوار(ص:۴۰۹،ج:۱۳)، تفسیر القمّی(ص:۱۶۲،ج:۲)، لئالی الأخبار(ص:۱۰۶،

ج:۱)، وسائل الشّیعة(ص:۳۰۵ ، ج:۱)، تفسیر مجمع البیان(ص:۳۱۵،ج:۴) نقل فرموده: حمّاد می‌گوید: از حضرت صادق(ع) پرسیدم از لقمان(ع) و حکمت او، که خدای(جل) در قرآن یادآوری فرموده؟ آن حضرت فرمود: به خدا قسم؛ داده نشده به لقمان حکمت و دانایی به امور و مطالب بواسطه آنکه او دارای حسب و نسب و بزرگ‌زادگی بود ، و نه برای داشتن ثروت و أهل و عیال و نیروی انسانی و محافظ و یاور و خویشاوند، و نه برای داشتن هیکلی بزرگ و أندامی نیرومند و زیبایی چهره، بلکه برای اینکه مردی بود قویّ و توانا در انجام دادن دستورات خداوند، و پرهیزکار نسبت به آنچه که خدا نهی فرموده، و ساکت بود از سخنان بیهوده، و همیشه با وقار و متانت، و توجّه به تمام جوانب امور می‌نمود و تجربه می‌آموخت، و بسیار در پیرامون مطالب فکر می‌کرد ، و تیزبین بود و سرعت انتقال داشت، و همیشه از هر چیزی و از هر حادثه‌ای و گردش روزگار عبرت می‌گرفت، و هیچ وقت در بین روز نمی‌خوابید، و هیچکس او را در حال ادرار و غائط و یا شستن بدن ندیده به جهت حیا و حفاظت، و هیچگاه نخندیده برای چیزی و یا سخنی از ترس آنکه مبادا مرتکب گناه شده باشد، و نسبت به چیزی و یا سخنی و یا کسی غضب نمی‌نمود، از ترس آنکه به گناه آلوده شود، و با انسانی مزاح نمی‌کرد ، و اظهار خورسندی نمی‌کرد برای چیزی از دنیا که بدستش می‌رسید، و أندوهناك نمی‌شد اگر چیزی از دنیا از دستش می‌رفت، و ازدواج کرد و فرزندانی بسیار از او بوجود آمدند ، و بیشتر ایشان مردند و برای مرگ ایشان گریه نکرد (چون راضی به رضای خدا بود) و هرگاه دو نفر با یکدیگر دشمنی و یا جنگ داشتند ایشان را آشتی می‌داد و صلح و صفا برقرار می‌نمود، و هر زمان مطلبی را که به نظرش خوب بود از دیگری می‌شنید، تفسیر و تفصیل آن را از او می‌پرسید، و از او سؤال می‌کرد که این سخن را از چه کسی شنیده تا به مأخذ آن آگاه بشود، و همنشینی فراوان داشت با دانشمندان دینی و دانایان ، و به منزل قُضات

و پادشاهان و فرمانروایان می‌رفت و أندوهناك بود از مسئولیّت و بار سنگینی که به دوش آنها قرار گرفته، و از غرور و نخوت آنان که شیفته قدرت زودگذر شده‌اند. و دلسوز بود برای پادشاهان و فرمانروایان بسبب کارها و ستمهایی که در محدوده حکومت آنها بوجود می‌آمد و آنان خاطری آسوده و آرام داشتند. و پند می‌گرفت و می‌آموخت آنچه را که برای غلبه پیدا کردن بر نفس أمّاره فایده داشت، و با هوای نفس با تمام توان مجاهده می‌کرد ، و از شیطان و وسوسه آن و أفراد شیطان‌صفت دوری می‌نمود، و درمان بیماریهای قلبی أخلاقی را با تفکّر، و بیماری‌های نفسانی را با عبرت گرفتن أنجام می‌داد، و متوجّه کاری نمی‌شد مگر آنچه را که فایده‌بخش باشد، و به همین جهت حکمت و دانایی به او عنایت گردید و مقام و عصمت را یافت، و در همین روزگار بود که خدای ﷻ أمر فرمود به گروهی از ملائکه در هنگام نصفه روز که مردم استراحت کرده و به خواب فرو رفته بودند، ندا زدند در حالی که آن حضرت آنان را نمی‌دید ولی صدای ایشان را می‌شنید، گفتند: ای لقمان؛ آیا می‌خواهی و قبول می‌کنی که خداوند تو را خلیفه خود قرار دهد در زمین ، تا حکم کنی در بین مردم (و رهنمود دهنده و اطّلاع و آگاهی و هوشیار کننده و اصلاح کننده ایشان باشی در امور دنیایی و أخلاقی و آخرتی) .

لقمان فرمود : اگر پروردگارم مرا به چنین کاری أمر می‌فرماید، با کمال میل و رغبت می‌پذیرم ، زیرا: اگر مرا به این کار مأمور فرماید ، مرا کمك خواهد کرد و راههای آن را به من نشان می‌دهد، و مرا نگهداری خواهد فرمود (از انحرافات و لغزشها و گمراهی و تحمّل سختیها) ولی اگر مرا مخیّر فرموده در قبول کردن و قبول نکردن، من عافیت و سلامتی و نداشتن مسئولیّت مردم را خواهانم . ملائکه جهت قبول نکردن مقام نبوّت را از آن حضرت پرسیدند، فرمود : حکم کردن و حکومت نمودن بین مردم کاری است بسیار سخت و دشوار، و زیاد است فتنه و گرفتاریها و بلاهای آن ، تا جایی که

مردم نادان حمله و أذیّت می‌کنند و کمتر کسی به یاری می‌شتابد ، و از همه طرف سیل خروشان ظلمت بسوی انسان سرازیر می‌شود ، و در این وقت است که انسان بر سر دو راهی قرار می‌گیرد، که اگر به حقّ حکم کند فقط، به سلامت خواهد بود، و اگر به لغزش افتد و به خطا حکم نماید، راه بهشت را خطا نموده و بهشت را به آسانی از دست می‌دهد، بنابراین : هر کس در دنیا زیردست و گمنام باشد برایش در قیامت بهتر و آسان‌تر است از اینکه حاکم و رئیس و یا دارای مقام دیگر باشد ، و هر کس دنیا و مقامات دنیایی را برای خود انتخاب کند و آخرت را رها سازد، هر دو را از دست خواهد داد، زیرا: عزّت و مقام دنیایی خواه ناخواه به پایان می‌رسد و از دست می‌رود، و به عزّت و رستگاری و نعمت های آخرت هم نخواهد رسید .

ملائکه با شنیدن سخنان حضرت لقمان(ع) در تعجّب شدند از عقل و دانایی او، و خدای رحمان منطق و استدلال او را پسندید، و چون شب فرا رسید و حضرت لقمان(ع) به بستر رفت و خوابید، در هنگام خواب بود که خدای تعالی حکمت را بر او فرو ریخت، و از سر تا پایش را احاطه کرد، و وقتی که از خواب بیدارگشت، داناترین مردم زمان خود بود، و در میان مردم رفت و نصیحتهای أرزنده و حکیمانه برای آنان بیان می‌فرمود .

چون حضرت لقمان(ع) خلیفه خدا بودن را نپذیرفت، خدایﷻ أمر فرمود به ملائکه مطلب را به حضرت داود(ع) پیشنهاد کنند، وآنان به حضرت داود(ع) پیشنهاد پیغمبر و خلیفة الله بودن را نمودند ، و آن حضرت قبول فرمود بدون شرایطی که حضرت لقمان (ع) کرده بود، خدای ﷻ خلافت در زمین را به آن حضرت واگذار فرمود، و چندین مرتبه گرفتار و مورد امتحان قرار گرفت، که هر مرتبه نزدیک بود که خطا کند در حکم کردن ولی خداوند او را نگه داشت .

و حضرت لقمان (ع) فراوان به دیدار حضرت داود (ع) می‌رفت و آن حضرت

را موعظه می‌نمود و با راهنمایی‌های حکیمانه رهنمود می‌داد، و حضرت داود (ع) بسیار خورسند می‌شد و می‌گفت خوشا به حال تو ای لقمان که حکمت نصیب تو گشت و از بسیاری از گرفتاریها و سختیها و بلاها محفوظ ماندی، ولکن: داود گرفتار خلافت گردید و دچار فتنه‌ها و سختیها و بلاها شد .

در تفسیر أبوالفتوح(ص:۷۰،ج:۹)، نقل می‌کند: زمانی که حضرت لقمان (ع) غلام بود، خواجه او (قین بن خسّر) برای تفریح از بیت المقدّس بیرون رفت و در کنار رودخانه‌ای فرود آمد، در حال مستی با یارانش به قمار مشغول شد و در بازی مغلوب و مقهور گردید، و چون در بازی شرط شده بود بازنده باید نیمی از ثروتش را به دوستان قمار باز دهد، یا تمامی آب رودخانه را بیاشامد . پس از به هوش آمدن دانست که خطا کرده، از یاران مهلت خواست، پس از مهلت به حضور لقمان شتافت و از او چاره طلبید، فرمود: من این مشکل را حلّ می‌کنم در صورتی که تعهّد کنی دیگر لب به مسکرات نزنی، فردای آن روز با خواجه به طرف رودخانه رفت، و به یاران خواجه گفت: قرار گذاشتید که تمام آب رودخانه را از روزی که جاری شده تا امروز بیاشامد؟ آب را برگردانید تا بیاشامد، گفتند: چنین شرطی نشده، فرمود: آیا شرط کردید که آب جاری شده دیروز را بیاشامد؟ برگردانید تا بیاشامد، گفتند: چنین شرطی نشده، فرمود: آبی که بعد از این خواهد آمد باید بیاشامد، باید صبر کنید تا تمام آبها بیاید وقتی که دیگر آبی نیامد شما تمام آبها را برگردانید تا مولایم بیاشامد، یاران خواجه متحیّر شدند چون توان هیچ یک از گفته‌های حضرت لقمان(ع) را نداشتند، و از جواب فرو ماندند، بناچار از شرط خود صرف نظر کردند، و خواجه نیز از خواب غفلت بیدار و متوجّه شد و از عمل قبیح و خلاف شرع و انسانیّت توبه کرد، و بعنوان سپاسگزاری حاضر گردید برای آزادی لقمان ، مکاتبه نماید، که پس از مرگ، حضرت لقمان آزاد شود و یا خود را خریداری نماید .

و نیزدر تفسیر أبوالفتوح رازی(ص:۷۰،ج:۹)، لئـالی الأخبـار(ص:۱۰۷،ج:۱)، نقـل نموده که حضـرت لقمـان(ع) از بیـهوده‌گویـی خواجـه خـود سـخت نـاراحت و در جستجوی فرصت بود که خواجه را از خواب غفلت بیدار کند، تا روزی میـهمان بـر خواجه وارد شد ، خواجه به لقمان دستور داد گوسفندی ذبح کند و بهترین أعضایش را پخته و بیاورد، لقمان از دل و زبان گوسفند غذایی تهیّه کرد و آورد، و روز دیگـر که خواجه دستور داد گوسفندی ذبح کند و از بدترین أعضای آن غذایی آماده نمـاید و بیاورد، آن حضرت گوسفندی ذبح کـرد و از دل و زبـان آن غذایـی تهیّـه نمـود و آورد، خواجه از عملکرد لقمان متحیّر شد و پرسید: چگونه می‌شود کـه دو عضـو از أعضاء گوسفند بهترین و بدترین عضو باشند؟! لقمان فرمود: ای خواجه؛ دل و زبـان انسان مؤثّرترین أعضاء در سعادت و شقاوت هستند، زیرا: اگر دل را منبـع فیـض و نور گردانند و زبان را در راه نشر حکمت و بسـط معرفـت و اصـلاح امـور مـردم و برطرف نمودن دشمنی‌ها و کینه‌ها بکار گیرند، بهترین أعضاء خواهد بود، ولکن اگر دل به تاریکی جهل و بدأندیشی قرار گیرد و کانون دشمنی و فساد شود و زبان به تهمـت و افترا و غیبت و فتنه أنگیزی و گمراه کنندگی و خلاف و دروغگویی واداشته شود ، از بدترین أعضاء خواهد بود، خواجه لختی فکر کرد و هوشیار و بیـدار گردیـد و در صدد اصلاح خویش برآمد .

و ضمناً از لحاظ: مَنْ لَمْ یَشْکُرِ الْمُنْعِمَ لَمْ یَشْکُرِ الخالِقَ .

باید تشکّر کنم از فرزندانم، جناب مستطاب سلالة السّادات سیّد عبدالمغیث مسـترحمی و سیّد عبد الماجد مسترحمی و سیّد عبد الحامد مسترحمی ـ وفّقهم الله تعالی لمراضیه ـ که در تصحیح و تنظیم این کتاب مساعدت نمودند و زحمت کشیدند.

و مخصوصاً از سیّد عبد المغیث که مستقیماً در تایپ و تصحیح فعّالیّت فراوان و دقّت زیـاد داشته و همّت گماشتند .

وَ نَسْأَلُ مِنَ اللهِ الْكَرِيمِ، وَ فَضْلِهِ الْجَسِيمِ، كَما وَفَّقَ لِإتْمامِهِ، أَنْ يَقْبِلَهُ بِفَضْلِهِ وَ إِنْعامِهِ، فَإِنَّهُ: نِهايَةُ السُّؤُولِ، وَ غايَةُ الْمَأْمُولِ، وَ أَنْ يَتَقَبَّلَهُ بِكَرَمِهِ الْجَمِيلِ، وَ يُقابِلَهُ بِثَوابِهِ الْجَزِيلِ، وَ أَنْ يَنْفَعَ بِهِ الطّالِبِينَ، وَ يَجْعَلَهُ ذُخْراً لِيَوْمِ الدِّينِ، وَ أَنْ يَجْعَلَنا مِنَ الْمُوقِنِينَ، وَ أَنْ يَحْفِظَنا وَ أَوْلادَنا وَ إِخْوانَنا فِى الدِّينِ مِنَ الشَّيْطانِ وَ مَنْ والاهُ، وَ الْأَمْراضِ الْقَلْبِيَّةِ وَ الْقالِبِيَّةِ، بِفَضْلِهِ وَ مَنِّهِ وَ كَرَمِهِ، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ كَثِيراً كَما هُوَ أَهْلُهُ وَ صَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ.

جمعه ۲ رجب المرجّب ۱۴۱۹ نجومی هجری قمری

حاج سیّد هدایة الله مسترحمی جرقویه‌ای إصفهانی

بسم الله الرحمن الرحيم

يروى الحاج السّيد هداية الله الحسينى المسترحمى، عن: (القدمآء) المرجع الأعلى الدّينى: السّيد (محمّدحسين الحسيني) شهاب الدّين المرعشىّ النّجفىّ(طاب ثراه)، عن: مشايخ إجازاته .

و عن : الحاجّ السّيّد حسين الحسيني ، فقيه سبزوارىّ (طاب ثراه) عن: مشايخ إجازاته .

و عن: الحاج الشّيخ محمّدرضا الفرقانى الحائرى الدّستجردى الجرقوئىّ الإصفهانىّ(طاب ثراه)، عن: مشايخ إجازاته .

و عن : الحاجّ الشّيخ يوسف الخراسانىّ الحائرىّ البيارجمندىّ (طـاب ثـراه) ، عـن : مشايخ إجازاته .

و عن: الشّهيد على أيدى العمّال البعثىّ العراقىّ، السّيد محمّدباقر الصّدر(طاب ثراه)، عن: مشايخ إجازاته .

و عن: الحاج الشّيخ عبّاسعلى الأديب الحبيب‌آبادىّ البُرخوارى الإصفهانىّ(طـاب ثـراه)، عن: مشايخ إجازاته .

و عن: الشّيخ محمّدعلى المعلّم الحبيب‌آبادىّ البُرخوارى الاصفـهانىّ(طـاب ثـراه)، عـن: مشايخ إجازاته .

و عن: (المعاصرين على نهج النّهجىّ) السّيد محمّد بن المهدىّ الشّيرازىّ(مدّ ظلّـه)، عـن: مشايخ إجازاته .

و عن: الحاج الشّيخ إسماعيل الصّالحىّ المازندرانىّ(مدّ ظلّه)، عن: مشايخ إجازاته .

و عن: الحاج الشّيخ محمّد الفاضل اللّنكرانىّ(مدّ ظلّه)، عن: مشايخ إجازاته .

و عن: الحاج السّيد العبّاس الكاشانىّ(مدّ ظلّه)، عن: مشايخ إجازاته .

و عن: الحاج الشّيخ محمّدعلى الجرامى القمّىّ(گرامى) (مدّ ظلّه)، عن: مشايخ إجازاته .

و عن: الحاج الشّيخ حسين النّورىّ الهمدانىّ(مدّ ظلّه)، عن: مشايخ إجازاته .

و عن: الحاج السّيد محمّد الحسينىّ الوحيدىّ(مدّ ظلّه)، عن: مشايخ إجازاته .

۱) الإختصاص(ص:۳۳۸)، مستدرك‌الوسائل(ص۳۵۷،ج:۸)، بحارالأنوار(ص:۴۲۹،ج:۱۳)، عن: الأوزاعيّ :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لِإبْنِهِ: يابُنَيَّ؛ إبْدَءِ النّاسَ بِالسَّلامِ وَ الْمُصافَحَةِ قَبْلَ الْكَلامِ.

حضرت لقمان(ع) بفرزند خویش بعنوان نصیحت و رهنمود(خصوصاً، و برای ما: مرد، زن ، پسر، و دختر در هر زمان) فرموده: پسرم؛ ابتدا کن با مردم به سلام کردن و مصافحه نمودن (هر دو دست یکدیگر گرفتن) پیش از سخن گفتن.

در اسلام دستور اینست که: هنگام برخورد و دیدار دیگران پیش از سخن گفتن باید سلام کرد ، چنانکه روایت شده :

۱ـ بحارالأنوار(ص:۲۴۳،ج:۷۸)، تحف العقول(ص:۳۷۸)، کشف الغمّة(ص:۵۷۵)، المحجّة البیضاء(ص:۳۸۱ و ص: ۳۸۴،ج:۳)، الکافي(ص:۶۴۴،ج:۲)، مرآةالعقول(ص:۵۳۹،ج:۱۲)، شرح الکافي(ص:۹۳،ج:۱۱)، مستدرك الوسائل(ص:۳۵۷،ج:۸)، روضةالواعظین(ص:۴۵۸)، مجمع الزّوائد (ص:۳۲،ج:۸)، الخصال(ص:۱۹)، بحارالأنوار(ص:۳،ج:۷۶)، وسائل الشّیعة(ص:۵۶ ،ج:۱۲)، عن: الصّدوق، عن: أبیه عليّ بن بابویه القمّي، عن: سعدبن عبدالله، عن: عليّ بن إبراهیم، عن: أبیه إبراهیم بن هاشم، عن: الحسین بن یزید النّوفلي، عن: إسماعیل بن أبي زیاد السّکونيّ، عن: أبي عبدالله عليه السلام عن: آبائه عليهم السلام قال :

قالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله : إبْدَؤُا بِالسَّلامِ قَبْلَ الْكَلامِ ، فَمَنْ بَدَءَ بِالْكَلامِ قَبْلَ السَّلامِ فَلاتُجِيبُوهُ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرموده: (هنگام ملاقات با یکدیگر) آغاز به سلام کنید پیش از سخن گفتن، و هر که آغاز به سخن گفتن نماید پیش از سلام ، پاسخش را ندهید .

۲ـ مشکاةالأنوار(ص:۱۹۶)، المحجّة البیضاء(ص:۳۸۸،ج:۳)، الکافي(ص:۱۸۱،ج:۲)، مرآة

العقول(ص:۶۷ ،ج:۹)، شرح الکـافی(ص:۵۶ ،ج:۹)، وسـائل الشّیعة(ص:۲۲۰ و ص :۲۲۲،ج:۱۲)، أمالی الطّوسیّ(ص:۲۱۵،ج:۱)، عدّة الدّاعی(ص:۱۸۹)، مجموعة ورّام(ص:۱۹۸،ج:۲)، إرشاد القلـوب الدّیلمیّ(ص:۱۴۶،ج:۱)، بحارالأنوار(ص:۴ وص:۲۰ وص:۲۸،ج:۷۶)، عدّة من أصحابنا، عن: أحمـد بن محمّد بن خالد، عن: محمّد بن علیّ، عن: ابن بقاح، عن: سیف بن عمیرة، عن: عمرو بن شمر، عن : جابر: عن: الباقر علیه السلام قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم : إذا الْتَـقَيْتُمْ فَتَلاقَوْا بِالسَّلامِ وَ التَّصـافُحِ ، وَ إذا تَفَرَّقْتُمْ فَتَفَرَّقُوا بِالْإسْتِغْفارِ .

حضرت امام محمّد باقر علیه السلام می‌فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده : هرگـاه یکدیگر را ملاقات نمودید ، باید: در لحظه أوّل دیدار با سلام کردن باشد و سـپس مصافحه نمودن، و زمانی که از یکدیگر جدا می‌شوید، برای یکدیگر طلب مغفرت از خدای تعالی بنمایید، (بعلّت آنکه شاید ندانسته سخنی نامناسب گفته باشید) .

۳ـ إثنی عشریّة(ص:۳۶)،السّعادة الأبدیّـة(ص:۳۱)، روضـة الواعظـین(ص:۳۸۲)، مشـکاة الأنوار(ص:۲۰۰) :

و قالَ النَّبِيّ صلی الله علیه و آله و سلم : رَأْسُ التَّواضُعِ أنْ يَبْدَءَ بِالسَّلامِ عَلى مَنْ لَقِيَـهُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، وَ أنْ يَرْضِيَ بِالدَّرَنِ فِى الْمَجْلِس .

نبیّ أکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده: نهایت تواضع هر انسانی آنست که ابتدا به سـلام کردن نماید به هر شخص مسلمانی که دیدار می‌نماید ، و راضی باشد به نشسـتن در پائین مجلس (و به هیچوجه ناراحت نباشد که در صدر مجلس ننشسته است).

۴ـ معانی‌الأخبار(ص:۲۴۶)، بحـارالأنوار(ص:۳۰۵،ج:۷۳، و ص:۵ ، ج:۷۶ و ص:۱۱۹،ج: ۷۸)، المحجّةالبیضآء (ص:۳۸۴،ج:۳)، وسائل‌الشّـیعة(ص:۵۸ و ص:۶۰ ،ج:۱۲)، مشـکاةالأنوار(ص: ۱۹۷)، الکافی(ص:۶۴۵،ج:۲)، مرآةالعقول(ص:۵۴۰،ج:۱۲)، شرح الکافی (ص:۹۳،ج:۱۱)، عدّة مـن أصحابنا، عن: أحمدبن محمّد ، عن: ابن فضّال ، عن: معاویة بن وهب :

عَنْ : أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قالَ : إِنَّ اللهَ عزّ وجلّ قالَ : البَخِيلُ مَنْ يَبْخَلُ بِالسَّلامِ .

حضرت امام جعفر صادق عليه السلام می‌فرمود : خداوند فرموده : بخیل کسی است که از سلام کردن به دیگران دریغ نماید (زیرا : نیاز به زحمت و رنج و سرمایه ندارد) .

۵ ـ الكافي(ص:۶۴۶ ،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۵۴۲ ،ج:۱۲)، شرح الكافي(ص:۹۶،ج:۱۱) ، تحف العقول(ص:۳۷۸)، وسائل الشيعة(ص:۷۳،ج:۱۲)، بحار الأنوار(ص:۲۴۳،ج:۷۸) :

عن: أَبِي عبدالله عليه السلام قال: إِنَّ مِنْ تَمامِ التَّحِيَّةِ لِلْمُقِيمِ الْمُصافَحَةَ ، وَ تَمامِ التَّسْلِيمِ عَلَى الْمُسافِرِ الْمُعانَقَةَ .

حضرت امام صادق عليه السلام می‌فرموده : همانا از تمام و کامل بودن تحیّت و سلام کردن برای أهل شهر و محلّ اقامت و سکونت ؛ مصافحه نمودن (و دست یکدیگر را به دوستی گرفتن) است، و برای مسافر تازه وارد پس از سلام کردن معانقه (بناگوش را به یکدیگر گذاشتن) است .

۶ ـ لئالي الأخبار(ص:۱۴۶،ج:۳) ، بحار الأنوار(ص:۲۴ و ص:۴۲ ، ج:۷۶)، وسائل الشيعة (ص:۲۱۹،ج:۱۲)، مستدرك الوسائل(ص:۶۲،ج:۹)، المحجة البيضاء(ص:۳۸۸،ج:۳)، المؤمن(ص:۳۶)، مجموعة ورام(ص:۱۹۸،ج:۲)، عدة الداعي(ص:۱۸۹)، الكافي(ص:۱۷۹،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۶۲ ، ج:۹)، شرح الكافي(ص:۵۴ ، ج:۹)، عدة من أصحابنا، عن: أحمد بن محمّد ، عن : الحسن بن عليّ بن فضّال ، عن : عليّ بن عقبة ، عن : أيّوب ، عن : السّميدع ، عن : مالك بن أعين الجهني :

عن: أَبِي جعفر عليه السلام : إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ إذا الْتَقَيا وَ تَصافَحا أَدْخَلَ اللهُ يَدَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِما، فَيُصافِحُ أَشَدَّهُما حُبّاً لِصاحِبِهِ.

حضرت امام باقر عليه السلام می‌فرموده: دو نفر مؤمن هرگاه یکدیگر را ملاقات نمودند، و مصافحه کردند ، خداوند دست لطف و مرحمت و مغفرت خود را در

میان دو دست آنها داخل می‌نماید، و با آنکه دوست خود را بیشتر دوست دارد مصافحه خواهدکرد .

و بر چند طائفه نباید سلام کرد از جمله:

۷ـ روضةالواعظین(ص:۴۵۸)، مشکاة الأنوار(ص:۱۹۸)، بحارالأنوار(ص:۹،ج:۷۶ و ص: ۳۰۹ ، ج:۸۴)، وسائل الشّیعة(ص:۲۷۰،ج:۷ و ص:۵۱ ،ج:۱۲)، مستدرک الوسائل(ص:۳۸۲،ج:۱)، الخصال(ص:۴۸۴)، محمّد بن علیّ ما جیلویه، عن: عمّه محمّد بن أبی القاسم، عن: هارون بن مسلم، عن: مسعدة بن صدقة الرّبعی :

عَن الصّادِق علیه السلام عَن : أبیْهِ علیه السلام قالَ: لا تُسَلِّمُوا عَلَی الْیَهُودِ ، وَ لاعَلَی النَّصٰاریٰ، وَ لاعَلَی الْمَجُوْسِ، وَ لا عَلیٰ عَبَدَةِ الأوْثانِ، وَ لا عَلیٰ مَوائِدِ الشُّرّابِ الخَمْرِ، وَ لا عَلیٰ صٰاحِبِ الشِطْرَنْجِ وَ النَّرْدِ، وَ لا عَلَی المُخَنَّثِ، وَ لا عَلَی الشّاعِرِ الَّذِی یَقْذِفُ الْمُحْصَنات، وَ لا عَلَی الْمُصَلّیْ وَ ذلِکَ لِأنَّ الْمُصَلّیَ لایَسْتَطِیعُ أنْ یَرُدَّ السَّلامَ لِأنَّ التَّسْلِیْمَ مِنَ الْمُسَلِّمِ تَطَوُّعٌ وَ الرَّدُّ عَلَیْهِ فَرِیْضَةٌ، وَ لا عَلی آکِلِ الرِّبا، وَ لا عَلیٰ رَجُلٍ جالِسٍ عَلیٰ غائِطٍ، وَ لاعَلَی الَّذِیْ فِی الحَمّامِ، وَ لاعَلَی الْفاسِقِ الْمُعْلِنِ بِفِسْقِهِ .

حضرت امام باقر علیه السلام فرموده : سلام نکنید بر: یهودی ، و مسیحیّ ، و زرتشتی، و بت پرست، و کسانی که کنار سفره شرابخواران نشسته‌اند ، و شِطرنج وتخته نردبازان ، و کسانی که لواط می‌دهند ، و شاعری که أشعار هجو درباره پاکدامنان می‌سراید (و یا أشعار هجو درباره آنان می‌خواند) ، و بر نمازگزار هنگام نماز خواندن ، برای آنکه چه بسا نتواند جواب دهد، چون سلام از طرف سلام کننده مستحبّ و جواب آن واجب است (و یا آنکه به اشتباه می‌افتد) ، و برخورنده ربا، و بر کسی که در بیت الخلا برای بول و غائط رفته باشد ، و بر کسی که در حمّام داخل در مکان شستشوی بدن باشد ، و بر کسی که بطور

آشکار مرتکب فسق و فجور می‌شود.

۸ ـ روضة الواعظین(ص:۴۵۸)، مشکاة الأنوار(ص:۱۹۸)، وسائل الشیعة(ص:۴۹،ج:۱۲)، بحارالأنوار (ص:۳۱ و ص:۳۵۶،ج:۷۶ و ص:۲۳۱،ج:۷۹)، الخصال (ص:۲۳۷) ، محمّد بن الحسن الولید، عن : أحمد بن ادریس، عن: محمّد بن أحمد بن یحیی بن عمران الأشعریّ، بإسناده، رفعه إلیٰ أمیرِالمؤمنینَ علیه السلام قال:

نَهی رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم أنْ یُسَلِّمَ عَلیٰ أرْبعَة: عَلَی السَّکْرانِ فی سُکْرِه، وَ عَلی مَنْ یَعْمَلُ التَماثِیْلَ وَ عَلیٰ مَنْ یَلْعَبُ بِالنَّرْدِ ، وَ عَلیٰ مَـنْ یَلْعَبُ بِالأرْبَعَةَ عَشَرَ ، وَ أنَا أزِیدُکُم الْخامِسَةَ : أنْهاکمْ أنْ تُسَلِّمُوا عَلیٰ أصْحابِ الشِّطْرَنْجِ .

حضرت أمیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده: به چهار نفر نباید سلام کرد :۱ـ بر شرابخوار هنگام مستی ،۲ـ بر مجسّمه و تصویرساز، ۳ـ بر کسی که با تخته‌نرد بازی می‌کند ، ۴ـ و بر کسی که با اسباب بازی چهارده‌خانه بازی می‌کند، و من پنجمین نفری که نباید به او سلام کرد را إضافه می کنم که: سلام نکنید بر شطرنج باز .

۹ـ السّرائر(ص: ۴۷۵)، بحارالأنوار(ص:۱۰،ج:۷۶)، عن جامع البزنطيّ، عن: أبي بصیر :

عن: أبِي عبدالله علیه السلام قال: السَّلامُ عَلَی اللاّهِیْ بالشِطْرَنْج مَعْصِیَةٌ، وَ کَبیرَةٌ مُوبِقَةٌ، وَ اللاّهِیْ بها، وَ النّاظِرُ إلَیْها فی حالٍ ما یُلْهی بها ، وَ السَّلامُ عَلَی اللاّهِیْ بها فیْ حالَتِهِ تِلْکَ فی الإثْمِ سَواءٌ .

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرمود : سلام کردن به هر شخص شطرنج بازی، معصیت (و نافرمانی خدا) است و گناه کبیره و ذلّت‌آوری خواهد بود ، و شطرنج باز در حال شطرنج بازی ، و نگاه کننده در وقتی که بازی می‌کنند در گناه یکسان هستند.

۲) أمالی الصّدوق(ص:۵۳۲)، بحارالأنوار(ص:۴۱۳،ج:۱۳)، قصص الأنبیاء الرّاوندی(ص:۳۲۷)، جامع أحادیث الشّیعة(ص:۳۰، ج:۱۶)، وسائل الشّیعة(ص:۱۶،ج:۱۲)، الصّدوق، أبی، عن: الحسین بن موسی، عن: محمّد بن الحسن الصّفّار، عن: . . . و لم یحفظ الحسین الأسناد قال :

قالَ لُقمانُ(ع) لِابْنِهِ: یا بُنَیَّ؛ إتَّخِذْ أَلْفَ صَدِیقٍ ، وَ الْفُ قَلِیلٌ ، وَ لاتَتَّخِذْ عَدُوّاً واحِداً، وَ الْواحِدُ کَثِیرٌ .

حضرت لقمان(ع) بفرزندش می‌فرمود : فرزندم ؛ هزار نفر دوست انتخاب کن، و بدان هزارنفر دوست برای یك انسان کم است، و مبادا (رفتار و یا گفتاری داشته باشی که) یك نفر را دشمن خود گردانی ، زیرا : یك دشمن هم برای تو (در زندگی) زیاد است .

۱۰ـ بحارالأنوار(ص:۴۱۴،ج:۱۳ وص:۲۷۸،ج:۷۱)، کنزالفوائد(ص:۳۶)، أعلام الدّین(ص: ۱۸۳)، أمالی الصّدوق(ص:۵۳۲)، دیوان علی علیه السلام (ص:۲۰۷)، قصص الأنبیاء الرّاوندی(ص:۳۲۷)، وسائل الشّیعة(ص:۱۷،ج:۱۲)، مستدرك الوسائل(ص:۳۲۳،ج:۸) :

فقال أمیرالمؤمنین علیه السلام :

تَکَثَّرْ مِنَ الإخْوانِ مَا اسْتَطَعْتَ إنَّهُمْ عِمادٌ إذا مَا اسْتَنْجَدُوا وَ ظُهُورٌ[1]
وَ لَیْسَ کَثِیرٌ أَلْفَ خَلٍّ وَ صاحِبٍ وَ إنَّ عَدُوّاً واحِداً لَکَثِیرٌ

و حضرت أمیرالمؤمنین علیه السلام فرموده: بر تعداد برادران خود بیفزا به هر چه که بتوانی، زیرا: آنان ستون زندگی تو هستند، و هزار نفر دوست و مصاحب برای یك نفر زیاد نیست، ولکن داشتن یك دشمن هم زیاد است، (هر چند کوچك و ناتوان باشد) .

آری: یکی از تکالیف أخلاقی اسلامی هر مسلمان اینست که با دیگران بطور

---

[1] و فی بعض النّسخ :
علیك باخوان الصّفآء فإنّهم عماد إذا استنجدتهم و ظهور

دوستانه رفتار کند، و کوشش داشته باشد که دیگران با او دوست واقعی باشند .

۱۱ـ وسائل الشّیعة(ص:۲۵ و ص:۱۴۶،ج:۱۲)، الکافی(ص:۶۳۹ ،ج:۲)، عدّة من أصحابنا، عن: أحمد بن محمّد، عن: محمّد بن الحسن، عن: عبید الله الدّهقان، عن: أحمد بن عائذ ، عن: عبید الله الحلبیّ عن : أبی عبدالله عليه السلام قال :

بحارالأنوار(ص:۱۷۳،ج:۷۴ وص:۲۴۹،ج:۷۸)، إثنی‌عشریّة(ص:۲۰۹باختلاف)، وسائل الشّیعة (ص:۲۵،ج:۱۲)، مستدرك الوسائل(ص:۳۳۰،ج:۸)، تحف‌العقول(ص:۳۸۵)، الکافی(ص:۶۳۹ ، ج:۲)، مرآة العقول(ص:۵۳۲،ج:۱۲)، شرح الکافی(ص:۸۳،ج:۱۱)، أمالی الصّدوق(ص:۶۶۹)، مصادقة الإخوان(ص:۳۰)، روضة‌الواعظین(ص:۳۸۷)، مشکاة‌الأنوار(ص:۸۳)، المحجّة‌البیضاء(ص: ۳۱۶،ج:۳)، الخصال(ص:۲۷۷)، الصّدوق، عن: أبیه، عن: سعد بن عبدالله، عن: الهیثم بن أبی مسروق النّهدی، عن: عبد العزیز بن عمر الواسطیّ عن: أبی خالد السجستانیّ عن: یزید بن خالد النیسابوریّ :

عَنِ الصّادِقِ عليه السلام قالَ: لاتَكُونُ الصَّداقَةُ إلاّ بِحُدُودِها فَمَن كانَتْ فِيهِ هذِهِ الحُدُودُ أَوْ شَيءٌ مِنْها ، فَانْسِبْهُ إِلَى الصَّداقَةِ ، وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شَيءٌ مِنْها ، فَلاتَنْسِبْهُ إلىٰ شَيءٍ مِنَ الصَّداقَةِ ، أَوَّلُها: أَنْ تَكُونَ سَرِيرَتُهُ وَ عَلانِيَتُهُ لَكَ واحِدَةً ، وَ الثّانِيَةُ : أَنْ يَرىٰ زَيْنَكَ زَيْنَهُ وَ شَيْنَكَ شَيْنَهُ ، وَ الثّالِثَةُ : أَنْ لايُغَيِّرَهُ عَلَيْكَ وِلايَةٌ وَ لامالٌ ، وَ الرّابِعَةُ : أَنْ لايَمْنَعَكَ شَيْئاً تَنالُهُ مَقْدِرَتُهُ، وَ الْخامِسَةُ: وَ هِيَ تَجْمَعُ هذِهِ الخِصالَ: أَنْ لايُسَلِّمَكَ عِنْدَ النَّكَباتِ .

حضرت امام صادق عليه السلام درباره شناخت و صفات دوست واقعی فرموده: دوست حقیقی کسی است که دارای این پنج صفت باشد :

۱ـ رفتار و گفتار او نسبت به تو در پنهانی و غیاب، و حضور و علنی یکسان باشد و منافق دو رو نباشد . ۲ـ آنکه زینت و دور بودن تو را از عیوب، همانند خود بداند، و زشتیهای تو را دز رفتار و گفتار همانند زشتیهای خود بداند، همچنانکه زشتی را برای خود نمی‌پسندد برای تو نیز نپسندد (و در پنهانی به تو

تذکّر دهد) ، ۳ـ تغییر ندهد حالات خود را زمانی که ثروتمند شد و یا به مقامی از قبیل ریاست رسید ، ۴ـ تو را محروم نکند و دریغ ننماید از هر چه که به او رسیده و در توان دارد ، ۵ ـ که جامع همه اینها است ، در هنگام گرفتاری و نیازمندی فکری و یا مالی و سختیها و مشکلات زندگی، تو را رها نکند .

۱۲ـ أمالی الصّدوق (ص:۵۳۲)، بحارالأنوار (ص:۱۷۳،ج:۷۴ و ص:۲۵۱،ج:۷۸)، مجموعة ورّام(ص:۱۱۸، ج:۲ بتغییر ما)، معدن الجواهر(ص:۳۴)، روضة الواعظین (ص:۳۸۸)، وسائل الشّیعة (ص:۱۴۷،ج:۱۲)، مستدرك الوسائل(ص:۳۳۰،ج:۸) :

وَ قالَ الصّادِقُ عليه السلام لِبَعْضِ أصْحابِهِ : مَنْ غَضِبَ عَلَيْكَ مِنْ إخْوانِكَ ثَلاثَ مَرّاتٍ، فَلَمْ يَقُلْ فِيْكَ شَيْئاً شَرّاً، فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ صَدِيْقاً .

و همچنین حضرت امام صادق عليه السلام فرموده : اگر کسی سه مرتبه از تو ناراحت شد و خشم کرد ، ولی در موقع خشم و یا بعد از خشمگین شدن بدیهای تو را بیان نکرد و سخنان زشت نگفت ، او دوست واقعی تو است ، و به دیده دوستی باید به او نظر کنی .

۱۳ـ أمالی الطّوسی(ص:۲۶۰،ج:۲)، مصادقة الإخوان(ص:۷۲)، بحارالأنوار(ص:۱۸۰،ج:۷۴)، الحسین بن عبید الله، عن: هارون بن موسی، عن: ابن معمّر، عن: محمّد بن الحسین الزّیات، عن: الحسن بن علی بن فضّال، عن: علیّ بن عقبة :

عَنْ: أبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قالَ : لاتُسَمِّ الرَّجُلَ صَدِيْقاً سِمَةَ مَعْرِفَةٍ حَتّى تَخْتَبِرَهُ بِثَلاثٍ: تُغْضِبُهُ فَتَنْظُرُ غَضَبَهُ يُخْرِجُهُ مِنَ الْحَقِّ إلَى الْباطِلِ، وَ عِنْدَ الدِّيْنارِ وَ الدِّرْهَمِ، وَ حَتّى تُسافِرَ مَعَهُ .

حضرت امام صادق عليه السلام می‌فرمود : مردی را دوست واقعی خود ندان مگر آنکه او را در سه مورد آزمایش کنی ، ۱ـ او را به خشم آور ، و سپس نظر کن که حق را رها می‌نماید و به باطل و نادرستی تمایل پیدا می‌کند ، ۲ـ از او

درخواست کمك مالی بنما ، ۳ـ با او مسافرت کن (که فکر و أندیشه و حـالت درونی و پنهانی هر شخصی در این سه مورد کاملاً معلوم می‌گردد) .

۱۴ـ نهج البلاغة(حِکَم:۱۲)، وسائل الشیعة(ص:۱۸،ج:۱۲)، بحارالأنوار(ص:۲۷۸،ج:۷۴) :

وَ قالَ أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام : أَعْجَزُ النّاسِ مَنْ عَجَزَ عَـنِ اكْتِسابِ الْإِخْوانِ، وَ أَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفِرَ بِهِ مِنْهُمْ .

حضرت أمیرالمؤمنین عليه السلام فرموده: ناتوان ترین مردم کسی است که عاجز باشد از بدست آوردن برادری دینی، و عاجزتر از او کسی است که برادران دینی خود را (در اثر بد رفتاری و بد گفتاری و بدأندیشی و بدأخلاقی) از دست بدهد .

۳) بحارالأنوار(ص:۴۲۶،ج:۱۳)، الدرّ المنثور(ص:۱۶۲،ج:۵)، تنبیه الخواطر(ص:۲۳۱)، إثنی عشریّة(ص:۲۵)، مستدرك الوسائل(ص:۱۵۹،ج:۷) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ: يابُنَيَّ؛ إتَّخِذْ تَقْوَىْ اللهِ تِجارَةً تَأتِكَ الْأَرْباحُ مِنْ غَيْرِ بِضاعَةٍ، وَ إذا أَخْطَأْتَ خَطِيئَةً فَابْعَثْ فِى أَثَرِها صَدَقَةً تُطْفِئُها .

حضرت لقمان(ع) بفرزند خویش فرموده : ای پسرم ؛ قرار بده در زندگی خود تقوی(پرهیز از تمام گناهان و ناروائیهای دینی و أخلاقی)را سرمایه تجارت، تا از همه طرف فایده و سود نصیب تو شود بدون داشتن سرمایه مـالی ، و اگـر مرتکب خطا و اشتباه(دینی و یا أخلاقی و یا اعتقادی و یا فکری) شدی (بلافاصله) بدنبال آن صدقه (در راه خدا) بده تا أثر شُوم و بدی آن خـاموش و برطـرف گردد (و زندگی تو را فرا نگیرد) .

۱۵ـ إثنی عشریّة(ص:۳۲۴) :

رُوِىَ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم أنّه قالَ : عَلَيْكُمْ بِالصَّدَقَةِ فَإنَّ فِيـها عَشْـرَ خِصالٍ، خَمْسَةٌ فِى الدُّنْيا، وَ خَمْسَةٌ فِى الْآخِرَةِ، أَمَّا الدُّنْيا: تَطْهِيرُ أَمْوالِكُمْ وَ تَطْهِيرُ أَبْدانِكُمْ، وَ دَواءُ مَرْضاكُمْ، وَ دُخُولُ الْمَسَرَّةِ فِى الْقُلُوبِ، وَ زِيـادَةُ

الْأَمْوالِ، وَ سَعَةُ الرِّزْقِ، وَ أَمَّا فِی الْعُقْبیٰ: ظِلٌّ فِی الْقِیامَةِ، وَ سُهُولَةُ الْحِسابِ، وَ رُجْحانُ الْمِیزانِ بِالثَّوابِ، وَ جَوازٌ عَلَی الصِّراطِ، وَ دَرَجَةُ الْأَعْلیٰ.

روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: بر شما باد به صدقه دادن، زیرا: در آن ده فایده است، که پنج آن در دنیا و پنج دیگر آن در آخرت بدست می‌آید، که: ۱ـ در دنیا سرمایه و ثروت و زندگی و بدن شما را پاك و پاکیزه می‌سازد، ۲ـ دارو است برای شفا یافتن و سلامتی بیماران شما،۳ـ دل شما را شادمان گردانده،۴ـ باعث زیاد شدن أموال شما می‌گردد،۵ ـ موجب وسعت رزق خواهد بود.

و در قیامت : ۱ـ سایه‌بان شما است ،۲ـ باعث آسانی حساب ،۳ـ سنگین شدن کفّه ترازوی أعمال خیر و ثواب،۴ـ جواز بر عبور از پل صراط، ۵ ـ و رسیدن به درجه أعلای بهشت .

۱۶ـ ثواب‌الأعمال(ص:۱۴۱)، الخصال(ص:۴۸)، مکارم‌الأخلاق(ص:۱۳۶)، من‌لایحضر(ص: ۶۶،ج:۲)، المحجّةالبیضاء(ص:۱۰۹،ج:۲)، الکافی(ص:۲،ج:۴)، فرج المهموم(ص:۱۱۷)، مکارم الأخلاق(ص:۳۸۸)، بحارالأنوار(ص:۸۱ ،ج:۷۴، وص:۱۱۹وص:۱۲۹وص: ۱۳۱، ج:۹۶)، روضة المتّقین(ص:۱۹۹،ج:۳)، وسائل الشیعة(ص:۳۱۱ و ص:۳۹۵،ج:۹)؛

عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قالَ: الْبِرُّ وَ الصَّدَقَةُ یَنْفِیانِ الْفَقْرَ، وَ یَزِیدانِ فِی الْعُمْرِ، وَ یَدْفَعانِ عَنْ صاحِبِهِما [تِسْعِینَ] مِیتَةَ السُّوءِ .

حضرت امام باقر علیه السلام فرموده : نیکویی و صدقه نابود می‌سازند فقر (و گرفتاریها) را ، و باعث زیادی عمر ، و بر طرف می نمایند هفتاد نوع مرگ بد و ناشایسته را .

۱۷ـ بحارالأنوار(ص:۸۸ ،ج:۴۶ و ص:۸۲ و ص:۹۴ و ص:۱۰۳،ج:۷۴ و ص:۳، ج:۷۶ و ص: ۱۷۴،ج:۷۷ و ص:۲۴ و ص:۱۳۱ و ص:۱۳۷ و ص:۱۴۶ و ص:۱۷۶ و ص:۱۷۸، ج:۹۶ و ص:۲۰۸، ج:۱۰۴)، المحجّةالبیضاء(ص:۱۰۹،ج:۲)، من لایحضر(ص:۶۷،ج:۲)، روضةالمتّقین(ص:

۲۰۵،ج:۳)، معانی الأخبار(ص:۲۶۴)، النّوادر(ص:۳۵)، کتاب الإمامة و التّبصرة (ص:)، عن: الحسن بن حمزة العلوی، عن: علیّ بن محمّد بن أبي القاسم، عن: أبیه، عن: هارون بن مسلم، عن: مسعدة بن صدقة، عن: **الصّادق عليه السلام إنّه قال :**

المقنعة(ص:۲۶۱)، مکارم الأخلاق(ص:۱۳۷)، المناقب(ص:۱۵۳،ج:۴)، النّوادر(ص:۳)، التّهذیب(ص:۱۰۵،ج:۴)، وسائل الشّیعة(ص:۳۱۱،ج:۹)، مستدرك الوسائل(ص:۱۸۱،ج:۷)، أعلام الدّین(ص:۳۹۴)، ثواب الأعمال(ص:۱۴۳)، الجعفریات(ص:۵۶)، دعائم الإسلام(ص:۳۳۱،ج:۲)، الزّهد(ص:۳۶)، من لایحضر(ص:۶۷ ،ج:۲)، الکافی(ص:۷،ج:۴)، مرآة العقول(ص:۱۳۱،ج:۱۶)، عدّة من أصحابنا، عن: سهل بن زیاد، عن: جعفر بن محمّد الأشعریّ، عن: ابن القدّاح :

عَن : أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ : أَبِيْهِ عليه السلام قَالَ : قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم : صَدَقَةُ السِّرِّ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ جل جلاله .

حضرت صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش نقل فرموده که رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرموده: صدقه دادن در پنهانی باعث فرو نشاندن خشم و عذاب پروردگار است.

۱۸ـ مکارم الأخلاق(ص:۱۳۵)، کتاب الإمامة و التّبصرة(ص:)، عن: الحسن بن حمزة العلویّ، عن: علیّ بن محمّد بن أبي القاسم، عن: أبیه، عن: هارون بن مسلم، عن: مسعدة بن صدقة، **عَنْ: أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ: رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم :**

من لایحضر(ص:۶۷،ج:۲)، روضة المتّقین(ص:۲۰۷،ج:۳)، النّوادر(ص:۴۲)، وسائل الشّیعة(ص: ۲۴۷ و ص:۴۱۱،ج:۹ وص:۳۱۸،ج:۱۶)، مستدرك الوسائل(ص:۱۹۴،ج:۷ و ص:۲۶۳،ج:۱۲)، التّهذیب (ص:۱۰۶،ج:۴)، المحجّة البیضاء(ص:۱۱۰،ج:۲)، مکارم الأخلاق(ص: ۱۳۵)، بحار الأنوار(ص:۱۰۴ و ص:۳۱۱،ج:۷۴ و ص:۱۴۰،ج:۱۰۳)، الکافی(ص:۱۰،ج:۴)، مرآة العقول(ص: ۱۳۵،ج:۱۶)، علیّ بن إبراهیم، عن: أبیه : إبراهیم بن هاشم ، عن : الحسین بن یزید النّوفلیّ ، عن : إسماعیل بن زیاد السّکونی:

عَن: الصّادِقِ عليه السلام قالَ : اَلصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ ، وَ الْقَرْضُ بِثَمانِيَةَ عَشَرَ، وَ صِلَةُ الإخْوانِ بِعِشْرِينَ ، وَ صِلَةُ الرَّحِمِ بِأَرْبَعَةٍ وَ عِشْرِيْنَ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : صدقه ده ثواب و فایده دارد ، و قرض الحسنه دادن هیجده ثواب و فایده ، و معاشرت با برادران (نسبی و دینی) بیست فایده و ثواب ، و صله رحم أنجام دادن بیست و چهار نتیجه و فایده و ثواب دارد (در زندگی و آخرت) .

۴) بحارالأنوار(ص:۴۲۷،ج:۱۳)، الإختصاص(ص:۳۳۶)، عن: الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ: یابُنَیَّ؛ إتَّعِظْ بالنّاسِ قَبْلَ أنْ یَتَّعِظَ النّاسُ بكَ ، یابُنَیَّ؛ إتَّعِظْ بِالصَّغِیْرِ قَبْلَ أنْ یَنْزِلَ بِكَ الْكَبِیْرُ .

حضرت لقمان(ع) بفرزندش می‌فرموده: فرزندم؛ از زندگی و رفتار و مشکلات مردم پند و عبرت بگیر برای زندگی خود پیش أز آنکه مردم از رفتار و گرفتاری‌های تو پند و عبرت بگیرند. فرزندم؛ پند بگیر از مصیبت و بلاها و گرفتاری‌های کوچك پیش از آنکه گرفتاری بزرگ برای تو پیش آید(که گرفتاری‌های کوچك باید باعث آگاهی تو شود که مواظبت نمایی تا گرفتاری‌های بزرگ برای تو پیش نیاید) .

۱۹ـ بحارالأنوار(ص:۹۰،ج:۷۸)، أعلام الدّین(ص:۱۸۷)، کنزالفوائد(ص:۲۷۹) :

و قالَ أمیرُالمؤمِنینَ عليه السلام : إتَّعِظْ بِغَیْرِكَ وَ لاتَكُنْ مُتَّعَظاً بِكَ.

حضرت أمیرالمؤمنین عليه السلام فرموده: از شیوه و رفتار دیگران پند بگیر ، و مبادا چنان رفتاری داشته باشی که موجب گرفتاری تو گردد و دیگران از تو درس عبرت بگیرند .

۲۰ـ تحف‌العقول(ص:۹۴)، الزّهد(ص:۱۴)، مجموعة ورّام(ص:۲۱۱ ۲)، إرشاد القلوب الدّیلمیّ (ص:۷۳،ج:۱)، أعلام الدّین(ص:۲۲۳)، الخصال(ص:۶۲۰،ج:۲)، أمالی‌الصّدوق(ص:۲۹۲)، بحار الأنوار(ص:۹۹،ج:۱۰ وص:۲۱۱، ج:۲۱ وص:۴۰۲،ج:۳۲ وص:۳۲۴،ج:۷۱ وص:۱۳۵ و ص:۱۳۸، ج:۷۷)، روضة المتّقین(ص:۶،ج: ۱۳)، الإختصاص(ص:۳۴۳)، الإمامة و التّبصرة(ص:)، من لایحضر

(ص:۳۷۷،ج:۴)، عوالی اللّئالی (ص:۲۹۶)، عن: الصّادق (ع) قال: قالَ رَسُولُ الله (ص) :

وَ قالَ أَميرُالْمُؤْمِنينَ (ع) فی خُطْبَتِهِ الْمَعْرُوفَةِ بِالْوَسيلَةِ : وَ السَّعيدُ مَنْ وَعَظَ بِغَيْرِهِ.

و همچنین حضرت أمیرالمؤمنین (ع) فرموده: خوشبخت آن کسی است که از رفتار و کردار و زندگی خوش و گرفتاری دیگران پند بگیرد (و شیوه نیکو کاران را پیش گیرد ، و روش زشت کاران را ناپسند دانسته و دوری گزیند) .

۲۱ـ بحارالأنوار(ص:۹۸،ج:۳۴)، غررالحکم(ص:۴۷۱،ج:۱)، مجموعة ورّام(ص:۸،ج:۲)، نهج البلاغة(خطبة:۳۲) :

قال عَلِيٌّ (ع) : وَ اتَّعِظُوا بِمَنْ كانَ قَبْلَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَتَّعِظَ بِكُمْ مَنْ بَعْدَكُمْ .

حضرت أمیرالمؤمنین (ع) می‌فرمود: پند بگیرید و با دیده عبرت بنگرید از أحوال (خوبان و بَدان) کسانی که پیش از شما بوده‌اند (که در آثر خوبی و خوب أندیشی و خوب‌کرداری به خیر و خوبی رسیدند، و یا بواسطه بدگفتاری و بدکرداری چگونه گرفتار شدند) ، پیش از آنکه آینده‌گان از گفتار و رفتار شما پند (و درس زندگی بیاموزند و عبرت) بگیرند .

۵) المحجّة البیضاء(ص:۱۰۱،ج:۳) ، مکارم الأخلاق (ص:۲۳۱) ، غرر الحکم (ص:۴۰۸)، خصائص (ص:۱۰۰)، تحف العقول(ص:۳۶۸)، أمالی الصّدوق(ص:۲۵۰)، إرشاد القلوب الدّیلمی(ص: ۷۲ ، ج :۱) ، الإختصاص(ص:۲۷۶) :

فِي وَصِيَّةِ لُقْمانَ (ع) لابْنِهِ: يا بُنَيَّ؛ إِتَّقِ الْمَرْأَةَ السُّوءِ، فَإِنَّها تُشَيِّبُكَ قَبْلَ الْمَشيبِ ، وَ اتَّقِ شِرارَ النِّساءِ ؟ فَإِنَّهُنَّ لا يَدْعُونَ إِلىٰ خَيْرٍ، وَ كُنْ مِنْ خِيارِهِنَّ عَلى حَذَرٍ .

حضرت لقمان(ع) بفرزند خود سفارش کرده و فرموده : ای پسرم ؛ بترس

و دوری کن از زن بد (أخلاق و بدرفتار) زیرا : تو را پیر می‌کند پیش از آنکه زمان پیری تو فرا رسد ، و سخت بترس و دوری کن از زنـان شـرور و (فتنـه أنگیز) زیرا: آنان کسی را به خیر و خوبی رهبری و دعوت نمی‌کنند، و از زنان خوب هم همیشه برحذر باش .

و در تأیید گفتار حضرت لقمان(ع) روایت ذیل است که :

۲۲ـ الحجّة البیضاء (ص:۱۰۰،ج:۳)، تحف العقول (ص:۳۸۲) ، الکافی(ص:۵۱۵،ج : ۵) ، مرآةالعقول(ص:۳۳۱ج:۲۰)، بحارالأنوار(ص:۲۴۹،ج:۷۸)، محمّد بن یحیی، عن: أحمد بـن محمّد بن عیسی، عن: ابن محبوب، عن: ابن سنان، عن: بعض أصحابه :

عَنْ: أبیْ جَعْفَر عليه السلام قالَ: قالَ رَسُولُ الله صلى الله عليه وآله وسلم : ما لإبْلِیسَ جُنْـدٌ أعْظَمُ مِنَ النِّسآءِ و الغَضَبِ .

حضرت امام محمّد باقر عليه السلام می‌فرمود که: رسـول خـدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمـوده: برای شیطان هیچ لشکر و یاوری بزرگتر از : زن ، و خشم و غضب نیست .

۲۳ـ السّعادة الأبدیّة(ص:۱۰۸)، إثنی عشریّة(ص:۲۰۳):

عَن: النَّبِیِّ صلى الله عليه وآله وسلم أنَّهُ قالَ: خَمْسَةٌ تَسْرَعُ فی الشَّیْب: کَثْرَةُ الدَّیْن، و کَثْرَةُ الطِّیب، و کَثْرَةُ الْبُخُورِ، و کَثْرَةُ الْبَلْغَمِ [وَ کَثْرَةُ الْجِماعَ] .

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم می‌فرموده : پنج چیز است کـه انسـان را بـه پـیری زودرس مبتلا می‌سازد : ۱ـ قرض فراوان (که در برابرش نداشته باشد)،۲ـ زیـاد بکار بردن عطر(های تند بو) ، ۳ـ زیاد بکار بردن بخورات و عـود ، ۴ـ زیـادی بلغم ، ۵ ـ زیاد جماع کردن .

۶) الإختصاص(ص:۳۴۰)، بحارالأنوار(ص:۴۳۱،ج:۱۳)، عن: الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لِإبْنهِ: یا بُنَیَّ؛ إتَّقِ النَّظَرَ إلی ما لاتَمْلِکُهُ ، وَ أطِـلِ التَّفَکُّرَ فی مَلَکُوْت السَّماوات وَ الْأرْضِ وَ الْجِبالِ وَ ما خَلَقَ اللهُ ، فَکَفـی

بِهذا واعِظاً لِقَلْبكَ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده: ای فرزندم؛ بپرهیز از نظر کردن به آنچه که مالك و صاحب اختیارش نیستی (از زنان و دختران نامحرم و أموال دیگران، و همچنین نظر نداشته باش به چیزی که در توان تو نیست که آن را بدست آوری) و بسیار فکر و أندیشه داشته باش در ملکوت و عوالِم آسمانها و زمین و کوهها و آنچه را (از حیوانات و نباتات و جمادات و گردش زمین و خورشید و ماه و ستارگان) که خدا آفریده، و توجّه به اینها کافی است برای پند و راهنمایی گرفتن دل تو .

۷) إثنی عشریّة(ص:۷۱) :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لابْنهِ : یابُنَیَّ ؛ إجْعَلْ خَطایاكَ بَیْنَ عَیْنَیْكَ إلیٰ أنْ تَمُوْتَ ، وَ أمّا حَسَناتُكَ تَنالُهُ عَنْها فَإنَّهُ قَدْ أحْصاها مَنْ لایَنْساها .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود می‌فرموده: ای پسرم ؛ همیشه قرار بده تمام خطاها و اشتباه‌کاریها و گناهان خود را در برابر دیده‌گانت تا زمانیکه از دنیا می‌روی، (شاید پیش از مرگ توبه نمایی و جبران گذشته بنمایی) ولی کارهای نیك و أعمال خوب و عبادات خود را نیازی نداری که همیشه به یاد و به خاطر داشته باشی، زیرا: شماره آنها را آن کسی می‌داند و نگهداری می‌کند که هیچگاه فراموش نمی‌نماید .

۸) الإختصاص(ص۳۳۷)، بحارالأنوار(ص:۴۲۸،ج:۱۳)، عن: الأوزاعیّ :

قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنهِ : یابُنَیَّ ؛ إجْعَلِ الدُّنْیا سِجْنَكَ فَتَكُونَ الآخِرَةُ جَنَّتَكَ .

حضرت لقمان(ع) به فرزندش فرموده: پسرم؛ قرار بده دنیا را زندان برای (هوای نَفْس) ، خود تا آخرت برایت بهشت باشد .

اگر کسی در دنیا خود را از گناه کردن زندانی کند ، و تجاوز از حدّ دیـــن ننماید بطور مسلّم و یقین در آخرت بهشت جایگاه او خواهد بود ، زیرا: گناهی ندارد که به جهنّم برود.

۹) إرشاد القلوب الدّیلمی(ص:۷۱ ،ج:۱)، إرشاد القلوب المـترجم(ص:۱۶۵،ج:۱) ، أعـلام الدّین (ص:۳۲۷)، کنز الفوائد (ص:۶۶ ،ج:۲)، بحـارالأنوار (ص :۴۳۲،ج:۱۳ و ص :۵۳ ، ج :۷۲ و ص : ۴۵۸، ج:۷۸) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لاِبْنِهِ: یابُنَیَّ؛ إجْعَلْ غِناکَ فی قَلْبِکَ، وَ إذَا افْتَقَرْتَ فَلا تُحَدِّثِ النّاسَ بِفَقْرِکَ فَتَهُوْنَ عَلَیْهِمْ ، وَلکِنِ اسْئَلِ اللّهَ مِنْ فَضْلِهِ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود نصیحت کرده و فرموده: ای پسرم ؛ قرار بده ثروتمندی خود را در دل خود (که دل را راضی و قانع گردان به آنچه که از حلال بدست تو آمده و حریص بر جمع مال مباش)، و هرگاه نیازمند شدی، فقر و احتیاج خود را برای مردم بازگو مکن ، زیرا: در نظر ایشان بی‌قدر و بی‌اعتبار خواهی شد، و از خدا درخواست کن تا از فضل و کرم خود تو را بی‌نیاز گرداند و وسیله رفع فقر و احتیاج تو را فراهم سازد (که زیر بار منّت مردم نباشی) .

می‌دانـیم آنچه را که در جهان هست و یا بوجود می‌آید علّـــت و جـهتی دارد، از جمله: فقر و تهیدستی است، که چند موضوع باعث فقر می‌شود، چنانکه روایت شده :

۲۴ـ جامع الأخبار(ص:۱۴۴)، بتقدیم و تأخیر عن : النّبیّ صلّی الله علیه و آله و سلّم إنّه قال :

وسائل الشّیعة(ص:۳۴۷ ،ج:۱۵)، مستدرك الوسـائل(ص:۴۶۷،ج:۱ و ص:۴۵۶ و ص:۴۵۸، ج:۳)، مشکاة الأنوار(ص:۱۲۸) ، دعوات الرّاوندی(ص:۱۱۶)، روضة الواعظین (ص:۴۵۵) الخصـال (ص:۵۰۴)، بحارالأنوار(ص:۱۷۶ و ص:۳۱۴ ،ج :۷۶)، الصّدوق ؛ محمّد بن علیّ ماجیلویه، عن: عمّه محمّد بن أبی القاسم ، عن: محمّد بن علیّ القرشیّ الکوفیّ عن : أبی زیاد محمّد بن زیاد البصریّ ، عن:

عبدالله بن عبدالرّحمن المدائنیّ ، عن: ثابت بن أبی صفیّة الثّمالیّ، عن: ثور بن سعید، عن: أبیه سعید بن علاقة ، قال :

سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام يَقُولُ : تَرْكُ نَسْجِ الْعَنْكَبُوتِ فِي الْبَيْتِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ الْبَوْلُ فِي الْحَمّامِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ الْأَكْلُ عَلَى الْجَنابَةِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ التَّخَلُّلُ بِالطَّرْفاءِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ التَّمَشُّطُ مِنْ قِيامٍ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ تَرْكُ الْقُمامَةِ فِي الْبَيْتِ يُورِثُ الْفَقْرَ ، وَ الْيَمِينُ الْفاجِرَةِ تُورِثُ الْفَقْرَ، وَ الزِّنا يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ إِظْهارُ الْحِرْصِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ النَّوْمُ بَيْنَ الْعِشائَيْنِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ النَّوْمُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ تَرْكُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ يُورِثُ الْفَقْرَ ، وَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ تُورِثُ الْفَقْرَ ، وَ إِعْتِيادُ الْكِذْبِ يُورِثُ الْفَقْرَ ، وَ كَثْرَةُ الْإِسْتِماعِ إِلَى الْغِنآءِ يُورِثُ الْفَقْرَ ، وَ رَدُّ السّائِلِ الذَّكَرِ بِاللَّيْلِ يُورِثُ الْفَقْرَ.

وَ زِيْدَ فِي جامِعِ الْأَخْبارِ : وَ الْقِيامُ مِنَ الْفِراشِ لِلْبَوْلِ عُرْياناً يُورِثُ الْفَقْرَ ، وَ تَرْكُ غَسْلِ الْيَدَيْنِ عِنْدَ الْأَكْلِ يُورِثُ الْفَقْرَ ، وَ إِهانَةُ الْكَسْرَةِ مِنَ الْخُبْزِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ إِحْراقُ الثَّومِ وَ الْبَصَلِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ الْقُعُودُ عَلَى أُسْكُفَّةِ الْبَيْتِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ كَنْسُ الْبَيْتِ فِي اللَّيْلِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ غَسْلُ الْأَعْضآءِ فِي مَوْضِعِ الْإِسْتِنجآءِ يُورِثُ الْفَقْرَ ، وَ مَسْحُ الْأَعْضآءِ الْمَغْسُولَةِ بِالذَّيْلِ وَ الْكُمِّ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ وَضْعُ الْقِصاعِ وَ الْأَوانِي غَيْرَ مَغْسُولَةٍ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ وَضْعُ أَوانِي الْمآءِ غَيْرَ مُغَطاةِ الرُّؤُسِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ اسْتِخْفافُ الصَّلاةِ يُورِثُ الْفَقْرَ ، وَ تَعْجِيلُ الْخُرُوجِ مِنَ الْمَسْجِدِ ، وَ الْبُكُورُ إِلَى السُّوقِ ، وَ تَأْخِيرُ الرُّجُوعِ عَنْهُ إِلَى الْعِشآءِ ، وَ شِراءُ الْخُبْزِ مِنَ الْفُقَرآءِ ، وَ اللَّعْنُ عَلَى الْأَوْلادِ يُورِثُ الْفَقْرَ ، وَ الْكِذْبُ وَ خِياطَةُ الثَّوْبِ عَلَى الْبَدَنِ يُورِثُ الْفَقْرَ ، وَ إِطْفآءُ السِّراجِ بِالنَّفَسِ يُورِثُ الْفَقْرَ .

جامع الأخبار(ص:١۴۵) : ثُمَّ قالَ عليه السلام : أَلا أُنَبِّئُكُمْ بَعْدَ ذٰلِكَ بِما يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ ؟ قالُوا : بَلىٰ يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، فَقالَ عليه السلام : الجَمْعُ بَيْنَ الصَّلاتَيْنِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ، وَ التَّعْقِيبُ بَعْدَ الْغَداةِ وَ بَعْدَ الْعَصْرِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ، وَ صِلَةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِى الرِّزْقِ ، وَكَسْحُ الْفِناءِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ، وَ مُواساةُ الأَخِ فِى اللهِ عزّوجلّ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ ، وَ الْبُكُورُ فِى طَلَبِ الرِّزْقِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ ، وَ الإِسْتِغْفارُ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ ، وَ اسْتِعْمالُ الأَمانَةِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ ، وَ قَوْلُ الْحَقِّ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ ، وَ إِجابَةُ الْمُؤَذِّنِ تَزِيدُ فِى الرِّزْقِ ، وَ تَرْكُ الْكَلامِ فِى الْخَلاءِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ ، وَ تَرْكُ الْحِرْصِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ ، وَ شُكْرُ الْمُنْعِمِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ ، وَ اجْتِنابُ الْيَمِينِ الْكاذِبَةِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ ، وَ الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعامِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ، وَ أَكْلُ ما يَسْقُطُ مِنَ الْخَوانِ يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ ، وَ مَنْ سَبَّحَ اللهَ عزّوجلّ كُلَّ يَوْمٍ ثَلاثِينَ مَرَّةً يَزِيدُ فِى الرِّزْقِ وَ دَفَعَ اللهُ عزّوجلّ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنَ الْبَلاءِ أَيْسَرُها الْفَقْرُ.

حضرت أمير المؤمنين عليه السلام مى فرموده: بودن تار عنكبوت در خانه باعث فقر است، و همچنين: ادرار در(آب مورد استفاده) حمّام، خوردن در حال جنابت، خلال دندان با چوب جارو و أنار، ايستاده شانه كردن، خاكروبه را در خانه باقى گذاشتن، قسم دروغ ياد كردن، زنا كردن، إظهار حرص بر دنيا نمودن ، خواب فيما بين نماز مغرب و عشاء ، خواب پيش از طلوع آفتاب، و درآمد و مخارج زندگى را منظّم ننمودن، قطع رحم و ترك معاشرت با خويشاوندان كردن، عادت به دروغگويى، گوش دادن به آواز غنا و موسيقى، ردّ سائل در أوّل شب، باعث فقر و تهى‌دست شدن است .

و در جامع الأخبار(ص:١۴۵)، علاوه از آنچه كه بيان شد، اضافه مى‌كند: در شب بدون لباس از خوابگاه برخواستن و به توالت رفتن موجب فقر است ، و

همچنین: دست (و با ظرف) نشُسته غذا خوردن، پاره‌های نان را اهانت کردن و أهمیّت ندادن ، سوزانیدن پوست سیر و پیاز ، نشستن در آستانه درب خانه و اطاق ، شب خانه را جارو کردن ، در توالت شُستن أعضای دیگر بدن (دوش گرفتن)، صورت و دستها را بعد از شستن با دامن و آستین لباس پوشیده خشك كردن ، ظرفها را پس از صرف غذا نشستن ، ظرفهای آب خوردن را بدون سرپوش گذاشتن، أهمیّت به نماز ندادن، پس از رفتن به مسجد عجله برای بیرون آمدن داشتن، و دیر از محل کسب به خانه آمدن که شب فرا رسیده باشد، خریدن نان از فقراء (که به ایشان بعنوان صدقه داده باشند) أولاد (صالح) را لعن نمودن ، دوختن لباس درحالی که دربدن پوشیده باشد، و خاموش کردن چراغ (های روشنائی و خوراك پزی) با دهان .

سپس آن حضرت فرمود: خبر ندهم شما را به آنچه که باعث زیادی رزق می‌شود؟ عرض کردند: بلی، بیان کنید یا أمیرالمؤمنین؟ فرمود : جمع بین دو نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء نمودن، دعاهای تعقیب نماز صبح و عصر خواندن ، صله رحم معاشرت نزدیك با خویشاوندان داشتن ، روفتن و تمیز نمودن منزل ، همراهی و مساعدت و کمك به برادران (و خواهران) دینی نمودن برای رضای خدا، صبح زود به طلب کار و شغل رفتن، استغفار کردن ، أمانت را بدست صاحبش دادن ، گفتار واقع گفتن ، همراهي با أذان‌گو کردن (که هر یك از جمله‌های أذان را بگوید ، ما هم همان را بگوییم) ، سخن نگفتن در توالت ، حریص بر دنیا نبودن ، تشکّر نمودن از کسی که به ما کمك و مساعدت نموده ، دوری کردن از قسم دروغ، وضو گرفتن پیش از غذا خوردن، و خوردن خورده نانهائی که از سفره می‌ریزد، و هر که تسبیح کند خدا را (به گفتن : سُبْحانَ اللهِ) هر روز سی مرتبه ، خداوند برطرف خواهد فرمود از او هفتاد نوع از بلاها و گرفتاریها که

کوچکترین آن فقر و نداری است .

۱۰) أمالی الطّوسی(ص:۶۶،ج:۱)، الطّوسیّ، عن: شیخه، عن: والده، عن : محمّد بن محمّد ، عن :جعفر بن محمّد بن قولویه، عن: حسین بن محمّد بن عامر، عن: القاسم بن محمّد الإصفهانیّ ، عن: سلیمان بن داود المنقری، عن: حمّاد بن عیسی، قال: سَأَلْتُ أبا عَبْدِالله عليه السلام :

مجالس المفید(ص:۲۹۲)، ابن قولویه، عن: حسین بن محمّد بن عامر، عن القاسم بن محمّد الإصفهانیّ، عن: سلیمان بن داود المنقریّ، عن: حمّاد قال: سَأَلْتُ أبا عَبْدِالله عليه السلام :

تفسیرالقمّی(ص:۱۶۴،ج:۲)، بحارالانوار(ص:۱۶۹،ج:۱ وص:۴۱۱ و ص:۴۱۵،ج:۱۳)، علیّ بن إبراهیم، عن: أبیه، عن: القاسم بن محمّد الإصفهانیّ، عن: سلیمان بن داود المنقریّ، عن: حمّاد قال:

سألت أبا عبدالله عليه السلام عَنْ: لُقْمانَ(ع) وَ حِكْمَتِهِ ؟ قالَ عليه السلام : كانَ فِيما وَعَظَهُ لُقْمانُ إبْنَهُ : يابُنَيَّ؛ إجْعَلْ فِى أيّامِكَ وَ لَيالِيكَ وَ ساعاتِكَ لِنَفْسِكَ نَصِيباً فِى طَلَبِ الْعِلْمِ ، فَإنَّكَ لَنْ تَجِدَ لَهُ تَضْيِيعاً أشَدُّ مِنْ تَرْكِهِ ، وَ لاتُمارِيَنَّ فِيهِ لَجُوجاً ، وَ لا تُجادِلَنَّ فقيهاً ، وَ لا تُعادِيَنَ سُلْطاناً ، وَ لاتُماشِيَنَّ ظَلُوماً، وَ لاتُصادِقَنَّهُ ، وَ لا تُصاحِبَنَّ فاسِقاً نَطِقاً، وَ لاتُصاحِبَنَّ مُتَّهَماً ، وَ اخْزَنْ عِلْمَكَ كَما تَخْزَنْ وَرَقَكَ .

حمّاد گوید : از حضرت صادق عليه السلام پرسیدم از مواعظ و نصایح حضرت لقمان(ع) بفرزندش؟ فرمود: از جمله گفتارش این بوده که فرموده: فرزندم؛ قرار بده از روزها و شبها ساعتهایی را برای خودت اختصاصی که در آن ساعتها طلب علم نمایی (به مطالعه نمودن کتابهای مذهبی و مفید و خوب که در زندگی به آن نیاز داری ، و همچنین درس خواندن و درس دادن) زیرا : نخواهی یافت در زندگی برای علم ضرر و زیان و خسارتی بدتر از ترك علم، و بسبب داشتن علم مشاجره نكن با أفراد لجوج، و جدال منما با فقیهان، و با پادشاهان و حاكمان و فرمانروایان دشمنی نكن، و با ستمگران همراهی و مساعدت نكن، و طرح

دوستی و معاشرت با آنان نداشته باش ، و همراهی و همنشین مباش با فاسق چرب زبان، و به هیچ‌وجه با أفراد مورد اتّهام معاشرت و دوستی نکن (چرا که : متّهَم و شریك ظلم و گناه او خواهی شد) و حفاظت و نگهداری کن از علم خود (و کتابهای علمی و دینی خود که ضایع و فراموش نشود) همچنانکه سرمایه مادّی خود را نگهداری می‌کنی .

۲۵ـ بحارالانوار(ص:۲۱۴،ج:۱)، المحاسن(ص:۲۲۹)، أحمد بن محمد بن أبی عبدالله البرقیّ، عن: محمّد بن عبد الحمید ، عن: عمّه عبدالسّلام بن سالم سألة، عن: رجل، عَنْ: أَبِی عَبْدِاللهِ عليه السلام

قالَ: حَدِیْثٌ فِی حَلالٍ . . .

المحاسن(ص:۲۲۷)، مشکاة الأنوار(ص:۱۳۳)، وسائل الشّیعة(ص:۹۸،ج:۲۷)، بحارالأنوار (ص:۱۴۶،ج:۲)، البرقی، عن: أبیه، عن: یونس، عن: عمرو بن شمر، عن: جابر :

عَنْ: أَبِیْ جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ : سارِعُوا فِی طَلَبِ الْعِلْمِ فَوَ الَّذِی نَفْسِیْ بِیَدِهِ لَحَدِیثٌ واحِدٌ فِی حَلالٍ وَ حَرامٍ تَأْخُذُهُ عَنْ صادِقٍ خَیْرٌ مِنَ الدُّنْیا وَ مَا حَمَلَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَ فِضَّةٍ .

حضرت امام محمّد باقر عليه السلام فرموده: سرعت و شتاب کنید برای بدست آوردن علم، قسم به خدایی که جانم در قبضه قدرت او است، یك حدیث در رابطه به حلال و حرام از شخص راستگو بگیری، بهتر است از دنیا و آنچه در دنیا است از طلا و نقره .

۲۶ـ بحارالأنوار(ص:۱۵۲،ج:۲)، وسائل الشّیعة(ص:۲۳۶،ج:۱۸ و ص:۸۱ ،ج:۲۷ و ص: ۳۲۳،ج:۲۷)، عن: عبید بن زرارة قال :

مشکاةالأنوار(ص:۱۴۲)، منیةالمرید(ص:۳۴۰)، الکافی(ص:۵۲،ج:۱)، مرآة العقول(ص:۱۸۰، ج:۱)، شرح الکافی(ص:۲۶۶،ج:۲)، محمّد بن یحیی، عن : أحمد بن محمّد بن عیسی ، عن : الحسن بن علیّ بن فضّال، عن: ابن بکیر، عن: عبید بن زرارة قال :

قَالَ أبُوعَبْدِاللهِ عليه السلام : إحْتَفِظُوا بِكُتُبِكُمْ فَإنَّكُمْ سَوْفَ تَحْتاجُونَ إلَيْها .

حضرت صادق عليه السلام فرموده: کتابها و نوشتارهای خود را (حفاظت و) نگهداری کنید، زیرا: در آینده خود نیاز به آنها خواهید داشت، و آیندگان هم به آن کتابها نیازمند خواهند بود .

۲۷ـ الكافي(ص:۵۲ ،ج:۱)، مرآة العقول(ص:۱۸۰،ج:۱)، شرح الكافي(ص:۲۶۵،ج:۲)، وسائل الشّيعة(ص:۸۱ و ص:۳۲۳،ج:۲۷)، مسترك الوسائل(ص:۲۸۵ و ص:۴۱۳،ج:۱۷)، بحارالأنوار (ص:۱۵۲،ج:۲)، منية المريد(ص:۳۴۰) :

عَن: الصّادِقِ عليه السلام : اُكْتُبُوا ؛ فَإنَّكُمْ لاتَحْفَظُوْنَ حَتّىٰ تَكْتُبُوْا .

حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرموده‌اند : بنويسيد أحاديث ما را ، برای آنکه: نمی‌توانيد حفظ و نگهداری کنيد مگر آنکه بنويسيد .

۱۱) قصص الأنبياء(ص:۱۹۵)، مستدرك الوسائل(ص: ۳۴۹،ج:۱۲ و ص:۵۲ ،ج:۱۳)، بحار الأنوار(ص:۴۱۹،ج:۱۳)، الصّدوق، عن: أبيه، عن: سعد بن عبدالله ، عن: القاسم بن محمّد الإصفهانيّ، عن: سليمان بن داود المنقريّ، عن: حمّاد بن عيسى :

عَن: الصّادِقِ عليه السلام قَالَ: قَالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ : يابُنَيَّ؛ إجْعَلْ مَعْرُوفَكَ فِى أهْلِهِ، وَكُنْ فِيهِ طالِباً لِثَوابِ اللهِ، وَكُنْ مُقْتَصِداً، وَ لاتُمْسِكْهُ تَقْتِيراً، وَ لاتُعْطِهِ تَبْذِيراً .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان(ع) بفرزند خود می‌فرموده: تمام کمکهای بلاعوض و صدقات خود را (تا می‌توانی) به نیازمندان واقعی آن عطا کن، و آنچه را که می‌دهی برای ثواب (و برای احترام) و در راه خدا باشد فقط (نه برای ترحّم و خود نمایی و ریا) و بـرای کمك به دیگران نمودن اقتصاد و میانه‌روی را باید مراعات کنی ، نه آنکه کمك تو ناچیز باشد ، و نه آنچنانکه برای خودت چیزی باقی نماند و محتاج دیگران شوی .

نگارنده می‌گوید: چنانکه اسلام نهی فرموده از ردّ نمودن سائل و کمک خواهان را، شدیداً هم نهی فرموده ازگدا سازی، همچنانکه از روایت فوق که مورد تأیید حضرت صادق علیه السلام است معلوم و روشن می‌شود، و باید حکومت اسلامی سه طایفه را محصور و زیر نظرداشته باشد و یا در موقع لازم زندانی کند .

۲۸ـ من لایحضر(ص:۳۱،ج:۳)، روضة‌المتّقین(ص:۹۰،ج:۶)، وسائل‌الشّیعة(ص:۳۰۱،ج:۲۷)، التهذیب(ص:۳۱۹،ج:۶)، أحمد بن أبی عبد الله البرقیّ، عن : أبیه :

عَنْ: عَلِیٍّ علیه السلام قال: یَجِبُ عَلَی ٱلإمامِ أنْ یَحْبِسَ ٱلْفُسّاقَ مِنَ ٱلْعُلَماءِ وَ ٱلْجُهّالَ مِنَ ٱلأطِبّاءِ وَ ٱلْمَفالِیْسَ مِنَ ٱلأکْرِیاءِ .

حضرت أمیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود : واجب است بر امام و رهبر (و بر حقّ هر مملکتی) اینکه: زندانی کند سه طائفه را، ۱ـ دانشمندان فاسق(که با کتابها و سخنرانیهای منحرف کننده خود ، و ایجاد شك و تردید و إلقاء شبهه باعث گمراهی مردم می‌شوند)، ۲ـ دکترهایی که توجّه کامل نمی‌کنند در شناخت دارو و معالجه بیماران، ۳ـ گدایان حرفه‌ای که باعث آبروریزی مردم مسلمان می‌شوند ، و چهره مردم مسلمان (و مملکت اسلامی) را در پیش بیگانگان خدشه‌دار می‌کنند .

۱۲) إرشادالقلوب الدّیلمی(ص:۷۲،ج:۱)، إرشادالقلوب المترجم(ص:۱۶۵،ج:۱) :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) فی وَصِیَّتِهِ لابْنِهِ: یابُنَیَّ؛ إجْعَلِ ٱلْمَوْتَ نَصْبَ عَیْنَیْكَ وَ ٱلْوُقُوفَ بَیْنَ یَدَیْ خالِقِكَ، وَ تَمَثَّلْ شَهادَةَ جَوارِحِكَ عَلَیْكَ بِعَمَلِكَ ، وَ ٱلْمَلائِکَةِ الْمُوَکَّلِینَ بِكَ ، تَسْتَحْیِی مِنْهُمْ وَ مِنْ رَبِّكَ ٱلَّذِیْ هُوَ مُشاهِدُكَ .

حضرت لقمان (ع) در ضمن سفارشهای خود به فرزندش فرموده : ای پسرم ؛ همیشه مرگ را در پیش دیدگان خود قرار بده ، و متوجّه آن لحظه‌ای باش که در پیشگاه عدل پروردگار باید بایستی ، و آن حالت را بنگر که تمام أعضاء و جوارح بدنت بر علیه و ضرر تو شهادت به گفتار و کردارت می‌دهند ،

و فرشتگان که بر تو موکّل بوده‌اند حضور دارند، و تو خجالت خواهی داشت از ایشان و از پروردگارت که ناظر و حاضر بودند و تو مرتکب گناه و کارهای زشت می‌شده‌ای و سخنان ناپسند گفته‌ای .

و تأیید می‌نماید بیان حضرت لقمان(ع) را این حدیث شریف :

۲۹ـ بحارالأنوار(ص:۸۵،ج:۷۷)، وسائل‌الشّیعة(ص:۳۰۴،ج:۱)، مکارم الأخلاق(ص:۴۶۵) أمالی الطّوسی(ص:۱۴۷،ج:۲)، أعلام الدّین(ص:۱۹۶)، مجموعة ورّام(ص:۵۹،ج:۲) :

فی وَصِیَّةِ رَسُوْلِ اللهِ ﷺ لأبِی‌ذرٍّ الْغِفارِیّ، یاأباذَرٍّ؛ أتُحِبُّ أنْ تَدْخُلَ الْجَنَّةَ؟ قُلْتُ نَعَمْ، فِداكَ أبی، قالَ ﷺ: فَاقْصُرْ مِنَ الأمَلِ: وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ نَصْبَ عَیْنَیْكَ ، وَ اسْتَحِ مِنَ اللهِ حَقَّ الْحَیاءِ ، قالَ قُلْتُ : یارَسُولَ اللهِ ؛ كُلُّنا نَسْتَحِی مِنَ اللهِ ، قالَ ﷺ : لَیْسَ ذلِكَ الْحَیاءُ ، وَلكِنَّ الْحَیاءَ مِنَ اللهِ أنْ لاتَنْسَی الْمَقابِرَ وَ الْبَلی ، وَ تَحْفَظَ الْجَوْفَ وَ ما وَعی ، وَ الرَّأسَ وَ ما حَوی ، وَ مَنْ أرادَ كَرامَةَ الآخِرَةِ فَلْیَدَعْ زِینَةَ الدُّنیا ، فَإذا كُنْتَ كَذلِكَ أصَبْتَ وِلایَةَ اللهِ .

رسول خدا ﷺ در ضمن نصایح خود به أبوذرّ فرموده : آیا دوست می‌داری داخل بهشت شوی ؟ أبوذرگوید : عرض کردم : بلی، پدرم فدایت باد ، فرمود: کوتاه کن آرزوی خود را، و قرار بده مرگ را همیشه در پیش چشمانت، و شرم کن از خدا آنچنان که باید شرم داشت ، عرض کردم : تمامی ما (مردم مسلمان) از خدا شرم داریم ، فرمود : مقصودم اینگونه حیاء نبود، بلکه مقصودم از شرم از خدا آنست که: قبر را فراموش نکنی، و پوسیدن را در قبر از نظر خود دور نسازی، و نگهداری کن شکم خود را و آنچه در آن می‌ریزی ، و مغز سر و أندیشه‌هایی را که در آن پرورش می‌دهی ، و هر که بزرگواری در قیامت را بخواهد باید زینت و دل بستگی به دنیا را رها کند ، و هرگاه چنین شدی به

ولایت خدایی رسیده‌ای .

۱۳) إرشاد القلوب الديلمی(ص:۷۲،ج: ۱)، إرشاد القلوب المترجم(ص:۱۶۷،ج:۱) :

فِی وَصِیَّةِ لُقْمانَ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ إجْهَدْ أنْ یَکُونَ اَلْیَوْمَ خَیْراً لَکَ مِنْ أمْسِ، وَ غَداً خَیْراً لَکَ مِنَ اَلیَوْمِ، فَإنَّهُ مَنِ اسْتَوىٰ یَوْماهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ ، وَ مَنْ کانَ یَوْمُهُ شَرّاً مِنْ أمْسِهِ فَهُوَ مَلْعُونٌ .

در سفارشهای حضرت لقمان (ع) بفرزندش این بوده : ای پسرم ؛ کوشش داشته باش که : هر روز تو بهتر از دیروز تو باشد ، و فردایت بهتر از امروز ، زیرا : هر که مساوی باشد دو روزش (و علم و تجربه بدست نیاورد) مغبون است ، و هر که (أعمال و گفتار) امروزش بدتر از روز گذشته اش باشد ملعون (و از رحمت خدا دور) است .

و تأیید می‌کند گفتار حضرت لقمان (ع) را بیان شریف حضرت رسول ﷺ و بیان شریف حضرت صادق علیه السلام چنانچه روایت شده در :

۳۰ـ کشف الغمّة (ص:۲۵۲،ج:۲)، أمالی الصّدوق(ص:۵۳۱)، عوالی اللّئالی(ص:۲۸۴)، بحار الأنوار(ص:۱۷۳ و ص:۲۲۰،ج:۷۱ و ص:۱۶۶،ج:۷۷ و ص:۳۲۷،ج:۷۸)، منیة المرید(ص:۲۲۹)، إرشاد القلوب الدّیلمی(ص:۸۷ ،ج:۱)، مستدرك الوسائل(ص:۱۴۸،ج:۱۲) :

عَنِ: النَّبیِّ ﷺ إنَّه قالَ : مَنِ اسْتَوىٰ یَوْماهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ .

نقل نموده که نبیّ أکرم ﷺ فرموده : هرکه دو روزش مساوی باشد (و تحصیل علم و تجربه نکند) مغبون است .

۳۱ـ أمالی الصّدوق(ص:۵۳۱)، کشف الغمّة(ص:۲۵۲،ج:۲)، بحار الأنوار(ص:۱۷۳،ج:۷۱ و ص:۳۲۷،ج:۷۸)، ابن الولید، عن: ابن متیل، عن: ابن أبی الخطاب، عن: محمّدبن سنان، عن المفضل قال: قال الصّادق علیه السلام :

معانی الأخبار(ص:۳۴۲)، وسائل الشّیعة(ص:۹۴،ج:۱۶)، ابن الولید، عن: الصفّار، عن :

البرقیّ عن:أبیه، عن: ابن أبی عمیر، عن: هشام بن سالم :

عَنْ: أبی عَبْدِاللهِ عليه السلام قالَ: مَن اسْتَوىٰ يَوْماهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ ، وَ مَنْ كانَ آخِرُ يَوْمِهِ شَرَّهُما فَهُوَ مَلْعُونٌ، وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الزِّيادَةَ فی نَفْسِهِ كانَ إِلَى النُّقْصانِ أَقْرَبُ، وَ مَنْ كانَ إِلَى النُّقْصانِ أَقْرَبُ فَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَياةِ.

حضرت امام صادق عليه السلام می‌فرمود: هرکه دو روزش مساوی(و از بدی و جهالت به خوبی و علم تغییر نکرده) باشد ، مغبون (و بواسطه عمر به هدر دادن ضرر فراوان کرده) است ، و هر شخصی (از مرد و زن) پایان روز دوم (بسبب گناه نمودن) بدتر از دو روز گذشته او باشد، ملعون (و از رحمت خدا دور) است ، و هر کسی‌که توجّه نداشته باشد به بالابردن سطح فکری و علمی و تقوای خود، به ضرر و نقصان بسیار نزدیك خواهد بود ، و هر که به ضرر و نقصان نزدیك باشد مرگ برای او بهتر است از زندگی آلوده .

۳۲ـ إثنی عشریّة(ص:۲۲۹)، ممّا رواه الخاصّ و العامّ ، عن : النّبیّ صلى الله عليه وآله :

وَ قالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله : مَنْ غابَتْ شَمْسُ يَوْمِهِ بِغَيْرِ حَقٍّ يَقْضِيهِ، أَوْ فَرْضٍ يُؤَدِّيهِ، أَوْ عِلْمٍ اقْتَبَسَهُ، أَوْ خَيْرٍ أَسَّسَهُ، أَوْ حَمْدٍ حَصَّلَهُ، أَوْ مَجْدٍ أَثَّلَهُ، فَقَدْ عَقَّ يَوْمَهُ، وَ ظَلَمَ نَفْسَهُ، وَ اسْتَوْجَبَ الْعُقُوبَةَ مِنْ رَبِّهِ .

پیغمبر أکرم صلى الله عليه وآله فرموده: هر که غروب کند آفتاب روزش (و یك روز از عمرش را به هدر بدهد) بدون آنکه حقّی را (که به عهده او قرار گرفته) أدا کند، و یا واجبی را (که بر او واجب بوده) أنجام دهد، و یا علمی را بیاموزد ، و یا شیوه و بنیاد خیری (یا ساختمان مسجد و مدارس دینی و حسینیّه و بیمارستان) تأسیس کند ، و یا نام نیکی (بسبب تألیف و ترجمه کتابهای دینی و علمی) بدست آورد ، و یا مجد و بزرگواری (برای مردم) بنا نهد ، در حقیقت به آن روز ستم کرده ، و به خودش ظلم نموده ، و مستوجب عقوبت و کیفر از

پروردگار گردیده .

۱۴) إرشادالقلوب الدّیلمی(ص:۷۲،ج:۱)، إرشادالقلوب المترجم(ص:۱۶۷،ج:۱)، مستدرك الوسائل(ص:۱۷۸،ج:۱۱)، كنز الفوائد(ص:۱۶۴،ج:۲) :

فِي وَصِيَّةِ لُقْمانَ (ع) لابْنِهِ: يا بُنَيَّ ؛ أَحْبِبْ لِلنَّاسِ ماتُحِبُّ لِنَفْسِكَ ، وَ أَكْرَهْ لَهُمْ ماتَكْرَهُ لِنَفْسِكَ .

در وصيّت حضرت لقمان(ع) بفرزندش آمده كه فرموده : اى پسرم؛ دوست بدار براى مردم آنچه را (از أعمال و كردار و گفتار) كه براى خود دوست مى‌دارى ، و خوش ندار براى مردم آنچه را (از خلف وعده ، گرانفروشى، غشّ در معامله، أذيّت، خسارت وارد كردن، سخنان ركيك، خلاف أدب، دروغ گفتن ، غيبت و تهمت و سخن چينى و آبرو ريختن و نگاه به ناموس كردن ، و همانند اينها) كه براى خود نمى‌پسندى .

كامل مى‌كند بيان حضرت لقمان(ع) را روايتى كه نقل شده :

۳۳ـ أمالى‌الصّدوق(ص:۲۶۵)، بحارالأنوار(ص:۲۲۲ وص:۲۲۵ وص:۲۳۲ وص:۲۳۴ و ص:۲۴۳،ج:۷۴) باختلاف، أمالى‌الطّوسى(ص:۹۵،ج:۱)، الكافى(ص:۱۷۰،ج:۲)، مرآةالعقول(ص:۳۳، ج:۹)، شرح الكافى(ص:۴۰،ج:۹)، علىّ بن إبراهيم، عن: أبيه، عن: حمّاد بن عيسى، عن: إبراهيم بن عمر اليمانى، عن : أبى عبدالله عليه السلام فى حديث :

مشكاة الأنوار(ص:۸۳ و ص:۱۸۱) منية المريد(ص:۱۹۰)، وسائل الشّيعة(ص:۲۱۰، ج:۱۳)، روضة الواعظين(ص:۳۸۷،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۲۲۲،ج:۷۴)، الهمدانىّ، عن: علىّ، عن: أبيه، عن: ابن أبى عمير، عن: صفوان ، عن: العيص ، عن: ابن مسكان، عن: الباقر عليه السلام :

أمالى الطّوسى(ص:۹۵،ج:۱)، بحارالأنوار(ص:۲۲۵،ج:۷۴)، ابن الصّلت، عن: ابن عقدة ، عن: عاصم بن عمرو، عن: محمّد بن مسلم، عن: أبى عبدالله عليه السلام (باختلاف) :

فِي حَدِيْثٍ عَنْ: اَلْباقِرِ عليه السلام إنّه قالَ: أَحْبِبْ أَخاكَ اَلْمُسْلِمَ، وَ أَحْبِبْ

لَهُ ما تُحِبُّ لِنَفْسِكَ ، وَ أكْرَهْ لَهُ ما تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ ، وَ إذا احْتَجْتَ فَسَلْهُ ، وَ إذا سَأَلَكَ فَاعْطِهِ، وَ لاتَدَّخِرْ عَنْهُ خَيْراً فَإنَّهُ لايَدَّخِرُهُ عَنْكَ، كُنْ لَهُ ظَهْراً فَإنَّهُ لَكَ ظَهْرٌ، وَ إنْ غابَ فَاحْفَظْهُ فِى غَيْبَتِهِ، وَ إنْ شَهِدَ فَزُرْهُ، وَ أجِلَّهُ وَ أكْرِمْهُ فَإنَّهُ مِنْكَ وَ أنْتَ مِنْهُ، وَ إنْ كانَ عَلَيْكَ عاتِباً فَلاتُفارِقْهُ حَتّى تَسِلَّ سَخِيمَتَهُ (سَمِيحَتَهُ)، وَ ما فى نَفْسِهِ ، وَ إذا أصابَهُ خَيْرٌ فَاحْمَدِ اللهَ عَلَيْهِ، وَ إنِ ابْتَلىٰ فَاعْضُدْهُ وَ إنْ (إذا) تَحمَّلْ (تَمَحَّلْ) لَهُ فَأعِنْهُ .

حضرت امام محمّد باقر عليه السلام می‌فرمود : دوست بدار برادر (و خواهر) مسلمان خود را ، و دوست بدار برای او آنچه را (دوست داشتن و خواستن و بدست آوردن آن برای یک انسان کامل لازم است و) برای خود دوست می‌داری، و خوش ندار برای او آنچه را (از بدیهای عرفی و أخلاقی و دینی که) برای خود خوش نداری، و هرگاه نیازمند شدی (به مطالب علمی وأحکام دینی و أخلاقی و اجتماعی و نیازهای مادّی) از او سؤال و درخواست کن، و اگر او نیازمند شد و از تو درخواست نمود به او عطا کن، هیچ خیر و خوبی را از او دریغ نکن تا او هم از تو دریغ ننماید، از هر جهت باید پشتوانه او باشی تا او هم پشتوانه تو باشد، و اگرغایب شد (به مسافرت کردن و همانند آن) باید (آبرو و أموال و ناموس) او را حفظ و نگهداری نمایی، و اگر (از مسافرت و همانند آن آمد و)حضور داشت او را دیدار کن و تجلیل و احترام بنما ، زیرا : او از تو است (از نظر برادر یا خواهر دینی بودن) و تو نیز از او هستی (بواسطه ارتباط دینی)، و اگر مورد بی‌مهری و خشونت و دل گرفتگی او قرار گرفتی، نباید از او جدا شوی تا اینکه بیرون کنی از دلش خشونت و دل گرفتگی و بغض و کینه را ، و اگر بخیر و خوبی و وسعت علمی و زندگی رسید ، خدا را سپاس گو باش، و اگر گرفتار شد در برطرف کردن گرفتاریهایش کوشا و یاور او باش .

۳۴ـ نهج‌البلاغة(الرّسائل:۳۱)، شرح نهج البلاغة(ص:۸۴،ج:۱۶)، مستدرك الوسائل(ص: ۳۱۱ ،ج:۱۱)، غررالحکم(ص:۴۷۹،ج:۱)، بحارالأنوار(ص:۲۹،ج:۷۵ و ص:۲۰۵ و ص:۲۲۴،ج:۷۷)، تحف العقول المترجم(ص:۷۲)، کشف المحجة(الفصل:۱۵۴) :

فیما کَتَبَهُ عليّ عليه السلام لابْنِهِ الْحَسَنِ عليه السلام : یابُنَیَّ؛ إجْعَلْ نَفْسَكَ میزاناً فِیما بَیْنَكَ وَ بَیْنَ غَیْرِكَ ، فَأَحْبِبْ لِغَیْرِكَ ما تُحِبُّ لِنَفْسِكَ ، وَ اکْرَهْ لَهُ ما تَکْرَهُ لَها، وَ لاتَظْلِمْ کَما لاتُحِبُّ أنْ تُظْلَمَ، وَ أحْسِنْ کَما تُحِبُّ أنْ یُحْسَنَ إلَیْكَ، وَ اسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ ما تَسْتَقْبِحُ مِنْ غَیرِكَ، وَ ارْضَ مِنَ النّاسِ بِما تَرْضاهُ لَهُمْ مِنْ نَفْسِكَ، وَ لاتَقُلْ ما لاتَعْلَمُ، وَ إنْ قَلَّ ما تَعْلَمُ، وَ لاتَقُلْ ما لاتُحِبُّ أنْ یُقالَ لَكَ .

از جمله سفارشهای حضرت أمیرالمؤمنین عليه السلام به فرزند بزرگوار خود حضرت امام حسن مجتبی عليه السلام این بوده که هنگام بازگشت از جنگ صفّین برای رهنمود تمام شیعیان در ضمن نامه‌ای نوشتند: ای پسرم؛ در آنچه بین تو و بین دیگری است خود را ترازوی سنجش قرار ده، پس برای دیگری بپسند آنچه را که برای خود می‌پسندی، و نخواه برای دیگری آنچه را برای خود نمی‌خواهی ، و ستم مکن چنانکه نمی‌خواهی به تو ستم شود، و نیکی کن چنانکه دوست داری به تو نیکی شود، و زشت دان از خود آنچه را که از دیگری زشت پنداری، و از مردم راضی و خوشنود باش و بپسند آنچه را که از خود راضی و خوشنود می‌شوی ، و آنچه نمی‌دانی مگو و اگر چه دانسته‌ات أندك باشد ، و آنچه دوست نداری برایت گفته شود مگو .

و همچنین آن حضرت به فرزند خود محمّد حنفیّه فرموده :

۳۵ـ من لایحضر(ص:۳۸۷ ،ج:۴)، وسائل الشّیعة (ص:۲۰۲،ج:۱۲)، روضة المتّقین(ص: ۵۲ ، ج:۱۳) :

قالَ عليه السلام فِي وَصِيَّتِهِ لِمُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ: وَ أَحْسِنْ إلى جَمِيعِ النّاسِ كَما تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ، وَ ارْضَ لَهُمْ ما تَرْضاهُ لِنَفْسِكَ، وَ اسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ ما تَسْتَقْبِحُهُ مِنْ غَيرِكَ، وَ حَسِّنْ مَعَ جَمِيعِ النّاسِ خُلْقَكَ حَتّى إذا غِبْتَ عَنْهُمْ حَنُّوا إِلَيْكَ، وَ إذا مِتَّ بَكُوا عَلَيْكَ وَ قالوا: إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ، وَ لا تَكُنْ مِنَ الَّذِينَ يُقالُ عِنْدَ مَوْتِهِ: أَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ.

حضرت أميرالمؤمنين عليه السلام به فرزند خود، محمد حنفيّه فرموده: نيکويی کن (در گفتار و کردار) با تمامی مردم همچنانکه خود خواهانی که مردم با تو نيکی کنند، و بخواه و راضی باش برای مردم آنچه را که برای خود می‌خواهی و می‌پسندی، و خوش ندار و نپسند برای مردم آنچه را که برای خود نمی‌پسندی و خوش نداری که ديگران با تو انجام دهند، و آنچنان أخلاق و رفتار و کردار پسنديده داشته باش با همه مردم تا جايی که هرگاه از حضور در جمع آنها غايب شدی، تمايل ديدار تو را داشته (و در جستجوی تو) باشند، و هرگاه از دنيا رفتی، برای تو بگريند و بگويند: إنّا لله و إنّا اليه راجعون، و آنچنان مباش از نظر أخلاق و معاشرت و رفتار و گفتار که هرگاه از دنيا رفتی، مردم خورسند شوند و بگويند: چه خوب شد که از دنيا رفت.

۱۵) السّعادة الأبديّة(ص:۱۲۶)، بحارالأنوار(ص:۴۵۷،ج:۷۸)، مستدرك الوسائل(ص:۱۷۸ و ص:۳۱۱،ج:۱۱)، أعلام الدين(ص:۱۵۴،ج:۱)، كنزالفوائد(ص:۱۶۴،ج:۲)، معدن الجواهر(ص:۵۵، ج:۱):

وَ قالَ لُقْمانُ الحكيمُ (ع) لِابْنِهِ في وَصِيَّتِهِ: يا بُنَيَّ؛ أَحُثُّكَ عَلىٰ سِتِّ خِصالٍ، لَيْسَ مِنْها خَصْلَةٌ إلاّ وَ هِيَ تُقَرِّبُكَ إلى رِضْوانِ اللهِ عزّوجلّ، وَ تُباعِدُكَ مِنْ سَخَطِهِ، الأُولىٰ: أَنْ تَعْبُدَ اللهَ وَ لاتُشْرِكْ بِهِ شَيْئًا، وَ الثّانِيَةُ: الرِّضا بِقَدَرِ اللهِ فِيما أَحْبَبْتَ أَوْ كَرِهْتَ، وَ الثّالِثَةُ: أَنْ تُحِبَّ فِي اللهِ وَ تُبْغِضَ فِي اللهِ، وَ الرّابِعَةُ: أَنْ تُحِبَّ لِلنّاسِ ما تُحِبُّ لِنَفْسِكَ، وَ تَكْرَهَ لَهُمْ

ما تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ ، وَ الْخامِسَةُ : أَنْ تَكْظِمَ الْغَيْظَ وَ تَحْسُنَ إلى مَنْ أساءَ إلَيْكَ ، وَ السّادِسَةُ : تَرْكُ الْهَوىٰ وَ مُخالَفَةُ الرَّدىٰ .

حضرت لقمان حکیم (ع) بفرزندش هنگام نصیحت فرمود : فرزندم ؛ تو را بر شش چیز سفارش و تحریص و ترغیب می نمایم که هر یك از آنها می‌تواند به تنهایی تو را به رضوان و بخشش خدای ﷻ نزدیك نماید ، و دور کند از خشم و غضب خدا ﷻ ، أوّل: اینکه عبادت و فرمان‌بری خدا کن و شریکی برایش قرار نده ، دوّم : آنکه راضی باش به مقدّرات خداوند در هر چه که تو دوست می‌داری و یا خوش نداری ، سوّم : آنکه دوست بداری (بندگان متدیّن را) در راه خدا و دشمن بداری (أفراد کافر و ظالم و آلوده را) برای خدا ، چهارم : آنکه دوست بداری برای مردم آنچه را که برای خود می‌خواهی ، و خوش نداشته باش برای مردم آنچه را که برای خود خوش نداری ، پنجم : آنکه خشم خود را فرو بری و احسان و نیکو رفتاری کنی نسبت به کسی که به تو أذیّت کرده، ششم: ترك هَویٰ و هَوَس، و مخالفت با هر چه که تو را به پستی می‌کشاند.

۱۶) بحارالأنوار(ص:۴۲۰،ج:۱۳)، جامع‌أحادیث‌الشّیعة (ص: ۵۵۲ ،ج:۱۳)، مستدرك الوسائل (ص:۲۰،ج:۱۲)، القطب‌الرّاوندیّ فی قصص‌الأنبیاء(ص:۱۹۵)، بإسناده إلی الصّدوق، عن: أبیه، عن: سعد بن عبد الله، عن: القاسم بن محمّد الإصفهانیّ، عن: سلیمان بن داود المنقریّ، عن: حمّاد بن عیسی :

عَن : الصّادِقِ ؈ قالَ : قالَ لُقْمانُ(ع) لاِبْنِهِ : يابُنَيَّ؛ إحْذَرِ الْحَسَدَ ، فَلايَكُونَنَّ مِنْ شَأنِكَ ، وَ اجْتَنِبْ سُوءَ الْخُلْقِ ، وَ لا يَكُونَنَّ مِنْ طَبْعِكَ ، فَإنَّكَ لا تَضُرُّ بِهِما إلاّ نَفْسَكَ ، وَ إذا كُنْتَ أنْتَ الضّارُّ لِنَفْسِكَ ، كَفَيْتَ عَدُوَّكَ أمْرَكَ ، لِأَنَّ عَداوَتَكَ لِنَفْسِكَ أضَرُّ عَلَيْكَ مِنْ عَداوَةِ غَيْرِكَ .

حضرت امام صادق ؈ می فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : فرزندم ؛ سخت بترس از حسادت ، و بسیار دقّت و مواظبت کن که در

تو حسادت نباشد ، و بپرهیز از بدأخلاقی ، و نباید در وجود تو کوچکترین بدأخلاقی و خشونت باشد ، زیرا : بسبب حسادت و بدأخلاقی به خودت ضرر می‌زنی ، و هرگاه به خود ضرر بزنی باعث شدی که دشمنت بر تو غلبه کند و دشمنی تو بر خودت ضرر و زیانش از دشمنی دیگری بر تو بیشتر است (زیرا : خود نقطه ضعف نشان داده‌ای و راه را بر دشمن باز کرده‌ای) .

۳۶ـ قرب الاسناد(ص:۱۵،ج:۱)، بحارالأنوار(ص:۱۵۴،ج:۷۴ و ص:۲۵۲،ج:۷۵)، مستدرك الوسائل(ص:۱۷،ج:۱۲)، هارون بن مسلم ، عن : مسعدة بن زیاد :

عَن: الصّادِقِ عليه السلام ، عَنْ : أبيهِ عليه السلام قالَ : قالَ النَّبيُّ صلى الله عليه وآله : و لاتَتَحَاسَدُوْا ؛ فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإيمانَ كَما تَأكُلُ النّارُ الْحَطَبَ الْيابسَ .

حضرت امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش نقل فرموده که : پیغمبر اسلام صلى الله عليه وآله فرموده : حسد نورزید ؛ زیرا : حسد ایمان را نابود می‌کند هم چنانکه آتش هیزم خشك را نابود می‌کند .

۳۷ـ بحارالأنوار(ص:۲۵۵،ج :۷۳)، مستدرك الوسائل(ص:۱۸،ج:۱۲)، کشف الرّیبة (ص: ۵۳ ، ج:۱)، مصباح الشّریعة(ص:۱۰۴) :

قال الصّادق عليه السلام : الحاسِدُ مُضِرٌّ بِنَفْسِهِ قَبْلَ أنْ يَضُرَّ بِالْمَحْسُودِ، . . .

حضرت امام صادق عليه السلام می‌فرمود : شخص حسود قبل از آنکه به محسود ضرری وارد کند به خود ضرر وارد ساخته (و خود ضرر بیشتری می‌بیند) .

۱۷) قصص‌الأنبیاء(ص:۱۹۰)، عقدالفرید(ص:۱۴۱،ج:۲ وص:۱۵۰،ج:۳)، بحارالأنوار(ص: ۴۱۸،ج:۱۳)، الصّدوق ، عن: أبیه، عن: سعد بن عبدالله، عن: ابن عیسی ، عن: الحسین ، عن : أخیه ، عن: أبیه، عن: عمرو بن شمر، عن: جابر :

عَنْ: أبي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ: كان فيما وَعَظَ به لُقمانُ (ع) ابنَه: يا بُنَيَّ ؛ إحْذَرْ واحِدَةً هِيَ أهْلٌ لِلْحِذْرِ ؟ قالَ : وَ ما هِيَ ؟ قالَ : إيّاكَ أنْ تُرِيَ

النّاسَ أنّكَ تَخْشَى اللهَ لِيُكْرِمُوكَ وَ قَلْبُكَ فاجرٌ .

حضرت امام محمّد باقر عليه السلام می‌فرمود: از جمله نصیحت لقمان(ع) به فرزندش این بوده که : ای پسرم ؛ بترس و بدور باش از یك چیز که شایسته و سزاوار است هر انسانی از آن دوری کند، عرض کرد : چه چیز است ؟ فرمود : بترس از اینکه خود را چنان بنمایانی تا مردم تو را چنین پندارند و ببینند که از خدا می‌ترسی (و گناه نمی‌کنی و حقّی را ضایع نمی‌نمایی) تا اینکه برای تو احترام خاصّی قائل باشند ، در حالی که دل تو تباه‌کار و گناهکار باشد (که این نفاق با خدا و مردم است) .

و این روایت در سفارشها و راهنمایی‌های پیغمبر أکرم صلى الله عليه وآله به أبوذرّ غفاری رحمه الله نقل شده :

۳۸ـ بحارالأنوار(ص:۸۳،ج:۷۷)، مکارم الأخلاق(ص:۴۶۴)، امالی الطّوسی(ص:۱۴۵،ج:۲)، مستدرك الوسائل(ص:۱۰۸،ج:۱ و ص:۳۶۴،ج:۱۱)، أعلام الدّین(ص:۱۹۴،ج:۱)، أمالی الطّوسی (ص:۵۱،ج:۱)، مجموعة ورّام(ص:۵۷،ج:۲)، عن: جماعة، عن: أبي المُفضّل، عن: أبي الحسين رجاء بن يحيى، عن: محمّد بن الحسين بن ميمون ، عن : عبد الله بن عبد الرحمن الأصمّ ، عن: الفضيل بن يسار، عن : وهب بن عبدالله الهنّائي ، عن : أبي حرب بن أبي الأسود ، عن : أبيه، عن : أبي‌ذرّالغفاريّ رحمه الله (جندب بن جنادة) قال :

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: يا أباذَرَّ ؛ إتَّقِ اللهَ وَ لا تُرِيَ النّاسَ أنَّكَ تَخْشَى اللهَ فَيُكْرِمُوكَ وَ قَلْبُكَ فاجرٌ .

رسول خدا صلى الله عليه وآله به أبوذر غفاری رحمه الله فرمود : ای أباذرّ ؛ بترس از خدا ! و تظاهر نکن به اینکه از خدا می‌ترسی تا تو را احترام کنند مردم ، با اینکه دل تو خالی از ترس خدا است .

۱۸) الإختصاص(ص:۳۳۹)، بحارالأنوار(ص:۴۳۰،ج:۱۳)، عن: الأوزاعيّ :

و قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ أحْسِنْ إلى مَنْ أساءَ إلَيْكَ .

حضرت لقمان(ع) فرموده: أی فرزندم؛ نیکویی کن به کسی که به تو بدی کرده .
و تأیید می‌نماید گفتار حضرت لقمان (ع) را بیان شریف :

۳۹ـ مصباح الشّریعة(ص:۱۵۸)، بحـارالأنوار(ص:۹۸،ج:۱۶ و ص:۴۲۳،ج:۷۱ و ص :۱۷۳، ج : ۷۷ و ص:۲۸۴، ج:۷۸) :

قالَ الصّادِقُ عليه السلام : قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله : وَ أَحْسِنْ إلى مَنْ أَساءَ إلَيْكَ .

حضرت امام صادق عليه السلام می‌فرمود که رسول خدا صلى الله عليه وآله می‌فرمودند : (تا می‌توانی و هر قدر در توان داری) احسان کن به کسی که به تو بدی کرده است .

۴۰ـ من لایحضر(ص:۱۷۷،ج:۴)، بحـارالأنوار(ص:۹۸،ج:۱۶و ص:۱۵۷،ج:۷۴ و ص: ۱۷۳، ج:۷۷ و ص:۲۸۴،ج:۷۸)، أمالی الصّدوق(ص:۶۷)، عن : ابن الولید ، عن : الصّفّار ، عن: عبد الله بن الصّلت ، عن : یونس ، عن : ابن حمید ، عن : ابن قیس :

عَنْ: أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام : قالَ عَلِيٌّ عليه السلام : إِنَّهُ وُجِدَ في قائِمَةِ سَيْفٍ مِـنْ سُيُوفِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله صَحِيفَةٌ فِيها ثَلاثَةُ أَحْرُفَ : صِلْ مَنْ قَطَعَـكَ ، و قُلِ الْحَقَّ وَ لَوْ عَلى نَفْسِكَ ، وَ أَحْسِنْ إلىٰ مَنْ أساءَ إلَيْكَ .

حضرت امام باقر عليه السلام می‌فرمود که حضرت علی عليه السلام فرموده : که یافتـه شد در جلد شمشیری از شمشیرهای پیغمبر صلى الله عليه وآله ورقه‌ای که درآن سه مطلـب مهمّ نوشته شده بود : ۱ـ صله رحم کن به آن کسانی که با تو قطع رحم کرده‌اند، ۲ـ سخن راست و حقّ بگو گرچه بر ضرر تو باشد ، ۳ـ نیکویی کن به هر کسی که به تو بدی کرده باشد .

۱۹) آداب النّفس(ص:۱۸۵،ج:۱)، تفسیر روح المعانی(ص:۸۳ ،ج:۲۱) :

و قالَ لُقْمانُ(ع) لابْنِهِ: يابُنَيَّ ؛ إحْضَرِ الْمَآتِمَ ، وَ لاتَحْضُرِ الْوَلآئِمَ ، فَإنَّ الْمَآتِمَ تُذَكِّرُ الآخِرَةَ ، وَ إنَّ الْوَلآئِمَ تُذَكِّرُ الدُّنيا .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ در مجـالس عـزا و

مصیبت که برای مردگان تشکیل می‌شود حاضر باش ، ولی در مجالس ولیمه و عروسی حضور نداشته باش ، زیرا : مجالس عزا (بسبب مشاهده آثار غم و أندوه) ، تو را بیاد آخرت می‌أندازد ، و مجالس ولیمه و عروسی (بواسطه دیدن تزئینات) تو را بیاد دنیا و دنیاداری وامی‌دارد .

وجود مقدّس رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم می‌فرموده :

۴۱ـ وسائل الشّیعة (ص:۴۵۱،ج:۲)، الفقیه (ص:۱۶۹،ج:۱)، الجعفریات (ص:۳۳) ، قرب الإسناد (ص:۴۲)، مستدرك الوسائل(ص:۱۱۹،ج :۲)، بحارالأنوار(ص:۲۹۶،ج:۷۲ و ص:۲۵۸،ج:۸۱ و ص:۲۷۹،ج:۱۰۳)، هارون بن مسلم ، عن : مسعدة بن زیاد :

عَنْ : جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ : أبیهِ علیه السلام : إنَّ النَّبیَّ صلّی الله علیه و آله و سلّم قالَ: . . . وَ إذا دُعِیتُمْ إلَی الْعُرُساتِ فَابْطَئُوا، فَإنَّها تُذَکِّرُ الدُّنیا ، وَ إذا دُعِیتُمْ إلَی الْجَنائِزِ فَاسْرَعُوا، فَإنَّها تُذَکِّرُ الآخِرَةَ .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود: نبیّ أکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم فرموده: هرگاه شما را به عروسی دعوت کردند دیرتر بروید ، زیرا : شما را به فکر و به یاد دنیا و لذّات زودگذر می‌أندازد ، و هرگاه شما را برای تشییع جنازه (و مجلس ترحیم) دعوت کردند به سرعت بروید و شرکت کنید ، زیرا : شما را به یاد آخرت (و قبر و قیامت) می‌أندازد .

۴۲ـ الدّعوات (ص:۲۶۱) ، بحارالأنوار(ص:۲۶۷،ج:۸۱) وسائل الشّیعة (ص:۴۵۱،ج:۲)، التهذیب (ص:۴۶۲،ج:۱) :

سُئِلَ النَّبیُّ صلّی الله علیه و آله و سلّم عَنْ رَجُلٍ یُدْعیٰ إلی وَلِیمَةٍ وَ إلیٰ جَنازَةٍ، فَأیُّهُما أفْضَلُ؟ وَ أیُّهُما یُجیبُ؟ قالَ: لِیُجِبِ الْجَنازَةَ، فَإنَّها تُذَکِّرُ الآخِرَةَ ، وَ لْیَدَعِ الْوَلِیمَةَ، فَإنَّها تُذَکِّرُ الدُّنْیا الْفانِیَةَ.

از نبیّ أکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم پرسیده شد که اگر مردی را به میهمانی (و عروسی)

و یا به تشییع جنازه دعوت کردند ،کدامیك برتر است که آن را بپذیرد و در آن شرکت کند ؟! آن حضرت ﷺ فرمود : شرکت در تشییع جنــازه (و مجلــس ترحیم) نماید ، زیرا : به فکر و به یاد خدا می‌افتد ، و میهمانی (و عروســی) را رها کند ، زیرا : دنیای نابود شدنی را در نظرش جلوه می‌دهد .

۲۰) قصص الأنبياء(ص:۱۹۰)، بحارالأنوار(ص:۴۱۷،ج:۱۳) ، بالإسناد إلى الصّدوق ، عن : أبيه، عن: سعد بن عبدالله، عن: ابن عيسى، عن: أبيه، عن: درست، عن: إبراهيم بن عبدالحميد، عَنْ : أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قالَ كانَ لُقْمانُ (ع) يَقُولُ لابْنِهِ : (باخْتِلافٍ) :

الكافي (ص:۳۹،ج:۱)، مرآة العقول(ص:۱۲۷،ج:۱)، شرح الكافي(ص:۱۱۱،ج:۲)، بحارالأنوار (ص:۱۶۴،ج:۹۳)، عليّ بن إبراهيم ، عن: محمّد بن عيسى ، عن: يونس ، رفعه ، قال :

وسائل الشّيعة(ص:۲۳۱،ج:۷)، مستدرك الوسائل(ص:۲۸۹،ج:۵)، منية المريد(ص:۳۵)، مشكاة الأنوار(ص:۵۴)، روضة المتّقين(ص:۴۰۲، ج:۹)، مكارم الأخلاق(ص:۳۱۱)، عــن: يونـس بـن عبـد الرّحمن رفعه قال :

علل الشّرايع(ص:۳۹۴)، بحار الأنوار(ص:۲۰۱، ج :۱ و ص: ۴۶۵،ج:۷۵)، محمّد بن الحسن الوليد ، عن: محمّد بن الحسن الصّفّار، عن: إبراهيم بن هــاشم، عن: إسماعيل بن مـرّار، عن: يونس بن عبدالرّحمن، رفعه، قال :

قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ إخْتَرِ (إحْذَرْ ـ خ ل) الْمَجالِسَ عَلىٰ عَيْنَيْكَ، فَإنْ رَأَيْتَ قَوْماً يَذْكُرُونَ اللهَ عَزَّوَجَلَّ فَاجْلِسْ مَعَهُمْ، فَإنْ تَكُنْ عالِماً نَفَعَكَ عِلْمُكَ (وَ يَزِيدُوكَ عِلْماً) وَ إنْ تَكُنْ جاهِلاً عَلَّمُوكَ، وَ لَعَلَّ اللهَ أَنْ يُظِلَّهُمْ (يَطَّلِعَهُمْ ـ خَ ل) بِرَحْمَتِهِ فَتَعُمَّكَ مَعَهُمْ، وَ إذا رَأَيْتَ قَوْماً لايَذْكُرُونَ اللهَ فَلا تَجْلِسْ مَعَهُمْ فَإنَّكَ إنْ تَكُنْ عالِماً لا يَنْفَعُكَ عِلْمُكَ ، وَ إنْ تَكُنْ جاهِلاً يَزِيدُوكَ جَهْلاً ، وَ لَعَلَّ اللهَ أَنْ يُظِلَّهُمْ بِعُقُوبَةٍ فَتَعُمَّكَ مَعَهُمْ .

امام هفتم عليه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان(ع) به فرزندش فرموده : فرزندم ؛

جلسات أفراد را با دقّت و توجّه بسیار نظر کن ، و اگر دیدی مردمی نشسته و به یاد دستورات خدا هستند ، با آنان بنشین ، زیرا : اگر عالِم (و طالب علم) باشی ، علم تو به تو نفع می‌رساند (علمی به علم تو اضافه می‌شود و مطالب فراموش شده به ذهنت می‌آید) و اگر جاهل باشی تو را علم می‌آموزند، و امّید هست که خداوند سایه رحمتش را بر آنان بیندازد ، و تو هم با آنان در رحمت خدایی خواهی بود ، و اگر دیدی أفراد در جلسه به یاد خدا و دستوراتش نیستند ، با ایشان همنشین مباش، زیرا: اگرعالم باشی علم تو نفعی برای تو ندارد ، و اگر جاهل باشی به جهل و نادانی تو افزوده می‌شود ، و شاید عقوبت خدا آنها را بگیرد و تو نیز همانند ایشان گرفتار شوی .

مؤیّد گفتار حضرت لقمان(ع) روایت ذیل است :

۴۳ـ غوالی اللّئالی(ص:۷۸،ج:۴)، أعلام الدّین (ص:۲۷۲)، بحار الأنوار(ص:۲۰۳،ج:۱ و ص:۳۳۱، ج:۱۴ و ص:۳۲۲،ج:۷۰ و ص:۱۴۹،ج:۷۷ و ص:۱۸۹،ج:۷۴)، شرح نهج البلاغة(ص:۲۳۵، ج:۲۰)، تحف العقول(ص:۴۲)، عدّة الدّاعی(ص:۱۲۱،ج:۱)، مصباح الشّریعة(ص:۲۰،ج:۱)، الکافی(ص:۳۹، ج:۱)، مرآة العقول(ص: ۱۲۸،ج:۱)، شرح الکافی(ص:۱۱۶،ج:۲)، المحجّة البیضاء(ص:۲۸۸،ج:۳)،

عدّة من أصحابنا، عن: أحمد بن محمّد البرقیّ عن: شریف بن سابق، عن: الفضل بن أبی قرّة ، عن : أبی عبد الله علیه السلام قال :

قالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم قالَتِ الحَوارِیُّونَ لِعِیسی (ع) : یا رُوحَ اللهِ ؛ مَنْ نُجالِسُ ؟ قالَ : مَنْ یُذَکِّرُکُمُ اللهَ رُؤْیَتُهُ وَ یَزِیدُ فی عِلْمِکُمْ مَنْطِقُهُ وَ یُرَغِّبُکُمْ فِی الْآخِرَةِ عَمَلُهُ .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود: که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده: حواریّون به حضرت عیسی (ع) عرض کردند : یا روح الله ، با چه کسی معاشر و همنشین باشیم ؟ فرمود : با کسی معاشر و همنشین باشید که با دیدن او به یاد خدا و

دستوراتش بیفتید، و از گفتار او بر علم شما افزوده گردد و کردارش باعث توجّه و رغبت شما به آخرت بشود .

۴۴ـ السّعادةالأبديّة(ص:۱۵۳)، إثنی عشريّة(ص:۳۰۲)، منية المريد(ص:۱۲۳) :

وَ قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم : مَنْ جَلَسَ مَعَ ثَمانيَةِ أصْنافٍ مِنَ النّاسِ زادَهُ اللهُ تَعالی ثَمانيَةَ أشْياءَ : مَنْ جَلَسَ مَعَ الْأغْنياءِ زادَهُ اللهُ تَعالیٰ حُبَّ الدُّنيا وَ الرَّغْبَةَ فِيها، وَ مَعَ الْفُقَراءِ حَصَلَ لَهُ الشُّكْرُ وَ الرِّضا بِقِسَمِ اللهِ عزّ وجلّ ، وَ مَعَ السُّلْطانِ زادَهُ اللهُ تَعالی الْقَسْوَةَ وَ الْكِبْرَ، وَ مَعَ النّساءِ زادَهُ اللهُ تَعالیٰ الْجَهْلَ وَ الشَّهْوَةَ، وَ مَعَ الصِّبْيانِ إزْدادَ مِنَ الْجُرْأةِ عَلَى الذُّنُوبِ وَ تَسْويفِ التَّوْبَةِ ، وَ مَعَ الصّالِحِينَ إزْدادَ رَغْبَةً فِی الطّاعاتِ ، وَ مَعَ الْعُلَماءِ إزْدادَ مِنَ الْعِلْمِ ، وَ مَعَ الزُّهّادِ إزْدادَ رَغْبَةً فِی الْآخِرَةِ ،

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرموده : هر که با هشت طائفه از مردم معاشرت و رفت و آمد داشته باشد خدای عزّ وجلّ هشت چیز را در وجودش زیاد کند : هر که با ثروتمندان و سرمایه‌داران (دنیا دوست) بنشیند، خدای عزّ وجلّ (او را رها فرماید و) محبّت دنیا و تمایل به آن را در دل او زیاد می‌گرداند، و هرکس با فقراء بنشیند و معاشر باشد حاصل می‌شود برای او شکر نعمت و راضی به تقدیر و تقسیم روزی از طرف خداوند، و هر که با پادشاهان و حکمرانان معاشر باشد، به جرم معاشرت داشتن ، خداوند رهایش فرماید تا جایی که قساوت قلب و تکبّر پیدا کند، و هر که با زنان (بد) نشیند، خدای تعالی رهایش فرماید تا جهل و نادانی و شهوت بر او حاکم شود، و هر که با کودکان معاشر باشد جرأت بر گناه کردن و بی‌تفاوت بودن بر آن را خواهد داشت، و نتیجه آنکه توبه از گناه را به تأخیر می‌اندازد ، و هر که با أفراد صالح معاشر و همنشین باشد رغبت و علاقه او به طاعات بیشتر گردد، و هر که با علما باشد، بر علم او افزوده می‌شود ، و هر که

با زهّاد بنشیند تمایل او به آخرت زیاد می‌گردد .

۲۱) قصص الأنبياء(ص:۱۹۵)، بحار الأنوار(ص:۴۲۰،ج:۱۳)، الصّدوق، عن: سعد بن عبدالله، عن: القاسم بن محمّد الإصفهانيّ، عن: سليمان بن داود المنقريّ، عن: ابن عُيَيْنَةَ، عن: الزّهريّ :

عَنْ: عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قالَ: قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ أَخْلِصْ طاعَةَ اللهِ حَتّى لاتُخالِطَها بِشَيْءٍ مِنَ الْمَعاصِي ، ثُمَّ زَيِّنِ الطّاعَةَ بِاتِّباعِ أَهْلِ الْحَقِّ، فَإِنَّ طاعَتَهُمْ مُتَّصِلَةٌ بِطاعَةِ اللهِ عزّوجلّ ، وَ زَيِّنْ ذَلِكَ بِالْعِلْمِ، وَ حَصِّنْ عِلْمَكَ بِحِلْمٍ لايُخالِطُهُ حُمْقٌ ، وَ اخْزِنْهُ بِلِينٍ لايُخالِطُهُ جَهْلٌ ، وَ شَدِّدْهُ بِحَزْمٍ لايُخالِطُهُ الضِّياعُ ، وَ امْزِجْ حَزْمَكَ بِرِفْقٍ لايُخالِطُهُ الْعُنْفُ .

حضرت سجّاد عليه السلام می‌فرمود: حضرت لقمان(ع) به فرزند خویش فرموده: ای فرزندم؛ خالص و بی‌ریا گردان طاعت و عبادت خدا را بطوری که کوچکترین معصیت خدا مخلوط آن نباشد ، و سپس زینت بده اطاعت و عبادت خود را به متابعت أهل حقّ و حقیقت نمودن (و آنان پیغمبران و أئمّه عليهم السلام و بندگان صالح هستند) زیرا : متابعت ایشان متّصل است به اطاعت و عبادت خدای تعالی ، و مزیّن گردان متابعت نمودن را به علم، و محکم گردان علم خود را به حلم و بردباری ، با توجّه به اینکه با حماقت و نادانی مخلوط نشود (که هنگام نیاز به اظهار علم و بیان مطلب حلم را پیشه خود ساز) و همچنین علم را با آرامش و ملایمت آمیخته کن بحدّی که با جهل و نادانی مخلوط و اشتباه نشود ، و نیز کمال احتیاط را مراعات بنما تا جایی که ملایمت ضایع نگردد ، و باید حلم و احتیاط را بطوری با یکدیگر بیامیزی که باعث تجاوز از حدّ نیاز و خشونت نشود .

۴۵ــ عدّة‌الدّاعي(ص:۲۳۲)، جامع الأخبار(ص:۹۴)، بحارالأنوار(ص:۲۴۹،ج:۷۰) :

عَنْ: النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله قالَ : مَنْ أَخْلَصَ للهِ أَرْبَعِينَ يَوْماً فَجَّرَ اللهُ يَنابِيعَ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلى لِسانِهِ .

۴۶ـ لبّ اللّباب(ص:)، بحارالأنوار(ص:۳۲۶،ج:۵۳)، شرح نهج البلاغة(ص:۲۱۳، ج:۱۱)، جامع الأخبار(ص:۹۴)، عیون أخبار الرّضا عليه السلام (ص:۶۹ ،ج:۲) :

و فی النّبوی صلى الله عليه وآله وسلم : مَنْ أخْلَصَ الْعِبادَةَ لله أرْبَعِينَ صَباحاً ظَهَرَتْ يَنابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلىٰ لِسانِهِ .

نبیّ أکرم صلى الله عليه وآله وسلم می‌فرموده : هر که خالص گرداند از ریا و خودنمایی برای خدا چهل شبانه روز أعمال خیر و عبادات خود را ، خداوند جاری می‌فرماید منبع و سخنان حکمت‌آمیز را از قلب او به زبانش .

۲۲) جامع أحادیث الشّیعة(ص:۵۲۲،ج:۱۳)، مشکاة الأنوار(ص:۵۳)، معانی الأخبار(ص:۲۵۳)، وسائل‌الشّیعة(ص: ۱۵۶،ج:۱۲)، مستدرك‌الوسائل(ص:۷ و ص:۸ ،ج:۱۴)، قصص‌الأنبیاء(ص: ۱۹۰)، بحارالأنوار(ص:۴۱۶ و ص:۴۱۷،ج:۱۳ و ص:۱۷۶،ج:۷۴)، الصّدوق، أبی، عن: سعد بن عبدالله، عن: محمّد بن عیسی، عن: الحسین بن سیف، عن: أخیه علیّ، عن: أبیه، عن: عمرو بن شمر، عن: جابر :

عَنْ: أبي جَعْفَر عليه السلام قالَ: كانَ فِيما وَعَظَ بِهِ لُقْمانُ (ع) إبْنَهُ: يابُنَيَّ؛ أدِّ الأمانَةَ تَسْلَمْ دُنْياكَ وَ آخِرَتَكَ ، و كُنْ : أمِيناً تَكُنْ غَنِيّاً فَإنَّ اللهَ تَعالىٰ لا يُحِبُّ الخائِنِينَ .

حضرت امام محمّد باقر عليه السلام می‌فرمود: از جمله نصایح و مواعظ و أندرزهای حضرت لقمان (ع) به فرزندش این بوده که فرموده: ای پسرم؛ ردّ أمانت کن به صاحبش تا سالِم بماند دنیا و آخرت تو، و باید (در همه جا و همه حال نسبت به أموال و ناموس و آبروی مردم) أمین باشی تا ثروتمند و سرمایه‌دار باشی ، زیرا: خدای تعالی دوست نمی‌دارد خیانتکاران را .

یکی از سفارشهای اسلام أدای أمانت است همچنانکه قرآن و أخبار نورانی أهل بیت عليهم السلام گویای آنست ، از جمله :

۴۷ـ مستطرفات السّرآئر(ص: ۶۵۰)، بشارة المصطفی(ص:۲۲۲)، الحکایات(ص:۹۳)، وسائل

الشّیعة(ص:۸ ،ج:۱۲) ، عن : کثیر بن علقمة قال :

قلت لأبی عبدالله ﷺ أَوْصِنی ؟ فَقالَ: أُوصِیْكَ بِتَقْوَی الله، وَ الْوَرَعِ، وَ الْعِبادَةِ، وَ طُولِ السُّجُودِ، وَ أداءِ الأمانَةِ، وَ صِدْقِ الْحَدِیثِ، فَبِهذا جائَنا مُحَمَّدٌ ﷺ . . .

کثیر گوید: به حضرت صادق ﷺ عرض کردم: مرا نصیحت و رهنمودی بفرمایید ؛ آن حضرت ﷺ فرمود : سفارش می‌کنم تو را به : تقـوا و پرهـیز از نافرمانی خدای ﷻ ، و خویشتن‌داری از هر چه که شـبهه‌ناك اسـت ، و عبـادت (بدون ریا) و سجده‌های طولانی، و أدای أمانت (هر چقدر و از هر کس باشد)، و راستگویی (مگر در موارد استثنا شده در شرع) و به ایـن گونـه دسـتورات مبعوث گردیده بر ما (پیغمبر خاتم حضرت) محمّد ﷺ . . .

۲۳) أعلام الدّین(ص:۳۲۷)، بحـار الأنوار(ص:۴۳۲، ج:۱۳ و ص:۱۵۶،ج:۷۱ و ص:۵۳، ج:۷۲ و ص:۴۵۸،ج: ۷۸)، کنز الکراجکی(ص:۶۶ ،ج:۲) :

قالَ لُقْمانُ(ع) لابْنِهِ: یابُنَیَّ؛ أُدعُ اللهَ ثُمَّ سَلْ فی النّاسِ هَلْ مِنْ أحَـدٍ دَعا اللهَ فَلَمْ یجِبْهُ ؟! أوْ سَألَهُ فَلَمْ یُعْطِهِ ؟! یا بُنَیَّ ؛ ثِقْ بِالله ﷻ ثُمَّ سَـلْ فی النّاسِ هَلْ مِنْ أحَدٍ وَثَقَ بِاللهِ فَلَمْ یَنْجَهُ ؟ یابُنَیَّ؛ تَوَكَّلْ عَلَی الله ثُمَّ سَـلْ فی النّاسِ مَنْ ذَا الَّذِی تَوَكَّلَ عَلَی الله فَلَمْ یَکْفِهِ ؟ یابُنَیَّ؛ أحْسِنِ الظَّنَّ بِالله ثُـمَّ سَلْ فی النّاسِ مَنْ ذَا الَّذِی أحْسَنَ الظَّنَّ بِالله فَلَمْ یَکُنْ عِنْدَ حُسْنِ ظَنّهِ بِهِ .

حضرت لقمان(ع) به فرزندش فرمود : فرزندم ؛ خدا را بخوان و دعـا کن (و از او درخواست بنما) و سپس از مردم (با ایمان) سؤال کن : آیا کسی هست که خدا را بخواند و خداوند جواب او را ندهد؟! و یا از خدا چیزی (که حلال و شایسته باشد و) درخواست نماید و خدا به او عطا نفرماید ؟! فرزندم ؛ تکیـه و اعتماد به خدای ﷻ داشته باش و از مردم (دانای خداشناس) بپرس: آیا کسی

هست که به لطف خدا تکیه کند و خداوند او را از گرفتاریها نجات ندهد ؟! فرزندم ؛ توکّل و اعتماد کن به خدا، و سپس بپرس از مردم (خداشناس) آیا کسی هست که به خدا توکّل کرده باشد و خدا کفایت امور او را ننموده باشد ؟! فرزندم؛ گمان خوب به خدا داشته باش و سپس از مردم (خداشناس) سؤال کن که آیا کسی هست که گمان خوب به خدا داشته و خداوند به گمان خوب او عمل نکرده باشد ؟!

۴۸ـ لئالی الأخبار(ص:۶۷،ج:۲)، إرشاد القلوب(ص:۱۲۰،ج:۱)، عوالی اللّئالی(ص:۵۷ ، ج:۴)، تنبیه الخواطر(ص:۲۲۲)، بحارالأنوار(ص:۱۵۱،ج:۷۱)، جامع السّعادات(ص:۲۱۹، ج:۳)، جامع الأخبار(ص:۱۱۷) ، المحجّة البیضاء(ص:۳۷۹،ج:۷) :

قالَ رَسُولُ اللهِ صلّی الله علیه وآله وسلّم : لَوْ أَنَّكُمْ تَتَوَكَّلُونَ عَلَى اللهِ حَقَّ تَوَكُّلِهِ لَرَزَقَكُمْ كَما رَزَقَ الطَّيْرَ ، تَغْدُوا خِماصاً وَ تَرُوحُ بِطاناً .

رسول خدا صلّی الله علیه وآله وسلّم فرموده : اگر شما توکّل داشتید به خداوند آنچنانی که حقّ و شایسته توکّل است ، بطور یقین روزی داده می‌شدید همان طوری که پرندگان روزی داده می‌شوند که صبح از لانه و آشیانه خود گرسنه بیرون می‌روند و شامگاه با شکمی سیر و پُر برمی‌گردند .

۴۹ـ جامع الأخبار(ص:۱۱۷)، لئالی الأخبار(ص:۶۷،ج:۲)، کشف الغمّة(ص:۳۴۶،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۱۵۱،ج:۷۱) :

وَ قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السّلام : مَنْ وَثِقَ بِاللهِ أَراهُ السُّرُورَ ، وَ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفاهُ الْأُمُورَ .

حضرت أمیرالمؤمنین علیه السّلام فرموده: هر که تکیه به رحمت خدا داشته باشد، خداوند او را خورسند می‌فرماید ، و هر که بر خدا توکّل کند خداوند امور او را کفایت خواهد نمود .

۵۰ ـ لئالی الأخبار(ص:۶۷،ج:۲)، روضة الواعظین(ص:۴۲۵،ج:۲)، مستدرک الوسائل(ص: ۲۱۴،ج:۱۱)، مشکاة الأنوار(ص:۱۷)، بحارالأنوار(ص:۱۵۱،ج:۷۱)، جامع الأخبار(ص:۱۱۸،ج:۱) :

وَ قَالَ الْباقِرُ عليه السلام : مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللهِ لايُغْلَبُ ، وَ مَنِ اعْتَصَمَ بِاللهِ لا يُهْزَمُ .

حضرت امام باقر عليه السلام فرموده : هر که بر خدا توکّل کند ، هیچگاه در زندگی شکست نمی‌خورد ، و هر که به دستورات خدا عمل نماید ، هیچوقت سرکوب نمی‌شود .

۵۱ ـ کشف‌المحجة(الفصل:۱۵۴)، تحف العقول(ص:۷۳)، نهج‌البلاغة(الرّسائل:۳۹۷)، شرح نهج البلاغة(ص:۸۶ ،ج:۱۶)، مستدرک الوسائل(ص:۱۷۳،ج:۵)، بحارالأنوار(ص:۲۰۶ و ص:۲۲۵ و ص:۲۲۵،ج:۷۷ و ص:۳۰۱،ج:۹۳ باختلاف) :

وَ كانَ فِيما أَوْصَى بِهِ عَلِيٌّ عليه السلام لابْنِهِ الْحَسَنِ عليه السلام : وَ اعْلَمْ يا بُنَيَّ ؛ أَنَّ الَّذِي بِيَدِهِ خَزائِنُ مَلَكُوتِ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ (السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ) ، قَدْ أَذِنَ لَكَ فِي الدُّعاءِ وَ تَكَفَّلَ لَكَ بِالإِجابَةِ ، وَ أَمَرَكَ أَنْ تَسْأَلَهُ لِيُعْطِيَكَ ، وَ تَسْتَرْحِمَهُ لِيَرْحَمَكَ ، وَ لَمْ يَجْعَلْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ مَنْ يَحْجُبُهُ عَنْكَ ، وَ لَمْ يُلْجِئْكَ إِلى مَنْ يَشْفَعُ لَكَ إِلَيْهِ ، وَ لَمْ يَمْنَعْكَ إِنْ أَسَأْتَ مِنَ التَّوْبَةِ ، وَ لَمْ يُعاجِلْكَ بِالنِّقْمَةِ، [وَ لَمْ يُعَيِّرْكَ بِالإِنابَةِ] ، وَ لَمْ يَفْضَحْكَ حَيْثُ [تَعَرَّضْتَ لِلْفَضِيحَةِ] الْفَضِيحَةُ بِكَ أَوْلَى ، وَ لَمْ يُشَدِّدْ عَلَيْكَ فِي قَبُولِ الإِنابَةِ ، وَ لَمْ يُناقِشْكَ بِالْجَرِيمَةِ، وَ لَمْ يُؤْيِسْكَ مِنَ الرَّحْمَةِ، بَلْ جَعَلَ نُزُوعَكَ عَنِ الذَّنْبِ حَسَنَةً ، وَ حَسَبَ سَيِّئَتَكَ واحِدَةً ، وَ حَسَبَ حَسَنَتَكَ عَشْراً ، وَ فَتَحَ لَكَ بابَ الْمَتابِ [الإِسْتِيعابِ ، الإِسْتِئْنافِ ، الإِسْتِعْتابِ] فَإِذا نادَيْتَهُ سَمِعَ نِداءَكَ ، وَ إِذا ناجَيْتَهُ عَلِمَ نَجْواكَ فَأَفْضَيْتَ إِلَيْهِ بِحاجَتِكَ ، وَ أَبْثَثْتَهُ ذاتَ نَفْسِكَ ، وَ شَكَوْتَ إِلَيْهِ هُمُومَكَ ، وَ اسْتَكْشَفْتَهُ كُرُوبَكَ ، وَ اسْتَعَنْتَهُ عَلى

أُمُورِكَ ، و سَأَلْتَهُ مِنْ خَزآئِنِ رَحمَتِهِ مَا لا يَقْدِرُ عَلىٰ إعْطائِهِ غَيْرُهُ مِنْ زِيادَةِ الْأَعْمارِ وَ صِحَّةِ الْأَبْدانِ وَ سَعَةِ الْأَرْزاقِ . ثُمَّ جَعَلَ فى يَدَيْكَ مَفاتِيحَ خَزائِنِهِ بِما أَذِنَ لَكَ فِيهِ مِنْ مَسْأَلَتِهِ، فَمَتىٰ شِئْتَ اسْتَفْتَحْتَ بالدُّعاءِ أبْوابَ نِعْمَتِهِ ، وَ اسْتَمطَرْتَ شَآبيبَ رَحمَتِهِ ، فَلايُقْنِطَنَّكَ ابْطآءُ إجابَتِهِ فَإنَّ الْعَطِيَّةَ عَلىٰ قَدْرِ النِّيَّةِ ، وَ رُبَّما أُخِّرَتْ عَنْكَ الْإجابَةُ لِيَكُونَ ذٰلِكَ أَعْظَمُ لِأَجْرِ السَّائِلِ وَ أَجْزَلَ لِعَطآءِ الآمِلِ ، وَ رُبَّما سَأَلْتَ الشَّىءَ فَلاتُؤْتاهُ وَ أُوتِيْتَ خَيْراً مِنْهُ عاجِلاً أَوْ آجِلاً، أَوْ صُرِفَ عَنْكَ لِما هُوَ خَيْرٌ لَكَ، فَلَرُبَّ أمْرٍ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلاكُ دِينِكَ لَوْ أُوتِيتَهُ ، فَلْتَكُنْ مَسْأَلَتُكَ فِيما يَبْقىٰ لَكَ جَمالُهُ وَ يُنْفىٰ عَنْكَ وَبالُهُ ، فَالْمالُ لايَبْقىٰ لَكَ وَ لاتَبْقىٰ لَهُ، فَإنَّهُ يُوشَكُ أَنْ تُرىٰ عاقِبَةَ أَمْرِكَ حَسَناً أَوْ سَيِّئاً أَوْ يَعْفُوَ الْعَفُوَ الْكَرِيمَ .

حضرت أميرالمؤمنين عليه السلام در ضمن نصايح و سفارشات خود به حضرت امام حسن مجتبى عليه السلام فرموده : و بدان آن خدايى كه بدست (قدرت و توانايى) او است خزانه‌هاى آسمانها و زمين ، دعا و درخواست را به تو اجازه داده ، و پذيرفتن و اجابت را ضامن گشته ، و به تو فرموده كه از او بخواهى تا به تو عطا كند، زيرا: او مهربان و كريم است ، و بين تو و خود كسى را نگذاشته كه او را از تو پنهان و مانع درخواست تو شود ، و تو را ناچار نگردانيده كه نزد او شفيع و ميانجى ببرى، و تو را از توبه و بازگشت جلو نگرفته اگر بدى كرده باشى، و به كيفر (گناه) تو شتاب ننموده ، و رسوايت نكرده آنجا كه شايسته رسوا شدن بودى ، و در پذيرفتن توبه و بازگشت به تو سخت نگرفت ، و بسبب گناه تو را در سختى نينداخت ، و از رحمت نوميد نفرمود ، بلكه خوددارى تو را از گناه حسنه و كار نيك قرار داد، و سيّئه و كار بد تورا يك گناه و حسنه و كار نيكويت را ده برابر شمرد، و براى تو درِ توبه و بازگشت و خوشنود ساختن را گشود، پس

هر وقت او را بخوانی صدایت را می‌شنود ، و هرگاه با او مناجات و راز و نیاز کنی راز دلت را می‌داند ، پس خواست خود را به او می‌رسانی ، و راز دلت را پیش او آشکار می‌سازی، و از أندوه‌هایت به او شکایت و درد دل می‌کنی، و از او چاره گرفتاری‌هایت را می‌خواهی، و بر کارهایت کمك و یاری می‌جویی ، و از خزانه‌های رحمتش می‌خواهی آنچه را که غیر او بر بخشیدنش توانا نیست، از قبیل : درازی زندگانی‌ها و درستی تنها و فراخی روزیها و در دو دست تو کلیدهای خزانه‌هایش را نهاده به چیزی که برای تو در آن از درخواست از او اجازه فرموده ، پس هرگاه بخواهی بسبب دعا درهای نعمتش را بگشایی ، و پی‌درپی رسیدن بارانهای رحمتش را درخواست نمایی ، باید دیر اجابت و پذیرفتن خدا تو را نومید نگرداند ، زیرا بخشش به أندازه نیّت و تصمیم است (اجابت دعا بسته به خلوص نیّت و استقامت است) و بسا اجابت تو به تأخیر افتد تا پاداش برای درخواست کننده بزرگتر و بخشش برای امیدوار بیشتر باشد، (چون هر چند در اجابت تأخیر شود درخواست بیشتر گردد و راز و نیاز بهتر کند ، پس بیشتر سزاوار عطا و بخشش شود) و بسا چیزی (از خداوند متعال) درخواست می‌نمایی و به تو داده نمی‌شود و بهتر از آن در دنیا یا در آخرت به تو داده می‌شود ، یا اجابت نمی‌شود برای چیزی که برای تو بهتر است ، و بسا چیزی را می‌طلبی که اگر به تو داده شود تباهی دین تو در آن است ، پس (بنابراین) باید بخواهی چیزی که نیکویی آن برایت برقرار و آزار آن از تو برکنار باشد ، (خلاصه بخواه آنچه را که موجب سعادت و نیکبختی همیشگی است) و (چون بیشتر درخواستها مال و دارایی دنیا است در نکوهش آن می‌فرماید :) مال برای تو نمی‌ماند، و تو برای آن نخواهی ماند (در آخرت با تو نیست که سود بخشد ، و تو در دنیا نمی‌مانی که از آن بهره ببری) .

۲۴) تنبیه الخواطر(ص:۳۱)، عقدالفرید(ص:۸۷ ،ج:۳ باختلاف) :

قالَ لُقْمانُ(ع) لابْنهِ: یابُنَیَّ؛ إذا أتَیْتَ نادیَ قَوْمٍ فارْمِهمْ بسَهْمِ السَّلامِ، ثُمَّ اجْلِسْ فی ناحِیَتِهِمْ، فَلاتَنْطِقْ حَتّی تَراهُمْ قَدْ نَطَقُوا، فَإنْ رَأیْتَهُمْ قَدْ نَطَقُوا فی ذِکْرِ اللهِ فَأجْرِ سَهْمَکَ مَعَهُمْ، وَ إلاّ فَتَحَوَّلْ مِنْ عِنْدِهِمْ إلی غَیْرِهِمْ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده: ای پسرم؛ هرگاه بر محلّ سکونت جمعی از مردم وارد شدی، نخست به آنان سلام کن، و سپس در کنار آنان باش و معاشرت کن، و سخن مگو تا آنکه ببینی و بشنوی در چه موضوعی و در چه حدودی سخن می‌گویند، و اگر مشاهده کردی که سخنانشان را در ذکر و یاد و راهنمایی‌های خدا است، ارتباط خود را با آنان بسیار نزدیك کن و سخن بگو و اظهار نظر کن، و اگر چنین نباشند روی از ایشان برگردان و متوجّه اجتماع دیگری باش .

۲۵) إرشاد القلوب الدّیلمی(ص:۷۲،ج:۱)، إرشاد القلوب المترجم(ص:۱۶۵،ج:۱) :

و قالَ لُقْمانُ(ع) لابْنهِ : یابُنَیَّ ؛ إذا أحْدَثْتَ ذَنْباً فَأتْبِعْهُ بِالإسْتِغْفارِ وَ النَّدَمِ ، وَ الْعَزْمِ عَلیٰ تَرْكِ الْعَوْدِ لِمِثْلِهِ .

حضرت لقمان(ع) فرزندش را نصیحت فرموده : ای پسرم ؛ هرگاه (در اثر غفلت) گناهی را مرتکب شدی، بدون از دست دادن فرصت، استغفار کن و واقعاً پشیمان باش از اینکه مرتکب شده‌ای، و عزمی راسخ و اراده‌ای محکم داشته باش که دیگر تا پایان عمر مرتکب چنان گناه و اشتباه نشوی (و تا سر حدّ امکان جبران بنما) .

تأیید می‌نماید گفتار حضرت لقمان (ع) را بیان شریف و نورانی مولای متّقیان حضرت أمیرالمؤمنین عليه السلام که می‌فرماید :

۵۲ ـ تحف العقول(ص:۱۹۳)، أعلام الدّین(ص:۱۳۰)، السّعادة الأبدیّة(ص:۱۲۳)، إثنی عشریّة(ص:۲۴۱)، وسائل الشّیعة(ص:۷۷،ج:۱۶)، مستدرك الوسائل(ص:۱۳۰،ج:۱۲)، روضة

الواعظين(ص:۴۷۹،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۲۷وص:۳۶،ج:۶ وص:۶۸ ،ج:۷۸ و ص:۲۸۵،ج:۹۳)، فلاح السائل(ص:۱۹۸)، مشكاةالأنوار(ص:۳۱۴)، نهج البلاغة(حكم:۴۰۹)، شرح نهـج البلاغـة(ص:۵۶ ، ج:۲۰)، مكارم الأخلاق(ص:۳۱۴)، المحجّة البيضاء(ص:۶۳،ج:۷) :

وَ قالَ عليه السلام لِقائِلٍ قالَ بِحَضْرَتِهِ: أَسْتَغْفِرُ اللهَ، ثَكِلَتْكَ أُمُّكَ، أَتَدْرِي مَا الْإِسْتِغْفارُ؟ إنَّ الْإِسْتِغْفارَ دَرَجَةُ الْعِلِّيِّينَ، وَ هُوَ اسْمٌ واقِعٌ عَلىٰ سِتَّةِ مَعانٍ : أَوَّلُها : النَّدَمُ عَلىٰ مَا مَضىٰ ، وَ الثّانِي : العَزْمُ عَلىٰ تَرْكِ الْعَوْدِ إِلَيْهِ أَبَداً ، وَ الثّالِثُ : أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ حُقُوقَهُمْ حَتّىٰ تُلْقِيَ اللهَ أَمْلَسَ لَيْسَ عَلَيْكَ تَبِعَةٌ ، وَ الرّابِعُ : أَنْ تَعْمِدَ إِلىٰ كُلِّ فَرِيضَةٍ عَلَيْكَ ضَيَّعْتَها فَتُؤَدِّيَ حَقَّها ، وَ الْخامِسُ : أَنْ تَعْمِدَ إِلَى اللَّحْمِ الَّذِي نَبَتَ عَلَى السُّحْتِ فَتُذِيبُهُ بِالْأَحْزانِ حَتّىٰ تُلْصِقَ الْجِلْدَ بالعَظْمِ ، وَ يَنْشَأَ بَيْنَهُما لَحْمٌ جَدِيدٌ ، وَ السّادِسُ : أَنْ تُذِيقَ الْجِسْمَ أَلَمَ الطّاعَةِ كَما أَذَقْتَهُ حَلاوَةَ الْمَعْصِيَةِ ، فَعِنْدَ ذٰلِكَ تَقُولُ : أَسْتَغْفِرُ اللهَ .

مردی در حضور حضرت أميرالمؤمنين عليه السلام گفت: أستغفر الله، آن حضرت فرمود : مادرت در مرگت گریه کند ؛ آیا می‌دانی چیست و چگونه است مرتبه استغفار ؟ استغفار کردن درجه و مقام أفراد بلندمرتبه و شایسته است ، استغفار شش شرط دارد : ۱ـ پشیمانی از کردار بد و یا گفتار زشت گذشته ، ۲ـ تصمیم قاطع و محکم داشتن بر باز نگشتن بر آن گناه برای همیشه، ۳ـ أدای حقّ النّاس، بطوری که (در قیامت مغفرت و رحمت) خدا را ملاقات کردی کوچکترین حقّی به گردن نداشته باشی، ۴ـ أدا (و قضا) کنی آنچه را (از نماز و روزه و خمس و زکات و حجّ) بر تو واجب بوده و کوتاهی کرده‌ای در أنجام آن، ۵ ـ آنچنان أندوهناك شوی که گوشتی که در بدنت از حرام روئیده نابود شود به حدّی که پوست بدنت به بدن بچسبد و گوشت تازه برویَد ، ۶ ـ بچشانی به جسم خود رنج طاعت و عبادت را چنانکه به آن چشانیده‌ای لذّت و شیرینی گناه و معصیت را ، که هرگاه این شرایط

را عمل کردی بگو : أستغفر الله ، از خدای ﷻ طلب آمرزش می‌کنم .

۲۶) بحارالأنوار(ص:۴۲۲،ج:۱۳ و ص:۲۷۰،ج:۷۶ و ص:۱۸۴،ج:۸۰)، الادهان(ص:۹۹)، الکافی(ص:۳۴۸،ج:۸)، القصص الجزائری(ص:۳۲۷)، من لایحضر(ص:۲۹۶،ج:۲)، المحاسن(ص:۳۷۵)، وسائل الشیعة(ص:۳۰۵،ج:۱ و ص: ۴۴۲،ج:۱۱)، عن: القاسم بن محمّد الإصفهانیّ، عن: سلیمان بن داود المنقریّ، عن: حمّاد :

عَنْ : أَبِيْ عَبْدِاللهِ عليه السلام قالَ : قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : إذا أَرَدْتَ قَضاءَ حاجَتِكَ ، فَابْعَدِ الْمَذْهَبَ فِی الْأَرْضِ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرموده : حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : هرگاه خواستی قضای حاجت کنی (به بول و غائط کردن) باید از دیگران و از راه عبور مردم دور و پنهان شوی .

بدانکه : در اسلام برای أنجام توالت دستوراتی داده شده است ، از جمله : هنگام وارد شدن به بیت الخلا باید أوّل پای چپ را داخل گذاشت ، بر عکس مسجد که باید اوّل پای راست را داخل گذاشت ، زیرا : به تجربه و از نظر علمی ثابت شده که شخص ایستاده اگر سکته کند هر طرف پای راست او باشد به زمین می‌افتد، و دیگر آنکه باید خود را از دید أفراد پنهان کند، زیرا: در حضور دیگران ادرار و یا غائط کردن بر خلاف أخلاق انسانی است ، و باید عورت خود را از نامحرم بپوشاند، حتّی از طفل خردسالی که رنگها را تشخیص می‌دهد .

۲۷) آداب‌النفس(ص:۱۸۸،ج:۱ و ص:۲۲،ج:۲)، مجموعة ورّام(ص:۱۰۲)، جامع الأخبار (ص:۱۸۳)، جامع السّعادات(ص:۵،ج:۲)، إثنی‌عشریّة (ص:۱۳۰)، منهاج البراعة(ص:۳۹۷،ج:۹) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ إذَا امْتَلأَتِ الْمِعْدَةُ نامَتِ الْفِكْرَةُ ، وَ خَرَسَتِ الْحِكْمَةُ ، وَ قَعَدَتِ الْأَعْضاءُ عَنِ الْعِبادَةِ .

حضرت لقمان (ع) بفرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ هرگاه پُر شد معده

انسان به خواب می‌رود قوّه و نیروی فکری، و گنگ می‌گردد توان حکمت و دانایی، و سست و ناتوان می‌شود أعضای بدن از انجام دادن عبادت و تکالیف و وظایف .

آری ؛ اگر شکم انسان سیر گردد بقیه أعضای انسان گرسنه و ناتوان می‌شوند ، خاصّه نیروی عقل و فکر و قوّه شهوت ، و اگر شکم گرسنه شد بقیّه أعضای آدمی سیر می‌گردد به طوریکه نیروی غریزه جنسی ناتوان می‌گردد ، و نیروی عقل و فکر و فهم و شعور بواسطه نبودن بخارات معده ، بکار خواهد افتاد ، و یکی از أبعاد بیان رسول خدا ﷺ همین است که فرموده :

۵۳ ـ بحارالأنوار(ص:۲۹۰،ج:۶۲)، طبّ النّبیﷺ (ص:۱۹)، عوالی اللّئالی(ص:۳۰،ج:۲)، علل الشّرایع(ص:۹۸)، المناقب(ص:۲۵۹،ج:۴)، مکارم الأخلاق(ص:۳۶۲)، عن العالمؑ قال :

قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ : اَلمِعْدَةُ بَيْتُ كُلِّ داءٍ .

رسول خدا ﷺ می‌فرمود: معده انسان مرکز همه گونه درد و گرفتاری است .

۵۴ ـ إثنی عشریّة(ص:۴۶)، إرشادالقلوب(ص:۲۰۵،ج:۱)، مستدرك الوسائل(ص:۲۱۸،ج:۱۶) :

وَ فِى الْحَدِيثِ الْقُدْسِيِّ : قالَ اللهُ ﷻ : إنَّ الْعَبْدَ إذا جاعَ بَطْنُهُ وَ حَفِظَ لِسانَهُ عَلَّمْتُهُ الْحِكْمَةَ .

در حدیث قدسیّ است که خدای ﷻ فرموده: هرگاه خالی بود شکم بنده‌ای از غذا (ی زیاد) ، و زبان خود را نگه‌داشت (از بیهوده‌گویی و سخن‌چینی و غیبت کردن و تهمت زدن و شهادت ناحقّ دادن و سخریّه و استهزاء و فحش دادن) حکمت را به او می‌آموزم .

۵۵ ـ بحارالأنوار(ص:۳۳۵،ج:۶۶)، المحاسن(ص:۴۴۰،ج:۲)، وسائل الشّیعة(ص:۲۴۰،ج:۲۴)، الکافی(ص:۲۶۹،ج:۶)، مرآة العقول(ص: ،ج:)، محمّد بن یحیی ، عن: أحمد بن محمّد ، عن: ابن سنان ، عن : صالح النّیلی :

عَنْ : أَبِي عَبْدِ اللهِ ؑ قالَ : لَيْسَ لِابْنِ آدَمَ بُدٌّ مِنْ اَكلَةٍ يُقِيمُ بِها

صُلْبُهُ ، فَإذا اَكَلَ اَحَدُكُمْ طَعاماً فَلْيَجْعَلْ : ثُلْثَ بَطْنِهِ لِلطَّعامِ ، وَ ثُلْثَ بَطْنِهِ لِلشَّرابِ ، وَ ثُلثَ بَطْنِهِ لِلنَّفسِ ، وَ لا تُسَمِّنُوا تَسَمَّنَ الخَنازِيرِ لِلذَّبحِ .

حضرت صادق(ع) فرمودند : آدمی‌زاده ناچار است غذا بخورد تا زنده بماند و بتواند فعّالیّت و کار و کوشش برای زندگی داشته باشد ، ولکن : هرگاه یکی از شماها بخواهد غذا بخورد باید : یك سوّم شکم خود را برای : غذا ، و یك سوّم آن را برای : آب ، و یك سوّم آن را برای : نفس کشیدن قرار دهد ، و مبادا آنچنان پُرخوری کنید و خود را فَربه و چاق نمایید همانند خوك که (نادانان) آن را چاق می‌کنند برای کشتن .

۲۸) المحاسن(ص: ۳۷۵)، إثنی‌عشریّة(ص:۲۸)، مکارم‌الأخلاق(ص:۲۵۲)، وسائل الشّیعة (ص:۲۸۲،ج:۸ و ص:۴۴۱،ج:۱۱)، الکافی(ص:۳۴۸،ج:۸)، من لایحضر(ص:۲۹۶،ج:۲)، الأمان(ص: ۹۹)، القصص الجزائری(ص:۳۲۷)، مصباح الکفعمی(ص:۱۸۵)، بحارالأنوار(ص:۴۲۳،ج:۱۳و ص: ۲۷۱،ج:۷۶ و ص:۳۱۵،ج:۸۸)، عن القاسم بن محمّد ، عن : سلیمان بن داود المنقریّ ، عن : حمّاد :

عَنْ: أبِیَ عَبْدِ اللهِ(ع) قال : قالَ لُقْمانُ (ع) : إذا جاءَ وَقْتُ صَلاةٍ فَلا تُؤَخِّرْها بِشَيءٍ، صَلِّها وَ اسْتَرِحْ مِنْها ، فَإنَّها دَيْنٌ .

حضرت صادق(ع) می‌فرمود : حضرت لقمان(ع) فرموده: زمانی که وقت نماز فرا رسید ، آن را تأخیر نینداز بسبب کار و شغل و یا چیز دیگر ، نماز را بجای آور ، و بعد با خاطری آسوده استراحت کن، زیرا: نماز بر عهده تو تکلیف است که باید آن را أدا کنی .

نماز و توجّه به وقت آنچنان أهمیّتی در اسلام دارد که :

۵۶ ـ قرب الإسناد(ص:۳۸)، السّعادة الأبدیّة(ص:۶۰)، إثنی عشریّة(ص:۱۱۰)، أعلام الدّین(ص:۱۳۰)، وسائل‌الشّیعة(ص:۱۱۴،ج:۴)، مشکاة‌الأنوار(ص:۷۸)، بحارالأنوار(ص:۳۹۱،ج:۷۴)، عن: هارون بن مسلم، عن: مسعدة بن صدقة الرّبعی ، قال : قالَ أبو عَبْدِ اللهِ(ع) :

الخصال(ص:۱۰۳)، وسائل الشیعة(ص:۱۱۲،ج:۴)، بحار الأنوار(ص:۲۲ و ص:۲۳،ج:۸۳)، الصّدوق، أبی، عن: أحمد بن محمّد بن یحیی العطّار، عن: أبیه، عن: محمّد بن أحمد، عن: هارون بن مسلم، عن: اللّیثی :

عَن : الصّادِقِ عليه السلام قالَ : إمْتَحِنُوا شيعَتَنا عِنْدَ ثَلاثٍ : عِنْدَ مَواقِيْتِ الصَّلاةِ كَيْفَ مُحافِظَتُهُمْ عَلَيْها ، وَ عِنْدَ أَسْرارِهِمْ كَيْفَ حِفْظُهُمْ لَها عِنْدَ (عَنْ) عَدُوِّنا ؟ وَ إلىٰ أَمْوالِهِمْ كَيْفَ مُواساتِهِمْ لِإخْوانِهِمْ فِيْها .

حضرت صادق عليه السلام فرموده: شیعیان ما را در سه وقت امتحان کنید، أوّل: در أوقات نماز که تا چه اندازه مواظب آن هستند (و کوشش در خواندن نماز در أوّل وقت دارند) ، دوّم : در أسرار و رازداری آنها (در امور زندگی و سیاسی کشور) که تا چه قدر آنرا از دشمنان ما پنهان می‌کنند ، سوّم : در أموال ایشان که تا چه مقدار و چگونه با برادران و خواهران دینی خود همراهی دارند .

۵۷ ـ نهج البلاغة(حکم :۱۰۶)، شرح نهج البلاغة(ص:۲۹۸،ج:۱۸)، بحار الأنوار(ص:۱۰۷، ج:۷۰)، نزهة الناظر(ص:۴۲) ، ینابیع المودّة(ص:۲۳۵) :

وَ قالَ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ عليه السلام : لا يَتْرُكُ النّاسُ شَيْئاً مِنْ أَمْرِ دينِهِمْ لِإسْتِصْلاحِ دُنْياهُمْ إلاّ فَتَحَ اللهُ عَلَيْهِمْ ما هُوَ أَضَرُّ مِنْهُ .

و حضرت أمیرالمؤمنین عليه السلام فرموده : ترك و رها نمی‌کنند مردم چیزی از أمور (واجبات و یا محرّمات) دینی را برای کار و درآمد و منافع دنیایی ، جز آنکه بگشاید خداوند بر آنان راهی که ضرر و زیانش بیشتر از آنچه که از دست داده‌اند ، باشد .

۵۸ ـ إرشاد القلوب (ص:۲۱۷،ج:۲) ، کشف الیقین(ص:۱۲۱) ، نهج الحقّ(ص:۲۴۷) ، بحار الأنوار(ص:۲۳،ج:۸۳)، وسائل الشیعة(ص:۲۴۶،ج:۴) :

كانَ عَلِيٌّ عليه السلام يَوْماً فى حَرْبِ صِفّينَ ، مُشْتَغِلاً بِالْحَرْبِ وَ الْقِتالِ ، وَ هُوَ مَعَ ذلِكَ بَيْنَ الصَّفّينِ يُراقِبُ الشَّمْسَ ، فَقالَ لَهُ إبْنُ عَبّاسٍ : يا أَميرَ

الْمُؤْمِنِينَ ما هذا الْفِعْلُ ؟! قالَ : أَنْظُرُ إِلى الزَّوالِ حَتّىٰ نُصَلّيَ ، فَقالَ لَهُ ابْنُ عَبّاسٍ : وَ هَلْ هذا وَقْتُ الصَّلاةِ ؟! إِنَّ عِنْدَنا لَشُغُلاً بِالْقِتالِ عَنِ الصَّلاةِ ، فَقالَ عليه السلام : عَلىٰ ما نُقاتِلُهُمْ ؟! إِنَّما نُقاتِلُهُمْ عَلَى الصَّلاةِ . . .

حضرت أمير المؤمنين على عليه السلام در جنگ صفّين ، وقتى كه آتش جنگ سخت شعله‌ور بود ، و آن حضرت با اينكه در ميان دو لشكر سرگرم جنگ بود مى‌ايستاد و نگاه به خورشيد مى‌نمود ، ابن عبّاس عرض كرد : يا أميرالمؤمنين ! براى چه اين كار را انجام مى‌دهيد ؟! فرمود: مواظب هستم كه ظهر بشود، و نماز بخوانيم، ابن عبّاس گفت: آيا در چنين وقتى كه آتش جنگ همه جا را فرا گرفته و ما به كارزار و جنگ و جدال مشغول هستيم ، وقت نماز خواندن است ؟! آن حضرت فرمود : ما براى چه با معاويه و لشكريانش مى‌جنگيم، مگر توجّه ندارى كه ما با آنها مى‌جنگيم تا نماز را بپا بداريم و زنده نگهداريم (بنابراين صحيح نيست كه براى خاطر جنگ نماز را ترك كنيم) .

۲۹) إثنى عشريّة(ص:۲۶)، بحارالأنوار(ص:۲۷۱،ج:۷۶ و ص:۴۲۲،ج:۱۳ و ص:۱۸۴،ج:۸۰)، مصباح‌الكفعمى(ص:۱۸۵)، الأمان(ص:۹۹)، قصص‌الأنبياء الراوندى(ص:۱۹۴)، جامع أحاديث الشّيعة(ص:۵۰۰،ج:۱۶)، روضة‌المتّقين(ص:۲۶۷، ج:۴)، من‌لايحضر(ص:۲۹۶، ج:۲)، المحاسن(ص:۳۷۵)، الكافى(ص:۳۴۸،ج:۸)، مرآة‌العقول(ص:۵۱۱ ، ج:۲۶)، لئالى الأخبار(ص:۱۰۸،ج:۱)، مكارم الأخلاق (ص:۲۵۲)، وسائل‌الشّيعة(ص:۳۰۵،ج:۱ و ص:۳۶۶ و ص:۴۴۰،ج:۱۱) ، المحجّة البيضاء(ص:۷۴، ج:۴)، علىّ بن إبراهيم، عن أبيه، و الصّدوق، عن القاسم بن محمّد الإصفهانىّ، عن: سليمان بن داود المنقرىّ ، عن:حمّاد (بن عثمان ، أو بن عيسى) :

عن: أَبِي‌عبدالله عليه السلام قال : قالَ لُقْمانُ(ع) لابْنِهِ: إِذا سافَرْتَ مَعَ قَوْمٍ فَأَكْثِرِ اسْتِشارَتَكَ إِيّاهُمْ فى أَمْرِكَ وَ أُمُورِهِمْ، وَ أَكْثِرِ التَّبَسُّمَ فى وُجُوهِهِمْ، وَ كُنْ كَرِيماً عَلىٰ زادِكَ بَيْنَهُمْ ، وَ إِذا دَعَوْكَ فَأَجِبْهُمْ ، وَ إِذا اسْتَعانُوا بِكَ

فَأعُنْهُمْ، وَ أغْلِبهُمْ بثَلاث: بطُولِ الصُّمْتِ، وَ كَثْرَةِ الصَّلاةِ، وَ سَخاءُ النَّفْسِ بِما مَعَكَ مِنْ دابَّةٍ أوْ مالٍ (ماءٍ) أوْ زادٍ ، وَ إذا اسْتَشْهَدُوكَ عَلَى الحَقِّ فَاشْهَدْ لَهُمْ ، وَ اجْهَدْ رَأيَكَ لَهُمْ إذا اسْتَشارُوكَ ، ثُمَّ لاتَعْزِمْ حَتّى تَثْبُتَ وَ تَنْظُرَ وَ لا تُجِبْ فى مَشورَةٍ حَتّى تَقُومَ فِيْها وَ تَقْعُدَ وَ تَنامَ وَ تَأكُلَ وَ تُصَلّىْ وَ أنْتَ مُسْتَعْمِلٌ فِكْرَكَ وَ حِكْمَتَكَ فى مَشْورَتِهِ (مَشْورَتِكَ) فَإنَّ مَنْ لَمْ يَمْحَضِ النَّصِيحَةَ لِمَنِ اسْتَشارَهُ سَلَبَهُ اللهُ ﷻ رَأيَهُ وَ نَزَعَ عَنْهُ الأمانَةَ ، وَ إذا رَأيْتَ أصْحابَكَ يَمْشُونَ فَامْشِ مَعَهُمْ ، وَ إذا رَأيْتَهُمْ يَعْمَلُونَ فَاعْمَلْ مَعَهُمْ، وَ إذا تَصَدَّقُوا وَ أعْطُوا قَرْضاً فَأعْطِ مَعَهُمْ، وَ اسْمَعْ لِمَنْ (مِمَّنْ) هُوَ أكْبَرُ مِنْكَ سِنّاً ، وَ إذا أمَرُوكَ بِأمْرٍ وَ سَألُوكَ (شَيْئاً) فَقُلْ : نَعَمْ، وَ لاتَقُلْ: لا، فَإنَّ: لا، عَيٌّ وَ لُؤْمٌ ، وَ إذا تَحَيَّرْتُمْ فى طَرِيقِكُمْ فَأنْزِلُوا، وَ إذا شَكَكْتُمْ فى الْقَصْدِ فَقِفُوا وَ تُؤامِرُوا ، وَ إذا رَأيْتُمْ شَخْصاً واحِداً فَلاتَسْألُوهُ عَنْ طَرِيقِكُمْ وَ لاتَسْتَرْشِدُوهُ فَإنَّ الشَّخْصَ الْواحِدَ فى الْفَلاةِ مُرِيبٌ ، لَعَلَّهُ أنْ يَكُونَ عَيْناً لِلُّصُوصِ أوْ أنْ يَكُونَ هُوَ الشَّيْطانُ الَّذِى حَيَّرَكُمْ؛ وَ احْذَرُوا الشَّخْصَيْنِ أيْضاً، إلاّ أنْ تَرَوْا ما لاأرَى، فَإنَّ الْعاقِلَ إذا أبْصَرَ بِعَيْنِهِ شَيْئاً عَرَفَ الْحَقَّ مِنْهُ ، وَ الشّاهِدُ يَرى ما لايَرَى الْغائِبُ .

يابُنَيَّ؛ إذا جاءَ وَقْتُ صَلاةٍ فَلاتُؤَخِّرْها لِشَيءٍ، وَ صَلِّها وَ اسْتَرِحْ مِنْها فَإنَّها دَيْنٌ ، وَ صَلِّ فى جَماعَةٍ وَ لَوْ عَلى رَأسِ زُجٍّ ، وَ لاتَنامَنَّ عَلى دابَّتِكَ فَإنَّ ذلِكَ سَرِيعٌ فى دَبْرِها ، وَ لَيْسَ مِنْ فِعْلِ الْحُكَماءِ، إلاّ أنْ تَكُونَ فى مَحْمِلٍ يُمْكِنُكَ التَّمَدُّدُ لإسْتِرْخاءِ الْمَفاصِلِ ، وَ إذا قَرُبْتَ إلَى الْمَنْزِلِ فَأنْزِلْ عَنْ دابَّتِكَ (فَإنَّها تُعِينُكَ) وَ ابْدَأ بِعَلَفِها قَبْلَ نَفْسِكَ فَإنَّها نَفْسُكَ ، وَ إذا أرَدْتَ (أرَدْتُمْ) النُّزُولَ فَعَلَيْكَ (فَعَلَيْكُمْ) مِنْ بِقاعِ الأرْضِ بِأحْسَنِها لَوْناً ، وَ ألْيَنِها تُرْبَةً ، وَ أكْثَرِها عُشْبَةً ، وَ إذا نَزَلْتَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ أنْ

تَجْلِسَ ، وَ إذا أَرَدْتَ قَضاءَ حاجَةٍ فَأَبْعِدْ الْمَذْهَبَ فِى الأَرْضِ ، وَ إذا ارْتَحَلْتَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ وَدِّعِ الأَرْضَ الَّتِى حَلَلْتَ بِها وَ سَلِّمْ عَلَيْها وَ عَلىٰ أَهْلِها ، فَإِنَّ لِكُلِّ بُقْعَةٍ أَهْلاً مِنَ الْمَلائِكَةِ ، وَ إنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ لاتَأْكُلَ طَعاماً حَتّىٰ تَبْدَأَ فَتَتَصَدَّقَ مِنْهُ فَافْعَلْ ، وَ عَلَيْكَ بِقِراءَةِ كِتابِ اللهِ ﷻ (۱) مادُمْتَ راكِباً ، وَ عَلَيْكَ بِالتَّسْبيحِ مادُمْتَ عامِلاً وَ عَلَيْكَ بِالدُّعاءِ مادُمْتَ خالِياً ، وَ إيّاكَ وَ السَّيْرَ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ وَ عَلَيْكَ بِالتَّعْريسِ وَ الدُّلْجَةِ مِنْ لَدُنْ نِصْفِ اللَّيْلِ إلىٰ آخِرِهِ ، وَ إيّاكَ وَ رَفْعَ الصَّوْتِ فى مَسيرِكَ .

حضرت صادق(ع) می‌فرمود: حضرت لقمان(ع) به فرزندش فرموده: هر زمانی که همراه گروهی مسافرت کردی با آنها در کار خودت و تمام کارهای آنان زیاد مشورت کن، و بسیار خوشرویی و لبخند در حضورشان رفتار کن، (زیرا : در مسافرت أغلب در أثر خستگی عبوس و ناراحت و بدأخلاق هستند) ، و باید کریم و سخاوتمند باشی در آنچه همراه داری با همه آنان، و هر زمانی که تو را دعوت کردند (برای کاری که خلاف أمر و نهی خدا و پیغمبر نباشد) دعوت آنان را اجابت کن ، و هرگاه از تو کمك خواستند به آنان کمك کن ، و باید در سه چیز از آنان برتر باشی ، أوّل : در بازداشتن زبان از سخنان بیهوده (و رنج‌آور، غیبت، دروغ ، تهمت، فحش و ناسزا) ، دوّم: زیاد نماز خواندن و به یاد خدا بودن ، سوّم : سخاوت داشتن به آنچه همراه داری از : (حیوانات سواری و حیوانات شیرده ، ثروت ، آب ، و ما یحتاج دیگر) و اگر تو را برای شهادت دادن بر هر چیزی که حق باشد طلبیدند ، از شهادت دادن دریغ نداشته باش

---

(۱) و بعضی احتمال داده‌اند که از: و علیك بقراءة کتاب الله، تا پایان حدیث، را حضرت صادق(ع) برای متمّم بیان حضرت لقمان(ع) است، و از این جهت در بعضی از کتابها: و علیك بقراءة القرآن نقل شده است .

(زیرا : کتمان شهادت گناه بزرگی است) ، و اظهار نظر کـــن و رأی و طــرح و راهنمایی خود را بیان بنما هرگاه با تو مشورت کردند ، ولکن عجله در جـواب دادن نداشته باش ، تا اینکه بپا برخیزی و بنشینی و بخوابی و غذا بخوری و نمـاز بخوانی، و درباره مطلبی که تو را دعوت کرده‌اند نیکو فکر کنی و أبعاد آنرا توجّه بنمایی ، زیرا: کسی‌که خالص نگرداند و اندیشه و فکر کامل نکند در نصیحت و راهنمایی مطلبی که با او مشورت شده ، خداوند نظریّه و رأی او را نابود خواهد کرد ، و نعمت تشخیص و أندیشه را از او می‌گیرد ، و أمـــانت داری او مـتزلزل می‌شود ، (برای آنکه هر کس فکر صحیح نکرده، و أطراف مطلبی دقّت ننماید، و با حال گرسنه و یا خسته و یا با اغتشاش فکری و یا ناراحتی‌های دیگر بخواهـد در پیرامون مطلبی سخنی را بگوید و اظهار نظر و طـرح و راهنمـایی بنمـاید ، بطور حتم و یقین گفته او صحیح و فایده‌بخش نخواهد بود) .

و هرگاه همراهیان تو حرکت کردند تو نیز حرکت کن، و اگر کاری را(کـه خلاف دین نباشد) أنجام می‌دهند تو هم با آنها أنجام بده، و هرگاه آنـــان صدقـه دادند و به نیازمند کمك کردند و یا به کسی قرض‌الحسنه دادند تـو هـم همـانند آنها أنجام بده ، و قبول و اطاعت کن دستور کسی که از لحاظ سنّی بـزرگـتر از تو است (از جهت احترام) ، و اگر به تو دستوری داد برای أنجام کـــاری و یــا درخواستی کرد بگو: بله، و نه اینکه در پاسخش بگویی : نه ، زیرا : (اگر کسی بتواند کاری را أنجام دهد و خودداری نماید و بگوید :) نه ، دلیـــل بـر عجـز و ناتوانی (فکری و وجدانی) او است و مستحقّ سرزنش و ملامت است .

و هرگاه متحیّر و سرگردان شدید در راه ، پیاده شــوید (و بـا علائـم و نشانه‌ها راه را بیابید) و اگر شكّ کردید در مقصد (که به کجا و یا به کدام طرف باید بروید) بایستید و پس از توقّف با یکدیگر مشورت نمایید ، و اگر یك نفر را

در بیابان دیدید ، مقصد مسافرت خود را و راه رسیدن به آن مقصد را (تنها) از او نپرسید، (و اکتفا نکنید)، زیرا : یك نفردر بیابان باعث شكّ و تردید و مشکوك است (غالباً) و چه بسا جاسوس و دیده‌بان دزدان باشد و یا از جمله أفرادی باشد که بواسطه خبث باطن و شیطنت و بیماری أخلاقی، شما را بیشتر متحیّر و سرگردان و گمراه کند ، و از دو نفر شخص هم که در بین راه برخورد نمودید احتیاط را مراعات کنید ، در پرسیدن راه از ایشان ، مگر آنکه حرف ظاهری و طرز گفتار ایشان نوعی مشاهده کنید که می‌توانید اطمینان به راستگویی آنها پیدا کنید ، و شما در آن حال متوجّه مطلبی بشوید که ألآن من نمی‌توانم بگویم ، زیرا : عاقل چیزی را که با چشم خود ببیند درستی و راستی آنرا درك می‌کند، و (قاعده کلّی آنستکه) حاضر می‌بیند و متوجّه می‌شود آنچه را که غائب نمی‌بیند و متوجّه نمی‌شود .

فرزندم ؛ هرگاه وقت نماز شد ، خواندن آن را از أوّل وقت تأخیر نینداز برای کارهای دنیایی ، بجا آور و استراحت کن ، (که دلهره و تشویش نداشته باشی هر لحظه از نخواندن نماز) زیرا : نماز بر عهده تو تکلیف است و باید هرچه زودتر آنرا بخوانی ، و نماز را با جماعت بخوان هر چند بر روی تکّه‌های آهن و سرنیزه باشی ، و هیچگاه بر روی حیوانی که بر آن سوار هستی خواب نکن ، زیرا : این کار سبب زخمی شدن پشت کمر حیوان است، و دانایان چنین کاری را أنجام نمی‌دهند ، مگر آنکه در کجاوه باشی که بتوانی دراز بکشی برای استراحت مفاصل أعضای بدنت ، و هرگاه به منزل رسیدی هر چه زودتر از حیوان پیاده شو و پیش از آنکه برای خودت إذا تهیّه کنی ، علوفه آنرا تهیّه کن و بخوران، زیرا: آن حیوان همانند خود تو است، که نیاز به آب و علوفه دارد، و هرگاه در بین راه خواستی در منزلی فرود آیی باید در جایگاههای زیبا رنگ که

خاکش نرم و گیاه فراوان و سرسبز داشته باشد انتخاب کنی ، و پس از فرود آمدن دو رکعت نماز بخوان پیش از نشستن، و هرگاه خواستی قضای حاجت نمایی (برای بول و غائط) باید دور از جمعیّت و زمینی گود و پست و پنهان باشد که دیده نشوی ، و هنگام کوچ کردن دو رکعت نماز بجای آور و با آن سرزمینی که فرود آمدی وداع کن ، و بر آن زمین و أهل آن منطقه سلام نما ، زیرا : در هر سرزمینی فرشتگانی هستند ، و اگر توانستی نخور غذایی را مگر آنکه از همان غذا پیش از شروع به خوردن صدقه دهی ، و بر تو باد که خواندن کتاب خدای‌ﷻ تا زمانی که بر حیوان سوار هستی، و همچنین بر تو باد به تسبیح خدا گفتن هر چند که به کاری مشغول می باشی ، و بر تو باد به دعا کردن (در حقّ دیگران و خود) در هر زمانی که بیکار باشی .

و پرهیز داشته باش از حرکت و سیر کردن در أوّل شب، بلکه سیر نمودن و نزول برای استراحت اندك باید از نصف شب تا آخر شب باشد ، و پرهیز کن از اینکه صدای خود را بلند کنی در حال سیر و حرکت در مسافرت (زیرا : چه بسا دزدان در کمین باشند) .

۵۹ ـ تحف العقول(ص:۱۰۳)، الخصال(ص:۶۱۸)، في حديث أربعمأة ، الصّدوق، عن : أبيه، عن: محمّد بن عيسى بن عبيد اليقطينيّ ، عن: القاسم بن يحيى ، عن : جدّه الحسن بن راشد، عن : أبي بصير، و محمّد بن مسلم، عن: الصّادق عليه السلام عَنْ آبائه عليهم السلام قالَ أميرُالمؤمنين عليه السلام :

مَنْ سافَرَ مِنْكُمْ بِدابَّةٍ ، فَلْيَبْدَءْ حِينَ نَزَلَ بِعَلَفِها وَ سَقْيِها ، لاتَضْرِبُوا الدَّوابَّ عَلىٰ وُجُوهِها فَإنَّها تُسَبِّحُ رَبَّها .

حضرت أميرالمؤمنين‌ عليه السلام درباره حمایت و حقوق حیوانات فرموده: هرگاه کسی از شما با حیوان سواری مسافرت کرد ، در هر کجا که بار فرود آورد برای ماندن ، باید اوّلین کاری که می‌کند ، تهیّه علف و آب برای حیوان خود باشد، و

هیچگاه بر سر و صورت حیوانی نزنید ، زیرا : آن هم به زبان و عـالم حیوانیّـت تسبیح و ذکر خدا می‌گوید .

۶۰ ـ الخصال(ص:۹۸)، الصّدوق ، عن : علیّ بن أحمد بن عبدالله البرقیّ ، عن : علـیّ بـن أسباط ، عن : عمّه یعقوب بن سالم ، یَرْفَعُ الْحَدِیثَ إلی : أمِیرِالْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قالَ :

قالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله فی حَدِیثٍ طَوِیلٍ : لا یَرْتَدِفُ ثَلاثَـةٌ عَلـی دابَّةٍ ، فَإنَّ أحَدَهُمْ مَلْعُونٌ ، وَ هُوَ الْمُقَدَّمُ .

حضرت أمیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود : رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمـن یـك بیان طولانی فرموده : مبادا سه نفر بر یك حیوان سواری سوار شوند ، که یکـی از آن سه نفر ملعون و دور از رحمت خدا خواهد بود ، و او کسی اسـت کـه در جلو سوار است .

۳۰) إرشاد القلوب الدّیلمی(ص:۷۲،ج:۱)، إرشادالقلوب المترجم(ص:۱۶۶،ج:۱)

فی وَصِیَّةِ لُقْمانَ(ع) لِابْنِهِ: یابُنَیَّ، إذا صَلَّیْتَ فَصَلِّ صَلاةَ مُوَدِّعٍ تَظُنُّ أنْ لاتَبْقی بَعْدَها أبَداً .

در ضمن نصیحت‌های حضرت لقمان (ع) به فرزندش این بوده : پســرم ؛ هرگاه نماز خواندی، باید نماز وداع و آخرین نماز خود به حساب آوری، و چنین پنداری که دیگر زنده نخواهی بود برای خواندن نمـاز بعـدی (و یـا اگـر زنـده ماندی موفّق به خواندن نخواهی شد بواسطه بیماری) .

آری ؛ فراوانند که نماز أوّل را خوانده‌اند و زنـــده نمـانده‌اند کـه نمـاز دوّم بخوانند ، هم چنانکه فراوان هستند کسانی که در وسط نماز جان به جان آفریــن تسلیم کرده‌اند .

۶۱ ـ وسائل الشّیعة(ص:۳۴،ج:۴ و ص:۴۷۴،ج:۵)، مستدرك الوسائل(ص:۳۳،ج:۳ و ص: ۹۴،ج:۴)، بحارالأنوار(ص:۱۰، ج:۸۳ و ص:۲۳۳،ج :۸۴)، مکارم الأخلاق(ص:۱۶۵،ج:۲)، أمـالی

الصّدوق(ص:۲۱۲) ، المحجّةالبيضاء(ص:۳۵۰،ج:۱)، ثواب‌الأعمال(ص:۵۷) ، عن: الحسين بن إبراهيم بن ناتانة ، عن : عليّ بن إبراهيم ، عن : أبيه ، عن : الحسن بن محبوب ، عن : عبد العزيز ، عن : ابن أبي يعفور ، قال :

قالَ أَبُوعَبْدِاللهِ الصّادِقِ(ع) : إذا صَلَّيْتَ صَلاةَ فَرِيضَةٍ فَصَلِّها لِوَقْتِها صَلاةَ مُوَدِّعٍ يَخافُ أَنْ لايَعُودَ إلَيْها أَبَداً . . .

حضرت صادق(ع) می‌فرمود : هرگاه خواستی نماز واجب را بجای آوری ، باید در أوّل وقت آن بجای آوری ، و آن را آخرين نماز خود بدانی ، تا جایی که امّيد زنده ماندن برای خواندن نماز واجب بعدی را نداشته باشی .

۶۲ ـ إثنی عشريّة (ص:۱۱۷)، بحارالأنوار(ص:۷۷ و ص:۱۸۳،ج:۷۷ و ص :۹۹،ج:۷۳ و ص:۲۱،ج:۱۰۳)، أمالی‌الطّوسی(ص:۳۸۱ و ص:۵۲۵ ،ج:۱)، مکارم‌الأخلاق(ص:۴۵۹)، عدّة الدّاعی (ص:۸۴)، تنبيه الخواطر(ص:۵۱ و ص:۲۷۱ و ص:۲۷۹،ج:۱)، أعلام الدّين(ص:۱۸۹ و ص:۳۳۹)، مسکن الفؤاد(ص:۱۶)، وسائل الشّيعة(ص:۱۱۴،ج:۱)، مستدرک الوسائل(ص:۱۰۷،ج:۲) :

وَ قالَ النَّبِيُّ (ص) لِأَبِي‌ذَرٍّ الغفاریّ (رض) : إذا أَصْبَحْتَ فَلا تُحَدِّثْ نَفْسَكَ بِالْمَساءِ، وَ إذا أَمْسَيْتَ فَلاتُحَدِّثْ نَفْسَكَ بِالصَّباحِ .

نبیّ أکرم (ص) به أبوذر غفاری (رض) فرمودند : هر روز که داخل صبح می‌شوی به خود تلقين نکن و امّيدوار نباش که تا شب زنده خواهی بود ، و هر شب که فرا رسيد به خود نويد زنده بودن تا صبح را مده . . .

تأييد می‌نمايد گفتار حضرت لقمان(ع) را بيان حضرت سجّاد(ع) که فرموده :

۶۳ ـ أعلام الدّين(ص:۱۴۵ و ص:۲۹۹)، إرشاد القلوب الدّيلميّ(ص:۷۲،ج:۱)، بحارالأنوار (ص:۱۶۰،ج:۷۸ و ص:۴۰۸،ج:۶۹ و ص:۴۴۷،ج: ۷۸)، عَن: السَّجّادِ(ع) :

دعوات الرّاوندیّ(ص:۴۰)، بحارالأنوار(ص:۲۵۷،ج:۸۴)، المحجّة البيضاء(ص:۳۵۰،ج:۱)، الخصال(ص:۵۱۷)، أمالی‌الصّدوق(ص:۲۶۵)، دعائم‌الإسلام(ص:۱۵۷)، مستدرک‌الوسائل(ص:۹۹،ج:۴)،

سنن ابن ماجة القزويني(ص:) :

عَن : النَّبيِّ ﷺ : وَ إذا صَلَّيْتَ فَصَلِّ صَلاةَ مُوَدِّعٍ [تَخافُ أنْ لاتَعُودَ إلَيْها] .

نبيّ أكرم، ﷺ فرموده : هرگاه نمازی را بجا آوردی ، باید آخرين نماز خود بدانی ، و با خواسته‌های خود ، و خواسته‌های هوای نفس خود و باپایان یافتن عمر وداع کنی .

۳۱) إثنی عشريّة (ص : ۲۹) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) : إذا قَلَّ طُعْمَةُ الْمَرْءِ عاشَ طَويلاً .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده : هرگاه خوراك کسی اندك باشد عمری طولانی خواهد داشت .

۳۲) إرشادالقلوب الدّيلمي(ص:۷۲،ج:۱)، إرشادالقلوب المترجم(ص:۱۶۷،ج:۱) :

فی وَصِيَّةِ لُقْمانَ(ع) لاِبْنِهِ : يابُنَيَّ؛ إرْضَ بِما قَسَّمَ اللهُ لَكَ ، فَإنَّهُ تعالی يَقُولُ : أعْظَمُ عِبادِيْ ذَنْباً مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضائِيْ وَ لَمْ يَشْكُرْ نَعْمائِيْ وَ لَمْ يَصْبِرْ عَلیٰ بَلائِيْ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود نصيحت فرمود : ای پسرم ؛ راضی و خشنود باش به آنچه که خداوند قسمت و روزی تو فرموده ، زيرا : خدای تعالی فرموده : بزرگترين بندگانم از نظر گناه كسی است كه راضی بـه حكـم و مقـدّرات مـن نباشد ، و شكرگزار نعمتهای من نباشد ، و صبر ننمايد بر امتحان و بلاهای من .

۶۴ ـ إثنی عشريّة (ص:۲۰۶) :

وَ رُوِيَ عَنْ رَسُولِ اللهِ ﷺ أنَّهُ قالَ : النّاسُ عَلی خَمْسَةِ مَراتِبَ ؛ مِنْهُمْ: مَنْ يَریٰ أنَّ الرِّزْقَ مِنَ الْكَسْبِ لا مِنَ اللهِ ، فَهُوَ : كافِرٌ ، وَ مِنْهُمْ : مَنْ يَرىٰ أنَّ الرِّزْقَ مِنَ اللهِ وَ مِنَ الْكَسْبِ ، فَهُوَ : مُشْرِكٌ ، وَ مِنْهُمْ : مَنْ يَرىٰ أنَّ

الرِّزْقَ مِنَ اللهِ وَ يَرَى الْكَسْبَ سَبَباً فَلايَدْرِي يُعْطِيهِ أَمْ لا ، فَهُوَ : مُنافِقٌ شاكٌّ ، وَ مِنْهُمْ : مَنْ يَرىٰ أَنَّ الرِّزْقَ مِنَ اللهِ ، وَ أَنَّ الْكَسْبَ سَبَباً ، فَلايُؤَدّيْ حَقَّهُ ، وَ يَعْصِي اللهَ مِنْ أَجْلِ الْكَسْبِ ، فَهُوَ : فاسِقٌ ، وَ مِنْهُمْ : مَنْ يَرىٰ أَنَّ الرِّزْقَ مِنَ اللهِ ، وَ يَرىٰ الْكَسْبَ سَبَباً ، وَ يُؤَدّيْ حَقَّهُ وَ لا يَعْصِي اللهَ لأَجْلِ الْكَسْبِ ، فَهُوَ مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ طُعْمُهُ .

روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده : که مردم از نظر اندیشه رزق در پنج مرتبه هستند، که بعضی از آنها چنین فکر می‌کنند: روزی بواسطه کسب و کار و فعّالیّت است ، نه آنکه خدا به آنها می‌دهد ، و اینها کافرند ، و بعضی چنین فکر می‌کنند که روزی بواسطه کسب و کار و از طرف خدا به آنها می‌رسد ، و اینها مشرك هستند ، و بعضی فکر می‌کنند که روزی را خدا می‌دهد که بسبب کار بدست می‌آید ولکن نمی‌دانند که به او هم داده می‌شود یا نه ، و اینها منافق می‌باشند که شكّ و تردید دارند در روزی دهنده‌گی خداوند ، و بعضی دیگر فکر می‌نمایند که روزی از طرف خدا است ، و بسبب کسب و کار و فعالیّت بدست می‌آید ، ولکن حقّ واجبه آن را (که خمس آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلم و سهم مبارك امام علیه السلام و زکات و کمك به مستمندان باشد) نمی‌دهند و نافرمانی خدا را می‌نمایند و می‌گویند : اگر وجوهات بدهیم از سرمایه کسب کاسته می‌شود ، و اینها فاسق هستند ، و بعضی از افراد عقیده دارند که روزی را فقط خدا می‌دهد و کسب و کار و فعالیّت را واسطه بدست آمدن می‌دانند و حقوق واجبه الهی را می‌پردازند و کوچکترین نافرمانی را در انجام دستورات خداوند نمی‌کنند و این عدّه از مردم مؤمن می‌باشند و کسب و کار و سرمایه ایشان خالص و حلال است .

۶۵ ـ کنزالفوائد (ص:۳۶۰ و ص:۳۶۲)، مشتابه القرآن(ص:۱۹۶)، مسکن الفؤاد(ص:۸۵)، بحارالأنوار(ص:۹۵،ج:۵ و ص:۲۳۶،ج:۶۷ و ص:۱۳۲، ج:۸۲ و ص:۲۲۴،ج:۹۱) ؛

وَ قالَ النَّبِیُّ ﷺ : یَقُولُ اللهُ ﷻ : مَنْ لَمْ یَرْضَ بِقَضائِی وَ لَمْ یَشْکُرْ عَلی نَعْمائِی وَ لَمْ یَصْبِرْ عَلی بَلائِی فَلْیَتَّخِذْ (فَلْیَطْلُبْ) رَبّاً سِوائِی .

نبیّ أکرم ﷺ می‌فرمود که : خدایﷻ فرموده : کسی که راضی به دستور و مقدّرات من نباشد، و شکر نعمتهای مرا ننماید، و صبر بر بلا و امتحان من نکند ، باید خدایی غیر مرا جستجو کند (و چون خدایی غیر از من وجود ندارد ، باید : راضی و شاکر و صابر باشد) .

۳۳) محبوب القلوب (ص:۵۶) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لاِبْنِهِ : یابُنَیَّ ؛ إسْتَحی مِنَ اللهِ بِقَدْرِ قُرْبِهِ مِنْکَ ، وَ خَفْ مِنَ اللهِ بِقَدْرِ قُدْرَتِهِ عَلَیْکَ ، وَ إیّاکَ وَ کَثْرَةَ الْفُضُولِ ، فَإنَّ حِسابَکَ غَداً عَنْها یَطُولُ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ حیا کن از خدا بقدری که به تو نزدیك است ، و بترس از خدا به اندازه قدرت او بر تو ، و بترس از زیادیها(ی گناه و سخنان بیجا و بی‌فایده و کارهای بی‌نتیجه و سرمایه دنیایی) زیرا : حساب تو در قیامت به طول خواهد انجامید .

۳۴) قصص الأنبیاء(ص:۱۹۴)، بحارالأنوار(ص:۴۱۹،ج:۱۳)، الصّدوق، عن: أبیه، عن: القاسم بن محمّد الإصفهانیّ ، عن : سلیمان بن داود المنقریّ ، عن : حمّاد :

عَنِ: الصّادِقِ علیه‌السلام أنَّهُ قالَ : قالَ لُقْمانُ (ع) لاِبْنِهِ : یابُنَیَّ ؛ إسْتَصْلِحِ الْأهْلِینَ وَ الإخْوانِ مِنْ أهْلِ الْعِلْمِ ، إنِ اسْتَقامُوا لَكَ عَلَی الْوَفاءِ ، وَ احْذَرْهُمْ عِنْدَ انْصِرافِ الْحالِ بِهِمْ عَنْكَ ، فَإنَّ عَداوَتَهُمْ أشَدُّ مَضَرَّةً مِنْ عَداوَةِ الْأباعِدِ ، لِتَصْدِیقِ النّاسِ إیّاهُمْ ، لإطِّلاعِهِمْ عَلَیْكَ .

حضرت صادق علیه‌السلام می‌فرموده : که حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ درخواست راهنمایی و مشورت کن در تمام امور زندگی از

بستگان دور و نزدیك خود ، و از أهل علم و دانش و أفراد دانای به امور ، اگر با تو دوست و موافق باشند و خیر و صلاح و رشد زندگی تو را بخواهند ، و سخت بترس و احتیاط کن از آنان وقتی که از تو روی بگردانند ، زیـــرا : دشمنی ایشـان ضرر و زیانش از دشمنی دیگران که از تو دورند و خویشـــاوندی ندارنـد بدتـر و بیشتر است ، به جهت آنکه : مردم گفتار ایشان را تصدیق می‌کنند به عنوان اینکه از حالات تو با اطّلاع هستند .

۳۵) إرشاد القلوب الدّيلمي(ص:۷۲،ج:۱)، إرشاد القلـوب المـترجم(ص:۱۶۶،ج:۱)، عقـد الفريد (ص:۸۷ ، و ص:۱۴۸،ج:۳) :

فِی وَصِيَّةِ لُقْمانَ (ع) لِابْنِهِ: يا بُنَيَّ! إسْتَعِذْ بِالله مِــنْ شِـرارِ النِّسـاءِ (النّاسِ) وَكُنْ مِنْ خِيارِهِنَّ (خِيارِهِمْ) عَلى حَذَرٍ .

در سفارشهای حضرت لقمان (ع) به فرزندش این بوده که : ای فرزنـدم ؛ پناه ببر به خدا از زنان بد و شرور ، بلکه از خوبان ایشان هم بـــر حـذر بـاش (زیرا : زن ضعیف است بواسطه داشتن نیروی عاطفه قوی که زود تحـت تأثـیر حیله دیگران قرار می‌گیرند) .

۶۶ـ نهج البلاغة(الخطبة :۷۹)، شرح نهج البلاغة(ص:۲۱۴،ج:۶)، خصائص الأئمّـة(ص:۱۰۰)، إرشاد القلوب الدّيلمي(ص:۲۱۴،ج:۲)، بحـار الأنوار(ص:۲۴۷،ج:۳۲ و ص:۱۸۶،ج:۷۴ و ص:۹۸،ج:۷۵ و ص:۳۳ وص:۲۵۵،ج:۷۸ و ص:۲۲۴ و ص:۲۲۷ و ص:۲۲۸،ج:۱۰۳)، الكـافي(ص:۵۱۷ ،ج:۵)، مرآة العقول(ص:۳۳۴،ج:۲۰)، أمالي الصّدوق (ص:۱۸۲)، الإختصاص(ص:۲۲۶)، مسـتدرك الوسـائل (ص:۵۵۳ ،ج:۲)، العطّار، عن: أبيه، عن: ابن أبي الخطاب ، عن : محمّد بن سنان ، عن : أبي الجارود ،

عَنِ : الْباقِرِ عليه السلام عَنْ : آبائِهِ عليهم السلام قالَ : [بِاخْتِلافٍ جُزْئِی] :

وسائل الشّيعة(ص:۱۷۹،ج:۲۰)، عدّة من أصحابنا ، عن : أحمد بن أبي عبد الله ، عن : أبيـه ، عمّن ذكره ، عن : الحسين بن المختار ، عَنْ : أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قالَ :

قالَ أميرُالْمُؤْمِنينَ عليه السلام : . . . وَ اتَّقُوا شِرارَ (أشْرارَ) النِّساءِ، وَ كُونُوا مِنْ خِيارِهِنَّ عَلىٰ حَذَرٍ ، وَ لا تُطِيعُوهُنَّ فِى الْمَعْـرُوفِ حَتّـىٰ لا يَطْمَعْـنَ (مِنْكُمْ) فِى الْمُنْكَرِ .

حضرت أميرالمؤمنين عليه السلام می‌فرمود: بپرهيزيد از زنان بد، و از خوبان ايشـان هم ترسناك باشيد، و فرمان آنها را نبريد در كارها و كردار و گفتارهای خـوب و پسنديده، تا طمع أنجام كارهای بد و ناپسند را (در هيچ مورد) از شما نداشته باشند .

۶۷ ـ الكافي(ص:۵۱۵ ،ج:۵)، مرآةالعقول(ص:۳۳۱ ،ج:۲۰)، المحجّة البيضـاء(ص:۱۰۰ ،ج:۳)، مجمع الزّوائد(ص:۲۷۳ ،ج:۴)، وسائل الشّيعة(ص:۳۸ و ص:۴۰ ،ج:۲۰)، مستدرك الوسـائل(ص:۱۷۰ ،ج:۱۴)، بحارالأنوار(ص:۲۵۱ ،ج:۶۴)، التهذيب (ص:۴۰۱ ،ج:۷) :

عَنْ : أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ : قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله : إِنَّما مَثَلُ الْمَرْأَةِ الصّالِحَةِ مِثْلُ الْغُرابِ الْأَعْصَمِ الَّذِيْ لايَكادُ يُقْدَرُ عَلَيْهِ، قِيلَ: وَ مَا الْغُرابُ الْأَعْصَمُ الَّذِيْ لايَكادُ يُقْدَرُ عَلَيْهِ ؟ قالَ : الْأَبْيَضُ إِحْدىٰ رِجْلَيْهِ .

حضرت امام محمّد باقر عليه السلام می‌فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده: زن صالحه همانند كلاغ أعصم است كه آن را به راحتی بدست نخواهی آورد، گفته شـد: كـلاغ أعصم چه نوع كلاغی است؟ فرمود: كلاغی است كه يك پايش سفيدرنگ است .

۳۶) إحياء العلوم(ص: ج   )، المحجّةالبيضاء(ص:۱۴۴ ،ج:۳) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يابُنَيَّ ؛ إِسْتَعِنْ بِالْكَسْبِ الْحَلالِ عَلَى الْفَقْرِ، فَإِنَّهُ مَا افْتَقَرَ أَحَدٌ قَطُّ إِلاّ أَصابَهُ ثَلاثُ خِصالٍ :

۱ـ رِقَّةٌ فِى دِينِهِ ، ۲ـ وَ ضَعْفٌ فِى عَقْلِهِ ، ۳ـ وَ ذَهابٌ فِى مُرُوَّتِهِ ، وَ أَعْظَمُ مِنْ هذِهِ الثَّلاثِ : إِسْتِخْفافُ النّاسِ بِهِ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده: ای پسر عزيزم؛ كمك بگير برای مخارج زندگی و فقرزدايی بوسيله كسب و كار و شـغل حـلال ، زيـرا : فقـير و

تهی‌دست نشد کسی مگر آنکه گرفتار سه چیز می‌شود :

۱ـ رقّت و سستی در دین (که برای لقمه نانی دست از دین برمی‌دارد) ، ۲ـ ضعف و ناتوانی عقل معاش و أندیشه (زیرا : همیشه فکرش مشغول و مخدوش است) ، ۳ـ نابود شدن مروّت و جوانمردی او ، و بدتر از این سه گرفتاری آنست که : مورد تحقیر و بی اعتنایی و استخفاف مردم واقع می‌شود .

هر مردی تکلیف دارد برای تهیّه مایحتاج زندگی خود و أفرادی که واجب النّفقه او هستند، فعّالیّت و کار و کوشش داشته باشد. و چنین کسی ثواب جنگ کننده در راه خدای عزّوجلّ را دارد ، چنانکه روایت شده :

۶۸ ـ عدّةالدّاعی(ص:۸۲)، الهدایة(ص:۳۱۴)، فقه‌الرّضا عليه السلام (ص:۲۰۸ و ص:۲۵۵)، لئالی الأخبار(ص:۴۷۷،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۳۲۴،ج:۹۶ و ص:۷،ج:۱۰۰ و ص:۱۳ و ص:۱۰۳،ج:۱۰۳ و ص:۷۲،ج:۱۰۴)، عوالی‌اللّئالی(ص:۱۶۸،ج:۱ و ص:۱۰۹،ج:۲ و ص:۱۹۹،ج:۳)، المحجّةالبیضاء(ص:۱۴۳،ج:۳)، وسائل الشّیعة(ص:۶۷،ج:۱۷)، مستدرک الوسائل(ص:۳۷۸،ج:۷ و ص:۵۴ و ص:۵۵، ج:۱۳)، من‌لایحضر(ص:۱۰۳،ج:۳)، روضةالمتّقین(ص:۴۶۱،ج:۶)، مرآةالعقول(ص:۳۷،ج:۱۹)، الکافی (ص:۸۸،ج:۵)، محمّد بن یعقوب الکلینی، عن: علیّ بن إبراهیم، عن: أبیه ، عن : ابن أبی عمیر، عن : حمّاد بن عثمان ، عن : الحلبیّ :

عَنْ : أبی عَبْدِ الله عليه السلام قالَ : الْکادُّ عَلیٰ عِیالِهِ [مِنْ حَلالٍ] کَالْمُجاهِدِ فی سَبیلِ الله عزّوجلّ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : هر مردی که برای تهیّه مایحتاج عیالش کسب و کار کند (از راه حلال) ، أرزش او همانند کسی است که در راه خدای عزّوجلّ می‌جنگد .

و سخت سرزنش و توبیخ شده به آن مردی که مخارج زندگی خود و نان‌خورهای خود را بطور رایگان از دسترنج دیگران تهیّه می‌نماید .

۶۹ ـ لئالی الأخبار(ص:۲۶۵،ج:۳)، عَن: النَّبیّ صلّی الله علیه و آله و سلّم :

بحارالأنوار(ص:۸۵ ،ج:۷۶ و ص:۲۹۷،ج:۷۹ و ص:۲۲۴،ج:۱۰۳)، قرب الإسناد (ص:۷۳)، هارون بن مسلم ، عن : مسعدة بن صدقة :

عَن : الصّادِقِ علیه السلام عَنْ : أبِیْهِ علیه السلام قالَ : . . . مَن اتَّخَذَ إمْرَأةً فَلْیُکْرِمْها ، فَإنّما إمْرَأةُ أحَدِکُمْ لُعْبَةٌ ، فَمَن اتَّخَذَها فَلا یُضَیِّعْها .

حضرت امام محمّد باقر علیه السلام فرموده : هر که با زنی ازدواج کرد باید او را احترام نماید (و شخصیّت او را پایمال نکند) و نیازهای او را فراهم کند ، زیرا : همسر هر یك از شما (شریك زندگی و) وسیله لذّت و باعث برطرف شدن أندوه شما می‌باشد، بنابراین نباید او را ضایع و سرگردان کند ، و کوتاهی در فراهم نمودن نیازهای زندگی او نماید .

۳۷) الإختصاص(ص:۳۳۸)، بحارالأنوار(ص:۴۲۹،ج:۱۳)، عن: الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ إسْتَکْثِرْ مِنَ ألْأصْدِقاءِ ، وَ لا تَأمَنْ مِنَ ألْأعَداءِ، فَإنَّ ألْغِلَّ فی صُدُورِهِمْ مِثْلُ النّارِ تَحْتَ الرَّمادِ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ تا می‌توانی بر تعداد دوستان خود افزوده کن ، و ایمن مباش از دشمنان ، زیرا : بغض و کینه در دل دشمن همانند آتش در زیر خاکستر است (که در هر جا و هر زمان ممکن است شعله‌ور شود) .

۷۰ـ إثنی عشریّة(ص:۲۷۸) ، عَن الصّادِقِ علیه السلام أنّهُ قالَ : إجْعَلْ ألْفَ صَدِیق واحِداً وَ کُنْ مِنْهُ عَلی حَذَرٍ .

حضرت امام صادق علیه السلام فرموده : در بین هزار دوست یك نفر را انتخاب کن ، و از آن یك نفر هم ترسناك باش (زیرا : فراوان هستند دوستانی که دشمن می‌شوند) .

۳۸) محبوب القلوب(ص:) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لاِبْنِهِ : يابُنَىَّ ؛ أَطِعِ اللهَ فَإِنَّ مَنْ أطاعَ اللهَ كَفاهُ ما أهَمَّهُ ، وَ عَصَمَهُ مِنْ خَلْقِهِ .

حضرت لقمان(ع) بفرزند خود فرموده: ای فرزندم؛ اطاعت کن دستورات خدا را، زیرا : هرکه اطاعت کند خدا را (در واجبات و محرّمات و حلال و حرام و محرم و نامحرم)، کفایت کند او را در تمام کارها و نیازهایش، و نگهداری نماید او را از أشرار مخلوقش .

۳۹) قصص الأنبياء الرّاوندیّ(ص:۱۹۶)، بحارالأنوار(ص:۴۲۱،ج:۱۳) ، . . . عن : سليمان بن داود المنقریّ ، عن : يحيى بن سعيد القطّان ، قال :

سَمِعْتُ الصّادِق عليه السلام يَقُولُ : قالَ لُقْمانُ (ع) لاِبْنِهِ : يابُنَىَّ ؛ إعْتَزِلِ الشَّرَّ يَعْتَزِلْكَ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده : فرزندم ؛ برکنار باش از هر شرّ (فتنه و فساد) تا آن هم از تو دوری کند و برکنار باشد .

۴۰) إثنی عشريّة(ص:۳۰) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لاِبْنِهِ : يابُنَىَّ ؛ أَعْظَمُ الْمَصائِبِ شَماتَةُ الْأَعْدآءِ ، وَ أَشَدُّ مِنْها الْحاجَةُ إلَيْهِمْ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود به عنوان نصیحت فرموده : ای پسرم ؛ بزرگترین مصیبتها شماتت و سرزنش و زخم زبان دشمنان است ، و سخت‌تر از آن نیازهای خود را از آنها خواستن (و توقّع و انتظار انجام شدن آن را با همّت آنان داشتن) است .

نباید انسان نقطه ضعف به دست دشمنان دهد به واسطه انجام ندادن

دستورات دینی و أخلاق اسلامی، زیرا: دشمن تمام صفات و رفتار و گفتار نیك را رها کرده و نمی‌نگرد، ولی یك سخن اشتباه و زشت و یا رفتار و گفتار نامناسب را آنچنان بزرگ جلوه می‌دهد و شماتت و سرزنش می‌کند تا آبرویش را ببرد، بنابراین مرد و زن و پسر و دختر مسلمان باید تمام کوشش خود را در أنجام دادن دستورات دینی و أخلاق اسلامی در همه جا و همه وقت بکار بندد.

۷۱ ـ السّعادة الأبديّة (ص:۱۰۷)، إثني عشريّة (ص:۲۰۶)، مما رواه الخاصّ و العامّ:

قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: خَمْسَةٌ مِنْ مَصائِبِ الآخِرَةِ: فَواتُ الصَّلاةِ، وَ مَوْتُ الْعالِمِ، وَ رَدُّ السّائِلِ، وَ مُخالَفَةُ الْوالِدَيْنِ، وَ فَوْتُ الزَّكاةِ.

وَ خَمْسَةٌ مِنْ مَصائِبِ الدُّنْيا: فَوْتُ الْحَبيبِ، وَ ذِهابُ الْمالِ، وَ شَماتَةُ الأَعْداءِ، وَ تَرْكُ الْعَمَلِ (الْعِلْمِ)، وَ امْرَأَةُ السُّوْءِ.

رسول خدا ﷺ فرموده: پنج چیز از مصیبتهای آخرت است: ۱ـ از دست رفتن نماز (به ترك کردن، و یا در أوّل وقت نخواندن)، ۲ـ مرگ عالِم، ۳ـ ناامید کردن سائل، ۴ـ نافرمانی پدر و مادر نمودن (در کارهایی که خلاف شرع نباشد).

و پنج چیز از مصیبتهای دنیا است: ۱ـ مردن دوست (و یا دور شدن از او)، ۲ـ ورشکست شدن، ۳ـ شماتت و سرزنش دشمنان، ۴ـ ترك عمل و کوشش در کار و شغل، ۵ ـ و زن بد أخلاق و بد رفتار داشتن.

۷۲ـ تفسیرالقمّی(ص:۲۴۲،ج:۲)، القصص الجزائریّ (ص: ۲۰۰)، القصص الرّاوندیّ (ص: ۱۴۰)، بحارالأنوار(ص:۳۴۴،ج:۱۲):

وَ سُئِلَ أَيُّوبُ (ع) بَعْدَ ما عافاهُ اللهُ، أَيُّ شَيْءٍ كانَ أَشَدُّ عَلَيْكَ مِمّا مَرَّ عَلَيْكَ؟ قالَ: شَماتَةُ الأَعْداءِ.

از حضرت أیّوب(ع) پس از عافیت و شفا یافتن از بیماری پرسیده شد که: چه چیزی بر تو سخت‌تر بود در دوران بیماری؟ فرمود: شماتت و زخم زبان دشمنان.

۴۱) أعيان الشّيعة(ص:۱۸۲،ج:۱۱) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : إعْلَمْ يا بُنَىَّ ؛ إنَّ الْمَقامَ فى الدُّنْيا قَلِيلٌ ، وَ الرُّكُوْن إلَيْها غُرُورٌ ، وَ الْغِبْطَةَ فِيْها حُلْمٌ، وَ كُنْ سَمْعاً سَهْلاً خَزَناً أمِيناً، وَ كَلِمَةُ جامِعَةٍ : إتَّقِ اللهَ فى جَمِيعِ أحْوالِكَ ، وَ لاتَعْصِيْهِ فى شَئٍ مِنْ اُمُورِكَ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : بدان ای پسرم ؛ كـه مـاندن و زندگی كردن در دنيا أندك است ، و دل بستن به آن فريب خوردنى بيش نيست ، و غبطه خوردن برای آن همانند خواب ديدنى است ، بايد گـوش شـنوا داشـته باشى (برای شنيدن أحكام و وظايف و عمل كردن) ، و ساده زيستن را پيشـه خود ساز، و أمين و درستكار باش، و خلاصه: مطلبى كه همه خوبيها را در خود جمع كرده آنست كه: تقوای خدايى داشته باش در تمام حالات، و در هيچ كـارى از كارهايت معصيت و نافرمانى خدا را مكن .

۴۲) الإختصاص (ص:۳۳۸) ، بحار الأنوار(ص:۴۲۹،ج:۱۳) ، جامع أحاديث الشّيعة (ص: ۴۴۷،ج:۱۳)، عن الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يابُنَىَّ ؛ إعْلَمْ أنَّهُ مَنْ جاوَرَ إبْلِيسَ وَقَعَ فى دارِ الْهَوانِ، لايَمُوتُ فِيْها وَ لايَحْيى.

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود بعنوان نصيحت فرموده: ای پسرم؛ بدان بطور يقين هر كس با شيطان همراه باشد (و به أنديشه و شيوه شيطنت فرو رود) در گرفتاری و رسوايى بدون نجات قرار می‌گيرد، بطوری كه نه مرده است و نـه يك انسان زنده‌ای كه زندگی خوش و شرافتمندانه‌ای داشته باشد .

۴۳) بحارالأنوار(ص:۱۷۹،ج:۸۲)، أعلام الدّين للدّيلمی(ص:۹۳) :

فِيْما أوْصى لقمان (ع) إبْنَهُ : إعْلَمْ يابُنَىَّ ؛ أنَّ الْمَوْتَ عَلَى الْمُؤْمِـن كَنَوْمَةٍ نامَها ، وَ بَعْثَهُ كَانْتِباهِهِ مِنْها .

از جمله نصایح و سفارشهای حضرت لقمان (ع) به فرزندش این بوده که : بدان ای پسرم ؛ همانا مرگ بر مؤمن همانند خواب کوتاهیست که به خواب رفته ، و زنده شدن پس از مرگ همانند بیدار شدن از خواب است .

مرد و زن و پسر و دختر با ایمان بسبب مؤمن بودن ، آنچنان مردن بر ایشان آسان است که گویی با آرامش فکر و سلامتی جسم به خواب می‌روند ، و زنده شدن پس از مرگ آنچنان با آرامی انجام می‌شود که گویی از خواب بیدار می‌گردند .

۷۳ ـ المحجّة البیضاء (ص :۲۴۹، ج :۱)، بحار الأنوار(ص :۴۷،ج :۷) ، السّیرة الحلبیّة (ص:۲۷۲،ج:۱)، الکامل لابن أثیر (ص:۲۷،ج:۲) :

وَ قالَ النَّبِيُّ ﷺ : یابَني؛ عَبْدُ اْلمُطَّلِب ، إنَّ الرّائِدَ لایَکْذِبُ أهْلَهُ ، وَ الَّذِي بَعَثَنِيْ بِاْلحَقِّ، لَتَمُوتُنَّ کَما تَنامُونَ، وَ لَتَبْعَثَنَّ کَما تَسْتَیْقِظُونَ، وَ ما بَعْدَ اْلمَوْتِ دارٌ إلاّ اْلجَنَّةَ أوْ نار .

نبیّ أکرم ﷺ می‌فرموده : ای فرزندان و نوادگان عبدالمطّلب ؛ قاصد و دیدبان دلسوز و مهربان هر جمعیّتی به جمعیّت خود دروغ نمی‌گوید ، به خدایی که مرا به حقّ و راستی و درستی فرستاده : می‌میرید همچنانکه به خواب می‌روید ، و در قبر و محشر زنده می‌شوید همچنانکه از خواب بیدار می‌گردید ، و پس از مرگ (و روز محشر و پایان حساب رسی) یا بهشت است و یا آتش جهنّم .

۴۴) لئالی الأخبار(ص:۲۰،ج:۲)، أعلام الدّین(ص:۳۲۷)، کنزالکراجکی(ص:۲۱۴)، بحار الأنوار(ص:۵۳ ،ج:۷۲ و ص:۴۳۲، ج:۱۳ و ص:۱۵۶،ج:۷۱ و ص:۴۵۸،ج:۷۸) :

قالَ لُقْمانُ (ع) لاٰبْنِهِ: إعْلَمْ یابُنَيَّ؛ انِّي قَدْ ذُقْتُ الصَّبْرَ وَ أنْواعَ اْلمُرِّ، فَلَمْ أرَ (أجِدْ) أمَرُّ مِنَ اْلفَقْرِ، فَإنْ (فَإذا) افْتَقَرْتَ یَوْماً فَاجْعَلْ فَقْرَكَ بَیْنَكَ وَ بَیْنَ اللهِ وَ لاتُحَدِّثِ النّاسَ بِفَقْرِكَ، فَتَهُونَ عَلَیْهِمْ ، وَ ادْعُ اللهَ ثُمَّ سَلْ فِی النّاسِ هَلْ مِنْ أحَدٍ دَعَا اللهَ فَلَمْ یُجِبْهُ؟ أوْ سَألَهُ فَلَمْ یُعْطِهِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرمود: فرزندم ؛ من چشیده‌ام در دوران عمرم مزه ناگواریها و أنواع تلخی‌های زندگی را، و ندیدم چیزی را تلخ‌تر از فقر ، اگر روزگاری محتاج و فقیر شدی ، باید فقر خود را از همه مردم پنهان کنی و بین خود و خداوند باشد، و مبادا فقر خود را برای مردم بگویی زیرا : در نظر آنها خوار و بی‌أرزش خواهی شد، پسرم ؛ از خدا بخواه تا فقر تو را برطرف سازد و توقّعی از مردم نداشته باش ، برای آنکه خداست که دعاها را مستجاب می‌نماید (و خواسته‌های عاقلانه را عطا خواهد فرمود) و از مردم بپرس آیا : کسی هست که دعا کرده باشد و خدا مستجاب ننموده باشد، و یا خواهنده‌ای هست که از خدا چیزی را خواسته باشد و خدا به او نداده باشد ، (پس : روی به خدا آور و حاجات ، و مهیّا شدن وسائل ، و أسباب را از خدا بخواه) .

۴۵) إرشادالقلوب الدّیلمی‌۲(ص:۷۲،ج:۱)، إرشادالقلوب المترجم(ص:۱۶۶،ج:۱) :

فی وَصِیَّةِ لُقْمانَ(ع) لابْنِهِ : یابُنَیَّ ؛ أغْنَی النّاسُ مَنْ قَنَعَ بِما فی یَدَیْهِ وَ أفْقَرَهُمْ مَنْ مَدَّ عَیْنَیْهِ إلیٰ ما فی أیْدِی النّاسِ ، وَ عَلَیْكَ یابُنَیَّ ؛ بِالْیَأسِ عَمّا فی أیْدِی النّاسِ وَ الوُثُوقِ بِوَعْدِ اللهِ، وَ أسْعَ فِیما فَرَضَ عَلَیْكَ، وَ دَعِ السَّعْیَ فِیْما ضَمَّنَ لَكَ .

از سفارشها و راهنمایی‌های حضرت لقمان (ع) به فرزندش این بوده : پسرم ؛ غنیّ و بی‌نیازترین مردم کسی است که قانع باشد به آنچه که خود در دست دارد ، و نیازمند و بینواترین مردم کسی است که چشم داشت و طمع داشته باشد به آنچه که در دست مردم است ، و بر تو باد ای پسرم ؛ به ناامّید بودن از آنچه دیگران دارند ، و اطمینان به وعده‌های خدا داشته باش (که به بندگان صالح خود داده در رسیدگی به امور دنیایی و آخرتی آنها) و سعی و کوشش کن در أنجام دادن آنچه که بر تو واجب فرموده (از عبادات و تقوا) و کوشش نکن

در بدست آوردن (از رزق و روزی و) هر چه که ضمانت رسانیدن آن به تو شده .

۷۴ـ مکارم الأخلاق(ص:۴۳۶)، لئالی الأخبار(ص:۳۵،ج:۲)، وسائل‌الشیعة(ص:۵۳۲ ،ج: ۲۱ و ص:۲۴۶ و ص:۲۵۸،ج: ۱۵)، تنبیه الخواطر(ص:۱۹۵،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۴۵ و ص:۶۴ ، ج:۷۷ و ص:۱۳۵ و ص:۱۵۷ج:۷۸)، الکافی(ص:۱۳۹،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۳۲۶،ج:۸)، شرح الکافی (ص:۳۸۶،ج:۸)، عدّة من أصحابنا ، عن : أحمد بن محمّد بن خالد ، عن : ابن فضّال ، عن : عاصم بن حميد ، عن : أبی حمزة :

عَنْ: أبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَ عَنْ: أبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ : . . . مَنْ قَنَعَ بِما رَزَقَهُ اللهُ فَهُوَ مِنْ أغْنَى النّاسِ .

امام صادق عليه السلام می‌فرمود : کسی که قانع باشد به آنچه که خداوند (از راه حلال) روزی او مقرّر فرموده ، پس او از بی‌نیازترین مردم (نسبت به بنده‌های خداوند) است .

۷۵ ـ بحارالأنوار(ص:۱۵۸،ج:۷۷)، تحف العقول(ص:۵۱)،

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله : . . . مَنْ مَدَّ عَيْنَيْهِ إلى ما فى أيْدِيْ النّاسِ مِنْ دُنْياهُمْ طالَ حُزْنُهُ، وَ مَنْ سَخَطَ ما قَسَّمَ اللهُ لَهُ مِنْ رِزْقِهِ تَنَغَّصَ عَلَيْهِ عَيْشُهُ . . .

از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل شده که آن حضرت فرموده: هر که چشم طمع داشته باشد به آنچه از ثروت دنیایی که در دست مردم است ، همیشه أندوهناك خواهد بود ، و هر که خوشنود نباشد به آنچه که خداوند قسمت و روزی او فرموده ، زندگی ناگوار و ناراحت کننده خواهد داشت .

۷۶ـ عدّةالداعی(ص:۹۹)، لئالی‌الأخبار(ص:۴۲ و ص:۴۵،ج:۲)، منهاج البراعة(ص:۳۱۳، ج:۱۴)، المحجةالبیضاء(ص:۱۰۵،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۱۵۸،ج:۹۶)، وسائل الشّیعة(ص:۴۴۳،ج:۹) :

قَالَ الصّادِقُ عليه السلام : شِيْعَتُنا مَنْ لايَسْألُ النّاسَ شَيْئاً وَ لَوْ مَاتَ جُوعاً .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود : شیعه ما کسی است که از مردم چیزی را (به عنوان گدایی) درخواست نمی‌کند اگر چه از گرسنگی بمیرد .

۷۷ ـ لئالی‌الأخبار(ص:۴۳،ج:۲)، روضة‌المتقین(ص:۲۵۳،ج:۱۲)، من‌لایحضره الفقیه(ص : ۳۷۳، ج:۴)، مکارم الأخلاق(ص:۴۴۴)، بحارالأنوار(ص:۶۱،ج:۷۷)، وسائل‌الشیعة(ص:۴۴۰،ج:۹)، محمّد بن علی بن الحسین بإسناده عن : حمّاد بن عمرو و أنس بن محمّد ، عن : أبیه :

عَنْ: الصّادِق علیه السلام عَنْ: آبائِهِ علیهم السلام فی وَصِیَّةِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله لِعَلِیٍّ علیه السلام قالَ : یا عَلِیُّ ؛ لَئِنْ أُدْخِلَ یَدَیَّ فی فَمِ التِّنّینِ إلَی الْمِرفَقِ أحَبُّ إلَیَّ مِنْ أنْ أسْألَ مَنْ لَمْ یَکُنْ ثُمَّ کانَ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن سفارشهای خود به حضرت أمیرالمؤمنین علیه السلام فرمود : یا علی ؛ اگر دو دست خودم را در دهان أفعی خطرناك داخل کنم تا آرنج ، دوست‌تر می‌دارم از اینکه درخواست چیزی کنم از نوکیسه‌ای که ثروت دنیایی نداشته و أکنون (به واسطه فعّالیّت و کوشش فراوان) ثروتی بدست آورده .

۷۸ ـ لئالی الأخبار(ص:۴۳،ج:۲)، الإختصاص(ص:۲۳۲)، تحف العقول(ص:۳۸۴)، وسائل الشیعة(ص:۷۴،ج:۱۷)، مستدرك الوسائل(ص:۵۷ و ص:۲۶۷،ج:۱۳)، بحارالأنوار(ص:۲۴۸،ج:۷۸ وص:۸۶،ج:۱۰۳)، التهذیب(ص:۳۲۹،ج:۶)، عن : أحمد بن محمّد ، عن : أحمد بن یوسف بن عقیل ، عن : الخزّاز ، عن : داود الرّقی :

عَنْ: أبی عَبْدِاللهِ علیه السلام قالَ : یا داوُدُ ؛ لَأنْ تُدْخِلَ یَدَكَ فی فَمِ التِّنّینِ إلَی الْمِرْفَقِ خَیْرٌ لَكَ مِنْ طَلَبِ الْحَوائِجِ إلیٰ مَنْ [مِمَّن ـ خ ل] لَمْ یَکُنْ فَکانَ .

حضرت صادق علیه السلام به داود رقّی فرمود : ای داود ؛ اگر وارد کنی دست خود را در دهان أفعی خطرناك تا آرنج بهتر است برای تو از حاجت خواستن از کسی که سرمایه‌ای نداشته و أکنون سرمایه‌ای بدست آورده (نوکیسه) .

۷۹ـ عدّة‌الدّاعی(ص:۹۹)، الکافی(ص:۲۰،ج:۴)، مرآة‌العقول(ص:۱۴۷،ج:۱۶)، بحارالأنوار

(ص:۱۸۰،ج:۷۸ و ص:۱۵۵،ج:۹۶)، وسائل الشّیعة(ص:۴۴۳،ج:۹)، المحجـةالبیضآء(ص:۱۰۵،ج:۲)، من لایحضره الفقیه (ص:۷۱ ،ج:۲ باختلاف) :

عَن: الصّادقِ عليه السلام قالَ : لَوْ يَعْلَمُ السّائِلُ ما عَلَيْهِ مِنَ الْو زْرِ ما سَأَلَ أَحَدٌ أَحَداً ، وَ لَوْ يَعْلَمُ اَلْمَسْئُولُ ما عَلَيْهِ إذا مَنَعَ ، ما مَنَعَ أَحَدٌ أَحَداً .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : اگر می‌دانست سائل (که از مردم سؤال و گدایی می‌کند) چقدر بدبختی و بیچارگی در انتظار اوست ، هیچگاه از دیگـران چیزی را به عنوان کمك بلاعوض درخواست نمی‌کرد ، و اگر می‌دانست آن کسـی که از او درخواست کمکی شده چه مقدار بر ضرر اوست که کمك نکرده ، هیچگـاه محروم نمی‌کرد کسی دیگری را .

و آنچنان گدایی زشت و پلید است و مذمّت شده در اسلام که :

۸۰ ـ مکارم الأخلاق (ص:۴۴۵) ، من لایحضره الفقیه(ص:۲۷۹،ج:۴)، وسائل الشّیعة(ص:۴۴۰،ج:۹)، الخصال(ص:۱۸۳)، محمّد بن علی الشّاه ، عن: أبی حامد، عن: أحمد بن خالد الخـالدیّ ، عن : محمّد بن أحمد بن صالح ، عن : أبیه ، عن : محمّد بن حاتم القطّان ، عن : حمّاد بن عمرو :

عَن: الصّادقِ عليه السلام عَنْ : آبائِهِ عليهم السلام عَنْ: عَلِيٍّ عليه السلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم لأَبي‌ذَرٍّ رضي الله عنه : يا أَباذَرَّ؛ لاتَسْأَلْ بِكَفِّكَ شَيْئاً ، وَ إِنْ أَتاكَ شَـيْءٌ فَاقْبَلْهُ . . .

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم خطاب به أبوذر رضي الله عنه فرمودند : ای أبوذر؛ مبادا سائل به کفّ باشی(و دست بسوی دیگری دراز کنی و گدایی نمایی) ، ولکن اگر کسـی چیزی را به تو داد (به عـنوان هدیه) از او قبول کن (هر چند أندك بـاشد) .

۸۱ ـ المحجةالبیضآء(ص:۱۰۵،ج:۲)، عدّةالدّاعی(ص:۷۰)، بحـارالأنوار(ص:۳۱۷،ج:۱۰۴)، وسائل الشّیعة(ص:۴۴۳،ج:۹)، مستدرك الوسائل(ص:۴۳۵،ج:۱۷)، عدّة الدّاعی(ص:۹۹) :

قالَ النَّبيُّ صلى الله عليه وآله وسلم : شَهادَةُ الَّذِيْ يَسْأَلُ فِي كَفِّهِ تُرَدُّ .

نبیّ أکرم صلی الله علیه و آله فرموده : گواهی کسی که سائل به کف است (و گدایی می‌کند) باید ردّ شود ، و مورد قبول واقع نگردد (که حقّی ثابت شود و یا باطلی باطل گردد) .

۸۲ ـ المحجة البیضاء(ص:۳۰۷،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۱۰۷، وص:۱۰۸، وص:۱۰۹،ج:۷۵، وص:۳۱۴، وص:۳۵۵، ج:۹۳)، مجالس‌المفید(ص:۲۷۴ و ص:۳۲۹)، أمالی الطّوسی(ص:۱۱۰)، عدّة الدّاعی(ص:۱۳۴)، فقه‌الرّضا علیه السلام (ص:۳۶۷)، وسائل الشّیعة(ص:۱۴۲،ج:۷ و ص:۴۴۸،ج:۹ و ص: ۹۵،ج:۱۶)، تنبیه الخواطر(ص:۱۴۵،ج:۲)، الکافی(ص:۱۴۸،ج:۲)، مرآةالعقول(ص:۳۵۳،ج:۸)، شرح الکافی(ص:۲،ج:۹) ، علیّ بن إبراهیم ، عن: أبیه ، و علیّ بن محمّد القاسانیّ ، جمیعاً عن : القاسم بن محمّد ، عن : سلیمان بن داود المنقریّ ، عن : حفص بن غیاث ، قال :

قالَ أَبُو عَبْدِاللهِ علیه السلام : إذا أرادَ أحَدُكُمْ أنْ لایَسْألَ رَبَّهُ شَیْئاً إلاّ أعْطاهُ، فَلْیَیْأسْ مِنَ النّاسِ کُلِّهِمْ ، وَ لایَکُونُ لَهُ رَجاءٌ إلاّ مِنْ عِنْدِ اللهِ ، فَإذا عَلِمَ اللهُ عزّوجلّ ذلِكَ مِنْ قَلْبِهِ لَمْ یَسْألِ اللهَ شَیْئاً إلاّ أعْطاهُ .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود : هر زمانی که یك نفر از شماها بخواهد ، درخواست نکند از پروردگار مگر آنکه به او عطا و عنایت فرماید ، باید چشم‌پوشی ، و قطع امّید از تمام مردم داشته باشد ، و تنها امّیدوار باشد به آنچه در نزد خداوند است ، و هرگاه خدای عزّوجلّ اینچنین دید در قلب بنده‌اش ، هر چه درخواست کند به او عطا فرماید .

۴۶) الإختصاص(ص:۳۴۰)، بحارالأنوار(ص:۴۳۱،ج:۱۳ و ص:۱۳۱،ج:۲۵)، عن الأوزاعی:

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ أقْبِلْ وَصِیَّةَ الْوالِدِ الشَّفِیْقِ .

لقمان (ع) فرمود : ای پسرم ؛ بپذیر وصیّت و راهنماییهای پدر دلسوز و مهربان را .

یکی از دستورات اسلام برای همه: نصیحت‌پذیری است ، زیرا : همه چیز

را يك نفر متوجّه نيست ، از اين جهت سفارش شده كـه راهنمايي‌هـا و پنـد و أندرزهاى ديگران را به جان و دل بايد قبول كرد و بكارگرفت، خاصّه از پدرى مهربان و دلسوز ، و يا كسى كه همانند پدر خواهان ترقّى و درجات عاليـه مـا باشد، زيرا: در دوران زندگى تلخيها را چشيده و گرفتارى هـا ديـده و سـرد و گرمى زندگى را مشاهده نموده ، دوست را از دشمن باز شناخته ، و بطور رايگان در اختيار فرزند مى‌گذارد .

٨٣ ـ تحف‌العقول(ص:٤٨٠)، بحارالأنوار(ص:٦٥ ،ج:٧٥)، عَنْ : أبي‌جَعْفَرٍ الثّاني‌عليه‌السلام قالَ : المحاسن(ص:٦٠٤) ، وسائل‌الشّيعة(ص:٢٥ ،ج:١٢) ، مستدرك الوسائل(ص:٣٢٩ ،ج:٨ و ص: ١٣٧ ،ج:١١)، مشكاة الأنوار(ص:٣٣٢)، جامع أحاديث الشّـيعة(ص:٢٤٧ ،ج:١٣)، بحـارالأنوار (ص: ١٠٣ ،ج:٧٥) ، محمّد بن عيسى ، عن : بعض أصحابه ، رفعه قال :

قالَ أبوعَبْدِاللهِ‌عليه‌السلام : لايَسْتَغْني الْمُؤْمِنُ عَنْ خَصْلَةٍ وَ بِهِ الْحاجَةُ إلى ثَلاثَ خِصالٍ: تَوْفِيقٌ مِنَ اللهِ‌عزّوجلّ ، وَ واعِظٌ مِنْ نَفْسِهِ، وَ قَبُولُ مِمَّنْ يَنْصِحُهُ .

حضرت صادق‌عليه‌السلام مى‌فرموده : بى‌نياز نيست هيچ مؤمنى(مرد باشد و يـا زن) از حالتى كه با آن حالت، نيازمند سه خصلـت اسـت:١ـ توفيـق از طـرف خداى‌عزّوجلّ ،٢ـ هميشه داشتن يك نفر نصيحت كننده،٣ ـ حالتى كه نصيحـت را از نصيحت كننده بپذيرد.

٨٤ ـ بحارالأنوار(ص:١٨٧ ،ج:٧٤)، من لايحضره الفقيه(ص:٤٠٢ ،ج:٤)، وسائل الشّيعة(ص: ٤١ ،ج:١٢ و ص:١٦٢ ،ج:١٥)، روضة‌المتّقين(ص: ٤٢٠ ،ج:٢)، مشكاة الأنوار(ص:٨٥)، أمالى الصّـدوق (ص:٣٥٨)، الصّدوق ، عن: سعد بن عبدالله ، عن : أحمد بن محمّد بن خالد ، عن : أبيه محمّد بن سنان [السّنانى] عن : المفضّل بن عمر :

عَنْ : الصّادِقِ‌عليه‌السلام قالَ: مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ واعِظٌ مِنْ قَلْبِهِ، وَ زاجِرٌ مِنْ نَفْسِهِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ قَرينٌ مُرْشِدٌ، إسْتَمْكَنَ عَدُوَّهُ مِنْ عُنُقِهِ .

حضرت صادق(ع) می‌فرمود : کسی که دل او آمـاده پذیـرش نصیحـت نباشد ، و خویشتن‌دار و مانع دلبخواه خود نباشد ، و دوستی دلسوز و مـهربان و ارشاد و نصیحت کننده نداشته باشد ، راهی بــرای مسـلّط شـدن دشمـن را بـر خودش هموار نموده است .

۸۵ ـ بحارالأنوار(ص:۱۰۲،ج:۷۵)، الکافی(ص:۶۳۸،ج:۲)، مرآة العقـول(ص:۵۳۱،ج:۱۲)، شرح‌الکافی(ص:۸۲،ج:۱۱)، المحاسن(ص:۶۰۴)، التهذیب(ص:۳۷۷،ج:۶)، وسائل‌الشّـیعة(ص:۲۴،ج:۱۲)، المحجّةالبیضاء(ص:۳۱۷، ج:۳)، (باختلاف السّند جمیعاً)، عدّة من أصحابنا، عن: أحمد بن محمّـد، عن: عبدالرّحمن بن أبی نجران، عن: محمّد بن الصّلت، عن: أبان، عن: أبی العدیس، عن: صالح، قال :

قالَ أَبُو جَعْفَرٍ(ع) : یاصٰالِحُ ؛ إتَّبِعْ مَنْ یَبْکِیکَ ، وَ هُوَ لَکَ نـاصِحٌ ، وَ لا تَتَّبِعُ مَنْ یَضْحَکُکَ وَ هُوَ لَکَ غـٰاشٍ ، وَ سَـتُرَدُّونَ عَلَـی اللهِ جَمِیْعـاً فَتَعْلَمُونَ .

صالح گوید : حضرت امام محمّد باقر(ع) فرمود : ای صالح ؛ پیروی کـن از نصایح کسی که با پند و اندرزش تو را (متوجّه عیب و رفتار و کردار بد تـو نماید و) بگریاند ، و پیروی نکن از گفتار کسی که (عیوب تو را به تو نمی‌گوید بلکه) تو را می خنداند و فریب می‌دهد ، و زود باشد که همگی بر خداوند وارد شوید، و در آن وقت خواهید دانست (اشتباه‌کاریها را و خواهید شناخت دوسـت را از دشمن) .

۴۷) الإختصاص(ص:۳۳۶)، بحارالأنوار(ص:۴۲۷،ج:۱۳) :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ: یابُنَیَّ؛ أَقِلِ الْکَـلامَ وَ اذْکُـرِ اللهَ عزّوجلّ فی کُـلِّ مَکانٍ فَإِنَّهُ قَدْ أَنْذَرَکَ وَ حَذَّرَکَ وَ بَصَّرَکَ وَ عَلَّمَکَ .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش می‌فرمود : کمتر سخن (که فایده نـدارد) بگو ، و همیشه یاد کن خدا را در هر جایگاهی که هستی ، زیرا : خداوند تـو را

ترسانیده از گفتن سخنان بیهوده و زشت و رنج آور (همـانند : دروغ ، غیبـت ، تهمت زدن ، سخن‌چینی) ، و تو را بر حذر داشته از کردار ناپسـند و زشـت و گناه ، و تو را بینا فرموده (بسبب اعطاء عقل و شعور) ، و راه صحیح را به تـو تعلیم داده (بواسطه أنبیآء و أوصیآء ایشان و علمآء و دانایان دیگر کـه عـذری برای تو باقی نمانده ، پس همیشه در حضور خدایی) .

۸۶ ـ بحارالأنوار(ص:۳۷، ج :۱۴ و ص :۳۸۱،ج :۹۳)، مستدرك الوسائل(ص:۱۸۲ و ص: ۱۹۸،ج:۵)، القصص الرّاوندیّ(ص:۱۹۸)، قصص الأنبیآء (ص:۱۹۸)، بالإسناد إلی الصّدوق ، و بإسناده إلی أبی اورمة :

عَنِ : الحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ علیه‌السلام قـالَ : أَوْحَـی اللهُ تعالی إِلیٰ داوُدَ (ع) : أُذْکُرْنِی فِی أَیّامِ سَرّائِكَ حَتّیٰ اسْتَجِیبَ لَكَ فِی أَیّامِ ضَرّائِكَ .

حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام می‌فرمود : وحی فرمود خدای تعالی به حضرت داود (ع) : یاد کن مرا در روزگارهای خوشی و خورسندی و راحتی ، تا اجابت کنم تو را در زمان سختی‌ها و گرفتاری‌های تو .

۴۸) کنزالکراجکی(ص:۲۱۴)، بحارالأنوار(ص:۴۳۲،ج:۱۳ و ص:۲۱۸،ج:۸۲ و ص:۴۵۸، ج:۷۸)، مستدرك الوسائل(ص:۲۲،ج:۳)، أعلام الدّین(ص:۳۲۷) :

قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یابُنَیَّ ؛ أَقِمِ الصَّلاةَ ؟ فَإِنَّما مَثَلُها فِی دِینِ اللهِ کَمَثَلِ عَمُودِ الْفُسْطاطِ ، فَإِنَّ الْعَمُودَ إِذا (إِنْ) اسْتَقامَ نَفَعَتْـهُ الْأَطْنـابُ وَ الْأَوْتادُ وَ الظِّلالُ ، وَ إِنْ لَمْ یَسْتَقِمْ لَمْ یَنْفَعْ وَتَدٌ وَ لا طُنُبٌ وَ لا ظِلالٌ .

حضرت لقمان(ع) به فرزندش می‌فرمود : فرزندم ؛ بخوان و بپا بدار نماز را ! زیرا : مَثَل نماز در دین خدا همانند ستون خیمه است ، که اگر ستون برپا ایسـتاده باشد فایده دارد طنابها و میخها و سایه خیمه، و اگر برپا نباشد، میخ‌ها و طنابهـا فایده‌بخش نیست و در آن هنگام خیمه‌ای نیست که از سایه‌اش استفاده شود .

روایاتی از پیغمبرأکرم صلی الله علیه و آله و سلم و أئمّه معصومین علیهم السلام در کتابهای اسلامی موجود است و گویای اینست که نماز ستون دین است، از جمله در:

۸۷ ـ المحجّةالبیضآء(ص:۳۳۹،ج:۱)، وسائل‌الشّیعة(ص:۲۷،ج:۴وص:۳۳،ج:۴)، المحاسن(ص: ۴۴)، عن: علیّ بن الحکم، عن: سیف بن عمیرة، عن: عمرو بن شمر، عن: جابر، عن: أبی جعفر علیه السلام: الکافی(ص:۲۶۶،ج:۳)، مرآةالعقول(ص:۱۰،ج:۱۵)، التّهذیب(ص:۲۳۸،ج:۲)، لئالی‌الأخبار(ص: ۸،ج:۴)، أحمدبن ادریس، عن: محمّد بن عبدالجبّار، عن: صفوان، عن: حمزة بن‌حمران، عن: عبید بن زرارة:

عَنْ : أَبِیْ عَبْدِ اللهِ علیه السلام قالَ : قالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم : مَثَلُ الصَّلاةِ مَثَلُ عَمُوْدِ الْفُسْطاطِ، إذا ثَبَتَ الْعَمُودُ نَفَعَتِ الْأَطْنابُ وَ الْأَوْتادُ وَ الغِشاءُ، وَ إذَا انْكَسَرَ الْعَمُودُ لَمْ یَنْفَعْ طَنَبٌ وَ لا وَتَدٌ وَ لا غِشآءٌ .

حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده: نماز همانند ستون خیمه است، که هرگاه ستون خیمه برپا و محکم باشد، طنابها و میخ‌ها و پوشش و سایه آن نتیجه‌بخش است، و اگر ستون خیمه شکسته و یا سرپا نباشد، وجود طناب و میخ و پرده خیمه فایده نخواهد داشت .

۸۸ ـ جامع‌الأخبار(ص:۷۳)،مستدرک الوسائل(ص:۹۸،ج:۳)، جامع‌أحادیث‌الشّیعة(ص:۶، ج:۴)، بحارالأنوار(ص:۲۰۲،ج:۸۲) :

قالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم : الصَّلاةُ عِمادُ الدّیْنِ ، فَمَنْ تَرَكَ صَلاتَهُ مُتَعَمِّداً فَقَدْ هَدَمَ دِینَهُ ، وَ مَنَ تَرَكَ أَوْقاتَها یُدْخَلُ الْوَیْلُ ، وَ الْوَیْلُ وادٍ فی جَهَنَّمَ ، کَما قالَ اللهُ تعالی : ﴿ فَوَیْلٌ لِلْمُصَلِّینَ الَّذِینَ هُمْ عَنْ صَلاتِهِمْ ساهُونَ ﴾ (ماعون/ ۵) .

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمود : نماز ستون دین است ، بنابراین هر کسی عمداً نماز را نخواند ، دین خود را نابود ساخته ، و هر کسی نماز را در وقتش بجا نیاورد در چاه ویل انداخته خواهد شد ، و ویل وادی است در جهنّم ، چنانکه

خدای ﷻ در قرآن مجید می‌فرماید : ویل برای نمازگزاران، همان نمازگزارانی که نماز خود را فراموش کرده و می‌نمایند و سستی درباره آن روا می‌دارند .

۸۹ ـ بحارالأنوار(ص:۲۲۵،ج:۸۲)،التهذیب(ص:۲۳۶،ج:۲)،جامع‌أحادیث الشیعة(ص:۳،ج:۴)، محمّد بن علیّ بن محبوب، عن: العبّاس بن معروف، عن: عبدالله بن المغیرة،

عَنْ : مُعاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ : أَفْضَلِ ما يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبادُ إِلى رَبِّهِمْ ؟ فَقالَ عليه السلام : لا أَعْلَمُ شَيْئاً بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلاةِ .

۹۰ـ من لایحضر(ص:۲۱۰،ج:۱)، روضة المتقین(ص:۴۵،ج:۲)، نورالثقلین(ص:۲۰۴،ج:۴)، دعوات الرّاوندیّ(ص:۲۷)، لئالی‌الأخبار(ص:۲،ج:۴)، سأل معاویةبن وهب أباعبدالله عليه السلام : المحجّة البیضآء(ص:۳۳۹،ج:۱)، الکافی(ص:۲۶۴،ج:۳)، مرآة العقول(ص:۵ ،ج:۱۵)، التهذیب (ص:۲۳۶،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۲۲۵،ج:۸۲)، تفسیرالبرهان(ص:۱۱،ج:۳)، عوالی اللّئالی(ص:۳۱۸، ج:۱)، مفتاح الفلاح(ص:۴۴)، وسائل الشیعة(ص:۳۸،ج:۴)، محمّد بن یحیی ، عن : أحمد بن محمّد بن عیسی ، عن : الحسن بن محبوب ، عن : معاویة بن وهب قال :

سَأَلْتُ أَبا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ : أَفْضَلِ ما يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبادُ إِلى رَبِّهِمْ وَ أَحَبُّ ذلِكَ إِلى اللهِ ﷻ ما هُوَ ؟ فَقالَ: ما أَعْلَمُ شَيْئاً بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلُ مِنْ هذِهِ الصَّلاةِ ، أَلا تَرى أَنَّ الْعَبْدَ الصّالِحَ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ (ع) قالَ :﴿ وَ أَوْصانى بِالصَّلاةِ وَ الزَّكاةِ ما دُمْتُ حَيّاً ﴾ (مریم/ ۳۱) .

معاوية بن وهب گوید : پرسیدم از حضرت صادق عليه السلام از بهترین و والاترین چیزی که بندگان به سبب آن به خداوند نزدیك می‌شوند ، و خدا هم آن چیز را بسیار دوست می‌دارد ؟ آن حضرت فرمود : نمی‌دانم چیزی را بعد از شناخت خداوند که بهتر و بالاتر از نماز باشد ، مگر نمی‌بینی که بنده صالح خدا عیسی بن مریم (ع) فرموده : (همچنانکه خداوند در قرآن بازگو فرموده) که : خداوند

سفارش به من فرموده به نماز خواندن و زکات دادن تا زمانی که زنده هستم .

۹۱ ـ لئالی الأخبار(ص:۸ ،ج:۴)، عَن : النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم :

من لایحضر(ص:۲۰۸،ج:۱)، المحجّة البیضاء(ص:۳۳۹،ج:۱)، عوالی اللئالی(ص:۳۱۸)، مستدرک الوسائل(ص:۲۵،ج:۳)، روضة المتقین (ص: ۴۸ ، ج:۲) ، وسائل الشیعة(ص:۳۴،ج:۴)، بحارالأنوار(ص:۲۶۷،ج:۷ و ص:۲۳۶،ج:۸۳ و ص:۲۰ وص:۲۵،ج:۸۳) :

قالَ الصّادِقُ علیه السلام : أوَّلُ ما يُحاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ عَنِ الصَّلاةِ فَإذا قُبِلَتْ مِنْهُ، قُبِلَ سائِرُ عَمَلِهِ ، وَ إنْ رُدَّتْ ، رُدَّ سائِرُ عَمَلِهِ .

حضرت صادق علیه السلام فرموده : در قیامت أوّلین چیزی که از انسان پرسیده می‌شود نماز است ، اگر نمازش مورد قبول واقع گردید سایر أعمال (واجبه بر) او مورد قبول حضرت أحدیّت واقع می‌شود ، و اگر مردود شد سایر أعمال او مردود می‌گردد .

۹۲ـ وسائل الشیعة(ص:۱۰۸،ج:۴)، مستدرک الوسائل(ص:۹۵،ج:۳)، بحارالأنوار (ص :۹ و ص:۲۵،ج:۸۳) ، من لایحضر(ص:۲۰۸، ج:۱)، عَنِ : الصّادِقِ علیه السلام :

التهذیب(ص:۲۳۹،ج:۲)، لئالی الأخبار (ص:۱۵،ج:۴)، الکافی(ص:۲۶۸،ج:۳)، مرآة العقول (ص:۱۳،ج:۱۵)، جماعة، عن: أحمد بن محمّد بن عیسی ، عن: الحسین بن سعید ، عن : فضّالة ، عن : حسین بن عثمان ، عن : سماعة :

عَنْ : أبي بَصيرٍ قالَ : سَمِعْتُ أباجَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ: إنَّ أوَّلَ مايُحاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلاةُ ، فَإنْ قُبِلَتْ قُبِلَ ما سِواهَا ، وَ إنَّ الصَّلاةَ إذا ارْتَفَعَتْ في وَقْتِهَا رَجَعَتْ إلىٰ صاحِبِهَا وَ هِيَ بَيْضاءُ مُشْرِقَةٌ تَقُولُ : حَفِظْتَنِي حَفَظَكَ اللهُ عزّوجلّ ، وَ إذا ارْتَفَعَتْ في غَيْرِ وَقْتِهَا بِغَيْرِ حُدُودِهَا رَجَعَتْ إلىٰ صاحِبِهَا وَ هِيَ سَوْداءُ مُظْلِمَةٌ تَقُولُ : ضَيَّعْتَنِي ضَيَّعَكَ اللهُ عزّوجلّ .

أبو بصیر گوید : شنیدم از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام می‌فرمود : أوّلین

چیزی که از بنده در قیامت پرسیده می‌شود ، نماز است ، و اگر مورد قبول واقع گردید (بسبب صحیح خواندن و مطابق شرایط بجا آوردن) بقیّه أعمال و وظایف و تکالیف واجبه بر نمازگزار ، قبول می‌شود ، و هرگاه نماز در وقت مخصوص آن خوانده شد و به توسّط ملائکه بالا برده شد ، به خواننده آن برگردانیده می‌شود در حالی که نورانی و شفاف است ، و می‌گوید : مرا حفظ نمودی در صحیح بجا آوردن ، خدا تو را حفظ فرماید (از هر گزندی) ، و هرگاه نماز در غیر وقت مخصوص آن بجا آورده شد ، و به صحّت و شرایط آن توجّه نشد ، برگردانده می‌شود به خواننده آن با یك چهره سیاه و تاریك و می‌گوید: مرا ضایع نمودی؟! خدا تو را ضایع و بی‌أجر گرداند .

۹۳ ـ المجالس المفید(ص:۱۷۹)، بحارالأنوار(ص:۴۵۱،ج:۷۸)، عن : أحمد بن الولید ، عن : أبیه، عن: الصفّار، عن: ابن معروف، عن: ابن مهزیار، عن : الأهوازیّ ، عن : النّضر و ابن أبي نجران ، معاً، عن: عاصم بن حمید، عن: أبي بصیر، عن: أبي جعفر عليه السلام إنّهُ قالَ: إنَّ أباذَرَ کانَ یَقُولُ:

عدّة‌الدّاعی(ص:۱۵۴)، بحارالأنوار(ص:۲۳۶وص:۲۲۷،ج:۸۲)، دعائم الإسلام(ص:۱۳۴،ج:۱)، إرشاد القلوب الدّیلمی(ص:۱۴۱،ج:۱)، أعلام الدّین(ص:۲۰۷)، أمالی الطّوسی(ص:۵۴۳،ج:۱)، تنبیه الخواطر(ص:۶۹ ،ج:۲)، مستدرك الوسائل(ص:۷۶،ج:۳) :

عَنِ : الْباقِرِ عليه السلام : یا باغِيَ الْعِلْمِ ؛ صَلِّ قَبْلَ أَنْ لاتَقْدِرَ عَلی لَیْلٍ وَ لانَهارٍ تُصَلِّی فِیهِ ، إنَّما مَثَلُ الصَّلاةِ لِصاحِبِها کَمَثَلِ رَجُلٍ دَخَلَ عَلیٰ ذِي سُلْطانٍ فَأَنْصَتَ لَهُ حَتّی فَرَغَ مِنْ حاجَتِهِ ، وَکَذلِكَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ بِإذْنِ اللهِ عزّوجلّ ما دامَ فِي الصَّلاةِ لَمْ یَزَلِ اللهُ عزّوجلّ یَنْظُرُ إلَیْهِ حَتّی یَفْرُغَ مِنْ صَلاتِهِ .

حضرت امام محمّد باقر عليه السلام می‌فرمود: أبوذر رضی الله عنه گفته: ای دانای هوشیار؛ نماز بخوان پیش از آنکه شب و روزهایی بیاید و تو زنده نباشی ، و یا زنده باشی و نتوانی که نماز بخوانی ، همانا نماز برای نمازگزار همانند مردی است که

وارد شود حضور پادشاهی باقدرت و سخنان خود را بگوید ، و پادشاه کاملاً ساکت باشد و به سخنان او گوش دهد تا پایان گفتارش ، و اینچنین است مرد (و زن) مسلمان که در حضور خداوند است زمانی که مشغول خواندن نماز است، و پیوسته مورد نظر لطف خدای ﷻ است تا از نماز فارغ گردد .

و باید دانست که نماز در تمام أدیان الهی بوده ، و گویای آن قرآن مجید است ، و هر یك به طرز خاصّی بجا آورده می‌شده ، چنانکه روایت شده :

۹۴ ـ بحارالأنوار(ص:۲۳۱،ج:۸۲ و ص:۱۶۱،ج:۸۷) ، مستدرك الوسائل(ص:۷۶،ج:۳ و ص:۳۳۵،ج:۶)، إرشاد القلوب الدّيلمي(ص:۱۹۱،ج:۱)، الخصال(ص:۵۲۲) ، عن : محمّد بن إبراهيم بن إسحاق الطّالقانيّ ، عن : أحمد بن محمّد بن سعيد الهمدانيّ مولى بنى هاشم ، عن : المنذر بن محمّد القابوسيّ ، عن : جعفر بن سماعة، عن: أبان بن عثمان الأحمر، عن : الحسين بن علوان، عن: عمرو بن ثابت ، عن : أبيه ، عن : ضمرة بن حبيب ، قال :

سُئِلَ النَّبِيُّ ﷺ عَنِ الصَّلاةِ ، فَقالَ ﷺ : الصَّلاةُ مِنْ شَرايِعِ الدِّينِ ، وَ فِيها مَرْضاةُ الرَّبِّ ﷻ ، وَ هِيَ مِنْهاجُ الْأَنْبِياءِ، وَ لِلْمُصَلّى حُبُّ الْمَلائِكَةِ ، وَ هُدًى ، وَ إِيمانٌ ، وَ نُورُ الْمَعْرِفَةِ ، وَ بَرَكَةٌ فِي الرِّزْقِ ، وَ راحَةٌ لِلْبَدَنِ ، وَ كَراهَةٌ لِلشَّيْطانِ ، وَ سِلاحٌ عَلَى الْكُفّارِ ، وَ إِجابَةٌ لِلدُّعاءِ ، وَ قَبُولٌ لِلأَعْمالِ ، وَ زادٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الدُّنْيا إِلَى الْآخِرَةِ ، وَ شَفِيعٌ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَلَكِ الْمَوْتِ ، وَ أَنِيسٌ فِي قَبْرِهِ ، وَ فِراشٌ تَحْتَ جَنْبِهِ ، وَ جَوابٌ لِمُنْكَرٍ وَ نَكِيرِهِ ، وَ تَكُونُ صَلاةُ الْعَبْدِ عِنْدَ الْمَحْشَرِ تاجاً عَلى رَأْسِهِ ، وَ نُوراً عَلى وَجْهِهِ ، وَ لِباساً عَلى بَدَنِهِ ، وَ سِتْراً بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النّارِ ، وَ حُجَّةً بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الرَّبِّ ﷻ ، وَ نَجاةً لِبَدَنِهِ مِنَ النّارِ ، وَ جَوازاً عَلَى الصِّراطِ ، وَ مِفْتاحاً لِلْجَنَّةِ ، وَ مُهُوراً لِحُورِ الْعِينِ ، وَ ثَمَناً لِلْجَنَّةِ ، بِالصَّلاةِ يَبْلُغُ الْعَبْدُ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيا ، لأَنَّ الصَّلاةَ تَسْبِيحٌ وَ تَهْلِيلٌ وَ تَحْمِيدٌ وَ تَكْبِيرٌ وَ تَمْجِيدٌ

وَ تَقْدِيسٌ وَ قَوْلٌ وَ دَعْوَةٌ .

ضمره گوید : از نبیّ أکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره نماز پرسیده شد، آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : نماز از جمله دستور تمام شریعت و دین الهی است ، و در بجـا آوردن آن خوشنودی و رضایت پروردگار ، و شیوه و راه و رسم و شـیوه تمـام پیغمـبران است، و برای نمازگزار محبّت فرشتگان ، و هدایت یافتن ، و ایمان ، و نور معرفت و شناسایی حقّ و حقیقت، و باعث برکت در رزق، و آسایش بدن، و ناراحتی و دور شدن شیطان است، و أسلحه در برابر کفّار، و موجب استجابت دعا، و قبول شدن سایر أعمال ، و زاد و توشه مؤمن است از دنیا برای آخرت ، و شـفاعت کننده او است بین او و ملك الموت ، و همدم و فرش زیر بدن او است در قبر، و جواب دهنده دو ملك منکر و نکیر است در قبر ، و نماز هر بنده‌ای تاجی اسـت بر سرش در عالم محشر ، و نوری است تابنده در چهره‌اش ، و لباس و پوشـشـی است برای بدنش ، و پرده و مانعیست بین او و آتش جهنّم ، و بزرگترین حجّت است بین او و بین پروردگارش ، و نجات دهنده او است از آتش ، و جواز عبور از پل صراط ، و کلید بهشت ، و مهریّه حورالعین‌ها ، و قیمت بهشـت اسـت ، و بواسطه بـجا آوردن نماز است که بنده به درجات عالیه بهشت می‌رسد ، زیـرا : نماز شامل : تسبیح و تهلیل و تکبیر و تمجید و تقدیس خداوند است و مشـتمل بر گفتار حقّ و خواستن از خداوند به عنوان بندگی .

۹۵ـ الدّر المنثـور(ص:۱۴۶،ج:۵)، بحـارالأنوار(ص:۲۹۳،ج:۷۰ و ص:۱۹۶ و ص:۱۹۸،ج: ۸۲ و ص :۲۶۳ ، ج:۸۴)، تفسیر القمّی(ص: ۱۵۰،ج:۲)، المحجـةالبیضـآء(ص:۳۵۰،ج:۱)، مسـتدرك الوسائل (ص : ۱۱۴، ج :۴) :

عَنِ : النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم : مَنْ لَمْ تَنْهَ صَلاتُهُ عَنِ الْفَحْشآءِ وَ الْمُنْكَـرِ لَـمْ يَزْدَدْ مِنَ اللهِ إلاّ بُعْداً .

نبیّ أکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم فرمود : هر که نمازش باز ندارَدش از کارهای زشـت و ناپسند شرعی و عرفیّ ، هر لحظه از خدا و عنایات خداوندی دورتر می‌شود .

۹۶ـ من لایحضر(ص:۲۰۶،ج:۱)، بحارالأنوار(ص:۶۶ ،ج:۶۹ و ص:۲۱۴،ج:۸۲)، الکـافی (ص:۳۸۶،ج:۲)، وسائل الشّیعة(ص:۴۱،ج:۴)، علل الشّرایع(ص:۳۳۹،ج:۲)، قرب الإسناد(ص:۲۲)، هارون بن مسلم ، عن : مسعدة بن صدقة قال :

سَمِعْتُ أباعَبْدِ اللهِ علیه السلام وَ سُئِلَ ما بـالَ الـزّانی لاتُسَـمّیهِ کـافِراً ، وَ تارِکُ الصَّلاةِ قَدْ تُسَمّیهِ کافِراً ؟ وَ مَا الْحُجَّةُ فی ذٰلِکَ ؟

قالَ علیه السلام : لأنَّ الزّانیَ وَ ما أشْبَهَهُ ، إنَّما یَفْعَلُ ذٰلِکَ لِمکانِ الشَّهْوَةِ وَ لأنَّها تَغْلِبُهُ ، وَ تارِکُ الصَّلاةِ لایَترُکُها إلاّ اسْتِخْفافاً بِها، وَ ذٰلِکَ أنَّکَ لاتَجِدُ الزّانیَ یَأتِی الْمَرْأةَ إلاّ وَ هُوَ مُسْتَلِذٌّ لإتْیانِهِ إیّاها قاصِداً إلَیْها ، وَ کُلُّ مَـنْ تَرَکَ الصَّلاةَ قاصِداً إلَیْها فَلَیْسَ یَکُونُ قَصْدُهُ لِتَرکِها اللَّـذَّةَ ، فَـإذا انْتَفَـتِ اللَّذَّةُ وَقَعَ الإسْتِخْفافُ ، وَ إذا وَقَعَ الْإسْتِخْفافُ وَقَعَ الْکُفْرُ .

از حضرت صادق علیه السلام پرسیده شد که: چرا؛ به زناکار کافر گفته نمی‌شود ؟! ولکن کـسی که نماز را ترک می‌کـند ، کافر نامیده می‌شود ؟! دلـیل این چیست ؟

آن حضرت علیه السلام فرمود : چون زناکار و همانند او این کـار ناشایسـته را مرتکب می‌شود بواسطه شهوتی که بر او غلبه پیدا کرده (و در أثر ضعف ایمان و توجّه به خدا و پیغمبر و قیامت نداشتن أنجام داده) ، ولکن تارک الصّلاة ؛ نماز را ترک کرده و نخوانده است بسبب استخفاف و سبک و کـوچـک شمردن نماز ، و أهمّیت ندادن به حکم خداوند است ، زیرا : تو نخواهی یافت مرد زناکاری را که با زنی ناپاك همبستر می‌شود مگر برای لـذّت بـردن ، و تـارك الصّـلاة نـماز را نمی‌خواند برای لذّت بردن ، بنابراین چون ترك نماز لذّت ندارد ، پس نخواندن به جهت استخفاف و بی‌اعتنایی به نماز است ، و هرگاه انسانی برای بی‌اعتنـایی بـه

نماز، نماز را نخواند كافر می‌شود ، (از اين جهت : زناكار كافر نمی‌گردد ، و تارك الصّلاة كافر می‌شود) .

۴۹) إثنی‌عشريّة(ص:۲۷) ، قصص‌الأنبيآء(ص: ۱۹۵)، مستدرك الوسائل (ص:۶۹ ،ج:۱۲) ، بحارالأنوار(ص:۴۲۰،ج:۱۳)، الصّدوق، أبی، عن: سعد بن عبد الله ، عن : القاسم بن محمّد الإصفهانیّ ، عن : سليمان بن داود المنقریّ ، عن : حمّاد بن عيسى :

عَنِ : الصّادِقِ عليه السلام قالَ : قالَ لُقْمانُ(ع) لابْنِهِ : يابُنَیَّ؛ إقْنَعْ بِقِسَمِ الله لِيَصْفُوَ عِيْشُكَ ، فَإِنْ أَرَدْتَ أَنْ تَجْمَعَ عِزَّ الدُّنْيـا فَـاقْطَعْ طَمَعَـكَ عَمّـا فی أَيْدِی النّاسِ ، فَإِنَّما بَلَغَ الْأَنْبِيآءُ وَ الصِّدِّيقُونَ ما بَلَغُوا بِقَطْعِ طَمَعِهِمْ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده: فرزندم ؛ قانع و راضی باش به آنچه كه خداوند روزی تو فرمـوده تـا زنـدگـی خوش و خرّم و دور از هر ناراحتی أخلاقی داشته باشی ، و اگـر تمـامی عـزّت دنيايی را خواسته باشی بايد قطع طمع كنی از آنچه مردم دارند ، كه به اين مقـام رسيدند تمامی پيغمبران (عليهم السّلام) و جانشـينان ايشـان (و علمـآء و أفـراد برجسته) ، كه از مردم نخواستند آنچه را كه در دست دارند .

تأييد می‌نمايد گفتار آن حضرت را قسمتی از بيان شريف حضرت سجّاد عليه السلام :

۹۷ ـ بحارالأنوار(ص:۱۷۱،ج:۷۳ و ص:۱۱۰،ج:۷۵) ، وسـائل الشّـيعة (ص:۴۴۹،ج:۹ و ص:۲۴،ج:۱۶)، مشكاة الأنوار(ص:۱۲۶)، الكـافی (ص:۱۴۸ و ص:۳۲۰،ج:۲)، مـرآة العقـول(ص: ۳۵۴،ج:۸ و ص:۲۵۸،ج:۱۰)، شرح‌الكافی(ص: ۳ و ص:۳۳۳،ج: ۹) ، علیّ بن إبراهيم ، عن : أبيـه، عن : القاسم بن محمّد الإصفهانیّ ، عن : سليمان بن داود المنقریّ ، عن : عبد الـرّزّاق، عـن : معمّـر ، عن : الزّهریّ :

عَنْ: عَلِیِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قالَ: رَأَيْتُ الْخَيْرَ كُلَّـهُ قَـدِ اجْتَمَـعَ فی قَطْعِ الطَّمَعِ عَمّا فی أَيْدِی النّاسِ . . .

حضرت سجّاد علیه السلام می‌فرمود : تمام خوبی‌ها را جمع شده یافتم در قطع طمع از آنچه که مردم دارند . . .

۵۰) محبوب القلوب(ص:۶۰) :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لابْنِهِ : یابُنَیَّ ؛ اِقْنَعْ بِما رُزِقْتَ ، وَ لا تَمُدَّنَّ عَیْنَیْکَ إلی رِزْقِ غَیرِکَ ، فَإنَّ ذلِکَ یُؤْذِیکَ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده: ای پسرم؛ قانع باش به آنچه که روزی روزانه تو شده ، و نباید چشم بیندازی به رزق و درآمد و سرمایه غیر خود، زیرا : سبب ناراحتی تو خواهد شد (از اینکه چرا کمتر به دست تو آمده ، یا سرمایه تو أندك است ، و چه بسا بواسطه وسوسه شیطانی و أفکار پلید مرتکب فعل حرام بشوی ، و همان باعث گرفتاری و درماندگی و عقب افتادگی و از دست رفتن اعتبار تو شود) .

۵۱) تنبیه الخواطر (مجموعة ورّام) (ص:۱۹۹) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) : اَللّٰهُمَّ ارْحَمِ الْفُقَرآءَ لِقِلَّةِ صَبرِهِمْ ، وَ ارْحَمِ الْأغْنیاءَ لِقِلَّةِ شُکْرِهِمْ ، وَ ارْحَمِ الْجَمیعَ لِطُولِ غَفْلَتِهِمْ .

حضرت لقمان (ع) در دعا و راز و نیاز و درخواستهای خود با خدا عرضه می‌دارد : خدایا ؛ رحمت کن فقرا را بواسطه أندك بودن صبر ایشان به فقر و تهی‌دستی ، خدایا ؛ رحمت کن ثروتمندان را بسبب أندك بودن شکر نعمت کردن ایشان (به رسیدگی ننمودن زندگی فقرا و کمك نکردن به آنان) ، خدایا ؛ همه اینها را مورد رحمت خود قرار بده به جهت طولانی شدن غفلت ایشان (فقرا به صبر نکردن ، و ثروتمندان به شکر ننمودن) .

۵۲) إثنی‌عشریّة(ص:۲۵)، تنبیه‌الخواطر(ص:۲۳۰)، جامع أحادیث الشیعة(ص:۵۰۵ ،ج:۱۳)، بحارالأنوار(ص:۴۲۶،ج:۱۳)، مستدرك الوسائل(ص:۲۸،ج:۹)، تفسیرأبوالفتوح الرّازیّ(ص:۶۹ ،ج:۹) :

قِیلَ لِلُقمانَ (ع) أَلَسْتَ عَبْدَ آلِ فُلانٍ؟ (بَنِی الْحَسْحاسِ) قالَ: بَلـــیٰ، قِیلَ: فَما بَلَغَ بِكَ ما نَرَی؟ قالَ: صِدْقُ الْحَدِیثِ، وَ أَداءُ الْأَمانَةِ، وَ تَرْكُ ما لایَعْنِینِی، وَ غَضُّ بَصَرِی، وَ کَفُّ لِسانی، وَ عِفَّةُ طَعْمَتِی، فَمَـــنْ نَقَـصَ عَنْ هذا، فَهُوَ دُونی، وَ مَنْ زادَ عَلَیْهِ، فَهُوَ فَوْقِی، وَ مَـنْ عَمِلَهُ فَهُوَ مِثْلِی.

گفته شد به حضرت لقمان (ع): تو آن غلام فلان قبیله (بنی الحسحاس) نیستی؟ فرمود: بلی، من همان غلام هستم، گفته شد: چه چیز تو را به این مقام بزرگ که می‌بینیم رسانیده ؟! فرمود: (از شش چیز) راستگویی (در گفتـار و کردار)، و أدای أمانت (بدون خیانت)، و ترك کردن کارهای بی‌فایده و سـخنان بی‌نتیجه و بیهوده، و چشم‌پوشی از زنان و دختران نامحرم، و نگهداری زبان (از غیبت، دروغ، سخن‌چینی، تهمت، فحش، نیش زدن، استهزاء، شماتت کردن، افشاء أسرار دیگران، و تملّق و چاپلوسی)، و خویشتن داری از شهوترانی بـــه حرام، که هر کس کمتر از آنچه که گفتم داشته باشد، از درجه من کمتر خواهد بود، و هر که بیشتر داشته باشد و مواظب باشد، از درجه من بالاتر خواهد بود، و هر که همین مقدار که من هستم و عمل می‌کنم، را داشته باشد و عمل کنـــد، همانند من خواهد بود.

۹۸ـ تحف‌العقول(ص:۵۱۸)، عن: الحسن‌العسکریّ عليه‌السلام: (فی حدیث)، الکـافی(ص:۶۳۶،ج: ۲)، مرآة العقول (ص:۵۲۸،ج:۱۲)، شرح الکـــافی(ص:۷۹،ج:۱۱)، المحجّـة البیضـآء(ص:۳۵۷،ج:۴)، وسائل الشّیعة(ص:۵،ج:۱۲)، مشکاةالأنوار(ص:۶۵)، بحـــارالأنوار(ص:۳۷۲،ج:۷۸ و ص:۱۶۶،ج:۸۵)، الکلینی، عن: محمّد بن إسماعیل، عن: الفضل بن شاذان، و عن: أبی علیّ الأشعریّ، عـن: محمّـد بن عبد الجبّار، جمیعاً عن: صفوان بن یحیی، عن: أبی اسامة زید الشّحام، قال:

قالَ لِی أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام: إِقْرَءْ عَلیٰ مَنْ تَرَی أَنَّهُ یُطِیعُنِـــی مِنْـهُمْ وَ یَأْخُذُ بِقَولِیَ: السَّلامَ، وَ أُوصِیکُمْ بِتَقْوَی اللهِ عزّوجلّ، وَ الْوَرَعُ فی دِینِکُـمْ، وَ

أَلاجْتِهادُ للهِ ، وَ صِدْقُ الْحَدِيثِ، وَ أَداءُ الْأَمانَةِ، وَ طُولِ السُّجُود، وَ حُسْنِ الْجَوارِ، فَبِهٰذا جاءَ مُحَمَّدٌ صلّى الله عليه وآله وسلّم وَ أَدُّوا الْأَمانَةَ إِلى مَنِ ائْتَمَنَكُمْ عَلَيْها بِراً أَوْ فاجِراً، فَإِنَّ رَسُولَ اللهِ صلّى الله عليه وآله وسلّم كانَ يَأْمُرُ بِأَداءِ الْخَيْطِ وَ الْمِخْيَطِ، صِلُوا عَشائِرَكُمْ، وَ اشْهَدُوا جَنائِزَهُمْ، وَ عَوِّدُوا مَرْضاهُمْ، وَ أَدُّوا حُقُوقَهُمْ، فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذا وَرَعَ فِى دِينِهِ ، وَ صَدَقَ الْحَدِيثَ ، وَ أَدَّى الْأَمانَةَ ، وَ حَسُنَ خُلْقُهُ مَعَ النّاسِ، قِيلَ : هٰذا جَعْفَرِيٌّ، فَيَسُرُّنِى ذٰلِكَ، وَ يَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ السُّرُورَ وَ قِيلَ: هٰذا أَدَبُ جَعْفَرٍ، وَ إِذا كانَ عَلى غَيْرِ ذٰلِكَ دَخَلَ عَلَيَّ بَلاؤُهُ وَ عارُهُ، وَ قِيلَ: هٰذا أَدَبُ جَعْفَرٍ، فَوَ اللهِ لَحَدَّثَنِى أَبِى عليه السلام أَنَّ الرَّجُلَ كانَ يَكُونُ فِى الْقَبِيلَةِ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ عليه السلام فَيَكُونُ زَيْنُها، آداهُمْ لِلْأَمانَةِ وَ أَقْضاهُمْ لِلْحُقُوقِ وَ أَصْدَقُهُمْ لِلْحَدِيثِ ، إِلَيْهِ وَصاياهُمْ وَ وَدائِعُهُمْ ، تَسْأَلُ الْعَشِيرَةَ عَنْهُ فَتَقُولُ: مَنْ مِثْلُ فُلانٍ إِنَّهُ لَآدانا لِلْأَمانَةِ وَ أَصْدَقُنا لِلْحَدِيثِ .

أبو اسامه گويد : حضرت صادق عليه السلام به من فرموده : سلام مرا برسان به كسانى كه اطاعت مرا مى‌كنند و به گفتار من عمل مى‌نمايند ، و بگو : سفارش مى‌كنم شما را به داشتن تقواى خدايى و خداپسندى، و پرهيز داشتن از انحرافات دينى، و كوشش و فعّاليّت فقط براى رضاى خدا، و راستگويى، و أداى أمانت به صاحبش، و سجده طولانى (در نماز و در سجده شكر) و نيكو همسايه‌دارى (به حفظ حقوق او و أذيّت نكردن) ، و به اينگونه مطالب محمّد مصطفى صلّى الله عليه وآله وسلّم مبعوث گرديد و از طرف خداوند آورده، و أداى أمانت نماييد به هر كه شما را أمين دانست خواه نيكوكار باشد يا فاجر و معصيت كار ، زيرا: رسول خدا صلّى الله عليه وآله وسلّم أمر مى‌فرمود به ردّ أمانت هر چند أندك باشد همانند تكّه نخ خيّاطى و سوزن، با خويشاوندان معاشر باشيد و در تشييع جنازه آنان شركت و حضور داشته باشيد، و بيماران ايشان را عيادت كنيد ، و حقوق آنان را مراعات نماييد ، براى آنكه :

اگر کسی پرهیزکار بود از نظر دینی ، و درگفتارش راستگو باشد، و أدای أمانت کنـد ، و حسن خلق و خوش برخورد باشد با همه مردم ، گفته می‌شود : این جعفری و پـیرو امام جعفر صادق ﷺ است، و من از این رفتار و گفتار خورسند می‌شوم بسیار زیـاد (چون آبروی ما أئمّه را حفظ نموده ، و باید) که شیعیان مـا چنـین باشـند و دیگـران بـگویند ایـنها تـربیت یـافتگان مـکتب و روش امـام جعفر صادق ﷺ هستند .

۹۹ــ مکارم الأخلاق(ص:۲۵۰)، بحارالأنوار(ص:۳۹۵،ج:۶۹ و ص:۱۶۰،ج:۷۴ و ۲۷۲،ج: ۷۶ و ص:۲۲۷،ج:۷۸)، تفسیرالعیّاشی(ص:۲۸۶،ج:۲)، وسائل الشّیعة(ص:۳۳،ج:۷ و ص:۱۱،ج:۱۲)، الزّهد(ص:۱۹)، صفات الشّیعة(ص:۲۸)، من لا یحضره الفقیه (ص:۲۷۵،ج :۲) ، المحاسن(ص: ۳۵۸) ، الکافی(ص:۶۶۹،ج:۲)، مرآةالعقول (ص:۵۷۵،ج:۱۲)، شرح الکافی(ص:۱۳۲،ج:۱۱)، عن : عمّار بـن مـروان الکلبیّ ، قال :

أَوْصانی أَبُو عَبْدِ اللهِ ﷺ فَقالَ : أُوصيكَ بِتَقْـوَى اللهِ، وَ أداءِ الْأَمانَـةِ، وَ صِدْقِ الْحَديثِ، وَ حُسْنِ الْصَّحابَةِ لِمَنْ صَحِبْتَ، وَ لاقُوَّةَ إلاّ بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

عمّار گوید : سفارش فرمود مرا حضرت صادق ﷺ و فرمود : سـفارش می‌کنم توَ را (و هرکه سخن مرا بشنود از مرد و زن در هر زمان) به تقـوی از خداوند (که همیشه خدا را حاضر و ناظر بدانی) و أدای أمانت (به هرشخصی که باشد) و راستگویی ، و خوش رفاقتی با همراهان، و هیچ قدرتی نیست که انسـان را اینچنین موفّق بدارد مگرقدرت خداوند که از هر چیز و هر شخصی تواناتر است .

۱۰۰ــ الکافی(ص:۲۳۹،ج:۲)، مرآة العقـول(ص:۲۷۴،ج:۹)، شـرح الکـافی(ص:۶۸،ج:۹)، بحارالأنوار(ص:۳۶۴،ج:۶۹)، عن : العدّة ، عن : البرقیّ ، عن : أبیه ، عن : عبد الله بن القاسم ، عـن : أبی بصیر ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ ﷺ :

روضةالواعظین(ص:۴۳۲،ج:۲)، تفسیرالعیّاشی(ص:۲۱۳،ج:۲)، بحـارالأنوار(ص:۲۸۲،ج:۷۰ و ص:۳۶۴،ج:۶۹ و ص:۴۹،ج:۷۸ و ص:۲۲۳،ج:۱۰۳)، عن: أبی بصیر، عَنْ : أَبِي جَعْفَر ﷺ :

أعلام الدّين(ص:۱۲۲)، تحف العقول(ص:۲۱۰)، التّمحيص(ص:۶۷)، صفات الشّيعة(ص:۴۶)، مشكاة الأنوار(ص:۳۸ و ص:۴۵ و ص:۸۶)، الخصال(ص:۴۸۳)، أبوطالب المظفّر بن جعفر بن المظفّر العلويّ المصريّ السّمرقنديّ، عن : جعفر بن محمّد بن مسعود العيّاشيّ، عن : أبيه أبي النّضر، عن : إبراهيم بن عليّ، عن : إبن إسحاق، عن : يونس بن عبد الرّحمن، عن : إبن سنان، عن : عبد الله بن مسكان، عن : أبي بصير، عَنِ : اَلْباقِرِ عليه السلام :

أمالي الصّدوق(ص:۲۲۱)، بحارالأنوار(ص:۲۸۹،ج:۶۷)، وسائل الشّيعة(ص:۱۹۰،ج:۱۵)، الحسين بن أحمد بن ادريس، عن : أبيه، عن : أحمد بن محمّد بن عيسى، عن : أبيه، عن: عبدالله بن القاسم، عن : أبيه، عن : أبي بصير :

عَنْ: أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ: آبائِهِ عليهم السلام، قالَ : قالَ أَميرُالْمُؤْمِنينَ عليه السلام : إِنَّ لأَهْلِ الدّينِ [التَّقْوى] عَلاماتٍ يُعْرَفُونَ بِها : صِدْقُ الْحَديثِ وَ أَداءُ الْأَمانَةِ . . .

حضرت أميرالمؤمنين عليه السلام فرموده : همانا براى أهل دين نشانه‌هايى است كه با آن نشانه‌ها شناخته مى‌شوند، از جمله : راستگويى، و أداى أمانت به صاحبش . . .

۵۳) بحارالأنوار(ص:۴۲۷،ج:۱۳)، الإختصاص(ص:۳۳۶)، عن: الاوزاعيّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ أَمْلِكْ نَفْسَكَ عِنْدَ الْغَضَبِ حَتى لاتَكُونَ لِجَهَنَّمَ حَطَباً .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش مى‌فرمود : فرزندم ؛ اختياردار خود باش هنگام خشم، تا اينكه هيزم جهنّم نباشى .

يكى از صفات زشت أخلاقى انسان خشم است كه در أثر ضعف اراده و حاكم نبودن عقل بر انسان پيش مى‌آيد، و اگر انسان مالك نفس خود نباشد سخنانى را خواهد گفت و يا دست به كارهايى خواهد زد كه گاهى قابل جبران نيست .

۱۰۱ـ بحارالأنوار(ص:۲۶۶،ج:۷۸)، المحجّةالبیضاء(ص:۵۷، ج:۴)، وسائل الشّیعة(ص:۱۰،ج: ۱۲)، الکافی(ص:۶۳۷،ج:۲)، مرآةالعقول(ص:۵۲۹،ج:۱۲)، شرح‌الکافی(ص:۸۰،ج:۱۱)، عدّة من أصحابنا، عن : أحمد بن محمّد بن خالد، عن: إسماعیل بن مهران، عن: محمّد بن حفص، عن: أبی الرّبیع الشّامیّ :

قالَ: دَخَلْتُ عَلیٰ أبِیْ عَبْدِاللهِ عليه السلام وَ الْبَیْتُ غاصٌ بِأهْلِهِ ـ إلیٰ أنْ قالَ: ـ فَقالَ : یا شیعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ؛ إعْلَمُوا: أنَّهُ لَیْسَ مِنّا مَنْ لَمْ یَمْلِكْ نَفْسَهُ عِنْدَ غَضَبِهِ . . .

أبو الرّبیع گوید : وارد شدم به منزل حضرت صادق عليه السلام در حالی که اطاق پر از جمعیّت بود . . . آن حضرت فرمود : ای شیعیان آل محمّد صلى الله عليه وآله وسلم ؛ بدانید : از ما ـ أهل بیت عصمت و طهارت ـ نیست کسی که خویشتن‌دار نباشد (از گفتن سخنان زشت و کردار ناپسند) هنگام خشم .

۱۰۲ـ تحف العقول(ص:۲۰۱)، وسائل الشّیعة(ص:۵۹،ج:۱۲)، مستدرك الوسائل(ص:۳۶۱، ج:۸)، مشکاة الأنوار(ص:۱۹۷)، الکافی(ص:۶۴۵ ،ج:۲)، شرح الکافی (ص:۹۴،ج:۱۱)، مرآة العقول (ص:۵۴۱،ج:۱۲)، عدّة من أصحابنا ، عن : سهل بن زیاد ، عن : جعفر بن محمّد الأشعریّ ، عن : إبن القدّاح ، عَنْ : أبِی عَبْدِ الله عليه السلام قالَ :

قالَ عَلِیٌّ عليه السلام : لاتَغْضَبُوا وَ لاتُغْضِبُوا ، أفْشُوا السَّلامَ ، وَ أطْیِبُوا الْکَلامَ .

حضرت أمیرالمؤمنین عليه السلام می‌فرمود : نه خشم کنید (برای أندك سخنی و یا رفتاری)، و نه دیگران را به خشم آورید (به گفتن سخنان زشت و اهانت‌آمیز و یا کردار بد) مسالمت‌آمیز را بین مردم رواج دهید ، و همیشه سخنان زیبا (ی محبّت‌آور) بگویید .

۱۰۳ـ صفات الشّیعة(ص:۶۸)، بحارالأنوار(ص:۳۰۳ و ص:۳۵۴،ج:۶۷ و ص:۲۰۹ و ص: ۲۷۷ و ص:۳۵۲ و ص:۳۵۵،ج:۷۸)، أعلام الدّین(ص:۳۰۳)، الإختصاص(ص:۲۳۳)، الصّدوق، عن: أبیه، عن: سعد بن عبدالله ، عن : صفوان بن مهران قال : قالَ أبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام :

الکافی(ص:۲۳۳ و ص:۲۳۹،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۲۴۱،ج:۹)، مستدرك الوسائل(ص:۱۸۹، ج:۱۱)، وسائل الشّیعة(ص:۳۵۸،ج:۱۵)، عن: علیّ بن إبراهیم، عن : محمّد بن عیسی ، عن : یونس ، عن : صفوان بن مهران الجمّال قال :

قالَ أَبُوعَبْدِاللهِ عليه السلام : إِنَّما اَلْمُؤْمِنُ الَّذِی؛ إذا غَضِبَ لَمْ يُخْرِجْهُ غَضَبُهُ مِنْ حَقٍّ ، وَ الَّذِی؛ إذا رَضِیَ لَمْ یُدْخِلْهُ رِضاهُ فی باطِلٍ، وَ الَّذِی؛ إذا قَدَرَ لَمْ يَأْخُذْ أَكْثَرَ مِنْ مالِهِ [مِمّا لَهُ] .

حضرت صادق عليه السلام فرموده : مؤمن کسی است که هرگاه غضب کرد ، از حقّ تجاوز نمی‌کند (و حقّی را ضایع و پایمال نمی‌کند ، و آبروی کسی را نمی‌ریزد ، و سخنان زشت و رکیك و خلاف أدب نمی‌گوید) و همچنین اگر از کسی و یا از چیزی خوشنود گردید ، به باطل و نادرستی روی نمی‌آورد (بطوری که باطل و ناشایستگی را ندیده و نشنیده پندارد و عیوب دوستان را نگوید) و هرگاه قدرت یافت بر بدهکار، بیش از آنچه که طلب دارد و حقّ اوست نمی‌گیرد .

۱۰۴ـ بحار الأنوار(ص:۲۶۵ و ص:۲۷۴،ج:۷۳)، الکافی(ص:۳۰۳،ج:۲)، مرآةالعقول(ص: ۱۴۸،ج:۱۰)، شرح الکافی(ص:۲۹۵،ج:۹)، الإختصاص(ص:۲۴۳)، جامع أحادیث الشّیعة(ص:۴۶۹ ج:۱۳)، وسائل الشّیعة(ص:۳۵۹،ج:۱۵)، عدّة من أصحابنا، عن: أحمد بن محمّد بن خالد ، عن : أبیه ، عن: النّضر بن سوید، عن: القاسم بن سلیمان، قال :

قالَ الصّادِقُ عليه السلام : وَ كانَ أَبِی عليه السلام يَقُولُ : أَیُّ شَیْءٍ أَشَرُّ [أَشَدُّ] مِنَ الْغَضَبِ، إِنَّ الرَّجُلَ لَيَغْضَبُ فَيَقْتُلُ النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللهُ، وَ يَقْذِفُ الْمُحْصَنَةَ .

حضرت صادق عليه السلام فرمود: پدرم حضرت امام باقر عليه السلام همیشه می‌فرمود: چه چیزی بدتر از غضب کردن است، زیرا : مردی (و یا زنی) که در غضب فرو برود، می‌کشد (و یا می‌ریزد آبروی) کسی را که خداوند حرام فرموده ، و نسبت بد و ناروای نامشروع به أفرادي که از هر جهت پاك و پاکدامن هستند، می‌دهد .

۱۰۵ـ بحارالأنوار(ص:۸۴،ج:۲۲ و ص:۲۷۷،ج:۷۳)، الکافی(ص:۳۰۴،ج:۲)، مرآةالعقول ص:۱۵۲،ج:۱۰)، شرح الکافی(ص:۲۹۷،ج:۹)، جامع أحادیث الشّیعة(ص:۴۶۹،ج:۱۳)، الحسین بن محمّد ، عن : معلّی بن محمّد ، و علیّ بن محمّد ، عن : صالح بن أبی حمّاد ، جمیعاً عن : الوشّاء ، عن : احمد بن عائذ ، عن : أبی خدیجة ، عن : معلّی بن خنیس :

عَنْ : أَبِی عَبْدِاللهِ علیه السلام قالَ : قالَ رَجُلٌ لِلنَّبِیِّ صلی الله علیه و آله و سلم : یارَسُولَ اللهِ ؛ عَلِّمْنی؟ قالَ : إذْهَبْ وَ لاتَغْضِبْ، فَقالَ الرَّجُلُ : قَدِ اکْتَفَیْتُ بِذلِكَ، فَمَضی إلی أَهْلِهِ، فَإذاً بَیْنَ قَوْمِهِ حَرْبٌ، قَدْ قامُوا صُفُوفاً، وَ لَبِسُوا السِّلاحَ، فَلَمّا رَءَآ ذلِكَ لَبِسَ سِلاحَهُ ، ثُمَّ قامَ مَعَهُمْ ، ثُمَّ ذَکَرَ قَولَ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم : ـلا تَغْضَبْ ـ فَرَمَی السِّلاحَ ، ثُمَّ جاءَ یَمْشِی إلی الْقَوْمِ الَّذِینَ هُمْ عَدُوُّ قَوْمِهِ ، فَقالَ : یا هؤُلاءِ ما کانَتْ لَکُمْ مِنْ : جِراحَةٍ ، أَوْ قَتْلٍ ، أَوْ ضَرْبٍ، لَیْسَ فِیهِ أَثَرٌ ، فَعَلَیَّ فِی مالِیْ، أَنا : أُوفِیْکُمُوهُ ، فَقالَ الْقَوْمُ : فَما کانَ فَهُوَ لَکُمْ ، نَحْنُ أَوْلیٰ بِذلِكَ مِنْکُمْ ، قالَ : فَاصْطَلَحَ الْقَوْمُ وَ ذَهَبَ الْغَضَبُ.

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود : مردی به حضور نبیّ أکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد : ای رسول خدا مرا نصیحتی بفرمایید ؟ آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : برو و هیچگاه غضب نکن ، آن مرد گفت : مرا همین نصیحت کفایت می‌کند ، و بسوی قبیله خود رهسپار گردید ، وقتی رسید که قبیله او برای جنگ با قبیله دیگر آماده شده بودند ، و همه اسلحه به دست صف‌آرایی کرده و مهیّای حرکت هستند ، او نیز مهیّای جنگ و خود را مسلّح نمود که به همراه قبیله خود به جنگ برود ، که به یاد بیان شریف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم افتاد که فرمود : غضب نکن ، لحظه‌ای با خود أندیشید و لباس جنگ را از بدن بیرون آورد و أسلحه را کنار گذاشت ، و بسوی قبیله‌ای که به ظاهر دشمن آنان بودند شتافت ، و با آنان گفت : ای مردم: شما چه نتیجه‌ای خواهید گرفت از زخمی کردن و کشتن و زدن ؟ و همه

می‌دانیم که هیچ فایده‌ای ندارد ، اگر شما چیزی از اینگونه مطالبه می‌کنید و می‌خواهید؟ من از ثروت خودم به شما خواهم داد، و آنچه را می‌گویم به آن وفا و عمل می‌کنم ، همه أفراد آن قبیله گفتند : آنچه بین ما و شما بوده چشم‌پوشی و گذشت می‌کنیم ، و ما شایسته‌تر هستیم که عفو نماییم ، و با این گفت و شنود خشم و غضب از هر دو قبیله برطرف گردید و صلح و صفا و دوستی برقرار شد .

۵۴) قصص الأنبیاء(ص:۱۹۵)، بحارالأنوار(ص:۴۲۰،ج:۱۳)، الصّدوق ، عن : أبیه ، عن : سعد بن عبدالله، عن: القاسم بن محمّد الإصفهانیّ، عن: سلیمان بن داود المنقریّ، عن: حمّاد بن عیسی :

عَن: الصّادِقِ عليه السلام قالَ : قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ إنِ احْتَجْتَ إلی سُلْطانٍ فَلا تُکْثِرِ الإلْحاحَ عَلَیْهِ ، وَ لا تَطْلُبْ حاجَتَكَ مِنْهُ إلاّ فی مَواضِعِ الطَّلَبِ ، وَ ذلِكَ حینَ الرِّضَی وَ طِیبِ النَّفْسِ، وَ لاتَضْجَرَنَّ بِطَلَبِ حاجَةٍ ، فَإنَّ قَضاءَها بِیَدِ اللهِ وَ لَها أوْقاتٌ ، وَلکِنْ ارْغَبْ إلَی اللهِ وَ سَلْهُ، وَ حَرِّكْ إلَیْهِ أصابِعَكَ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود: حضرت لقمان(ع) بفرزندش فرموده: پسرم؛ اگر نیازمند به پادشاهی (و رئیس و حاکم) شدی در انجام کاری ، بیش از حدّ اصرار و الحاح نکن از او، و خواسته‌های خود را درخواست نکن مگر زمانی که موقعیّت ایجاب کند ، و بهترین وقتها وقتی است که پادشاه خوشحال و بانشاط باشد، و غمگین مباش اگر حاجات تو دیر برآورده شد، زیرا : انجام شدن کارها و برآورده شدن خواسته‌ها بدست و قدرت خداوند است ، و برای برآورده شدن حاجات وقتهایی است که با کمال میل و رغبت باید روی به خدا کنی و از او بخواهی، و در هنگام حاجت خواستن انگشتان خود را بعنوان تضرّع حرکت بده .

۵۵) قصص الأنبیاء الرّاوندیّ(ص:)، بحارالأنوار(ص:۴۲۰،ج:۱۳)، الصّدوق ، عن: أبیه، عن: سعد بن عبدالله، عن: القاسم بن محمّد الاصفهانیّ، عن: المنقریّ ، عن: ابن عُیَیْنة ، عن : الزّهریّ ،

عَنْ: عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قالَ: قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ؛ إنَّ أشَدَّ الْعُدْمِ عُدْمُ الْقَلْبِ ، وَ إنَّ أعْظَمَ الْمَصائِبِ مُصِيبَةُ الدِّيْنِ ، وَ أسْنَى الْمَرْزِءَةِ مَرْزِءَتُهُ ، وَ أنْفَعَ الْغِنى غِنَى الْقَلْبِ ، فَتَلَبَّثْ فی كُلِّ ذلِكَ ، وَ اَلْزِمِ الْقِناعَةَ وَ الرِّضا بِما قَسَّمَ اللهُ ، وَ إنَّ السّارِقَ إذا سَرَقَ حَبَسَهُ اللهُ مِنْ رِزْقِهِ ، وَ كانَ عَلَيْهِ إثْمُهُ ، وَ لَوْ صَبَرَ لَنالَ ذلِكَ وَ جاءَهُ مِنْ وَجْهِهِ .

حضرت سجّاد عليه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرندش فرموده : ای پسرم ؛ شدیدترین سختیها فقدان و از دست دادن دل است (که متوجّه به خدا نباشد) ، همانا بزرگترین مصیبتها مصیبت کمبودی و نداشتن دین است ، و آشکارترین ضرر و زیانها ضرر و زیان دینی است ، و سودمندترین بی‌نیازیها بی‌نیازی قلب است ، بنابراین در تمام این مطالب درنگ و فکر کن ، و قناعت را پیشه خود ساز (تا حرص و طمع برتو غالب نشود) ، و راضی باش به آنچه که خداوند قسمت و روزی تو نموده (تا دچار اموال حرام نگردی) ، و دزد هرگاه دزدی کند ، خداوند روزی حلال او را نگهدارد ، و گناه دزدی براو بماند ، که اگر صبر می‌کرد به آن روزی حلال می‌رسید از راه مشروع و حلال .

تأیید می‌کند گفتار حضرت لقمان (ع) را روایتی که نقل شده در :

١٠٦ــ بحارالأنوار(ص:٥٠،ج:٧٠)، روضة الواعظين(ص:٤١٣،ج:٢)، مشكاة الأنوار(ص: ٢٥٥، ج:١) ، الخصال (ص:٣١) ، الخليل بن أحمد ، عن : محمّد بن إبراهيم الدَّيْبُلِيّ ، عن : الحسين بن الحسن المروزی ، عن : سفيان ، عن : مجاهد ، عن : الشعبی ، عن : النعمان بن بشير قال :

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله : فی اَلإنْسانِ مُضْغَةٌ إذا هِيَ سَلِمَتْ وَ صَحَّتْ، سَلِمَ بِها سائِرُ الْجَسَدِ، فَإذا سَقِمَتْ سَقِمَ لَها سائِرُ الْجَسَدِ وَ فَسَدَ، وَ هِيَ الْقَلْبُ.

رسول خدا صلى الله عليه وآله می‌فرموده: در بدن انسان پاره گوشتی است که هرگاه (از نظر: دینی، أخلاقی، و پزشکی) سالم باشد، أعضاء دیگر بدن سالم خواهد بود،

رسول خدا صلّی الله علیه و آله می‌فرموده: در بدن انسان پاره گوشتی است که هرگاه (از نظر: دینی، أخلاقی، و پزشکی) سالم باشد، أعضاء دیگر بدن سالم خواهد بود، و اگر بیمار باشد، باقی أعضاء بدن بیمار و فاسد است، و آن : قلب است .

۱۰۷ـ الإختصاص(ص:۳۴۲)، تفسیرالقمّی(ص:۲۹۱،ج:۱)، أمالی الصّدوق(ص:۳۹۵)، بحار الأنوار(ص:۲۱۱،ج:۲۱ و ص:۵۱ ،ج:۷۰ و ص:۱۱۷ و ص:۱۳۵ و ص:۱۷۶،ج:۷۷)، کتاب‌الإمامة و التبصرة(ص:۲۹۰) :

عَن: الصّادِقِ علیه السلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللهِ صلّی الله علیه و آله : شَرُّ الْعَمیٰ عَمَی الْقَلْب .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرموده : رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرموده : بدترین نابینایی‌ها نابینایی قلب است .

۵۶) إثنی‌عشریّة(ص:۲۶)، قصص‌الأنبیاء(ص:)، بحارالأنوار(ص:۴۱۱ وص:۴۱۹،ج:۱۳)، تفسیر القمّی(ص:۱۶۴،ج :۲) ، الصّدوق ، عن : أبیه ، عن : سعد بن عبدالله ، عن : القاسم بن محمّد الإصفهانیّ . . . ، علیّ بن إبراهیم ، عن : أبیه ، عن : القاسم بن محمّد الإصفهانیّ ، عن : سلیمان بن داود المنقریّ ، عن : حمّاد بن عیسی ، قال :

سَأَلْتُ أباعَبْدِاللهِ علیه السلام عَنْ لُقْمانَ(ع) وَ حِکْمَتِهِ ؟ قالَ علیه السلام کانَ فِیما وَعَظَهُ بِهِ : یا بُنَیَّ ؛ إنْ [إذا] تَأَدَّبْتَ صَغِیراً إنْتَفَعْتَ بِهِ کَبِیراً .

حمّاد گوید : از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم از حضرت لقمان(ع) و مواعظ و نصایح و رهنمودهای او؟ فرمود : از جمله سخنان آن حضرت به فرزندش این بوده : ای پسرم ؛ اگر فرزند خود را در کودکی أدب نمودی (و به او علم و صنعت آموختی) در زمان بزرگی ، تو و او استفاده خواهید برد .

و اگر کلمه : (تُأُدِّبْتَ) را مجهول بخوانیم (تُأُدِّبْتَ ، یعنی : مفرد ، مذکّر ، مهموز الفاء ، مخاطب ، مجهول ، فعل ماضی باب تَفَعُّل) ، ترجمه چنین می‌شود :

اگر در دوران کودکی أدب شده باشی (به تعلیم علم و صنعت)، در زمان

بزرگی از تعلیم گرفته خود بهره‌مند خواهی شد .

۱۰۸ـ غررالحکم(ص:۴۰۱،ج:۵) :

قالَ عَلِیٌّ علیه السلام : مَنْ لَمْ یَتَعَلَّمْ فِی الصِّغَرِ لَمْ یَتَقَدَّمْ فِی الْکِبَرِ .

حضرت أمیر المؤمنین علیه السلام فرموده : کسی که در زمان کودکی ، علم (و ادب و صنعت) نیاموزد، در زمان بزرگ سنّی به درجات والا، و مقامات عالیه ، نخواهد رسید ، و نسبت به دیگران پیش قدم نخواهد بود .

آری ؛ فرزند حقوقی دارد بر پدر ، از جمله :

۱۰۹ـ بحارالأنوار(ص:۶۰،ج:۷۷)، مکارم الأخلاق(ص:۴۴۳) ، عَنِ : الصّادِقِ علیه السلام ، عَنْ : أبِیهِ علیه السلام عَنْ : جَدِّهِ علیه السلام عَنْ : عَلِیِّ بْنِ أبِی‌طالِب علیه السلام :

من لایحضر(ص:۳۷۲،ج:۴)، وسائل الشّیعة(ص:۵۷ ،ج:۲ و ص:۳۸۹،ج:۲۱)، محمّد بن علی بن الحسین بإسناده عن: حمّاد بن عمرو و أنس بن محمّد، عن: أبیه، عَن: الصّادِقِ علیه السلام عَنْ: آبائِهِ علیهم السلام :

عَنِ : النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فِی وَصِیَّتِهِ لِعَلِیٍّ علیه السلام قالَ : یا عَلِیُّ ؛ أُوصِیکَ بِوَصِیَّةٍ ... یاعلیُّ ؛ حَقُّ الْوَلَدِ عَلیٰ والِدِهِ أنْ یُحْسِنَ إسْمَهُ وَ أدَّبَهُ وَ یَضَعَهُ مَوْضِعاً صالِحاً، وَ حَقُّ الْوالِدِ عَلیٰ وَلَدِهِ : أنْ لایُسَمِّیَهُ بِاسْمِهِ ، وَ لایَمْشِیَ بَیْنَ یَدَیْهِ ، وَ لا یَجْلِسَ أمامَهُ ، وَ لا یَدْخُلَ مَعَهُ الْحَمّامَ ، . . .

رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام می‌فرمود: یاعلی؛ حقّ فرزند بر پدرش آنست که : نام نیکو بر او بگذارد ، و به آداب و أخلاق اسلامی آشنایش کند، و او را در جایگاه صالح (علمی و کسبی و ازدواجی) قرار دهد، و حقّ پدر بر پسر آنست که : پدر را با نام صدا نزند، و در پیشاپیش او راه نرود، و جلوی او ننشیند (که پشت سرش پدر باشد) ، و (در بزرگی) با او به حمّام نرود .

۱۱۰ـ مکارم الأخلاق(ص:۲۲۰)، روضة الواعظین(ص:۳۶۹)، بحار الأنوار(ص:۸۰ ،ج:۷۴ و ص: ۹۲، ج :۱۰۴)، وسائل الشّیعة(ص :۴۸۲ ، ج :۲۱) ، مستدرک الوسائل(ص:۱۶۶، ج :۱۵) :

وَ قالَ ﷺ : مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلی والِدِهِ ثَلاثَةٌ : یُحَسِّنُ اسْمَهُ ، وَ یُعَلِّمُهُ الْکِتابَةَ ، وَ یُزَوِّجُهُ إذا بَلَغَ .

رسول خدا ﷺ فرموده : از جمله حقوق فرزند بر پدر آنست که : نام نیکو بر او بگذارد، و نوشتن را به او بیاموزد، و همسر برایش انتخاب کند زمانی که به رشد فکری رسید و در توانش بود که زندگی مستقلّی داشته باشد و نیازمند به دیگری نباشد .

۵۷) محبوب القلوب(ص:)، بحارالأنوار (ص : ۸۰ ،ج :۷۴ و ص :۹۲ ، ج : ۱۰۴) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یابُنَیَّ ؛ إنْتَفِعْ بِما عَلَّمَکَ اللهُ ، وَ إنَّما إنْتَفَعَ بِالْعِلْمِ مَنْ أتْبَعَهُ ، وَ لَمْ یَنْتَفِعْ بِهِ مَنْ عَلَّمَهُ وَ تَرَکَهُ ، یا بُنَیَّ ؛ أعْلَمُ النّاسِ أشَدُّهُمْ خَشْیَةً لِلّهِ .

حضرت لقمان (ع) بفرزند خود فرموده: ای فرزندم؛ بهره بگیر از آنچه که خدا به تو یاد داده، و جز این نیست که کسی از علم بهره می‌برد که به وظایف علمی عمل کند ، و استفاده از علم نکرده هر کسی که علم را آموخته و ترک عمل به آن نموده ، فرزندم ؛ داناترین مردم آن کسی است که بیشتر از خدا برای خدا بترسد (و نافرمانی نکند و مواظب حلال و حرام و محرم و نامحرم باشد) .

۵۸) قصص الأنبیاء(ص:۱۹۰) ، القصص الجزائری(ص:۳۲۷) ، بحارالأنوار(ص:۴۲،ج:۷ و ص :۴۱۷ ، ج :۱۳) ، الصّدوق ، عن : أبیه ، عن : سعد بن عبد الله ، عن : ابن عیسی ، عن : الحسین بن سیف ، عن : أخیه علیّ ، عن : أبیه سیف ، عن : عمرو بن شمر ، عن : جابر :

عَنْ: أبی جَعْفَرٍ ؈ قالَ : کانَ فیما وَعَظَ بِهِ لُقْمانُ(ع) إبْنَهُ أنْ قالَ : یابُنَیَّ؛ إنْ تَکُ فی شَکٍّ مِنَ الْمَوْتِ فَادْفَعْ [فَارْفَعْ]   عَنْ نَفْسِکَ النَّوْمَ وَ لَنْ تَسْتَطیعَ ذلِکَ ، وَ إنْ کُنْتَ فی شَکٍّ مِنَ الْبَعْثِ فَادْفَعْ عَنْ نَفْسِکَ الْإنْتِباهَ وَ لَنْ تَسْتَطیعَ ذلِکَ، فَإنَّکَ إذا فَکَّرْتَ فی هذا عَلِمْتَ أنَّ نَفْسَکَ بِیَدِ غَیْرِکَ،

وَ إنَّما النَّوْمُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتِ، وَ إنَّما الْيَقْظَةُ بَعْدَ النَّوْمِ بِمَنْزِلَةِ الْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ .

حضرت امام محمّد باقر علیه السلام می‌فرمود: از جمله نصیحتهای حضرت لقمان(ع) به فرزندش این بوده که فرموده : پسرم ؛ اگر درباره مرگ و مردن شکّ و تردید داری ، خواب رفتن را از خود دور کن و نخواب ، با اینکه هرگز نمی‌توانی چنین کنی ، و اگر در مورد زنده شدن پس از مرگ شکّ داری ، باید هر وقت که به خواب رفتی خود را بیدار نکنی ، که هرگز چنین قدرتی را نداری (زیرا : بیدار شدن در اختیار بشر نیست) ، اگر در اینگونه مسائل و مطالب فکر کنی خواهی دانست که جان و اختیار تو در دست دیگری است ، و خواب رفتن به منزله مرگ است، و بیدار شدن از خواب نمایانگر زنده شدن پس از مرگ است .

۵۹) الإختصاص(ص:۳۳۶ باختلاف) ، عن : الأوزاعيّ : بحارالأنوار(ص:۱۳۶،ج:۱ و ص: ۲۵۰، ج:۶ و ص:۴۱۱ و ص:۴۱۶ و ص:۴۲۷،ج:۱۳ و ص:۲۹۹،ج:۷۸)، تحف العقول (ص:۴۰۶)، تفسير القمّيّ (ص:۱۶۴،ج:۲)، عليّ بن إبراهيم ، عن : أبيه ، عن : القاسم بن محمّد الإصفهانيّ ، عن : سليمان بن داود المنقريّ ، عن : حمّاد بن عيسى قال : سَأَلْتُ أبَا عَبْدِ اللهِ علیه السلام عَنْ : لُقْمانَ (ع) وَ حِكْمَتِهِ ، قَالَ علیه السلام : كانَ فِيما وَعَظَهُ بِهِ (باخْتِلافٍ) . . .

روضة‌المتّقين(ص:۲۳۳،ج:۴)، من لايحضر(ص:۲۸۲،ج:۲)، جامع أحاديث الشّيعة(ص:۲۸۷، ج:۱۳)، قصص الأنبياء الرّاونديّ(ص:۳۲۵)، بالإسناد إلى الصّدوق ، عن : أبيه ، عن : سعد بن عبد الله ، عن : ابن عيسى ، عن : أبيه ، عن : درست ، عن : إبراهيم بن عبد الحميد ، عَنْ : أبي الْحَسَنِ علیه السلام قالَ : كانَ لُقْمانُ (ع) يَقُولُ لِابْنِهِ : (باخْتِلافٍ) . . .

الكافي(ص:۱۶،ج:۱)، مرآة‌العقول(ص:۵۵،ج:۱)، شرح الكافي(ص:۱۷۷،ج:۱)، وسائل الشّيعة (ص:۲۰۷،ج:۱۵)، أبو عبد الله الأشعريّ ، عن : بعض أصحابنا ، رفعه ، عَنْ : هِشامِ بْنِ الْحَكَمِ قالَ : قالَ لي أبُوالْحَسَنِ مُوسىٰ علیه السلام :

المحجّة البيضاء(ص:۳۶۸،ج:۵) ، تنبيه الخواطر(ص:۱۳۵ باختلاف و تغيير) ، مكارم‌الأخلاق

قالَ : قالَ لی أبُوالحَسَنِ مُوسی عليه السلام :

الحجّة البيضآء(ص:۳۶۸،ج:۵) ، تنبيه الخواطر(ص:۱۳۵ باختلاف و تغيير) ، مكارم‌الأخلاق (ص:۲۵۴)، مجمع البيان(ص: ،ج:)، (ص :۲۸۲،ج :۲ باختلاف) ، عقدالفريد(ص: ۱۰۸،ج:۳)، إثنى عشريّة (ص :۶۴) ، تفسير روح المعانى (ص :۸۳ ،ج :۲۱) ، لئالى الأخبـار(ص:۱۰۷ ، ج : ۱)، عَنْ : هِشامِ بْنِ الحِكَمِ قالَ :

قالَ لی أبُوالحَسَنِ مُوسی عليه السلام : یاهِشامُ ؛ إنَّ لُقْمانَ (ع) قالَ لابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ إنَّ الدُّنْیا بَحْرٌ عَمِیقٌ قَدْ غَرَقَ (هَلَكَ) فِیها عالِمٌ کَثِیرٌ ، فَلْتَکُنْ سَفِینَتُكَ فِیها تَقْوَی اللهِ وَ حَشْوُهَا الإیمانُ (بِاللهِ عزّوجلّ) ، وَ شِراعُها التَّوَکُّلُ (عَلَی اللهِ عزّوجلّ) ، وَ قَیِّمُها الْعَقْلُ ، وَ دَلِیلُها الْعِلْمُ ، وَ سُکّانُها الصَّبْرُ ، فَإنْ نَجَوْتَ فَبِرَحْمَةِ اللهِ ، وَ إنْ هَلَکْتَ فَبِذُنُوبِكَ .

حضرت امام کاظم عليه السلام به هشام فرمود : لقمان (ع) به فرزندش (از لحاظ تشبیه معقول به محسوس) فرموده : پسرم ؛ دنیا دریایی عمیق است که بسیاری از مردم دانشمند در آن غرق شده‌اند (و چنان دل به دنیا بسته‌اند که آخرت و انسانیّت و خدا و دین را فراموش نموده‌اند) بنابراین پسرم ؛ کشتی نجات تو در دنیا باید تقوی (و پرهیز از هر ناروا و ناشایست و گناهی حتّی از صغائر) باشد، و بار و أثاثیّه گذاشته شده در آن ایمان (به خدا و رسالت أنبیآء و قیامت) باشد، و بادبان آن توکّل (بر خدا) ، و مدیر و مدبّر و ناخدای آن عقل ، و راهنمای آن علم ، و لنگرهای آن صبر (در: عبادت ، و در گناه نکردن ، و در ناملایمات و سختیهای زندگی) باشد ، که پس از داشتن اینها اگر نجات یافتی ، بدان که بواسطه رحمت خداوند است ، و اگر گرفتار و هلاك شدی بسبب گناهانت خواهد بود .

۶۰) قصص الأنبيآء(ص:۱۹۵)، بحارالأنوار(ص:۴۲۰،ج:۱۳)، الصّدوق، عن: أبيه، عن: سعد بن عبدالله ، عن : القاسم بن محمّد الإصفهانىّ ، عن : سليمان بن داود المنقرىّ ، عن : حمّاد بن عيسی :

عَنِ : الصّادِقِ عليه السلام أنّهُ قالَ : قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يـا بُنَـيَّ ؛ إنَّ الدُّنْيا قَلِيلٌ ، وَ عُمْرُكَ قَصِيرٌ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : پسرم ؛ (در بـرابر آخـرت و بهره تو از) دنيا أندك است ، و عـمر تو كـوتاه .

آری ؛ أموال دنيايي در برابر نعمتهای آخرت بسيار أندكست، به حدّی كه قابل مقايسه نيست ، هر چند انسان ثروتمند باشد ، و زيبايی و لذّتهـای دنيـا در برابر زيبايي و لذّتهای آخرت بسيار بسيار أندك است ، زيرا : بهره هر انسانی از دنيا فقط آنقدری است كه می‌خورد و می‌پوشد ، اگر چه ثروتمندترين شـخص دنيا باشد ، بنابراين خوراك و پوشاك او أندك است ، و عمر بشـر در دنيـا ، در مقابل عمر طولانی او در قيامت بسيار بسيار كوتاه است كه می‌توان گفت : هيچ و در حدّ صفر است ، از اين جهت از اين دنيای أندك بايد آنچنان استفاده كـرد كه در آن عمر طولانی به كار آيد .

و بايد توجّه داشت كه غذاها و ميوه‌های دنيايی فقط برای دفع ألَم و درد است، و به مجرّد اينكه از گلو فرو رفت ديگر برای انسان لـذّتی وجـود نـدارد ، ولكن غذا و ميوه‌های بهشتی هنگام خوردن و بعد ازآن حتّی موقعی كه به شكل قطرات عرق از بدن خارج می‌شود لذّت‌بخش است، و نعمتهای دنيايی را بايد با رنج و زحمت بدست آورد ، ولكن نعمتهای بهشتی به مجـرّد خطـور در ذهـن و خواستن ، فوراً حاضر می‌گردد .

۶۱) إحيآءالعلوم(ص: ج:) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ إنَّ الذَّهَبَ يُجَرَّبُ بِالنّارِ ، وَ الْعَبْدَ الصّالِحَ يُجَرَّبُ بِالْبَلآءِ فَإذا أحَبَّ اللهُ قَوْماً ابْـتَلاهُمْ ، فَمَنْ رَضِـيَ فَلَـهُ الرِّضا ، وَ مَنْ سَخَطَ فَلَهُ السَّخَطُ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ طلا با آتش امتحان و صاف و خالص می‌گردد ، همچنین بنده شایسته صالح امتحان می‌شود بســبب بلا وگرفتاری ، پس هرگاه دوست بدارد خداوند مردمی را ، آنان را امتحان ، و به بلا گرفتار می‌سازد، بنابراین هرکس راضی باشد (به رضای خدا) خوشنودی برایش خواهد بود ، و هر کس راضی نباشد خشم و غضب برایش خواهد بود .

۱۱۱ـ مسكن الفؤاد(ص:۱۲۴)، غرر الحكم(ص:۱۰۰،ج: ۱)، بحارالأنوار(ص:۱۹۳ و ص:۱۹۵،ج:۸۱)، روى عبد الرحمن بن الحجّاج قال: ذكرعند أبي عبدالله عليه السلام البلآء :

التمحيص (ص:۳۱) ، وسائل الشيعة (ص:۲۶۳،ج:۳) ، مستدرك الوسائل (ص :۴۲۹،ج :۲)، مشكاة الأنوار (ص :۲۹۷ ، ج : ۱) ، عن : زيد الشحام ، عَنْ : أبي عَبْدِاللهِ عليه السلام :

الكافي (ص:۲۵۲،ج :۲)، مرآة العقول (ص:۳۲۶،ج:۹)، شرح الكافي (ص: ۱۹۵،ج :۹)، بحار الأنوار (ص :۲۰۷ و ص :۲۴۰ ،ج : ۶۷) ، عن : محمّد بن عيسى ، عن : ابن عيسى ، عن : محمّد بن سنان ، عن : عمّار بن مروان ، عن : زيد الشحام :

عَنْ : أبي عَبْدِاللهِ عليه السلام قالَ : إنَّ عَظِيمَ ٱلأجْرِ لَمَعَ عَظِيمِ الْبَـلآءِ ، وَ ما أحَبَّ اللهُ قَوْماً إلاّ ابْتَلاهُمْ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود: أجر بزرگ در أثر بودن بلای بزرگ اسـت، و دوست نداشته خداوند مردمی را مگر آنکه آنان را گرفتار بلا خواهد فرمود .

۶۲) محبوب القلوب(ص:۶۰) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ إنَّ فى يَدَيْكَ لُؤْلُؤاً وَ أنْـتَ تَزْعَـمُ أنَّكَ فَقِيرٌ .

حضرت لقمان (ع) بفرزند خود فرموده: ای پسرم؛ در دست تو لؤلؤ (و نـيروی تـفكّر و عقل و دين) است و با وجود اين گمان داری كه فقير و ناتوان هستی .

۱۱۲ـ لئالی الأخبار(ص:۲۰،ج:۲)، معانی الأخبار(ص:۲۵۹)، محمّد بن الحسن الوليد، عن :

محمّدبن الحسن الصفّار، عن: محمّدبن‌عیسی الیقطینی، عن: صفوان‌بن یحیی، عن: ذریح‌بن‌یزید المحاربیّ :

عَنْ : أَبِی عَبْدِاللهِ علیه السلام قالَ : الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَحْمَرِ ؛ فَقِیلَ : الفَقْرُ مِنَ الدَّنانِیرِ وَ الدَّراهِمِ ؟ قالَ : لا ، وَلکِنْ مِنَ الدِّینِ .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود : فقر ، مرگ خطرناك قرمز رنگ است ، عرض شد : مقصود : تهی‌دست از داشتن سکّه‌های طلا و نقره است ، آن حضرت علیه السلام فرمود : نَه ، بلکه تهی‌دست بودن از : دین است .

۶۳) بحارالأنوار(ص:۴۲۸،ج:۱۳)، الإختصاص(ص:۳۳۷)، عن: الاوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ: یا بُنَیَّ؛ إِنَّكَ کَما تَزْرَعُ تَحْصُدُ، وَ کَما تَعْمَلُ تَجِدُ.

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ هر چه کشت کنی همان را بدست خواهی آورد ، و هر عملی را از نیك و بد أنجام دهی همان را خواهی یافت .

۱۱۳ـ تحف العقول(ص:۱۵۱)، بحارالأنوار(ص:۴۱۱،ج:۷۷) :

عَنْ : أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قالَ : کَما تَدِینُ تُدانُ ، وَ کَما تَزْرَعُ تَحْصُدُ، وَ کَما تَصْنَعُ یُصْنَعُ بِكَ .

حضرت أمیر المؤمنین علیه السلام می‌فرمود : هر چه با دیگران رفتار کنی (از احترام گذاشتن ، و احسان نمودن ، و حفظ آبرو ، و پنهان کردن أسرار و عیوب) با تو همان رفتار خواهد شد ، همچنانکه : هر چه کشت کنی همان را بدست می‌آوری ، و هر چه با دیگران أنجام دهی همانند آن را با تو أنجام می‌دهند .

۶۴) الإختصاص(ص:۳۳۷)، بحارالأنوار(ص:۴۲۸،ج:۱۳)، عن: الاوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یابُنَیَّ ؛ إِنَّكَ لَمْ تُکَلَّفْ أَنْ تَشِیلَ الْجِبالَ، وَ لَمْ تُکَلَّفْ ما لاتُطِیقُهُ، فَلاتَحْمِلِ الْبَلاءَ عَلیٰ کَتِفِكَ، وَ لاتَذْبَحْ نَفْسَكَ بِیَدِكَ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : پسرم ؛ حقیقت مطلب اینست

که به تو دستور داده نشده که کوهها را بلند کنی و بدوش بگیری ، و تکلیف نشده‌ای که أنجام دهی آنچه را که بیشتر از طاقت و توانایی تو است (ازعبادات و دستورات دینی دیگر و شغل و کار و فعّالیّت) ، بنابراین حمل نکن بار گناه را بر شانه‌ات، و خود را با أنجام دادن گناه به مرگ تدریجی (و گرفتاری) گرفتار نکن .

۶۵) الإختصاص(ص:۳۴۰)، بحارالأنوار(ص:۴۳۱،ج:۱۳)، عن : الاوزاعيّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ إنَّ كُلَّ يَوْمٍ يَأْتِيكَ يَوْمٌ جَدِيْدٌ ، يَشْهَدُ عَلَيْكَ عِنْدَ رَبٍّ كَرِيْمٍ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرمود : فرزندم ؛ هر روز که برای تو (آفتاب طلوع می‌کند و) فرا می‌رسد ، روز تازه‌ای است که آمده ، و شهادت می‌دهد بر أعمال و گفتار تو در پیشگاه پروردگار کریم (بنابراین برای هر روزی عبادت و أعمال خیر تازه‌ای نیاز داری) .

و تأیید می‌کند نصیحت حضرت لقمان(ع) را روایتی که می‌فرماید :

۱۱۴ـ من لايحضر(ص:۳۹۷،ج:۴)، أمالي الصّدوق(ص:۹۵)، بحارالأنوار(ص:۱۸۱،ج:۷۱)، أبي ، عن : عليّ بن إبراهيم ، عن : أبيه ، عن : النّوفلي ، عن : الحسين بن يزيد النّوفليّ ، عن : إسماعيل بن أبي زياد مسلم السّكونيّ ، عَنِ : الصّادِقِ (ع) عَنْ : آبائِهِ (ع) قالَ : قالَ عَلِيٌّ (ع) :

فلاح السّائل(ص:۲۱۵)، بحارالأنوار(ص:۱۲۹،ج:۸۶)، عَنِ : الصّادِقِ (ع) عَنْ : أبِيهِ (ع) قالَ :

محاسبة النّفس(ص:۱۴)، بحارالأنوار(ص:۳۲۵،ج:۷)، عن: ابن محبوب، عَنْ: أبِي عَبْدِاللهِ (ع) :

وسائل الشّيعة(ص:۷۲،ج:۷ و ۹۹،ج:۱۶)، الكافي(ص:۵۲۳،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۲۲۹،ج: ۱۲)، شرح الكافي(ص:۲۸۲،ج:۱۰) ، روضة المتّقين(ص:۱۰۵،ج:۱۳) ، عدّة من أصحابنا ، عن : سهل بن زياد ، عن : جعفر بن محمّد الأشعريّ ، عن : ابن القدّاح :

عَنْ: أبِي عَبْدِاللهِ (ع) قالَ: ما مِنْ يَوْمٍ يَأْتِي [يَمُرُّ] عَلَى ابْنِ آدَمَ إلاّ قالَ لَهُ ذلِكَ الْيَوْمُ : يَا ابْنَ آدَمَ ؛ أنا يَوْمٌ جَدِيدٌ ، وَ أنا عَلَيْكَ شَهِيْدٌ ، فَقُلْ فِيَّ

خَيْراً وَ اعْمَلْ فِيَّ خَيْراً ، أَشْهَدُ لَكَ بِهِ يَوْمَ الْقِيامَةِ ، فَإِنَّكَ لَنْ تَرانِي بَعْدَهُ أَبَداً .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود : هیچ روزی نیست که بیاید بر بنی آدم مگر اینکه بگوید : من روز تازه‌ای هستم ، و من در قیامت شاهد تو هستم (که شهادت به أعمال و گفتار تو خواهم داد) ، گفتارت را در من خوب و نیکو بگردان (و از فحش و غیبت و تهمت و دروغ و بدگویی و سخن چینی و استهزاء ، دوری کن) ، و عمل کن درمن خیر را تا اینکه روز قیامت بر منفعت تو شهادت دهم ، و تو تا روز قیامت هیچ وقت مرا نخواهی دید .

۶۶) الإختصاص (ص:۳۴۰) ، بحارالأنوار (ص:۴۳۱ ،ج :۱۳) ، عن : الاوزاعيّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ إِنَّكَ مُدْرَجٌ فِي أَكْفانِكَ وَ مَحَلُّ قَبْرِكَ ، وَ مُعايِنُ عَمَلِكَ كُلِّهِ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده : پسرم؛ واقع مطلب اینست و در آن شکّی نیست که تو در کفنت پیچیده خواهی شد ، و در قبرت ساکن می‌شوی، و (چون قیامت شود) نتیجه أعمال و گفتارت را خواهی دید (بنابراین : پیش از اینکه مرگ تو فرا رسد به حساب أعمال خود رسیدگی کن، و کمبودهای آن را جبران نما) .

۱۱۵ـ تحف العقول المترجم(ص:۳۸۲)، الخصال(ص:۱۴) ، الصّدوق، عن : سعد بن عبدالله ، عن : أحمد بن محمّد ، عن : ابن أبي عمير ، عن : حمزة بن حمران :

عَنْ : أَبِي عَبْدِاللهِ علیه السلام قالَ : لَمْ يَخْلُقِ اللهُ عزّوجلّ يَقِيناً لاشَكَّ فِيهِ أَشْبَهُ بِشَكٍّ لا يَقِينَ فِيهِ مِنَ الْمَوْتِ .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود : نیافریده خدای عزّوجلّ یقینی که شکّی در وقوع آن نیست و حتمی است ، چیزی را که همانند و شبیه‌تر باشد از شکّ در مرگ (که همه مردم می‌دانند : خواهند مرد ، ولکن هر شخصی برای خودش

شكّ دارد : آیا می‌میرد؟! که در مقام عمل و رفتار آنچنان عمل می‌کند که گویی یقین به مرگ ندارد ، و همیشه در شكّ است)

۶۷) المحجّةالبيضآء(ص:۳۷۱،ج:۵)، إثنى‌عشريّة(ص:۲۵ و ص:۲۶) باختلاف، إرشادالقلوب (ص:۷۱ ، ج :۱) ، إرشاد القلوب المترجم (ص : ۱۶۵، ج :۱)، فی وَصِيَّةِ لُقْمانَ (ع) لابْنِهِ :

الإختصاص(ص:۳۳۸)، بحارالأنوار(ص:۴۱۱ و ص: ۴۱۸،ج:۱۳)، (باختلاف)، عن: الاوزاعيّ: تنبيه الخواطر(ص:۲۳۱ باختلاف) ، قصص الأنبيآء(ص:۱۹۳) ، بالإسناد إلى الصّدوق ، عن : أبيه ، عن : سعد ، عن : الإصفهانيّ، عن: المنقريّ، عن: حمّاد بن عيسى، عَن: الصّادِقِ عليه السلام قالَ :

القصص للجزائريّ (ص :۳۲۵)، تفسيرالقمّيّ (ص:۱۶۳،ج :۲)، عليّ بن إبراهيم ، عن : أبيه ، عن : القاسم بن محمّد الاصفهانيّ ، عن : سليمان بن داود المنقريّ :

عَنْ : حَمّادٍ قالَ : سَأَلْتُ أَبا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ لُقْمانَ (ع) وَ حِكْمَتِهِ ؟ قالَ عليه السلام : وَكانَ فِيما وَعَظَ بِهِ : يا بُنَيَّ ؛ إنَّكَ مُنْذُ سَقَطْتَ إلَى الدُّنْيا إسْتَدْبَرْتَها وَ اسْتَقْبَلْتَ الْآخِرَةَ ، فَدارٌ أَنْتَ إلَيْها تَسِيرُ أَقْرَبُ إلَيْكَ مِنْ دارٍ أَنْتَ عَنْها مُتَباعِدٌ [فَتَزَوَّدْ لِدارٍ أَنْتَ مُسْتَقْبِلُها] .

حمّاد گوید: از حضرت صادق عليه السلام درباره حضرت لقمان (ع) و گفته‌های او پرسیدم ؟ فرمود : از جمله پند و راهنمایی‌های آن حضرت این بوده: فرزندم؛ از زمانی که به دنیا آمده‌ای روی از دنیا گردانیده و به آخرت پیش می‌روی ، پس خانه‌ای که بسوی آن می‌روی هر لحظه به تو نزدیکتر می‌شود تا خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنی و دور می‌شوی ، پس برای آن خانه زاد و توشه فراوان که در آنجا نیاز داری تهیّه کن .

۶۸) بحارالأنوار(ص:۲۹۷،ج:۷۱)، جامع السّعادات(ص:۳۴۵،ج:۲)، وسائل الشّيعة(ص: ۱۸۳، ج:۱۲)، الكافى(ص:۱۱۴،ج:۲)، مرآةالعقول(ص:۲۱۴،ج:۸)، شرح‌الكافى(ص:۳۱۵،ج:۸)، جامع أحاديث الشّيعة(ص:۴۸۶،ج:۱۳)، عن: العدّة، عن: سهل بن زياد، عن: جعفر بن محمّد الأشعريّ، عن: ابن القدّاح :

عَنْ : أبِی عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قالَ : قالَ لُقْمانُ(ع) لابْنِهِ : يابُنَیَّ ؛ إنْ كُنْتَ زَعَمْتَ أنَّ الْكَلامَ مِنْ فِضَّةٍ ، فَإنَّ السُّكُوتَ مِنْ ذَهَبٍ .

حضرت صادق عليه‌السلام می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : فرزندم ؛ اگر سخنی را گمان می‌کنی (به ارزش) نقره است ، بدان که براستی سکوت (در بسیاری از موارد به ارزش) طلا است .

یکی از نعمتهای خداوند به انسان زبان و قوّه تکلّم است ، و کسی حق ندارد این نعمت خدادادی را بدون استفاده و رها نماید، مگر آنکه سخنان بیهوده و خسارت و ضررآور باشد که در این صورت باید سکوت نماید .

۱۱۶ـ تحف العقول المترجم (ص : ۲۱۶) :

وَ سُئِلَ عَنْ عَلِیٍّ عليه‌السلام : أیُّ شَیْءٍ مِمّا خَلَقَ اللهُ أحْسَنُ ؟ فَقالَ عليه‌السلام : الْكَلامُ ، فَقِيلَ : أیُّ شَیْءٍ مِمّا خَلَقَ اللهُ أقْبَحُ ؟ قالَ عليه‌السلام : الْكَلامُ ، ثُمَّ قالَ : بِالْكَلامِ ابْيَضَّتِ الْوُجُوهُ ، وَ بِالْكَلامِ اسْوَدَّتِ الْوُجُوهُ .

از حضرت امیرالمؤمنین عليه‌السلام پرسیده شد : از آنچه خدای عزّوجلّ آفریده کدام بهتر است؟ آن حضرت عليه‌السلام فرمود : سخن گفتن ، گفته شد: از آنچه که خدای عزّوجلّ آفریده کدام زشت‌تر است ؟ فرمود : سخن گفتن ، سپس آن حضرت عليه‌السلام فرمودند : با سخن (رهنمود دهنده) سفید می‌گردد چهره‌ها ، و با سخن (انحراف کننده توسّط افراد مغرض و منحرف) چهره‌هایی سیاه (و منحرف) می‌گردد .

۱۱۷ـ نهج البلاغة(حکم:۱۷۳ و ۴۶۳)، شرح نهج البلاغة(ص:۹،ج:۱۹)، خصائص الأئمة (ص:۱۱۲ و ص:۱۲۴)، وسائل الشّیعة(ص:۱۸۷،ج:۱۲)، جامع أحادیث الشّیعة (ص:۴۹۲،ج:۱۳)، مرآة العقول(ص:۲۱۵،ج:۸)، بحارالأنوار(ص:۸۱ ،ج:۲ و ص:۲۹۱،ج:۷۱ و ص: ۲۸۵،ج:۷۷) :

قالَ عَلِیٌّ عليه‌السلام : لا خَيْرَ فِی الصَّمْتِ عَنِ الْحِكَمِ كَما أنَّهُ لا خَيْرَ فِی الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ .

حضرت علی (علیه السلام) فرموده : خیر و نیکی نیست در سکوت کردن از کلمات حکمت آمیز (زمانیکه باید بیان کرد) همچنانکه خیر و خوبی نیست در گفتار أفراد بی‌اطّلاع .

۱۱۸ـ الإحتجاج(ص:۴۵ و ص:۳۱۵،ج:۲)، وسائل الشیعة(ص:۱۸۸،ج:۱۲)، جامع أحادیث الشیعة(ص: ۴۹۳ ، ج :۱۳) ، بحارالأنوار (ص :۲۷۴، ج :۷۱) :

سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام) عَنِ الْكَلامِ وَ السُّكُوتِ : أَيُّهُما أَفْضَلُ ؟ فَقالَ (عليه السلام) : لِكُلٍّ واحِدٍ مِنْهُما آفاتٌ ، فَإِذا سَلِما مِنَ الآفاتِ ، فَالْكَلامُ أَفْضَلُ مِنَ السُّكُوتِ ، قِيلَ : وَ كَيْفَ ذلِكَ يَا بْنَ رسولِ اللهِ ؟! قالَ (عليه السلام) : لأَنَّ اللهَ (عزّ وجلّ) ما بَعَثَ الأَنْبِياءَ وَ الأَوْصِياءَ بِالسُّكُوتِ ، إِنَّما بَعَثَهُمْ بِالْكَلامِ ، وَ لا اسْتُحِقَّتِ الْجَنَّةُ بِالسُّكُوتِ ، وَ لا اسْتُوْجِبَ وِلايَةُ اللهِ بِالسُّكُوتِ ، وَ لاتُوقِّيَتِ النّارُ بِالسُّكُوتِ، وَ لا تُجُنِّبَ سَخَطُ اللهِ بِالسُّكُوتِ، إِنَّما ذلِكَ كُلُّهُ بِالْكَلامِ ، وَ ما كُنْتُ لأَعْدِلَ الْقَمَرَ بِالشَّمْسِ ، إِنَّكَ تَصِفُ فَضْلَ السُّكُوتِ بِالْكَلامِ ، وَ لَسْتَ تَصِفُ فَضْلَ الْكَلامِ بِالسُّكُوتِ .

از حضرت سجّاد (علیه السلام) پرسیده شد : کدامیك از : سخن گفتن ، و سکوت برترند ؟! آن حضرت فرمود : برای هر یك از این دو آفتهایی هست ، که اگر از آفت سالم باشند ، سخن گفتن برتر و بهتر از سکوت است ، عرض شد : ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ؛ چگونه سخن گفتن بهتر است ؟! فرمود : بجهت اینکه خدای (عزّ وجلّ) مبعوث نفرمود أنبیاء و أوصیاء ایشان را به سکوت ، بلکه مبعوث فرمود آنان را به سخن گفتن، و دیگر اینکه مستحقّ بهشت نشد کسی با سکوت کردن ، و مستوجب ولایت و دوستی خداوند نگردید بجهت سکوت نمودن ، و از آتش (جهنّم) کسی کاملاً نجات نیافت بسبب سکوت کردن ، و دور از خشم و غضب خداوند نشد شخصی به علّت سکوت کردن ، بلکه همه اینها بواسطه سخن

گفتن است ، و (سپس آن حضرت عليه السلام خطاب به سؤال كننده فرمـــود :) مـن هيچوقت ماه و خورشيد را در يك اندازه نمی‌دانم، و تو سكوت را برتر از سخن گفتن می‌دانی ، و سخن گفتن را بالاتر و بهتر از سكوت نمی‌دانی ؟! .

۱۱۹ـ من لايحضر(ص:۴۰۵،ج:۴)، روضة المتقين(ص:۱۶۴،ج:۱۳)، وسائل الشيعة(ص:۱۹۷،ج:۱۲)، مستدرك الوسائل(ص:۳۱،ج:۹)، جامع أحاديث الشيعة (ص:۴۹۰،ج:۱۳)، الخصال (ص:۹۸)، معاني‌الأخبار(ص:۳۴۴)، بحارالأنوار(ص:۲۷۵ و ص:۳۲۴،ج:۷۱ و ص:۴۰۸،ج:۷۷ و ص:۵۴،ج:۷۸) ، ثواب الأعمال (ص:۲۱۲) ، الصدوق ، محمد بن موسى بن المتوكل ، عن : عليّ بن إبراهيم ، عن : محمد بن عيسى اليقطيني ، عن : يونس بن عبد الرحمن ، عن : أبي أيّوب الخزّاز ، عن : أبي حمزة ، عَنْ : أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ : قالَ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ عليه السلام :

تحف العقول المترجم(ص:۲۱۵)، تنبيه الخواطر(ص:۱۵۸،ج:۲)، مشكاة الأنوار(ص:۱۷۶)، الاختصاص(ص:۲۳۱) :

المحاسن(ص:۵)، بحارالأنوار(ص:۳۳۲،ج:۹۳)، روضةالواعظين(ص:۳۹۰)، عَنْ: الصّادِقِ عليه السلام :

مرآة العقول(ص:۲۱۵،ج:۸) ، أمالي الصدوق (ص:۹۶) ، محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد ، عن: محمد بن الحسن الصفّار، عن: إبراهيم بن هاشم، عن: إسماعيل بن مرّار، عن: يونس بن عبدالرحمن ، عن : أبي أيّوب ، عن : أبي حمزة ، عَنْ : أَبِي جَعْفَرٍ الْباقِرِ عليهما السلام قالَ : قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام :

مشكاة الأنوار(ص:۳۷)، أمالي الصدوق(ص:۳۲)، أبي ، عن: عبدالله بن جعفر الحميريّ ، عن: يعقوب بن يزيد ، عن : محمد بن أبي عمير ، عن : هشام بن سالم ، عن : سليمان بن خالد :

عَنْ : الصّادِقِ عليه السلام عَنْ : آبائِهِ عليهم السلام أَنَّ أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قالَ: جُمِعَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِی ثَلاثَ خِصالٍ: النَّظَرُ، وَ السُّكُوتُ، وَ الْكَلامُ، فَكُلُّ نَظَرٍ لَيْسَ فِيهِ اعْتِبارٌ فَهُوَ سَهْوٌ ، وَكُلُّ سُكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ فِكْرٌ فَهُوَ غَفْلَةٌ [لهو] ، وَ كُلُّ كَلامٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَغْوٌ، فَطُوبى لِمَنْ كانَ نَظَرُهُ عِبْرَةً ، وَ سُكُوتُهُ

كُلُّ كَلامٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَغْوٌ، فَطُوبى لِمَنْ كانَ نَظَرُهُ عِبرَةً ، وَ سُكُوتُهُ فِكْرَةً ، وَ كَلامُهُ ذِكْراً ، وَ بَكىٰ عَلىٰ خَطِيئَتِهِ ، وَ أَمِنَ النّاسُ مِنْ شَرِّهِ .

حضرت امام محمّد باقر عليه السلام مى‌فرمود : حضرت أميرالمؤمنين عليه السلام فرموده: همه خوبيها در سه خصلت است، أوّل: نگاه و نظر (دقيق و عبرت آميز) كردن ، دوّم : سكوت ، سوّم : سخن ، پس هر نگاه و نظرى كه أسباب و وسيله عبرت گرفتن نشود سهو است ، و هر سكوتى كه در آن أنديشه و فكر كردن نباشد ، غفلت و لهو است ، و هر سخنى كه در آن ياد خدا نباشد لغو و بيهوده است ، بنابراين : خوشابحال كسى‌كه نگاه كردنش عبرت أنگيز و سكوت او أنديشه آميز و سخنش يادآورى (دستور خداى عزّوجلّ) باشد ، و بر خطا و اشتباه در گفتار و كردار خود بگريد ، و مردم از شرّ و أذيّت او آسوده باشند .

۱۲۰ـ بحارالأنوار(ص:۲۸۶ و ص:۲۹۱ و ص:۲۹۳،ج:۷۱ و ص:۲۳۷ و ص:۲۳۹ و ص: ۲۹۰،ج:۷۷)، روضة الواعظين(ص:۴۶۹) ، كنز الكراجكى(ص:۱۴،ج:۲)، جامع أحاديث الشّيعة(ص: ۴۸۹،ج:۱۳)، مرآة العقول(ص:۲۱۵،ج:۸)، تحف العقول(ص:۹۳)، نهج البلاغة (ص: حكم : ۳۴۹)، وسائل الشيعة (ص :۱۸۷ ،ج :۱۲) :

وَ قالَ أَميرُالْمُؤْمِنينَ عليه السلام : . . . مَنْ كَثُرَ كَلامُهُ كَثُرَ خَطاؤُه، وَ مَنْ كَثُرَ خَطاؤُهُ قَلَّ حَياؤُهُ ، وَ مَنْ قَلَّ حَياؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ ، وَ مَنْ قَلَّ وَرَعُهُ ماتَ قَلْبُهُ ، وَ مَنْ ماتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النّارَ . . .

مولاى متّقيان أمير مؤمنان حضرت على عليه السلام مى‌فرموده : هر كه سخن گفتنش بسيار باشد، خطا و اشتباه‌گويى او هم بسيار خواهد بود ، و هر كه خطا و اشتباه گفتارى او زياد باشد حيا و شرم او أندك خواهد بود ، و هر كه حيا و شرم او أندك باشد ، ورع و دورى از شبهه‌ناك داشتن او أندك خواهد بود ، و هر كه ورع او أندك باشد دلش (كه مركز خداشناسى بايد باشد) مرده است ، و هر كه دلش مرده

باشد گرفتار آتش (فتنه و فساد و گرفتاریها ، و در قیامت دچار جهنّم) می‌شود .

۱۲۱ـ قرب‌الأسناد(ص:۳۳)، وسائل الشّیعة(ص:۱۱۹،ج:۱۲)، مرآة العقول(ص:۲۱۵،ج:۸)، بحارالأنوار(ص:۳۵،ج:۱۴ و ص:۲۷۷،ج:۷۱ و ص:۵۸ ،ج:۷۶)، هارون بن مسلم ، عن : مسعدة بن صدقة الرّبعی :

عَن: الصّادِقِ(ع) عَنْ: أبيهِ(ع) قالَ: إنَّ داوُدَ(ع) قالَ لِسُلَيْمانَ(ع) : يابُنَيَّ؛ إيّاكَ وَ كَثْرَةَ الضَّحْكِ، فَإنَّ كَثْرَةَ الضَّحْكِ تَتْرُكُ الْعَبْدَ حَقِيراً (فَقِيراً) يَوْمَ الْقِيامَةِ ، يابُنَيَّ ؛ عَلَيْكَ بِطُولِ الصَّمْتِ إلاّ مِنْ خَيرٍ، فَإنَّ النَّدامَةَ عَلىٰ طُولِ الصَّمْتِ مَرَّةً واحِدَةً خَيْرٌ مِنَ النَّدامَةِ عَلى كَثْرَةِ الْكَلامِ مَرّاتٍ، يابُنَيَّ ؛ لَوْ أنَّ الْكَلامَ كانَ مِنْ فِضَّةٍ كانَ يَنْبَغِيْ لِلصَّمْتِ أنْ يَكُونَ مِنْ ذَهَبٍ .

حضرت صادق(ع) فرمود : حضرت داود (ع) به حضرت سلیمان (ع) فرموده: فرزندم ؛ بپرهیز از زیاد خندیدن ؟! برای آنکه خنده زیاد آدمی را فقیر می‌گرداند (بواسطه بیماری که عارض او می‌شود) و در قیامت پَست مقام و خوار می‌نماید، فرزندم؛ بر تو باد همیشه به سکوت طولانی مگر در کارهای خیر که باید سخن بگویی، زیرا: پشیمان بودن از سخن نگفتن یك مرتبه است، ولکن پشیمانی از گفتار بیش از حدّ است ، فرزندم ؛ اگر سخن همانند نقره است ، شایسته است که سکوت را طلا بدانیم .

۶۹) الإختصاص(ص:۳۳۶)، بحارالأنوار(ص:۴۲۸،ج:۱۳)، عن: الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ إنَّ اللهَ ﷻ رَهَنَ النّاسَ بِأعْمالِهِمْ ، فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمّا كَسَبَتْ أيْدِيهِمْ وَ أفْئِدَتُهُمْ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : پسرم؛ خدای ﷻ مردم را گرو کردار و گفتارشان قرار داده ، پس وای بر ایشان از هر نوع بدی و ناروایی و أعمال خلافی که با دستهای خود أنجام می‌دهند، و أفکار و أندیشه و نقشه‌های

پلیدی که در مغز و قلب خود پرورش می‌دهند (و عمل می‌کنند) .

تأیید می‌نماید بیان حضرت لقمان (ع) را قرآن مجید که می‌فرماید :﴿ كُلُّ امْرِءٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ ﴾ (طور/ ۲۱) هر انسانی در گرو آن چیزی است که انجام می‌دهد .

۷۰) إثنى عشريّة(ص:۳۵۰) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ إنَّ الحِكْمَةَ تَعْمَلُ عَشَرَةَ أشْياءَ ، أحَدُها : تُحْيِي الْقُلُوبَ الْمَيِّتَ ، وَ تُجْلِسُ الْمِسْكِينَ مَجالِسَ الْمُلُوكِ ، وَ تُشَرِّفُ الْوَضِيعَ ، وَ تُحَرِّرُ الْعَبِيْدَ، وَ تَأوِي الْغَرِيْبَ، وَ تُغْنِي الْفَقِيرَ، وَ تَزِيدُ لأهْلِ الشَّرَفِ شَرَفاً، وَ لِلسَّيِّدِ سُودَداً، وَ هِيَ أفْضَلُ مِنَ الْمالِ، وَ حِرْزٌ مِنَ الْخَوْفِ، وَ دِرْعٌ في الْحَرْبِ، وَ بِضاعَةٌ حِينَ يَرْبَحُ، وَ هِيَ شَفِيعَةٌ حِينَ يَعْتَرِيَهُ الْهَوْلُ ، وَ هِيَ دَلِيلَةٌ حِينَ يَنْتَهِيَ بِهِ الْيَقِينُ ، وَ سَتْرَةٌ حِينَ لا يَسْتُرُهُ ثَوْبٌ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ سخنان حکمت و پندآموز ، و دانایی و دقّت و بینایی در امور ، دَه فایده دارد :

۱ـ دلهای مرده را زنده می‌کند ، ۲ـ ضعیف و تهی‌دست را به جایگاه پادشاهان می‌نشاند ، ۳ـ أشخاص پایین مرتبه را بلند مقام می‌گرداند ، ۴ـ باعث آزادی غلام می‌شود، ۵ ـ شخص غریب را پناه می‌دهد، ۶ـ فقیر را به ثروت می‌رساند ، ۷ـ مقام و شرافت أفراد بزرگ را بالاتر می‌برد ، و بزرگان (قبیله و خاندان) را به درجات و عظمت برتر می‌رساند ، زیرا : سخنان حکمت‌آمیز از هر جهت از مال و ثروت بهتر و برتر است ، ۸ـ و سپری است (محکم) در برابر ترس و هرگونه وحشت ، ۹ـ و زره‌ای است در میدان جنگ (با نادانان و فتنه‌انگیزان و بدعت‌گزاران و منافقان) و سرمایه پر سود (هنگام صلح) است ، ۱۰ـ و آنجا که هول و هراس پیش آید حکمت در اصلاح و رفع آن می‌کوشد ، و راهنمایی هر انسانی است تا به سر حدّ یقین ، و پوشش کردار است آنجایی که لباس نمی‌تواند پوشش باشد .

۷۱) الإختصاص (ص:۳۳۹) ، بحارالأنوار(ص :۴۲۹، ج :۱۳) ، عن الأوزاعيّ :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ إنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنْ ضِلْعٍ أعْوَجٍ ، إنْ أقَمْتَها كَسَرْتَها ، وَ إنْ تَرَكْتَها تَعَوَّجَتْ ، إلْزَمْهُنَّ الْبُيُوتَ فَإنْ أحْسَنَّ فَاقْبَلْ إحْسانَهُنَّ ، وَ إنْ أسَأنَ فَاصْبِرْ إنَّ ذلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ .

حضرت لقمان(ع) به فرزندش فرمود : فرزندم ؛ زن آفریده شده از پهلوی کج ، اگر خواستی او را راست کنی می‌شکنی، و اگر او را رها کنی کج‌تر می‌شود، بنابراین باید آنان را در خانه نگهداری نمایی ، و اگر نیکوکار شدند ، نیکوکاری ایشان را بپذیر (و جبران کن) و اگر بدکردار و بدگفتار شدند ، باید صبر کنی ، و اینچنین صبر و استقامت ، اراده قویّ لازم دارد .

تأیید می‌کند گفتار حضرت لقمان (ع) را روایتی که نقل شده :

۱۲۲ـ بحارالأنوار(ص:۹۹،ج:۱۱ و ص:۱۱۲ و ص:۱۱۶،ج:۱۲)، باختلاف ، وسائل الشّيعة(ص:۱۷۳،ج:۲۰)، الكافي(ص:۵۱۳،ج:۵)، مرآة العقول(ص:۳۲۷،ج:۲۰)، أبو عليّ الأشعريّ ، عن : محمّد بن عبد الجبّار ، عن : صفوان ، عن : إسحاق بن عمّار :

عَنْ : أبي عَبْدِاللهِ عليه السلام قالَ : قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله : إنَّما مَثَلُ الْمَرْأَةِ مَثَلُ الضِّلْعِ الْمُعَوَّجِ ، إنْ تَرَكْتَهُ إنْتَفَعْتَ بِهِ ، وَ إنْ أقَمْتَهُ كَسَرْتَهُ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده : همانا ؛ زن همانند يك قطعه چوب کج است ، که اگر چوب کج را آنچنان که هست واگذاشتی از آن بهره خواهی برد ، و اگر خواستی آن را راست کنی ، می‌شکنی (و دیگر نمی‌توانی از آن استفاده نمایی) .

بنابراین باید از زن نگهداری و مدارا شود، بطوریکه افراط و تفریط نباشد .

۱۲۳ـ الكافي(ص:۵۱۳،ج:۵)، مرآةالعقول(ص:۳۲۷،ج:۲۰)، وسائل‌الشّيعة(ص:۱۷۳،ج:۲۰)، مستدرك الوسائل(ص:۲۵۴،ج:۱۴)، بحارالأنوار(ص:۱۱۶،ج:۱۲) ، عدّة من أصحابنا ، عن : أحمد بن

محمّد ، عن : عليّ بن الحكم ، عن : أبان الأحمر، عن : محمّد الواسطيّ قال : قالَ أبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام :

القصص الجزائريّ (ص :۱۲۲،ج:۱)، بحار الأنوار (ص:۹۷، ج:۱۲ و ص:۳۶،ج:۹۹)، تفسير القمّيّ (ص:۶۰ ، ج :۱) ، أبي ، عن : النضر ، عن : هشام :

عَنْ : أبي عَبْدِاللهِ عليه السلام قالَ : إنَّ إبْراهِيْمَ عليه السلام كانَ نازِلاً في بادِيَةِ الشّامِ ، فَلَمّا وُلِدَ لَهُ مِنْ هاجَرَ إسماعِيْلُ (ع) ، إغْتَمَّتْ سارَةُ مِنْ ذٰلِكَ غَمّاً شَدِيداً ، لأنَّهُ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْها وَلَدٌ ، وَ كانَتْ تُؤْذِيْ إبْراهِيْمَ فِيْ هاجَرَ ، فَتَغُمُّهُ ، فَشَكا إبْراهِيْمُ ذٰلِكَ إلَى اللهِ عزّوجلّ ، فَأوْحَى اللهُ إلَيْهِ : إنَّما مَثَلُ الْمَرْأةِ مَثَلُ الضِّلْعِ الْعَوْجاءِ ، إنْ تَرَكْتَهَا اسْتَمْتَعْتَ بِها ، وَ إنْ أقَمْتَها كَسَرْتَها .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرموده : حضرت إبراهیم خلیل عليه السلام در محدوده شام (دمشق ـ سوریه) زندگی می‌کرد ، و زمانی که حضرت إسماعیل (ع) از هاجر(رض) بدنیا آمد ، ساره که همسر أوّل آن حضرت بود سخت أندوهناك گردید، و در دریای غم فرو رفت، زیرا : خود فرزندی نداشت، و دیدن حضرت هاجر(رض) را با أولاد سبب ناراحتی او شد ، و به حضرت إبراهیم عليه السلام أذیّت و آزار أخلاقی می‌رسانید، آن حضرت شکایت به خدای عزّوجلّ نمود، خداوند به او وحی فرمود که: زن بمنزله و همانند دنده (استخوان) کج است که اگر او را بحال خود واگذاری از او بهره و نفع خواهی برد ، و اگر خواستی آن را راست کنی می‌شکند .

۷۲) إثنی عشریّة(ص:۲۵)، بحارالأنوار(ص:۴۲۶،ج:۱۳)، تنبیه الخواطر(ص:۲۳۱) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ إنَّ الْمَوْعِظَةَ تَشُقُّ عَلَى السَّفِيْهِ كَما يَشُقُّ الصُّعُودُ عَلَى الشَّيْخِ الْكَبِيرِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : فرزندم ؛ موعظه (و پند و نصیحت و راهنمایی دینی و أخلاقی و زندگی) برای شخص نادان بسیار سنگین و سخت است ، همچنانکه به بالای بلندی رفتن برای پیرمردان و زنان مشقّت

دارد ، و مشکل است .

سفیه کسی را گویند که سست رأی، و یا از نظر درك و شعور و خاصّه از عقل کمبودی دارد ، و گمان دارد که آنچه را فکر می‌کند و أنجام می‌دهد ، همان صحیح و درست است ، از اینجهت فهمانیدن مطالب به او بسیار سخت و دشوار است و برای او نیز شنیدن و عمل کردن مشکل و مشقّت دارد ، زیرا : درك راه صحیح را ندارد .

۱۲۴ـ تحف العقول (ص : ۵۲۰) ، بحار الأنوار (ص : ۳۷۴ ، ج : ۷۸) :

قَالَ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيّ عليه السلام : رِياضَةُ الْجَاهِلِ ، وَ رَدُّ الْمُعْتادِ عَنْ عادَتِهِ ، كَالْمُعْجِزِ .

حضرت امام حسن عسکری عليه السلام می‌فرمود : تعلیم دادن و تربیت نمودن شخص جاهل ، و بازگردانیدن و ترك عادت دادن شخصی که به چیزی عادت کرده (از گفتار و کردار ناشایسته) کاری است همانند معجزه .

۷۳) بحارالأنوار(ص:۴۲۴،ج:۱۳ و ص:۱۸۴،ج:۸۰)، الدّرالمنثور(ص:۱۶۱،ج:۵)، مجمع البیان (ص:۳۱۷،ج:۴)، وسائل‌الشیعة(ص:۳۳۷،ج:۱) ، الفضل‌بن‌الحسن‌الطّبرسی عند ذکرحِکَم لقمان(ع) قال :

وَ قِيلَ : إنَّ مَوْلاهُ دَخَلَ الْمَخْرَجَ ، فَأَطالَ فِيهِ الْجُلُوسَ ، فَناداهُ لُقْمانُ (ع) : طُولُ الْجُلُوسِ عَلَى الْحاجَةِ يَفْجَعُ مِنْهُ الْكَبِدَ ، وَ يُورِثُ مِنْهُ (النّاسُورُ) الْباسُورُ وَ يَصْعَدُ الْحَرارَةُ إلَى الرَّأْسِ ، فَاجْلِسْ هَوْناً ، وَ قُمْ هَوْناً ، قالَ : فَكَتَبَ حِكْمَتَهُ عَلىٰ بابِ الْحُشِّ .

گفته شده که مولایش به دستشویی رفت و مدّتی طولانی نشست ، لقمان حکیم با صدای بلند گفت : نشستن زیاد در دستشویی باعث بیماری کبد ، و موجب بیماری بواسیر، و رسیدن حرارت و بوی بد دستشویی به مغز سر است، بنابراین: باید أندك بنشینید و زود بپا برخیزید، مولایش دستور داد این نصیحت و رهنمود حکیمانه أخلاقی و بهداشتی را به درب دستشویی نوشتند (که

فراموش نشود و همه بدانند) .

۷۴) الإختصاص(ص:۳۴۰) ، بحارالأنوار(ص:۴۳۰،ج:۱۳) ، عن : الاوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ إنَّ النّارَ تُحِيْطُ بِالْعالَمِينَ كُلِّهِمْ ، فَلا يَنْجُوْ مِنْها أحَدٌ إلاّ مَنْ رَحِمَهُ اللهُ ﷻ وَ قَرَّبَهُ مِنْهُ .

حضرت لقمان (ع) بفرزند خود فرموده : ای فرزندم ؛ همانا؛ آتش (فتنه و فساد) احاطه دارد به همه مردم (دنیا در هر زمان و در هر نقطه عالَم) که از آن آتش نجات نمی یابد ، مگر کسی که خداوند به او ترحّم فرماید و به خود نزدیکش نماید (بواسطه عبادت و بندگی و مواظب حلال و حرام و محرم و نامحرم بودن) .

۷۵) السّعادة الأبديّة(ص:۹۶)، إثنی عشريّة(ص: ۲۵ و ص:۱۷۷)، الکافی(ص:۱۳۵،ج:۲)، مرآة العقول (ص : ۳۰۳ ، ج : ۸) ، شرح الکافی (ص : ۳۷۴ ، ج : ۸) ؛ المحجّة البيضاء(ص:۵ ،ج:۶) ، تنبيه الخواطر(ص:۱۹۴،ج:۲)، بحارالأنوار(ص: ۴۲۵،ج:۱۳ و ص:۶۹ ،ج:۷۳)، عليّ بن إبراهيم ، عن : محمّد بن عيسى ، عن : يحيى بن عقبة الأزديّ :

عَنْ : أبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قالَ : كانَ فِيْما وَعَظَ بِهِ لُقْمانُ (ع) إبْنَهُ : يا بُنَيَّ ؛ إنَّ النّاسَ قَدْ جَمَعُوا قَبْلَكَ لِأوْلادِهِمْ ، فَلَمْ يَبْقَ ما جَمَعُوا ، وَ لَمْ يَبْقَ مَنْ جَمَعُوا لَهُ ، وَ إنَّما أنْتَ عَبْدٌ مُسْتَأجَرٌ قَدْ اُمِرْتَ بِعَمَلٍ وَ وُعِدْتَ عَلَيْهِ أجْراً ، فَأوْفِ عَمَلَكَ وَ اسْتَوْفِ أجْرَكَ ، وَ لا تَكُنْ فِى هذِهِ الدُّنْيا بِمَنْزِلَةِ شاةٍ وَقَعَتْ فِى زَرْعٍ أخْضَرَ ، فَأكَلَتْ حَتّىٰ سَمِنَتْ ، فَكانَ حَتْفُها عِنْدَ سَمِنَها ، وَ لكِنْ اجْعَلِ الدُّنْيا بِمَنْزِلَةِ قَنْطَرَةٍ عَلىٰ نَهْرٍ جُزْتَ عَلَيْها ، وَ تَرَكْتَها وَ لَمْ تَرْجَعْ إلَيْها آخِرَ الدَّهْرِ ، أخْرِبْها وَ لاتُعَمِّرْها فَإنَّكَ لَمْ تُؤْمَرْ بِعِمارَتِها ، وَ اعْلَمْ أنَّكَ سَتُسْأَلُ غَداً إذا وَقَفْتَ بَيْنَ يَدَيِ اللهِ ﷻ عَنْ أرْبَعٍ: شَبابِكَ فِيما أبْلَيْتَهُ ، وَ عُمْرِكَ فِيما أفْنَيْتَهُ ، وَ مالِكَ مِمّا اكْتَسَبْتَهُ ، وَ فِيْما أنْفَقْتَهُ ، فَتَأهَّبْ لِذلِكَ ، وَ أعِدَّ لَهُ جَواباً ، وَ لا تَأسَ عَلىٰ ما فاتَكَ مِنَ

الدُّنیا ، فَإنَّ قَلِیلَ الدُّنیا لایَدُومُ بَقاؤُهُ ، وَ کَثِیرَها لایُؤْمَـنُ بَـلاؤُهُ ، فَخُـذْ حِذْرَكَ، وَ جِدَّ فی أمْرِكَ، وَ اکْشِفِ الْغِطآءَ عَنْ وَجْهِكَ، وَ تَعَرَّضْ لِمَعْرُوفِ رَبِّكَ ، وَ جَدِّدِ التَّوْبَـةَ فی قَلْبِـكَ ، وَ اکْمِـشْ فی فَراغِـكَ قَبْـلَ أنْ یَقْصِـدَ قَصْدُكَ ، وَ یَقْضِی قَضآؤُكَ وَ یحَالُ بَیْنَكَ وَ بَینَ ما تُرِیدُ .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : فرزندم ؛ مردمانی جمع کردند أموالی را پیش از بدنیا آمدن تو برای فرزندانشـان که نه آن أموال باقی مانده ، و نه آن فرزندان (و نه أن غرضها و مطالب باطلـه همانند : تفاخر و غلبه بر دیگران و عزّت دنیا) که برای آنان أموال جمع کردند ، همانا تو نیز در دنیا همانند یك أجیر و کارگر هستی ، که به تو دستور کاری داده شده ، و به تو وعده مزد کار داده شده ، بنابراین عمل را هر چه بهتر و نیکوتـر أنجام بده تا أجرت بهتر و عالی‌تر باشد ، و نباید در این دنیا همانند گوسفندی باشی که در مزرعه و کشتزار و سبزه‌زاری رفته و آنقدر از گیاهان و علفها خورده است تا بزرگ و فربه و چاق شده ، و کشته شدنش (بدست صاحبش) بواسطه بزرگ و چاق شدن آن است ، ولی تو باید دنیا را همانند پلی بدانی که بر روی نهر آبی ساخته شده و از آن عبور می‌کنی و تا پایان عمرت به آن پل باز نخواهی گشـت، بنابراین نباید به عمران و آبادی دنیایت بـپردازی (فقط) ، زیرا : به عمـران و آبادانی کردن آن مأموریّت نداری، و بطور حتم و یقین بدان در قیامت، آنگاه که در حضور عدل خدای ﷻ آمدی از چهار چیز مورد پرسش و بازجویی قـرار می‌گیری و باید جوابگو باشی :

أوّل : از جوانی ، که در چه مورد استفاده ، و در چه چیزی بسر بـردی ، دوّم : از عمرت که در چه چیزی تمام کردی ، سوّم : از أموالت که از چه راهـی (حلال و یا حرام) بدست آوردی ، چهارم : آنکه در چه راهی (از راههای حلال

و یا حرام زندگی) به مصرف رسانیدی ، پس مهیّا باش و جواب این پرسشها را آماده کن ، متأسّف و أندوهناك نباش بر آنچه از دنیا بدست تو نیامده ، زیرا : أموال و مقام أندك دنیا باقی نمی‌ماند ، و از بسیاری آن هم این نخواهی بود از گرفتاری ، بنابراین بقدر حدّأقلّ رفع احتیاج (خوراك و پوشاك و مسکن) از دنیا بهره بگیر، و کوشش فراوان بنما در أنجام دادن آنچه به تو دستور داده شده (از أعمال خیر و عبادت برای آخرت) ، و پرده غفلت و نفاق و دورویی و حیله‌گری و استدلالهای بیجا و بی‌مورد و بی‌اساس را برای خوب نشان دادن حرفها و کارهای ناپسندت، از چهره خودت دور کن (تا تمیز دهی حقّ را از باطل و دنیای فانی را از آخرت باقی) و متوجّه باش در أنجام دادن به آنچه که استحقاق احسان و تفضّل خدا بشوی (از نیّت و أندیشه و أعمال و گفتار صحیح) و تجدید کن توبه را در قلبت (هرگاه به یاد گناهانت بودی) ، و شتاب کن در عمل کردن به وظیفه خود در ساعات و روزهایی که فارغ هستی از کارها، پیش از آنکه گرفتاری پیش آید و مانع أعمال خیر و عبادت تو گردد ، و پیش از آنکه مرگ تو فرا رسد و حایل و مانع تو شود که أنجام دهی (از توبه و جبران گذشته و) آنچه را بخواهی .

۱۲۵ـ تحف‌العقول(ص:۴۱۷)، بحارالأنوار(ص:۱۵۲،ج:۱ و ص:۷۹ ، و ص:۱۲۶، ج:۷۳ و ص:۳۱۱،ج:۷۸)، تنبیه‌الخواطر(ص:۱۹۵،ج:۲)، الکافی(ص:۱۳۶،ج:۲) ، مرآة العقول(ص:۳۱۴،ج:۸)، شرح الکافی (ص: ۳۸۰،ج:۸)، عن: علیّ بن إبراهیم ، عن : أبیه ، عن : عبدالله بن المغیرة و غیره ، عن : طلحة بن زید :

عَنْ : أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام إِنَّهُ قالَ : مَثَلُ الدُّنْيا مَثَلُ ماءِ الْبَحْرِ ، كُلَّما شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشانُ إِزْدادَ عَطَشاً حَتّى يَقْتُلَهُ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرموده : أموال دنیا همانند آب شور دریا است ، که هرچه بیشتر تشنه بنوشد تشنه‌تر شود، تا وقتی که بسبب زیاد نوشیدن کشته شود .

۷۶) الإختصاص(ص: ۳۴۰)، بحارالأنوار(ص: ۴۳۱،ج: ۱۳)، عن: الأوزاعیّ:

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ: یا بُنَیَّ؛ إنَّهُ قَدْ اُحْصِیَ الْحَلالُ الصَّغیرِ، فَکَیْفَ بِالْحَرامِ الْکَثیرِ ؟!

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده: فرزندم؛ براستی و حقیقت آنست که شمرده شده و بحساب آمده مال أندك و حلال، پس چگونه به حساب نخواهند آورد أموال حرام (أندك و یا) زیاد را (در قیامت).

۷۷) الإختصاص(ص: ۳۳۷)، بحارالأنوار (ص: ۴۲۸،ج: ۱۳)، عن: الأوزاعیّ:

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ: یا بُنَیَّ؛ إنَّهُ قَدِ افْتُتِنَ الصّالِحُونَ مِنَ الْأَوَّلِینَ، فَکَیْفَ یَنْجُو مِنْهُ الْآخَرُونَ ؟

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده: پسرم؛ واقعیّت مطلب اینست که امتحان و گرفتار شده‌اند أفراد صالح (که از هر جهت از بندگی و نیکوکاری شایسته بودند) از گذشتگان، پس چگونه نجات خواهند یافت از امتحان و آزمایش و گرفتاری (وسوسه‌های شیطانی و نفس أمّاره)، آیندگان که بعد از آنها بدنیا می‌آیند.

۷۸) الإختصاص(ص: ۳۳۹)، بحارالأنوار(ص: ۴۲۹،ج: ۱۳)، عن: الأوزاعیّ:

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ: یابُنَیَّ؛ إنَّهُ قَدْ ماتَ أَصْفِیاءُ اللهِ عزّوجلّ، وَ أَحِبّاؤُهُ، وَ أَنْبِیاؤُهُ (صَلَواتُ اللهِ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ) فَمَنْ ذا بَعْدَهُمْ یَخْلُدُ فَیُتْرَكُ.

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده: ای پسرم؛ از دنیا رفته‌اند أفراد برگزیده خدای عزّوجلّ و دوستان او و پیغمبران او (درود خدا بر ایشان باد) پس (وقتی که آنان بمیرند) بعد از آنان چه کسی زنده می ماند و قبض روح نمی‌شود، (بنابراین عبرت بگیر و مهیّای مرگ و عقبات پس از مرگ باش).

۷۹) الإختصاص (ص: ۳۳۷)، بحارالأنوار(ص: ۴۲۸، ج: ۱۳)، عن: الأوزاعیّ:

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ إنَّهُ لَیْسَ کُلُّ مَنْ قالَ : إغْفِرْ لی ؟ غُفِرَ لَهُ ، إنَّهُ لایُغْفَرُ إلاّ لِمَنْ عَمِلَ بِطاعَةِ رَبِّهِ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده : پسرم ؛ حقّ مطلب اینست که : آنچنان نیست که هر که بگوید : خدایا مرا بیامرز ، آمرزیده شود، زیرا: آمرزیده نمی‌شود مگر کسی که عمل کند به دستورات خداوند .

۸۰) الکافی(ص:۶۴۲،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۵۳۶،ج:۱۲)، شرح الکافی(ص:۸۹،ج:۱۱)، بحارالأنوار(ص: ۴۲۶،ج:۱۳)، وسائل الشّیعة(ص:۳۱،ج:۱۲)، المحجّةالبیضآء(ص:۳۱۲، ج:۳)، علیّ بن إبراهیم ، عن : أبیه ، عن : بعض أصحابه ، عن : إبراهیم بن أبی البلاد ، عمّن ذکره ، رفعه قال :

الخصال (ص : ۱۶۹) ، الصّدوق ، عن : أبی أحمد القاسم بن محمّد السّراج الهمدانیّ ، عن : أبی بکر محمّد بن أحمد الضّبیّ ، عن : محمّد بن عبد العزیز الدّینوریّ ، عن : عبید الله بن موسی العبسیّ ، عن : سفیان الثّوریّ قال : قالَ الصّادِقُ(ع) عَنْ : أبیهِ(ع) قالَ لی : یا بُنَیَّ ؛

إثنی عشریّة(ص:۱۰۸)، الإختصاص(ص:۳۳۷)، بحارالأنوار(ص:۴۲۸،ج:۱۳)، إرشادالقلوب (ص:۷۱،ج:۱) باختلاف، إرشادالقلوب المترجم(ص:۱۶۴،ج:۱)، قصص الأنبیآء الرّاوندیّ(ص:۱۹۰)، بحارالأنوار(ص:۴۱۷،ج:۱۳) ، الصّدوق ، عن : أبیه ، عن : سعد بن عبدالله ، عن : ابن عیسی ، عن : الحسین ، عن : أخیه ، عن : أبیه ، عن : عمرو بن شمر ، عن : جابر :

عَنْ : أبی جَعْفَرٍ(ع) : وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ إنَّهُ مَنْ یَصْحَبُ (یُقارِنُ) قَرینَ (صاحِبَ) السُّوءِ لا یَسْلَمُ .

حضرت امام محمّد باقر(ع) می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده: فرزندم ؛ هر کسی که همراهی و همنشینی و رفاقت و دوستی و معاشرت کند با أفراد بدرفتار و بدگفتار و بدأندیش ، سالم نمی‌ماند (دین و زندگی و آبروی او از بی‌دینی و گرفتاری در زندگی و بی‌آبرویی) .

۱۲۶ـ الکافی(ص : ۶۴۰ ،ج :۲)، مرآة العقول(ص : ۵۳۴ ،ج:۱۲)، شرح الکافی(ص : ۸۶ ،

ج:۱۱)، أمالي الصّدوق(ص:۴۱۸ باختلاف)، بحارالأنوار(ص:۲۹۲،ج:۱۴ و ص:۲۰۱، ج:۷۴)، المحجّة البيضاء(ص:۳۱۱، ج:۳)، وسائل الشّيعة (ص:۲۳،ج :۱۲)، عدّة من أصحابنا ، عن : سهل بن زياد ، عن : عليّ بن أسباط ، عن : بعض أصحابه :

عَنْ : أَبِي الْحَسَنِ الرِّضا عليه السلام قالَ : قالَ عِيسىٰ(ع) : إنَّ صاحِبَ الشَّرِّ يُعْدِيْ ، وَ قَرِينَ السُّوءِ يُرْدِي (يُغْوِي ـ خ ل) ، فَانْظُرْ مَنْ تُقارِنُ .

امام هشتم عليه السلام مى‌فرمود : حضرت عيسى (ع) فرموده : همانـا ؛ أخـلاق و شيوه و رفتار بد أفراد ، خواه ناخواه در ديگرى أثر دارد ، و هر كس كه با بدرفتـار و بدگفتار معاشرت و رفاقت داشته باشد ، پست و هلاك مى‌گـردد ، بنـابراين نيـك نظر و دقّت كن و مواظب باش كه با چه كسانى معاشرت و دوستى و رفاقت دارى .

۸۱) الإختصاص (ص: ۳۳۸) ، بحـارالأنوار (ص: ۴۲۹، ج :۱۳)، عن : الأوزاعيّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ إنْهَ النَّفْسَ عَنْ هَـواها ، فَـإنَّكَ إنْ لَمْ تَنْهَ النَّفْسَ عَنْ هَواهَا لَنْ تَدْخُلَ الْجَنَّةَ وَ لَنْ تَراها.

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : فرزندم ؛ خـود را از متـابعت هواى نفس نگهدار ، زيرا : اگر خود را از هوا و هوس نفس نگه نداشتى هرگـز داخل بهشت نخواهى شد ، بلكه هرگز آن را نخواهى ديد .

۱۲۷ـ الكافي(ص:۳۳۶،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۳۱۷،ج:۱۰)، شرح الكافي(ص:۳۷۰،ج:۹)، وسائل الشّيعة (ص:۵۸ ،ج:۱۶)، بحارالأنوار(ص:۸۹ ،ج:۷۰)، عن : العدّة ، عن : سهل بن زياد ، عن: محمّد بن الحسن بن شمّون ، عن : عبدالله بن عبد الرّحمن الأصمّ ، عن : عبد الرّحمن بن الحجّاج ، قال :

قالَ لِي أَبُوالْحَسَنِ عليه السلام : كانَ أَبُوعَبدِاللهِ عليه السلام يَقُولُ : لا تَدَعِ النَّفْسَ وَ هَوَاهَا ، فَإنَّ هَواهَا فِي رِداهَا ، وَ تَرْكُ النَّفْسِ ما تَهْوِى أَذَاهَـا ، وَ كَـفُّ النَّفْسِ عَمَّا تَهْوِى دَوَاهَا .

حضرت كاظم عليه السلام مى‌فرمود : حضرت امام صادق عليه السلام فرموده : نـفس

و هوای نفس را رها نکن ، زیرا : هوای نفس تمایل به (کارهایی که باعث) پستی (می‌شود) دارد ، و ترك کردن نفس و آن چیزی که نفس به آن میل دارد سبب أذیّت کردن و بیمار شدن او است ، و باز نگه داشتن نفس از آن چیزی که دلخواه اوست دوای آن است .

۸۲) قصص الأنبیاء(ص:۱۹۶)، بحارالأنوار(ص:۴۲۱،ج:۱۳)، عن : سلیمان بن داود ، عن : یحیی بن سعید القطّان قال : سَمِعْتُ الصّادِقَ علیه السلام یَقُولُ : قالَ لُقْمانُ (ع) :

الدر المنثور(ص:۱۶۳،ج:۵)، تنبیه الخواطر(ص: ۲۵۰،ج:۲)، الإختصاص(ص:۳۳۷ باختلاف)، تفسیر روح المعانی(ص:۸۳ ،ج:۲۱)، بحار الأنوار(ص :۴۱۳ و ص : ۴۲۸،ج :۱۳) ، عن : الأوزاعیّ : (باختلاف)، أمالی الصّدوق (ص : ۵۳۲) ، القصص للجزائریّ(ص :۳۲۷ ، ج: ۱) ، محمّد بن موسی بن المتوکّل ، عن : علیّ بن الحسین السّعد آبادیّ ، عن: أحمد بن أبی عبد الله البرقیّ ، عن : علیّ بن محمّد القاسانیّ ، عن : سلیمان بن داود المنقریّ ، عن : حمّاد بن عیسی الجهنی :

عَنِ : الصّادِقِ علیه السلام قالَ : کانَ فِیما أَوْصَی بِهِ لُقْمانُ (ع) ابْنَهُ ناتانَ أَنْ قالَ لَهُ : یا بُنَیَّ ؛ إِنِّی حَمَلْتُ الْجَنْدَلَ وَ الْحَدِیدَ وَ کُلَّ حَمْلٍ ثَقِیلٍ فَلَمْ أَحْمِلْ شَیْئاً أَثْقَلَ مِنْ جارِ السُّوءِ ، وَ ذُقْتُ الْمِراراتِ کُلَّها فَلَمْ أَذُقْ شَیْئاً أَمَرَّ مِنَ الْفَقْرِ .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : پسرم؛ تحمّل نمودم حمل سنگین ترین بارها را از سنگ و آهن، و هر چیز سنگین دیگری را تحمّل نمودم ، وحمل نکردم چیزی را که سنگین‌تر باشد از همسایه بد ، و همه‌گونه سختیها و تلخیها را دیده و چشیده‌ام، و ندیدم و نچشیده‌ام چیزی را که سخت‌تر و تلخ‌تر از فقر و تهیدستی باشد .

۱۲۸ـ بحارالأنوار(ص:۱۵۴،ج:۷۶)، المحجّة‌البیضاء(ص:۴۲۲،ج:۳)، مکارم الأخلاق (ص: ۱۲۶)، صحیح البخاریّ (ص : ۱۲ ، ج : ۸) :

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله : لا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتّىٰ يَأمَنَ جارُهُ بَوائِقَهُ.

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده : ایمان کامل ندارد کسی تا اینکه در أمان و أمنيّت باشد همسایه او از ستم و نارواییهای او .

۱۲۹ـ تحف العقول(ص:۴۳۲)، مشكاة الأنوار(ص:۲۱۳،چند)، شرح نهج البلاغة (ص: ۸ ، ج:۱۷) ، تنبيه الخواطر(ص: ۲۵،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۳۲۰،ج:۷۸)، الكافى(ص: ۶۶۷ ، ج:۲) ، مرآة العقول (ص :۵۷۳ ، ج:۱۲)، شرح الكافى (ص :۱۳۰، ج :۱۱) :

وسائل الشّيعة (ص :۱۲۲، ج :۱۲) ، عن : عدّة من أصحابنا ، عن : أحمد بن محمّد بن خالد ، عن : بعض أصحابه ، عن : صالح بن حمزة ، عن : الحسن بن عبد الله قال :

قالَ عَبْدٌ صالِحٌ عليه السلام : لَيسَ حُسْنُ الْجَوارِ كَفَّ الأذىٰ، وَلكِنْ حُسْنُ الْجَوارِ صَبْرُكَ عَلَى الأذى .

امام هفتم عليه السلام مى‌فرمود : نیکو همسایه‌داری کردن این نیست که به او أذيّت نکنی، بلکه نیکو همسایه‌داری آنست که صبر نمایی بر ظلم و أذیّت همسایه .

۸۳) لئالى الأخبار(ص:۱۱۱،ج:۱)، إثنى عشريّة(ص:۱۷۷)، السّعادةالأبدية(ص:۹۶)،

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ : يابُنَيَّ؛ إنّي خَدَمْتُ أربعَمِأةَ نَبِيٍّ ، وَ أَخَذْتُ مِنْ كَلامِهِمْ أربَعَ كَلِماتٍ وَ هِيَ : إذا كُنْتَ فِى الصَّلاةِ فَاحْفَظْ قَلْبَكَ ، وَ إذا كُنْتَ عَلَى الْمائِدَةِ فَاحْفَظْ حَلْقَكَ ، وَ إذا كُنْتَ فى بَيْتِ الْغَيرِ فَاحْفَظْ عَيْنَيْكَ ، وَ إذا كُنْتَ بَيْنَ الْخَلْقِ فَاحْفَظْ لِسانَكَ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ من شرفیاب شدم حضور چهارصد پیغمبر ، و از بیانات و سخنان ایشان چهار مطلب مهمّ را انتخاب نمودم ، أوّل : هرگاه در نماز بودی قلب خود را (از غیر خدا) حفظ کن ، دوّم : وقتی که کنار سفره غذا بودی حلقوم خود را (از آروغ زدن ، و غذا جویدن با صدا ، و غذای نجس و حرام و شبهه‌ناك) حفظ کن ، سوّم : هنگامی که در خانه

دیگران رفتی ، چشمان خود را (از نگاه کردن به أطراف و زنان و عیوب ایشان) حفظ کن ، چهارم : زمانی که درمیان مردم بودی زبان خود را (از پُـرگویـی و بیهوده‌گویی و سخنان زننده و غیبت و تهمـت و دروغ و قضـاوت عجولانـه و اظهار نظر و مطالبی که از آنها اطّلاع نداری) حفظ کن .

۸۴) کشف الرّیبة (ص : ۴۷ ، ج : ۱)، إثنی عشریّة (ص : ۳۱۹) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ إنِّی مُوصِیكَ بِخِلالٍ إنْ تَمَسَّـكْتَ بِهِنَّ لَمْ تَزَلْ بِخَیْرٍ سَیِّداً : أبْسِطْ خُلْقَكَ لِلْقَرِیبِ وَ الْبَعِیْدِ ، وَ أمْسِكْ جَهْلَكَ عَنِ الْكَرِیْمِ وَ اللَّئِیمِ ، وَ احْفَظْ إخْوانَكَ ، وَ صِلْ أقارِبَكَ ، وَ أمِّنْـهُمْ مِـنْ قَبُولِ سِماعٍ أوْ سِماعِ باغٍ یُرِیْـدُ إفْسَـادَكَ وَ یَـرُومُ خِداعَـكَ ، وَ لْیَكُـنْ إخْوانُكَ مَنْ إذا فارَقْتَهُمْ وَ فـارَقُوكَ لَمْ تَغْتَبْهُمْ وَ لَمْ یَغْتابُوكَ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ تـو را سـفارش و نصیحت می‌کنم به صفات و شیوه‌هایی که اگر به آن توجّه و عمل کردی همیشه در خیر و خوبی و عزّت و مقام ارجمند خواهی بـود ، و آن اینکـه : أخـلاق و برخورد خود را نیکو گردان با أفراد نزدیك و خویشاوند و أشخاص دور و غیر وابسته نسبی، و نگهدار خشونت و برخورد زشت را از أفراد بزرگوار و أشـخاص پست، و حفظ کن (آبرو و شـخصیّت) برادرانـت را ، و صلـه رحـم کـن و بـا خویشاوندان معاشر باش ، و ایمن گردان آنان را از قبـول کـردن و یـا شـنوانیدن (سخن سخن‌چینان و) أفراد ناأهل و فسادگر که بخواهند تو را به فساد و نیرنگ بکشانند، باید آنچنان باشی که هرگاه از برادران (نسبی، دینی، و انسانی) خود دور باشی آنان را غیبت و بدگویی نکنی، و ایشان هم تو را غیبت و بدگویی نکنند .

۸۵) عقد الفرید (ص : ۱۸۷ ، ج : ۷) :

وَ رُوِیَ عَنْ لُقْمانَ الْحَكِیمِ(ع) أنَّهُ قالَ لِابْنِهِ: یابُنَیَّ؛ اُوصِیْكَ بِاثْنَتَیْنِ

ما تَزالُ بِخَیْرٍ ما تَمَسَّکْتَ بِهِما : دِرْهَمِكَ لِمَعاشِكَ ، وَ دِینِكَ لِمَعادِكَ .

روایت شده که حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده: ای پسرم؛ سفارش می‌کنم تو را به دو چیز، که همیشه در کمال خیر و خوبی خواهی بود و به خوشی زندگی خواهی کرد اگر مواظبت داشته باشی، أول: سرمایه و ثروت (که از راه حلال بدست آوری و با یك حساب و أندازه گیری دقیق) برای معاش و زندگی ، دوم: دین (داری و عمل کردن به دستورات دین) برای قیامت (و نجات از عذاب إلهی) .

۸۶) إثنی عشریّة(ص:۲۳۲) :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ؛ أُوصِیكَ بِسِتِّ خِصالٍ ، إجْتَمَعَ فِیها عِلْمُ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ: لاتَشْغَلْ قَلْبَكَ إلَی الدُّنْیا إلاّ بِقَدْرِ بَقائِكَ فِیها، وَ اعْمَلْ لِلآخِرَةِ بِقَدْرِ بَقائِكَ فِیها، وَ أَطِعْ رَبَّكَ بِقَدْرِ حاجَتِكَ إلَیْهِ ، وَلْیَکُنْ سَعْیُكَ فی فَکاكِ رَقَبَتِكَ مِنَ النّارِ ، وَلْیَکُنْ جُرْأَتُكَ عَلَی الْمَعاصِی بِقَدْرِ صَبْرِكَ فی النّارِ ، وَ إذا أَرَدْتَ أَنْ تَعْصِیَ مَوْلاكَ ، فَاطْلُبْ مَکاناً لا یَراكَ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود می‌فرمود : سفارش می‌کنم تو را به شش چیز که در آن جمع شده دانش أولین و آخرین : ۱ـ اینکه دل خود را به دنیا مشغول نکن و دل نبند مگر بقدری که در این دنیا زندگی می‌کنی ، ۲ـ و آنقدر برای آخرتت عمل و عبادت کن و کارهای خیر أنجام بده به حدّی که در آن باقی هستی ، ۳ـ بقدری خدا را اطاعت کن که به او محتاج هستی ، ۴ـ و باید همیشه سعی و کوشش داشته باشی که خود را آزاد کنی از آتش جهنّم ، (به توبه نمودن و جبران گذشته کردن) ، ۵ ـ باید آنقدر معصیت و گناه کنی که توان ماندن در آتش جهنّم را داری ، ۶ ـ و آخرین کلام آنکه هرگاه خواستی مرتکب گناهی بشوی در مکانی أنجام بده که خداوند تو را نبیند (و اینچنین موضوع محال عقلی و دینی است ، چرا که نمی‌توان مکانی را یافت که خداوند تبارك و

تعالی در آنجا حاضر و ناظر نباشد) .

۸۷) الإختصاص (ص : ۳۳۶) ، بحار الأنوار (ص : ۴۲۸ ، ج : ۱۳) ، عن : الأوزاعيّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ؛ إيّاكَ أنْ تخْرُجَ مِنَ الدُّنْيا فَقِيراً وَ تَدَعَ أمْرَكَ وَ أمْوالَكَ عِنْدَ غَيْرِكَ قَيِّماً ، فَتُصَيِّرَهُ أمِيراً .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود می‌فرمود : فرزندم ؛ بپرهیز از اینکه بـا دست خالی (از أعمال خیر و عبادت) از دنیا بروی (و برای آخرت از دنیایت بهره نگرفته باشی) و امورات دینی و سرمایه خود را به دیگران واگذار نمایی تا آنان بهره‌مند از ثروت و أندوخته تو شوند ، و اختیار زندگی تو را بدست بگـیرند (و برای تو حسرت و أندوه بماند) .

۸۸) الإختصاص(ص:۳۳۶) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يابُنَيَّ ؛ إيّاكَ أنْ تَسْتَذِلَّ فَتُخْزى .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرمود : فرزندم ؛ سخت بپرهیز از اینکه کارهای ذلّت‌بار را أنجام دهی که ذلیـل و خـوار ، و در نظـر أفـراد بی‌مقـدار و بی‌اعتبار خواهی شد .

آری ؛ مؤمن حقّ ندارد از نظر دینی و أخلاقی و انسانی به هر کاری و هـر شغلی مشغول شود که موجب ذلّت و خواری او گردد .

۱۳۰ـ صفات‌الشّيعة(رقم: ۴۵) ، مستدرك‌الوسائل(ص:۶۸ ،ج:۱۲)، بحارالأنوار(ص: ۱۷۰ ، ج:۷۳ و ص:۳۰۲،ج:۶۷)، الصّدوق، بإسناده، عن: حبيب الواسطيّ عَنْ : أبِي عَبْدِاللهِ (عليه السلام) قالَ :

الكافي (ص: ۳۲۰ ،ج :۲)، مرآة العقول (ص : ۲۵۸،ج : ۱۰) ، شرح الكافي (ص:۳۳۳ ،ج:۹)، بحارالأنوار(ص:۱۷۱،ج:۷۳ و ص :۳۷۴،ج: ۷۸)، وسائل الشّيعة(ص:۲۴،ج:۱۶)، محمّد بن يعقـوب ، عـن : عـدّة من أصحابنا ، عـن : أحمد بن محمّد بـن خالد ، عـن : عليّ بـن حسّان ، عـمّن حدّثه :

عَنْ: أبِي عَبدِاللهِ (عليه السلام) قال: مَا أقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تَذِلُّهُ .

حضرت امام صادق (علیه السلام) می‌فرمود : چقدر زشت است برای مرد (و زن) با ایمان اینکه میل و رغبت داشته باشد به چیزی از أموال و یا کارهـای دنیـایی کـه باعـث ذلّت و خـواری او شـود (در پیشگاه پروردگار عالـم ، و مردم) .

۸۹) تنبیه‌الخواطر(ص:)، بحارالأنوار(ص:۴۲۷،ج:۱۳)، الإختصاص(ص:۳۳۶)، عن: الأوزاعی:

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ: یا بُنَیَّ؛ إیّاكَ وَ أنْ تَسْتَدِیْنَ فَتَخُونَ فی الدَّیْنِ .

حضرت لقمان (ع) بفرزند خود می‌فرمود: فرزندم؛ مبادا چیزی را از کسـی قرض کنی و نسبت به أدای آن خیانت کنی (و در موقع تعیین شده برنگردانی) .

۱۳۱ـ قالَ عَلِیٌّ (علیه السلام) : كَثْرَةُ الدَّیْنِ تَصِیرُ الصّادِقَ كاذِباً وَ الْمُنْجِزَ مُخْلِفاً .

حضرت أمیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرموده : قرض فراوان گرفتن باعث می‌شود که راستگو (برای آنکه نتواند أدای قرض نماید) دروغگو گردد ، و وعده‌دهنده تخلّف از وعده خود نماید .

یکی از مسائل مهمّ أخلاقی اسلامی قرض دادن بـه نیـازمندان اسـت ، و برای قرض دهنده هیجده حسنه مقرّر فرموده در حالی که برای کمك‌کننـدگـان بلاعوض دَه حسنه مقرّر داشته .

۱۳۲ـ بحارالأنوار(ص: ۱۳۸،ج:۱۰۳)، تفسیر القمّی(ص :۳۵۰،ج:۲) ، وسائل الشّیعة(ص: ۳۱۸،ج:۱۶)، الكافی(ص:۳۳،ج:۴)، مرآة العقول(ص:۱۶۲،ج:۱۶)، علیّ بن إبراهیم ، عن : أبیه عن : ابن أبی عمیر ، عن : منصور بن یونس ، عن : إسحاق بن عمّار :

عَنِ الصّادِقِ (علیه السلام) قالَ : عَلیٰ بابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبٌ : الْقَرْضُ بِثَمانِیَةَ عَشَرَ ، وَ الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ ، وَ ذٰلِكَ أنَّ الْقَرْضَ لایَكُونُ إلاّ فی یَدِ الْمُحْتاجِ ، وَ الصَّدَقَةُ رُبَّما وَقَعَتْ فی یَدِ غَیْرِ مُحْتاجٍ .

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرموده : بردرب بهشت نوشته شده : أجر قرض دادن هیجده و صدقه دادن به ده درجه ثواب دارد، و این بدین جهت است کـه

قرض را فقط محتاج می‌گیرد، ولی صدقه بسیار می‌شود که بدست غیر محتاج می‌رسد.

نیازمندی هر فردی جزء سرشته شده و زندگی او است ، بنابراین قرض گرفتن در صورت نیاز واقعی داشتن عیب و نقص نیست ، و بـا گرفتن قرض حفظ حیثیّت و آبرو می‌شود ، ولکن کمك بلاعوض سبب خجلت و شرمندگی گیرنده می‌شود در آینده ، و موجب گدامنشی و گداسازی است که اسلام بـا آن شدیداً مخالف است ، و بجدّی مخالف است که به حکومت اسلامی دستور می‌دهد گدایان حرفه‌ای را جمع آوری نموده و زیر نظر داشته باشد ، و اگر باعث خجلت و سرأفکندگی مسلمانان می‌شوند ، زندانی نماید .

۹۰) جامع أحادیث الشّیعة(ص:۴۴۷،ج:۱۳)، مستدرك الوسائل(ص:۲۷،ج:۱۲)، الإختصاص (ص:۳۳۸) ، بحارالأنوار(ص: ۴۲۹ ، ج:۱۳) ، عن : الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ إیّاكَ وَ التَّجَبُّرَ وَ التَّكَبُّرَ وَ الْفَخْرَ فَتُجاوِرَ إبْلِیسَ فِی دارِهِ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده: ای پسرم؛ سخت بترس از ستم کردن و خود را برتر و بالاتر از دیگران بدانی و ادّعای بزرگی و شرف کنی بـا اینکه نداری، که اگر چنین باشی همنشین شیطان خواهی بود در خانه شیطنت شیطان .

۱۳۳ـ فقه الرّضا عليه السلام (ص:۳۷۲) ، بحار الأنوار(ص:۱۲۰،ج: ۷۵) ، و أروی ، عَنِ : الْعالِمِ عليه السلام أنَّهُ قالَ :

أمالی الطّوسی(ص:۶۶۳)، بحارالأنوار(ص:۱۴۲،ج:۷۸)، عن: الحسین بن إبراهیم القزوینیّ ، عن: محمّد بن وهبان، عن : أحمد بن إبراهیم، عن: الحسن بن علیّ الزّعفرانیّ، عن: البرقیّ، عن: أبیه ، عن: ابن أبی عمیر، عن: هشام بن سالم، عن: الثّمالیّ قال: سَمِعْتُ عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ عليهما السلام یَقُولُ :

مشكاة الأنوار(ص:۲۲۷ و ص:۳۱۳)، کشف الغمّة (ص:۷۶،ج:۲)، شرح نهج البلاغة (ص : ۱۵۱،ج:۲۰)، الکافی(ص: ۳۲۸ ،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۲۸۶،ج:۱۰)، شرح الکافی(ص: ۳۴۸،ج:۹) ،

وسائل الشّیعة (ص :۴۲ ، ج :۱۶) ، محمّد بن یحیی ، عن : أحمد بن محمّد بن عیسی ، عن : الحسن بن محبوب ، عن : هشام بن سالم ، عن : أبی حمزة الثّمالی قال :

قالَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَینِ علیه السلام : عَجَباً لِلْمُتَکَبِّرِ الْفَخُورِ الَّذِی کانَ بِالْأَمْسِ نُطْفَةً ثُمَّ هُوَ غَداً جِیْفَةٌ .

حضرت سجّاد علیه السلام می‌فرمود: بسیار تعجّب است از متکبّر خودخواه که چگونه تکبّر دارد با اینکه تا دیروز گذشته نطفه بوده و فردا پس از مردن ، مردار متعفّن خواهد بود .

۱۳۴ـ أمالی الطّوسی(ص:۱۵۱،ج:۲)، جامع أحادیث الشّیعة(ص:۴۴۶،ج:۱۳)، بحارالأنوار (ص:۹۲،ج:۷۷)، مکارم الأخلاق (ص:۱۱۰ و ص: ۴۷۱) :

عَنْ : أَبِی‌ذَرٍّ فِی وَصِیَّةِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله لَهُ ، یا أَباذَرٍّ ؛ أَکْثَرُ مَنْ یَدْخُلُ النّارَ الْمُسْتَکْبِرُونَ ، فَقالَ رَجُلٌ : هَلْ یَنْجُو مِنَ الْکِبْرِ أَحَدٌ یا رَسُولَ اللهِ ؟ قالَ : نَعَمْ مَنْ لَبِسَ الصُّوفَ ، وَ رَکِبَ الْحِمارَ ، وَ حَلَبَ الْعَنْزَ ، وَ جالَسَ الْمَساکِینَ ، یا أَباذر ؛ مَنْ حَمَلَ بِضاعَتَهُ فَقَدْ بَرِءَ مِنَ الْکِبْرِ ، یَعْنِیْ : ما یَشْتَرِیْ مِنَ السُّوقِ .

نبیّ أکرم صلی الله علیه و آله در ضمن سفارشها و رهنمودهای خود ، به أبوذر رضی الله عنه فرموده : بیشترین کسانی که به جهنّم می‌روند تکبّر کنندگان هستند ، مردی عرض کرد : ای رسول خدا ؛ آیا کسی می‌تواند خود را از تکبّر نجات دهد ؟ فرمود: بلی ، کسی که لباس خشن و پشمینه بپوشد (و زیاد توجّه به عالی بودن آن نکند) و سوار بر الاغ (و وسیله نقلیّه ارزان قیمت) بشود ، و گوسفند را خود بدوشد ، و با تهیدستان بنشیند و معاشر باشد ، ای أبوذرّ ؛ هر کسی که خود بدوش بگیرد آنچه را که از بازار خریداری می‌نماید ، از صفت زشت و ناپسند تکبّر رهایی پیدا می‌کند .

و جهت آنکه أفرادی تکبّر دارند بواسطه عقده خود کمتربینی است ، چنانکه :

۱۳۵ـ الکافی(ص:۳۱۲،ج:۲)، مرآةالعقول(ص:۳۱۸،ج:۱۰)، شرح‌الکافی(ص:۳۱۳،ج:۹)، بحارالأنوار(ص:۲۲۵،ج:۷۳)، وسائل‌الشیعة(ص:۳۸۰،ج:۱۵)، جامع‌أحادیث‌الشیعة(ص:۴۵۴،ج:۱۳)، محمّد بن یحیی، عن: محمّد بن أحمد، عن: بعض: أصحابه، عن : النّهدیّ ، عن : یزید بن إسحاق شعر ، عن: عبدالله بن المنذر، عن: عبدالله بن بکیر قال :

قالَ أبُوعَبْدِاللهِ عليه السلام : ما مِنْ رَجُلٍ تَکَبَّرَ أوْ تَجَبَّرَ إلاّ لِذِلَّةٍ وَجَدَهَا فی نَفْسِهِ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : هر کس که تکبّر دارد و خود را برتر از دیگران می‌داند ، و فخر و یا ظلم و ستم و أذیّت می‌کند وحقّ و حقوق دیگران را ضایع و پایمال می‌نماید ، بسبب عقده حقارت قلبی و ذلّت پنهانی است که در خود مشاهده می‌کند .

۹۱) جامع‌أحادیث‌الشیعة(ص:۵۵۱،ج:۱۳)، کنزالفوائد(ص:۵۷)، بحارالأنوار(ص:۲۵۷،ج: ۷۳) :

قالَ أمِیرُالْمُؤْمِنِینَ عليه السلام : قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ: یا بُنَیَّ؛ إیّاکَ وَ الْحَسَدَ فَإنَّهُ تَبَیَّنَ فِیكَ وَ لایَتَبَیَّنُ فِیمَنْ تَحْسُدُهُ .

حضرت أمیر المؤمنین عليه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : بپرهیز از حسادت ، چون آثار شوم این صفت رذیله در تو نمایان می‌شود در حالی که هیچ أثری نمی‌کند در شخص مورد نظر حسادت تو .

۱۳۶ـ مستدرك الوسائل(ص :۲۰،ج:۱۲)، جامع أحادیث الشیعة (ص:۵۵۲،ج:۱۳)، بحارالأنوار(ص: ۳۷۰،ج: ۷۸)، أعلام الدّین(ص:۳۱۱) :

عَنْ : أبِی الْحَسَنِ الثّالِثِ عليه السلام قالَ : إیّاكَ وَ الْحَسَدَ فَإنَّهُ یُبَیِّنُ فِیكَ وَ لایَعْمَلُ فی عَدُوِّكَ .

حضرت امام هادی عليه السلام می‌فرمود: سخت بترس از حسد و حسود بودن،

زیرا : آثار حسادت در تو آشکار می‌شود و هیچگونه أثری نمی‌کند در دشمن و طرف حسادت تو .

حسادت صفت زشت و پلید و ناپسندی است اگر در وجود کسی طغیان کرد، زیرا؛ زوال نعمت را از برادر و خواهر مسلمان و غیر مسلمان خود را می‌خواهد.

۱۳۷ـ تحف العقول(ص:۳۳۴)، بحارالأنوار(ص:۲۳۴،ج:۷۸) :

عَن : الصّادِقِ عليه السلام : ثَلاثَةٌ مُرَكَّبَةٌ فی بَنِی آدَمَ ؛ الحَسَدُ ، وَ الْحِرْصُ ، وَ الشَّهْوَةَ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرموده : سه چیز در فرزندان آدم ترکیب و سرشته شده ، و جزء طبیعت آنها است : ۱ـ حسادت ، ۲ـ حرص ، ۳ـ شهوت .

که از این بیان شریف استفاده می‌شود : در وجود تمام بنی‌آدم حسادت نهفته است، و بسیاری از أفراد این صفت رذیله را کنترل می‌نمایند، و در بعضی أفراد طغیان می‌کند، و تالی فاسدش این است که ایمان ایشان سست و یا نابود می‌شود .

۱۳۸ـ روضة الواعظین (ص :۴۲۴) ، عَن : النَّبِیِّ صلى الله عليه وآله وسلم :

تحف العقول(ص:۳۸۱)، الکافی(ص:۳۰۶،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۱۶۳،ج:۱۰)، شرح الکافی (ص:۳۰۰،ج:۹)، بحارالأنوار (ص:۲۴۴،ج :۷۳)، وسائل الشیعة(ص:۱۶۳،ج:۱۰ و ص: ۳۶۵ ، ج : ۱۵)، عدّة من أصحابنا ، عن : محمّد بن یحیی ، عن : أحمد بن محمّد ، عن : محمّد بن خالد ، و الحسین بن سعید ، عن : النّضر بن سوید ، عن : القاسم بن سلیمان ، عن : جرّاح المدائنی :

عَنْ : أَبِی عَبْدِ اللهِ عليه السلام قالَ : إنَّ الْحَسَدَ لَیَأْکُلُ الإیمانَ کَما تَأْکُلُ النّارُ الْحَطَبَ .

حضرت امام صادق عليه السلام می‌فرموده : حقیقت مطلب اینست که حسد ایمان را می‌خورد و نابود می‌سازد همانند آتش که هیزم را می‌خورد و می‌سوزاند و نابود می‌نماید .

۱۳۹ـ إرشاد القلوب المترجم(ص: ۱۱۵،ج:۲)، الخصال(ص:۹۰)، محمّد بن الحسن بن أحمد بن الوليد القمیّ ، عن : محمّد بن الحسن الصفّار ، عن: العبّاس بن معروف ، عن : بكر بن محمّد ، عن : أبی بصير ، عَنْ : أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قالَ :

الكافی(ص:۲۸۹،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۷۴،ج:۱۰)، شرح الكـافی(ص:۲۶۸،ج:۹)، الحسين بن محمّد، عن: أحمد بن اسحاق، عن: بكر بن محمّد، عن: أبی بصير قال :

قالَ أَبُوعَبْدِاللهِ عليه السلام : أُصُولُ الْكُفْرِ ثَلاثَةٌ : اَلحِرْصُ ، وَ الْإِسْتِكْبارُ ، وَ الْحَسَدُ ، فَأَمَّا الْحِرْصُ : فَإِنَّ آدَمَ (ع) حِينَ نُهِيَ عَنِ الشَّجَرَةِ ، حَمَلَهُ الْحِرْصُ عَلى أَنْ يَأْكُلَ مِنْها ، وَ أَمَّا الْإِسْتِكْبارُ : فَإِبْلِيسُ حَيْثُ أُمِرَ بِالسُّجُودِ لآدَمَ فَأَبى ، وَ أَمَّا الْحَسَدُ : فَابْنا آدَمَ حَيْثُ قَتَلَ أَحَدُهُمَا صاحِبَهُ حَسَداً .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : ريشه كفر سه چيز است : ۱ـ حرص ، ۲ـ تكبّر ، ۳ـ حسد ، بواسطه حرص بود كه حضرت آدم أبوالبشر(ع) هنگامی كه نهی (تنزيهی) شد از نزديك شدن به درخت، حرص بر او غلبه كرد كه از ميوه درخت تناول كند ، و بواسطه تكبّر بود كه شيطان هنگامی كه به او أمر شد تا به حضرت آدم (ع) سجده كند ، بسبب تكبّر اين كار را أنجام نداد ، و بواسطه حسادت بود كه يكی از فرزندان حضرت آدم (ع) برادر خود را شهيد كرد .

و آثار شوم حسادت در چهره و بدن حسود بطور ناخودآگاه ظاهر می‌شود ، و در همين رابطه است كه از حضرت أميرالمؤمنين عليه السلام نقل شده :

۱۴۰ـ نهج البلاغة(حِكَم : ۲۲۵)، شرح نهج البلاغة(ص:۴۹،ج:۱۹)، غررالحكم(ص:۳۰۱، ج:۱)، بحارالأنوار(ص:۲۵۶،ج:۷۳) :

قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام : العَجَبُ لِغَفْلَةِ الْحُسّادِ عَنْ سَلامَةِ الْأَجْسادِ .

حضرت علی عليه السلام فرمود : بسی تعجّب است از حسادت دارندگان كه چگونه غافل هستند از (نگهداری از) سلامت بدنهايشان .

۱۴۱ـ جامع أحادیث الشّیعة(ص:۵۵۲،ج:۱۳)، نهج البلاغة(حِکَم:۲۵۶)، شرح نهج البلاغة(ص: ۹۷،ج:۱۹)، بحارالأنوار (ص:۲۵۶،ج:۷۳)، وسائل الشّیعة(ص: ۳۶۸،ج: ۱۵) :

قالَ عَلِیٌّ عليه السلام : صِحَّةُ الْجَسَدِ مِنْ قِلَّةِ الْحَسَدِ .

حضرت علی عليه السلام می‌فرماید : صحّت و سلامت بدن انسان از کمی حسادت است .

۱۴۲ـ تحف العقول المترجم (ص:۲۱۶)، إرشاد القلوب(ص:۱۲۹،ج:۱)، شرح نهج البلاغة (ص:۳۱۷،ج:۱)، کشف الغمّة(ص:۵۷۲،ج:۱)، کنزالفوائد(ص:۱۳۶،ج:۱)، مستدرك الوسائل(ص:۱۷، ج:۱۲)، بحارالأنوار(ص :۲۵۶ و ص : ۲۵۷،ج :۷۰ و ص : ۵۵ و ص:۱۱۱،ج: ۷۵) :

قالَ عَلِیٌّ عليه السلام : ما رَأَیْتُ ظالِماً أَشْبَهَ بِمَظْلُومٍ مِنَ الْحاسِدِ .

حضرت أمیر المؤمنین عليه السلام فرموده : ندیده‌ام ستمگری را که شبیه به مظلوم باشد ، همانند شخص حسود (که حسادت خود را به طور مظلومانه و چهره حقّ به جانب و بعنوان دلسوزی بیان می‌کند) .

۹۲) حلیةالأولیآء(ص:۸۲،ج:۶) : وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لاِبْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ إِیّاكَ وَ الشِّبَعَ فَإِنَّهُ مَخُوفَةٌ بِاللَّیْلِ وَ مَذِلَّةٌ بِالنَّهارِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : پسرم ؛ بترس و بپرهیز از پُرخوری در شب ، زیرا : مورد ترس است (که نیمه شب بیمار و یا به دل درد مبتلا شوی ، و یا در أثر بخار غذا خواب آشفته ببینی) و موجب ذلّت در روز است (بواسطه تغییر رنگ چهره و آشفتگی حال) .

۱۴۳ـ الغایات(ص:)، بحارالأنوار(ص:۳۳۱ وص:۳۳۶،ج:۶۶)، وسائل الشّیعة(ص: ۲۴۸ ،ج:۲۴) ، مستدرك الوسائل(ص:۲۰۹،ج:۱۶) ، المحاسن(ص:۴۴۷)، عن : أحمد بن محمّد بن خالد البرقیّ ، عن : الحسن بن الحسین اللّؤلؤیّ ، عن : محمّد بن سنان ، عن : أبی الجارود ، عَنْ : أَبی جَعْفَرٍ عليه السلام ؛ المحجّةالبیضآء(ص:۹،ج:۳)، الکافی(ص:۲۷۰،ج:۶) ، مرآةالعقول(ص:۷۲،ج:۲۲)، عن: محمّد بن یحیی ، عن : محمّد بن سنان ، عن : أبی الجارود قال :

قالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام : ما مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضُ إِلَى اللهِ مِنْ بَطْنٍ مَمْلُوءٍ .

حضرت امام محمّد باقر عليه السلام فرموده: هیچ چیزی را خداوند دشمن نمی‌دارد همانند: شکم پُر.

۱۴۴ـ إثني عشريّة(ص:۵۳) : قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام : مِسْكِينُ ابْنُ آدَمَ ؟! لَهُ بَطْنٌ يَقُولُ : إِمْتَلِأْنِي وَ إِلاَّ فَضَحْتُكَ ، وَ إِذا امْتَلَأَ ، يَقُولُ : فَرِّغْنِي ، وَ إِلاَّ فَضَحْتُكَ ، وَ هُوَ أَبَداً بَيْنَ فَضِيحَتَيْنِ .

حضرت أمير المؤمنين عليه السلام فرموده : بیچاره فرزند آدم ، شکمی دارد که همیشه به او می‌گوید : مرا پُر کن ، که اگر پُر نکنی تو را رسوا می‌کنم ، و هر زمانی که آن را پُر کرد ، می‌گوید : مرا خالی کن ، که اگر خالی نکردی تو را رسوا می‌نمایم ، بنابراین : همیشه بنی آدم در میان دو رسوایی قرار گرفته .

۱۴۵ـ المحاسن(ص :۴۴۶)، بحارالأنوار(ص:۳۳۱، ج:۶۶)، المحجّة البيضاء (ص:۱۰،ج:۳) ، أحمد بن محمّد بن خالد البرقيّ ، عن : محمّد بن علي ، عن : وهيب بن حفص ، عن : أبي بصير : الكافي(ص:۲۶۹،ج:۶)، مرآة العقول(ص:۷۱،ج:۲۲)، وسائل الشّيعة(ص:۲۳۹، و ص:۲۴۲ج: ۲۴) ، حميد بن زياد ، عن : الحسن بن محمّد بن سماعة ، عن : وهيب بن حفص ، عن : أبي بصير :

عَن : أَبِي عَبدِ اللهِ عليه السلام قالَ لِي : يا أَبا مُحَمَّدٍ ؛ إِنَّ الْبَطْنَ لَيَطْغَى مِنْ أَكْلَةٍ ، وَ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللهِ عزّ و جلّ إذا خَفَّ [ما جَافَ ـ جَاعَ] بَطْنُهُ ، وَ أَبْغَضُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللهِ عزّ و جلّ إِذاَ امْتَلَأَ بَطْنُهُ .

أبو بصير گويد: حضرت صادق عليه السلام به من فرمودند : هر آينه شکم انسان طغیان و سرپیچی از فرمان خدا می‌کند بواسطه یک لقمه غذا، و نزدیکترین حالت بنده به خداوند زمانی است که خالی باشد شکمش از زیادی غذا، و دورترین و دشمن‌ترین حالت بنده در پیشگاه خداوند وقتی است که شکمش پُر از غذا باشد (که در أثر سیری، آدمی را به گناه و ناپاکی می‌کشاند) .

۱۴۶ـ المحاسن(ص:۴۳۹)، وسائل الشّيعة(ص:۲۴۱،ج:۲۴): الإصفهانيّ، عن: المنقريّ، عن:

حفص، عن : أبی عبدالله علیه السلام قال : ظَهَرَ إبْلِیسُ لِیَحْیَی بْنَ زَکَرِیَّا (ع) وَ إذاً عَلَیْهِ مَعَالِیقُ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ، فَقَالَ(ع) لَهُ : مَا هَذِهِ الْمَعَالِیقُ ؟! فَقَالَ : هَذِهِ الشَّهَوات الَّتِی اُصِیبُ بِهَا مِنْ إبْنِ آدَمَ ، فَقَالَ (ع) : هَلْ لِیْ مِنْها شَیءٌ؟ فَقَالَ : رُبَّما شَبَعْتَ فَثَقَّلْتُكَ عَنِ الصَّلاةِ وَ الذِّکْرِ، قَالَ (ع) : لِلهِ عَلَیَّ أنْ لاأمْلأَ بَطْنِیْ مِنْ طَعَامٍ أبَداً ، وَ قَالَ إبْلِیْسُ: لِلهِ عَلَیَّ أنْ لا اُنْصَحَ مُسْلِماً أبَداً . ثُمَّ قَالَ أبُو عَبْدِاللهِ علیه السلام : یا حَفْصُ ؛ لِلهِ عَلَیْ جَعْفَرٍ وَ آلِ جَعْفَرٍ أنْ لایَمْلَئُوا بُطُونَهُمْ مِنْ طَعَامٍ أبَداً ، وَ لِلهِ عَلَیْ جَعْفَرٍ وَ آلِ جَعْفَرٍ أنْ لایَعْمَلُوا لِلدُّنْیا أبَداً .

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: شیطان به حضور حضرت یحیی (ع) ظاهر شد ، و با خود أبزار و ریسمان و اسباب داشت ، آن حضرت از او پرسید : اینها چیست ؟ عرض کرد: اینها وسایلی است برای فریب بنی آدم ؛ آن حضرت فرمود : برای من نیز وسیله‌ای داری ؟ عرض کرد : هر وقت شکمت پُر از غذا باشد ، تو را از نماز و ذکر و دعا و مناجات با خدا باز می‌دارم ، تا جائیکه بسیار سنگین در نظر تو جلوه‌گر می‌سازم ، آن حضرت فرمود : با خدا عهد می‌بندم که از این به بعد هیچگاه شکم خود را پُر از غذا ننمایم (تا به دام تو گرفتار نشوم) ، شیطان گفت : من نیز با خدا عهد می‌کنم که دیگر هیچ مسلمانی را نصیحت (و از خواب غفلت بیدار) نکنم . سپس امام صادق علیه السلام فرمود : جعفر و آل جعفر هم با خدا عهد بسته‌اند که هیچوقت شکم خود را پُر از غذا ننمایند ، و با خدا عهد بسته‌اند که اموال دنیایی را روی هم انباشته نکنند .

۱۴۷ـ وسائل الشیعة(ص:۲۴۵،ج:۲۴)، بحارالأنوار(ص:۲۶۷،ج:۵۹ و ص:۴۱۵،ج:۶۳ و ص:۱۸۷،ج:۷۳ و ص:۱۹۰،ج:۷۷)، دعوات الراوندی(ص:۷۴)، الخصال(ص:۲۲۸)، عن : علیّ بن أحمد بن موسی، عن : أحمد بن یحیی بن زکریّا ، عن : بکیر بن عبد الله بن حبیب ، عن : عثمان بن عبید، عن : هدبة بن خالد، عن مبارك بن فضالة ، عن : الأصبغ بن نباتة قال :

قالَ عَلِيٌّ عليه السلام لِلْحَسَنِ عليه السلام : ألا أُعَلِّمُكَ أَرْبَعَ خِصالٍ تَسْتَغْنِي بِها عَنِ الطِّبِّ ؟ قالَ عليه السلام : بَلى، قالَ عليه السلام : لاتَجْلِسْ عَلَى الطَّعامِ إلاّ وَ أَنْتَ جائِعٌ، وَ لاتَقُمْ عَنِ الطَّعامِ إلاّ وَ أَنْتَ تَشْتَهيهِ ، وَ جَوِّدِ الْمَضْغَ ، وَ إذا نِمْتَ فَأَعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى الْخَلاءِ ، فَإذَا اسْتَعْمَلْتَ هذا اسْتَغْنَيْتَ عَنِ الطِّبِّ .

حضرت أميرالمؤمنين عليه السلام به فرزند بزرگوارشان امام حسن عليه السلام فرمودند : آيا نياموزم تو را چهار خصلت كه با رعايت آنها از مراجعه به طبيب بی‌نياز گردی ؟ امام حسن عليه السلام فرمودند : بلی ، حضرت أمير عليه السلام فرمودند : هيچگاه بر سر سفره غذا منشين مگر آنكه گرسنه باشی ، و از سر سفره برخيز و حال آنكه هنوز اشتهای خوردن داری ، و غذا را كاملاً بجو ، و هر زمان كه خواب بر تو عارض گشت قبل از خوابيدن به بيت الخلا برو ، پس هرگاه كه اين كارها را انجام دادی از طب بی‌نياز خواهی شد .

۱۴۸ـ الدّعوات(ص:۱۳۹)، التهذيب(ص:۹۳،ج:۹)، مكارم الأخلاق(ص:۱۴۷)، تنبيه الخواطر(ص:۱۰۱)، وسائل الشّيعة(ص:۲۴۳ و ص:۲۴۵، ج:۲۴) ، الكافي(ص:۲۶۹،ج:۶) ، مرآة العقول(ص:۷۱،ج:۲۲)، المحاسن(ص:۴۴۷)، بحارالأنوار(ص: ۳۳۱،ج:۶۶)، عدّة من أصحابنا ، عن : أحمد بن أبي عبدالله ، عن: محمّد بن عيسى اليقطينيّ، عن: عبيد الله الدّهقان ، عن : درست الواسطيّ ، عن : عبد الله بن سنان ، عَنْ : أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قالَ :

أمالی الصّدوق(ص:۴۳۶)، الصّدوق، عن: أبيه، عن: سعد بن عبدالله، عن: إبراهيم بن هاشم، عن: عبيد الله بن عبدالله الدّهقان، عن : درست بن أبي منصور الواسطيّ، عن: عبدالحميد بن عوّاض الطّائيّ :

عَنِ: الْكاظِمِ عليه السلام عَنْ : آبائِهِ عليهم السلام قالَ : قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم : اَلأكْلُ عَلَى الشَّبْعِ يُورِثُ الْبَرَصَ .

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم می‌فرمود: غذا خوردن در حال سيری باعث بيماری پيسی می‌شود .

۱۴۹ـ روضة الواعظين(ص:۳۰۸)، إثنی عشريّة(ص:۱۹۹)، بحارالأنوار (ص:۳۴،ج:۵۹ و ص:۳۳۴،ج:۶۶ و ص:۹۲،ج:۷۶ و ص:۴۹،ج:۸۱)، وسائل الشّيعة(ص:۸۱ ، ج:۲ و ص:۳۶۸،ج:۷)،

الخصال (ص :۲۷۰)، عن : جعفر بن محمّد بن مسرور ، عن : الحسين بن محمّد بن عامر ، عن : عمّه عبد الله بن عامر ، عن : أبي عامر ، عن : محمّد بن زياد الأزدي(ابن أبي عمير)، عن : أبان بن عثمان الأحمر ، عن : أبان بن تغلب ، عن : عكرمة ، عن : ابن عبّاس قال :

قالَ رَسُولُ الله ﷺ : خَمْسُ خِصالٍ تُوَرِّثُ الْبَرَصَ : النُّورَةُ يَوْمَ الْجُمْعَةِ ، وَ يَوْمَ الْأَرْبِعاءِ وَ التَّوَضِّي وَ الإغْتِسالُ بِالْماءِ الَّذِي تُسَخِّنُهُ الشَّمْسُ ، وَ الْأَكْلُ عَلَى الْجَنابَةِ، وَ غِشْيانُ الْمَرْأَةِ فِي أَيّامِ حَيْضِها، وَ الْأَكْلُ عَلَى الشِّبَعِ .

رسول خدا ﷺ فرموده: پنج چیز است که باعث بیماری پیسی می‌شود :
۱ـ نوره کشیدن در روز جمعه و چهارشنبه ، ۲ـ وضو گرفتن و غسل کردن با آبی که بوسیله خورشید گرم شده، ۳ـ خوردن غذا و میوه در حال جنابت، ۴ـ همبستر شدن با همسر در حال حیض، ۵ ـ غذا و میوه خوردن در حالی که شکم پُر باشد .

۹۳) إثنى عشريّة(ص:۲۷)، جامع أحاديث الشّيعة(ص:۵۲۲،ج:۱۳)، مستدرك الوسائل(ص: ۸۳ ،ج:۲)، قصص الأنبيآء الرّاوندىّ(ص: ۱۹۵)، بحارالأنوار(ص:۴۱۹،ج:۱۳)، كمال الدّين(ص:۸۳ ، ج:۲) ، القطب الرّاونديّ في قصص الأنبيآء بإسناده إلى الصّدوق ، عن : أبيه ، عن: سعد بن عبد الله ، عن : القاسم بن محمّد الاصفهانيّ ، عن سليمان بن داود المنقريّ ، عن : حمّاد بن عيسى :

عَن : الصّادِقِ عليه السلام قالَ : قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ إيّاكَ وَ الضَّجْرَ ، وَ سُوءَ الْخُلْقِ ، وَ قِلَّةَ الصَّبْرِ، فَلا يَسْتَقِيمُ لَكَ عَلىٰ هذِهِ الْخِصالِ صاحِبٌ، وَ أَلْزِمْ نَفْسَكَ التُّؤْدَةَ فِي أُمُورِكَ، وَ صَبِّرْهُ عَلى مَؤُوناتِ الإخْوانِ نَفْسَكَ ، وَ حَسِّنْ مَعَ جَمِيعِ النّاسِ خُلْقَكَ ، يابُنَيَّ؛ إنْ عَدَمَكَ ما تَصِلُ بِهِ قَرابَتَكَ ، وَ تَتَفَضَّلُ بِهِ عَلَى إخْوانِكَ ، فَلا يَعْدِمَنَّكَ حُسْنُ الْخُلْقِ وَ بَسْطُ الْبِشْرِ ، فَإنَّهُ مَنْ أَحْسَنَ خُلْقَهُ أَحَبَّهُ الْأَخْيارُ ، وَ جانَبَهُ الْفُجّارُ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده :

پسرم ؛ به دور باش از بی‌قراری (در برابر مشکلات زندگی) و بدأخلاقی و کمی صبر، زیرا: اگر چنین نباشی، دوستی و یاوری (هنگام گرفتاری) نخواهی داشت ، و باید مجبور و ملزم کنی خود را به دوستی با دیگران در تمام امور زندگی ، و باید خود را آماده نمایی برای رفع مشکلات برادران خود ، و باید أخلاق و رفتار خود را با تمامی مردم نیک نمایی ، فرزندم ؛ اگر نتوانستی با خویشاوندان معاشرت کنی و صله رحم نمایی، و از نظر مالی نمی‌توانی کمك نمایی به برادران دینی و انسانی ، نباید از دست بدهی حسن خلق و چهره باز و بانشاط را ، چرا که : هر که دارای حسن خلق باشد ، بزرگان و برگزیدگان او را دوست خواهند داشت (و یاور او خواهند بود) ، و بدکرداران از او دوری خواهند کرد (چون با آنان هم‌فکر و همراه و هم‌کردار نیست) .

۱۵۰ـ الخصال(ص:۲۹)، السّعادة الأبديّة(ص:۱۹)، جامع أحاديث الشّيعة(ص:۵۱۵،ج: ۱۳)، وسائل الشّيعة(ص:۱۵۳،ج:۱۲)، مستدرك الوسائل(ص:۴۴۳،ج:۸)، روضة الواعظين(ص:۳۷۶، ج:۲)، مشكاة الأنوار(ص:۲۲۳)، بحارالأنوار(ص:۳۸۶،ج:۷۱)،عن : أبي الحسن عليّ بن عبدالله بن أحمد الأسواريّ ، عن : أحمد بن محمّد بن قيس السجزيّ ، عن : عبد العزيز بن عليّ السّرخسيّ ، عن : أحمد بن عمران البغداديّ ، عن : أبي الحسن ، عن : أبي الحسن ، عن : أبي الحسن ، عن : الحسن ، عن : الحسن :

عَن : اَلْحَسَن عليه السلام : إنَّ أَحْسَنَ اَلْحَسَن اَلْخُلْقُ اَلْحَسَن .

حضرت امام مجتبی عليه السلام می‌فرمود: بهترین نیکوییها أخلاق نیك(دینی) است.

۱۵۱ـ النّوادر(ص:)، أعلام الدّين(ص:۱۲۰)، الزّهد(ص:۲۹)، بحارالأنوار(ص:۳۹۵، ج:۷۱ و ص:۱۷۴،ج:۷۷)، الكافي(ص :۱۰۰، ج:۲)، مرآة العقول(ص:۱۶۹،ج:۸)، شرح الكافي(ص: ۲۸۹،ج: ۸) ، وسائل الشّيعة(ص: ۱۴۹،ج:۱۲) ، علي بن إبراهيم ، عن : أبيه ، عن : ابن أبي عمير ، عن : ابن سنان :

عَنْ : أَبِی عَبْدِ اللهِ عليه السلام قالَ : اَلْبِرُّ وَ حُسْنُ الْخُلْقِ يَعْمُرانِ الدِّيارَ وَ يَزِيدانِ فِی الْأَعْمارِ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : نیکی و خدمت کردن به دیگران و أخلاق نیك و پسندیده (دینی) داشتن باعث عمران و آبادانی (شهرها و روستاها) می‌شود ، و موجب طولانی شدن عمر انسان‌ها می‌گردد .

۱۵۲ـ وسائل الشیعة(ص:۱۵۱،ج:۱۲)، بحارالأنوار(ص:۲۴۹وص:۳۰۳،ج:۷ و ص:۳۷۴، ج:۷۱)، المحجّةالبیضاء (ص:۲۸۹،ج:۳)، مرآة العقول(ص:۱۶۷،ج:۸)، شرح الکافی(ص:۲۸۷،ج:۸)، الکافی(ص:۹۹،ج:۲)، الحسین بن محمّد ، عن : معلّی بن محمّد ، عن : الوشاء ، عن : عبدالله بن سنان ، عن : رجل من أهل المدینة :

عَنْ : عَلِیِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قالَ : قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم : ما يُوضَعُ فی مِيزانِ إمْرَءٍ يَوْمَ الْقِيامَةِ أَفْضَلُ مِنْ حُسْنِ الْخُلْقِ.

امام سجّاد عليه السلام می‌فرمود : رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرموده: گذاشته نمی‌شود در میزان سنجش أعمال مردی (و یا زنی) در قیامت چیزی بهتر از أخلاق نیك (دینی) .

۱۵۳ـ الکافی(ص:۱۰۳،ج:۲)، وسائل الشیعة(ص:۱۶۰،ج:۱۲)، مرآة العقول(ص:۱۷۸،ج:۸)، شرح الکافی(ص: ۲۹۵،ج:۸)، تنبیه الخواطر(ص:۱۸۸،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۱۷۱،ج:۷۴) ، علیّ بن إبراهیم ، عن : أبیه ، عن : ابن محبوب ، عن : بعض أصحابه :

عَنْ : أَبِی عَبْدِ اللهِ عليه السلام قالَ : قُلْتُ لَهُ : مَا حَدُّ حُسْنِ الْخُلْقِ ؟ قالَ تُلَيِّنُ جَناحَكَ ، وَ تُطَيِّبُ كَلامَكَ ، وَ تَلْقَی أَخاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ .

راوی گوید: از حضرت صادق عليه السلام پرسیدم: تعریف و حدود حُسْن خُلق چیست ؟ فرمود : تواضع داشته باشی ، و زیبا و با أدب سخن بگویی ، و هنگام دیدار برادران (دینی و انسانی) با چهره باز و متبسّم باشی .

۹۴) تنبیه الخواطر(ص:۶۰ ،ج :۱) ، إثنی عشریّة(ص:) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يابُنَيَّ ؛ إيّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الضَّجْرَ فَإنَّكَ إذا كَسِلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقّاً ، وَ إذا ضَجِرْتَ لَمْ تَصْبِرْ عَلىٰ حَقٍّ ، جَلاءُ الْقُلُوبِ اسْتِماعُ الْحِكْمَةِ وَ صَداؤُهَا الْمَلالَةِ وَ الْفُتُورِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : پسرم ؛ بترس و بدور باش از كسالت و بی‌صبری ، زيرا : اگر كسل شدی حقّی را نمی‌توانی أدا كنی ، و اگر بی‌صبر بودی نمی‌توانی بر حقّی صبر كنی، صفا و زيبايی و نورانی دلها گوش دادن به نصيحت و كلمات حكمت‌آميز است ، و زنگ گرفتگی و تيرگی دلها بسبب ملالت (و أندوههای بيجا) و سستی در أنجام وظايف است .

تأييد می‌نمايد گفتار حضرت لقمان (ع) را بيان شريف و رهنمود دهنده حضرت أميرالمؤمنين عليه السلام كه فرموده :

۱۵۴ـ بحارالأنوار(ص:۹۹،ج:۱۰ و ۱۵۹،ج:۷۳)، مستدرك الوسائل(ص:۶۵ ،ج:۱۲)، الخصال (ص:۶۲۰) ، فی حديث : الأربعمأة :

قال علیّ عليه السلام : إيّاكُمْ وَ الْكَسَلَ، فَإنَّهُ مَنْ كَسِلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقَّ اللهِ عزّ و جلّ .

حضرت علی عليه السلام فرمود : بترسيد و بپرهيزيد از كسل بودن در أنجام تكاليف و وظايف ، زيرا : هر كه كسل باشد حقّ خدا را أدا نمی‌كند ، و عبادات را آنچنان كه شايد و بايد است أنجام نمی‌دهد .

۱۵۵ـ مكارم الأخلاق(ص:۴۳۴)، بحارالأنوار(ص:۴۸،ج:۷۷)، عَن : الصّادِقِ عليه السلام عَنْ : أبِيهِ عليه السلام عَنْ جَدِّهِ عليه السلام عَنْ : عَلِيٍّ عليه السلام عَن : النَّبِيِّ صلّى الله عليه و آله إنَّهُ قالَ فی وَصِيَّتِهِ لِعَلِيٍّ عليه السلام : يا عَلِيُّ ؛

أمالی الصّدوق(ص:۴۳۶)، قصص الأنبيآء (ص :۲۷۳) ، وسائل الشّيعة(ص:۲۲، ج:۱۶) ، من لايحضر(ص: ۳۵۵ ،ج:۴) ، المستطرفات(ص:۶۱۵)، بحارالأنوار(ص:۱۹۲،ج:۷۲ و ص:۲۵۹، ج:۷۲ و ص:۱۵۹، ج:۷۳ و ص: ۱۹۹ ،ج : ۷۸) ، الصّدوق ، عن : أبيه ، عن : سعد ، عن : ابن هاشم ، عن :

الدّهقان ، عن : درست ، عن : عبدالله بن سنان قال :

قالَ أبُوعَبْدِ اللهِ عليه السلام : ... وَ إيّاكَ وَ خَصْلَتَينِ ؛ الضَّجْرَ وَ الْكَسَلَ ، فَإنَّكَ إنْ ضَجِرْتَ لَمْ تَصْبِرْ عَلىٰ حَقٍّ وَ إنْ كَسِلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقّاً .

حضرت صادق عليه السلام فرمود : بترس از دو خصلت ؛ و آن : بی‌صبری و بی‌حوصلگی ، و تنبلی و سستی در کارها است ، که اگر بی‌صبر بودی بر هیچ حقّی صبر نخواهی داشت (و آن بر ضرر تو است)، و اگر سستی و تنبلی کنی در أنجام دادن کارها، هیچگاه حقّی را أدا نخواهی کرد .

۱۵۶ـ وسائل الشّیعة(ص:۶۱ ،ج:۱۷)، إثنی عشریّة(ص:۵۸)، تحف العقول(ص:۲۹۵)، بحار الأنوار(ص:۱۷۵ و ص:۱۷۸،ج:۷۸)، من لایحضر(ص:۱۶۸ و ص:۱۶۹،ج:۳) :

عَنِ : الصّادِقِ عليه السلام إنَّهُ قالَ: إيّاكَ وَ الْكَسِلَ وَ الضَّجْرَ، فَإنَّهُما مِفْتاحُ كُلِّ شَرٍّ (سُوءٍ) مَنْ كَسِلَ؛ لَمْ يُؤَدِّ حَقّاً، وَ مَنْ ضَجِرَ؛ لَمْ يَصْبِرْ عَلىٰ حَقٍّ .

حضرت امام صادق عليه السلام می‌فرمود: بترس از سستی و بی‌تابی کردن ، زیرا : این دو کلید هر شرّ و بدی و بدبختی است ، برای آنکه اگر سست بودی در أنجام وظایف حقّی را أدا نخواهی کرد، و اگر بی‌تاب باشی خویشتن‌دار نیستی در برابر هر حقّ و حقوقی .

۱۵۷ـ تحف العقول(ص:۴۳۳)، السّرآئر(ص:۵۹۱)، بحارالأنوار(ص:۳۹۵،ج:۶۹)، وسائل الشّیعة (ص:۲۳،ج:۱۶)، من‌لایحضر(ص:۴۰۸،ج:۴)، عن الحسن ابن محبوب، عن: سعد بن أبی خلف الزّهریّ :

عَنْ : أبِي الْحَسَنِ مُوسىٰ عليه السلام قالَ لِبَعْضِ وَلَدِهِ : يا بُنَيَّ؛ ... وَ إيّاكَ وَ الضَّجْرَ وَ الْكَسَلَ ، فَإنَّهُما يَمْنَعانِكَ حَظَّ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ .

امام هفتم عليه السلام به یکی از فرزندان خود می‌فرمود: مبادا بی‌تاب و تنبل و سست باشی ، برای آنکه این دو صفت تو را از بهره کامل دنیایی و آخرتی باز می‌دارند .

۱۵۸ـ مجالس‌المفید(ص:۱۱۶)، أمالی‌للمفید(ص:۱۸۱)، بحارالأنوار(ص:۳۹۷،ج:۶۹)، أحمد بن

الولید، عن: أبیه، عن: الصفّار، عن: ابن معروف، عن: ابن مهزیار، عن: فضالة، عن: عجلان أبی صالح قال :

قالَ أبُوعَبْدِاللهِ (ع) : . . . إیّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الضَّجَرَ ، فَإنَّ أبِیْ بِذلِكَ كانَ یُوصِیْنِي ، وَ بِذلِكَ كانَ یُوصِیْهِ أبُوْهُ ، وَ كَذلِكَ فی صَلاةِ اللَّیْلِ ، إنَّكَ إذا كَسِلْتَ لَمْ تُؤَدِّ إلَی اللهِ حَقَّهُ ، وَ إنْ ضَجِرْتَ لَمْ تُؤَدِّ إلیٰ أحَدٍ حَقّاً . . .

حضرت امام صادق (ع) می‌فرمود : بپرهیز از سستی کردن و بی‌تابی نمودن ، و پدرم مرا به این مطلب سفارش می‌فرمود ، و به همین مطلب پدرش به او سفارش می‌فرموده ، و همچنین در خواندن نماز شب کوتاهی نکن ، و اگر سستی کردی در کارها حقّ خدا را هم أدا نخواهی کرد ، و اگر بی‌تاب بودی و نیروی بردباری نداشتی ، حقّ کسی را أدا نخواهی نمود .

۹۵) إرشاد القلوب الدّیلمی(ص:۷۲،ج:۱)، إرشاد القلوب المترجم(ص:۱۶۷،ج:۱).

فی وَصِیَّةِ لُقْمانَ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ إیّاكَ وَ ما تَعْتَذِرُ مِنْهُ ، فَإنَّهُ لایُعْتَذَرُ مِنْ خَیْرٍ .

در وصیّت و سفارش حضرت لقمان (ع) است به فرزندش که فرموده : فرزندم ؛ بترس و بدور باش از هر چیز بدی که باید بعد از آن عذرخواهی کنی ، و هیچکس از کار و گفتار خوب عذرخواهی نمی‌کند .

و این حدیث شریف در : عدّةالدّاعی(ص:۲۲۸،ج:۰)، بحارالأنوار(ص:۳۶۹،ج:۷۱ و ص :۲۹۱،ج: ۷۲) ، از حضرت أمیرالمؤمنین (ع) نقل شده .

۱۵۹ـ بحارالأنوار(ص:۱۰۷،ج:۷۵)، أمالی الطّوسی(ص:۱۲۲،ج:۲)، وسائل الشّیعة (ص: ۲۶،ج:۱۶) ، جماعة ، عن : أبی المفضّل ، عن : الحسن بن علیّ بن سهل العاقولی ، عن : موسی بن عمر بن یزید الکوفی الصّیقل ، عن : معمّر بن خلاّد :

عَنْ : عَلِیٍّ الرِّضا (ع) عَنْ : آبائِهِ (ع) عَنْ : أمیرِالْمُؤْمِنینَ (ع) قالَ : جاءَ أبُو أیُّوبَ خالِدُ بْنُ زَیْدٍ الْأنْصارِیُّ إلیٰ رَسُولِ اللهِ (ص) فَقالَ : یا

رَسُولَ اللهِ عَلَيْكَ السَّلامُ، أُوصِنِي وَ أَقْلِلْ؟ لَعَلِّي أَنْ أَحْفِظَ؟ قالَ ﷺ : أُوصِيكَ بِخَمْسٍ : بِالْيَأْسِ عَمَّا فِي أَيْدِي النّاسِ فَإِنَّهُ الْغِنَى الْحاضِرِ ، وَ إِيّاكَ وَ الطَّمَعَ فَإِنَّهُ الْفَقْرُ الْحاضِرُ ، وَ صَلِّ صَلاةَ مُوَدِّعٍ ، وَ إِيّاكَ وَ ما تَعْتَذِرُ مِنْهُ ، وَ أَحِبَّ لأَخِيكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ .

حضرت علی علیه السلام فرمود: أبو أیّوب أنصاری خدمت حضرت رسول ﷺ آمد و عرض کرد : ای فرستاده خدا ؛ بر تو باد سلام ، مرا نصیحتی فرمایید ؟ و أندك باشد که بتوانم حفظ کنم ، آن حضرت ﷺ فرمود : تو را به پنج چیز سفارش می‌کنم ، أوّل: به چشم‌پوشی از آنچه که مردم دارند، که بی‌نیازی واقعی اینست ، دوّم : اینکه طمع نداشته باش ، زیرا : فقر و تهی‌دستی است که انسان گرفتار آن می‌شود ، سوّم : اینکه هر گاه نماز خواندی ، آن را آخرین نماز خود بدانی که دیگر زنده نخواهی بود برای خواندن نماز بعدی، چهارم اینکه بدور باشی از أنجام دادن کاری و یا گفتن سخنی که ناچار شوی عذرخواهی کنی ، پنجم : آنکه دوست بداری برای برادر (و خواهر دینی و انسانی) خود آنچه را که برای خود دوست می‌داری .

۱۶۰ــ نهج البلاغة(حِکَم:۳۲۱)، شرح نهج البلاغة(ص:۲۴۱،ج:۱۹)، وسائل الشّیعة(ص: ۱۵۹،ج :۱۶)، بحارالأنوار(ص:۱۶۴،ج:۷۴) :

وَ قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام : الإِسْتِغْناءُ عَنِ الْعُذْرِ أَعَزُّ مِنَ الصِّدْقِ بِهِ .

حضرت أمیر المؤمنین علیه السلام فرموده : بی‌نیازی از عذر آوردن ارزشمندتر است از راستگویی بعد از أنجام دادن (که اگر چنان رفتار کنی که به عذر آوردن نیازمند نشوی بهتر است از اینکه ناچار شوی به عذر آوردن ، هر چند راست بگویی ، زیرا : عذرخواهی نوعی ذلّت و خواری است) .

۱۶۱ــ نهج البلاغة(قسم الرّسائل : ۶۹) ، بحارالأنوار(ص: ۵۰۸ ،ج:۳۳) :

وَ مِنْ كِتابٍ لَهُ عليه السلام إلى الحارِثِ الْهَمْدانيّ . . . وَ احْذَرْ كُلَّ عَمَلٍ إذا سُئِلَ عَنْهُ صاحِبُهُ أنْكَرَهُ ، أوْ إعْتَذَرَ مِنْهُ . . .

حضرت أمير المؤمنين عليه السلام نامه‌ای مشتمل بر مطالبی به حارث همدانی نوشتند ، از جمله این بوده که : پرهیز کن از هر عملی که اگر از انجام دهنده آن پرسیده شود یا انکار کند (بواسطه خجلت و شرمندگی)، و یا عذرخواهی نماید .

۱۶۲ـ نهج البلاغة(قسم الرّسائل:۳۳)، شرح نهج البلاغة(ص:۱۳۸،ج:۱۶) :

كَتَبَ عَلِيٌّ عليه السلام إلى قُثَمِ بْنِ الْعَبّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ : إيّاكَ وَ ما يُعْتَذَرُ مِنْهُ ، وَ لاتَكُنْ عِنْدَ النَّعْماءِ بَطِراً ، وَ لا عِنْدَ الْبَأْساءِ فَشِلاً .

حضرت أمير المؤمنين عليه السلام به نماینده دائمی خود قُثم بن عبّاس در شهر مکّه نوشتند : مبادا ؛ مرتکب کاری شوی (و یا سخنی بگویی) که به عذرخواهی کشیده شود، و هنگام خوشیهای فراوان زیاد شادمان (که موجب کبر و سرکشی است)، و هنگام سختیها و مشکلات هراسان و دلباخته (که باعث شکست است) مباش .

۱۶۳ـ مشکاة الأنوار(ص:۱۸۹)، تحف العقول(ص:۲۵۳)، وسائل الشّيعة(ص:۱۵۹،ج:۱۶)، كتاب الزّهد(ص:۵)، الحسين بن سعيد ، عن : محمّد بن سنان ، عن : عمّار بن مروان ، و الحسين بن المختار ، عن : أبي بصير :

قالَ الصّادِقُ عليه السلام : إيّاكُمْ وَ ما يَعْتَذِرُ [إيّاكَ وَ ما تَعْتَذِرُ] مِنْهُ ، فَإنَّ الْمُؤْمِنَ لا يُسيءُ وَ لا يَعْتَذِرُ ، وَ الْمُنافِقُ يُسيءُ كُلَّ يَوْمٍ وَ يَعْتَذِرُ .

حضرت صادق عليه السلام فرمود : بپرهیزید و بترسید و بدور باشید از آنچه که مجبور می‌شوید از انجام دادن آن عذرخواهی کنید ، زیرا : مؤمن هیچگاه سخنی را نمی‌گوید و یا عملی را انجام نمی‌دهد تا ناچار به عذرخواهی شود ، ولکن منافق بسبب دوچهره بودن در هر روز مرتکب عمل زشت می‌شود و سخنان رکیك و ناپسند می‌گوید و عذرخواهی می‌نماید .

۹۶) الإختصاص(ص:۳۳۸)، بحارالأنوار(ص:۴۲۸،ج:۱۳)، عن: الأوزاعی:

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يابُنَيَّ ؛ إيّاكَ وَ مُصاحَبَةَ الْفُسّاقِ فَإنَّما هُمْ كَالْكِلابِ ، إنْ وَجَدُوا عِنْدَكَ شَيْئاً أَكَلُوهُ ، وَ إلاّ ذَمُّوكَ وَ فَضَحُوكَ ، وَ إنَّما حُبُّهُمْ بَيْنَهُمْ ساعَةٌ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : فرزندم ؛ بترس از دوستی و همنشيني و معاشرت با أشخاص فاسق (آلوده به بی دينی و بی عفّتی و گناه) زيرا : آنان همانند سگها هستند ، که اگر ديدند چيزی را نزد تو ، می‌خورند ، و اگر چيزی نزد تو نيافتند تو را مذمّت و بدگويی و رسوا می‌کنند ، و دوستی اين گونه أفراد در بين خودشان ساعتی است (که هر لحظه ممکن است به اختلاف و جنگ و جدال و نزاع کشانيده بشوند) .

۱۶۴ـ نهج البلاغة(قسم الرّسائل:۶۹)، شرح نهج البلاغة(ص:۴۱،ج:۱۸)، بحارالأنوار(ص: ۵۰۸،ج:۳۲ و ص:۱۹۹،ج:۷۴)، مستدرك الوسائل(ص:۳۳۵،ج: ۸) :

قالَ عَلِيٌّ عليه السلام : فِيما كَتَبَ إلى الْحارِثِ الْهَمْدانيِّ . . . وَ إيّاكَ وَ مُصاحَبَةَ الْفُسّاقِ فَإنَّ الشَّرَّ بِالشَّرِّ مُلْحَقٌ . . .

حضرت أميرالمؤمنين عليه السلام در ضمن نامه‌ای که به حارث نوشتند اين بود که: سخت بترس از معاشرت و همراه شدن با کسانی که آشکارا مرتکب گناه می‌شوند (و آثار گناه ايشان نمايانست همانند: ريش‌تراشي)، زيرا: بد به بدی ملحق می‌شود .

۱۶۵ـ نهج البلاغة(قسم الرّسائل:۶۹)، شرح نهج البلاغة(ص:۴۱،ج:۸)، بحارالأنوار(ص: ۵۰۸،ج:۳۳ و ص:۱۹۹،ج:۷۴) :

فِيما كَتَبَ عَلِيٌّ عليه السلام إلى الْحارِثِ الْهَمْدانيِّ: . . . وَ احْذَرْ صَحابَةَ مَنْ يَفِيلُ رَأيُهُ ، وَ يُنْكَرُ عَمَلُهُ، فَإنَّ الصّاحِبَ مُعْتَبَرٌ بِصاحِبِهِ . . .

حضرت علی(ع) نامه‌ای بعنوان رهنمود به حارث هَمْدانیّ نوشتند ، و از جمله مطالب آن این بوده که : دوری کن از معاشرت و همراهی با کسی که (دارای فکر و أندیشه بلند نیست و) ضعف اراده دارد، و کردارش ناپسند و مورد اعتراض دارندگان عقل است، و علّت دوری کردن برای آنست که: ارزش هر شخصی با دوستان او سنجیده می‌شود .

۹۷) قصص الأنبیاء الرّاوندیّ(ص:۱۹۷)، لئالی الأخبار(ص:۱۰۸،ج:۱)، بحارالأنوار(ص: ۴۲۱ ، ج:۱۳)، . . . عن : سلیمان بن داود المنقریّ ، عن : یحیی بن سعید القطّان قال :

سَمِعْتُ الصّادِقَ(ع) قالَ : قالَ أمیرُالْمُؤمِنینَ(ع) : قِیلَ لِلْعَبْدِ الصّالِحِ لُقْمانَ : أیُّ النّاسِ أفْضَلُ ؟ قالَ : الْمُؤْمِنُ الْغَنیُّ ، قِیلَ : الْمُؤْمِنُ الْغَنیُّ مِنَ الْمالِ؟ فَقالَ : لا، ولکِنْ الْغَنیُّ مِنَ الْعِلْمِ الَّذِی إنْ أُحْتِیجَ إلَیْهِ أنْتُفِعَ بِعِلْمِهِ ، فَإنِ اسْتَغْنیٰ عَنْهُ اکْتَفی ، وَ قِیلَ : فَأیُّ النّاسِ أشَرُّ ؟ قالَ : الَّذِی لا یُبالی أنْ یَراهُ النّاسُ مُسِیئاً .

حضرت صادق(ع) می‌فرمود : حضرت أمیرالمؤمنین(ع) فرموده: به بنده صالح حضرت لقمان (ع) گفته شد : چه کسانی از دیگران بهتر و برترند؟ فرمود: مؤمن بی‌نیاز ، گفته شد : بی‌نیاز بودنش بواسطه داشتن ثروت؟ فرمود: نه ، بلکه بی‌نیاز از علم ، آنچنانکه اگر احتیاج به علم او پیدا شد بتوانند از علم او بهره گیرند ، و اگر نیاز به علمش نداشتند ، وجود علم به او ضرر نمی‌زند ، و خود به علم خود می‌تواند اکتفا نماید .

گفته شد : چه کسانی بدترین مردم هستند ؟ فرمود : کسی که باك ندارد و شرم نداشته باشد که مردم او را در حال هر نوع گناه و زشت‌کرداری ببینند .

۱۶۶ــ المحجّة البیضآء(ص:۱۴،ج:۱)، تیسیرالوصول(ص:۱۵۱،ج:۳)، مشکاة المصابیح(ص: ۳۶) :

قالَ النَّبیُّ(ص) : أفْضَلُ النّاسِ الْعالِمُ الَّذِی إنْ أُحْتِیجَ إلَیْهِ نَفَعَ ، وَ

إنِ اسْتُغْنِیَ عَنْهُ أَغْنَیٰ نَفْسَهُ .

نبیّ أكرم ﷺ فرموده : بهترين مردم در هر زمان، دانشمند دينی است ، كه هرگاه نياز به علم او پيدا شود پاسخگو باشد (و از او پرسشی گردد، جواب صحيح دهد) ، و اگر نيازی نداشتند مردم ، خود عالم از علم خود فايده برد .

درباره ارزش علم و بهتر بودنش از ثروت ، بيان شريف و راه‌گشا و رهنمود دهنده حضرت أمير المؤمنين عليه السلام است كه فرموده‌اند :

۱۶۷ـ إثنی عشـرية(ص:۲۵۰)، منيـة المريـد(ص:۲۹ و ص:۱۱۰،ج:۱۰)، بحـارالأنوار(ص:۱۸۵،ج:۱) ، هدية المريد(ص:۲۹)، المحجة البيضاء (ص:۲۶،ج :۱) :

رُوِیَ عَنْ عَلِیٍّ عليه السلام أَنَّهُ قالَ: العِلْمُ أَفْضَلُ مِنَ الْمالِ بِسَبْعَةٍ؛ الأَوَّلُ: أَنَّ الْعِلْمَ مِيراثُ الْأَنْبِياءِ وَ الْمالُ مِيراثُ الْفَراعِنَةِ ، وَ الثّانی : العِلْمَ لايَنْقُصُ بِالنَّفَقَـةِ وَ الْمالُ يَنْقُصُ بِها، الثّالِثُ: يَحْتاجُ الْمالُ إِلَی الْحافِظِ وَ أَمَّا الْعِلْمُ يَحْفَظُ صاحِبَهُ، الرّابِعُ : العِلْمُ يَدْخُلُ فی الْكَفَنِ وَ الْمالُ لايَدْخُلُ ، الخامِسُ : الْمالُ يَحْصُلُ لِلْمُؤْمِـنِ وَ لِلْكافِرِ وَ الْعِلْمُ لايَحْصُلُ إلاّ لِلْمُؤْمِنِ خاصَّةً ، السّادِسُ : جَمِيعُ النّاسِ يَحْتاجُونَ إِلَیٰ صاحِبِ الْعِلْمِ فی أُمُورِ دِينِهِمْ وَ لايَحْتاجُونَ إِلَیٰ صاحِبِ الْمالِ ، السّابِعُ : العِلْمُ يَقْوِیٰ صاحِبَهُ عَلَی الْمُرُورِ عَلَی الصِّراطِ وَ الْمالُ يَمْنَعُهُ .

حضرت أميرالمؤمنين عليه السلام می‌فرموده : ارزش علم بهتر و بالاتر از ثروت است به هفت دليل ، ۱ـ علم ارث پيغمبران(ع) است ولی ثروت ارث گردنكشان و ستمگران است ،۲ـ ناقص و كم نمی‌شود علم به انفاق كردن بسبب تعليـم دادن به ديگران ولی ثروت أندك می‌شود بسبب به ديگران دادن ، ۳ـ ثروت نيـاز بـه نگهبان دارد ولكن علم نگهبان عالـم است،۴ـ علم به همراه عالـم داخل در كفن و قبر می‌شود ولی سرمايه به همراه صاحب آن داخل قبر نمی‌شود، ۵ ـ سرمايه و ثروت بدست مؤمنان و كافران می‌رسد ولكن علم دينی فقط بدست مؤمن می‌رسد ،

۶ـ تمامی مردم نیاز به علم عالــم دارند در تمام امور دینی ، ولکن هیچگاه محتاج به دارنده ثروت نیستند ، ۷ـ علم نیرو می‌دهد عالـم را بــر گذشــتن از صــراط در قیامت ، ولکن ثروت مانع عبور ثروتمند می‌شود تا به حساب او رسیدگی شود .

۹۸) الإختصاص(ص:۳۴۰)، بحارالأنوار(ص:۴۳۱،ج:۱۳)، عن: الأوزاعيّ:

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ: يا بُنَيَّ ؛ بادِرْ بِعَمَلِكَ قَبْلَ أَنْ يَحْضُرَ أَجَلُكَ ، وَ قَبْلَ أَنْ تَسِيرَ الْجِبالُ سيْراً، وَ تَجْمَعُ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ، وَ تُغَيَّرُ السَّماءُ وَ تَطْوِي، وَ تَنزِلُ الْمَلائِكَةُ صُفُوفاً خائِفِينَ حافِّينَ مُشْفِقِينَ، وَ تُكَلَّفُ أَنْ تجُاوِزَ الصِّراطَ ، وَ تُعايِنُ حِينَئِذٍ عَمَلَكَ ، وَ تُوضَعُ الْمَوازِينُ ، وَ تُنْشَرُ الدَّواوِيْنُ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : پسرم ؛ کوشش و مبادرت کن به انجام دادن تکالیف و أعمالی که باید انجام دهی پیش از آنکه مــرگ تــو فــرا رسد ، و پیش از آنکه کوهها به حرکت درآیند (بسبب لرزش زمین و از مــدار نجومی و خط سیر خود خارج شوند) و جمع شوند خورشــید و مــاه ، و تغیــیر حرکت و گردش دهد آسمان و در هم پیچیده شود ، و ملائکه فرود آیند با صف منظّم در حالی که بترسند و به گردش درآیند و مهربان باشند (با بندگان صــالح خدا) و به تو دستور داده شود که از پل صراط عبور کنی، و در آن هنگام است که نتیجه أعمال و گفتار و أندیشه‌های خود را می بینی ، و برای سنجش أعمال (بنی آدم) ترازویی (مناسب با توزین أعمال) نصب شود، و دفاتر أعمال (تمامی بندگان خدا) باز و رسیدگی گردد .

۹۹) تنبیه‌الخواطر(ص:۱۳۷)، بحارالأنوار(ص:۴۲۲،ج:۱۳)، المحجّةالبيضاء(ص:۳۶۹،ج:۵) :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ : يابُنَيَّ؛ بِعْ دُنْياكَ بِآخِرَتِكَ تَرْبَحْهُما جَمِيْعاً ، وَ لا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْياكَ تَخْسَرْهُما جَمِيْعاً .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود می‌فرمود : فرزندم ؛ بفروش دنیا را بــه

آخرت تا ربح و سود هر دو را برده باشی ، و مبادا بفروشی آخرت خود را بـه دنیای خود که نسبت به هر دو ضرر خواهی کرد .

فروش دنیا به آخرت آنست که : أموال دنیایی را در رابطه با امور آخرت استفاده کند ، به ساختن مسجد ، حسینیه ، درمانگاه ، بیمارستان ، مدرسه علـوم دینیّه و فرهنگی ، و تشکیل کتابخانه عمومی ، چاپ و انتشار کتابهــای مفیـد و توزیع رایگان ، و تهیّة منزل برای أفراد بی بضاعت ، و فراهم کردن مایحتاج زندگـی ایشان با مراعات شرایط آن ، و وقف نمودن مستغلاّت برای امور خیریّه ، و بـه ثمر رسانیدن أطفال یتیم از نظر تحصیل علم ، و اشتغال به کسب .

و دنیا خواهی آنست‌که : امور مذهبی را فدای بدست آوردن دنیا نماید ، و هنگام داخل شدن وقت نماز، به کسب و کار بپردازد، و وجوهات شرعیّه (خمس و سهم امام و زکات أموال و زکات فطره) را ندهد به عنوان اینکه از ثـروت او کاسته می‌شود .

و در اسلام شدیداً نهی شده از دل بستن به دنیا ولکن خواســتن و بدسـت آوردن و حفظ أموال دنیا پسندیده و دستور داده شده ، و أمر بـه فعّـالیّت شـده چنانکه روایت شده :

۱۶۸ـ من لایحضر(ص:۱۶۹،ج:۳)، روضة المتّقین(ص:۴۶۵ و ص:۴۶۶،ج:۶)، عوالی اللّئالیٔ (ص:۲۰۱،ج:۳)، وسائل‌الشّیعة (ص:۵۸ ، ج:۱۷)، محمّد بن علیّ بن الحسین قال :

قالَ أبُوالْحَسَنِ مُوسیٰ عليه‌السلام : . . . إنَّ اللهَ لَيَبْغِضُ الْعَبْدَ الْفارِغَ .

حضرت امام موسی کاظم عليه‌السلام می‌فرمود : همانا خداوند دشمـن مـی‌دارد هر شخص بیکار را .

۱۰۰) الإختصاص(ص :۳۴۱)، القصص للرّاوندیّ(ص:۳۲۹،ج ۱)، بحـارالأنوار(ص :۴۳۱، ج:۱۳) ، عن : الأوزاعیّ :

فی حِکَم لُقْمانَ فِیما أَوْصیٰ بِهِ إِبْنَهُ أَنَّهُ قالَ : یا بُنَیَّ ؛ تَعَلَّمْتَ سَبْعَةَ آلافٍ مِنَ اْلحِکْمَةِ فَاحْفَظْ مِنْها أَرْبَعاً ، وَ مُرْ مَعِیَ إِلیَ اْلجَنَّةِ ، أَحْکِمْ سَفِینَتَكَ فَإِنَّ بَحْرَكَ عَمِیقٌ ، وَخَفِّفْ حَمْلَكَ فَإِنَّ اْلعَقَبَةَ کَؤُودٌ، وَ أَکْثِرِ الزّادَ فَإِنَّ السَّفَرَ بَعِیدٌ ، وَ أَخْلِصِ اْلعَمَلَ فَإِنَّ النّاقِدَ بَصِیرٌ .

از جمله نصیحت و رهنمودهای حضرت لقمان (ع) به فرزندش این بود که : فرزندم ؛ هفت هزار مطلب حکمت از من آموختی؛ که چهار مطلب آن را همیشه باید حفظ کنی و به آن عمل نمایی تا با همراهی من به بهشت بیایی ، أوّل : آنکه کشتی (و وسیله حرکت به آخرت) خود را محکم کنی ، زیرا : دریایی عمیق در پیش پای خود داری، دوّم : آنکه بار خود را سبك کن (از گناه و حقوق دیگران) ، زیرا : گردنه های بلندی در پیش داری ، و عبور از آنها مشکل و سخت است ، سوّم : توشه فراوان (از عبادت و تقوی) داشته باش ، زیرا : سفر دور و درازی خواهی داشت ، چهارم : عمل را خالص و خوب انجام بده ، زیرا : بازرس و قبول کننده عمل بسیار بینا و تیزبین است (و کوچکترین نقص و نامناسب را می‌بیند و توجّه دارد و محاسبه خواهد کرد) .

۱۰۱) أعلام الدّین(ص:۳۲۷)، کنزالفوائد الکراجکی(ص:۲۱۴)، بحارالأنوار(ص:۲۱۹،ج:۱۰ و ص: ۴۳۲،ج:۱۳ و ص:۴۵۸،ج: ۷۸).

مِنْ حِکَمِ لُقْمانَ(ع) : یابُنَیَّ ؛ تَعَلَّمِ اْلحِکْمَةَ تُشَرَّفْ بِها، فَإِنَّ اْلحِکْمَةَ تَدُلُّ عَلَی الدِّینِ، وَ تُشَرِّفُ اْلعَبْدَ عَلَی اْلحُرِّ، وَ تَرْفَعُ اْلمِسْکِینَ عَلَی اْلغَنِیِّ ، وَ تُقَدِّمُ الصَّغِیرَ عَلَی اْلکَبِیرِ ، وَ تُجْلِسُ اْلمِسْکِینَ مَجالِسَ اْلمُلُوكِ ، وَ تَزِیدُ الشَّرِیفَ شَرَفاً ، وَ السَّیِّدَ سُودَداً ، وَ اْلغَنِیَّ مَجْداً ، وَ کَیْفَ یَظُنُّ ابْنُ آدَمَ أَنْ یَتَهَیَّأَ لَهُ أَمْرُ دِینِهِ وَ مَعِیشَتِهِ بِغَیْرِ حِکْمَةٍ ؟ وَ لَنْ یُهَیِّئَ اللهُ ﷻ أَمْرَ الدُّنْیا وَ اْلآخِرَةِ إِلاَّ بِاْلحِکْمَةِ ، وَ مَثَلُ اْلحِکْمَةِ بِغَیْرِ طاعَةٍ مَثَلُ اْلجَسَدِ

بِلانَفَسٍ ، أوْ مَثَلُ الصَّعِیْدِ بِلا ماءٍ ، وَ لاصَلاحَ لِلْجَسَدِ بِغَیرِ نَفَسٍ ، وَ لا لِلصَّعِیْدِ بِغَیرِ مآءٍ ، وَ لا لِلْحِکْمَةِ بِغَیرِ طاعَةٍ .

از جمله سخنان حکمت‌آمیزی که حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده این بوده که : ای پسرم ؛ علم و حکمت بیاموز تا به مقام بزرگی برسی ، زیرا : علم و حکمت راهنمایی می‌کند انسان را به دین (داری)، و از نتایج و فایده‌های علم آنست که : غلام زر خرید با علم را به آزاد شدن می‌رساند (و او را بر شخص آزاد بدون علم شرافت می‌دهد) ، و فقیر را بر ثروتمند برتری می‌دهد ، و کوچك را بر بزرگ مقدّم می‌دارد ، و تهیدست را در مجالس پادشاهان و فرمانروایان می‌نشاند ، و شرافت أفراد شرافتمند را می أفزاید ، و آقایی بزرگان را بیشتر می‌کند ، و عزّت أشخاص ثروتمند را أفزایش می‌دهد ، و چگونه گمان می‌کند آدمیزاد که امور دین و زندگیش بدون حکمت و علم برایش آماده و مهیّا می‌شود ، با اینکه خدای ﷻ هرگز امور دنیا و آخرت را بدون علم و حکمت فراهم و مقدّر نکرده و نمی‌کند ، و علم و حکمت بدون عمل و اطاعت همانند جسد انسان است که بدون نَفَس و روح می‌باشد ، و یا همانند بیابان بدون آب است، که هیچگونه شایستگی ندارد جسد انسان بدون نَفَس، و بیابان بدون آب .

و در إثنی عشریّة(ص :۳۱) ، گوید : حکمت یعنی اطّلاع بر اسرار و پنهانی‌هایی که در همه چیز است ، و آن گرانبهاترین بخشش و عنایت است که در پیشگاه خداوند است ، و بهره نمی‌برد از آن مگر آن کسی که در أثر اطاعت و بندگی و لیاقت ، دوست‌ترین بنده باشد نزد خداوند ، حکمت باعث تمیز و تشخیص دادن حقّ از باطل است ، حکمت بدست آوردن بسبب زیادی عمر و پیر شدن نیست ، بلکه لطف و عنایتی است خدایی که به هر کسی از بندگانش که لیاقت و شایستگی آن را دارد عطا خواهد فرمود خواه جوان باشد یا پیر .

۱۶۹ـ بحارالأنوار(ص :۳۲۶،ج:۵۳ و ص:۱۶،ج:۱۰۳)، المحجّــة البيضـآء(ص:۲۰۴،ج:۳)، مفتاح الفلاح (ص:۴۳ باختلاف) ، حلية أبو نعيم(ص: / :

وَ قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ : مَنْ أَكَلَ الحَلالَ [أَخْلَصَ] أَرْبَعِينَ يَوْماً نُوِّرَ اللهُ قَلْبَهُ ، وَ أَجْرىٰ يَنابِيعَ الحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلىٰ لِسانِهِ .

رسول خدا ﷺ فرموده : هرکه چهل روز غذای حلال و بدون شـبهه بخورد ، (و خالص گرداند گفتار و کردارخود را ، از هر زشتی و پلیدی خـلاف دین) خداوند دل او را نورانی می‌گرداند تا جاییکه سخنان حکیمانه را از دلش بر زبانش جاری می‌کند .

۱۰۲) إثني عشريّة(ص:۲۵) :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ تَعَلَّمِ الْعِلْمَ ، وَ إِنْ لَمْ تَنَلْ بِهِ حَظّاً ، فَلَأَنْ يُذَمَّ لَكَ الزَّمانُ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يُذَمَّ بِكَ الزَّمانُ .

حضرت لقمان (ع) برای ترغیب و تشویق فرزندش (و تمام مردم در هـر زمان) فرموده: پسرم؛ یاد گیر علم را (زیرا : انسان بدون علم و دانش نمی‌تواند انسانی زندگی کند) ، اگر چه به همه علوم دسترسی پیدا نکنی و بهره نگیری، و استفاده ننمایی ، و اگر به پاس احترام تو به مردم زمانه و روزگار زمان زندگـی تو بد گفته شود بهتر از آنست که به شخص تو بد بگویند ، و گفته شود که : تـو باعث ننگ مردم زمان خود شده‌ای .

۱۰۳) إرشادالقلوب‌الدّيلمي(ص:۷۲،ج:۱)، إرشادالقلوب‌المترجم(ص:۱۶۶،ج:۱)، بحـارالأنوار (ص:۴۲۶،ج:۱۳) ، تنبيه الخواطر(ص:۲۳۱) ، إثني عشريّة(ص:۲۵) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ تَعَلَّمْ مِنَ الْعُلَمآءِ مـا جَـهِلْتَ ، وَ عَلِّمِ النّاسَ ما عُلِّمْتَ ، تُذكَرُ بِذلِكَ فِي الْمَلَكُوتِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود نصیحت فرموده : ای پسرم ؛ یاد بگـیر

از علماء آنچه را که نمی‌دانی ، و تعلیم دیگران بده آنچه را که آموخته‌ای ، تا یاد آوری تو کنند در عالـم ملکوت .

گفتار حضرت لقمان (ع) را تأیید می‌نماید بیان حضرت رسول ﷺ که فرموده :

۱۷۰ـ منیة المرید (ص :۲۶) :

قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ : أفْضَلُ الصَّدَقَةِ أنْ يَتَعَلَّمَ الْمَـرْءُ عِلْماً ثُمَّ يُعَلِّمَهُ أخَاهُ .

رسول خدا ﷺ فرموده : بهترین و بالاترین صدقه آنست که مرد بیاموزد علم را ، و به برادر دینی خود تعلیم دهد .

۱۰۴) الکافي(ص:۱۶،ج:۱)، مرآةالعقول(ص:۵۵،ج:۱)، مشکاةالأنوار(ص:۲۲۶)، شرح الکافي (ص:۱۷۷،ج:۱)، بحارالأنوار(ص:۱۳۶،ج:۱وص:۲۹۹،ج۷۸)، تحف‌العقول‌المترجم(ص:۴۰۶)، تنبیه الخواطر(ص:۳۴)، جامع‌أحادیث‌الشّیعة(ص:۲۸۷،ج:۱۳)، وسائل الشّیعة(ص:۲۰۶،ج:۱۵)، أبو عبد الله الأشعريّ، عن: بعض أصحابنا، رفعه، عن: هشام بن الحکم قال :

قالَ لِیْ أبُوالْحَسَنِ مُوسیٰ ؑ : یاهِشامُ ؛ إنَّ لُقْمانَ(ع) قالَ لِابْنِهِ : تَواضَعْ لِلْحَقِّ ، تَکُنْ أعْقَلَ النّاسِ ، وَ إنَّ الْکَیِّسَ لَدَی الْحَقِّ یَسِیرٌ .

هشام گوید: حضرت کاظم ؑ به من فرمود: ای هشام؛ حضرت لقمان (ع) به پسرش فرموده : پسرم ؛ در مقابل سخن و دستور حقّ تواضع کن و تسلیم باش و بپذیر تا داناترین مردم باشی، همانا: درك و فهمیدن و اقرار نمودن به حقّ و حقیقت هنگامی که انسان زیرکی و بهره‌ای از عقل داشته باشد بسیار آسان است .

۱۷۱ـ المحجّةالبیضاء (ص:۱۷۴،ج :۱)، الکافي(ص: ۲۸،ج:۱)، مرآة العقول(ص :۹۴،ج:۱)، شرح الکافي(ص: ۴۳۵ ،ج:۱)، بحارالأنوار(ص:۲۹۹،ج:۷۲)، عليّ بن محمّد ، عن : أحمد بن محمّد بن خالد ، عن : أبیه ، عن : بعض أصحابنا :

عَنْ : أبِی عَبْدِاللهِ عليه السلام قالَ: لَيْسَ بَيْنَ الإيمانِ وَ الْكُفْرِ إلاّ قِلَّةَ الْعَقْلِ ، قِيْلَ : وَ كَيْفَ ذٰلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ ؟ قالَ : إنَّ الْعَبْـدَ يَرْفَـعُ رَغْبَتَـهُ إلىٰ مَخْلُوقٍ ، فَلَوْ أخْلَصَ نِيَّتَهُ لِلّٰهِ لَأتاهُ الَّذِي يُرِيدُ فِی أسْرَعِ مِنْ ذٰلِكَ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : نیست بین ایمان و کفر مگر کمی عقل (که مؤمن کامل نیست چون عقل کامل ندارد ، و کافر محض نیست چون أندکی نـور عقل دارد)، گفته شد: چگونه چنین است ای فرزند رسول خدا ؟ فرمود: بنده‌ای تمایل و رغبت خود را به بندگان خدا می‌نماید (و أنجام خواسته‌های خـود را از بندگان خدا می‌خواهد و می‌طلبد) ، که اگر نیّت و قصد خود را فقط برای خـدا بنماید (و توجّه کند و معتقد باشد که : لامُؤَثِّرَ فِی الْوُجُودِ إلاّ اللهُ ، برآورنده همه خواسته‌ها خدا است) بطور حتم و یقین آنچه را که می‌خواهد زودتـر از گفـتن برایش آماده می‌شد و به دستش می‌رسید .

۱۷۲ـ المحجّة البيضاء(ص:۱۷۳،ج: ۱)، الكافی(ص:۱۳،ج:۱)، مـرآة العقـول(ص:۳۶،ج:۱)، شرح الكافی(ص:۹۸،ج:۱)، عدّة من أصحابنا، عن: أحمد بن محمّد بن خالد، عن: بعض أصحابه، رفعه قال: قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم : ما قُسِّمَ . . .

بحارالأنوار(ص:۱۵۴،ج:۱ و ص:۳۱۲،ج:۷۸) ، تحف العقول(ص:۴۱۹) :

مِنْ وَصايا مُوسَى الْكاظِمِ عليه السلام لِهِشامِ بْنِ الْحَكَمِ : ياهِشامُ ؛ ما قُسِّمَ بَيْنَ الْعِبادِ أفْضَلُ مِنَ الْعَقْلِ ، نَوْمُ الْعاقِلِ أفْضَلُ مِنْ سَهَرِ الْجاهِلِ . . .

امام هفتم عليه السلام به هشام فرموده : تقسیم نشده بین بندگان خدا چیزی کـه بـهتر و برتر از عقل باشد ، و خواب عاقل بهتر است از بیداری جاهل .

۱۷۳ـ بحارالأنوار(ص:۱۶۰،ج:۷۷)، جامع أحاديث الشّيعة(ص:۲۹۵،ج:۱۳)، تحف العقول(ص:۵۳) :

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم : إنَّما يُدْرَكُ الْخَيْرُ كُلُّهُ بِالْعَقْلِ ، وَ لادِينَ لِمَنْ لاعَقْلَ لَهُ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود : همه خوبیها را می‌توان بدست آورد بسبب عقل ، و دین ندارد کسی که عقل ندارد ، (زیرا : همه خوبیها و سعادت دنیا و آخرت در دین است) .

۱۷۴ـ ثواب الأعمال(ص:۲۹)، الکافی(ص:۱۱،ج:۱)، مرآة العقول(ص:۳۴،ج:۱)، شرح الکافی (ص:۸۵ ،ج:۱)، جامع أحادیث الشّیعة(ص:۲۸۴،ج:۱۳)، وسائل الشّیعة(ص:۲۰۶،ج:۱۵)، بحارالأنوار (ص:۹۱،ج:۱)، أحمد بن ادریس ، عن : محمّد بن أحمد ، عن : محمّد بن حسّان ، عن : أبی محمّد الرّازیّ ، عن : سیف بن عمیرة ، عن : إسحاق بن عمّار قال :

قالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ علیه السلام : مَنْ كانَ عاقِلاً كانَ لَهُ دِيْنٌ ، وَ مَنْ كانَ لَهُ دِيْنٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ .

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرمود : هر که دارای عقل باشد دین دارد، و هر که دین دارد (بواسطه أنجام دادن دستورات دینی) داخل بهشت می‌شود .

و در تعریف نشانه عاقل، حضرت أمیرالمؤمنین علیه السلام در بیان دیگر فرموده:

۱۷۵ـ غررالحکم(ص:۱۵۰،ج:۲)،

قالَ عَلِيٌّ علیه السلام : الْعَقْلُ أَنْ تَقُولَ ما تَعْرِفُ ، وَ تَعْمَلُ بِما تَنْطِقُ بِهِ .

حضرت علی علیه السلام فرموده : نشانه عقل داشتن عبارت از این است که بگویی آنچه را که می‌دانی ، و عمل کنی به آنچه که می‌گویی (که عاقل کسی است که در آنچه که نمی‌داند و اطّلاع کامل ندارد اظهار نظر و رأی نمی‌کند ، و خود را به زحمت و رسوایی ، و دیگران را به گمراهی نمی‌أندازد ، و به اختلاف نمی‌کشاند) .

و در همین رابطه حضرت أمیرالمؤمنین علیه السلام فرموده :

۱۷۶ـ کشف الغمّة(ص:۳۴۹،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۸۱،ج:۷۸)؛

قالَ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ علیه السلام : لَوْ سَكَتَ الْجاهِلُ لَمَا اخْتَلَفَ النّاسُ(إثْنانُ) .

حضرت أمیر المؤمنین علیه السلام فرموده : اگر ساکت می‌شد شخص جاهل

بی‌اطلاع (در هر موضوع و اظهار نظر و دخالت نمی‌کرد) هیچگاه مردم با یکدیگر (در هیچ مورد و مطلب، خواه جزئی باشد و یا کلّی) اختلاف نداشتند .

و از آثار عقل اینست که : عمل کنی به آنچه که خود می‌گویی ، و ایمان و یقین به گفته خود داشته باشی و برای گفتارخود ارزش بدانی ، و به همین مطلب اشاره می‌فرماید حضرت أمیرالمؤمنین عليه السلام :

۱۷۷ـ غررالحکم(ص:۳۶۵، ج:۱) :

قالَ عَلِيٌّ عليه السلام : الْعاقِلُ مَنْ صَدَّقَتْ أقْوالُهُ أفْعالَهُ .

حضرت علی عليه السلام فرموده : عاقل کسی است که گفتارش تصدیق کند کردارش را ، (که گفتار با کردار ، و کردار با گفتار یکی بوده و خلافی مشاهده نشود و آنچه أمر و نهی می‌کند خود عمل کند) .

۱۷۸ـ تحف العقول(ص:۲۰۰) :

قالَ عَلِيٌّ عليه السلام : لابُدَّ لِلْعاقِلِ مِنْ ثَـلاثٍ : أنْ يَنْظُـرَ في شَـأنِهِ ، وَ يَحْفِظَ لِسانَهُ ، وَ يَعْرِفَ زَمانَهُ .

حضرت أميرالمؤمنين عليه السلام می‌فرمود : باید عاقل همیشه در سه مورد توجّه کامل داشته باشد ، ۱ـ موقعیّت خود را بشناسد (که خود را برتر از حدّی که هست بالاتر و یا کمتر نداند) ،۲ـ زبان خود را حفظ نماید (از گفتار زشت خلاف شرع و عرف ، و یا مطلب جنجال برانگیز و یا موضوعی که اثبات آن مشکل است) ،۳ـ موقعیّت زمان خود را (از نظر فعّالیّت و سیاست) آگاهی داشته باشد .

۱۷۹ـ من لایحضر(ص:۲۱۷،ج:۴)، وسائل‌الشیعة (ص:۲۰۴،ج:۱۵)، الخصال(ص:۱۰۲)، عليّ بن أحمد بن عبدالله البرقيّ عن: أبيه، عن: جدّه عن: عمرو بن عثمان، عن : أبي جميلة المفضّل بن صالح ، عن : سعد بن طريف ، عن : الأصبغ بن نباتة ، عَنْ : عَلِيِّ بْنِ أبي‌طالِبٍ عليه السلام قالَ :

الكافى(ص:١٠،ج:١)، مرآةالعقول(ص:٣٢،ج:١)، شرح الكافى(ص:٧٧،ج:١)، جامع أحاديث الشّيعة(ص:٢٩٠،ج:١٣)، مشكاة الأنوار(ص:٢٤٨)، المحجّةالبيضاء(ص:١٧٣،ج:١)، روضة الواعظين (ص :٣) ، روضة المتّقين(ص: ٢٢٨،ج:١٣)، المحاسن(ص:١٩١) ، علىّ بن محمّد ، عن : سهل بن زياد ، عن : عمرو بن عثمان ، عن : مفضّل بن صالح ، عن : سعد بن طريف ، عن : الأصبغ بن نباتة :

أمالى الصّدوق(ص:٥٣٤) ، عن : علىّ بن أحمد بن عبد الله بن أحمد بن أبى عبد الله البرقىّ ، عن : أبيه ، عن : جدّه أحمد بن أبى عبد الله ، عن : عمرو بن عثمان ، عن : أبى جميلة المفضّل بن صالح ، عن : سعيد بن طريف ، عن : الأصبغ بن نباتة :

عَنْ : عَلِيٍّ عليه السلام قالَ : هَبَطَ جِبْرَئِيلُ (ع) عَلىٰ آدَمَ (ع) فَقالَ : يا آدَمُ، إِنّى أُمِرْتُ أَنْ أُخَيِّرَكَ واحِدَةً مِنْ ثَلاثٍ فَاخْتَرْها وَ دَعِ اثْنَتَيْنِ، فَقالَ لَهُ آدَمُ(ع) : يا جِبْرَئِيلُ؛ وَ مَا الثَّلاثُ ؟ فَقالَ : الْعَقْلُ ، وَ الْحَياءُ ، وَ الدِّينُ، فَقالَ آدمُ (ع) : إِنّى قَدِ اخْتَرْتُ الْعَقْلَ ، فَقالَ جَبْرَئِيلُ لِلْحَياءِ وَ الدِّينِ : إِنْصَرِفا وَ دَعاهُ ، فَقالا : يا جَبْرَئِيلُ ؛ إِنّا أُمِرْنا أَنْ نَكُونَ مَعَ الْعَقْلِ حَيْثُ كانَ ، قالَ : فَشَأْنُكُما وَ عَرَجَ .

حضرت أميرالمؤمنين عليه السلام مى‌فرمود : جبرئيل به حضور حضرت آدم (ع) آمد و عرض كرد: مأمور گرديده‌ام كه تو را مخيّر نمايم كه يكى از اين سه چيز را انتخاب كنى و دو چيز ديگر را رها سازى، حضرت آدم(ع) فرمود : آن سه چيز چيست ؟ عرض كرد : عقل ، حياء ، و دين ، حضرت آدم (ع) فرمود : عقل را برگزيدم ، جبرئيل به حيا و دين فرمود : برويد و عقل را تنها بگذاريد ، گفتند : به ما دستور داده شده با عقل همراه باشيم در هر كجا كه باشد ، جبرئيل گفت : اگر چنين است با او باشيد ، و خود بالا رفت .

١٠٥) إرشاد القلوب الدّيلمى(ص:٧٢،ج:١)، إرشاد القلوب المترجم(ص:١۶۶،ج:١) :

فى وَصِيَّةِ لُقْمانَ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ تَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فى كُلِّ أُمُورِكَ

يَكْفِيكَ .

از جمله سفارشها و راهنماییهای حضرت لقمان (ع) به فرزندش این بوده : ای پسرم ؛ توکّل بر خدا داشته باش در تمام امور زندگیت تا خدا کفایت تمام امور تو را بنماید .

۱۸۰ـ مشكاة الأنوار(ص:۱۷)، مستدرك الوسائل(ص:۲۱۷،ج:۱۱)، جامع الأخبار (ص: ۱۱۷)، معانی الأخبار(ص:۱۹۶)، من لایحضر(ص:۴۰۰،ج:۴)، روضة الواعظين(ص:۴۲۵)، أمالی الصّدوق(ص:۲۵۱)، عن : عليّ بن عبد الله الورّاق ، عن : سعد بن عبدالله ، عن : إبراهيم بن مهزيار ، عن : أخيه عليّ ، عن : الحسين بن سعيد ، عن : الحرث بن محمّد بن النّعمان الأحول ، عن : جميل بن صالح ، عَنِ الصّادِقِ عليه السلام ، عَنْ آبائِهِ عليهم السلام قالَ :

قالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله : مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَتْقَى النّاسِ ، فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ تَعالىٰ .

هر کسی که دوست می‌دارد که از باتقواترین مردم باشد باید (در همه امور) بر خداوند توکّل داشته باشد .

۱۰۶) إرشاد القلوب الدّيلمي(ص:۷۱،ج:۱)، إرشاد القلوب المترجم(ص:۱۶۵،ج:۱)، إثنى عشريّة (ص:۱۳۴) :

فى وَصِيَّةِ لُقْمانَ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ؛ ثَلاثَةٌ تَجِبُ مُداراتُهُمْ: الْمَرِيضُ، وَ السُّلْطانُ ، وَ الْمَرْأَةُ .

حضرت لقمان(ع) در ضمن نصیحت‌های به فرزند خود فرمود: ای پسرم؛ سه نفر هستند که لازم است مدارا نمودن با آنها : ۱ـ بیمار ، ۲ـ پادشاه (و افراد حکومتی) ، ۳ـ زن .

۱۸۱ـ المحجّةالبيضاء(ص:۴۰۱،ج:۳)، الكافی(ص:۱۱۷،ج:۲)، مرآةالعقول(ص:۲۲۸،ج:۸)، شرح الكافی(ص:۳۲۲،ج:۸)، وسائل الشّيعة(ص:۲۰۰،ج:۱۲ و ص:۲۰۸،ج:۱۶)، مستدرك الوسائل

(ص:۳۵،ج:۹)، متشابه القرآن(ص:۲۰۹)، معانی الأخبار(ص: ۳۸۶)، بحارالأنوار(ص:۶۹ ،ج:۲ و ص:۱۳۵،ج:۱۳ و ص:۲۱۳،ج:۱۸ و ص:۳۹۶ و ص:۴۴۰،ج:۷۵)، أبوعليّ الأشعريّ ، عن : محمّد بن عبد الجبّار ، عن : محمّد بن إسماعيل بن بزيع ، عن : حمزة بن بزيع ، عن : عبد الله بن سنان :

عَنْ : أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قالَ : قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم : أَمَرَنِى رَبِّى بِمُداراةِ النّاسِ كَما أَمَرَنِى بِالْفَرائِضِ .

حضرت صادق (ع) می‌فرمود : رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرموده : پروردگارم مرا دستور و أمر به مدارا با مردم فرموده همچنانکه مرا دستور و أمر به أنجام واجبات فرموده .

۱۸۲ـ تحف العقول(ص:۴۷)، بحارالأنوار(ص:۱۵۳،ج:۷۷) :

عَنِ : الرَّسُولِ صلى الله عليه وآله وسلم أَنَّهُ قالَ : أُمِرْتُ بِمُداراةِ النّاسِ كَما أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِ الرِّسالَةِ .

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم می‌فرمود : دستور به من داده شده که با (أخلاق بد و رفتار زشت و شیوه ناپسند) مردم مدارا کنم ، همچنانکه دستور تبلیغ رسالت به من داده شده .

۱۸۳ـ أمالي الصّدوق (ص :۲۸) ، عن : محمّد بن أحمد السّنانيّ ، عن : محمّد بن أبي عبد الله الكوفيّ ، عن : موسى بن عمران النّخعيّ ، عن : عمّه الحسين بن يزيد ، عن : محمّد بن سنان ، عن : المفضّل بن عمر ، عن : يونس بن ظبيان :

عَنِ : الصّادِقِ عليه السلام عَنْ : آبائِهِ عليهم السلام إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم قالَ : أَعْقَلُ النّاسِ أَشَدُّهُمْ مُداراةَ النّاسِ .

حضرت رسول صلى الله عليه وآله وسلم می‌فرموده : داناترین مردم آن کسی است که مدارا (و مراعات و احترام) با مردم را بیشتر داشته باشد .

در دستورات اسلامی آمده هرگاه مسلمانی بیمار شد تا سه روز ابراز

نکند ، مگر در موارد ضروری و نیازمندی ، که احتیاج به کمك دیگران باشد از نظر فکری و یا مالی .

بیمار بواسطه کسالت داشتن ، تشنه محبّت می‌شود ، از اینجهت دستور داده شده که از او عیادت شود و در حقّ او دعا و طلب شفا از خدا گردد، و از او خواسته شود تا در حقّ عیادت کنندگان دعا نماید، که دعای او مستجاب است .

۱۸۴ـ أمالی الصّدوق(ص:)، مکارم الأخلاق(ص:۳۶۱)، المحجّةالبیضاء(ص:۴۱۱،ج:۳)، الکافی (ص:۱۱۷،ج:۳)، مرآةالعقول(ص:۲۷۰،ج:۱۳) ، محمّد بن یحیی ، عن : أحمد بن محمّد ، عن : محمّد بن خالد ، عن : القاسم بن محمّد ، عن : عبد الرحمن بن محمّد ، عن : سیف بن عمیرة قال :

قالَ أَبُوعَبْدِاللهِ عليه السلام إذا دَخَلَ أَحَدُكُمْ عَلىٰ أَخِيهِ عائِداً لَهُ فَلْيَسْأَلْهُ (أَنْ) يَدْعُوْ لَهُ ، فَإِنَّ دُعاءَهُ مِثْلُ دُعآءِ الْمَلائِكَةِ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : هر زمانی که یك نفر از شما به دیدار برادر بیمار خود رفتید از او بخواهید که دعا در حقّ شما کند ، زیرا : دعای او همانند دعای ملائکه است (و مستجاب می‌گردد، چون نیروی غضب و شهوت شکسته شده و توجّه به خدا دارد) .

۱۸۵ـ بحارالأنوار(ص:۲۱۷،ج:۸۱)، ثواب الأعمال(ص: ۲۳۰)، مکارم الأخلاق(ص:۳۶۱)، المحجّةالبیضاء(ص:۴۱۱،ج:۳)، أعلام الدّین (ص:۳۹۸)، الدّعوات للرّاوندی(ص:۲۲۲)، أمالی الصّدوق(ص:)، وسائل الشّیعة(ص: ۴۲۰،ج:۲) ، محمّد بن علی بن الحسین ، عن : أبیه ، عن: سعد بن عبد الله ، عن : منصور ، عن : أحمد بن محمّد ، عن : فضیل ، عن : أبی‌عبیدة :

عَنْ : أَبِيْ عَبْدِ اللهِ عليه السلام قالَ : مَنْ عادَ مَرِيضاً فِي اللهِ لَمْ يَسْأَلِ الْمَرِيضُ لِلْعائِدِ شَيْئاً إلاَّ اسْتَجابَ اللهُ لَهُ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : هر که عیادت کرد بیماری را برای خوشنودی خدا ، بیمار برای عیادت کننده هر چه که (خارج از حکمت و نظام

خلقت نباشد) از خدا بخواهد ، خداوند مستجاب و عطا خواهد فرمود .

و مستحبّ است هنگام عیادت برای بیمار هدیه‌ای برده شـــود ، چنانکـه نقل شده :

۱۸۶ـ مکارم الأخلاق(ص:۳۶۱)، الكافي(ص:۱۱۸،ج:۳)، مرآة العقـــول(ص:۲۷۱،ج:۱۳)، بحارالأنوار(ص:۲۲۷ج:۸۱)، المحجّة البيضآء(ص:۴۱۱،ج:۳)، وسائل الشّيعة(ص:۴۲۷،ج:۲)، محمّد بن يحيى، عن: موسى بن الحسن، عن: أبي العبّاس الفضل بن عامر، عن: موسى بن القاسم :

عَنْ: أَبِي زَيْدٍ قالَ : أَخْبَرَنِيْ مَوْلىٰ لِجَعْفَرٍ عليه السلام قالَ : مَرِضَ بَعْـــضُ مَوالِيهِ فَخَرَجْنا إِلَيْهِ نَعُودُهُ، وَ نَحْنُ عِدَّةٌ مِنْ مَوالِيْهِ فَاسْتَقْبَلَنا جَعْفَرٌ عليه السلام فى بَعْضِ الطَّرِيْقِ، فَقالَ لَنا: أَيْنَ تُرِيْدُونَ ؟ فَقُلْنا: نُرِيدُ فُلاناً نَعُودُهُ، فَقالَ لَنا : قِفُوا؟ فَوَقَفْنا، فَقالَ : مَعَ أَحَدِكُمْ تُفّاحَةٌ أَوْ سَفَرْجَلَةٌ أَوْ أُتْرُجَةٌ أَوْ لُعْقَةٌ مِنْ طِيْبٍ أَوْ قِطْعَةٌ مِنْ عُودِ بُخُورٍ ، فَقُلْنا : ما مَعَنا شَئٌ مِنْ هذا ، فَقالَ : أَما تَعْلَمُونَ أَنَّ الْمَرِيضَ يَسْتَرِيحُ إِلىٰ كُلِّ ما أُدْخِلَ بِهِ عَلَيْهِ ؟!

یکی از أصحاب حضرت صـــادق عليه السلام گویـد: یـك نفـر از أصحـاب آن حضرت بیمار شد و ما چند نفر بودیم که به عیادت او می‌رفتیـم، و در بـین راه خدمت آن حضرت رسیدیم، از ما پرسیدند: به کجـا می‌رویـد؟ عـرض کـردیم: فلانی بیمار شده به عیادت او می‌رویم، فرمود: أندکی بایستید، پس از ایســتادن ما فرمود: آیا به همراه خود مقداری سیب و یا گلابی و یـا ترنـج و یـا قـدری عطریّات و یا تکّه چوب عود دارید؟ عرض کردیم: هیچ یك از اینها را به همـراه نداریم، آن حضرت فرمود: مگر نمی‌دانید کـه بیمـار خورسـند و آرامشـی پیـدا می‌کند به آنچه که برای او برده می‌شود .

و هنگامی که به عیادت بیماری رفتیم باید نشســتن و توقّـف مـا بسـیار أندك باشد چنانکه روایت شده :

۱۸۷ـ مكارم الأخلاق(ص:۳۶۰)، الكافي(ص:۱۱۸،ج:۳)، مرآة العقول(ص:۲۷۲،ج:۱۳)، المحجّة البيضاء(ص:۴۱۲،ج:۳)، وسائل الشيعة(ص:۴۲۶،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۲۱۴،ج:۸۱)، قرب الاسناد(ص:۳۰)، عليّ بن إبراهيم، عن: هارون بن مسلم، عن: مسعدة بن صدقة :

عَنْ : أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قالَ : إنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قالَ : إنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْعُوّادِ أَجْراً عِنْدَ اللهِ عزّوجلّ لِمَنْ إذا عادَ أَخاهُ خَفَّفَ الْجُلُوسَ ، إلاّ أَنْ يَكُونَ الْمَرِيضُ يُحِبُّ ذلِكَ وَ يُرِيدُهُ وَ يَسْأَلُهُ ذلِكَ .

حضرت صادق عليه السلام مى‌فرمود : حضرت أمير المؤمنين عليه السلام فرموده : بزرگترين أجر را در پيشگاه خداى عزّوجلّ عيادت كننده بيمارى دارد كه مدّت نشستن و بودن او نزد بيمار أندك باشد ، مگرآنكه بيمار دوست بدارد و بخواهد و درخواست ماندن نمايد .

۱۸۸ـ الكافي(ص:۱۱۷،ج:۳)، مرآة العقول(ص:۲۷۱،ج:۱۳)، وسائل الشيعة(ص:۴۲۵،ج:۲)، المحجّةالبيضاء(ص:۴۱۲،ج:۳)، عليّ بن إبراهيم، عن: أبيه، عن: عبدالله بن المغيرة، عن: عبدالله بن سنان :

عَنْ : أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قالَ : الْعِيادَةُ قَدْرُ فَواقِ ناقَةٍ أَوْ حَلْبِ ناقَةٍ .

حضرت صادق عليه السلام مى‌فرمود : ماندن نزد بيمار به عنوان عيادت بايد بقدر مدّت خوابيدن و بلافاصله برخواستن، و يا به مقدار دوشيدن يك شتر باشد .

۱۸۹ـ وسائل الشيعة (ص:۴۲۶،ج:۲)، الكافي(ص:۱۱۸،ج:۳)، مرآة العقول(ص:۲۷۱،ج:۱۳)، عدّة من أصحابنا ، عن : سهل بن زياد ، عن : محمّد بن سليمان ، عن : موسى بن قادم ، عن : رجل :

عَنْ : أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قالَ : تَمامُ الْعِيادَةِ لِلْمَرِيضِ أَنْ تَضَعَ يَدَكَ عَلى ذِراعِهِ (لِلدُّعاءِ) ، وَ تُعَجِّلَ الْقِيامَ مِنْ عِنْدِهِ ، فَإنَّ عِيادَةَ النَّوْكى أَشَدُّ عَلَى الْمَرِيضِ مِنْ وَجَعِهِ .

حضرت صادق عليه السلام مى‌فرمود : طرز و شيوه عيادت بيمار آنست كه (در صورت امكان و أذيّت نبودن) دست بر شانه بيمار گذاشته و در حقّ او دعا

نمایی ، و هر چه زودتر باید از نزد بیمار بپا برخیزی (زیرا : بیمار گاهی خسته می‌شود ، و گاهی مشکلاتی دارد که باعث خجلت او است) به جهت آنکه بعضی از أفراد نادان أحمق مدّت زیادی نزد بیمار می‌نشینند تا جایی که نشستن او برای بیمار دردناکتر از دردی است که دارد .

۱۰۷) بحارالأنوار(ص:۴۲۶،ج:۷۱ و ص:۱۷۸،ج:۷۴)، الاختصاص(ص:۲۴۶)، السّعادة الأبديّة(ص:۷۰)، عقد الفريد(ص:۱۱۹،ج:۲)، تحف العقول (ص:۳۲۹)، عَن : الصّادِقِ عليه السلام :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) : ثَلاثَةٌ لايُعْرَفُونَ إلاّ فِى ثَلاثَةِ مَواضِعَ : لايُعْرَفُ الْحَلِيمُ إلاّ عِنْدَ الْغَضَبِ ، وَ لايُعْرَفُ الشُّجاعُ إلاّ فِى الْحَرْبِ (الْخَوْفِ خ ـ ل)، وَ لاتَعْرِفُ أخاكَ إلاّ عِنْدَ حاجَتِكَ إلَيْهِ .

حضرت لقمان (ع) می‌فرموده : سه نفر هستند که شناخته نمی‌شوند مگر در سه مورد : ۱ـ شناخته نمی‌شود شخص حلیم و بردبار مگر موقع خشم و غضب ، ۲ـ شناخته نمی‌شود شخص شجاع مگر در میدان جنگ، ۳ـ نمی‌شناسی برادر (دینی) را مگر موقعی که به او نیازمند شدی (در وقت پیش‌آمدهای ناگوار و ترسناك) .

۱۰۸) الإختصاص(ص :۳۳۷)، وسائل الشّيعة(ص:۱۱۲ و ص:۱۱۳،ج:۷)، مستدرك الوسائل (ص:۲۴۴،ج:۵ و ص:۴۲۹،ج:۸)، دلائل الإمامة(ص:۵۶)، روضة الواعظين(ص:۳۲۹،ج:۲)، علل الشّرايع(ص:۱۸۱ و ص:۱۸۲)، كشف الغمّة(ص:۴۶۸)، بحارالأنوار(ص: ۴۲۸،ج:۱۳ و ص:۸۱ و ص :۸۲ ،ج:۴۳ و ص :۳۱۳،ج :۸۹) ، عن : الأوزاعيّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَىَّ ؛ الْجارُ ثُمَّ الدّارُ .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرمود : پسرم ؛ أوّل همسایه سپس خانه .

آری ؛ پیش از خریدن منزل و باغ و کارگاه و کارخانه و مغازه و یا ساختن آن ، باید همسایگان آن منزل و مکان را بررسی و تحقیق کرد که أفرادی

متديّن هستند و يا آلوده به گناه ، زيرا : رفتار و كردار مردم ساكن در محل تأثير بسزايى دارند در زندگى و فرزندان و آبروى ما .

۱۹۰ـ بحارالأنوار(ص:۱۱۰،ج:۲۵ و ص:۳۹،ج:۷۲ و ص:۱۵۰،ج:۷۴ و ص:۳۳۸،ج:۷۵ و ص:۵۵،ج:۷۷)، إثنى عشريّة(ص:۱۵۲)، المحاسن(ص:۹۴)، وسائل الشيعة(ص:۱۳۱،ج:۱۲)، من لا يحضر (ص:۳۶۵،ج:۴)، مكارم الأخلاق(ص:۴۴۰)، روضة الواعظين(ص:۳۸۷،ج:۲)، الخصال(ص:۲۰۶)، محمّد بن عليّ بن الشاة ، عن : أبي حامد (خالد) ، عن : أبي يزيد ، عن : محمّد بن أحمد بن صالح التميميّ ، عن : أبيه ، عن : أنس بن محمّد ، عن : أبيه :

عَنِ الصّادِقِ عليه السلام : عَنْ : آبائِهِ عليهم السلام عَنْ : عَلِيٍّ عليه السلام قالَ : قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم فى وَصِيَّتِهِ لِعَلِيٍّ عليه السلام : يا عَلِيُّ ؛ أَرْبَعَةٌ مِنْ قَواصِمِ الظَّهْرِ : إمامٌ يَعْصِى اللهَ وَ يُطاعُ أَمْرُهُ ، وَ زَوْجَةٌ يَحْفَظُها زَوْجُها وَ هِىَ تَخُونُهُ ، وَ فَقْرٌ لايَجِدُ صاحِبُهُ لَهُ مُداوِياً ، وَ جارُ سُوءٍ فى دارِ مَقامٍ .

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم در ضمن سفارشهاى خود به حضرت على عليه السلام فرموده: اى على؛ چهار چيز است كه از جمله چيزهايى است كه كمر را مى‌شكنند، ۱ـ رهبرى كه نافرمانى خدا مى كند در حالى كه مردم دستوراتش را اطاعت مى‌كنند و انجام مى‌دهند (كه مردم را به گمراهى مى‌كشاند و مردم مى‌پذيرند) ، ۲ـ زنى كه شوهرش از هر جهت او را حفظ مى‌كند و لوازم و مايحتاج زندگى او را (آنچه نياز دارد) فراهم مى‌نمايد ، در حالى كه آن زن به شوهرش خيانت (مالى و يا ناموسى) مى‌كند ، ۳ـ فقر و تهى‌دستى كه گرفتار شده به آن و راه اصلاح و چاره‌انديشى ندارد ، ۴ـ همسايه بد در جايى كه انسان نمى‌تواند از همسايگى او (در محلّ كسب و يا سكونت) فرار كند و راه علاج را بسته مى‌بيند .

۱۹۱ـ تحف‌العقول(ص:۵۱۷)، بحارالأنوار(ص:۳۷۲،ج:۷۸)، وسائل الشيعة(ص:۱۳۱،ج:۱۲) :

قالَ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ عليه السلام : مِنَ الْقَواقِرِ الَّتى تَقْسِمُ الظَّهْرَ جارٌ إنْ

رَأىٰ حَسَنَةً أَطْفَأَهَا ، وَ إنْ رَأىٰ سَيِّئَةً أَفْشاهَا .

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرمود : از جمله بلاهای کمرشکن ؛ همسایه‌ای است که اگر کارهای خیر را ببیند پنهان و آثار آن را خاموش نماید، و اگر کارهای بد و زشت را مشاهده کند آن را فاش و شایع سازد .

۱۰۹) بحارالأنوار(ص:۲۰۴،ج:۱)، المحجة‌البیضاء(ص:۳۱۴،ج:۳)، روضةالواعظین(ص:۱۱)، مشکاة الأنوار(ص:۲۵۶)، قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ :

تنبیه الخواطر(ص:۸۳ ، تلخیصاً)، تفسیرالقمّیّ(ص:۱۶۴،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۴۱۱،ج:۱۳)،

علیّ بن إبراهیم، عن: أبیه، عن: القاسم بن محمّد الإصفهانیّ، عن: سلیمان بن داود المنقریّ، عن: حمّاد قال:

سَأَلْتُ أَباعَبْدِاللهِ علیه السلام عَنْ : لُقْمانَ وَ حِكْمَتِهِ ؟ قالَ علیه السلام : كانَ فِيما وَعَظَ بِهِ : يا بُنَيَّ ؛ جالِسِ الْعُلَماءَ وَ زاحِمْهُمْ بِرُكْبَتَيْكَ ، وَ أَنْصِتْ إِلَيْهِمْ بِأُذُنَيْكَ ، وَ لاتُجادِلْهُمْ فَيَمْنَعُوكَ [فَإِنَّ اللهَ عزّوجلّ يُحْيِي الْقُلُوبَ بِنُورِ الْحِكْمَةِ كَما تُحْيِي الْأَرْضَ الْمَيْتَةَ بِوابِلِ السَّماءِ] .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : همنشین باش با علماء ، و دو زانو در حضور آنان بنشین ، و دو گوش (ظاهری و باطنی) خود را برای شنیدن بیانات ایشان آماده کن، و با ایشان مجادله نکن که تو را بواسطه جدال کردن از علم محروم خواهند کرد ، و بدان که خدای عزّوجلّ زنده می‌کند دلها را به نور حکمت و معرفت همچنانکه زنده می‌کند زمین مرده (بی آب و علف) را با قطرات ملایم باران از آسمان .

تأیید می‌نماید گفتار حضرت لقمان (ع) را بیان شریف حضرت علی علیه السلام :

۱۹۲ـ غررالحکم(ص:۳۷۳،ج۳) :

قالَ عَلِيٌّ علیه السلام : جالِسِ الْعُلَماءَ يَزْدَدْ عِلْمُكَ ، وَ يَحْسُنَ أَدَبُكَ ، وَ تَزْكُ نَفْسُكَ .

حضرت علی علیه السلام فرموده : همنشینی کن همیشه با علما تا زیاد گردد علم تو ، و نیکو شود أدب تو ، و تزکیه گردد نفس تو (از أخلاق رذیله) .

إثنی عشريّة(ص:۲۹۴) :

إعْلَمْ؛ أنَّ طالِبَ الْعِلْمِ يَحْتاجُ إلىٰ ثَمانَ خِصالٍ : أوَّلُها : السُّؤالُ ، ثُمَّ الصَّمْتُ، ثُمَّ الإسْتِماعُ ، ثُمَّ التَّفَكُّرُ، ثُمَّ الْعَمَلُ، ثُمَّ طَلَبُ الصِّدْقِ مِنْ نَفْسِهِ ، ثُمَّ كَثْرَةُ الذِّكْرِ إنَّهُ مِنْ نِعَمِ اللهِ ، ثُمَّ تَرْكُ الْإعْجابِ بِما يُحْسِنُهُ .

حقّ و واقعیّت مطلب اینست که طالب علم به هشت خصلت نیازمند است : ۱ـ پرسش مطالب علمی (از عالم)، ۲ـ خاموش بودن (هنگام شنیدن جواب و موقع درس گرفتن) ، ۳ـ خوب گوش دادن ، ۴ـ فکر نمودن (در مطالبی که عالم می‌فرماید و در طرز و شیوه درس خواندن و مطالعه کردن)، ۵ ـ عمل کردن به آنچه که یاد می‌گیرد و می‌خواند، ۶ ـ براستی و راستگویی عادت کردن، ۷ـ بسیار یاد نمودن به اینکه علم از نعمت ارزشمند خداوند است ، ۸ ـ به هر چه که می‌آموزد عجب و خودپسند و خود برتربین نباشد .

۱۹۳ـ الكافی(ص:۳۷،ج:۱)، مرآة العقول(ص:۱۲۳،ج:۱)، شرح الكافی(ص:۹۶،ج:۲)، الخصال (ص:۵۰۴)، وسائل الشّيعة(ص:۲۱۴،ج:۱۲)، عدّة الدّاعی(ص: ۸۰)، المحاسن (ص:۲۳۳ بتلخيص و تقديم و تأخير)، بحارالأنوار (ص:۴۳ و ص:۴۴،ج:۲) باختلاف، إرشادالمفيد(ص:۱۱۱)، إرشاد القلوب الدّيلمی(ص:۱۶۳)، المحجّةالبيضاء(ص:۱۱۴،ج:۱ قطعة من الحديث)، الصّدوق ، عن : أبی القاسم الحسن بن محمّد بن سعيد الهاشمیّ الكوفیّ، عن: محمّد بن إبراهيم القطفانیّ، عن: جعفر بن محمّد بن هشام الورّاق، عن: علیّ بن محمّد السّدوسیّ، عن: الحسين بن علوان، عن: عبدالله بن الحسن، عن: أبيه الحسن المثنّی :

عَنْ : أبِيْهِ الْحَسَنِ الْمُجْتَبى عليه السلام عَنْ : أبِيْهِ عَلِيٍّ عليه السلام قالَ : إنَّ مِنْ حَقِّ الْعالِمِ أنْ لاتُكْثِرَ السُّؤالَ عَلَيْهِ، وَ لاتَسْبِقَهُ فِى الْجَوابِ، وَ لاتُلِحَّ عَلَيْهِ إذا أعْرَضَ ، وَ لاتَأخُذَ بِثَوْبِهِ إذا كَسِلَ ، وَ لاتُشِيرَ إلَيْهِ بِيَدِكَ ، وَ لاتَغْمِزَهُ

بِعَیْنِكَ ، وَ لاتُسَارَهُ فی مَجْلِسِهِ ، وَ لاتَطْلُبَ عَوْرَاتَهُ ، وَ أَنْ لا تَقُولَ : قَالَ فُلانٌ خِلافَ قَوْلِكَ ، وَ لاتُفْشِیَ لَهُ سِراً ، وَ لا تَغْتابَ عِنْدَهُ أَحَداً ، وَ أَنْ تَحْفَظَ لَهُ شاهِداً وَ غائِباً ، وَ أَنْ تَعُمَّ الْقَوْمَ بِالسَّلامِ وَ تَخُصَّهُ بِالتَّحِیَّةِ ، وَ تَجْلِسَ بَیْنَ یَدَیْهِ ، وَ إِنْ كانَتْ لَهُ حاجَةٌ سَبَقْتَ الْقَوْمَ إِلی خِدْمَتِهِ ، وَ لاتَمَلَّ مِنْ طُولِ صُحْبَتِهِ ، فَإِنَّما هُوَ مِثْلُ النَّخْلَةِ ، فَانْظُرْ مَتی تَسْقُطُ عَلَیْكَ مِنْها مَنْفَعَةٌ ، وَ الْعالِمُ بِمَنْزِلَةِ الصّائِمِ الْقائِمِ الْمُجاهِدِ فی سَبِیلِ اللهِ ، وَ إِذا ماتَ الْعالِمُ إِنْثَلَمَ فی الإِسْلامِ ثُلْمَةٌ لاتُسَدُّ إِلیٰ یَوْمِ الْقِیامَةِ ، وَ إِنَّ طالِبَ الْعِلْمِ لَیُشَیِّعُهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنْ مُقَرَّبِی السَّمآءِ .

حضرت امام حسن مجتبیعليه‌السلام می‌فرموده: پدرم حضرت أمیرالمؤمنینعليه‌السلام فرمود: از جمله حقّ عالـم (و استاد) بر تو آنست که : بسیار (و بیش از حدّ) از او پرسش نکن (مخصوصاً چیزهایی که فایده ندارد) ، و پیشی نگیر در جواب دادن (اگر کسی از او پرسشی کرد)، و اصرار بر جواب دادن نداشته باش هرگاه خسته شد و یا نخواست به مناسبتی جواب گوید ، و لباس او را مگیر و نکشان هرگاه کسل و خسته باشد ، و با دست به طرف او اشاره نکن، و با چشم بسوی او اشاره نکن ، و حرکات نامناسب نکن در مجلس او ، و در جستجوی عیب و نقص و لغزشهای او نباش ، و به او نگو که فلان شخص بر خلاف گفته شما می‌گوید ، و أسرار زندگی و أخلاقی او را فاش و آشکار و بازگو نکن ، و در حضور او غیبت کسی منما، و از هر جهت موقعیّت و شخصیت و آبروی او را حفظ کن خواه در حضور او باشد و یا در غیاب، دیگران را سلام کن و او را تحیّتی بیشتر بنما، و همیشه در جلو روی او بنشین، و اگر حاجتی داشت تو زودتر از دیگران أنجام بده، و هیچگاه ملال خاطر نداشته باش از طولانی شدن گفتار او و نشستن در حضور او ، زیرا : عالِم همانند درخت میوه‌دار است که هر

لحظه میوه رسیده از شاخه‌های آن می‌ریزد و تو بهـره خواهـی بـرد ، و عـالِم همانند شخص روزه‌دار و نمازگزار است که قیـام و اقـدام و جـهاد در راه خـدا می‌نماید (تا أحکام الهی زنده بماند، به همین جهت :) هرگاه دانشمند دینی از دنیا برود رخنه‌ای در اسلام پدید آید که بسته نمی‌شود تا روز قیامت ، و اگر طـالب علم دینی بمیرد ، و در تشییع جنازه او هفتاد هزار فرشته از فرشتگان مقـرّب در پیشگاه خداوند شرکت خواهند داشت .

۱۱۰) الإختصاص (ص:۳۳۷)، بحارالأنوار (ص:۴۲۸،ج :۱۳) ، عن : الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَـیَّ ؛ جـاوِرِ الْمَسـاكِينَ ، وَ اخْصُـصِ الْفُقَرآءَ وَ الْمَساكِينَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : پسرم ؛ همسـایه و همنشـین و معاشر باش با مساکین (از هر ملّت و مذهبی که از نظر ثروت ضعیف هسـتند و اظهار فقر نمی‌کنند) و مخصوصاً با نیازمندان و مساکین از پیروان دین بـر حـقّ (در هر زمان) .

۱۱۱) قصص الأنبیآء(ص:۱۹۰)، مستدرك الوسائل(ص:۱۶ و ص:۵۷ ،ج:۱۳)، بحارالأنوار (ص:۴۱۶،ج:۱۳) ، الصّدوق ؛ عن : أبیه ، عن : سعد بن عبد الله ، عن : ابن عیسی، عن : أبیه ، عن : درست ، عن : إبراهیم بن عبد الحمید ، عَنْ : أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قالَ : كانَ لُقْمانُ (ع) يَقُولُ لِابْنِهِ : (بِتَقْدِيمٍ وَ تَأْخِيرٍ) :

تنبیه الخواطر (ص:۷۹)، تفسیر القمّیّ(ص:۱۶۴،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۴۱۱،ج:۱۳)، علیّ بن إبراهیم ، عن : أبیه ، عن : القاسم بن محمّد الإصفهانیّ، عن: سلیمان بن داود المنقریّ، عن: حمّاد قال :

سَأَلْتُ أَباعَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ لُقْمانَ (ع) وَ حِكْمَتِهِ ؟ قالَ عليه السلام : كـانَ فِيما وَعَظَ بِهِ : يا بُنَيَّ ؛ خُذْ مِنَ الدُّنْيا بَلاغاً ، وَ لاتَرْفِضْهَا فَتَكُونَ عِيـالاً عَلَى النّاسِ ، وَ لاتَدْخُلْ فِيها دُخُولاً يَضُرُّ بِآخِرَتِكَ .

حمّاد گوید : از حضرت صادقعليه السلام درباره حضرت لقمان (ع) و راهنمایی‌های او پرسیدم، آن حضرت فرمود: از جمله نصیحت و راهنمایی‌هایش این بوده که : فرزندم ؛ بگیر از دنیا (و فعّالیّت کن برای بدست آوردن آن) بقدری که بدستت می‌رسد و زندگی ساده تو را تأمین کند ، و مبادا آنچنان دنیا را رها کنی (و فعّالیّت و کار و کوشش نداشته باشی) تا جایی که نان خور مردم شوی (و سربار جامعه و از دسترنج مردم بطور رایگان استفاده نمایی) ، و نباید به حدّی به دنیا دل ببندی که به آخرت تو ضرر وارد آید (به ندادن وجوهات شرعیّه و مساعدت با فقراء و ناتوانان نداشتن) .

تأیید می‌نماید سفارش آن حضرت را روایت ذیل:

۱۹۴ـ الكافي(ص:۷۲،ج:۵)، مرآة العقول(ص:۱۴،ج:۱۹)، التهذيب(ص:۴،ج:۷)، وسائل الشّيعة(ص:۳۳،ج:۱۷) ، أحمد بن محمّد بن عيسى ، عن : أبي عبد الله ، عن : عبد الرّحمن بن محمّد ، عن : الحارث بن بهرام ، عن : عمرو بن جميع قال :

من لايحضر(ص:۱۶۶،ج:۳)، روضة المتّقين(ص:۴۴۹،ج:۶)، ثواب الأعمال(ص:۲۱۵)، بحار الأنوار(ص:۷،ج:۱۰۳)، الصّدوق ؛ أبي ، عن : سعد بن عبد الله ، عن : أحمد بن أبي عبد الله البرقيّ ، عن : أبيه ، عن : عبد الرحمن بن محمّد ، عن : الحارث بن بهرام ، عن : عمرو بن جميع قال :

سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللهِعليه السلام يَقُولُ : لاخَيْرَ فِي مَنْ لايُحِبُّ جَمْعَ الْمالِ مِنَ الْحَلالِ فَيَكُفُّ بِهِ وَجْهَهُ ، وَ يَقْضِي بِهِ دَيْنَهُ ، وَ يَصِلُ بِهِ رَحِمَهُ .

عمرو گوید : شنیدم از حضرت صادقعليه السلام که می‌فرمود : خیری نیست در زندگی کسی که دوست ندارد بدست بیاورد و جمع نماید ثروت و سرمایه‌ای را از کسب حلال تا آبروی خود را حفظ کند ، و حقّ و حقوقی که بر عهده او گذاشته شده أدا نماید ، و صله رحم بنماید .

۱۹۵ـ التهذيب(ص:۳۲۷،ج:۶)، الكافي (ص:۷۲،ج:۵)، مرآة العقول(ص:۱۴،ج:۱۹)، من

لایحضر(ص:۱۶۸ و ص:۵۵۵ ،ج:۳)، روضة المتقین(ص:۳۶۰،ج:۶ و ص:۲۳۶،ج:۹)، المحجّة البیضاء (ص:۱۱۰،ج:۲ و ص:۱۴۳،ج:۳)، وسائل الشّیعة(ص:۳۲ وص:۶۸،ج:۱۷ و ص:۱۷۱،ج:۲۰ و ص:۵۴۳، ج:۲۱)، بحارالأنوار(ص:۱۴۲،ج: ۷۷)، تحف العقول(ص:۳۷)، لئالی الأخبار(ص:۲۷۵ و ص:۲۸۱،ج: ۳)، علیّ بن محمّد بن بندار، عن: أحمد بن أبی عبدالله، عن: أبی الخزرج الأنصاریّ، عن: علیّ بن غراب :

عَنْ : أبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قالَ : قالَ رَسُولُ الله صلى الله عليه وآله : مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ألْقىٰ كَلَّهُ عَلَى النّاسِ ، [مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يَعُولُ] .

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده : ملعون و از رحمت خدا دور است کسی که مخارج زندگی خود را بر دیگران تحمیل نماید (و بطور رایگان از دسترنج آنها بگیرد) ملعون و از رحمت خدا دور است کسی که ضایع کند و رها سازد کسانی را که نانخور او هستند .

۱۱۲) لئالی الأخبار(ص :۱۰۷،ج:۱)، جامع الأخبار(ص:۱۱۳)، تحف العقول (ص: ۳۹۵)، بحارالأنوار(ص:۳۸۴،ج:۷۰)، أمالی الصّدوق (ص:۶۶۸،ج:۱)، عن: محمّد بن موسی بن المتوکّل، عن : علیّ بن الحسین السّعدآبادی، عن : أحمد بن أبی عبد الله البرقیّ ، عن : علیّ بن محمّد القاسانیّ ، عن : القاسم بن محمّد الإصفهانیّ، عن: سلیمان بن داود المنقریّ، عن: حمّاد بن عیسی، عن: الصّادق عليه السلام :

تفسیر القمّی(ص:۱۶۴،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۴۱۲،ج:۱۳)، علیّ بن إبراهیم، عن: أبیه، عن: القاسم بن محمّد الإصفهانیّ ، عن : سلیمان بن داود المنقریّ ، عن : حمّاد بن عیسی قال :

سَألْتُ أباعَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ لُقْمانَ(ع) وَ حِكْمَتِهِ؟ قالَ عليه السلام : كانَ فِيما وَعَظَ بِهِ : يا بُنَيَّ؛ خَفِ اللهَ خَوْفاً لَوْ أتَيْتَ يَوْمَ الْقِيامَةِ بِبِرِّ الثَّقَلَيْنِ خِفْتَ أنْ يُعَذِّبَكَ ، وَ أرْجُ اللهَ رَجاءً لَوْ وافَيْتَ الْقِيامَةَ بِإثْمِ الثَّقَلَيْنِ رَجَوْتَ أنْ يَغْفِرَ اللهُ لَكَ .

فقالَ لَهُ إبْنُهُ: يا أبَهْ؛ وَ كَيْفَ أطِيقُ هَذا وَ إنَّما لِيْ قَلْبٌ واحِدٌ؟ فَقالَ لَهُ لُقْمانُ : يا بُنَيَّ ؛ لَوْ اسْتُخْرِجَ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ فَشُقَّ لَوُجِدَ فِيهِ نُورانِ : نُورٌ

لِلْخَوْفِ ، وَ نُورٌ لِلرَّجآءِ ، لَوْ وُزِنا ما رَجَحَ أَحَدُهُما عَلَى الآخَرِ بِمِثْقالِ ذَرَّةٍ، فَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللهِ يُصَدِّقُ ما قالَ اللهُ، وَ مَنْ يُصَدِّقْ ما قالَ اللهُ يَفْعَلُ ما أَمَرَ اللهُ ، وَ مَنْ لَمْ يَفْعَلْ ما أَمَرَ اللهُ لَمْ يُصَدِّقْ مَا قَالَ اللهُ ، فَإِنَّ هذِهِ الأَخْلاقَ يَشْهَدُ بَعْضُها لِبَعْضٍ ، فَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللهِ إِيماناً صادِقاً يَعْمَلْ لِلّهِ خالِصاً ناصِحاً ، وَ مَنْ يَعْمَلْ لِلّهِ خالِصاً ناصِحاً فَقَدْ آمَنَ بِاللهِ صادِقاً ، وَ مَنْ يُطِعِ اللهَ خافَهُ، وَ مَنْ خافَهُ، فَقَدْ أَحَبَّهُ ، وَ مَنْ أَحَبَّهُ إِتَّبَعَ أَمْرَهُ ، وَ مَنِ اتَّبَعَ أَمْرَهُ اسْتَوْجَبَ جَنَّتَهُ وَ مَرْضاتَهُ ، وَ مَنْ لَمْ يَتَّبِعْ رِضْوانَ اللهِ فَقَدْ هانَ عَلَيْهِ سَخَطُهُ ، نَعُوذُ بِاللهِ مِنْ سَخَطِ اللهِ .

حمّاد گوید : از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم از سخنان حکیمانه حضرت لقمان (ع) فرمود : از جمله نصیحت و پندهای آن حضرت به فرزندش این بوده که فرموده : ای پسرم ؛ بترس از خدا آنچنان ترسی که اگر در روز قیامت تمام خوبی‌های همه انسانها و أجنّه را داشته باشی ، و بیاوری ، بترسی که تو را عذاب کند ، و آنقدر امّیدوار به خدا باش که اگر وارد قیامت شوی و گناه تمام انسانها و أجنّه را داشته باشی ، خدا تو را بیامرزد .

فرزندش گفت : ای پدر؛ چگونه اینچنین می‌توانم باشم (که در قلب ترس و امّید هر دو باشد) با اینکه دارای یك قلب هستم ؟ حضرت لقمان (ع) فرمود : ای پسرم ؛ اگر بیرون آورده شود قلب مؤمن و شکافته شود ، در میان آن دو نور دیده می‌شود ، نوری برای ترس و نوری برای امّید ، که اگر با یکدیگر موازنه شوند هیچ کدام بر دیگری ترجیح ندارد حتّی بقدر ذرّه بسیار کوچکی ، بنابراین هر کسی که ایمان به خدا دارد تصدیق می‌نماید آنچه را که خداوند فرموده است ، و هر کس تصدیق کند آنچه را که خدا فرموده، أنجام می‌دهد آنچه را که خدا دستور داده ، و هر که أنجام ندهد آنچه را که خدا دستور داده ، تصدیق

ننموده دستورهای خدا را ، در حقیقت اینگونه أخلاق شهادت می‌دهد بعضی از آنها بعضی دیگر را ، پس هرکس ایمان صادق به خدا داشته باشد ، عملش را خالص خواهد کرد ، و هر که عمل خالص برای خدا بجا آورد واقعاً ایمان به خدا آورده است ، و هر که اطاعت خدا نماید از خدا می‌ترسد ، و هر که از خدا بترسد خدا را دوست داشته ، و هر که خدا را دوست بدارد پیروی از دستورات خدا می‌نماید ، و هر که پیروی نماید شایستگی بهشت و رضوان او را پیدا خواهد کرد ، و هر شخصی که پیروی ننماید سخط و غضب خدا بر او وارد شود ، پناه می‌بریم به خدا از سخط خدا .

۱۱۳) أمالی الصّدوق(ص:۳۹۷)، بحارالأنوار(ص:۳۸۴،ج:۷۰)، وسائل الشّیعة(ص:۲۱۷، ج:۱۵)، محمّد بن موسی بن المتوکّل ، عن : علیّ بن الحسین السّعدآبادیّ ، عن : أحمد بن أبی عبد الله البرقیّ ، عن : أبیه ، عن : علیّ بن محمّد القاسانیّ (القاشانیّ) ، عن : القاسم بن محمّد الإصفهانیّ ، عن: سلیمان بن داود المنقریّ ، عن : حمّاد بن عیسی ، عَنِ الصّادِقِ عليه‌السلام بِمَضْمُونِهِ :

تحف العقول(ص:۳۹۵)، الکافی (ص:۶۷،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۲۹،ج:۸)، شرح الکافی(ص: ۲۰۵،ج:۸)، مشکاة الأنوار(ص:۱۱۹)، بحارالأنوار(ص:۴۱۲،ج:۱۳ و ص:۳۵۲،ج:۷۰ و ص:۲۵۹،ج: ۷۸)، وسائل‌الشّیعة(ص:۲۸،ج:۱۵)، المحجّة البیضآء(ص:۲۸۳،ج:۷)، عن: العدّة ، عن : أحمد بن محمّد، عن : علیّ بن حدید ، عن : منصور بن یونس ، عن : الحارث بن المغیرة ، أو أبیه :

عَنْ : أَبِی عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قالَ: قُلْتُ لَهُ: ما کانَ فی وَصِیَّةِ لُقْمانَ ؟ قالَ : کانَ فِیهَا الْأَعاجِیبُ، وَ کانَ مِنْ أَعْجَبِ ما فِیها أَنْ قالَ لِابْنِهِ: خَفِ اللهَ عزّوجلّ خِیفَةً لَوْ جِئْتَهُ بِبِرِّ الثَّقَلَیْنِ لَعَذَّبَکَ ، وَ ارْجُ اللهَ رَجاءً لَوْ جِئْتَهُ بِذُنُوبِ الثَّقَلَیْنِ لَرَحِمَکَ .

ثُمَّ قالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام : کانَ أَبِی عليه‌السلام یَقُولُ : إِنَّهُ لَیْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلاّ وَ فی قَلْبِهِ نُورانِ : نُورُ خِیفَةٍ ، وَ نُورُ رَجاءٍ ، لَوْ وُزِنَ هذا لَمْ

يَزِدْ عَلىٰ هٰذا ، وَ لَوْ وُزِنَ هذا لَمْ يَزِدْ عَلىٰ هٰذا .

حارث گوید : به حضرت صادق عليه السلام عرض کردم : چه مطالبی بوده سفارشهای حضرت لقمان ؟ فرمود : بسیار در آن مطالب عالیه شگفت‌آور بود ، و عجیب‌تر از آن مطالب مهمّ و رهنمود دهنده او این بود که به پسرش فرمود : چنان ترسی از (خشم و قهّاریّت) خدا داشته باش تا جایی که اگر تمام کارهای خوب (و عبادات) جنّ و انس را داشته باشی ، باز هم بترسی خداوند تو را عذاب نماید ، و به حدّی امّیدوار به رحمت و مغفرت خداوند داشته باشی که اگر تمام گناهان جنّ و انس را داشته باشی ، تو را عفو و رحمت فرماید ، سپس حضرت صادق عليه السلام فرمود : پدرم عليه السلام می‌فرمود : هیچ بنده مؤمنی نیست مگر آنکه در دلش دو نور موجود است ، یك نور ترس از خدا ، و یك نور امّید به خدا ، و چنانست که اگر وزن کنی، یکی بر دیگری هیچ فزونی ندارد .

۱۹۶ـ وسائل الشّيعة(ص:۱۶۰،ج:۱)، مستدرك الوسائل(ص:۲۴۹،ج:۱۱)، أعلام الدّين (ص:۴۲ و ص:۱۴۸)، التمحيص(ص:۵۷)، مشكاة الأنوار(ص:۳۱۴)، بحارالأنوار(ص:۳۸۵ و ص:۳۸۹،ج:۷۰ و ص:۲۲۸، ج:۷۱)، أمالي‌الطّوسي۲(ص:۲۱۵،ج:۱)، الكافي(ص:۷۱،ج:۲)، مرآة العقول (ص: ، ج :) ، شرح الكافي (ص:۲۱۷،ج:۸)، المفيد ، عن : إبن قولويه ، عن : الكلينيّ ، عن : عدّة من أصحابه ، عن : إبن عيسى ، عن : إبن محبوب ، عن : داود بن كثير ، عن : أبي عبيدة الحذّاء :

عَنْ : أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ : قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله : قـالَ اللهُ عزّ وجلّ : لايَتَّكِلِ الْعامِلُونَ عَلىٰ أَعْمالِهِمُ الَّتى يَعْمَلُونَ بِها لِثَوابِي ، فَإِنَّهُمْ لَوِ اجْتَهَدُوا وَ أَتْعِبُوا أَنْفُسَهُمْ أَعْمارَهُمْ فِى عِبادَتِى كانُوا مُقَصِّرِينَ، غَيْرَ بالِغِينَ فِى عِبادَتِهِمْ كُنْهَ عِبادَتِى ، فِيما يَطْلُبُونَ مِنْ كِرامَتِي وَ النَّعِيمِ فِى جَنّاتِى وَ رَفِيعِ الدَّرَجاتِ الْعُلى فِى جِوارِي ، وَلٰكِنْ بِرَحْمَتِي فَلْيَثِقُوا وَ بِفَضْلِي فَلْيَرْجُوا ، وَ إِلى حُسْنِ الظَّنِّ بِي فَلْيَطْمَئِنُّوا ، فَإِنَّ رَحْمَتِي عِنْدَ ذٰلِكَ تُدْرِكُهُمْ، وَ بِمَنِّى

أَبْلِغُهُمْ رِضْوانی، وَ أَلْبَسُهُمْ عَفْوِی، فَإِنّی أَنَا اللهُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ ، بِذٰلِكَ سَمَّیْتُ .

حضرت امام محمّد باقر علیه السلام می‌فرمود : رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که: خدای عزّوجلّ می‌فرماید : تکیه نکنند عبادت کنندگان به عمل و عبادت خود که برای أجر و ثواب من أنجام می‌دهند ، زیرا: هر چند کوشش فراوان کنند و خود را به زحمت بیاندازند در دوران عمر خود در عبادت ، باز هم کوتاهی و کندی کرده اند ، چون نمی‌توانند با عبادت خود به انتهای عبادت من برسند تا بدست آورند آنچه را که می‌خواهند از کرامتهای من و نعمتهای بهشت های من ، و رسیدن به درجات عالیه به ألطاف من ، بنابراین باید به رحمت من اعتماد کنند و تقوا را (در تمامی کارها و گفتارها) پیشه سازند و به فضل من امّیدوار باشند ، و به گمان خوب داشتن به من اطمینان داشته باشند ، که اگر چنین باشند رحمت من ایشان را فرا گیرد ، و به منّتی که دارم آنان را به بهشت رضوان می‌رسانم ، و لباس عفو را بر ایشان می‌پوشانم ، زیرا : منم خدای بخشنده و مهربان ، و من خود را به همین نام نامیده‌ام .

۱۹۷ـ جامع الأخبار(ص:۱۱۴)، تحف العقول(ص:۳۸۹)، وسائل الشّیعة(ص:۲۱۷،ج:۱۵)، بحار الأنوار(ص:۱۵۰،ج:۱ و ص:۳۶۵ و ص:۳۹۲،ج:۷۰ و ص:۲۵۳ و ص:۳۱۰،ج:۷۸)، أمالی المفید(ص:۱۹۵)، المحجّة البیضاء(ص:۲۵۱ و ص:۲۸۲،ج:۷)، الزّهد(ص:۲۳)، تنبیه الخواطر(ص:۱۸۵، ج:۲)، مشکاة الأنوار(ص:۱۱۸)، الکافی(ص: ۷۱،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۴۲،ج:۸)، شرح الکافی(ص: ۲۱۶،ج:۸)، الکلینیّ ، عن : محمّد بن یحیی ، عن : أحمد بن محمّد ، عن : محمد بن سنان ، عن : ابن مسکان ، عن : الحسن بن أبی سارة قال :

سَمِعْتُ أَبا عَبْدِ اللهِ علیه السلام یَقُولُ : لایَکُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِناً حَتّیٰ یَکُونَ خائِفاً راجِیاً وَ لایَکُونُ خائِفاً راجِیاً، حَتّیٰ یَکُونَ عامِلاً لِما یَخافُ وَ یَرْجُو .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود : مؤمن نمی‌رسد به درجه ایمان مگر آنکه

ترسناك و امّیدوار باشد ، و اینچنین نیست مگر آنکه عمل کند نسبت به آنچه که از آن می‌ترسد (به گناه نکردن) و نسبت به آنچه که امّیدوار است (به أنجام دادن أعمال خیر و عبادت) .

۱۹۸ـ بحارالأنوار(ص:۳۵۷ و ص:۳۹۹،ج:۷۰)، وسائل الشّیعة(ص:۲۱۶،ج:۱۵ باختلاف) الکافی(ص:۶۸ ،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۳۵،ج:۸)، شرح الکافی(ص:۲۱۰،ج:۸)، تنبیه الخواطر(ص: ۲۸۵،ج:۲)، المحجّة البیضاء(ص:۲۵۱،ج:۷)، و رواه علیّ بن محمّد ، رفعه قال :

قُلْتُ لأَبِیْ عَبْدِ اللهِ عليه السلام : إنَّ قَوْماً مِنْ مَوالِیكَ یَلُمُّونَ بِالْمَعاصِیْ ، وَ یَقُولُونَ: نَرْجُو ، فقالَ عليه السلام : كَذِبُوا ، لَیْسُوا لَنا بِمَوالٍ، اُولئِكَ قَوْمٌ تَرَجَّحَتْ بِهِمُ الْأَمانِیُّ ، مَنْ رَجا شَیْئاً عَمِلَ لَهُ، وَ مَنْ خافَ مِنْ شَیْءٍ هَرَبَ مِنْهُ .

راوی گوید : به حضرت صادق عليه السلام عرض کردم : بعضی از دوستان شما هستند که مرتکب گناه می‌شوند و می گویند: ما امّیدوار به رحمت خدا هستیم ، آن حضرت فرمود: دروغ می‌گویند، از دوستان ما أهل بیت نیستند، اینها کسانی هستند که (آرزوی دروغین) بر ایشان غلبه کرده ، و هر کسی که امّیدوار به چیزی باشد برای رسیدن به آن کوشش می‌کند ، و هر که از چیزی می‌ترسد از آن فرار می‌کند .

۱۹۹ـ جامع الأخبار(ص:۱۱۵)، تحف العقول(ص:۳۰۲)، مشکاة الأنوار(ص:۱۱۸)، وسائل الشّیعة(ص:۲۱۸،ج:۱۵)، أمالی الصّدوق(ص:۲۲) ، بحارالأنوار(ص:۳۸۴،ج:۷۰ و ص:۲۸۳،ج:۷۸)، علیّ بن أحمد بن عبدالله ، عن : جدّه ، أحمد بن أبی عبدالله البرقیّ ، عن : حمزة بن عبدالله الجعفریّ ، عن : جمیل بن درّاج ، عن : أبی حمزة الثّمالی قال :

قالَ الصّادِقِ عليه السلام : اُرْجُ اللهَ رَجاءً لایُجَرِّئُكَ عَلی مَعاصِیْهِ ، وَ خَفِ اللهَ خَوْفاً لایُؤْیِسُكَ مِنْ رَحْمَتِهِ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : امّیدوار به رحمت خدا داشته باش بقدری

که جرأت بر گناه کردن نداشته باشی ، و به حدّی بترس از خشم و غضب خداوند بقدری که نااميّد از رحمت و عفو خدا نشوی .

۱۱۴) آداب النّفس(ص:۱۷۵،ج:۱)، إثنی عشريّة(ص:۱۱۴) بتلخيص :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ: يا بُنَيَّ؛ خُلِقَ الْإنسانُ عَلىٰ ثَلاثَةِ أثْلاثٍ : ثُلْثٌ لِلّٰهِ ، وَ ثُلْثٌ لِنَفْسِهِ ، وَ ثُلْثٌ لِلدُّودِ وَ التُّرابِ ، فَأمّا الثُّلْثُ الَّذِىْ لِلّٰهِ : فَرُوحُهُ ، وَ الَّذِي لِنَفْسِهِ : فَعَمَلُهُ ، وَ الَّذِي لِلدُّودِ وَ التُّرابِ : فَجَسَدُهُ ، فَالْعَاجِزُ الْخاسِرُ مَنْ يَتَعَصَّبُ وَ يَسْعى لِلدُّودِ وَ التُّرابِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده: ای پسرم ؛ آفريده شده انسان بر سه قسمت ، يك سوّم برای خدا، و يك سوّم برای خودش ، و يك سوّم برای كرمها و خاك شدن ، و آن يك سوّم كه برای خدا است : روح انسان است ، و آن يك سوّم كه برای خودش می‌باشد : عمل او است ، و آن يك سوّم كه برای خوراك كرمها و خاك است : بدن او است (در قبر) ، پس (از نظر عقل) عاجز و زيان كار كسی است كه كوشش كند برای تهيّه خوراك كرمها و خاك شدن .

۱۱۵) الإختصاص(ص:۳۳۸)، بحارالأنوار(ص:۴۲۹،ج:۱۳)، جامع أحاديث الشّيعة(ص: ۴۴۷،ج:۱۳)، عن: الأوزاعيّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ دَعْ عَنْكَ التَّجَبُّرَ وَ الْكِبْرَ ، وَ دَعْ عَنْكَ الْفَخْرَ ، وَ اعْلَمْ أنَّكَ ساكِنُ الْقُبُورِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ رها و دور كن از خودت صفت زشت سركشی (و نافرمانی خدا) و تكبّر و خودخواهی و خودپسندی را ، و رها و دور كن از خودت فخر فروشی و مباهات كردن (و افتخارهای دروغين) را ، و بدان بطور يقين كه در آينده نزديك تو ساكن در قبرستان خواهی شد ، (پس كسی كه در قبرستان دفن خواهد شد ، چه جای

غرور و نخوت و تکبّر کردنی دارد) .

۲۰۰ــ الكافي(ص:۳۲۸،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۲۸۸،ج:۱۰)، شرح الكافي(ص:۳۵۴،ج:۹)، وسائل الشيعة(ص:۴۲،ج:۱۶)، عدّة من أصحابنا ، عن : أحمد بن محمّد بن خالد ، عن : عثمان بن عيسى ، عن : عيسى بن ضحّاك ، قال :

قالَ أَبُوجَعْفَرٍ عليه السلام : عَجَباً لِلْمُخْتالِ الْفَخُورِ، وَ إِنَّما خُلِقَ مِنْ نُطْفَةٍ ، ثُمَّ يَعُودُ جيفَةً ، وَ هُوَ فِيما بَيْنَ ذلِكَ لايَدْرِي ما يُصْنَعُ بِهِ .

حضرت امام محمّد باقر عليه السلام می‌فرمود : جای بسی تعجّب است از نادانی متکبّر و فخر کننده به پدران گذشته خود ؟! با اینکه از نطفه نجس آفریده شده ، و پس از مردن لاشه و مرداری گندیده و متعفّن خواهد بود ، (که هر انسانی از آن می‌گریزد) و نمی‌داند که پایان عمرش و در قیامت چه بر او می‌گذرد .

۱۱۶) إثنی عشريّة (ص :۴۷) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يابُنَيَّ ؛ الذَّهَبُ وَ الْفِضَّةُ يُخْتَبَرانِ بِالنّارِ ، وَ الْمُؤْمِنُ يُخْتَبَرُ بِالْبَلايا .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : پسرم ؛ طلا و نقره با آتش آزمایش و جدا می‌شوند (که بدینوسیله خالص از ناخالص جدا می‌شود) ، و مؤمن به وسیله بیماری و گرفتاری آزمایش می‌شود .

در زندگی گرفتاریها و بیماریها وجود دارد ، تا جایی که می‌توان گفت : یکی از شرایط زندگی بشر است، برای آنکه خوب از بد، و مؤمن از غیر مؤمن جدا گردد و شناخته شود ، و اتمام حجّتی باشد برای هر انسانی ، از این جهت به زمان و حال موجود هر انسانی نمی‌توان قضاوت کرد ، چرا که : تغییر حالت و فکر و روش برای انسان پدید می‌آید .

۲۰۱ــ تحف العقول (ص:۸۶ و ص:۹۴)، بحارالأنوار (ص:۲۴۱ و ص:۲۹۱،ج:۷۷)، أمالی

الصّدوق(ص:۲۶۳)، الکافی(ص:۲۳،ج:۸)، مرآة العقول(ص:۵۲ ج:۲۵)، شرح الکافی(ص:۲۳۲،ج:۱۱) :

قالَ عَلِیٌّ عليه السلام فی خُطْبَتِهِ الْمَعْرُوفَةِ بالْوَسِیلَةِ، وَ فِیما کَتَبَ عليه السلام لِابْنِهِ الْحَسَنِ عليه السلام : أیْ بُنَیَّ ؛ لا تُؤْیِسْ مُذْنِباً ، فَکَمْ مِنْ عاکِفٍ عَلی ذَنْبِهِ خُتِمَ لَهُ بخَیْرٍ، وَکَمْ مِنْ مُقْبِلٍ عَلی عَمَلِهِ مُفْسِدٌ فی آخِرِ عُمْرِهِ ، صائِرٌ إلی النّارِ، نَعُوذُ بِاللهِ مِنْها ، أیْ بُنَیَّ ؛ کَمْ مِنْ عاصٍ نَجا ، وَکَمْ مِنْ عامِلٍ هَوىٰ .

حضرت علی عليه السلام می‌فرمود : ناامید نکن و نباش از گناهکار ، زیرا : فراوانند کسانیکه در گناه فرو رفته و سخت آلوده شده‌اند، ولکن عاقبت به خیر شده‌اند و می‌شوند ، و چه بسیارند أفرادی که دارای أعمال خوب و نیك کردار بوده و هستند، ولکن در پایان عمر سقوط کرده و أعمال او تباه شده و به آتش جهنّم گرفتار گردیده ، فرزندم ؛ چه بسیار گناهکار که نجات یافته، و چه بسیار باکردار نیك که سقوط کرده .

۱۱۷) الإختصاص(ص:۳۳۷)، المحاسن(ص:۳۵۷)، بحارالأنوار(ص:۴۲۸،ج:۱۳) ، مستدرك الوسائل(ص:۲۱۰ و ص:۴۳۹،ج:۸) ، عن : الأوزاعی:

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ الرَّفِیقُ ثُمَّ الطَّرِیقُ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : پسرم ؛ پیش از حرکت برای مسافرت ، همراه مسافرتی خود را (که شایسته باشد از نظر دینی و أخلاقی) انتخاب کن و سپس مسافرت نما .

تأیید می‌نماید بیان حضرت لقمان (ع) را سفارش رسول خدا صلى الله عليه وآله که فرموده :

۲۰۲ـ مکارم الأخلاق(ص:۲۵۱)، من لایحضر (ص:۲۷۸،ج:۲)، وسائل الشّیعة(ص:۴۰۸،ج: ۱۱)، مستدرك الوسائل(ص:۲۰۹،ج:۸)، المحجّة البیضاء(ص:۵۹،ج:۴)، المحاسن(ص:۳۵۷)، بحارالأنوار (ص:۲۶۷،ج:۷۶) ، عن : النوفلی ، بإسناده قال :

قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ : الرَّفِيْقُ ثُمَّ الطَّرِيْقُ .

نبیّ أکرم ﷺ می‌فرمود : أوّل رفیق راه را بیابید و سپس مسافرت کنید (که در سفر بدون همراه یك نفر شخص صالح نباشید) .

و سفارش حضرت أمیرالمؤمنین علیه السلام به حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام که فرموده :

۲۰۳ــ بحارالأنوار(ص:۱۵۵ و ص:۲۲۹،ج:۷۶ و ص:۲۱۵ و ص:۲۳۴ و ص:۲۸۹،ج:۷۷)، تحف العقول(ص:۸۱ و ص:۹۳)، نهج البلاغة(الرّسائل:۳۱)، مستدرك الوسائل(ص: ۲۱۰،ج:۸)، أعلام الدّین(ص:۲۸۸)، عوالی اللّئالی(ص: ۳۰،ج:۴)، الکافی(ص:۲۲،ج:۸) :

کَتَبَ عَلِیٌّ علیه السلام إلی وَلَدِهِ الْحَسَنِ علیه السلام : . . . سَلْ عَنِ الرَّفِیقِ قَبْلَ الطَّرِیقِ ، وَ عَنِ الْجارِ قَبْلَ الدّارِ . . .

حضرت أمیرالمؤمنین علیه السلام به حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام نوشتند: پیش از انتخاب راه و مسافرت ، در جستجو و پرسش از رفیق راه باش ، و پیش از خریدن خانه از همسایگان و حالات و رفتار آنها پرسش و تحقیق بنما .

۲۰۴ــ مکارم الأخلاق(ص:۲۵۹، و ص:۳۱)، المحجّة البیضاء(ص:۵۹،ج:۴)، تحف العقول (ص:۲۷)، من لایحضر(ص:۲۷۶،ج:۲)، الأمان(ص:۵۳)، شرح نهج البلاغة(ص:۳۳۸)، عوالی اللّئالیّ (ص:۲۸۷)، مصباح الکفعمی(ص:۱۸۴)، المحاسن(ص:۳۵۶)، بحارالأنوار(ص:۲۴۶،ج:۱۶ و ص:۴۱۱،ج: ۶۶ و ص : ۱۴۱،ج:۷۴ و ص: ۲۲۹،ج:۷۶ و ص : ۱۳۰ و ص:۱۶۷،ج:۷۷)، مستدرك الوسائل(ص: ۳۷۵،ج:۱۱)، وسائل الشّیعة(ص: ۴۱۰،ج :۱۱) ، أحمد بن أبی عبد الله البرقیّ ، عن : علیّ بن أسباط ، عن : عبد الملك بن مسلمة ، عن : السّندی بن خالد :

عَنِ : الصّادِقِ علیه السلام قالَ : قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ ألا أُنَبِّئُکُمْ بِشَرِّ النّاسِ ؟ قالوا : بَلیٰ یا رَسُولَ اللهِ ، قالَ : مَنْ سافَرَ وَحْدَهُ ، وَ مَنَعَ رِفْدَهُ ، وَ ضَرَبَ عَبْدَهُ .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده : می‌خواهید خبر دهم شما را به بدترین مردم؟ عرض کردند: بلی، بیان فرمایید، فرمود: کسی که به تنهایی (و بی‌اطلاع دیگران) مسافرت کند ، و کسی که ممنوع کند عطا و بخشش را ، و کسی که غلام و خدمتگزار خود را (بدون جهت و علّت) بزند .

۱۱۸) لئالی الأخبار (ص: ۱۰۸،ج :۱)، جامع أحادیث الشّیعة(ص :۴۳۲،ج:۱۶) ، الأمـان (ص:۵۴) ، مکارم الأخلاق(ص:۲۵۴)، الکافی(ص:۳۰۳،ج:۸)، مرآة العقول(ص:۳۸۶،ج:۲۶)، روضة المتقین(ص: ۲۳۳،ج:۴)، من لایحضر(ص:۲۸۲،ج:۲)، مصباح الکفعمی(ص:۱۸۵)، وسائل الشّیعة(ص: ۴۲۵، ج:۱۱)، المحجّة البیضاء(ص:۷۳،ج:۴)، المحاسن(ص: ۳۶۰)، بحـارالأنوار (ص: ۲۷۰ و ص:۲۷۳، ج :۷۶) ، علیّ بن إبراهیم ، عن : أبیه ، و أحمد بن أبی عبـد الله الـبرقیّ ، عـن : القاسم بـن محمّـد الإصفهانیّ ، و علیّ بن محمّد القاسانیّ ، عن : سلیمان بن داود المنقریّ ، عن : حمّاد بن عیسی :

عَنْ : أبِیْ عَبْدِ اللهِ علیه السلام قالَ : فی وَصِیَّةِ لُقْمانَ (ع) لِإبْنِهِ : یا بُنَـیَّ ؛ سافِرْ بِسَیْفِكَ وَ خُفِّكَ و عِمامَتِكَ (وَ قَوْسِكَ) وَ خِبائِكَ (حِبالِكَ) وَ سِقائِكَ وَ اُبْرَتِكَ وَ خُیُوطِكَ و مِخْرَزِكَ ، وَ تَزَوَّدْ مَعَكَ مِنَ الْأدْوِیَةِ ما تَنْتَفِعُ بِها أنْتَ وَ مَنْ مَعَكَ، وَ کُنْ لأصْحابِكَ مُوافِقاً إلاّ فی مَعْصِیَةِ اللهِ عزّ و جلّ ، وَ زادَ بَعْضُهُمْ : وَ فَرَسِكَ .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : فرزندم؛ در مسافرت چند چیز است که باید به همراه داشته باشی: شمشیر، کفش مخصوص مسافرت، عمّامه، تیر و کمان، ریسمان، مشك آب و ظرف به حدّ نیاز، سوزن ، نخ ، و درفش، و همچنین باید همراه تو باشد داروهایی که مورد استفاده و احتیاج تو و همراهیان تو می‌باشد ، و در سفر با همراهیان خـود بـاید کـاملاً موافق باشی (در حرکت و بار فرود آوردن و خرید و فروش) ، مگر در آنچـه که معصیت خدای عزّ و جلّ در آن است ، و بعضی : اسب را نیز اضافه نموده‌اند .

۱۱۹) قصص الأنبیاء الرّاوندیّ(ص:۱۹۵)، بحارالأنوار(ص:۴۲۰،ج:۱۳)، الصّدوق ، عن : أبیه، عن: سعد بن عبدالله، عن: القاسم بن محمّد الإصفهانیّ، عن: سلیمان بن داود المنقریّ، عن: حمّاد :

عَنِ : الصّادِقِ عليه السلام قالَ : قالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ سَیِّدُ أَخْلاقِ اَلْحِکْمَةِ دینُ اللهِ تَعالی ، وَ مَثَلُ الدِّینِ کَمَثَلِ شَجَرَةٍ ثابِتَةٍ ، فَالْإیمانُ بِاللهِ ماؤُها ، وَ الصَّلاةُ عُرُوقُها ، وَ الزَّکاةُ جَذْعُهَا ، وَ التَّأَخّی فی اللهِ شَعْبُها ، وَ اَلْأَخْلاقُ اَلْحَسَنَةِ وَرَقُها ، وَ اَلْخُرُوجُ عَنْ مَعاصِی اللهِ ثَمَرُها ، وَ لاتَکْمِلُ الشَّجَرَةُ إلاّ بِثَمَرَةٍ طَیِّبَةٍ ، کَذلِكَ الدِّینُ لایَکْمِلُ إلاّ بِاْلخُرُوجِ عَنِ المحارِمِ ، یا بُنَیَّ ؛ لِکُلِّ شَیءٍ عَلامَةٌ یُعْرَفُ بِها ، وَ إنَّ لِلدِّینِ ثَلاثَ عَلاماتٍ : العِفَّةُ ، وَ اَلْعِلْمُ ، وَ اَلْحِلْمُ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرموده : حضرت لقمان (ع) در نصیحت به فرزندش فرموده : پسرم ؛ بزرگ و برترین أخلاق و شیوه حکمت و دانایی ، دین خدای تعالی است ، مَثَل دین مَثَل و همانند درخت ثابت در زمین است ، که ایمان به خدا آب آن ، و نماز رگها (و ریشه‌ها)ی آن ، و زکات شاخه‌های محکم و زخیم آن ، و با دیگران برادری کردن در راه خدا شاخه‌های نازك و پراکنده آنست ، و أخلاق نیك و برخورد پسندیده با دیگران برگها ، و بیرون رفتن از معصیتهای خداوند میوه آنست ، و درختی کامل نمی‌شود مگر پس از میوه خوب داشتن ، همچنین دین کامل نمی‌گردد مگر بعد از خارج شدن از حرامها (و مرتکب گناه نشدن) .

فرزندم ؛ برای هر چیز نشانه و علامتی است ، و علامت دین‌داری سه چیز است : أوّل : عفّت (کلام و پاکی و پاکدامنی) ، دوّم : علم ، سوّم : بردباری (در مقابل ناملایمات و مشکلات زندگی) .

۱۲۰) الإختصاص (ص:۳۳۸) ، بحارالأنوار(ص:۴۲۸،ج:۱۳) ، عن : الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ شاوِرِ اَلْکَبیرَ وَ لا تَسْتَحْیی مِنْ

مُشاوَرَةِ الصَّغیرِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : فرزنـدم ؛ در تمـام کارهـایت مشورت کن با بزرگان و بزرگسالان (آگاه و دلسوز و انسان دوست) ، و شرم نکن از مشورت کردن با کسانی که کوچکترند از تو (از نظر مالی و یـا سنّی ، برای آنکه در بعضی از کارها ممکن است که آگاه‌تر و با تجربه‌تر از تو باشند) .

تأیید می‌کند گفتار حضرت لقمان (ع) را سفارشها و دستوراتی که در روایات اسلامی نقل شده درباره مشورت کردن در کلیّه امور ، از جمله :

۲۰۵ـ التوحید(ص:۷۳)، بحارالأنوار(ص:۱۰۰،ج:۷۵ و ص:۷۰ و ص:۲۸۴،ج:۷۷ و ص:۲۵۴،ج:۹۱)، الإختصاص(ص:۲۴۶)، نهج البلاغة(ص:۴۸۸)، شرح نهـج البلاغـة(ص:۲۷۶،ج:۱۸)، تحف العقول (ص:۹۲)، مکارم الأخلاق(ص:۳۱۹)، المحاسن (ص:۱۷وص:۶۰۱)، وسائل الشّیعة (ص:۳۹،ج:۱۲)، الکافی(ص:۲۰،ج:۸)، مرآةالعقول(ص: ،ج:)، عدّة من أصحابنا ، عن : علـیّ بـن أسباط ، عن : عبد الملك بن سلمة ، عن : السّری بن خالد :

عَنْ : أبِی عَبْدِ اللهِ علیه السلام قالَ : فِیْما أوْصَـیٰ بِـهِ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه وآله وسلم عَلِیّاً علیه السلام قالَ : لامُظاهَرَةَ أوْثَقُ مِنَ الْمُشاوَرَةِ ، وَ لاعَقْلَ كَالتَّدْبِیرِ .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود: از جمله سفارشهای حضرت رسـول صلی الله علیه وآله وسلم به حضرت علی علیه السلام این بوده که : هیچ پشتوانه و یاوری محکم‌تر از مشورت کردن نیست، و هیچ عقلی همانند تدبیر (و توجّه به أطراف و عاقبت هر کاری) نخواهد بود .

۲۰۶ـ المحاسن(ص:۶۰۱)، وسـائل الشّیعة(ص:۴۰،ج:۱۲)، بحـارالأنوار(ص:۱۰۱،ج:۷۵)، عن : عثمان بن عیسی ، عن : سماعة بن مهران :

عَنْ : أبِی عَبْدِ اللهِ علیه السلام قالَ : لَنْ یَهْلِكَ إمْرُؤٌ عَنْ مَشْوِرَةٍ .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود: هلاك و گرفتار نمی‌شود مردی ازمشورت کردن .

۲۰۷ـ المحاسن(ص:۶۰۲) ، وسائل الشّیعة (ص:۴۳،ج:۱۲) ، مکارم الأخلاق (ص:۳۱۸) .

بحارالأنوار(ص:۱۰۲،ج:۷۵ و ص:۲۵۳،ج:۹۱)، روضة المتّقین(ص:۲۶۹،ج:۴)، عن : أحمد بن نوح ، عن : شعیب بن النّیسابوریّ ، عن : عبیدالله بن عبدالله الدّهقان ، عن : أحمد بن عائذ ، عن : الحلبیّ :

عَنْ : أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قالَ : إِنَّ ٱلْمَشْوِرَةَ لاتَكُونُ إِلاّ بِحُدُودِها، فَمَنْ عَرَفَها بِحُدُودِها، وَ إِلاّ كانَتْ مَضَرَّتُها عَلَى ٱلْمُسْتَشِيرِ أَكْثَرُ مِنْ مَنْفَعَتِها لَهُ، فَأَوَّلُها: أَنْ يَكُونَ ٱلَّذِي تُشاوِرُهُ عاقِلاً، وَ الثّانِيَةُ: أَنْ يَكُونَ حُرّاً مُتَدَيِّناً، وَ الثّالِثَةُ: أَنْ يَكُونَ صَدِيقاً مُؤاخِياً ، وَ الرّابِعَةُ: إِنْ تُطْلِعَهُ عَلى سِرِّكَ فَيَكُونُ عِلْمُهُ بِهِ كَعِلْمِكَ بِنَفْسِكَ ، ثُمَّ يَسْتُرُ ذلِكَ وَ يَكْتُمُهُ ، فَإِنَّهُ إِذا كانَ عاقِلاً ٱنْتَفَعْتَ بِمَشْوِرَتِهِ ، وَ إِذا كانَ حُرّاً مُتَدَيِّناً أَجْهَدَ نَفْسَهُ فِي النَّصِيحَةِ لَكَ ، وَ إِذا كانَ صَدِيقاً مُؤاخِياً كَتَمَ سِرَّكَ إِذا إِطَّلَعْتَهُ عَلى سِرِّكَ ، وَ إِذا إِطَّلَعْتَهُ عَلىٰ سِرِّكَ فَكانَ عِلْمُهُ بِهِ كَعِلْمِكَ ، تَمَّتِ ٱلْمَشْوِرَةُ ، وَ كَمُلَتِ النَّصِيحَةُ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : مشورت کردن با دیگران شرایطی دارد ، که هر کس به حدود و شرایط آن عمل و رفتار کند و توجّه نماید نتیجه خواهد گرفت مشورت کننده ، و در غیر این صورت ضرر و زیان فراوان متوجّه او خواهد شد : ۱ـ آنکه : باید با کسی مشورت کنی که عاقل باشد ، ۲ـ آنکه : باید طرف مشورت تو آزادمنش و دارای فکری آزاد و متدیّن باشد ، ۳ـ آنکه : باید دوستی او با تو برادرانه باشد ، ۴ـ آنکه : اگر او را به اسرار پنهانی خود آگاه ساختی ، باید : آگاهی و اطّلاع یافتن او همانند خودت باشد که عیب تو را بپوشاند و اسرار تو را پنهان نگه دارد ، از این جهت اگر طرف تو عاقل باشد ، از راهنمایی‌های او استفاده خواهی کرد ، و اگر : آزادمنش و دارای فکری بلند و متدیّن باشد کوشش می‌کند که بهترین و نزدیکترین راه را به تو نشان دهد ، و اگر دوستی او با تو برادرانه بود ، اسرار تو را پنهان می‌سازد و بازگو نمی‌کند ، بنابراین اگر : طرف مشورت تو چنین شخصی باشد ، حقّ مشورت أدا می‌شود ،

و فایده و راهنمایی به حدّ کمال می‌رسد .

۲۰۸ـ تحف‌العقول(ص:۴۲۰)، بحارالأنوار(ص:۱۵۵،ج:۱ و ص:۱۰۲،ج:۷۵ و ص:۳۱۳، ج:۷۸ و ص:۲۵۴،ج:۹۱)، وسائل‌الشّیعة(ص:۴۲،ج:۱۲)، المحاسن(ص: ۶۰۲)، مکارم الأخلاق(ص:۳۱۹) :

عَنْ : هِشامِ بْنِ الْحِکَمِ قَالَ : قَالَ لِیْ مُوسَی الْکاظِمُ عليه‌السلام : یا هِشَامُ؛ ... مُشاوَرَةُ الْعاقِلِ النّاصِحِ یُمْنٌ وَ بَرَکَةٌ وَ رُشْدٌ، وَ تَوْفِیْقٌ مِنَ اللهِ ، فَإذا : أشارَ عَلَیْکَ الْعاقِلُ النّاصِحُ ، فَإیّاکَ وَ الْخِلافَ ، فَإنَّ فی ذَلِکَ الْعِطْبُ .

امام هفتم عليه‌السلام به هشام فرموده : ای هشام ؛ با مشورت کردن بـا عـاقل دلسوز راهنمایی دهنده (در تمام کارها) باعث میمنت و برکت و رشد فکـری و بدست آمدن راه صحیح و نتیجه‌بخش خواهد بود ، و مشورت با اینگونه أشخاص نمودن توفیقی است از طرف خداوند ، بنابراین : هر گاه شخص عاقل دلسوز راهـی را به تو نشان داد ، مبادا برخلاف نظر او عمل کنی ، زیرا : مخالفت با راهنمـایی عاقل ، سبب هلاکت و گرفتاری است .

و نهی شده از اینکه با چندین نفر مشورت کنیم ، از جمله :

۲۰۹ـ من‌لایحضر(ص:۴۰۹،ج:۴)، الخصال(ص:۱۰۲)، بحارالأنوار(ص:۳۸۶،ج:۷۰ و ص:۲۰۴، ج:۷۳ و ص:۹۹،ج:۷۵)، علل الشّرایع(ص:۵۵۹،ج:۲)، تنبیه الخواطر(ص:۱۷،ج:۲)، وسـائل الشّیعة(ص:۴۷،ج:۱۲) ، محمّد بن موسی بن المتوکّل ، عن : محمّد بن یحیی العطّار ، عـن : محمّد بن أحمد ، عن : محمّد بن آدم ، عن : أبیه :

عَنْ : أَبِیْ الْحَسَنِ الرِّضا عليه‌السلام عَنْ : آبائِهِ عليهم‌السلام ، عَـنْ : عَلِـیٍّ عليه‌السلام قالَ : قالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم : یا عَلِیُّ ؛ لا تُشاوِرَنَّ جَباناً ، فَإنَّهُ یُضَیِّـقُ عَلَیْکَ الْمَخْرَجَ ، وَ لا تُشاوِرَنَّ بَخِیلاً ، فَإنَّهُ یَقْصُـرُ بِـکَ عَـنْ غـایَتِکَ ، وَ لاتُشاوِرَنَّ حَرِیْصاً ، فَإنَّهُ یُزَیِّنُ لَکَ شَرَّهَا ، وَ اعْلَمْ یا عَلِیُّ ؛ أَنَّ الْجُـبْنَ وَ الْبُخْلَ وَ الْحِرْصَ غَرِیزَةٌ واحِدَةٌ یَجْمَعُها سُوءُ الظَّنِّ .

حضرت رضا عليه السلام از پدران بزرگوارش نقل می‌فرماید که حضرت أمير المؤمنين عليه السلام فرموده : رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم به من فرمود : يا علي ؛ بـا شـخص بُزدِل ترسو هيچگاه مشورت نكن ، زيرا : بواسطه ترسى كه دارد، راه أنجام دادن و يا بيرون رفتن را بر تو تنگ می‌گیرد (و تو را به وحشت می‌أندازد)، و هيچگـاه با بخيل مشورت نكن ، زيرا : بواسطه داشتن بخالت مانع أنجام دادن مقصـود تـو می‌شود ، و تو را باز می‌دارد ، و هيچگاه با شخص حريص بر جمع سرمايه و ثروت مشورت نكن ، زيرا : بديها و حرامها را به نظر تو زيبا و خوب و حلال جلوه می‌دهد (و تو بواسطه أنجام دادن گرفتار خواهی شد) ، و بدان يا عَلي كـه : تـرس ، و بخل ، و حرص ، يك چيز است كه از گمان بد به خداوند سرچشمه می‌گيرد .

۱۲۱) آداب النّفس(ص:۱۸۹،ج:۱) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ الشِّبْعُ يَمْنَعُكَ عَنْ نَظَرِ الإعْتِبـارِ ، وَ يَمْنَعُ لِسانَكَ عَنِ الحِكْمَةِ وَ يُثْقِلُكَ عَنِ العِبادَةِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : ای پسـرم ؛ پُر بـودن شـكم از پُرخوری ، تو را باز می‌دارد از نگاه كردن به عمـق و ريشـه مطـالب و درك و عبرت و پند گرفتن از آنها، و باز می‌دارد زبان تو را از بيـان و گفتـار حكمـت آميز، و سنگين می‌كند تو را در أنجام دادن عبادت و تكاليف (شرعی و انسانی) .

۱۲۲) الإختصاص(ص:۳۳۷) ، بحارالأنوار(ص:۴۲۸،ج:۱۳) ، عن : الأوزاعيّ :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ: يا بُنَيَّ؛ الصّاحِبُ الصّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ .

حضرت لقمان(ع) بفرزند خود فرموده: پسرم؛ همنشين و معاشر بودن با دوست صالح (كه از نظر دينی و أخلاقی شايسته باشد) بهتر است از تنها زندگی كردن .

۱۲۳) كنز الكراجكي(ص:۲۱۴)، جزء منه . أعلام الدّين(ص:۲۷۲ و ص:۳۲۷)، بحـارالأنوار (ص:۲۰۵،ج:۱ و ص:۴۳۲، ج:۱۳ و ص:۱۸۹،ج:۷۴ و ص:۴۵۸،ج:۷۸)، روی جابر بن عبد الله الأنصاريّ :

عَن : النَّبیّ صلی الله علیه و آله و سلم أنَّهُ قالَ : . . . وَ قالَ لُقمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ صاحِبِ الْعُلَمآءَ ، وَ اقْرَبْ مِنْهُمْ ، وَ جالِسْهُمْ ، وَ زُرْهُمْ فی بُیُوتِهِمْ، فَلَعَلَّكَ أنْ تُشْبِهَهُمْ ، فَتَكُونَ مَعَهُمْ ، وَ اجْلِسْ مَعَ صُلَحائِهِمْ ، فَرُبَّما أصابَهُمُ اللهُ بِرَحْمَتِهِ فَتَدْخُلَ فِیهَا فَیُصیبَكَ ، وَ إنْ كُنْتَ صالِحاً فَابْعَدْ مِنَ الْأشْرارِ وَ السُّفَهآءِ ، فَرُبَّما أصابَهُمُ اللهُ بِعَذابٍ فَیُصیبَكَ مَعَهُمْ ، فَقَدْ أنْصَحَ اللهُ جل جلاله بِقَوْلِهِ : ﴿ فَلاتَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظّالِمِینَ﴾ (أنعام/۶۸) ، وَ بِقَوْلِهِ تَعالَى : ﴿ إذا سَمِعْتُمْ آیاتِ اللهِ یُكْفَرُ بِهَا وَ یُسْتَهْزَئُ بِهَا فَلاتَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتّى یَخُوضُوا فی حَدیثٍ غَیْرِهِ إنَّكُمْ إذاً مِثْلُهُمْ﴾ (النسآء/۱۴۰) ، یَعْنی فی الإثْمِ ، وَ قالَ سُبْحانَهُ : ﴿ وَ لاتَرْكَنُوا إلَى الَّذینَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النّارُ ﴾ (هود/۱۱۳) .

جابر گوید : نبیّ أکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : فرزندم ؛ همنشین باش با علماء ، و نزدیك ایشان باش ، و نشست و برخواست تو باید با آنان باشد ، و باید دیدار تو با آنان در منزل ایشان باشد ، که بسبب این رفت و آمد شاید تو هم همانند آنان شوی و جزء شماره آنان گردی ، فرزندم ؛ با نیکان از علماء معاشرت کن ، برای آنکه : رحمت خدا بر ایشان فرود می‌آید و تو را هم فرا می‌گیرد ، فرزندم ؛ اگر خواهان هستی در ردیف نیکان باشی باید دور باشی از بدکرداران و بدگفتاران ، و أفرادی که از عقل کسری و کمبودی دارند، زیرا : ممکن است بواسطه بدی کردار و گفتارشان گرفتار عذاب خدا شوند و تو نیز گرفتار شوی .

و تأیید نصایح حضرت لقمان (ع) را خداوند در قرآن مجید بیان فرموده ، که می‌فرماید : « معاشر نباش بعد از دانستن با مردم ستمکار » ، و می‌فرماید : « بعضی از أفراد نا‌أهل وقتی که دستورات خدا را شنیدند نافرمانی می‌کنند و استهزآء می‌نمایند، بنابراین با آنان معاشر نباش و ایشان را به حال خود بگذار، که اگر دوری نکنی

جزء آنان خواهی بود » ، و می‌فرماید : « پناه نبرید به کسانی که به خود و به دیگران ستم می‌کنند ، زیرا : شما هم به آتشی که آنان را فرو می‌گیرد ، می‌سوزید » .

٢١٠ـ الكافي(ص:٣٩،ج:١)، مرآة العقول(ص:١٢٨،ج:١)، شرح الكافي(ص:١١٤،ج:٢)، روضة المتقين(ص:٤٠٢،ج:٩)، الإختصاص(ص:٣٣٥)، بحارالأنوار(ص:٢٠٥،ج:١)، عليّ بن إبراهيم ، عن : أبيه ، و محمّد بن يحيى ، عن : أحمد بن محمّد بن عيسى ، جميعاً عن : الحسن ابن محبوب ، عن : دُرست بن أبي منصور ، عن : إبراهيم بن عبد الحميد :

عَنْ : أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قالَ : مُحادَثَةُ الْعَالِمِ [الْعُلَمآءِ] عَلَى الْمَزابِلِ خَيْرٌ مِنْ مُحادَثَةِ الْجَاهِلِ عَلَى الزَّرابِيِّ .

حضرت کاظم عليه السلام می‌فرمود: همنشینی و صحبت علمی کردن با عالم در مکانهای پست و مَزبله‌ها، بهتر و ارزشمندتر است از همنشینی و صحبت کردن با جاهل در مکانهای عالی و روی فرشهای قیمتی .

٢١١ـ كنز الكراجكي(ص:)، بحارالأنوار(ص:٢٠٥،ج:١)، مستدرك الوسائل(ص:٣٣٨،ج:٨) ، أعلام الدّين(ص:٨٤)، الكافي(ص:٢٠،ج:٨)، تحف العقول(ص:٨٩) :

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام : مَنْ جَالَسَ الْعُلَمآءَ وَقَرَ ، وَ مَنْ خَالَطَ الأَنْذالَ حَقَرَ .

حضرت أمیرالمؤمنين عليه السلام می‌فرموده : هر که با علمآء همنشین (و معاشر) باشد با عزّت و با احترام خواهد شد (زیرا : تو از علم ایشان بهره‌مند خواهی شد) ، و هر که با فرومایگان و نادانان معاشرت و همنشینی داشته باشد بی‌اعتبار و بی‌ارزش خواهد بود .

٢١٢ـ عدّة الدّاعي(ص:٧٥)، بحارالأنوار(ص:٢٠٥،ج:١) :

عَنْ : عَلِيٍّ عليه السلام قالَ : جُلُوسُ سَاعَةٍ عِنْدَ الْعُلَمآءِ أَحَبُّ إلَى اللهِ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفَ سَنَةٍ، وَ النَّظَرُ إلى الْعَالِمِ أَحَبُّ إلى اللهِ مِنْ إعْتِكَافِ سَنَةٍ فِي الْبَيْتِ الْحَرامِ ، و زِيارَةُ الْعُلَمآءِ أَحَبُّ إلَى اللهِ مِنْ سَبْعِينَ طَوافاً حَوْلَ

الْبَيْتِ ، وَ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ حَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ صَيْرُورَةٍ مَقْبُولَةٍ ، وَ رَفَعَهُ اللهُ لَهُ سَبْعِينَ دَرَجَةً ، وَ أَنْزَلَ اللهُ عَلَيْهِ الرَّحْمَةَ ، وَ شَهِدَتْ لَهُ الْمَلائِكَةُ أَنَّ الْجَنَّةَ وَجَبَتْ لَهُ .

حضرت أمير المؤمنين عليه السلام فرموده : نشستن يك ساعت در محضر علماء ديني ارزشمندتر است در پيش خداوند از هزار سال عبادت ، و نظر به چهره عالم نمودن ارزشمندتر است در نزد خداوند از اعتكاف يك سال در مسجدالحرام، و به ديدار علماء رفتن ارزشمندتر است در پيش خداوند از هفتاد طواف خانه كعبه ، و بهتر و بالاتر است از هفتاد حجّ و عمره قبول شده، و خداوند هفتاد درجه عزّت و مقام او را بالا خواهد برد ، و رحمت را بر او نازل مى‌نمايد ، و فرشتگان شهادت مى‌دهند كه بر چنين شخصى بهشت رفتن واجب و حتمى است .

۲۱۳ـ مستدرك الوسائل(ص:۳۲۷،ج:۸)، بحارالأنوار(ص:۱۸۸،ج:۷۴ و ص:۱۰،ج:۷۸)، نهج البلاغة(الرّسائل:۳۱)، شرح نهج البلاغة(ص:۹۶و۹۹،ج:۱۶)، غرر الحكم(ص:۴۲۹) :

قالَ عَلِيٌّ عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِلْحَسَنِ عليه السلام : قَارِنْ أَهْلَ الْخَيرِ تَكُنْ مِنْهُمْ ، وَ بايِنْ أَهْلَ الشَّرِّ تَبِنْ عَنْهُمْ .

حضرت أمير المؤمنين عليه السلام در ضمن سفارش به امام حسن عليه السلام فرمود : فرزندم ؛ . . . نزديك باش به أهل خير تا جزء ايشان بشمار آيى ، و دورى كن از أهل شرّ (و فساد و آلوده به گناه) تا از آنان جدا محسوب شوى .

۲۱۴ـ بحارالأنوار(ص:۱۸۸،ج:۷۴)، كنز الكراجكى(ص:)، مستدرك الوسائل(ص:۳۲۷، ج: ۸) ، أعلام الدّين(ص:۱۸۳) :

رُوِيَ أَنَّ سُلَيْمانَ بْن داوُدَ (ع) قالَ : لاتَحْكُمُوا عَلىٰ رَجُلٍ بِشَيْءٍ حَتَّى تَنْظُرُوا إِلىٰ مَنْ يُصاحِبُ فَإِنَّما يُعْرَفُ الرَّجُلُ بِأَشْكالِهِ وَ أَقْرانِهِ ، وَ يُنْسَبُ إِلىٰ أَصْحابِهِ وَ أَخْدانِهِ .

روایت شده که حضرت سلیمان (ع) فرمود : درباره خوبی و بـدی کسـی سخنی نگویید و قضاوت نکنید تا بنگرید با چه کسی معاشرت و رفـاقت و همنشـینی دارد ، زیرا : شناخته می‌شود هر کسی به همردیف و هم معاشر او ، چون نسبت داده می‌شود از نظر خوبی و بدی هر انسانی به یاران و همردیفان او .

۱۲۴) جامع أحاديث الشّيعة(ص:۵۲۱،ج:۱۳)، معانى الأخبار(ص:۲۵۳)، بحـار الأنوار(ص: ۴۱۶ و ص:۴۱۷،ج: ۱۳ و ص:۱۷۶،ج:۷۴)، وسائل الشّيعة(ص:۱۵۶،ج:۱۲)، الصّدوق ، أبى ، عن : سعد بن عبد الله ، عن : أحمد بن أبى عبد الله ، عن : بعض أصحابنا ، رفعه ، قال :

قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَىَّ ؛ صَاحِبْ مِأةً ، وَ لا تُعادِ واحِداً ، يـا بُنَىَّ ؛ إنَّما هُوَ خَلاقُكَ وَ خُلْقُكْ ، فَخَلاقُكَ دينُكَ ، وَ خُلْقُكَ بَيْنَكَ وَ بَـينَ النّاسِ ، وَ لاتَتَبَغَّضْ إلَيْهِمْ ، وَ تَعَلَّمْ مَحاسِنَ اْلأخْلاقِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : فرزندم ؛ مصاحبت و دوستی کن با صد نفر ، ولکن دشمنی با یك نفر هم نکن ، پسرم ؛ تو دارای خَلاق و شـیوه و رفتار و أخلاق هستی ، و خلاق و رفتار : دین ، تو است (بنگر چگونه است) و أخلاق تو همان است که بین تو و مردم است، پس با مردم دشمنی نکن (و دشمنی بوجود نیاور) و یادگیر أخلاق نیکوی مردم را (و با مردم با همان أخلاق نیـك و پسندیده رفتار کن) .

۱۲۵) المحجّة البيضاء(ص:۲۰۳،ج:۵)، الدّر المنثور(ص:۱۶۲،ج:۵)، مسـتدرك الحـاكم(ص: ۴۲۲،ج:۲)، تنبيه الخواطر(ص:۱۰۸)، القصص للجزائرى(ص:۳۲۹)، عقدالفريد(ص: ۲۷۰،ج:۲)، لئالى الأخبار(ص: ۱۰۸،ج:۱)، بحار الأنوار(ص:۴۲۵،ج:۱۳) :

يُرْوىٰ أنَّ لُقْمانَ (ع) دَخَلَ عَلىٰ داوُدَ (ع) وَ هُوَ يُسَرِّدُ الدِّرْعَ ، وَ لَـمْ يَكُنْ رَآهَا قَبْلَ ذَلِكَ، فَجَعَلَ يَتَعَجَّبُ مِمّا يَرىٰ، فَأرادَ أنْ يَسْألَهُ عَنْ ذَلِكَ ، فَمَنَعَتْهُ اْلحِكْمَةُ ، فَأمْسَكَ نَفْسَهُ وَ لَمْ يَسْألْهُ، فَلَمّا فَرَغَ قامَ داوُدُ، وَ لَبِسَها،

فَقالَ: نِعْمَ الدِّرْعُ لِلْحَرْبِ، فَقالَ لُقْمانُ: اَلصَّمْتُ حِكَمٌ(حِكْمَةٌ) وَ قَليلٌ فاعِلُهُ .

روایت شده که حضرت لقمان (ع) بر حضرت داود (ع) وارد گردید زمانی که حضرت داود (ع) زره می‌ساخت (و تا آن موقع هنوز کسی زره را اختراع نکرده بود) و تاکنون زره را ندیده بود ، تعجّب کرد ، تصمیم گرفت در مورد فایده آن سؤال کند ، ولیکن حکمت و دانایی او مانع پرسش شد ، از اینجهت نپرسید، و حضرت داود (ع) پس از ساختن زره بپا برخواست و آن را پوشید و گفت : چه بسیار خوب زره و لباسی است برای میدان جنگ، حضرت لقمان (ع) گفت: خاموشی و صبر کردن و زبان نگه داشتن حکمت است و أندك هستند کسانی که صبر کنند و خاموشی را پیشه خود سازند (تا مطلب خودبخود معلوم گردد) .

۱۲۶) بحارالأنوار(ص:۴۱۱ و ص:۴۱۷،ج:۱۳ و ص:۲۹۱، ج: ۹۶)، مستدرك الوسائل(ص: ۱۷۵،ج:۱ و ص:۴۳،ج:۳ و ص:۵۴۶،ج:۷)، قصص الأنبیاء(ص:۱۹۰)، بالاسناد إلى الصّدوق، عن: أبیه ، عن : سعد بن عبدالله ، عن : أحمد بن محمّد بن عیسی ، عن : أبیه ، عن : درست بن أبی منصور ، عن : إبراهیم بن عبد الحمید ، عَنْ : أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قالَ : كانَ لُقْمانُ(ع) يَقُولُ لِابْنِهِ :

قصص الجزائری(ص:۳۲۵)، تفسیر القمّی(ص:۱۶۴،ج:۲)، علیّ بن إبراهیم ، عن : أبیه عن : القاسم بن محمّد الإصفهانیّ ، عن : سلیمان بن داود المنقریّ ، عن : حمّاد بن عیسی قال :

سَأَلْتُ أَبا عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ لُقْمانَ وَ حِكْمَتِهِ ؟ قالَ عليه السلام كانَ فِيما وَعَظَهُ بِهِ : يا بُنَيَّ، صُمْ صَوْماً يَقْطَعُ شَهْوَتَكَ، وَ لاتَصُمْ صِياماً يَمْنَعُكَ مِنَ الصَّلاةِ ، فَإِنَّ الصَّلاةَ أَحَبُّ إِلَى اللهِ مِنَ الصِّيامِ [فَإِنَّ الصَّلاةَ أَعْظَمُ عِنْدَ اللهِ مِنَ الصَّوْمِ خ ـ ل] .

حمّاد گوید : از حضرت صادق عليه السلام پرسیدم از لقمان و راهنمایی‌های او، فرمود : از جمله گفتارهای آن حضرت این بوده : فرزندم ؛ روزه بگیر بقدری که شهوت تو را أندك نماید ، و آنقدر روزه نگیر که تو را از نماز خواندن باز دارد ،

زیرا : نماز محبوبتر و بزرگتر است پیش خداوند از روزه .

تأیید می‌کند گفتار حضرت لقمان (ع) را روایتی که نقل شده :

۲۱۵ـ بحارالأنوار(ص:۳۸۶،ج:۶۸ و ص:۱۶۰،ج:۷۸ و ص:۲۵۵ و ص:۲۵۹،ج:۹۶)، المحاسن (ص:۲۸۹)، وسائل الشیعة(ص:۱۴،ج:۱)، الکافی(ص:۶۲ ،ج:۴)، مرآة العقول (ص:۱۹۸،ج:۱۶)، التهذیب(ص:۲۴۲،ج:۲ و ص:۱۵۱،ج:۴)، مجالس المفید(ص:)، الزّهد(ص:۱۳)، فضائل الأشهر (ص:۱۲۲)، من لایحضر(ص:۷۵،ج:۲) ، روضة المتقین(ص:۲۲۷،ج:۳) ، عن : الحسن بن علیّ بن فضّال ، عن : ثعلبة بن میمون ، عن : علیّ بن عبد العزیز قال :

قالَ أبُو عَبْدِ اللهِ عليه السلام : ألا اُخْبِرُكَ بِأصْلِ الإسْلامِ ، وَ فَرْعِهِ ، وَ ذِرْوَتِهِ ، وَ سَنامِهِ ؟ قالَ قُلْتُ : بَلى جُعِلْتُ فِداكَ ، قالَ : أصْلُهُ الصَّلاةُ ، وَ فَرْعُهُ الزَّكاةُ ، وَ ذِرْوَتُهُ وَ سَنَامُهُ الْجِهادُ في سَبِيلِ اللهِ ، ألا اُخْبِرُكَ بِأبْوابِ الْخَيرِ ؟ (قُلْتُ : بَلى ، جُعِلْتُ فِداكَ ، قالَ :) الصَّوْمُ جُنَّةٌ ، وَ الصَّدَقَةُ تَحُطُّ الْخَطِيئَةَ ، وَ قِيامُ الرَّجُلِ في جَوْفِ اللَّيْلِ يُناجِي رَبَّهُ ، ثُمَّ قَرَءَ : ﴿ تَتَجافى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفاً وَ طَمَعاً ﴾ (السّجده/۱۶) .

علیّ بن عبد العزیز گوید : حضرت صادق (ع) به من فرمود : خبر ندهم تو را از ریشه اسلام ، و فرع و شاخه و تنه آن ؟ عرض کردم : بلی فدایت شوم ، فرمود : ریشه اسلام نماز است (که هر کس نماز نخواند مسلمان نیست) و فرع آن زکات (و وجوه دیگر شرعیّ) است (که هر کس ندهد پای‌بند به اسلام نیست) ، و شاخه و تنه اسلام جهاد در راه خدا است ، آیا خبر ندهم تو را راههای خیر را (عرض کردم : بلی فدایت شوم ، فرمود :) روزه سپر است برای آتش جهنّم ، و صدقه دادن سبب فرو ریختن أثرات بد خطاهاست ، و بپا برخواستن انسان از خواب در نیمه شب برای مناجات با پروردگار ، سپس آن حضرت این آیه شریفه وافی هدایه را که خدا در قرآن درباره عبادت کنندگان در شب فرموده

قرائت کرد : پهلوی خود را از خوابگاه دور کرده و برای عبادت شبانه در نیمه شب برمی‌خیزند و با پروردگار مناجات و راز و نیاز می‌کنند بواسطه ترسی (که از خشم و عذاب خدا) دارند با طمع فراوان از رحمت و فضل و مغفرت (خدا) .

۱۲۷) تفسیر روح المعانی(ص:۸۳ ،ج:۲۱) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ ضَرْبُ الْوالِدِ لِوَلَدِهِ کَالسَّمادِ لِلزَّرْعِ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده : فرزند عزیزم ؛ زدن پدر (عاقل متدیّن برای أدب و یادگیری علم و صنعت و ترك أخلاق و رفتار بد و شیوه ناپسند) به فرزند همانند کندن و زیر و رو کردن زمین است برای زراعت و کشت نمودن (که هر چه زمین بیشتر کنده ور زیر و رو شود محصول بهتری برداشت می‌شود) .

۱۲۸) لئالی الأخبار(ص :۱۰۱،ج:۱)، التهذیب (ص:۳۵۲،ج:۱)، وسائل الشّیعة (ص:۳۳۶، ج:۱) ، محمّد بن علیّ بن محبوب ، عن : العبّاس ، عن : الحسین بن یزید النّوفلی ، عن : إسماعیل بن أبي زیاد السّکونیّ ، عن : محمّد بن مسلم قال :

سَمِعْتُ أباجَعْفَر عليه السلام یَقُولُ : قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : طُولُ الْجُلُوسِ عَلَی الْخَلاءِ [یَفْجَعُ مِنْهُ الْکَبِدُ وَ] یُورِثُ الْباسُورَ، [وَ یَصْعَدُ الْحَرارَةَ إلَی الرَّأسِ ، فَاجْلِسْ هَوْناً ، وَ قُمْ هَوْناً] قالَ : فَکُتِبَ هَذَا عَلی بَابِ الْحُشِّ .

حضرت امام محمّد باقر عليه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : زیاد نشستن در بیت التّخلیه (دستشویی جگر را به درد مبتلا می‌سازد) باعث پیدا شدن دمّل‌های چرکی (بواسیر) در نشیمن‌گاه انسان می‌شود ، و حرارت و بخارهای نامناسب و نامساعد به سر و مغز می‌رسد ، بنابراین نشستن و برخواستن را باید مراعات کنی .

سپس فرمود: نوشته شد این دستور (اجتماعی و بهداشتی) بر درب بیت الخلاء.

و این حدیث را صدوق در خصال(ص:۱۸) ، از حضرت علی عليه السلام نقل نموده :

۲۱۶ـ بحارالأنوار(ص:۱۷۳ و ص:۱۸۶ و ص:۱۹۰،ج:۸۰)، الخصال(ص:۱۸)، وسائل الشّيعة(ص:۳۳۶،ج:۱)، محمّد بن علیّ ماجيلويه ، عن : محمّد بن يحيى العطّار، عن: أبي سعيد الآدميّ، عن: الحسن بن الحسين اللؤلؤيّ، عن: محمّد بن سعيد بن غزوان، عن: إسماعيل بن أبي زياد السّكونيّ، عَنِ : الصّادِقِ عليه السلام عَنْ : آبائِهِ عليهم السلام عَنْ : أميرِالْمُؤْمِنينَ عليه السلام قالَ : طُولُ . . .

روضة المتّقين (ص :۱۱۲،ج:۱)، من لايحضر(ص:۲۸،ج:۱) ، عَنِ : الْباقِرِ عليه السلام . . .

علل الشّرايع (ص:۲۷۸،ج:۱) ، عن : أبيه ، عن : سعد بن عبد الله ، عن : الفضل بن عامر ، عن : موسى بن القاسم الجبليّ ، عمّن ذكره ، عن : محمّد بن مسلم قال :

سَمِعْتُ أَبَاجَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: طُولُ الْجُلُوسِ عَلَى الْخَلاءِ يُورِثُ الْبَواسيرَ.

حضرت امام محمّد باقر عليه السلام می‌فرمودند : بيش از حدّ لازم نشستن در دستشويی باعث بوجود آمدن بيماری بواسير می‌شود .

۲۱۷ـ إثنى عشريّة(ص:۳۲۵) :

وَ قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله : عَشْرَةُ أَشْيآءَ تُورِثُ الشَّيْبَ: كَثْرَةُ مُعانَقَةِ النِّسآءِ، وَ غَسْلُ الرَّأْسِ بِالطِّينِ، وَ طُولُ الْمَقامِ عَلَى الْخَلاءِ، وَ الْكَلامُ عَلى رَأْسِ الْحَدَثِ، وَ كَثْرَةُ الطِّيبِ، وَ شِرْبُ الْمآءِ بِاللَّيْلِ، وَ النَّظَرُ إِلَى الْفَرْجِ ، وَ النَّوْمُ عَلَى الْوَجْهِ ، وَ شِرْبُ الْمآءِ مِنْ قِيامٍ ، وَ مَسْحُ الْوَجْهِ بِالْكُمَّيْنِ .

رسول خدا صلى الله عليه وآله می‌فرمود : دَه چيز است كه باعث پيری زودرس می‌شود : ۱ـ زياد همبستر شدن با زنان ، ۲ـ شُستن سر با گِلْ ، ۳ـ نشستن زمان طولانی در بيت الخلآء (دستشويی) ، ۴ـ سخن گفتن در هنگام بودن در بيت التّخلية ، ۵ـ زياد استعمال كردن بوی عطريّات (مخصوصاً اُدكُلن) ، ۶ـ آب آشاميدن در شب ، ۷ـ نگاه كردن به عورت ، ۸ـ به رو خوابيدن ، ۹ـ ايستاده آب آشاميدن ، ۱۰ـ صورت و دستها را با آستين (و لباس پوشيده) خشك و تميز كردن .

۲۱۸ـ بحارالأنوار(ص:۳۱۷،ج:۶۲)، طبّ الرّضا عليه السلام (ص:۴۸)، مستدرك الوسائل(ص:

۲۶۸،ج:۱)، لئالی الأخبار(ص:۱۰۷،ج:۱) :

قالَ الرِّضا عليه السلام : أُدْخُلِ الْخَلاَءَ لِلْحاجَةِ ، وَ أَلْبِثْ فِيْهِ بِقَدْرِ ما تَقْتَضِي بِهِ حَاجَتُكَ، وَ لاتُطِلْ فِيْهِ الْجُلُوسَ ، فَإِنَّ ذَلِكَ يُوْرِثُ دآءَ الْفِيْلِ .

حضرت امام رضا عليه السلام می‌فرمود : به بیت الخلا برو، ولکن به قدر لازم که نیاز داری بنشین، و طولانی نکن نشستن خود را، زیرا؛ باعث بیماری درد پا می‌شود .

۲۱۹ـ بحارالأنوار(ص:۳۲۳،ج:۶۲)، لئالی الأخبار(ص:۱۰۸،ج:۱)، طبّ الرّضا عليه السلام (ص:۲۶) :

قالَ الرِّضا عليه السلام : مَنْ أَرادَ أَنْ لايَشْتَكِي مَثانَتَهُ ، فَلايَحْبِسُ الْبَوْلَ وَ لَوْ عَلىٰ ظَهْرِ دابَّةٍ .

حضرت امام رضا عليه السلام می‌فرمود : هر که بخواهد دچار بیماری (سنگ) مثانه نشود ، ادرار خود را نگه ندارد ، اگر چه بر پشت حیوانی سوار باشد .

۱۲۹) الإختصاص (ص:۲۴۶)، بحارالأنوار(ص:۴۲۶،ج:۷۱) :

وَ قالَ الرِّضا عليه السلام ، قالَ لُقْمانُ(ع) : عَدُوٌّ حَلِيمٌ خَيْرٌ مِنْ صَدِيقٍ سَفِيْهٍ .

حضرت امام رضا عليه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) فرموده : دشمن بردبار و صبر کننده بهتر است از دوست نادان .

زیرا : دشمن دانای با وجدان برای داشتن فکری بلند ، مسائل و مطالب را تحمّل می‌کند ، ولیکن دوست نادان بسبب هوشیار نبودن باعث ضرر و زیان و گاه آبروریزی می‌شود که چه بسا تا پایان عمر نتوان جبران کرد .

۱۳۰) إرشاد القلوب الدّيلمي(ص:۷۱،ج:۱)، إرشاد القلوب المترجم(ص:۱۶۵،ج:۱) :

فی وَصِيَّةِ لُقْمانَ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ عَلَيْكَ بِالتَّقْوىٰ ، فَإِنَّهُ أَرْبَحُ التِّجاراتِ .

حضرت لقمان (ع) نصیحت فرموده فرزند خود را و فرموده : پسرم ؛ بر تو باد به داشتن تقوی (در تمام حالات و در همه جا) زیرا : بهترین (بهره و

سود زندگی) و پرمنفعت‌ترین تجارت‌ها است .

۱۳۱) محبوب القلوب (ص:۵۸) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ عَلَیْكَ بِالصَّبْرِ وَ الْیَقِینِ وَ مجُاهَدَةِ نَفْسِكَ ، وَ اعْلَمْ : الصَّبْرُ فِیهِ أنْواعُ الشَّرَفِ ، فَإذا صَبَرْتَ عَلَیٰ مَحَارِمِ اللهِ ، وَ زَهَدْتَ فِی الدُّنْیا ، وَ تَهَاوَنْتَ بِالْمَصائِبِ ، لَمْ یَكُنْ شَیْءٌ أحَبُّ إلَیْكَ مِنَ الْمَوْتِ وَ أنْتَ تَتَرَهَّبُهُ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ بر تو باد بـه صبر کردن در گرفتاریها و مشکلات زندگی ، و داشتن یقین (بر أجر و ثواب داشتن صابر) و مجاهده با نفس (أمّاره و دلبخواه) و بدان که صبر کردن در گرفتاریها أنواع شرافت پنهانست ، که اگر صبر کردی بر آنچه که خدا بر تو حرام کـرده و أنجام ندادی، و در أموال دنیایی زهد و خویشتن‌داری را پیشه کردی، و مصیبتها و گرفتاریها را سبك و کوچك شمردی ، هیچ چیزی دوست داشتنی تر از مـرگ پیش تو نیست با اینکه پیش از داشتن این حالت از آن می‌ترسیدی .

تأیید می‌کند گفته حضرت لقمان (ع) را بیان شریف رسول أکـرم صلی الله علیه و آله و سلم که فرموده :

۲۲۰ـ بحارالأنوار(ص:۱۵۶،ج:۷۱ و ص:۱۳۸،ج:۸۲)، مسکن الفؤاد(ص:۴۴)، مستدرك الوسائل(ص:۴۱۱،ج:۲)، إثنی عشریّة(ص:۱۳۱) :

قالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم : ثَلاثٌ مَنْ رَزَقَهُنَّ فَقَدْ رُزِقَ خَیْرُ الدّارَیْنِ : الرِّضَا بِالْقَضَآءِ ، وَ الصَّبْرُ عَلَی الْبَلاءِ ، وَ الدُّعَآءُ فِی الرَّخَآءِ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده : سه چیز است که هر کس داشته باشد ، خیر دنیا و آخرت را خواهد داشت : أوّل : راضی به مقدّرات خدا بودن ، دوّم : صبر بر بلا و گرفتاریهای پیش آمده نمودن ، سوّم : دعا کـردن و حـاجت خواسـتن از

خداوند در هنگام آسایش و راحتی و أمنیّت .

۲۲۱ـ إثنی عشریّة(ص:۴۰)، بحـارالأنوار(ص:۱۸۴،ج:۷۰ و ص:۷۵ و ص:۷۷ و ص:۹۳، ج: ۷۱ و ص:۵۵،ج:۷۸)، الکافی(ص:۹۰،ج:۲)، مرآةالعقول(ص:۱۳۶،ج:۸)، الإختصاص(ص:۲۱۸)، تحف العقول(ص:۲۱۷)، تنبیه الخواطر(ص:۱۶)، مشکاة الأنوار(ص:۲۲)، وسائل الشّیعة(ص:۲۳۷،ج:۱۵) :

وَ قالَ أميرُ الْمُؤْمِنينَ عليه السلام : الصَّبْرُ صَبْرانِ ، صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصيبَةِ حَسَنٌ جَميلٌ ، وَ أَحْسَنُ [أَكْبَرُ] مِنْ ذَلِكَ الصَّبْرُ عِنْدَ ما حَرَّمَ اللهُ عَلَيْكَ . . .

و حضرت أمیرالمؤمنین عليه السلام فرموده : صبر در دو مورد است : و آن صبر داشتن هنگامی که مصیبت و گرفتاری پیش آید که اینگونه خودداری بسیار نیکـو و زیبا است ، و بهتر و بزرگتر و بالاتر از آن صبر و خویشتن‌دار بودن نسبت به آنچه که خدا (از روی حکمت و منفعت) بر تو حرام فرموده .

۱۳۲) الإختصاص(ص:۳۴۰)، بحارالأنوار(ص:۴۳۱،ج:۱۳)، عن: الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لاِبْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ عَلَيْكَ بِما يُغْنيكَ ، وَ دَعْ عَنْكَ مـا لايُغْنيكَ ، فَإِنَّ الْقَليلَ مِنْها يَكْفيكَ ، وَ الْكَثيرُ مِنْها لايُغْنيكَ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرمود: پسرم؛ بر تو باد (به گفتن و أنجام دادن) آنچه را که به تو مربوط و فایده‌بخش است ، و نیازهـای تـو را برطـرف می‌سازد ، و رها کن آنچه را که مربوط به تو نیست (و فایده ندارد)، زیرا: أندك آنها که تو را فایده دارد برای تو بس است ، و زیاده آن به درد تو نمی‌خورد .

۲۲۲ـ بحارالأنوار(ص:۱۰۲،ج:۷۷)، مکارم الأخلاق(ص:۴۵۱) :

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله لِعَبْدِاللهِ بْنِ مَسْعُودٍ : يَابْنَ مَسْعُودٍ ؛ دَعْ عَنْكَ مَا لايُغْنيكَ ، وَ عَلَيْكَ بِما يُغْنيكَ ، فَإِنَّ اللهَ جلّ جلاله يَقُولُ : ﴿ لِكُلِّ امْرِءٍ مِنْـهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنيهِ ﴾ (عبس/۳۷) .

رسول خدا صلى الله عليه وآله به عبدالله بن مسعود فرمود: رها کن هر چه که تـو را

بی‌نیاز نمی کند، و بر تو باد به کوشش و فعّالیّت فراوان برای به دست آوردن آنچه که سبب برطرف سازی نیازمندیهای تو می شود، زیرا: خدای سبحان در قرآن فرموده: در قیامت برای هر کس آن چیزی است که او را برهاند از عذاب و بی‌نیازش کند از هر چه که احتیاج دارد .

۲۲۳ـ الکافی(ص:۱۳۹،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۳۲۷،ج:۸)، شرح الکافی(ص:۳۸۶،ج:۸)، مستدرك الوسائل(ص:۲۲۴،ج:۱۵)، بحارالأنوار(ص:۱۷۸،ج:۷۳)، عدّة من أصحابنا، عن: أحمد بن محمّد بن خالد ، عن : الحسن بن عليّ بن فضّال، عن: عبد الله بن بكير، عن: حمزة بن حمران بن أعين قال :

شَكَا رَجُلٌ إلى أبِيْ عَبْدِ اللهِ عليه السلام إنَّهُ يَطْلُبُ فَيُصِيْبُ ، وَ لايَقْنَعُ ، وَ تَنَازَعَهُ نَفْسَهُ إلىٰ مَا هُوَ أكْثَرُ مِنْهُ ، وَ قَالَ : عَلِّمْني شَيْئاً أنْتَفِعُ بِهِ ، فَقَالَ أبُو عَبْدِاللهِ عليه السلام : إنْ كانَ ما يَكْفِيكَ يُغْنِيكَ ، فَأدْنىٰ مَا فِيهَا يُغْنِيكَ ، وَ إنْ كَانَ مَا يَكْفِيكَ لايُغْنِيكَ فَكُلُّ مَا فِيهَا لايُغْنِيكَ .

حمزه گوید : مردی به حضرت صادق عليه السلام شکایت از وضع زندگی خود کرد و گفت : در کسب هر مقدار سود بخواهم نصیبم می‌شود ، ولی راضی و قانع نمی‌شوم و هوی و هوس بیشتری را دارم ، مرا پندی بیاموزید که استفاده کنم ، آن حضرت فرمود : اگر آنچه کفایت زندگی تو را می‌کند ، تو را بی‌نیاز می‌کند پس کمتر از آن هم تو را بی‌نیاز می‌نماید ، و اگر آنچه به دستت می‌رسد تو را بی‌نیاز نکند ، آنچه در دنیا است تو را بی‌نیاز نخواهد کرد .

۱۳۳) إرشاد القلوب الدّيلمي(ص:۷۲،ج:۱)، إرشاد القلوب المترجم(ص:۱۶۶،ج:۱)، تنبيه الخواطر (ص:۲۳۱)، بحارالأنوار(ص:۴۲۶،ج:۱۳)، باختلاف :

فِي وَصِيَّةِ لُقْمانَ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ عَلَيْكَ بِالْمَوْعِظَةِ فَاعْمَلْ بِهَا ، فَإنَّهَا عِنْدَ الْعَاقِلِ أحْلَى مِنَ الْعَسَلِ الشَّهْدِ ، وَ هِيَ عَلَى السَّفِيهِ أشَقُّ مِنْ صُعُودِ الدَّرَجَةِ عَلَى الشَّيْخِ الْكَبِيرِ .

از جمله سفارشهای حضرت لقمان (ع) به فرزندش این بوده : فرزندم ؛ بر تو باد به موعظه و گوش دادن به نصیحت (بزرگان دلسوز با تجربه) و عمل کردن به راهنمایی‌های ایشان ، زیرا : نصیحت و عمل کردن به آن در پیشگاه عقل داران شیرین‌تر است از عسل خالص گوارای تصفیه شده ، و نصیحت گوش کردن برای أفراد نادان بواسطه نادانی که دارند سخت‌تر و مشکل‌تر است از پلّه بالا رفتن پیرمرد (و پیرزن) ناتوان و عاجز .

۱۳۴) بحارالأنوار(ص:۴۲۷،ج:۱۳)، الإختصاص(ص:۳۳۶)، عن: الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ اَلْفَقْرُ خَیْرٌ مِنْ أنْ تَظْلِمَ وَ تَطْغَی .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود می‌فرمود : فرزندم ؛ ناداری و تهیدستی از ثروت دنیایی بهتر است از اینکه ثروتی داشته باشی و بواسطه آن ظلم به دیگران کنی ، و طغیان و سرپیچی از دستورات (خداوند) بنمایی .

آری ؛ بعضی از أفراد طاقت و تحمّل داشتن ثروت را ندارند ، و اگر ثروتمند شدند غرور و نخوت و تکبّر نموده و ظلم به دیگران می‌نمایند و به حقّ و حقوق أشخاص تجاوز کرده تا جایی که حقّ و حقوق واجبه إلهی را هم نمی‌دهند ، و تأیید بیان آن حضرت ، آیه شریفه قرآن است که می‌فرماید : ﴿ إِنَّ الإنسانَ لَیَطْغَی ، أنْ رَآهُ اسْتَغْنَی ﴾ ، همانا ؛ (بعضی از أفراد) انسان سرپیچی و نافرمانی (و ظلم و ستم به خود و دیگران) می‌نماید ، هرگاه سرمایه‌دار و ثروتمند شد .

۱۳۵) بحارالأنوار(ص:۴۲۴،ج:۱۳)، مجمع البیان(ص:۳۱۷،ج:۸)، منهاج البراعة(ص:۱۰۴، ج :۶) ، القصص الجزائری(ص :۳۳۹) ، لئالی الأخبار(ص: ۱۰۸،ج:۱) ، قال عبد الله بن دینار :

قَدِمَ لُقْمانُ مِنْ سَفَرٍ فَلَقِیَ غُلامَهُ فِی الطَّرِیقِ ، فَقالَ : مَا فَعَلَ أبِی ؟ قَالَ : مَاتَ ، قَالَ : مَلَکْتُ أمْرِی ، قَالَ : مَا فَعَلَتْ أُمّی؟ قَالَ: مَاتَتْ، قَالَ: ذَهَبَ هَمّی، قَالَ: مَا فَعَلَتْ إمْرَأتِی؟ قَالَ: مَاتَتْ، قَالَ: جُدِّدَ فِراشِی، قَالَ :

مَا فَعَلَتْ أُخْتِي، قَالَ: مَاتَتْ، قَالَ: سُتِرَتْ عَوْرَتِي، قَالَ: مَا فَعَلَ أَخِي، قَالَ: مَاتَ، قَالَ: إِنْقَطَعَ ظَهْرِي، قَالَ: مَا فَعَلَ إِبْنِي؟ قَالَ: مَاتَ ، قَالَ : إِنْصَدَعَ قَلْبِي .

عبدالله بن دینار گوید : حضرت لقمان (ع) از سفری مراجعت کـرد و در راه غلام خود که به استقبال او آمده بود دیدار کرد و از او پرسید : پدرم چه می‌کند ؟ غلام گفت : از دنیا رفت ، فرمود : اختیارم و اختیار امورات و کارهایم بدست خودم قرار گرفت ، بگو مادرم چه می‌کند ؟ غلام گفت : از دنیا رفت ، گفت : أندوه من برطرف شد ، سپس پرسید : همسرم چه می‌کند ؟ غلام گفت : از دنیا رفت ، گفت : تازه می‌شود زندگی من با همسر جدید، و فرمود : خواهرم چه می‌کند ؟ غلام گفت : مرده است ، گفت : ناموسم پوشیده شد ، و پرسید : برادرم چه می‌کند ؟ غلام گفت : مرده ، فرمود : کمرم شکست ، بعد پرسید : پسرم چه می‌کند ؟ غلام گفت : مرده ، فرمود : دلم غصّه‌ناك و داغدار شد .

۱۳۶) إثنی عشریة(ص:۲۵)، بحارالأنوار(ص:۴۲۱،ج:۱۳)، تنبیه الخواطر(ص:۳۸ باختلاف) :

قالَ لُقْمانُ (ع) : یا بُنَيَّ ؛ کَذِبَ مَنْ قَالَ إنَّ الشَّرَّ یُطْفَأُ بِالشَّرِّ ، فَإنْ کَانَ صَادقاً فَلْیُوقَدْ نارَین ، ثُمَّ لِیَنْظُرْ هَلْ تَطْفَئُ إحْدَاهُمَا الأُخْرَی ؟ وَ إنَّما یَطْفَئُ الْخَیْرُ الشَّرَّ کَمَا یَطْفَئُ الْمَاءُ النَّارَ .

۱۳۷) إرشاد القلوب الدّیلمیّ (ص :۷۱ ،ج:۱)، إرشاد القلوب المترجم (ص : ۱۶۵،ج:۱) :

قالَ لُقْمانُ(ع) : یابُنَيَّ؛ کَذِبَ مَنْ یَقُولُ : الشَّرُّ یُقْطَعُ بِالشَّرِّ، ألا تَرَی أنَّ النّارَ لاتُطْفَئُ بِالنّارِ وَلکِنْ بِالْماءِ ، وَ کَذَلِكَ الشَّرُّ لایُطْفَئُ إلاّ بِالْخَیرِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ دروغ و بیجا می‌گوید کسی که بگوید : بدی را با بدی برطرف باید کرد ، آیا نمی‌بینی که آتش با آتش خاموش نمی‌شود ، بلکه با آب خاموش می‌گردد ، همچنین خاموش و نابود می‌شود بدی با انجام دادن کار خیر و خوب .

بیان آن حضرت درباره دوستی و دشمنی است که باید دشمنی را با دوستی کردن برطرف نمود .

۱۳۸) تنبیه الخواطر(ص:۸۰)، بحارالأنوار(ص:۴۲۱،ج:۱۳) :

قالَ لُقْمانُ (ع) یا بُنَیَّ ؛ کَمَا تَنامُ کَذَلِکَ تَمُوتُ ، وَکَمَا تَسْتَیْقِظُ کَذَلِکَ تُبْعَثُ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده: ای پسرم؛ همچنانکه به خواب می‌روی، می‌میری، و هم چنانکه از خواب بیدار می‌شوی ، پس از مرگ زنده می‌شوی .

۲۲۴ـ مصباح الشّریعة(ص:۴۴)، بحارالأنوار(ص:۱۸۹،ج:۷۶) :

قالَ الصّادِقُ عليه السلام : . . . اَلنَّوْمُ أَخُ الْمَوْتِ ، فَاسْتَدِلْ بِهِ عَلَى الْمَوْتِ الَّذی لاتَجِدُ السَّبِیْلَ إِلیَ الإِنْتِبَاهِ فِیْهِ . . .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : خواب برادر مرگ است ، و به خواب رفتن و بیدار شدن که اختیارش بدست انسان نیست ، دلیل بدان بر مردن و زنده شدن پس از مرگ .

مرگ برای انسان أمری است حتمی ، چنانکه آیه شریفه وافی هدایه : ﴿ کُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْموْتِ ﴾(آل عمران/۱۸۵) هر جان داری چشنده مرگ است .

ولکن ؛ با مردن فانی و نابود نمی‌شود انسان ، بلکه : « خُلِقْتُمْ لِلْبَقاءِ لا لِلْفَناءِ » (حدیث قدسیّ) آفریده شده‌اید برای ماندن نه برای فانی و نابود شدن ، بنابراین : با جدا شدن روح از بدن ، از خانه‌ای و جهانی به خانه و جهان دیگر منتقل می‌شوید .

۱۳۹) جامع‌أحادیث‌الشّیعة(ص:۵۲۲،ج:۱۳)، معانی‌الأخبار(ص:۲۵۳)، وسائل‌الشّیعة(ص:۱۵۶،ج:۱۲)، مستدرك الوسائل(ص:۸ ،ج:۱۴)، مشكاة الأنوار(ص:۵۳)، بحارالأنوار(ص:۴۱۶ و ص:۴۲۶،ج:۱۳ و ص :۱۷۶،ج:۷۴ و ص:۱۱۷،ج:۷۵) ، قصص الأنبیاء للرّاوندیّ (ص:۱۹۰) ، تنبیه

الخواطر (ص:۲۳۱،ج:۱) ، إثنی عشریّة (ص : ۲۵) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ کُنْ أمِیناً تَعِشْ (تَکُنْ) غَنِیّاً

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود می‌فرمود : فرزندم ؛ أمین (و وفا کننده به وعده صحیح دینی و انسانی) باش تا زندگی ثروتمندانه داشته باشی (چون مورد اعتماد و اعتبار أشخاص خواهی بود از این جهت سرمایه و ثروت خود را در اختیار تو قرار خواهند داد ، و تو در کنار آن زندگی آبرومندانه معتبر خواهی داشت) .

۱۴۰) تنبیه الخواطر(ص:۵۰،ج:۱)، إثنی عشریّة(ص:۴۷) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ کُنْ ذَا قَلْبَین ، قَلْباً تَخَافُ بِهِ اللهَ خَوْفاً لایُخَالِطُهُ تَفْرِیطٌ ، وَ قَلْباً تَرْجُو بِهِ اللهَ رَجَآءً لَایُخَالِطُهُ تَغْرِیرٌ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای فرزندم ؛ دارای دو قلب باش، که با یك قلب بترسی از خداوند ترسیدنی که با آن تفریط و ناامیدی از رحمت و مغفرت نباشد ، و با دل دیگر آنچنان به خدا امیدوار باش بقدری که تو را به هلاکت نیندازد(که به خود تلقین کنی و بگویی من هر چه گناه کنم خدا مرا می‌آمرزد) .

۱۴۱) إثنی عشریّة(ص:۱۹۷) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ کُنْ عاقِلاً أخْرَسَ ، وَ لا تَکُنْ جاهِلاً أفْصَحَ ، وَ اعْلَمْ أنَّ لِکُلِّ شَیْءٍ عَلامَةً ، وَ عَلامَةُ الْعَاقِلِ طُولُ التَّفَکُّرِ وَ لُزُومُ الصَّمْتِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ عاقل گنگ باش (که هر سخنی را در هر مکانی نباید بگویی) ، و مباش یك نفر جاهل زیبا سخنگو (با ألفاظ فریبنده و گمراه کننده) ، پسرم ؛ بدان و آگاه باش که برای هر چیزی نشانه‌ای است ، و نشانه شخص عاقل : همیشه فکر کردن است (در أنجام دادن کارها و عاقبت أندیشی است در تمام امور) ، و همیشه ساکت بودن

(از سخنان بیهوده و یاوه‌گویی ، مخصوصاً از سخنان زبان‌آور) .

۱۴۲) جامع‌أحادیث‌الشیعة(ص:۵۲۲،ج:۱۳)، معانی‌الأخبار(ص:۲۵۳)، بحارالأنوار(ص:۴۱۶ و ص:۴۱۷،ج:۱۳ وص:۱۷۶ و ص:۱۸۶،ج:۷۴)، قصص الأنبیآء (ص:۱۹۰) ، وسائل الشّیعة(ص:۱۵۶،ج:۱۲)، الصّدوق ، عن : أبیه ، عن : سعد بن عبد الله ، عن : أحمد بن أبی عبدالله البرقیّ ، عن : بعض أصحابنا ، رفعه قال :

قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ کُنْ عَبْداً لِلأَخْیارِ ، وَ لاتَکُنْ وَلَداً لِلأَشْرارِ .

حضرت لقمان (ع) بعنوان نصیحت به فرزند خود فرموده : پسرم ؛ برای نیکو کرداران همانند یك بنده و خدمتکار و غلام زَرْخرید باش (که در تمام کارها از آنان اطاعت کن) ولکن برای بدرفتاران و بدأندیشان همانند یك فرزند مباش (که در همه چیز فرمانبر و پیرو باشی) .

۱۴۳) إثنی عشریّة (ص : ۲۵) :

وَ مِنْ وَصَایَا لُقْمَانَ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ کُنْ فِی الشِّدَّةِ وَقُوراً ، وَ فِی الْمَکارِهِ مَسْتُوراً ، وَ فِی الرَّخآءِ شَکُوراً ، وَ فِی الصَّلاةِ مُتَخَشِّعاً ، وَ إلَی الصَّلاةِ مُتَسَرِّعاً .

از جمله سفارشهای حضرت لقمان(ع) به فرزندش این بوده : فرزندم ؛ در سختیها و پیش‌آمدهای ناگوار و مشکلات با وقار و با صبر (و بر قوّه تفکر خود مسلّط) باش ، و کارهای ناپسند (دیگران) را مخفی و پنهان نگهدار (مگر در مواقع ضروری) ، و هنگام آسایش و راحتی شکرگزار باش (و شکر هر نعمتی را مناسب با آن أنجام بده) ، و در نماز خاشع باش ، و برای خواندن نماز (در اوّل وقت) سرعت و شتاب داشته باش .

تأیید می‌کند گفته حضرت لقمان (ع) را بیان شریف حضرت رسول ﷺ

که به حضرت علی علیه السلام فرموده :

۲۲۵ـ بحارالأنوار(ص:۲۶۸،ج:۶۷)، الکافی(ص:۴۷،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۲۹۱،ج:۷)، شرح الکافی(ص:۱۴۰،ج:۸)، محمّد بن یحیی، عن: أحمد بن محمّد بن عیسی، عن : الحسن بن محبوب، عن: جمیل بن صالح، عن: عبد الملک بن غالب، عَنْ: أَبِي عَبْدِاللهِ علیه السلام قالَ: یَنْبَغِي أَنْ یَکُونَ . . .

أمالی الصّدوق (ص:۴۷۴)، إرشاد القلوب الدّیلمیّ(ص:۱۴۳،ج:۱)، تحف العقول(ص:۳۶۱)، التّمحیص(ص:۶۶)، روضة الواعظین(ص:۲۹۲،ج:۲)، المستطرفات(ص:۶۱۵)، مشکاة الأنوار(ص:۷۷)، معدن الجواهر(ص:۶۳)، إثنی عشریّة(ص:۲۹۴)، مکارم الأخلاق(ص:۴۳۴)، وسائل الشّیعة(ص:۱۸۵،ج:۱۵)، بحارالأنوار(ص:۲۹۴،ج:۶۷ و ص:۴۷،ج:۷۷ و ص:۲۷،ج:۷۸)، من لایحضر(ص:۳۵۴، ج:۴)، روضة المتّقین(ص:۱۴،ج:۱۲)، الخصال(ص:۴۰۶)، الصّدوق، عن : محمّد بن علی بن الشّاه، عن : أحمد بن محمّد، عن: أحمد بن خالد الخالدیّ، عن: محمّد بن أحمد بن صالح التّمیمیّ، عن : أبیه، عن : محمّد بن حاتم القطّان، عن : حمّاد بن عمرو، عَن : الصّادِقِ علیه السلام عَنْ: آبائِهِ علیهم السلام عَنْ: النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قالَ فی وَصِیَّتِهِ لِعَلِيٍّ علیه السلام :

قالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله لِعَلِيٍّ علیه السلام : یا عَلِيُّ ؛ یَنْبَغِي أَنْ یَکُونَ فی الْمُؤْمِنِ ثَمانُ خِصالٍ : وَقارٌ عِنْدَ الهَزاهِزِ ، وَ صَبْرٌ عِنْدَ الْبَلاَءِ ، وَ شُکْرٌ عِنْدَ الرَّخاءِ، وَ قُنُوعٌ بِما رَزَقَهُ اللهُ ، لا یَظْلِمُ الْأَعْدآءَ ، وَ لا یَتَحامَلُ الْأَصْدِقاءَ ، بَدَنُهُ مِنْهُ فِی تَعَبٍ وَ النّاسُ مِنْهُ فِی راحَةٍ ، . . .

پیغمبر أکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرموده : شایسته است که در مؤمن هشت خصلت باشد: ۱ـ با وقار بودن به هنگام پیش‌آمدهای سخت و تکان دهنده، ۲ـ صبر داشتن در بلاها و گرفتاریها، ۳ـ شکر نمودن در هنگام آسایش، ۴ـ قانع بودن به آنچه که خداوند روزی و نصیب او فرموده، ۵ـ ظلم نکردن به دشمنان، ۶ـ سربار دوستان نشدن (به خاطر دوستان به دیگران تحمیل و تعدّی ننمودن، و به خاطر دوستان متحمّل وِزر و وَبال نگردیدن و برای آنها شهادت ناحقّ و یا

به أفراد ستم نکردن) ، ۷ ـ خود را برای خدمت به دیگران به زحمت أنداختن ، ۸ ـ تمامی مردم از (دست و زبان و کردار) او در کمال آسایش بودن ، . . .

۱۴۴) إرشاد القلوب الدّیلمیّ(ص:۷۱،ج:۱)، إرشاد القلوب المترجم(ص: ،ج:) :

فی وَصِیَّةِ لُقْمانَ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ کُنْ قَنَعاً تَعِیْشُ غَنیّاً .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : پسرم ؛ قناعت (و اقتصاد و میانه‌روی) را در زندگی داشته باش تا زندگی ثروتمندانه داشته باشی (و نیازمند و زیر بار منّت أشخاص نباشی) .

۱۴۵) الإختصاص(ص:۳۳۷)، مشکاة الأنوار(ص:۱۶۸)، بحارالأنوار(ص:۴۲۸،ج:۱۳ و ص: ۱۷۳،ج:۷۷) ، عن : الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ کُنْ لِلْیَتِیْمِ کَالْأبِ الرَّحِیْمِ ، وَ لِلأرْمَلَةِ کَالزَّوْجِ الْعَطُوفِ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود (خصوصاً و به ما عموماً) فرموده : پسرم؛ برای طفل یتیم همانند پدری مهربان باش ، و برای بیوه زنان همانند شوهری با عاطفه رفتار کن .

یکی از دستورات مهمّ اسلامی رسیدگی به زندگی یتیم است از نظر مخارج زندگی ، و تحصیل علم ، و أدب ، و منحرف نشدن از راه راست ، و توجّه به زندگی بیوه زنان از نظر تمام نیازمندیهای او از مسکن و خوراك و پوشاك و أمنیّت ، هم چنانکه شیوه حضرت أمیرالمؤمنین (ع) اینچنین بوده ، و گواه بر این موضوع کتابهای روایی و تاریخی است .

۲۲۶ـ المحجّة البیضاء(ص:۴۰۳،ج:۳) ، مشکاة الأنوار(ص:۱۶۸) :

قالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله : خَیْرُ بَیْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِینَ بَیْتٌ فِیهِ یَتِیمٌ یُحْسَنُ إلَیْهِ ، وَ شَرُّ بَیْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِینَ بَیْتٌ فِیْهِ یَتِیمٌ یُساءُ إلَیْهِ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرموده: بهترین خانه‌های مسلمانان؛ خانه‌ای است که در آن یتیمی باشد و به او رسیدگی کامل شود ، و بدترین خانه‌های مسلمانان خانه‌ای است که در آن یتیمی باشد که به او ظلم شود (و رسیدگی به او نشود از نظر دینی و أخلاقی و تحصیل علم و کسب) .

۲۲۷ـ المحجّةالبیضاء(ص:۴۰۲،ج:۳)، مشکاةالأنوار(ص:۱۶۷)، مجمع الزّوائد(ص:۱۶۱،ج:۸) :

قالَ رَسُولُ الله صلی الله علیه و آله : مَنْ ضَمَّ یَتِیماً مِنْ أبَوَیْنِ مُسْلِمَیْنِ حَتّی یَسْتَغْنِیَ فَقَدْ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ اَلْبَتَّةَ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده : هر که پناه دهد و رسیدگی کامل کند به زندگی و ما یحتاج درس و کسب یتیمی که پدر و مادرش مسلمان بوده‌اند ، به حدّی که بی‌نیاز گردد ، (از جهت علمی و کسبی و ازدواجی) بهشت بر او واجب می‌شود بطور حتم و یقین .

۱۴۶) إرشاد القلوب الدّیلمی(ص:۷۱،ج:۱)، إرشاد القلوب المترجم(ص:۱۶۵،ج:۱) :

فِی وَصِیَّةِ لُقْمانَ (ع) لاِبْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ کُنْ مُتَّقِیّاً تَکُنْ عَزِیْزاً .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود نصیحت کرده که : ای پسرم ؛ با تقوی باش (و از حرام و شبهه و بی‌دینی و گناه دوری کن) ، تا پیش همه مردم عزیز باشی و مورد احترام (خاصّه در پیشگاه خدا و پیغمبران و صالحان) قرار بگیری .

بدانکه : تقوی ، یعنی : خویشتن‌داری از خلاف کاری و خلاف‌گویی ، و باید دانست که تقوی بر سه قسم است :

۱ـ تقوای اعتقادی: عبارتست از ایمان به غیب، ایمان به وحی، ایمان به قیامت، ۲ـ تقوای عبادی : از قبیل : اقامه نماز ، گرفتن روزه با شرایط آنها ، ۳ـ تقوای مالی : انفاق ، پرداختن زکات و خمس و سهم ، و دوری از حرام و شبهه‌ناك .

۱۴۷) الإختصاص(ص:۳۴۰) ، بحارالأنوار(ص:۴۳۱،ج:۱۳) ، عن : الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ كَيْفَ تَسْكُنُ دارَ مَنْ قَدْ أَسْخَطْتَهُ ؟ أَمْ كَيْفَ تُجَاوِرُ مَنْ قَدْ عَصَيْتَهُ ؟

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ چگونه (با خاطری آسوده) سکونت می‌کنی در خانه آن (خدایی) که او را به خشم آورده‌ای ؟! و یا چگونه همسایه او خواهی بود با اینکه نافرمانی او را می‌نمایی .

۱۴۸) قصص‌الأنبیاء(ص: ۱۹۰)، بحارالأنوار(ص:۴۱۶،ج:۱۳)، بالإسناد إلى الصّدوق، عن: أبيه، عن: سعد بن عبدالله، عن: ابن عيسى، عن: أبيه، عن: دُرُست بن أبي منصور، عن: إبراهيم بن عبدالحميد :

عَنْ : أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قالَ : كانَ لُقْمانُ (ع) يَقُولُ لابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ كَيْفَ لا يَخَافُ النّاسُ مَا يُوعَدُونَ وَ هُمْ يُنْتَقَصُونَ فِي كُلِّ يَوْمٍ ، وَ كَيْفَ لايَعِدُ لِمَا يُوعَدُ مَنْ كانَ لَهُ أَجَلٌ يَنْفَدُ .

حضرت کاظم عليه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : فرزندم ؛ چگونه نمی‌ترسند مردم از آنچه به ایشان وعید داده شده (از قیامت و حشر و نشر و پیش‌آمدهای ترسناك و عذاب‌هایی که برای گنهکاران مهیّا شده) با اینکه هر روز از نیروی بدن آنها و عدد آنها کاسته می‌شود ، و چگونه آماده نمی‌شود (و به وظایف شرعی خود عمل نمی‌کند تا برسد) به آنچه که به او وعده داده شده کسی که هر لحظه به پایان عمرش نزدیك می‌شود .

۱۴۹) الإختصاص(ص:۳۳۸)، بحارالأنوار(ص:۴۲۹،ج:۱۳) :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لابْنِهِ: يَا بُنَيَّ؛ كَيْفَ يَنَامُ إِبْنُ آدَمَ وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُهُ ؟! وَ كَيْفَ يَغْفِلُ وَ لايُغْفَلُ عَنْهُ ؟!

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای فرزندم ؛ چگونه می‌خوابد و به خواب غفلت فرو می‌رود فرزند آدم (ع) ؟! با اینکه مرگ بـه دنبال و در جستجوی او است ، و چگونه غافل از أحوال و دنیا و آخرت خود می‌شود انسان

با اینکه لحظه‌ای از رفتار و گفتار و أندیشه او غافل نیستند .

۱۵۰) المحجّة البیضاء(ص:۲۰۲،ج:۵)، بحار الأنوار(ص:۴۱۵ و ص:۴۱۶،ج:۱۳)، قصص الأنبیاء للرّاوندی(ص:۱۹۰) :

وَ قِیلَ لِلُقْمانَ الْحَکِیمِ(ع) : مَا حِکْمَتُكَ ؟ قَالَ : لاأسْئَلُ عَمّا کَفَیْتُ ، وَ لا أتَکَلَّفُ مَا لایُغْنِیْنِی [یَعْنِینی خ ـ ل] .

به حضرت لقمان (ع) گفتند : حکمت و دانایی تو به چه حدّ و پایه‌ای است ؟ گفت : به حدّی است که نمی‌پرسم چیزی را که بقدر کفایت و احتیاج (در زندگی) دانستم و فهمیدم ، و خود را سرگرم و مشغول نمی‌کنم به چیزی که برای (دنیای صحیح و یا آخرت) من نتیجه‌بخش نیست و مرا بی‌نیاز نمی‌کند .

آری ؛ نشانه عقل و دانایی هر شخصی در آنست که هیچگاه نمی‌پرسد از چیزی که برایش فایده ندارد، و خود را سرگرم و مشغول نمی‌سازد به کار و شغلی که فایده دنیایی و آخرتی برای خود و یا برای دیگران ندارد و نخواهد داشت .

۱۵۱) الإختصاص(ص:۳۴۰)، بحار الأنوار(ص:۴۳۱،ج:۱۳)، عن: الأوزاعیّ:

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ لاتُؤْثِرَنَّ عَلیٰ نَفْسِكَ سِواهَا ، وَ لاتُورِثْ مَالَكَ أعْدآئَكَ .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : فرزندم ؛ مقدّم ندار أموال خود را مگر برای خود ، و به اِرث وامگذار أموال خود را برای دشمنانت (کسانی که از تو اِرث می‌برند) .

و هر انسانی باید از زحمات و دسترنجهای خود حدّ أعلای استفاده دنیایی و آخرتی ببرد، که مقداری ذخیره آینده خود و عائله خود قرار دهد ، و مقداری مصرف امور زندگی شبانه روزی خود نماید ، و مقداری برای خیرات و مبرّات اختصاص دهد ، و نباید زحمات را متحمّل شود و أندوخته‌ای فراهم نماید و استفاده

از آن را برای دیگران بگذارد .

۲۲۸ـ نهج البلاغة(حِکَم : ۴۰۸)، شرح نهج البلاغة(ص:۵۴،ج:۲۰)، غررالحکم(ص:۳۶۸ و ص:۳۷۰،ج:۱)، بحارالأنوار(ص:۱۴۴،ج:۷۳)، إثنی عشریّة(ص:۴۰) :

قالَ أمیرُالْمُؤْمِنینَ عليه السلام لابْنِهِ الْحَسَنِ عليه السلام : یا بُنَیَّ ؛ لاتُخَلِّفَنَّ وَراءَكَ شَیْئاً مِنَ الدُّنیا ، فَإنَّكَ تُخَلِّفُهُ لِأحَدِ رَجُلَینِ : إمّا رَجُلٌ عَمِلَ فیْهِ بِطاعَةِ اللهِ فَسَعِدَ بِما شَقِیْتَ بِهِ ، وَ إمّا رَجُلٌ عَمِلَ فیْهِ بِمَعْصِیَةِ اللهِ فَشَقِیَ بِما جَمَعْتَ لَهُ ، فَكُنْتَ عَوْناً لَهُ عَلیٰ مَعْصِیَتِهِ ، وَ لَیْسَ أحَدُ هٰذَیْنِ حَقیقاً أنْ تُؤْثِرَهُ عَلیٰ نَفْسِكَ ، وَ تَحْمِلَ لَهُ عَلیٰ ظَهْرِكَ .

حضرت أمیرالمؤمنین عليه السلام به فرزند بزرگوار خود حضرت امام حسن عليه السلام فرموده : پسرم ؛ باقی مگذار چیزی از أموال دنیایی را بعد از مردن خود ، زیرا : آنچه باقی بگذاری ، برای یکی از دو نفر است ، یا کسی است که سرمایه و ثروت تو را که به دستش آمده ، در راه بندگی خدا مصرف می‌کند و باسعادت و نیکبخت می‌شود ، در حالی که تو بسبب جمع‌آوری شقیّ و مسؤول گردیده‌ای ، و یا برای کسی که أندوخته تو را در راه معصیت خدا به مصرف می‌رساند ، و او راه گناه را در پیش می‌گیرد ، و تو مسؤول خواهی بود ، زیرا : یاور او بوده‌ای در آلوده شدن به گناه ، بنابراین شایسته و سزاوار نیست که تو از أندوخته خود برای خودت استفاده نکنی و بهره نگیری ، و آنان را بر خود مقدّم بداری ، و بار سنگین مسئولیّت ایشان را به دوش بگیری .

۱۵۲) إرشاد القلوب الدّیلمی(ص:۷۱،ج:۱)، مستدرك الوسائل(ص:۱۲۴،ج:۱۲)، إرشاد القلوب المترجم(ص:۱۶۵،ج:۱)، المحجّة البیضاء(ص:۲۲،ج:۷)، بحارالأنوار (ص:۴۲۶،ج:۱۳ و ص:۳۰۷، ج:۷۴) ، تنبیه الخواطر (ص : ۲۳۰) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ: یا بُنَیَّ؛ لاتُؤَخِّرِ التَّوْبَةَ؟ فَإنَّ الْمَوْتَ یَأتی بَغْتَةً .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرمود : فرزندم ؛ مبادا توبـه را تأخـیر بیندازی ، (و امروز و فردا نمایی ، و کارها و گفتارهای زشت گذشـته خـود را جبران نکنی) زیرا : مرگ ناگهان می‌رسد (و تو نتوانی و وقت و فرصت نخواهی داشت برای جبران نمودن) .

یکی از وظایف مهمّ هر انسانی رسیدگی به امور خود است ، که اگر خلافی مشاهده کرد آن را برطرف نماید و توبه کند ، برای آنکه تأخیر در رسیدگی بـه گفتار و کردار گذشته دو خطر بزرگ انسان را تهدید می‌کند ، أوّل : تاریك و سـیاه شدن دل است بواسطه گناه تا جاییکه نتوان برطرف نمـود ، دوّم : پیـش آمـدن بیماری ناتوان کننده و یا فرا رسیدن مرگ بطور ناگهانی که دیگر مـهلتی بـرای جبران کردن نداشته باشد .

۱۵۳) الإختصاص(ص:۳۳۹)، بحارالأنوار(ص:۴۳۰،ج:۱۳)، عن: الأوزاعیّ:

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ لا تَأكُلْ مَالَ الْیَتِیمِ فَتَفْتَضِحَ یَـوْمَ الْقِیامَةِ ، وَ تُكَلَّفَ أنْ تَرُدَّهُ إلَیْهِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : فرزندم ؛ أموال یتیم را (به ناحقّ نابود نکن و) نخور که در قیامت رسوا می‌شوی ، و به تو دستور داده می‌شود کـه أموال را به یتیم برگردانی (و چون نداری که برگردانی ، و او را از خود راضـی کنی عذاب خواهی شد) .

در اسلام خوردن و نابود کردن أموال یتیم به ناحقّ حرام و از جمله گناهان کبیره به حساب آمده ، و وعده عذاب داده شده ، چنانکه روایت شده :

۲۲۹ـ بحارالأنوار(ص :۱۵۴،ج:۲ و ص:۱۲،ج:۷۹) ، وسائل الشّیعة (ص: ۳۱۸ ،ج : ۱۵)، الکافی (ص:۲۷۶،ج:۲)، مرآة العقول (ص:۶ ،ج:۱۰)، شرح الکافی(ص:۲۴۳،ج:۹) ، عن : الحسن بن محبوب السّرّاد ، قال :

كَتَبَ مَعِيَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا إِلىٰ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام يَسْأَلُهُ عَنِ الْكَبَائِرِ كَمْ هِيَ وَ مَا هِيَ ؟ فَكَتَبَ : الْكَبَائِرُ ؛ مَنِ اجْتَنَبَ مَا وَعَدَ اللهُ عَلَيْهِ النَّارَ كَفَّرَ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ إِذا كَانَ مُؤْمِناً ، وَ السَّبْعُ الْمُوجِبَاتِ : قَتْلُ النَّفْسِ الْحَرامِ ، وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ ، وَ أَكْلُ الرِّبا ، وَ التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهِجْرَةِ ، وَ قَذْفُ الْمُحْصَنَةِ ، وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ، وَ الْفِرارُ مِنَ الزَّحْفِ .

ابن محبوب گوید: یکی از دوستان نامه‌ای بوسیله من فرستاد خدمت حضرت کاظم عليه السلام و پرسیده بود از گناهان کبیره و تعداد آن ، حضرت در جوابش مرقوم فرمودند : هر که دوری کند از آنچه که خداوند وعده عذاب به آن داده ، گناهانش را می‌آمرزد اگر مؤمن باشد ، و هفت چیز است که موجب عذاب إلهی است :

۱ـ کشتن انسانی بدون حکم شرعی ، ۲ـ مورد عاقّ پدر مادر واقع شدن ، ۳ـ ربا گرفتن ، ۴ـ هجرت از اسلام ، ۵ ـ نسبت زنا به مرد و زن با عفّت دادن ، ۶ ـ خوردن أموال یتیم (به ناحقّ) ، ۷ـ فرار از میدان جنگ .

۱۵۴) الإختصاص(ص:۳۳۷) ، بحارالأنوار(ص :۴۲۸،ج:۱۳) ، عن : الأوزاعيّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ لا تَأْمَنْ مِنَ الدُّنْيا وَ الذُّنُوبِ وَ الشَّيْطانُ فِيهَا .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرمود : پسرم ؛ ایمن و خاطری آسوده نداشته باش از فریب زرق و برق و زیبایی دنیایی ، و گناهان ، و حال آنکه شیطان در آن وجود دارد .

آری ؛ شیطان که وجودش غربال است برای جدا شدن نیکان از بَدان ، و عنصری است خطرناك و کینه توز برای بشر ، همچنانکه خداوند در قرآن بازگو فرموده گفتار و قسم یاد کردن او را که گفته : ﴿ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلاَّ عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴾ (ص/۸۳ و ۸۲)، به عزّت تو خداوند قسم ؛ همه بندگان تو

را گمراه می‌کنم ، مگر بندگان خالص تو را از میان آنها که در توان من نخواهد بود و به ایشان دسترسی ندارم .

همیشه در کمین ما بشرها در هر لحظه و هر زمان هست ، و هر کسی را نسبت به کار و شغلی که دارد فریب می‌دهد ، و گاه آنچنان آدمی را از حقّ و حقیقت منحرف می‌سازد که انسان به راحتی و آسانی هر چند زیرك باشد متوجّه نمی‌شود .

۲۳۰ـ جواهر السنیّة(ص:)، الخصال(ص:۲۱۷)، التوحید(ص:۳۷۲)، روضة الواعظین (ص:۴۶۹،ج:۲)، قصص للجزائریّ(ص:۳۰۴)، بحارالأنوار(ص:۳۴۴،ج:۱۳)، أحمد بن الحسن القطّان، عن : أحمد بن محمّد بن سعید الهمدانیّ ، عن : علیّ ، عن : أبیه الحسن بن علیّ بن فضّال ، عن : هارون بن مسلم ، عن : ثابت بن أبی صفیّة ، عن : سعد ، عن : الأصبغ بن نباتة قال :

قالَ أمیرُ الْمُؤْمِنِینَ ﷺ : قَالَ اللهُ ﷻ لِموسَی (ع) : یَا مُوسَی؛ إحْفَظْ وَصِیَّتِی لَكَ بِأرْبَعَةِ أشْیآءَ : أوْلاهُنَّ : مَادُمْتَ لا تَرَیٰ ذُنُوبَكَ تُغْفَرُ ، فَلاتَشْتَغِلْ بِعُیُوبِ غَیرِكَ ، وَ الثّانِیَةُ : مَادُمْتَ لا تَرَی كُنُوزِی قَدْ نَفَدَتْ فَلا تَغْتَمَّ بِسَبَبِ رِزْقِكَ ، وَ الثّالِثَةُ : مَادُمْتَ لا تَرَیٰ زَوالَ مِلْكِیْ فَلاتُرْجُ أحَداً غَیرِیْ ، وَ الرّابِعَةُ : مَادُمْتَ لا تَرَیٰ الشَّیْطانَ مَیِّتاً فَلا تَأمَنْ مَكْرَهُ .

حضرت أمیرالمؤمنین ﷺ می‌فرموده : خدای ﷻ به حضرت موسی (ع) فرموده : ای موسی ؛ سفارش مرا در چهار چیز حفظ کن ، أوّل : تا زمانی که گناهان خود را آمرزیده ندیده‌ای به عیب دیگران نپرداز ، دوّم : تا زمانی که گنجهای مرا خالی نشده نمی‌بینی ، غم روزی نخور ، سوّم : تا وقتی که مُلك من زائل و فانی نشده ، امیدوار به غیر من مباش ، چهارم : تا زمانی که شیطان را مرده ندیده‌ای ، از مکر و وسوسه و حیله او ایمن و خاطرجمع مباش .

۱۵۵) تفسیر روح المعانی(ص:۸۳،ج:۲۱ باختلاف یسیر) ، قصص الأنبیآء الرّاوندیّ(ص: ۱۹۶)، قصص للجزائریّ (ص:۳۲۷) ، بحارالأنوار (ص:۴۲۱،ج:۱۳) ، . . . عن : سلیمان بن داود

المنقري، عن : يحيى بن سعيد القطّان ، قال :

سَمِعْتُ الصّادِقَ ﷺ يَقُولُ : قَالَ لُقْمَانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ لاتَتَّخِذِ الْجَاهِلَ رَسُولاً ، فَإِنْ لَمْ تُصِبْ عَاقِلاً حَكِيماً يَكُونُ رَسُولَكَ فَكُنْ أَنْتَ رَسُولَ نَفْسِكَ .

حضرت صادق ﷺ می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : فرزندم ؛ أفراد نادان و بی‌اطلاع را بعنوان قاصد و فرستاده خود انتخاب نکن ، و اگر شخص دانایی را برای فرستادن پیدا نکردی ، خود قاصد خود باش .

آری ؛ برای دعوت أشخاص و یا پیام رساندن ، چه عادی و یا مهمّ و یا سیاسیّ باشد ، باید بوسیله أفراد هوشیار و دانا و زیرك و آگاه به مسائل دعوت و مطالب مربوط به آن أنجام شود ، زیرا : قاصد نادان و بی‌اطلاع ، مطلب را دگرگون کرده و گاه باعث عداوت و ایجاد دشمنی می‌گردد ، و چه بسا باعث ضرر و خسارت فراوان شود .

۲۳۱ـ بحارالأنوار(ص:۲۳۸،ج:۷۸)، تحف العقول(ص:۳۳۸) :

وَمِنْ كَلامِ الصّادِقِ ﷺ : ثَلاثَةُ أَشْيَاءَ تَدُلُّ عَلىٰ عَقْلِ فَاعِلِهَا : الرَّسُولُ عَلىٰ قَدْرِ مَنْ أَرْسَلَهُ ، وَالْهَدِيَّةُ عَلىٰ قَدْرِ مُهْدِيهَا ، وَالْكِتَابُ عَلىٰ قَدْرِ عَقْلِ كَاتِبِهِ .

حضرت صادق ﷺ می‌فرمود : سه چیز دلالت بر مقدار و أندازه عقل أنجام دهنده می‌کند : ۱ـ قاصد و مأمور أنجام کاری دلالت می‌کند بر مقدار عقل فرستنده ، ۲ـ هدیه که دلالت بر فهم و عقل (و مقصد و توانایی مالی) دهنده است، ۳ـ نامه (و کتاب) است که دلالت بر مقدار عقل (و علم و قصد و بینش) نویسنده می‌نماید .

۲۳۲ـ بحارالأنوار(ص:۱۶۰،ج:۱ و ص:۵۰ ،ج:۷۶ و ص:۱۳،ج:۷۸)، نهج البلاغة (حکم : ۲۹۳)، شرح نهج البلاغة(ص:۲۰۷،ج:۱۹)، بحارالأنوار(ص:۱۳،ج:۷۶) :

قال عَلِيٌّ عليه السلام : رَسُولُكَ تَرْجُمَانُ عَقْلِكَ، وَ كِتَابُكَ أَبْلَغُ مَا يَنْطِقُ عَنْكَ .

حضرت أميرالمؤمنين عليه السلام می‌فرموده : فرستاده تو بیان کننده مقدار عقل تو است ، و نامه و کتاب تو رساننده‌تر است از کسی که از طرف تـو سخن را می‌گوید و پیام را می‌رساند (زیرا : قاصد ممکن است بعضی از پیامها را فراموش کند و یا نگوید ، و یا کم و زیاد نماید ، و یا با عبارتی بگوید که بیان کننده مطلـب نباشد و گاه باعث گرفتاری گردد) .

۲۳۳ـ غررالحکم(ص:۶۳۵،ج:۴) :

قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام : كِتابُ الرَّجُلِ عُنْوانُ عَقْلِهِ وَ بُرْهَانُ فَضْلِهِ .

حضرت أميرالمؤمنين عليه السلام می‌فرمود : نامه و کتاب هر مردی نشانه عقـل او ، و دلیل بر فضل (علمی و أخلاقی و أدب) و فضیلت و شخصیّت او است .

۲۳۴ـ المحاسن(ص:۱۹۵) ، بحارالأنوار(ص:۱۳۰،ج:۱ و ص:۵۰،ج:۷۶) ، بعض أصحابنـا ، رفعه قال :

قَالَ أَبُوعَبْدِاللهِ عليه السلام : يُسْتَدَلُّ بِكِتَابِ الرَّجُلِ عَلَىٰ عَقْلِـهِ وَ مَوْضِـعِ بَصِيرَتِهِ ، وَ بِرَسُولِهِ عَلَىٰ فَهْمِهِ وَ فِطْنَتِهِ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : می‌توان دریافت از نامه و کتاب هر مـردی مقدار عقل و بصیرت او را به مطالب و احاطه علمی و به اوضـاع زمـان ، و از قاصد و پیام رسانش به مقدار فهم و زیرکی و هو شیاری او .

۱۵۶) الإختصاص(ص :۳۳۹)، بحارالأنوار(ص :۴۳۰، ج:۱۳)، عن : الأوزاعيّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ لاتَتَزَوَّجْ بِأَمَةٍ ، فَيُباعُ وَلَدُكَ بَـيـنَ يَدَيْكَ وَ هُوَ فِعْلُكَ بِنَفْسِكَ .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : فرزندم ؛ هیچگاه با کنیزی که از دیگری است ازدواج نکن ، چرا که در حضور تو فرزندت را صاحب کنیز می‌فروشد ،

و این خود باعث شده‌ای (و درد و رنجی است که خود برای خود بوجود آورده‌ای که با دختری آزاد ازدواج نکرده‌ای و فرزند دلبند خود را به عنوان غلام و یا کنیز قرار داده‌ای) .

۱۵۷) مجمع الزّوائد(ص:۱۸۴،ج:۱)، مسند أحمد(ص:۱۹۰،ج:۱)، سنن الدّارمی(ص:۱۰۶، ج:۱)، قصص الانبیاء(ص:۱۹۰)، دعائم الإسلام(ص:۸۳)، بحارالأنوار(ص:۴۱۷،ج:۱۳) ، بإسناد إلی الصّدوق ، عن : أبیه ، عن : سعد بن عبد الله ، عن : ابن عیسی ، عن : أبیه ، عن : درست بن أبی منصور ، عن : إبراهیم بن عبد الحمید :

عَنْ : أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام کانَ لُقْمانُ (ع) یَقُولُ لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ لاتَتَعَلَّمِ الْعِلْمَ لِتُبَاهِیَ بِهِ الْعُلَمآءَ ، أَوْ تُمَارِیَ بِهِ السُّفَهآءَ ، أَوْ تُرائِیَ بِهِ فِی الْمَجالِسِ ، وَ لاتَتْرُكِ الْعِلْمَ زَهادَةً فِیْهِ ، وَ رَغْبَةً فِی الْجَهالَةِ .

حضرت کاظم علیه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : فرزندم ؛ نیاموز علم را برای فخر و مباهات نمودن با علماء ، و یا بحث و جدال نمایی با بی‌سوادان و أفراد کوتاه فکر ، و یا برای خودنمایی کردن در مجالس ، فرزندم ؛ نباید ترك علم نمایی به بهانه‌ای که شاید غرور و نخوت مرا فرا بگیرد ، و با این بهانه تمایل به جهالت و بی‌سوادی پیدا کنی .

۲۳۵ـ فقه الرّضا علیه السلام (ص:۳۸۴)، عیون أخبار الرّضا علیه السلام (ص:۳۰۷،ج:۱)، بحارالأنوار(ص:۳۰ و ص:۳۱ و ص:۳۸ و ص:۱۱۰ و ص:۳۰۸ ج:۲، و ص:۱۴۹،ج:۷۷)، تحف العقول(ص:)، الدّعائم(ص: ۹۸) ، جامع أحادیث الشّیعة (ص:۴۶۲،ج:۱۳) ، ابن عبدوس ، عن : ابن قتیبة ، عن : حمدان ، عن : سلیمان ، عن : الهروی ، عَن : الصّادِقِ علیه السلام بِاخْتِلافٍ یَسیرٍ :

الإختصاص (ص:۲۵۱) ، عَنْ رَسُولِ الله صلی الله علیه و آله و سلم :

المحجة البیضآء(ص:۱۲۷،ج:۱)، الکافی(ص:۴۷،ج:۱)، مرآة العقول(ص:۱۵۰،ج:۱)، شرح الکافی (ص:۱۹۲،ج:۲) ، محمّد بن إسماعیل ، عن : ابن شاذان ، عن : ابن عیسی ، عن : ربعی ، عمّن حدّثه :

عَنْ : أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ : مَنْ تَعَلَّمَ عِلْماً لِيُمارِيَ بِهِ السُّفَهَآءَ ، أَوْ يُبَاهِيَ بِهِ الْعُلَمَآءَ ، أَوْ يَصْرِفَ بِهِ النّاسَ إِلىٰ نَفْسِهِ أَوْ يَقُولَ : أَنَا رَئِيسُكُمْ ، فَلْيَتَبَوَّءْ مَقْعَدَهُ مِنَ النّارِ ، إِنَّ الرِّئَاسَةَ لاتَصْلُحُ إِلاّ لِأَهْلِهَا .

امام باقر عليه السلام فرموده : هر كه بياموزد علم را براى جدال و بحث كردن با نادانان ، و يا براى فخر و مباهات نمودن با علماء ، و يا براى خودنمايى در مجالس و جلب توجّه عموم مردم نمودن به منظور برترى و رياست طلبى و بگويد : من سرآمد همه دانشمندان هستم ، كه هر كس هدفش از آموختن علم اين چنين باشد جايگاه خود را (در دنيا و قيامت) پر از آتش نموده .

٢٣٦ـ الكافى(ص:٤٩،ج:١)، مرآة العقول(ص:١٥٩،ج:١)، شرح الكافى (ص:٢١٤،ج:٢)،

عَلِيِّ بْنِ إِبْراهِيمَ رَفَعَهُ إِلىٰ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قالَ :

منية المريد(ص:١٣٨)، مشكاة الأنوار(ص:١٤٠)، روضة الواعظين(ص:٩،ج:١)، أعلام الدّين (ص:٨٩)، مستدرك الوسائل(ص:٥ ،ج:١٣)، بحارالأنوار(ص:٤٦،ج:٢)، الخصال(ص:١٩٤)، المحجّة البيضآء(ص: ١٢٨،ج:١) ، الصّدوق ، عن : محمّد بن موسى بن المتوكّل ، عن : على بن الحسين السّعد آبادى، عن: أحمد بن أبي عبدالله البرقيّ، عن: محمّد بن سنان، عن: أبي الجارود، عن: سعيد بن علاقة قال :

أمالى الصّدوق (ص:٥٠٣) ، بسند أخرى :

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام : طَلَبَةُ هٰذا الْعِلْمِ عَلى ثَلاثَةِ أَصْنافٍ : أَلا فَاعْرِفُوهُمْ بِصِفاتِهِمْ وَ أَعْيانِهِمْ : صِنْفٌ مِنْهُمْ : يَتَعَلَّمُونَ الْعِلْمَ لِلْمِراءِ وَ الْجَهْلِ ، وَ صِنْفٌ مِنْهُمْ : يَتَعَلَّمُونَ لِلإِسْتِطالَةِ وَ الْخَتْلِ ، وَ صِنْفٌ مِنْهُمْ : يَتَعَلَّمُونَ لِلْفِقْهِ وَ الْعَقْلِ ، فَأَمّا صاحِبُ الْمِرآءِ وَ الْجَهْلِ تَراهُ مُؤْذِياً مُمارِياً لِلرِّجالِ فى أَنْدِيَةِ الْمَقالِ [بِتَذاكُرِ الْعِلْمِ وَ صِفَةِ الْحِلْمِ] ، وَ قَدْ تَسَرْبَلَ بِالْخُشُوعِ ، وَ تَخَلّى مِنَ الْوَرَعِ ، فَدَقَّ اللهُ مِنْ هٰذا حَيْزُومَهُ ، وَ قَطَعَ مِنْهُ خَيْشُومَهُ ، أَمّا صاحِبُ الإِسْتِطالَةِ وَ الْخَتْلِ [ذُو خِبٍّ وَ مَلَقٍ] ، فَإِنَّهُ يَسْتَطِيلُ عَلىٰ

أشباهِهِ مِنْ أشكالِهِ ، وَ يَتَواضَعُ لِلأَغْنِياءِ مِنْ دُونِهِمْ ، فَهُوَ لِحُلْوائِهِمْ هَاضِمٌ ، وَ لِدِيْنِهِ حَاطِمٌ ، فَأَعْمَى اللهُ مِنْ هَذَا بَصَرَهُ ، وَ قَطَعَ مِنْ آثارِ الْعُلَماءِ أَثَرَهُ ، وَ أمّا صَاحِبُ الْفِقْهِ وَ الْعَقْلِ تَراهُ ذَا كِآبَةٍ وَ حُزْنٍ ، قَدْ قَامَ اللَّيْلَ فِي حِنْدِسِهِ ، وَ قَدْ انْحَنَى فِي بُرْنُسِهِ ، [داعِياً ، مُشْفِقاً ، مُقْبِلاً عَلَىٰ شَأْنِهِ ، عَارِفاً بِأَهْلِ زَمانِهِ ، مُسْتَوْحِشاً مِنْ أَوْثَقِ إِخْوانِهِ ،] يَعْمَلُ ، وَ يَخْشىٰ ، خَائِفاً وَجِلاً مِنْ كُلِّ أَحَدٍ إلاّ مِنْ كُلِّ فَقِيْهٍ مِنْ إِخْوانِهِ ، فَشَدَّ اللهُ مِنْ هَـذا أَرْكانَهُ ، وَ أَعْطاهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ أَمانَهُ .

حضرت أميرالمؤمنين عليه السلام می‌فرمود : دانشجويان دينی بر سه دسته هستند ، که آنان را با علامت و مشخّصات (که گفته می‌شود) بشناسيد : يك دسته از آنان دانش را به منظور خودنمايی و جهالت‌ورزی می‌آموزند ، و دسته ديگر هدف ايشان گردن‌فرازی و نيرنگ‌بازی است ، و يك دسته برای فهميدن و نيرومند شدن عقل خود می‌آموزند .

أمّا خودنما و جهالت‌ورز را می‌بينی که با سخن به آزار و أذيّت ديگران می‌پردازد و با مردم به جدال برمی‌خيزد در مجالس مردان ، اظهار خضوع و خشوع می‌نمايد با اينکه پروايی از خدا ندارد که خدا سينه چنين دانشمند را بشکند و بينی‌اش را قطع کند ، و أمّا گردن‌فراز دغَل‌باز ، گردن‌فرازی و تکبّر می‌کند با همرديفان خود، و تواضع و فروتنی می‌کند در برابر ثروتمندان ، که چنين شخصی تمايل به غذا و شيرينی‌های ثروتمندان دارد و بدين جهت دين خود را از دست می‌دهد ، پس خدای تعالی نعمت بينايی چنين شخصی را از او می‌گيرد ، و نام و نشان و آثار او را از بين علماء برمی‌دارد ، و أمّا دانشمند فقيه و باخِرَد را می‌بينی که أندوهناك و شکسته‌خاطر است ، که در شبهای تاريك برای نماز از خوابگاه خود برمی‌خيزد و با شب‌کلاه مخصوص عبادت کمر اطاعت و بندگی در

برابر حقّ خمیده می‌نماید ، با آن همه اطاعت و بندگی ، می‌ترسد از خدا ، و هراسناك است از مردم آلوده به گناه ، مگر از فقیه و دانشمند و از برادران دینی خود ، پس خدای ﷻ پایه چنین دانشمندی را استوار خواهد کرد ، و در روز قیامت امان از جهنّم را به او عطا خواهد فرمود .

۲۳۷ـ إثنی عشریّة(ص :۲۰۶) ، ممّا رواه الخاصّ و العامّ :

وَ قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ : مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ لِلتَّكَبُّرِ مَاتَ جَاهِلاً ، وَ مَنْ تَعَلَّمَ لِلْقَوْلِ دُونَ الْعَمَلِ مَاتَ مُنَافِقاً ، وَ مَنْ تَعَلَّمَهُ لِلْمُنَاظَرَةِ مَاتَ فَاسِقاً، وَ مَنْ تَعَلَّمَهُ لِكَثْرَةِ الْمَالِ مَاتَ زِنْدِيقاً ، وَ مَنْ تَعَلَّمَهُ لِلْعَمَلِ مَاتَ عَارِفاً .

و نیز رسول خدا ﷺ فرموده : کسی که علم را بیاموزد برای تکبّر و بزرگ منشی و بمیرد، مردنش همانند أفراد جاهل است، و هر که علم را بیاموزد برای زیبا گفتاری بدون قصد عمل کردن و بمیرد ، منافق می‌میرد ، و هر که علم را بیاموزد برای مناظره و ایرادگیری از دیگران و بمیرد ، فاسق مرده است ، و هر که علم بیاموزد برای جمع نمودن أموال و بمیرد، زندیق (خارج از دین مقدّس اسلام) مرده است ، و هر که علم را بیاموزد برای عمل کردن و بمیرد ، عارف و خداشناس خواهد مرد .

۱۵۸) إثنی عشریّة(ص:۲۶)، قصص الأنبیاء(ص:۱۹۳)، بحارالأنوار(ص:۴۱۸،ج:۱۳)، الصّدوق ، أبی، عن: سعد بن عبدالله، عن: القاسم بن محمّد الإصفهانیّ، عن: سلیمان بن داود المنقریّ، عن: حمّاد :

عَنِ : الصّادِقِ عليه السلام أنَّهُ قالَ : قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ لاتُجالِسِ النّاسَ بِغَيْرِ طَرِيقَتِهِمْ ، وَ لاتَحْمِلَنَّ عَلَيْهِمْ فَوْقَ طاقَتِهِمْ فَلايَزالُ جَلِيسُكَ عَنْكَ نافِراً ، وَ الْمَحْمُولُ عَلَيْهِ فَوْقَ طَاقَتِهِ مُجانِباً لَكَ ، فَإذاً أنْتَ فَرْدٌ لاصَاحِبٌ لَكَ يُؤْنِسُكَ ، وَ لا أخٌ لَكَ يَعْضُدُكَ ، فَإذا بَقِيتَ وَحِيداً كُنْتَ مَخْذُولاً وَ صِرْتَ ذَلِيلاً .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود که: حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده: فرزندم ؛ همنشینی و رفتار نکن با مردم بر خلاف شیوه و رسم و رسوم و رفتار آنها (که با عقل سازش دارد) ، و تحمیل (و بیان علمی) نکن بر آنها بیشتر از توانایی (و درك و فهم) آنها ، که اگر اینچنین باشی هم نشین و معاشرت کنندگان با تو از تو متنفّر می‌شوند ، و کسی که بیش از حدّ توانایی (و درك و فهم) او چیزی را بر او تحمیل و عرضه کردی ، از تو دوری خواهد کرد ، و در چنین موقع است که تو تنها می‌شوی ، و کسی را بعنوان یك برادر (دینی و انسانی) نخواهی داشت که بازو و نیرومندی تو باشد ، و در این هنگام بواسطه تنهایی و یاور نداشتن سرکوب و ذلیل خواهی بود .

۲۳۸ـ بصائر الدّرجات(ص:۲۲ و ص:۲۴ و ص:۲۶)، الکافی(ص:۴۰۱،ج:۱)، مرآة العقول (ص: ،ج:)، مستدرك الوسائل(ص:۲۹۶،ج:۱۲)، أعلام الوری(ص:۲۷۰)، الخرائج (ص:۷۹۳، ج:۲)، بشارة المصطفی(ص:۱۴۸)، تفسیر فرات الکوفی(ص:۵۴)، معانی الأخبار(ص:۱۸۹)، المناقب (ص:۲۰۶)، روضة الواعظین(ص:۲۱۱،ج:۱)، المحجّة البیضاء(ص:۶۶،ج:۱)، بحار الأنوار(ص:۷۱ و ص:۱۱۰ و ص:۱۸۳،ج:۲)، الخصال(ص:) :

وَ قالَ الصّادِقُ علیه السلام : خالِطُوا النّاسَ بِما یَعْرِفُونَ ، وَ دَعَوْهُمْ مِمّا یُنْکِرُونَ ، وَ لاتُحَمِّلُوا عَلیٰ أَنْفُسِکُمْ وَ عَلَیْنا ، إِنَّ أَمْرَنا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ، لایَحْتَمِلُهُ إِلاّ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، أَوْ نَبِیٌّ مُرْسَلٌ، أَوْ مُؤْمِنٌ إِمْتَحَنَ اللهُ عزّوجلّ قَلْبَهُ لِلإِیمانِ .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود : معاشرت نزدیك داشته باشید با مردم بـه آنچه که می شناسند ، و رسم و رسوم (مطابق با عقل) دارند ، و رها کنید (و پافشاری در أنجام کاری و یا گفتن نداشته باشید) آنچه را که پـای‌بند و معتقـد نیستند و خوش ندارند گفته و یا أنجام شود ، و خود و مـا أئمّـه را بـه زحمت نیندازید و همه جا و در همه مجالس و با همه مردم سخنان ما را نگویید ، زیرا :

سخنان ما أئمّه بسی مشکل است برای بعضی از مردم فهمیدن آن ، و درك و تحمّل نمی‌کند و نمی‌فهمد مگر ملك مقرّب درگاه خداوند ، و یا پیغمبر مرسل ، و یا مؤمنی که امتحان کرده باشد دل او را خداوند بوسیله ایمان .

۲۳۹ـ المحجّةالبیضآء(ص:۹۱،ج:۱)، صحیح المسلم(ص:۹،ج:۱)، بلفظ آخر، إحیآء العلوم (ص: ،ج:) :

قالَ رَسُولُ الله ﷺ : مَا حَدَّثَ أَحَدُكُمْ قَوْماً بِحَدِيْثٍ لايَفْهَمُونَهُ (لا يُفَقِّهُونَهُ) إلاّ كَانَ فِتْنَةٌ عَلَيْهِمْ .

حضرت رسول ﷺ می‌فرمود : حدیثی (علمی و یا منطقی) را بیان نمی‌کند کسی از شما برای مردم در حالی که نمی‌فهمند معنی آن را ، و نکات دقیقه آن را توجّه نمی‌نمایند ، مگر آنکه باعث بدبختی و گمراهی (و یا تحیّر و سرگردانی و شكّ و تردید) آنان می‌شود .

۲۴۰ـ الغیبة النّعمانی(ص:۳۳)، بحارالأنوار(ص:۷۷،ج:۲)، مستدرك الوسائل(ص:۲۷۴،ج:۱۲ و ص:۲۹۲،ج:۱۳)، صحیح البخاری(ص:۴۳،ج:۱)، المحجّة البیضآء(ص:۹۱،ج:۱) :

قالَ رَسُولُ الله ﷺ : كَلِّمُوا (حَدِّثُوا) النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ ، وَ دَعَوْا مَا يُنْكِرُونَ ، أَتُرِيدُونَ أَنْ يُكَذِّبَ اللهَ وَ رَسُولَهُ .

رسول خدا ﷺ می‌فرموده : با مردم آنچنان و آنقدر سخن بگویید که درك می‌کنند و می‌فهمند ، و آنچه را که نیروی درك آن را ندارند نگویید ، زیرا : اگر غیر از این باشد ، بسبب داشتن جهل و نادانی تکذیب می‌کنند خدا و رسول او را ، و دروغگو می‌پندارند .

۱۵۹) الإختصاص(ص:۳۳۷)، بحارالأنوار(ص:۴۲۸،ج:۱۳)، عن: الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ لاتُجَاوِرَنَّ الْمُلُوكَ فَيَقْتُلُوكَ ، وَ لاتُطِعْهُمْ فَتَكْفُرَ .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش بعنوان نصیحت فرموده : پسرم ؛ با پادشاهان و فرمانروایان دولتی همسایه و همنشین و یار و یاور مباش، زیرا: تو را (به أندك چیزی) می‌کشند (و یا آبروی تو را آنچنان از بین می‌برند که بدتر از کشتن است) و فرمان آنها را اطاعت نکن (در مواردی که از نظر دین حرام و یا گناه است) چرا که کافر خواهی شد (بواسطه نافرمانی خداوند و پناه به غیر مؤمن بردن) .

۱۶۰) المحجّة البیضاء (ص :۹۰،ج:۲) :

وَ مِنْ وَصِيَّةِ لُقْمانَ (ع) لاِبْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ لاتَجْعَلْ بَيْنَكَ وَ بَينَ اللهِ مُنْعِماً ، وَ اعْدِدْ نِعْمَةَ غَيْرِهِ عَلَيْكَ مُغْرِماً .

از جمله سفارشهای حضرت لقمان(ع) به فرزندش این بوده : قرار نده بین خود و خدا نعمت و روزی دهنده‌ای، و به حساب آور نعمت و کمکهای دیگران را بر خودت ضرر و زیان .

هر انسانی موظّف و مکلّف است که تقوای اعتقادی و عبادی و عملی داشته باشد ، و تقوای اعتقادی آنست که بداند و یقین و معتقد باشد آنچه هست از خدا و از طرف خدا است ، اگر چه با دست بندگان أنجام گردد ، زیرا : مسبّب الأسباب خدا است ، که وسیله و واسطه را آماده می‌سازد .

۲۴۱ـ المحجّة البیضاء(ص:۹۱،ج:۲)، عدّة الدّاعی(ص:۹۹)، وسائل الشّیعة(ص:۲۱۵،ج: ۱۵)، بحارالأنوار(ص:۱۴۸،ج:۵ و ص:۱۰۶ ،ج:۹ و ص:۳۱۷،ج:۵۸ و ص:۱۵۰،ج:۷۱ و ص:۹۹،ج:۷۲ و ص :۲۳،ج:۱۰۳)، تفسیر العیّاشی (ص:۲۰۰،ج:۲)، تفسیر البرهان (ص:۲۷۴،ج:۲) :

رُوِيَ عَنْ : أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ تَعالى :﴿ وَ مَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللهِ إِلاَّ وَ هُمْ مُشْرِكُونَ ﴾ (یوسف/۱۰۶) هُوَ قَوْلُ الرَّجُلِ : لَوْلاَ فُلانٌ لَهَلَكْتُ ، وَ لَوْلا فُلانٌ لَما أَصَبْتُ كَذَا وَ كَذَا ، وَ لَوْلا فُلانٌ لَضَاعَ عَيَالِي ، أَلا تَرىٰ أَنَّهُ قَدْ جَعَلَ لِلهِ شَرِيكاً فِي مُلْكِهِ يَرْزُقُهُ وَ يَدْفَعُ عَنْهُ ، قُلْتُ : فَيَقُولُ : لَوْلا

أنَّ اللهَ مَنَّ عَلَيَّ بِفُلانٍ لَهَلَكْتُ ؟ قَالَ : نَعَمْ لابَأْسَ بِهَذَا وَ نَحوِهِ .

حضرت صادق(ع) در تفسیر آیه شریفه : ﴿ وَ ما يُؤْمِنُ . . . ﴾ می‌فرمود: ایمان نداشتن و مشرك بودن به اینست که کسی بگوید : اگر فلان شخص نبود من هلاك شده بودم ، و یا اگر فلانی نبود من چنین و چنان گرفتار شده بودم ، و یا اگر فلانی به فریاد من نرسیده بود عیال و نانخورهای من نابود گردیده بودند، که با گفتن این سخنان شریك برای خدا قائل و معتقد شده و او را روزی دهنده می‌داند ، راوی گوید : عرض کردم بگوید : اگر خداوند بر من منّت نگذاشته بود بسبب فلانی رفع گرفتاری من نمی‌شد هلاك و بیچاره و درمانده شده بودم ، آیا مورد اشکال است ؟ فرمود : نه ، مانعی و اشکالی ندارد که اینچنین بگوید و یا کلمات و جملاتی همانند اینها بگوید .

۱۶۱) روضة الواعظین(ص:۴۵۵،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۴۷،ج:۷۲)، مشكاة الأنوار(ص:۱۲۸) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ لا تَحْقِرَنَّ أَحَداً ، بِخُلْقَانِ ثِيَابِهِ ، فَإِنَّ رَبَّكَ وَ رَبَّهُ واحِدٌ .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرمود : ای پسرم ؛ کسی را بخاطر کُهنگی لباسش تحقیر مکن ، زیرا : پروردگار تو و پروردگار او یکی است (و حکیم است و به حکمت کسی را فقیر و یا کسی را ثروتمند می‌نماید) .

در اسلام به کسی اجازه داده نشده که دیگری را با دیده حقارت نگاه کند .

۲۴۲ـ المحاسن(ص(۹۷ باختلاف یسیر)، لئالی‌الأخبار(ص:۷،ج:۲)، التّمحیص(ص:۵۰)، بحار الأنوار(ص:۵۲،ج:۷۲ و ص:۱۵۷،ج:۷۵)، روضة المتّقین(ص:۲۸۵،ج:۹)، وسائل الشّیعة(ص:۲۷۱، ج:۱۲)، مستدرك الوسائل(ص:۱۰۳،ج:۹)، مشكاة الأنوار(ص:۳۲۲)، الكافی(ص:۳۵۱،ج:۲)، مرآة العقول (ص:۳۸۰،ج:۱۰)، شرح الكافی(ص:۳۹۸،ج:۹)، علیّ بن إبراهیم ، عن : أبیه ، عن : إبن أبی عمیر ، عن : الحسین بن عثمان ، عن : محمّد بن أبی حمزة ، عمّن : ذكره :

عَنْ : أبی عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قالَ : مَنْ حقَّرَ مُؤْمِناً مِسْكِيناً أوْ غَيْرَ مِسْكِين لَمْ يَزَلِ اللهُ عزّوجلّ حاقِراً لَهُ مَاقِتاً ، حَتّىٰ يَرْجِعَ عَنْ مَحْقَرَتِهِ إيّاهُ .

حضرت صادق عليه‌السلام می‌فرمود : هر كه (مرد و يا زن) مؤمن را خواه مستمند باشد و يا مستمند نباشد تحقير كند (و به ديده حقارت به او بنگرد و يا سخنان تحقير آميز به او بگويد و استهزاء كند ، و يا عملی را أنجام دهد كه باعث كوچك شدن مؤمن شود ، و يا برای تحقير او فحش دهد و يا او را بزند) هميشه خدای عزّوجلّ او را خوار و حقير گرداند و دشمن دارد تا از خوار شمردن آن مؤمن برگردد .

۲۴۳ـ بحارالأنوار(ص:۴۴ و ص:۴۶ و ص:۴۹،ج:۷۲ و ص:۱۴۲ و ص:۱۴۳ و ص: ۱۴۶ و ص:۱۵۸ و ص:۱۷۷،ج:۷۵)، التمحيص(ص:۴۶)، تنبيه الخواطر(ص:۲۰۸،ج:۲)، مشكاة الأنوار(ص: ۱۲۸ و ص:۳۲۲)، وسائل الشيعة (ص:۲۶۷ و ص:۲۷۰،ج:۱۲)، صحيفة الرّضا عليه‌السلام (ص:۶۳)، عيون أخبار الرّضا عليه‌السلام (ص:۳۳، ج:۲)، عَنْ : رَسُولِ اللهِ صلّی‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم :

لئالی الأخبار(ص:۷،ج:۲)، جامع الأخبار(ص: ۱۳۰)، الكافی(ص:۳۵۳،ج:۲)، مرآة العقول (ص:۳۹۷،ج:۱۰)، شرح الكافی(ص:۴۰۴،ج:۹)، عقاب الأعمال(ص:۲۹۹)، المحاسن(ص:۹۷)، روضة الواعظين(ص:۴۵۴،ج:۲)، روضة المتّقين(ص:۲۸۴،ج:۹) ، عن : إبن أبی عمير ، عن : بعض أصحابه :

عَنْ : أبی عَبْدِاللهِ عليه‌السلام قال : مَنِ اسْتَذَلَّ مُؤْمِناً وَ اسْتَحْقَرَهُ لِقِلَّةِ ذَاتِ يَدِهِ وَ لِفَقْرِهِ ، شَهَّرَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ عَلىٰ رُؤُوسِ الْخَلائِقِ (ثُمَّ يَفْضَحُهُ) .

حضرت صادق عليه‌السلام می‌فرمود : هر كه كوچك و حقير بشمارد مؤمنی را (و سخنان تحقيرآميز در حضور و غياب او به او بگويد ، چه مرد باشد و يا زن) برای نداشتن سياست و تدبير در امور و يا برای فقر و تهيدستی از أموال ، خداوند او را به رسوايی (به علامت عقوبت) در قيامت در برابر تمامی مردم محشور و مشهور سازد (و ذليل و خوار و تحقير شود، همچنانكه او در دنيا مؤمن را تحقير و خوار می‌كرد) .

۲۴۴ـ بحارالأنوار(ص:۲۶ و ص:۵۱ ،ج:۷۲)، التمحیص(ص:۴۷)، مشکاة الأنوار(ص: ۲۸۸)، الکافی(ص:۲۶۵،ج:۲)، مرآة العقول(ص: ۳۷۱،ج:۹)، شرح الکافی(ص:۲۱۶،ج:۹)، عدّة من أصحابنا، عن: أحمد بن محمّد بن خالد البرقيّ، عن: عثمان بن عیسی، عن: مبارك العقرقوفيّ قال:

سَمِعْتُ أَبا الْحَسَنِ مُوسیٰ عليه السلام يَقُولُ : إِنَّ اللهَ عزّ وجلّ يَقُولُ : إِنِّی لَمْ أُغْنِ الْغَنِیَّ لِكَرامَةٍ بِهِ عَلَیَّ ، وَ لَمْ أُفْقِرِ الْفَقِيرَ لِهَوانٍ بِهِ عَلَیَّ وَ هُوَ مِمّا ابْتَلَيْتُ بِهِ الْأَغْنِياءَ بِالْفُقَراءِ ، وَ لَوْلا الْفُقَراءُ لَمْ يَسْتَوْجِبِ الْأَغْنِياءُ الْجَنَّةَ .

امام هفتم عليه السلام می‌فرمود : خدای عزّ وجلّ فرموده : من سرمایه‌دار نگردانیدم ثروتمند را بجهت آنکه پیش من بزرگوار بود و یا احترامی خاصّ داشت ، و فقیر ننمودم فقیر را برای آنکه در نظر من خوار و پست بود ، بلکه اینچنین کردم تا ثروتمند را آزمایش کنم بوجود فقیر و بی‌بضاعتها ، و اگر فقرا نبودند مستوجب و سزاوار بهشت نمی‌شدند ثروتمندان (زیرا : عمده عبادت ثروتمندان کمك و رسیدگی به زندگی تهیدستان و ناتوانان است) .

۱۶۲) الإختصاص(ص:۳۳۸)، بحارالأنوار(ص:۴۲۹،ج:۱۳)،عن:الأوزاعي:

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَیَّ ؛ لا تُخاصِمْ فی عِلْمِ اللهِ عزّ وجلّ ، فَإِنَّ عِلْمَ اللهِ عزّ وجلّ لايُدْرَكُ وَ لايُحْصیٰ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : فرزندم ؛ درباره علم (و ذات) خدا فکر نکن ، و با دیگران بحث و جدال منما ، زیرا : علم (و ذات) خداوند چیزی نیست که بشر بتواند درك کند و بفهمد و بررسی و تحقیق نماید .

۲۴۵ـ بحارالأنوار(ص:۲۷۰،ج:۳ و ص:۱۰۵،ج:۶۱)، روضة الواعظین(ص:۳۰،ج:۱)، التوحید (ص:۲۸۵)، الکافی(ص:۸۵ ، ج: ۱)، مرآة العقول(ص:۲۹۹،ج:۱)، شرح الکافی(ص:۱۱۰،ج:۳) ، عدّة من أصحابنا ، عن : أحمد بن محمّد بن خالد ، عن : بعض أصحابنا ، عن : عليّ بن عقبة بن قیس سمعان بن أبي ربیحة مولی رسول الله قال :

سُئِلَ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: بِمَ عَرَفْتَ رَبَّكَ ؟ قَالَ : بِما عَرَّفَنِى نَفْسَهُ ، قِيْلَ : وَ كَيْفَ عَرَّفَكَ نَفْسَهُ ؟ قَالَ : لا يُشْبِهُهُ صُورَةٌ وَ لا يُحَسُّ بِالْحَواسِّ وَ لا يُقاسُ بِالنّاسِ ، قَرِيبٌ فِى بُعْدِهِ ، بَعِيْدٌ فِى قُرْبِهِ ، فَوْقَ كُلِّ شَئٍ وَ لايُقالُ : شَئٌ فَوْقَهُ ، أَمَامَ كُلِّ شَئٍ وَ لايُقالُ : لَهُ أَمَامٌ ، داخِلٌ فِى الْأَشْياءِ لا كَشَئٍ داخِلٌ فِى شَئٍ وَ خارِجٌ مِنَ الْأَشْياءِ لا كَشَئٍ خارِجٌ مِنْ شَئٍ ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ هكَذا وَ لا هكَذا غَيْرُهُ ، وَ لِكُلِّ شَئٍ مُبْتَدِءٌ .

پرسیده شد از حضرت أميرالمؤمنين عليه السلام كه: خدا را به چه چيزى شناختى؟ فرمود : به آنچه كه خودش را به من شناسانيده ، گفته شد : چگونه خود را به تو شناسانيده ؟ فرمود : به آنكه هيچ صورت و شكل و شمايل همانند او نيست ، و با حواسّ (پنجگانه) انسانى درك نمى‌شود ، و با بشر مقايسه نمى‌گردد (چرا كه : بشر به دنيا مى‌آيد و نياز دارد و أهل و فرزند دارد و پس از مدّتى مى‌ميرد) نزديك است به همه مخلوقاتش با اينكه از همه آنها دور است ، و دور است در حالى كه به ايشان نزديك است، بالا و برتر از هر چيزى است و چيزى برتر از او نيست ، در جلو هر چيزى است ، نه آنكه گفته شود : خدا ؛ جلو چيزها است ، و داخل در تمام چيزها است ، نه همانند چيزها كه داخل در يكديگرند ، و بيرون از چيزها است ، نه همانند بيرون بودن چيزها از يكديگر، منزّه است خدايى كه چنين است و غير او چنين نيست ، و براى بوجود آمدن هر چيزى خدا ابتدا كننده است .

۲۴۶ـ التوحيد(ص:۲۸۳)، بحارالأنوار(ص:۲۶۷،ج:۳ و ص:۵۴ ،ج:۴ و ص:۴۰۶،ج:۳۶)، كشف الغمّة (ص:۲۸۴)، الكافى(ص:۸۶ ،ج:۱)، مرآة العقول(ص:۳۰۱،ج:۱)، شرح الكافى(ص :۱۱۷،ج:۳)، محمّد بن الحسن ، عن : عبد الله بن الحسن العلوىّ ؛ و علىّ بن إبراهيم ، عن : المختار ، جميعاً عن : الفتح بن يزيد الجرجانىّ :

عَنْ : أَبِى الْحَسَنِ عليه السلام قالَ : سَأَلْتُهُ عَنْ أَدْنَى الْمَعْرِفَةِ ؟ فَقَالَ عليه السلام :

اَلإقْرارُ بِأنَّهُ لا إلهَ غَيرُهُ ، وَ لاشِبْهَ لَهُ ، وَ لانَظِيرَ ، وَ أنَّهُ : قَدِيمٌ ، مُثْبَتٌ ، مَوْجُودٌ غَيرُ فَقِيْدٍ ، وَ أنَّهُ : لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ .

فتح گوید : از حضرت کاظم علیه السلام پرسیدم از کمترین حدّ خداشناسی؟ آن حضرت علیه السلام فرمودند : اقرار داشتن به اینکه خدایی نیست غیر از خدای عزّوجلّ ، و شباهتی و همانندی برای او نیست ، و اینکه خدا قدیم است (نه بعنوان : قِدَم) ، و مثبت و موجود است بدون آنکه نابودی برای او باشد ، و (خلاصه) اینکه : هیچکس و هیچ چیز همانند او نیست از هیچ جهتی از جهات .

۲۴۷ـ . . . آداب النفس(ص:۱۷۳،ج:۱)، و روی هشام بن عروة، عن: أبیه :

عَن: النّبيّ صلّی الله علیه و آله و سلّم قال : إنَّ الشَّيطانَ يَأْتِي أحَدَكُمْ فَيَقُولُ لَهُ : مَنْ خَلَقَ السَّماواتِ ؟ فَيَقُوْلُ : اَللهُ عزّوجلّ ، فَيَقُولُ مَنْ خَلَقَ الأرْضَ ؟ فَيَقُولُ : اَللهُ عزّوجلّ ، فَيَقُولُ : مَنْ خَلَقَ اللهَ ؟! فَإذا أحَسَّ أحَدُكُمْ مِنْ ذلِكَ شَيْئاً فَلْيَقُلْ : آمَنْتُ بِاللهِ وَ بِرَسُولِهِ .

پیغمبر أکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم می‌فرمود : گاهی شیطان با وسوسه پیش یکی از شما بیاید و برای گمراهی و به شكّ أنداختن ، بپرسد : آسمانها را چه کسی آفریده ؟ جواب خواهد داد : خدا ، باز بپرسد : چه کسی زمین را آفریده ؟ بگوید : خدا ، بلافاصله از او می‌پرسد : خدا را چه کسی آفریده ؟! بنابراین هرگاه چنین وسوسه و فکر شیطانی برای شما پیش آید بدون درنگ بگویید : « آمَنْتُ بِاللهِ وَ بِرَسُولِهِ » ، ایمان به خدا و رسول او دارم .

۲۴۸ـ الکافی (ص:۹۳،ج:۱) ، مرآة العقول(ص :۳۲۴ ، ج :۱)، شرح الکافی (ص:۲۰۶، ج : ۳)، محمد بن أبي عبد الله رفعه قال : قالَ أبُو عَبْدِ اللهِ علیه السلام :

التوحید (ص:۴۵۵)، الصّدوق ، عن : أبیه ، عن : سعد بن عبد الله ، عن : أحمد بن محمّد بن عیسی ، عن : الحسن بن محبوب ، عن : عليّ بن رئاب ، عن : فضیل بن یسار قال :

سمِعْتُ أبا عَبْدِ اللهِ عليه السلام يَقُولُ : يَا ابْنَ آدَمَ ؛ لَوْ أكَلَ قَلْبَكَ طائِرٌ لَمْ يُشْبِعْهُ ، وَ بَصَرُكَ لَوْ وُضِعَ عَلَيْهِ خَرْقُ إبْرَةٍ لَغَطّاهُ ، تُرِيدُ أنْ تَعْرِفَ بِهِما مَلَكُوتَ السَّماواتِ وَ الْأرضِ ؟! إنْ كُنْتَ صادِقاً فَهذِهِ الشَّمْسُ خَلْقٌ مِنْ خَلْقِ اللهِ ، فَإنْ قَدَرْتَ أنْ تَمْلَأَ عَيْنَيْكَ مِنْهُما ، فَهُوَ كَما تَقُولُ .

فضیل گوید : شنیدم از حضرت صادق عليه السلام که می‌فرمود : ای فرزند آدم ؛ اگر قلب تو را پرنده‌ای بخورد سیر نمی‌شود ، و اگر قطعه پارچه‌ای به روی چشمانت گذاشته شود ، جایی را نخواهی دید ، با وجود این می‌خواهی با دل و چشم خدای آفریننده ملکوت آسمانها و زمین را بشناسی ؟! اگر باور نداری نگاهی به خورشید کن که یکی از مخلوقات خداوند است ، اگر توانایی دیدن سطح کره خورشید را داری ، بدان که می‌توانی خدا را آنچنان که هست بشناسی .

۱۶۳) تنبیه الخواطر(ص :۷۹)، بحارالأنوار(ص:۱۲۴،ج:۷۳) :

قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ لا تَدْخُلْ فِى الدُّنْيَا دُخُولاً يَضُرُّ بِآخِرَتِكَ ، وَ لا تَتْرُكْهَا تَرْكاً تَكُونُ كَلّاً عَلَى النّاسِ .

از جمله رهنمودهای حضرت لقمان (ع) به فرزندش این بوده که فرموده : پسرم ؛ آنچنان دل به دنیا نبند و چسبیده به آن نباش به حدّی که به آخرت تو ضرر وارد نماید ، و دست‌بردار از دنیا مباش و ترک فعّالیّت و کوشش نکن از بدست آوردن أموال دنیا تا جایی که سربار زندگی دیگران شوی .

و تأیید می‌کند گفتار آن حضرت را بیان شریف امام کاظم عليه السلام که فرموده‌اند :

۲۴۹ـ تنبیه الخواطر(ص:۲۳۴،ج:۲) ، قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم :

مستدرك الوسائل(ص:۱۴۶،ج:۱ و ص:۵۱ ،ج:۱۲ و ص: ۵۸ ،ج:۱۳)، كفاية الأمر(ص:۲۲۶)، بحارالأنوار(ص:۱۳۹،ج:۴۴)، محمّد بن وهبان ، عن : داود بن الهيثم ، عن : جدّه إسحاق بن بهلول ، عن : أبيه ، عن : الزّبير بن عطآء ، عن : عمير بن ماني العبسي ، عن : جنادة بن أبي اميّة ، عن :

اَلحَسَنِ المُجْتَبی عليه السلام اَنَّهُ قالَ :

لئالی الأخبار(ص:۲۸۰،ج:۳)، وسائل الشیعة(ص:۷۶،ج:۱۷)، من لایحضر(ص:۱۵۶،ج:۳) :

وَ قالَ الْعالِمُ عليه السلام : إعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَداً ، وَ اعْمَلْ لآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَداً .

حضرت امام موسی کاظم عليه السلام فرموده : آنچنان عمل کن برای دنیایت گویا که تو زندگی خواهی کرد بطور همیشگی ، و در همه وقت آنچنان عمل کن برای آخرتت که گویا تو همین فردا خواهی مرد .

۲۵۰ـ من لایحضر(ص:۱۵۶،ج:۳)، روضة‌المتقین(ص:۴۰۲،ج:۶)، وسائل‌الشیعة(ص:۷۶،ج:۱۷) :

عَنْ: أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قالَ : لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ ، وَ لا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ .

حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند : از ما نیست کسی که دنیای خود را برای آخرت رها سازد ، و یا آخرت را برای بدست آوردن دنیا رها نماید .

۱۶۴) إثنی عشریّة (ص : ۲۵) :

وَ مِنْ وَصَايَاهُ لِابْنِهِ: يَابُنَيَّ؛ لاتَدَّعْ مَا لَيْسَ لَكَ، وَ لاتَجْحَدْ مَا عَلَيْكَ.

از جمله سفارشهای حضرت لقمان (ع) به فرزندش این است که فرموده : پسرم ؛ نخواه چیزی را که شایسته تو نیست (از ثروت و مقام و ریاست) و انکار نکن هر چیزی که حقّ و یا زشت است اگر چه به ضرر تو باشد .

خواستن و در جستجوی چیزی که شایسته و در توان انسان نباشد ، گرفتاری و درماندگی برایش بوجود خواهد آورد، از جمله ثروت و ریاست است .

۱۶۵) بحارالأنوار(ص:۴۲۶،ج:۱۳)، تنبیه الخواطر(ص:۲۳۱)، إثنی عشریّة(ص :۲۵) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ لاتُورِثْ لِمَنْ ظَلَمْتَهُ ، وَلَكِنْ اَوْرِثْ لِسُوءِ مَا جَنَيْتَهُ عَلى نَفْسِكَ ، وَ إذا دَعَتْكَ الْقُدْرَةُ إلى ظُلْمِ النَّاسِ

أَوْرِثْ لِسُوءِ مَا جَنَيْتَهُ عَلى نَفْسِكَ ، وَ إذا دَعَتْكَ الْقُدْرَةُ إلى ظُلْمِ النّاسِ فَاذْكُرْ قُدْرَةَ اللهِ عَلَيْكَ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود می‌فرمود : فرزندم ؛ غمگین و أندوهناك نباش بر کسی که به او ظلم نموده‌ای ، بلکه ناراحت و غمگین باش بر ظلم و جنایتی که بر خودت نموده‌ای، بواسطه ظلم و ستمی که به دیگری کرده‌ای ، و هرگاه قدرت بر ظلم کردن به مردم را داشتی به یاد قدرت خداوند باش که بر تو دارد .

۲۵۱ـ بحارالأنوار(ص:۳۴۱،ج:۷۵)، أمالي الطّوسي(ص: ، ج:) :

عَنْ : أَبي قُتادَةَ قالَ : كُنْتُ عِنْدَ أَبي عَبْدِاللهِ عليه السلام فَدَخَلَ عَلَيْهِ زِيادُ الْقَنْدِيُّ فَقالَ عليه السلام لَهُ : يا زِيادُ ؛ وَلَّيْتَ هٰؤُلاءِ ؟! قالَ : نَعَمْ ؛ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ ، لي مُرُوَّةٌ وَ لَيْسَ وَرآءَ ظَهْري مالٌ ، وَ إنَّما أُواسِي إخْواني مِنْ عَمَلِ السُّلْطانِ، فَقالَ عليه السلام : يا زِيادُ؛ أَمّا إذا كُنْتَ فاعِلاً ذٰلِكَ، فَإذا دَعَتْكَ نَفْسُكَ إلى ظُلْمِ النّاسِ عِنْدَ الْقُدْرَةِ عَلىٰ ذٰلِكَ، فَاذْكُرْ قُدْرَةَ اللهِ عزّوجلّ عَلى عُقُوبَتِكَ، وَ ذِهابِ ما أَتَيْتَ إلَيْهِمْ عَنْهُمْ، وَ بَقاءِ ما أَتَيْتَ إلىٰ نَفْسِكَ عَلَيْكَ .

أبوقتاده گويد : خدمت حضرت صادق عليه السلام شرفياب بودم که زیاد قندی وارد گشت، آن حضرت عليه السلام به او فرمودند : یا زیاد؛ وارد کارهای حکومتی بنی العبّاس شدی ؟ عرض کرد : بلی ای فرزند رسول خدا ، ولکن شخصی هستم با مروّت و با انصاف و از خدمتگزاری با اینها سرمایه و ثروتی نیندوخته‌ام ، بلکه: به یاری برادران دینی خود می‌شتابم و آنان را از گرفتار شدن به دست عمّال حکومتی حفظ می‌نمایم ، آن حضرت عليه السلام فرمودند : اگر در دستگاه حکومتی بودی و قدرتی بدست آوردی و توان ظلم کردن به دیگران را یافتی ، به یاد قدرت خدای عزّوجلّ باش که می‌تواند تو را عقوبت و مجازات کند ، و بگیرد از تو تمام آنچه ثروت و سرمایه را که از دست حکومت ظالِم گرفته‌ای ، و اثر شوم و

بد و مجازات آن برای تو بماند .

۱۶۶) عقدالفرید(ص:۸۷،ج:۳)، قصص الجزائری(ص:۳۲۵)، تفسیرالقمّی(ص:۱۶۴،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۴۱۲،ج:۱۳)، علیّ بن إبراهیم ، عن : أبیه ، عن : القاسم بن محمّد الإصفهانیّ ، عن : سلیمان بن داود المنقریّ ، عن : حمّاد قال:

سَأَلْتُ أَبا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ : لُقْمانَ وَ حِكْمَتِهِ ؟ قالَ عليه السلام : كَانَ فِيْمَا وَعَظَهُ بِهِ : يا بُنَيَّ ؛ لاتَرْكَنْ إِلَى الدُّنْيا ، وَ لاتَشْغَلْ قَلْبَكَ بِهَا [فَإِنَّكَ لَمْ تُخْلَقْ لَهَا] ، فَمَا خَلَقَ اللهُ خَلْقاً هُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ مِنْهَا ، أَلا تَرىٰ أَنَّهُ لَمْ يَجْعَلْ نَعِيمَهَا ثَواباً لِلْمُطِيعِينَ ، وَ لَمْ يَجْعَلْ بَلاءَهَا عُقُوبَةً لِلْعَاصِينَ .

حمّاد گوید از حضرت صادق عليه السلام پرسیدم از گفتار حضرت لقمان(ع) فرمود : از جمله گفتارهای حضرت لقمان (ع) این بوده که فرموده: پسرم؛ خود را وابسته به دنیا نکن ، و دل خود را به آن مشغول نساز ، زیرا : تو برای دنیا آفریده نشده‌ای ، و نیافریده خداوند آفریده‌ای را پست‌تر از دنیا. آیا نمی‌بینی که خداوند نعمتهای دنیا را أجر و ثواب اطاعت کنندگان مقرّر نفرموده ؟ و گرفتاریهای آن را مجازات و مکافات گنهکاران قرار نداده ؟

۲۵۲ـ إرشاد القلوب الدّیلمی(ص:۱۸۶،ج:۱)، إرشادالقلوب المترجم(ص: ،ج:)، إثنی عشریّة(ص:۲۴۶)، روضة الواعظین(ص:۴۴۸،ج:۲)، تنبیه الخواطر(ص:۷۰ و ص:۱۳۰،ج:۱)، مشکاة الأنوار(ص:۲۶۸)، الکافی(ص:۱۲۹،ج:۲)، مرآةالعقول(ص:۲۷۴،ج:۸)، شرح الکافی(ص:۳۵۸، ج:۸)، بحارالأنوار(ص:۲۶۶،ج:۱۶ صدر الحدیث ، و ص:۱۲۲ و ص:۱۲۳،ج:۷۳)، المحجّة البیضاء(ص:۳۲۱،ج:۷) :

وَ قالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله : الدُّنْيَا دارٌ لِمَنْ لا دارَ لَهُ ، وَ مَالٌ لِمَنْ لا مَالَ لَهُ ، وَ لَهَا يَجْمَعُ مَنْ لا عَقْلَ لَهُ ، وَ يَطْلُبُ شَهَوَاتِهَا مَنْ لا فَهْمَ لَهُ ، وَ عَلَيْهَا يُعَاقِبُ (يُعَادِي) مَنْ لا عِلْمَ لَهُ ، وَ لَهَا (عَلَيْهَا) يَحْسُدُ مَنْ لا بَقَاءَ (فِقْهَ) لَهُ ، وَ لَهَا يَسْعَى مَنْ لايَقِينَ لَهُ .

نبیّ أکرم صلی الله علیه وآله فرموده : دنیا خانه کسی است که خانه (آخرت) نداشته باشد، و ثروت و سرمایه است برای کسی که ثروت و سرمایه (ایمان) نداشته باشد ، و برای دنیا جمع می‌کند أموال را کسی که عقل ندارد، و شهوات (و لذّت و ریاست و برتری بر دیگران) را جستجو و طلب می‌کند کسی که فهم و درك و شعور صحیح نداشته باشد ، و برای بدست آوردن دنیا با دیگران جنگ و دشمنی و نزاع می‌کند کسی که علم ندارد، و برای دنیا حسادت می‌ورزد کسی که بینایی (دینی و أخلاقی) ندارد ، و برای دنیا سعی و کوشش می‌کند کسی که یقین (به حساب قیامت) ندارد .

باید دانست که دل به دنیا بستن غیر از دنیاداری است ، زیرا : ممکن است کسی فقیر و بی بضاعت و یا متوسّط الحال باشد و دل به دنیا بسته باشد ، و یا شخصی ثروتمند باشد و دل به دنیا نبسته باشد .

۲۵۳ـ الکافی(ص:۷۲،ج:۵)، مرآةالعقول(ص:۱۵،ج:۱۹)، وسائل الشّیعة(ص:۲۹،ج:۱۷)، من لایحضر (ص:۱۵۶،ج:۳)، روضة المتّقین (ص:۴۰۱،ج:۶)، علیّ بن إبراهیم ، عن : أبیه ، عن : صفوان بن یحیی ، عن : ذریح المحاربیّ :

عَنْ : أَبِی عَبْدِ اللهِ علیه السلام قالَ : نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَی الآخِرَةِ الدُّنْیا .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود: نیکو یاوری است دنیا برای بدست آوردن درجات عالیه آخرتی .

۲۵۴ـ منهاج البراعة(ص:۳۱۰،ج:۱۴) ، تنبیه الخواطر(ص: ۱۵۸) .

قالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه وآله : نِعْمَ الْمالُ الصّالِحُ لِلرَّجُلِ الصّالِحِ .

رسول خدا صلی الله علیه وآله می‌فرموده : چه زیبا و نیکو است ثروت و سرمایه حلال و پاك شده از وجوهات و حقوق، برای مرد صالح و باتقوا و نیکوکار .

۲۵۵ـ وسائل الشّیعة(ص:۳۴،ج:۱۷)، التهذیب(ص:۳۲۸،ج:۶)، الکافی(ص:۷۲،ج:۵)، مرآة

العقول(ص:۱۵،ج:۱۹)، لئالی الأخبار(ص:۳۸۰،ج:۳) :

قالَ رَجُلٌ لأبِی عَبْدِاللهِ عليه السلام : وَ اللهِ إنّا لَنَطْلُبُ الدُّنيا ، وَ نُحِبُّ أنْ نُؤْتاها ، فَقالَ : تحِبُّ أنْ تَصْنَعَ بِهَا مَاذا ؟ قالَ : أعُوْذُ بِهَا عَلى نَفْسِی وَ عِيالی، وَ أصِلُ بِهَا، وَ أتَصَدَّقُ بِهَا ، وَ أحِجُّ وَ أعْتَمِرُ ، فَقالَ أبُوعَبْدِاللهِ عليه السلام : لَيْسَ هذا طَلَبُ الدُّنْيا ، هَذا طَلَبُ الآخِرَةِ .

مردی به حضرت امام صادق عليه السلام عرض کرد : به خدا قسم ما در طلب دنیا هستیم، و دوست می‌داریم که سرمایه و ثروت فراوان بدست آوریم و داشته باشیم ، آن حضرت فرمود : برای چه مقصدی سرمایه و ثروت را می‌طلبی ؟ عرض کرد : برای مخارج و صرف زندگی خود و نانخورهایم ، و صله رحم بجا آورم ، و صدقه دهم ، و حجّ و عمره بجا آورم ، آن حضرت فرمود : این دنیاخواهی و دلبستگی به دنیا نیست ، بلکه این طلب آخرت است .

و دل به دنیا بستن ؛ آنست که أموال دنیایی را از هر کجا و از هر راهی که بدست آید بگیرد و دقّت بر حلال و حرام بودن آن نداشته باشد ، و اگر از راه حلال بدستش آید چنان بخالت و وسوسه شیطانی بر او غلبه کند که حقوق واجبه را ندهد .

۲۵۶ـ بحارالأنوار(ص:۲۸۶،ج:۷۰ و ص:۱۸۸،ج:۷۷)، مشکاةالأنوار(ص:)، أعلام الدّین (ص:۳۴۳)، عدّة الدّاعی(ص:۳۱۴)، التّحصین لابن فهد(ص:۲۹)، تنبیه الخواطر(ص:۱۳۱،ج:۱ و ص:۲۱۷،ج:۲) :

عَنِ : النَّبِیِّ صلى الله عليه وآله قالَ : لَيَجيئَنَّ أقْوامٌ يَوْمَ الْقِيامَةِ لَهُمْ مِنَ الْحَسَنَاتِ كَجِبَالِ تِهَامَةٍ، فَيُؤْمَرُ بِهِمْ إلى النَّارِ، فَقِيلَ: يا نَبِیَّ اللهِ أمُصَلُّوْنَ كانُوا ؟ قالَ: نَعَمْ ؛ كانُوا يُصَلُّونَ وَ يَصُومُونَ وَ يَأخُذُونَ وَهَناً مِنَ اللَّيْلِ ، لكِنَّهُمْ كانُوا إذا لاحَ لَهُمْ شَىْءٌ مِنَ الدُّنْيا وَثَبُوا عَلَيْهِ .

نبیّ أکرم صلى الله عليه وآله فرموده: در قیامت گروهی از مردم را به محشر می‌آورند

که بقدر کوههای تهامه حجاز حسنات دارند و باوجود آن دستور داده می‌شود که ایشان را به آتش أندازند، گفته شد: یانبیّ الله؛ آیا نماز می‌خوانده‌اند ؟! فرمود: آری ؛ نماز می‌خوانده‌اند و روزه می‌گرفته‌اند و أندکی از شبها را به عبادت می‌پرداختند ، ولکن؛ مشکل آنها این بوده که از هر طرف چیزی از مالیّه دنیایی برای ایشان پیش می‌آمد آن را می‌گرفته‌اند و توجّهی به شرعی بودن و یا نبودن آن نداشته‌اند .

۲۵۷ـ مشکاة الأنوار(ص:۲۶۹)، بحارالأنوار(ص:۲۴ و ص:۹۱ و ص:۱۰۳ و ص:۱۶۳،ج:۷۳ و ص:۲۵۰،ج:۷۸)، روضة الواعظین(ص:۴۴۱،ج:۲)، الکافی(ص:۳۲۰،ج:۲)، مرآة العقول (ص:۲۴۵، ج: ۱۰)، شرح الکافی (ص:۳۳۲،ج:۹)، الخصال(ص:۸۸)، الصّدوق ، أبی ، عن : محمّد بن یحیی العطّار ، عن : محمّد بن أحمد ، عن : أبی سعید الآدمیّ ، عن : عبد العزیز العبدیّ ، عن : إبن أبی یعفور :

قالَ : سمِعْتُ أبا عَبْدِاللهِ عليه‌السلام يَقُولُ : مَنْ تَعلَّقَ قَلْبَهُ بِالدُّنيا تَعلَّقَ مِنْها بِثَلاثَ خِصالٍ : هَمٌّ لايَفْنىٰ ، وَ أمَلٌ لايُدْرِكُ ، وَ رَجآءٍ لايَنالُ .

حضرت صادق عليه‌السلام فرموده : هر که به دنیا دل بندد ، به سه چیز گرفتار شود : ۱ـ أندوه بی‌پایان ، ۲ـ آرزویی که هیچ وقت به آن نرسد ، ۳ـ امّیدواری‌هایی که هیچگاه به آنها نائل نگردد .

۱۶۷) مستدرک‌الوسائل(ص: ۴۳۸،ج:۱۲)، إثنی‌عشریّة(ص:۲۶)، بحارالأنوار(ص:۴۱۹،ج: ۱۳)، جامع أحادیث الشّیعة(ص:۱۲۳،ج:۱۶)، قصص الرّاوندیّ(ص:۱۹۳)، الصّدوق، عن : أبیه، عن : سعد بن عبدالله، عن: القاسم بن محمّد الإصفهانیّ، عن: سلیمان بن داود المنقریّ، عن: حمّاد بن عیسی :

عَنْ : الصّادقِ عليه‌السلام قالَ : قالَ لُقْمانُ(ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ؛ لاتَسْتَعِنْ فى اُمُورِكَ إلاَّ بِمَنْ يُحِبُّ أنْ يَتَّخِذَ فى قَضاءِ حاجَتِكَ أجْراً ، فَإنَّهُ إذا كانَ كَذلِكَ طَلَبَ قَضاءَ حاجَتِكَ لَكَ كَطَلَبِهِ لِنَفْسِهِ ، لِأنَّهُ بَعْدَ نَجاحِها لَكَ كانَ رِبحاً فى الدُّنْيا الفانِيَةِ ، وَ حظّاً وَ ذُخْراً لَهُ فى الدّارِ الْباقِيَةِ ، فَيَجْتَهِدُ فى قَضاءِها لَكَ ، وَلْيَكُنْ إخْوانُكَ وَ أصْحابُكَ الَّذينَ تَسْتَخْلِصُهُمْ وَ تَسْتَعينُ بِهِمْ عَلى

أُمُورِكَ : أَهْلَ الْمُرُوَّةِ (الْمَوَدَّةِ ـ خ ل) ، وَ الْكَفَافِ ، وَ الثَّرْوَةِ ، وَ الْعَقْلِ ، وَ الْعِفَافِ ، الَّذِينَ إِنْ نَفَعْتَهُمْ شَكَرُوكَ ، وَ إِنْ غِبْتَ عَنْ جَيْرَتِهِمْ ذَكَرُوكَ .

حضرت صادق(ع) می‌فرمود : حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده : فرزندم ؛ کمك نگیر در کارهایت مگر از کسی که دوست دارد در برطرف نمودن نیازهای تو أجر (خدایی) و پاداش معنوی (آخرتی) ببرد ، که اگر کسی چنین باشد ، أنجام دادن حاجتهای تو را همانند برآوردن حاجتهای خود می‌داند (همچنانکه دوست می‌دارد حاجتهای او برآورده و هر چه زودتر أنجام شود ، از تو را برآورده می‌سازد بدون از دست رفتن فرصت) برای اینکه بعد از موفّق شدن در این کار، هم در دنیای فانی برایش سودی فراوان هست و هم در جهان آخرت که مدّتش طولانی خواهد بود بهره و ذخیره‌ای از این کار می‌برد ، در نتیجه : در برآوردن حاجت تو تلاش می‌کند .

و باید : برادران و یاوران و همنشین های تو که به آنها اخلاص می‌ورزی و در رفع مشکلات زندگی از آنها یاری می‌طلبی و در کارهایت از ایشان کمك می‌گیری ، أهل مروّت و جوانمرد و صاحب کفایت و ارزشمند (و وجودشان منشأ خیر و صلاح و اصلاح) باشند ، و دارای توان مالی ، و عقل (دینی و معاش) و عفّت (در زندگی و سخن گفتن، و حافظ آبرو) باشند ، و باید أفرادی باشند که اگر به ایشان نفعی رساندی از تو تشکر و قدردانی (و جبران زحمات تو را) بنمایند، و اگر غایب شدی و از همسایگی ایشان فاصله گرفتی و از اجتماع آنها دور شدی تو را یاد کنند (و در جستجوی أحوال تو شوند و به دیدار و کمك تو آیند و برای برطرف نمودن گرفتاری‌های تو بشتابند) .

۱۶۸) إرشاد القلوب الدّيلمي(ص:۷۲،ج:۱)، إرشاد القلوب المترجم(ص:۱۶۶،ج:۱) :

فِي وَصِيَّةِ لُقْمَانَ (ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ لاتَسْمَعِ الْمَلاهِيْ فَإِنَّهَا تُنْسِيكَ

اْلآخِرَةَ ، وَلکِنْ احْضُرِ اْلجَنَائِزَ ، وَ زُرِ اْلمَقابِرَ تُذَکِّرِ اْلمَوْتَ وَ مَا بَعْدَهُ مِنَ اْلأَهْوَالِ ، فَتَأْخُذْ حِذرَكَ .

از جمله سفارشهای حضرت لقمان (ع) به فرزندش این بوده که : فرزندم ؛ گوش مده به لهویّات (آواز غنا ، و موسیقی) زیرا : آخرت را از یاد تو می‌برد ، ولکن تشییع جنازه بنما ، و دیدار و زیارت کن قبر مردگان را تا به یاد مرگ و آنچه بعد از مرگ از هول و هراس و ترس و وحشت و سختیها است باشی ، پس ای پسر ؛ فراوان احتیاط کن (که گرفتار شیطان و هوای نفس نشوی) .

تأیید می‌کند گفته حضرت لقمان (ع) را بیان شریف حضرت صادق عليه السلام که فرموده :

۲۵۸ــ وسائل الشّیعة(ص:۳۱۶،ج:۱۷)، الکافی(ص:۴۳۴،ج:۶)، مرآة العقــول(ص:۳۰۶،ج:۲۲) ، علیّ بن إبراهیم ، عن : أبیه ، عن : الحسن بن محبوب ، عن : عنبسة بن مصعب :

عَنْ : أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قالَ : إسْتِماعُ اللَّهْوِ وَ الْغِناءِ يَنْبُتُ النِّفـاقَ ، كَما يَنْبُتُ الماءُ الزَّرْعَ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : گوش دادن به لهویّات (موسیقی) و آواز غنایی ، نفاق و دورویی و کینه (نسبت به دین و أخلاق انسانی و بندگان مؤمن) می‌رویاند ، همچنانکه آب گیاه را می‌رویاند .

۱۶۹) الإختصاص(ص:۳۴۰)، بحارالأنوار(ص:۴۳۰،ج:۱۳)، عن: الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ لاتَشْتِمِ النّاسَ فَتَكُونَ أَنْتَ الَّـذِي شَتَمْتَ أَبَوَيْكَ .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرمود : ای فرزندم ؛ دشنام مده مردم را ، برای آنکه تو همان کسی خواهی بود که به پدر و مادرت دشنام می‌دهی (زیرا : تو به مردم فحش می‌دهی و مردم به پدر و مادرت فحش می‌دهند و ناسزا می‌گویند).

١٧٠) إرشاد القلوب الدّیلمی(ص:٧١،ج:١) إرشادالقلوب المـترجم(ص: ،ج:)، إثـنی عشریّة(ص: ٢٥)، بحارالأنوار(ص:٤٢٦،ج:١٣)، تنبیه الخواطر(ص:٢٣٦،ج:٢) :

فی وَصِیَّةِ لُقْمانَ(ع) لاِبْنِهِ : یابُنَیَّ ؛ لاتَشْمَتْ بِالْمُصابِ وَ [بِالْمَوْتِ] لاتُعیِرُ [لا تَسْخَرْ] بِالْمُبْتَلی .

سفارش فرموده حضرت لقمان (ع) به فرزندش بعنوان نصیحت و رهنمایی و فرموده: ای فرزندم؛ شماتت نکن مصیبت زده را، و سرزنش منما گرفتار شده را .

و در دستور أخلاقی اسلامی در روایات آمده که کسی حق ندارد مصیبـت زده را شماتت و مسخره و استهزاء کند .

٢٥٩ـ نزهة النّاظر(ص:٣٧)، مجالس المفید(ص:٢٦٩)، بحارالأنوار(ص:٢١٣،ج:٧٥)، مشكاة الأنوار(ص:٣١٠)، أعلام الدّین(ص:٤٤٧)، روضة الواعظین(ص:٤٢٤، ج:٢)، أمالی الطّوسـی(ص: ٣١، ج:١)، الطّوسی ، عن : أبیه ، عن : محمّد بن محمّد بن النّعمان (المفید) ، عن : محمّد بن عمر الجعـابی ، عن : محمّد بن عمر النّیشابوریّ ، عن : محمّد بن السّری ، عن : أبیه ، عن : حفص بن غیاث ، عــن : بَرَد بن سنان ، عن : مكحول ، عن : واثلة بن الأصقع قال : **قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ :**

وسائل الشّیعة(ص:٢٦٦،ج:٣)، أمالی الصّدوق(ص:١٨٨) ، عن : محمّد بن أحمد بن علیّ بـن أسد ، عن : یعقوب بن یوسف بن حازم ، عن : عمر بن إسماعیل بن مجالد ، عن : حفص بن غیـاث ، عن : بَرَد بن سنان ، عن : مكحول ، عن : واثلة بن الأصقع قال :

قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ : لاتُظْهِرِ الشَّماتَةَ لأَخِیكَ فَیُعافِیَهُ [فَیَرْحَمُهُ] اللهُ وَ یَبْتَلِیْكَ .

رسول أكرم ﷺ می‌فرمودند : شماتت نکن برادر خود را (به مصیبـتی كه گرفتار شده) كه خداوند او را عافیت و نجات دهد و تو را به همان مصیبـت گرفتار سازد .

٢٦١ـ الكافی(ص:٣٥٩،ج:٢)، مرآةالعقول(ص:٤،ج:١١)، شرح الكافی(ص:٩،ج:١٠)، وسـائل

الشّیعة (ص:۲۶۶،ج:۳)، بحارالأنوار(ص:۲۱۶،ج:۷۵) ، عدّة من أصحابنا ، عن : أحمد بن محمّد بن خالد ، عن : الحسن بن علی بن فضّال ، عن : إبراهيم بن محمّد الأشعریّ ، عن : أبان بن عبد الملك :

عَنْ : أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام إِنَّهُ قالَ : لاتُبْدِيَ الشَّماتَةَ لأَخِيْكَ ، فَيَرْحَمُهُ اللهُ ، وَ يُصَيِّرُهَا بِكَ ، وَ قالَ عليه السلام : مَنْ شَمِتَ بِمُصِيْبَةٍ نَزَلَتْ بِأَخِيْهِ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيا حَتّىٰ يُفْتَتَنَ بِهِ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : مبادا شماتت و سرزنش کنی (به گفتار و یا کنایه و اشاره) و استهزاء نمایی برادر (و خواهر) دینی خود را به مصیبت و گرفتاری که برای او پیش آمده ، زیرا : خدا او را مورد رحمت خود قرار می‌دهد و گرفتاریش برطرف و مصیبت را جبران می‌نماید ، و تو را مصیبت زده و گرفتار خواهد کرد .

و همچنین آن حضرت فرمود : هر که شماتت و سرزنش کند کسی را که مصیبت زده شده ، از دنیا نرود تا اینکه به همان گرفتاری و مصیبت گرفتار شود .

۱۷۱) عقد الفرید(۸۷،ج:۳) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ لا تَضْحَكْ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ ، وَ لاتَمْشِ فِي غَيْرِ أَرَبٍ ، وَ لاتَسْأَلْ عَمّا لايُعْنِيْكَ .

حضرت لقمان (ع) بعنوان نصیحت و راهنمایی به فرزند خود فرمود : ای پسرم ؛ خنده بیجا و بدون تعجّب نکن ، و راه مرو در غیر راه صحیح و هدف ، و سؤال نکن از چیزی که پرسیدنش و یا دانستن آن فایده‌ای دینی و دنیایی و آخرتی برای تو ندارد .

۲۶۱ـ قصص الأنبیآء(ص:۱۵۷)، أمالی الصّدوق(ص:۴۱۳)، وسائل الشّیعة(ص:۲۹۰،ج:۱۵)، قصص الجزائریّ(ص:۲۹۶)، بحارالأنوار(ص:۳۳۱ و ص:۳۰۱، ج:۱۳ و ص:۳۸۶،ج:۷۳ و ص:۴۴۹، ج:۷۸)، ابن البرقیّ ، عن : أبيه ، عن : جدّه ، عن : محمّد بن علیّ الكوفیّ ، عن : أبي عبدالله الخیاط ،

عن : عبدالله بن القاسم ، عن : عبدالله سنان :

عَنْ : أَبِي عَبْدِاللهِ الصَّادِقِ عليه السلام قالَ : كَانَ فِيمَا أَوْحَى اللهُ عزّوجلّ إِلىٰ مُوسَى بْنِ عِمْرانَ (ع) : إِيّاكَ وَ اللَّجَاجَةَ وَ لاتَكُنْ مِنَ الْمَشائِينَ مِنْ غَيرِ حَاجَةٍ ، وَ لاتَضْحَكْ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ ، وَ ابْكِ عَلىٰ خَطِيئَتِكَ يَا ابْنَ عِمْرانَ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : از جمله مطالبی كه خداوند بـه حضـرت موسی (ع) وحی فرمود : این بود كه : سخت بترس از لجاجت كردن با ديگران ، و مبادا ؛ كاری را انجام دهی و يا راهی را بدون هدف و تصميم قبلی بـروی ، و مبادا ؛ بخندی ، بلكه بايد برای خطاها و اشتباه‌كاريها و گناهان خود گريه كنی .

۲۶۲ـ الإختصاص(ص:۲۳۰)، أمـالی‌الصّدوق(ص:۲۲۳)، وسائل‌الشّیعة(ص:۱۱۸،ج:۱۲)، مشكاة الأنوار(ص:۸۴)، بحار الأنوار(ص:۲۵۹،ج:۷۲ و ص:۵۸ ،ج:۷۶) ، عن : جعفر بن محمّد بـن مسرور ، عن : الحسين بن محمّد بن عامر ، عن : عمّه عبدالله بن عامر ، عن: محمّد بن سـنان ، عـن : طلحة بن زيد ، عَن : الصّادِقِ عليه السلام عَنْ : أبيهِ عليه السلام ، عَنْ : آبائِهِ عليهم السلام قالَ :

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم : كَثْرَةُ الْمِزاحِ تَذْهَبُ بِمـاءِ الْوَجْـهِ ، وَ كَـثْرَةُ الضِّحْكِ تَمْحُو الْإيمانَ ، وَ كَثْرَةُ الْكِذْبِ تَذْهَبُ بِالْبَهاءِ .

حضرت صادق عليه السلام از پدران كرام خود نقل فرموده كه: رسول خـدا صلى الله عليه وآله وسلم فرموده: زياد شوخی كردن آبرو را می‌برد، و زياد خنديدن ايمان را نابود می‌كند، و زياد دروغ گفتن ارزش انسانی را تباه می‌نمايد .

۲۶۳ـ إثنی عشريّة(ص:۳۲۶) :

وَ قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم : مَنْ كَثُرَ ضِحْكُهُ عُوقِبَ بِعَشْرِ عُقُوباتٍ ، أَوَّلُهَا : أَنْ يَمُوتَ قَلْبُهُ ، وَ يَذْهَبَ الْمَاءُ مِنْ وَجْهِهِ ، وَ تَشْمَتَ بِهِ الْأَعْـداءُ وَ الشَّيْطانُ، وَ يَغْضِبَ عَلَيْهِ الرَّحْمانُ ، وَ يُنَاقَشَ بِهِ يَوْمَ الْقِيامَةِ ، وَ يُعْرِضَ عَنْهُ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وسلم يَوْمَ الْقِيامَةِ ، وَ تَلْعَنَهُ الْمَلائِكَةُ ، وَ تُبْغِضَهُ أَهْلُ السَّمَاواتِ

وَ الْأَرْضِ ، وَ يَنْسَى كُلَّ شَيْءٍ حَفِظَهُ ، وَ يُفْتَضَحَ يَوْمَ الْقِيامَةِ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هر کس فراوان شد خندیدن او ، بـه ده نـوع مجازات گرفتار می‌شود : ۱ـ دل او می‌میرد (که همیشه أندوه‌ناك است) ، ۲ـ آبرویش برود ، ۳ـ مورد شماتت دشمنان و شیطان قرار می‌گیرد ، ۴ـ خدای رحمان بـر او غضب می‌کند ، ۵ ـ مورد سؤال و باز خواست در قیامت می‌شود ، ۶ ـ در قیامت پیغمبر صلی الله علیه و آله از او روی برمی‌گرداند ، ۷ـ ملائکه‌ها او را لعن می‌کنند ، ۸ ـ او را دشمن می‌دارند أهل آسمانها و زمین ، ۹ـ فراموش می‌کند آنچه را که از حفـظ نموده و در ذهن سپرده ، ۱۰ـ رسوا می‌گردد روز قیامت .

۲۶۴ـ معانی الأخبار(ص:۳۳۴)، مستدرك الوسائل(ص:۴۱۷،ج:۸)، إرشاد القلوب الدّیلمیّ (ص:۱۴۰،ج:۱)، أعلام الدّین(ص:۲۰۶)، عوالی اللّئـالی(ص:۹۰)، تنبیـه الخواطـر(ص:۶۶ ، ج:۳۲)، أمالی الصّدوق(ص:۲۲۳)، الخصال(ص:۵۲۶)، بحـارالأنوار(ص:۵۹ ،ج:۷۶ و ص:۷۴، ج:۷۷)، مکـارم الأخلاق(ص:۴۷۳) :

وَ فِی وَصِيَّةِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله لأَبِی ذَرٍّ الْغِفارِیِّ رضی الله عنه : إِيّاكَ وَ كَـثْرَةَ الضَّحْـكِ فَإِنَّهُ يُمِيتُ الْقَلْبَ وَ يَذْهَبُ بِنُورِ الْوَجْهِ .

در ضمن سفارشهای پیغمبر صلی الله علیه و آله به أبوذر اینست که فرموده : بپرهیز از خنده زیاد، زیرا: دل را می‌میراند (که همیشه آدمی أندوه‌ناك است)، و آبرو را می‌برد .

۲۶۵ـ مشکاة الأنوار(ص:۱۹۱)، الکافی(ص:۶۶۴ ،ج:۲)، مرآةالعقـول (ص:۵۶۸ ،ج:۱۲)، شرح الکافی(ص:۱۲۲،ج:۱۱) ، عدّة من أصحابنا ، عن : سهل بن زیاد ، عن : علیّ بن أسباط ، عن : الحسن بن کلیب :

عَنْ : أَبِی عَبْدِ اللهِ علیه السلام قالَ : ضِحْكُ الْمُؤْمِنِ تَبَسُّمٌ .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود : خنده مؤمن فقط : لبخند زدن است .

۱۷۲) عقدالفرید(ص :۸۷ ،ج:۳) :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لابْنِهِ : يابُنَيَّ ؛ لاتُضَيِّعْ مَالَكَ وَ تُصْلِحْ مَالَ غَيرِكَ ، فَإِنَّما لَكَ مَا قَدَّمْتَ ، وَ لِغَيرِكَ مَا تَرَكْتَ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : فرزندم ؛ ضایع و نابود نکن سرمایه خود را و أموال دیگران را تقویت کنی ، زیرا : برای تو از سرمایه‌ات آن مقداری است که برای آخرت خود از پیش می‌فرستی ، و برای غیر خود آنچه را که باقی می‌گذاری .

حضرت لقمان (ع) به تمامی مردم نصیحت می‌کند و می‌فرماید: از سرمایه و دسترنج خود حدّ أعلای استفاده را بنمایید ، و برای قیامت خود ذخیره کنید ، و باقی نگذارید که سرمایه و ثروت و ارث‌ها افزوده شود ، و برای شما حسرت و أندوه باشد .

۲۶۶ـ تحف العقول(ص:۳۱۵)، بحارالأنوار(ص:۲۸۳،ج:۷۸) :

عَن : الصّادِقِ عليه السلام إنَّهُ قالَ : . . . يَابْنَ جُنْدَبٍ ؛ فَلاتُضَيِّعْ مَالَكَ وَ تُصْلِحْ مَالَ غَيرِكَ مَا خَلَّفْتَهُ وَرآءَ ظَهْرِكَ .

حضرت صادق عليه السلام در ضمن نصایح خود به عبدالله بن جندب فرموده : ای پسر جندب ؛ (هوشیار باش که) سرمایه و ثروت خود را ضایع مگردان و به اصلاح و أفزونی أموال دیگران نپرداز ، و آن عبارتست از أموالی که بعد از خود بجای خواهی گذاشت .

و همچنین حضرت صادق عليه السلام در بیان دیگر به عبدالله بن جندب فرموده:

۲۶۷ـ تحف العقول(ص:۳۱۵)، إثنی عشریة(ص:۳۷ و ص:۱۱۶)، بحارالأنوار(ص:۲۸۲،ج:۷۸):

يا ابْنَ جُنْدَبٍ ؛ . . . إجْعَلِ الْمَوْتَ نَصْبَ عَيْنَيْكَ ، وَ لاتَدَّخِرْ شَيْئاً لِغَدٍ، وَ اعْلَمْ : أنَّ لَكَ مَا قَدَّمْتَ ، وَ عَلَيْكَ مَا أخَّرْتَ . يَا ابْنَ جُنْدَبٍ ؛ مَنْ حَرَّمَ نَفْسَهُ كَسْبَهُ فَإنَّما يَجْمَعُ لِغَيرِهِ .

ای پسر جندب ؛ همیشه مرگ را در برابر چشمان خود قرار بده ، و چیزی برای فردای خود ذخیره نکن (زیرا: ممکن است که نصیب تو نخواهد شد) و بدان بطور یقین هر چه را پیش فرستادی (از أعمال خیر و صدقه و کمک به دیگران) در قیامت برای تو و به نفع تو خواهد بود ، و هر چه را پس‌أنداز کردی و بدست وارث افتاد بضرر تو خواهد بود ، ای پسر جندب ؛ هر که خود را محروم کند از منافع کسب و دسترنج و زحمات خویش ، برای دیگران أموال و سرمایه و ثروت جمع کرده .

۲۶۸ـ إثنی عشریة(ص:۴۰) :

قالَ عَلِيٌّ عليه السلام لِبَعْضِ أصْحابِهِ : لا تَجْعَلَنَّ أكْثَرَ شُغْلِكَ لأهْلِكَ وَ وُلْدِكَ ، فَإنْ يَكُنْ أهْلُكَ وَ وُلْدُكَ أوْلِيآءَ اللهِ ، فَإنَّ اللهَ لايُضِيعُ أوْلِيآءَهُ ، وَ إنْ يَكُونُوا أعْدآءَ اللهِ فَما عَمَلُكَ وَ شُغْلُكَ بِأعْدآءِ اللهِ .

حضرت أمیرالمؤمنین عليه السلام به یکی از أصحاب خود فرموده: بیشتر شغل و درآمد کسب خود را قرار مده برای أهل و عیال و فرزندان خود (که خود برای آخرت استفاده و ذخیره نکنی) ، زیرا : اگر أهل و نانخورها و فرزندان تو از أولیآء خدا باشند ، هیچگاه خداوند أولیآء خود را ضایع و رها نمی‌کند ، و اگر : دشمن خدا باشند ، چرا همّت و دسترنج و نتیجه زحمات تو برای دشمنان خدا باشد .

۱۷۳) الإختصاص(ص:۳۳۹)، القصص الجزائری(ص:۳۲۹)، بحارالأنوار(ص:۴۲۹،ج:۱۳)، عن : الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَيَّ ؛ لاتَطَأْ أمَتَكَ وَ لَوْ أعْجَبَتْكَ ، وَ إنْهَ نَفْسَكَ عَنْها ، وَ زَوِّجْها .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : فرزندم ؛ همبستر نشو با کنیزت که از دوران کودکی در خانه تو بزرگ شده ، زیرا : تو را پدر خود می‌داند) ،

اگر چه بسیار خواهان او باشی (بواسطه زیبایی و یا جهات دیگر) و حتماً خود را نگهدار ، و (شهوت‌ران مباش) او را به دیگری تزویج کن .

۱۷۴) إثنی عشریّة(ص:۲۶)، قصص الأنبیاء(ص:۱۹۳)، بحارالأنوار(ص:۴۱۸،ج:۱۳)،

الصّدوق ، أبی ، عن : سعد بن عبدالله ، عن : القاسم بن محمّد الإصفهانیّ ، عن : سلیمان بن داود المنقریّ ، عن : حمّاد بن عیسی :

عَنِ : الصّادِقِ عليه السلام أنَّهُ قالَ : قالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ : يابُنَيَّ ؛ لاتَطْلُبْ مِنَ الْأَمْرِ مُدْبِراً ، وَ لاتَرْفَضْ مِنْهُ مُقْبِلاً ، فَإِنَّ ذَلِكَ يَضِلُّ [يُفْسِدُ] الرَّأْيَ ، وَ يَزْرِيْ بِالْعَقْلِ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : فرزندم ؛ طلب نکن و کوشش نداشته باش برای بدست آوردن چیزی که أسباب و وسایل آن فراهم بوده و از دست رفته ، و از دست مده فرصتهای مناسب که در پیش داری (برای انجام دادن کارهای خیر و کسب و شغل) زیرا : توجّه نداشتن به این موضوع سبب گمراهی و تحیّر رأی و سستی و نارسایی عقل خواهد شد .

۱۷۵) إثنی عشریّة(ص:۲۶)، قصص الأنبیاء(ص:۱۹۳)، بحارالأنوار(ص:۴۱۹،ج:۱۳)،

الصّدوق ، أبی ، عن : سعد بن عبد الله ، عن : القاسم بن محمّد الإصفهانیّ ، عن : سلیمان بن داود المنقریّ ، عن : حمّاد بن عیسی :

عَنِ : الصّادِقِ عليه السلام أنَّهُ قَالَ : قالَ لُقْمانُ(ع) لابْنِهِ : يابُنَيَّ ؛ لاتَعْتَذِرْ إِلىٰ مَنْ لايُحِبُّ أَنْ يَقْبَلَ لَكَ عُذْراً ، وَ لايَرىٰ لَكَ حَقّاً .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : فرزندم ؛ عذرخواهی نکن (از طرف خودت و یا برای دیگری) از کسی که خوش ندارد (بواسطه تکبّر و داشتن کینه و یا بی‌اعتنایی) عذرخواهی تو را بپذیرد ، و برای تو شخصیّتی و احترامی قائل نیست .

۲۶۹ـ سنن إبن ماجه (رقم : ۳۷۱۸)، المحجّة البيضاء،(ص:۲۳۹،ج:۳) :

قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ : مَنْ إعْتَذَرَ إلَيْهِ أخُوهُ فَلَمْ يَقْبَلْ ، فَعَلَيْهِ مِثْلُ إثْمِ صاحِبِ الْمَكْس .

حضرت رسول ﷺ می‌فرمود : هر که برادر او عذرخواهی کند از او و نپذیرد ، گناهش بقدر گناه ده یك بگیر (به ظلم در گمرك و غیر آن) است .

۱۷۶) إثنی عشریّة (ص: ۲۵) :

وَ مِنْ وَصاياهُ لِابْنِهِ: يابُنَيَّ؛ لاتَعْتَرِضِ الْبَاطِلَ، وَ لاتَسْتَحْيِ مِنَ الْحَقِّ .

از جمله نصایح و راهنمایی حضرت لقمان (ع) به فرزندش این بوده که فرموده : هیچگاه (سخنان و کتابها و شیوه‌های) باطل را ترویج و آشکار نکن ، همچنانکه از اظهار و بیان حقّ و راستی و درستی حیا بنمایی .

۱۷۷) بحارالأنوار(ص:۴۳۳،ج:۱۳ وص:۲۶۱،ج:۷۱)، فتح الأبواب(ص:۳۰۷) :

رُوِيَ أنَّ لُقْمَانَ الْحَكِيمِ(ع) قَالَ لِوَلَدِهِ فِي وَصِيَّتِهِ : لاتُعَلِّقْ قَلْبَكَ بِرِضَى النّاسِ وَ مَدْحِهِمْ وَ ذَمِّهِمْ ، فَإنَّ ذَلِكَ لا يَحْصَلُ ، وَ لَوْ بَالَغَ الْإنْسَانُ فِي تَحْصِيلِهِ بِغَايَةِ قُدْرَتِهِ ، فَقَالَ لَهُ وَلَدُهُ : مَا مَعْنَاهُ ؟ أُحِبُّ أنْ أرَى لِذَلِكَ مِثالاً أوْ فِعَالاً أوْ مَقالاً ، فَقَالَ لَهُ : نَخْرُجُ أنَا وَ أنْتَ ، فَخَرَجَا وَ مَعَهُمَا بَهِيمَةٌ ، فَرَكِبَهَا لُقْمَانُ وَ تَرَكَ وَلَدَهُ يَمْشِي وَرَآءَهُ، فَاجْتَازا عَلَى قَوْمٍ ، فَقَالُوا : هَذَا شَيْخٌ قَاسِي الْقَلْبِ ، قَلِيلُ الرَّحْمَةِ ، يَرْكَبُ هُوَ الدَّابَّةَ وَ هُوَ أقْوَى مِنْ هَذَا الصَّبِيِّ ، وَ يَتْرُكُ هَذَا الصَّبِيَّ يَمْشِي وَرَآءَهُ ، وَ إنَّ هَذَا بِئْسَ التَّدْبِيرِ : فَقَالَ لِوَلَدِهِ : سَمِعْتَ قَوْلَهُمْ وَ إنْكارَهُمْ لِرُكُوبِي وَ مَشْيِكَ ؟ فَقَالَ : نَعَمْ ، فَقَالَ : إرْكَبْ أنْتَ يا وَلَدِي حَتَّى أمْشِيَ أنَا ، فَرَكِبَ وَلَدُهُ وَ مَشَى لُقْمَانُ ، فَاجْتَازا عَلَى جَماعَةٍ أُخْرَى، فَقَالُوا: هَذَا بِئْسَ الْوالِدِ، وَ هَذَا بِئْسَ الْوَلَدِ ، أمَّا أبُوهُ فَإنَّهُ مَا أدَّبَ هَذَا الصَّبِيَّ حَتَّى يَرْكَبَ الدَّابَّةَ وَ يَتْرُكَ وَالِدَهُ يَمْشِي

وَرآءَهُ ، وَ الْوالِدُ أحَقُّ بِالْاحْتِرامِ وَ الرُّكُوبِ، وَ أمَّا الْوَلَدُ، فَلأنَّهُ عَقَّ والِدَهُ بِهَذِهِ الْفِعَالِ ، فَكِلاهُمَا أسَاءَا فِى الْفِعَالِ ؟! فَقَالَ لُقْمانُ : لِوَلَدِهِ ؛ سَمِعْتَ ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، فَقَالَ: نَرْكَبُ مَعاً الدّابَّةَ، فَرَكِبَا مَعاً، فَاجْتَازا عَلى جَماعَةٍ فَقَالُوا: مَا فِى قَلْبِ هَذَيْنِ الرّاكِبَيْنِ رَحْمَةٌ ، وَ لا عِنْدَهُمْ مِنَ اللهِ خَيْرٌ ، يَرْكَبَانِ مَعاً الدّابَّةَ ، يَقْطَعَانِ ظَهْرَهَا ، وَ يَحْمِلانِهَا مَا لاتُطِيقُ ، لَوْ كَانَ قَدْ رَكِبَ واحِدٌ كَانَ أصْلَحُ وَ أجْوَدُ ، فَقَالَ : سَمِعْتَ ؟ قَالَ : نَعَمْ ، فَقَالَ: هَاتَ حَتّى نَتْرُكَ الدّابَّةَ تَمْشِي خَالِيَةٌ مِنْ رُكُوبِنَا، فَسَاقَا الدّابَّةَ بَيْنَ أيْدِيهِما وَ هُمَا يَمْشِيَانِ ، فَاجْتَازا عَلى جَمَاعَةٍ فَقَالُوا : هَذَا عَجِيبٌ مِنْ هَذَيْنِ الشَّخْصَيْنِ ، يَتْرُكَانِ الدّابَّةَ فَارِغَةً تَمْشِي بِغَيْرِ راكِبٍ وَ يَمْشِيَانِ ، وَ ذَمُّوهُمَا عَلى ذلِكَ كَمَا ذَمُّوهُما عَلى كُلِّ مَا كَانَ ، فَقَالَ لِوَلَدِهِ : تَرَىٰ فِى تَحْصِيلِ رِضَاهُمْ حِيلَةً لِمُحْتالٍ ؟ فَلاتَلْتَفِتْ إلَيْهِمْ وَ اشْتَغِلْ بِرِضَى اللهِ جَلَّ جَلالُهُ ، فَفِيهِ شُغْلُ شَاغِلٍ ، وَ سَعَادَةٌ وَ إقْبَالٌ فِى الدُّنْيَا وَ يَوْمِ الْحِسَابِ وَ السُّؤَالِ .

گفته شده که لقمان حکیم (ع) فرمود به فرزند خود در ضمن نصیحت و راهنمایی نمودن او: وابسته نکن دل خود را به رضایت مردم ، و خوشنود مباش به مدح و تعریف و تمجید ایشان ، و از بدگویی و خرده‌گیری بعضی از أفراد مغرض و یا ناآگاه ناراحت مباش ، زیرا : هیچ کس نمی‌تواند رضایت همه مردم را بدست بیاورد ، هر چند کوشش فراوان داشته باشد، برای آنکه یکنفر دوست است و تعریف و تمجید می‌کند و دیگری غیر دوست و بدگویی خواهد کرد .

فرزندش عرض کرد: ای پدر دوست می‌دارم که به من بنمایانی برای این مطلب مثالی را ؟ و یا عملاً به من نشان دهی ، و یا آنچنان بیان کنی که مطلب از هر جهت برای من واضح گردد .

حضرت لقمان (ع) فرمود : من و تو مسافرت می‌کنیم تا در طیّ سفر بر

تو واضح شود ، و هر دو نفر حرکت کردند و با خود حیوان سواری برداشتند، و حضرت لقمان (ع) سوار گردید و فرزندش بدنبال او راه می‌رفت تا رسیدند به گروهی از مردم، آنها (زبان به اعتراض گشودند و) گفتند: این پیرمرد سنگدل و بی‌رحم، سوار شده با اینکه نیرومندتر است در پیاده‌روی از کودك، و کودك ضعیف را بدنبال خود پیاده می‌برد، و این چه بد و زشت شیوه‌ای است که این مرد دارد!

حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرمود : شنیدی گفتار اینان را و اعتراض ایشان را بر سوار شدن من و پیاده روی خودت را ؟ عرض کرد : بلی شنیدم .

حضرت لقمان(ع) پیاده گشت و فرمود : تو سوار شو و من پیاده می‌آیم ، و فرزندش سوار شد و آن حضرت پیاده به راه خود ادامه دادند و به گروهی دیگر رسیدند ، آنها هم گفتند : چه بد پدری و چه بد پسری ، که پدر در تربیت فرزند کوتاهی کرده و أدب نیاموخته تا جاییکه به پدر احترام نمی‌کند و سوار شده و پدرش پیاده راه می‌رود ، با اینکه پدر شایسته تر است به احترام نمودن و سوار شدن ، و چنین پسری عاقّ پدر است بواسطه بی‌احترامی نمودن ، و در هر صورت هر دو نفر اینها بدرفتاری دارند .

حضرت لقمان (ع) فرمود : شنیدی سخنان و اعتراض این مردم را ؟ عرض کرد : آری ، آن حضرت فرمود : هر دو سوار می‌شویم ، و سوار شدند و به راه ادامه دادند و رسیدند به گروهی دیگر ، آنان هم گفتند : این دو نفر سخت دل و بی‌رحم هستند ، و آثار خیر بندگی خدایی ندارند ، زیرا : هر دو نفر سوار شده‌اند و کمر حیوان می‌شکنند ، و اگر یکی از این دو نفر به نوبت سوار می‌شد و آن دیگری پیاده می‌رفت از هر جهت صلاح و بهتر بود.

آن حضرت به فرزندش فرمود : شنیدی گفته اینها را ؟ عرض کرد : بلی ، فرمود: هر دو نفر پیاده می‌شویم و راه می‌رویم و حیوان را خالی راه می‌بریم ، و به

همان حال به راه رفتن ادامه دادند تا رسیدند به جمعی از مردم ، آنان هم گفتند : بسیار تعجّب است از این دو نفر ، با داشتن حیوان سواری بدون بار ، پیاده راه می‌روند و هیچکدام سوار نشده‌اند ، و زبان به ملامت گشودند هم چنانکه أفراد دیگر پیش از اینها ملامت کردند ! آن حضرت به فرزندش فرمود : هیچ راهی برای رضایت تمام مردم نیست ، بنابراین نباید هرگز در فکر رضایت و خشنودی و یا ناراحت از ملامت مردم بود ، بلکه همواره باید رضای خدا را در نظر داشت که در این کار سعادت دنیا و آخرت ، و موفّقیّت در هنگام پاسخ به پرسشها است در روز قیامت .

۲۷۰ـ بحارالأنوار(ص:۲،ج:۷۰)، أمالی الصّدوق(ص:۹۱)، وسائل الشّیعة(ص:۳۹۶،ج:۲۷)، لئالی‌الأخبار(ص:۱۵۳،ج:۲)، الصّدوق ، أبی، عن : علیّ بن محمّد بن قتیبة ، عن : حمدان بن سلیمان ، عن: نوح بن شعیب، عن: محمّد بن إسماعیل، عن: صالح، عَنْ : عَلْقَمَةَ قالَ : قُلْتُ لِلصّادِقِ عليه‌السلام :

يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ ؛ إنَّ النّاسَ يَنْسِبُونَنَا إلى عَظائِمِ الأُمُورِ ، وَ قَدْ ضَاقَتْ بِذَلِكَ صُدُورُنا ، فَقالَ عليه‌السلام : يا عَلْقَمَةُ ؛ إنَّ رِضَا النّاسِ لايُمْلَكُ ، وَ أَلْسِنَتُهُمْ لاتُضْبَطُ ، وَ كَيْفَ تَسْلِمُونَ مِمّا لَمْ يَسْلِمْ مِنْهُ أَنْبِيآءُ اللهِ وَ رُسُلُهُ وَ حُجَجُ اللهِ عليهم‌السلام .

أَلَمْ يَنْسِبُوا يُوسُفَ (ع) إلى أَنَّهُ هَمَّ بِالزِّنا ؟ أَلَمْ يَنْسِبُوا أَيُّوبَ (ع) إلى أَنَّهُ ابْتَلى بِذُنُوبِهِ ؟! أَلَمْ يَنْسِبُوا داوُدَ (ع) إلى أَنَّهُ تَبِعَ الطَّيرَ حَتَّى نَظَرَ إلى امْرَأَةِ أُورِيا فَهَوِيهَا ، وَ أَنَّهُ قَدَّمَ زَوْجَهَا أَمامَ التّابُوتِ حَتَّى قُتِلَ ، ثُمَّ تَزَوَّجَ بِهَا ؟! أَلَمْ يَنْسِبُوا مُوسَىٰ (ع) إلى أَنَّهُ عِنّينٌ وَ آذَوْهُ حَتَّى بَرَّأَهُ اللهُ مِمّا قالُوا ؟! وَ كانَ عِنْدَ اللهِ وَجِيهاً ، أَلَمْ يَنْسِبُوا جَمِيعَ أَنْبِياءِ اللهِ إلى أَنَّهُمْ سَحَرَةٌ طَلَبَةُ الدُّنْيا ؟! أَلَمْ يَنْسِبُوا مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرانَ عليهاالسلام إلى أَنَّها حَمَلَتْ بِعِيسَى مِنْ رَجُلٍ نَجّارٍ إسْمُهُ : يُوسُفُ ؟!

أَلَمْ يَنْسِبُوا نَبِيَّنا مُحَمَّداً صلى‌الله‌عليه‌وآله إلى أَنَّهُ شاعِرٌ مَجْنُونٌ ؟! أَلَمْ يَنْسِبُوهُ

إلى أنّهُ هَوَى إمْرَأةَ زَيْدِ بْنِ حارِثَةٍ فَلَمْ يَزَلْ بِهَا حتّىٰ اسْتَخْلَصَهَا لِنَفْسِهِ ؟! أَلَمْ يَنْسِبُوهُ يَوْمَ بَدْرٍ، إلى أنّهُ أخَذَ لِنَفْسِهِ مِنَ الْمَغْنَمِ قَطِيفَةَ حَمْرآءَ حتّىٰ أظْهَرَهُ اللهُ عزّوجلّ عَلَى الْقَطِيفَةِ و بَرَّأَ نَبِيَّهُ صلى الله عليه وآله وسلم مِنَ الْخِيانَةِ، و أنْزَلَ بذلِكَ في كِتابِهِ: ﴿وَ مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أنْ يَغُلَّ وَ مَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِما غَلَّ يَوْمَ الْقِيامَةِ﴾ (آل عمران/١٦١).

أَلَمْ يَنْسِبُوهُ إلى أنّهُ صلى الله عليه وآله وسلم يَنْطِقُ عَنِ الْهَوى في ابْنِ عَمِّهِ عَلِيٍّ عليه السلام حتّىٰ كَذَّبَهُمُ اللهُ عزّوجلّ، فَقالَ اللهُ تعالى: ﴿وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهوىٰ إنْ هُوَ إلاّ وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ (النّجم/٣).

أَلَمْ يَنْسِبُوهُ إلى الْكِذْبِ في قَوْلِهِ إنّهُ رَسُولٌ مِنَ اللهِ إلَيْهِمْ، حتّىٰ أنْزَلَ اللهُ عزّوجلّ عَلَيْهِ: ﴿وَ لَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلىٰ مَا كُذِّبُوا وَ أُوذُوا حتّىٰ أتيٰهُمْ نَصْرُنا﴾ (الأنعام/٣٤).

وَ لَقَدْ قالَ صلى الله عليه وآله وسلم يَوْماً: عُرِجَ بِيَ الْبارِحَةَ إلى السَّمآءِ، فَقِيلَ: وَ اللهِ ما فَارَقَ فِراشَهُ طُولَ لَيْلَتِهِ.

وَ ما قالُوا في الأوْصِيآءِ أكْثَرَ مِنْ ذلِكَ، أَلَمْ يَنْسِبُوا سَيِّدَ الأوْصِيآءِ (عليهم السلام) إلى أنّهُ كانَ يَطْلُبُ الدُّنْيا وَ الْمُلْكَ ؟! وَ أنّهُ كانَ يُؤْثِرُ الْفِتْنَةَ عَلَى السُّكُونِ ؟! وَ أنّهُ يَسْفِكُ دِمآءَ الْمُسْلِمينَ بِغَيْرِ حِلِّهَا ؟! وَ أنّهُ لَوْ كانَ فِيهِ خَيْرٌ ما أُمِرَ خالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ بِضَرْبِ عُنُقِهِ عليه السلام ؟! أَلَمْ يَنْسِبُوهُ إلىٰ أنّهُ عليه السلام أرادَ أنْ يَتَزَوَّجَ ابْنَةَ أبِي جَهْلٍ عَلىٰ فاطِمَةَ عليها السلام، وَ أنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم شَكاهُ عَلَى الْمِنْبَرِ إلَى الْمُسْلِمِينَ، فَقالَ صلى الله عليه وآله وسلم: إنَّ عَلِيّاً يُرِيدُ أنْ يَتَزَوَّجَ إبْنَةَ عَدُوِّ اللهِ عَلىٰ ابْنَةِ نَبِيِّ اللهِ ؟! ألا أنَّ فاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي، فَمَنْ آذاها فَقَدْ آذاني، وَ مَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي، وَ مَنْ غَاظَهَا فَقَدْ غَاظَنِي.

ثُمَّ قالَ الصّادِقُ عليه السلام: يا عَلْقَمَةُ؛ ما أعْجَبُ أقاوِيلَ النّاسِ في

عَلِیٌّ (ع) ؟! کَمْ بَینَ مَنْ یَقُولُ : إنَّه رَبٌّ مَعْبُودٌ ، وَ بَینَ مَنْ یَقُولُ : إنَّهُ عَبْدٌ عَاصٍ لِلْمَعْبُودِ ، وَ لَقَدْ کَانَ قَوْلُ مَنْ یَنْسِبُهُ إلَی الْعِصْیانِ أهْوَنَ عَلَیْهِ مِنْ قَوْلِ مَنْ یَنْسِبُهُ إلَی الرُّبُوبِیَّةِ .

علقمه گوید : به حضرت امام صادق (ع) عرض کردم : ای فرزند رسول خدا ؛ مردم (نادان غیر شیعه) درباره ما شیعیان سخنان نامربوط می‌گویند و نسبتهای ناروا می‌دهند ، تا جایی که ما ناراحت و تنگدل شده‌ایم .

آن حضرت (ع) فرمود : ای علقمه ؛ رضایت مردم چیزی نیست که پا برجا باشد ، چون زبان آنان استقامت در گفتار ندارد ، چگونه انتظار و توقّع داری که سالم بمانید ، از نسبتهای ناروای مردم با اینکه به پیغمبران مُرسَل و غیر مرسل و حجج الهی نسبتهای زشت و ناپسند داده‌اند و می‌دهند ، آیا نسبت نمی‌دهند به حضرت یوسف (ع) که تصمیم عمل نامشروع گرفت ؟! آیا نسبت نمی‌دهند به حضرت أیّوب(ع) که بسبب أنجام دادن گناه مبتلا به بیماری گردید ؟! آیا نسبت نمی‌دهند به حضرت داود (ع) که بدنبال پرنده رفت بالای دیوار و چشمش به همسر اوریا افتاد ، و چون زیباچهره بود علاقه‌مند به او شد ، مخصوصاً جنگی ترتیب داد و اوریا را به پیشاپیش لشکر قرار داد تا شهید شود ، و پس از شهادت او ، با همسرش ازدواج کرد و به کام دل رسید ؟! آیا به حضرت موسی(ع) نسبت عِنّین بودن را ندادند و حضرتش را أذیّت نکردند ، با آن همه عظمت و بزرگی که در پیشگاه خداوند داشت ، تا اینکه خداوند برطرف فرمود ، آیا به تمامی پیغمبران نسبت ساحر بودن و دنیاخواهی را ندادند؟! آیا به حضرت مریم نسبت ندادند که حضرت عیسی(ع) را بدنیا آورد (بواسطه عمل نامشروع) از مردی نجّار به نام : یوسف .

آیا نسبت ندادند به پیغمبر ما حضرت محمّد (ص) که : شاعر (هَجْوگو) و دیوانه است ؟! و نگفتند که آن حضرت عاشق همسر زید بن حارثه (پسرخوانده

خود) گردید و کوشش کرد تا او را بدست آورد، آیا تهمت نزدند در جنگ بدر و گفتند : پیغمبر قطیفه حمرآء که از جمله غنائم جنگی بوده برای خود برداشته؟! تا اینکه آیه شریفه (سوره آل عمران/۱۶۱) بر تبرئه آن حضرت نازل گردید .

آیا نسبت ندادند به آن حضرت که بواسطه دلبخواه خود دربـاره ولایـت حضرت علی‌‌علیه‌السلام سخن می‌گوید ، تا اینکه آیه شریفه وافی هدایه : « وَ ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلاّ وَحْيٌ يُوحَىٰ » نازل گردید .

آیا نسبت دروغگویی به پیغمبر ندادند و منکر رسالت او نشدند، تا اینکه آیه شریفه (سوره أنعام/۳۴) نازل گردید .

و روزی که آن حضرت فرمود : دیشب به آسمان و به معـراج رفتـم ، آن حضرت را دروغگو پنداشتند و گفتند: از منزل خود خارج نشده و ادّعای رفتن به آسمانها را دارد .

و آنچه را که درباره اوصیآء پیغمبر اسلام گفتند و می‌گویند بیش از اینـها است ، آیا نسبت ندادند به سیّد اوصیآء ، حضرت علی‌علیه‌السلام ، که آن حضرت دل‌بسـته به دنیا و ریاست و حکومت است ، و به همین جهت فتنه بپا می‌کند و با معاویـه می جنگد ، و خون مسلمانان را به ناحقّ می‌ریزد ، و گفتند : اگر حضرت علـی بن أبی‌طالب فکر و أندیشه خوب داشت نباید دستور داده شود (توسّط عثمان) به خالد بن ولید که او را به قتل برساند .

آیا نگفتند : که آن حضرت قصد ازدواج با دختر أبوجهل را دارد با اینکه حضرت فاطمه‌علیهاالسلام را دارد ، و گفتند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بالای منـبر از آن حضرت شکایت کرد پیش مردم و گفت : علی‌علیه‌السلام قصد ازدواج با دختر دشمن خدا را دارد، با اینکه دختر پیغمبر را دارد، و سپس گفت همه شما مردم مسلمان بدانید که: فاطمه‌علیهاالسلام پاره تن من است و هر که او را أذیّت کند مرا أذیّت نموده،

و هر که او را خوشنود کند مرا خوشحال نموده ، و هر که او را به خشم بیاورد مرا به خشم آورده .

سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود : ای علقمه ؛ چه بسیار جای تعجّب است گفتار مردم درباره حضرت علی علیه السلام که بعضی می‌گویند : خدا ، است ، و بعضی می‌گویند : بنده گناهکار است ، و گناه کسانی که می‌گویند : حضرت علی علیه السلام بنده گناهکار است کمتر است از گناه کسانی که آن حضرت را : خدا ، می‌دانند ، زیرا : خدا را جسم و دارای شکل می‌گویند .

۱۷۸) محبوب القلوب(ص:۶۰) :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ: یا بُنَیَّ؛ لاتَفْرَحْ بِطُولِ الْعافِیَةِ، وَ اکْتُمِ الْبَلْوی، فَإِنَّهُ کَنْزٌ مِنْ کُنُوزِ الْبِرِّ ، وَ اصْبِرْ عَلَیْها فَإِنَّ ذلِکَ ذُخْرٌ فِی الْمَعادِ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود می‌فرمود: ای پسرم؛ خوشحال مباش به طولانی بودن عافیت و دچار گرفتاری نشدن ، و اگر گرفتاری پیش آمد آن را پنهان کن، زیرا: پنهان کردن آن (از دوست و دشمن) گنجی است از گنجهای نیکوکاری ، و صبر کن بر همه گرفتاریها ؟ چون که أجر صبر ذخیره روز معاد و قیامت تو خواهد بود .

در دوران زندگی بشر امتحانات و گرفتاریهایی وجود دارد .

۱۷۹) إرشادالقلوب الدّیلمی(ص:۷۲،ج:۱)، إرشادالقلوب المترجم(ص:۱۶۶،ج:۱) :

فی وَصِیَّةِ لُقْمانَ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ لاتَفْرَحْ بِظُلْمِ أحَدٍ بَلِ احْزَنْ عَلیَ ظُلْمِ مَنْ ظَلَمْتَهُ .

یا بُنَیَّ؛ الظُّلْمُ ظُلُماتٌ ، وَ یَوْمُ الْقِیامَةِ حَسَراتٌ، وَ إذا دَعَتْکَ الْقُدْرَةُ عَلیٰ ظُلْمِ مَنْ هُوَ دُونَکَ فَاذْکُرْ قُدْرَةَ اللهِ عَلَیْکَ .

در سفارشهای حضرت لقمان (ع) به فرزندش این بوده که : ای پسرم ؛ خوشنود مباش بظلم کردن به دیگران ، بلکه أندوهناك باش همیشه از ظلمی که

به دیگری غوده‌ای .

ای پسرم ؛ ظلم سبب تاریکی‌های زندگی دنیایی است ، و در روز قیامت باعث حسرت و پشیمانی ، و هرگاه قدرت یافتی بر ظلم غودن به کسی که توانایـیش از تو کمتر است ، یادآور قدرت خدا را که بیشتر از قدرت تو است .

۱۸۰) الإختصاص(ص:۳۳۹)، القصص الجزائری(ص:۳۲۹)، بحارالأنوار(ص:۴۲۹،ج:۱۳) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ لا تُفْشِیَنَّ سِرَّکَ إِلیٰ امْرَأَتِکَ ، وَ لا تَجْعَلْ مَجْلِسَکَ عَلیٰ بَابِ دَارِکَ .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش می‌فرمود : فرزندم ؛ أسرار زندگی و رفت و آمد و داد و ستد و سرمایه خود را برای همسرت بیان نکن ، و مبـادا : محـلّ زندگی و نشست و برخواست خود را نزدیك درب خانه خود قرار دهی (زیرا : ممکن است به خسیس بودن متّهم شوی) .

آری ؛ زن اگر أسرار و رفت و آمد و داد و ستد شوهر را کاملاً بداند ، چـون توان نگهداری أسرار را ندارد برای زنان و مردان بازگو می‌کند ، و گاهی موجـب زحـمت و ضرر می‌شود ، بواسطه اطّلاع یافتن حسودان و دشمنان از أسـرار او ، و اگر بداند که شوهرش سرمایه و ثروت دارد ، هر روز خواسته‌هایی را دارد کـه گاهی در توان و یا صلاح دید شوهر نمی‌باشد ، و نتیجه : آشفتگی و اختـلاف در زندگی پدید می‌آید ، و اگر بداند که شوهرش سرمایه ندارد به او اعتنایی نخواهـد کرد ، و با دیده حقارت به او نگاه می‌کند ! و گاهی سرزنش می‌غاید و می‌گوید : فلان شخص عقل و هوش دارد و راه کسب را می‌داند و زندگی شـرافتمندانه و عالی دارد ، و تو از نظر فهم و درك ناتوان و از لحاظ عقل و هوش کسـری داری و مخصوصاً عقل معاش .

و در اسلام نه تنها اجازه داده نشده که بـه همسر خـود أسرار خـود را

بگوید ، بلکه : به دوستان خود نیز نباید تمام اسرار و قدر سرمایه و ثروت خود را بگوید ، همچنانکه نقل شده :

۲۷۱ـ تحف‌العقول (ص:۳۲۴)، بحارالأنوار(ص:۲۹۱،ج:۷۸)، قالَ الصّادِقُ عليه السلام فی وَصِيَّتِهِ لِأَبِیْ جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمانِ :

بحارالأنوار(ص:۱۷۷،ج:۷۴ و ص:۷۱ ،ج:۷۵ و ص:۲۹۱،ج:۷۸)، أمالی‌الصّدوق(ص:۵۳۲) ، وسائل الشّیعة(ص:۱۴۷،ج:۱۲)، روضة الواعظین(ص:۳۸۸،ج:۲)، مشکاة الأنوار(ص:۳۲۲)، تحف العقول(ص:۳۲۴) :

قالَ الصّادِقُ عليه السلام : لِبَعْضِ أَصْحابِهِ : لاتُطْلِعْ صَدِيقَكَ مِنْ سِرِّكَ إِلاّ عَلىٰ مَا لَوْ اطَّلَعَ عَلَيْهِ عَدُوُّكَ لَمْ يَضُرُّكَ ، فَإِنَّ الصَّدِيقَ قَدْ يَكُونُ عَدُوُّكَ يَوْماً مّا .

حضرت صادق عليه السلام فرموده : دوست خود را با اطّلاع نساز از أسرار زندگی و رفت و آمد و سرمایه خود، مگر بقدری که اگر بتوسّط دوست تو دشمنت باخبر شود باعث ضرر و خسارت تو نگردد ، زیرا : دوست گاهی دشمن می‌شود و از دانسته‌های خود بر ضرر و زیان تو اقدام می‌کند، و یا أسرار تو را به دشمنت می‌گوید .

۲۷۲ـ أمالی‌الطّوسی(ص:۳۷۴،ج:۱ و ص:۲۳۵،ج:۲)، تحف العقول(ص:۱۹۸)، الجعفریّات (ص:۳۸۲)، وسائل الشّیعة(ص:۴۴۰،ج:۸)، نهج البلاغة(ص:۵۲۲ ،ج:۱)، شرح نهج البلاغة(ص: ۱۱۰،ج:۱۶ و ص:۱۵۶،ج:۱۹)، کنز الفوائد(ص:۱۵۱)، بحارالانوار(ص:۳۷،ج:۸۷ و ص:۱۷۷ و ص: ۱۷۸،ج:۷۴)، بإسناده أخی دعبل، عَنِ : الرِّضا عليه السلام عَنْ : آبائِهِ عليهم السلام قالَ : قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام :

عن : المفید ، عن : إبراهیم بن الحسن بن جمهور ، عن : أبی بکر المفید الجرجرائیّ ، عن : أبی المعمّر أبی الدّنیا ، عَنْ : أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَنِ : النَّبِیِّ صلى الله عليه وآله وسلم :

نهج البلاغة(حکم:۲۶)، المحجّةالبیضاء(ص:۳۴۰،ج:۳)، صحیح التّرمذیّ(ص: ۱۶۲،ج:۸) :

عَنِ : الرَّسُولِ صلى الله عليه وآله : أحْبِبْ حَبيبَكَ هَوْناً مَّا ، فَعَسىٰ أنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْماً مَّا ، وَ أبْغِضْ بَغِيضَكَ هَوْناً مَّا ، فعَسَىٰ أنْ يَكُونَ حَبيبَكَ يَوْماً مَّا .

حضرت أميرالمؤمنين عليه السلام می‌فرموده : دوستی کن با دوست خود بطور ملایم و آرام (که تجاوز از حدّ دوستی نشود و تمام أسرار زندگی و رفت و آمد و سرمایه و ثروت و عقیده خود را بیان نکن)، زیرا : ممکن است یك روزی دشمن تو شود (و با اطّلاع از نقطه ضعف‌های تو موجب زیان می‌گردد) ، و با دشمن خود هم ملایم باش (و همه گونه سخنان زشت را به او نگو ، و دشمنی علنی و آشکار با او نکن) زیرا : یك زمانی (ممکن است) با تو دوست شود (و تو شرمنده رفتار و گفتار ناپسند خود می‌شوی) .

۱۸۱) قصص الأنبيآء(ص:۱۹۰)، مستدرك الوسائل(ص:۳۰۸،ج:۱۲)، بحارالأنوار(ص:۴۱۷، ج:۱۳)، الصّدوق، أبي، عن: سعد بن عبدالله، عن: ابن عيسى، عن: الحسين، عن: أخيه، عن: أبيه، عن: عمرو بن شمر، عن: جابر، عَنْ: أبي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ: كانَ فِيما وَعَظَ بِهِ لُقْمانُ (ع) إبْنَهُ :

الكافي(ص:۶۴۲ ،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۵۳۶ ،ج:۱۲)، شرح الكافي(ص:۸۹ ،ج:۱۱)، بحار الأنوار(ص:۴۲۶،ج:۱۳)، وسائل الشّيعة(ص:۳۱،ج:۱۲)، المحجّة البيضآء(ص:۳۱۲،ج:۳) ، عليّ بن إبراهيم ، عن : أبيه، عن : بعض أصحابه ، عن : إبراهيم بن أبي البلاد ، عمّن ذكره ، قال :

قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ لاتَقْتَرِبْ فَتَكُونَ أبْعَدَ لَكَ وَ لاتَبْعَدْ فَتُهانَ، كُلُّ دَابَّةٍ تُحِبُّ مِثْلَهَا ، وَ إنَّ ابْنَ آدَمَ يُحِبُّ مِثْلَهُ، وَ لاتَنْشُرْ بَزَّكَ إلاّ عِنْدَ بَاغِيهِ ، وَ كَمَا لَيْسَ بَيْنَ الذِّئْبِ وَ الْكَبْشِ خُلَّةٌ ، كَذَلِكَ لَيْسَ بَيْنَ الْبَارِّ وَ الْفَاجِرِ خُلَّةٌ ، مَنْ يَقْتَرِبْ مِنَ الزَّفْتِ يَعْلَقُ بِهِ بَعْضُهُ ، كَذَلِكَ مَنْ يُشَارِكُ الْفَاجِرَ يَتَعَلَّمُ مِنْ طُرُقِهِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش درباره معاشرت با دیگران می‌فرمود : فرزندم ؛ بسیار به همه مردم نزدیك نباش به حدّی که مخلوط و معاشرت نزدیك

با آنها داشته باشی، زیرا: باعث رنجش تو خواهد بود و (به مناسبتهایی که پیش می‌آید) از دل آنها دور خواهی شد ، و خود را هم از مردم به کلّی دور منما ، چون کسی که از مردم دور باشد با مشکلات روبرو خواهد شد و کسی به فریادش نرسد ، و (باید سعی کنی با أفراد نیك معاشر باشی ، زیرا :) هر موجودی همانند خود را دوست می‌دارد ، و اینچنین هستند فرزندان آدم که هر کس همانند خود را دوست بدارد (چون : اجتماعی و مدنی الطّبع است) ،

کبوتر با کبوتر باز با باز　　　کند همجنس با همجنس پرواز

و مبادا آنچه سرمایه (علمی و ثروتی) داری آشکار کنی در همه جا و نزد همه کس، مگر برای کسی که خواهان آن باشد ، (فرزندم ؛) همچنانکه بین گرگ و گوسفند آشتی و دوستی ممکن نیست ، همچنین بین نیکوکار و بدکار دوستی نخواهد بود (فرزندم ؛ از مردمان بدکردار و بدگفتار دوری کن ؟ زیرا :) هر کس به موادّ چسبنده نزدیك شود خواه ناخواه به بدن و یا لباس او می‌چسبد ، همچنین کسی که با أفراد ناأهل بدکردار و بدگفتار نزدیك شود ، راه بد و زشت آنها را یاد خواهد گرفت و ناخودآگاه مرتکب خواهد شد .

۱۸۲) إرشاد القلوب الدّيلمي(ص:۷۲،ج:۱)، إرشاد القلوب المترجم(ص:۱۶۷،ج:۱)، إثنی عشريّة (ص:۲۵) :

فِی وَصِیَّةِ لُقْمانَ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ لا تَقُلْ مَا لَمْ تَعْلَمْ .

در یکی از سفارشهای حضرت لقمان (ع) به فرزندش این بوده که : ای پسرم ؛ هیچگاه نگو و اظهار نظر نکن درباره چیزی تا زمانی که اطّلاع کامل از آن نداری .

در اسلام شدیداً نهی شده از این که کسی دخالت کند و یا اظهار نظر نماید در مطلب و موضوعی که آگاهی کامل از تمام جهات آن ندارد ، خواه دینی باشد

و یا دنیایی ، و علمی‌باشد و یا فنّی ، که اگر دخالت کرد و بدون داشتن اطّلاع کامل ، چیزی را گفت و یا أنجام داد و به کسی ضرر وارد آمد ، ضامن است ، و باید جبران کند و خسارت آن را بپردازد ، به همین مناسبت در جواب دادن مسائل شرعیّ ، بنّا و معمار در ساختمان و یا دکتر در معالجه بیمار زیان وارد کردند ضامن هستند « **الطَّبِيبُ ضَامِنٌ وَ لَوْ كانَ حَاذِقاً** » دکتر ضامن است در ضرر زدن و اشتباه معالجه کردن و دارو تجویز نمودن ، هر چند حاذق و ماهر باشد .

و تأیید می‌کند فرمایش حضرت لقمان (ع) را بیان شریف حضرت أمیر المؤمنین عليه السلام که فرموده :

۲۷۳ـ روضة الواعظين (ص:۴۶۹)، الإختصاص(ص:۲۳۱)، بحار الأنوار(ص:۱۰۲،ج:۲ و ص:۲۸۶ و ص:۲۹۱،ج:۷۱ و ص:۲۰۵،ج:۷۷ وص:۵۰،ج:۹۶)، نهج البلاغة(حكم:۳۷۴)، شرح نهج البلاغة(ص:۳۲۳،ج:۱۹)، غرر الحكم(ص:۲۱۰)، من لا يحضر(ص:۶۲۴ ،ج:۲)، تحف العقول(ص:۷۲) :

قالَ عَلِيٌّ عليه السلام : . . . لاتَقُلْ مَا لاتَعْلَمُ بَلْ لاتَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ ، فَإِنَّ اللهَ تعالى قَدْ فَرَضَ عَلَى جَوَارِحِكَ كُلِّهَا فَرائِضَ يَحْتَجُّ بهَا عَلَيْكَ يَوْمَ الْقِيامَةِ . . .

حضرت علی عليه السلام فرموده : نگو و اظهار نظر و رأی منما درباره هر چیزی که از آن بی خبری ، بلکه بازگو نکن تمام آنچه را که می‌دانی (چه بسا برای خود و یا دیگری زیان داشته باشد) ، زیرا : خدای تعالى واجب فرموده بر هر یك از أعضای بدنت واجبی را که در قیامت از تو بازخواست خواهد کرد و تو باید جوابگو باشی .

۲۷۴ـ الكافي(ص:۴۳،ج:۱)، مرآة العقول(ص:۱۳۸،ج:۱)، شرح الكافي(ص:۱۴۸،ج:۲)، أمالي الصّدوق(ص:۳۴۳)، وسائل الشيعة(ص:۲۳ و ص:۱۶۳،ج:۲۷)، روضة الواعظين(ص:۴۶۸، ج:۲)، مشكاة الأنوار(ص:۱۷۳)، منية المريد(ص:۲۱۵)، المحجّة البيضاء(ص:۱۴۷،ج:۱)، بحار الأنوار (ص:۱۱۳،ج:۲)، الحسين بن محمّد ، عن : معلّى بن محمّد ، عن : عليّ بن أسباط ، عن : جعفر بن

سماعة ، عن : غیر واحد ، عن : أبان ، عن : زرارة قال :

سأَلْتُ أَبا جَعْفَر عليه السلام : مَا حَقُّ اللهِ عَلَى الْعِبَادِ ؟ قَالَ : أَنْ يَقُولُوا مَا يَعْلَمُونَ ، وَ يَقِفُوا عِنْدَ مَا لايَعْلَمُونَ .

زراره می‌گفت از حضرت امام محمّد باقر عليه السلام پرسیدم : حقّ خدا بر بندگـانش چیست و چقدر است؟ (که باید انجام دهند و مورد بازخواست خواهند بود) فرمود : اینکه بگویند آنچه را که می دانند ، و توقّف کنند و نگویند آنچه را که نمی دانند و یا اطّلاع کامل ندارند .

۱۸۳) تنبیه الخواطر(ص:۲۶)، بحارالأنوار(ص:۴۲۶،ج:۱۳ و ص:۲۰۵،ج:۷۷) :

قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : لَإِنْ يَضْرِبَكَ الْحَكِيمُ فَيُؤْذِيكَ خَـيْرٌ مِـنْ أَنْ يُدْهِنَكَ الْجَاهِلُ بِدُهْنٍ طِيْب .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود می‌فرمود: فرزندم؛ اگر تو را مرد دانایی و هوشیار و آشنا به وضع زمان بزند بطوری که باعث أذیّت و آزار و نـاراحتی جسمی تو شود، بهتر است از اینکه شخص نادانی با بهترین عطرهای معطّر ، تو را خوشبو سازد .

آری ؛ أفراد هوشیار و دانا و دلسوز برای برطرف شدن عیـوب دیگـران تذکّر می‌دهند، و ممکن است گفتار آنان برای ما سنگین باشد، و بواسطه جهالت ناراحت شویم ، ولیکن باید دانست که این صد درصد بهتر است برای ما از اینکـه نادانی عیوب ما را ببیند و برای خاطر دلسوز نبودن به ما تذکّر ندهد ، بلکه برخلاف : سخنان شیرین و جذّاب و خنده‌آور بگوید و ما را بخندانـد و از عیـوب غـافل نماید ، و به همین منظور بوده که فرموده :

۲۷۵ـ المحجّة البیضاء(ص:۱۳۳،ج:۱)، السّعادة الأبدیّة(ص:۲۹)، غرر الحکم(ص:۵۵۷،ج:۲) :

الإختصاص(ص:۲۴۰)، الکافی(ص:۶۳۹ ،ج:۲)، مرآة العقـول (ص:۵۳۲ ،ج:۱۲)، شـرح‌الکافی

(ص:۸۳،ج:۱۱)، تحف العقول(ص:۳۸۵)، وسائل الشّیعة(ص:۲۵، ج:۱۲)، مستدرک الوسائل(ص:۳۲۹، ج:۸)، بحارالأنوار(ص:۲۸۲،ج:۷۴ و ص: ۲۴۹،ج:۷۸)، عدّة من أصحابنا، عن: أحمد بن محمّد:

رَفَعَهُ إلى أبي‌عَبْدِ اللهِ عليه السلام قالَ: أَحَبُّ إِخْوانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدیٰ إِلَيَّ عُيُوبِي.

حضرت صادق عليه السلام فرمودند: دوست‌ترین برادرانم پیش من کسی است که عیبها و نواقص أخلاقی مرا (خیرخواهانه) به من هدیه و (در پنهانی) یادآوری کند.

۱۸۴) الإختصاص(ص: ۳۳۸)، بحارالأنوار(ص:۴۲۹،ج:۱۳)، عن: الأوزاعيّ:

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ: يابُنَيَّ؛ لاتُكَالِبْ (عَلَى) النّاسِ فَيَمْقُتُوكَ، وَ لا تَكُنْ مُهيناً فَيُذِلُّوكَ، وَ لا تَكُنْ حُلْواً فَيَأْكُلُوكَ (فَتُبْلَعَ ـ خ ل)، وَ لا تَكُنْ مُرّاً فَيَلْفُضُوكَ.

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده: پسرم؛ جنگ و ستیز مکن با مردم که اگر چنین کنی با تو دشمنی، و سرکوب می‌کنند تو را، و آنچنان سست نباشی که تو را ذلیل نمایند، و آنچنان شیرین (و نرم و تسلیم) مباش که تو را بخورند، و آنچنان تلخ (و بدأخلاق و خشن) مباش که تو را از خود برانند.

تأیید می‌کند نصیحت حضرت لقمان (ع) را بیان شریف و رهنمود دهنده مولای متقیان حضرت أمیرالمؤمنین علی عليه السلام که فرموده:

۲۷۶ـ نهج البلاغة(حکم:۱)، شرح نهج البلاغة(ص:۱۴۶،ج:۹ و ص:۸۲،ج:۱۸)، بحار الأنوار(ص:۴۰۸،ج:۶۹)، غررالحکم (ص:۴۶۴،ج:۱ و ص:۶۰۷،ج:۴):

وَ قالَ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّبُونِ، لاظَهْرٌ فَيُرْكَبَ، وَ لاضَرْعٌ فَيُحْلَبَ.

حضرت علی عليه السلام فرموده: در حوادث و پیش‌آمدها و فتنه‌ها و مشکلات

زندگی عمومی مردم همانند کرّه شتر باش که نه توان بار بردن دارد تا بر پشت آن بار نهند و سوار شوند ، و نه شیر می‌دهد که از آن شیر بدوشند (که باید رفتار تو نوعی باشد که فتنه جویان و فرصت‌طلبها در جان و سرمایه و موقعیّت و نفوذ کلام تو طمع نکنند) .

۱۸۵) إرشاد القلوب الدّیلمی(ص:۷۱،ج:۱)، إرشاد القلوب المترجم(ص:۱۶۵،ج:۱)، إثنی عشریّة (ص:۲۵)، بحارالأنوار(ص:۴۲۶،ج:۱۳)، تنبیه الخواطر (ص:۲۳۰) :

فی وَصیَّةِ لُقْمانَ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ لاتَمْنَعِ الْمَعْرُوفَ فَإِنَّهُ ذَخیرَةٌ لَکَ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ .

حضرت لقمان (ع) در ضمن نصیحت به فرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ از کارهای خیر جلوگیری و از خدمت به دیگران کوتاهی نکن (و عملی را مرتکب مباش که باعث مانع شدن کارهای نیک بشود) زیرا : ذخیره تو است برای پیشرفت کارهای دنیایی تو و آمرزش گناهانت در آخرت .

۲۷۷ـ تحف العقول (ص:۳۰۴)، بحارالأنوار(ص:۴۱۹،ج:۷۴ و ص:۱۷۴،ج:۷۸)، الزّهد (ص: ۳۲)، الکافی(ص: ۲۵،ج:۴)، مرآة العقول(ص:۱۵۲،ج:۱۶)، عن : محمّد بن یحیی ، عن : أحمد بن محمّد بن عیسی ، عن : الحسن بن محبوب ، عن : داود الرّقّیّ ، عن : أبی حمزة الثّمالیّ (ثابت بن دینار) قال :

قالَ الْباقِرُ (علیه السلام) : إنَّ اللهَ جَعَلَ لِلْمَعْرُوفِ أهْلاً مِنْ خَلْقِهِ، حَبَّبَ إلَیْهِمُ الْمَعْرُوفَ، وَ حَبَّبَ إلَیْهِمْ فِعالَهُ ، وَ وَجَّهَ طُلّابَ الْمَعْرُوفِ إلَیْهِمْ ، وَ یَسَّرَ لَهُمْ قَضاءَهُ کَما یَسَّرَ لِلْغَیْثِ لِلْأرْضِ الْمُجْدِبَةِ لِیُحْیِیَها وَ یُحْیِیَ بِهِ أهْلَها وَ أنَّ اللهَ (جلّ جلاله) جَعَلَ لِلْمَعْرُوفِ أعْداءً مِنْ خَلْقِهِ بَغَّضَ إلَیْهِمُ الْمَعْرُوفَ وَ بَغَّضَ إلَیْهِمْ فِعالَهُ، وَ حَظَرَ عَلی طُلّابِ الْمَعْرُوفِ التَّوَجُّهَ إلَیْهِمْ ، وَ حَظَرَ عَلَیْهِمْ قَضاءَهُ کَما یَحْظُرُ الْغَیْثُ عَنِ الْأرْضِ الْمُجْدِبَةِ لِیُهْلِکَها وَ یُهْلِکَ أهْلَها، وَ ما یَعْفُوَ اللهُ عَنْهُ أکْثَرُ .

حضرت امام محمّد باقر (علیه السلام) می‌فرمود : همانا ؛ قرار داده خداوند برای

کارهای خیر مردمی را ، که کارهای خیر را دوست می‌دارند، و خوش دارند که خود و دیگران أنجام دهند ، و توجّه خواهندگان را به طرف آنان می‌فرماید ، و ایشان خُرسند و بانشاط و شاداب می‌گردند از أنجام دادن آن، همچنانکه شاداب و خرّم می‌شود زمین و أهالی ساکن در آن از باران .

و خداوند قرار داده مردمی را (بواسطه گناه کردن و نداشتن لیاقت) دشمن کارهای خیر و پسندیده، بطوری که خوش ندارند أنجام دادن کارهای خیر را، و خوش ندارند که به دست دیگران هم أنجام شود، تا جایی که نیازمندان به طرف آنها نمی‌روند، و اگر بروند عنایتی نخواهند داشت ، و آنان را با خشونت از خود دور می‌کنند ، همچنانکه باران سیل‌آور زمین و ساکنان در آن را با نهایت خشونت می‌راند و هلاك می‌سازد ، و بخشش خداوند در این‌باره فراوان است (اگر کسی روی به او آورد) .

۲۷۸ـ بحارالأنوار(ص:۴۳،ج:۷۵)، الإختصاص(ص:۲۴۱)، المحجةالبيضاء(ص:۹۱،ج:۲)، من لايحضر(ص:۵۷،ج:۲)، روضة المتّقين(ص:۱۷۷،ج:۳)، وسائل‌الشيعة(ص:۳۰۹،ج:۱۶)، مستدرك الوسائل (ص:۳۵۹،ج:۱۲)، الكافي(ص:۳۳، ج:۴)، مرآة العقول(ص:۱۶۱،ج:۱۶)، عدّة من أصحابنا ، عن : أحمد بن محمّد بن عيسى ، عن : أبي جعفر البغداديّ ، عمّن : رواه قال :

قالَ الصّادقُ عليه السلام : لَعَنَ اللهُ قَاطِعِي سَبيْلِ الْمَعْرُوفِ ، قِيلَ : وَ مَا قَاطِعُوا سَبيلِ الْمَعْرُوْفِ ؟ قَالَ : الرَّجُلُ يُصْنَعُ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ فَيَكْفُرُهُ، فَيَمْتَنِعُ صَاحِبُهُ مِنْ أَنْ يَصْنَعَ ذَلِكَ إِلىٰ غَيْرِهِ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : خدا لعن و دور از رحمت خود فرموده قطع کنندگان راه خیر را ، گفته شد : قطع کنندگان راه خیر چه کسانی هستند ؟ فرمود : کسی که به او کمك (فکری و یا مالی) شود و او کفران نعمت کند و سپاسگویی و تشکّر ننماید ، و سبب شود که أنجام دهنده پشیمان گردد به حدّی

که برای دیگری هم أنجام ندهد .

۲۷۹ـ بحارالأنوار(ص:۱۵۴،ج:۷۷)، السّنن النّسائی۳(ص:۸۲ ،ج:۵)، وسائل الشّیعة(ص: ۳۰۷،ج:۱۶)، مستدرك الوسائل(ص:۳۵۴ و ص:۳۵۷،ج:۱۲)، المسند لأبي داود(ص:)، الزّهد (ص:۳۱)، المحجةالبیضاء (ص:۱۰۲ و ص :۱۱۶،ج:۲) :

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم : مَنْ أَسْدىٰ (صَنَعَ ـ آتیٰ) إِلَيْكُمْ مَعْرُوفاً فَكَافِئُوهُ ، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا فَاثْنُوا عَلَيْهِ بِهِ خَيْراً، وَ ادْعُوا لَهُ حَتَّى تَعْلَمُوا أَنَّكُمْ قَدْ كَافَأْتُمُوهُ .

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم می‌فرموده : کسی که برای شما کار خیری و کمکی أنجام داد و یا نصیحت و رهنمود و کمك فکری کرد ، باید شما جبران خدمات او را بنمایید ، و اگر ناتوان بودید و نمی‌توانید جبران نمایید ، برای او دعا کنید ، بقدری که خود بدانید جبران نموده‌اید .

۲۸۰ـ الکافی(ص:۳۳،ج:۴)، مرآة العقول(ص:۱۶۱،ج:۱۶)، بحارالأنوار(ص:۴۷،ج:۷۱)، وسائل الشّیعة(ص:۲۹۳،ج:۱۲)، مستدرك الوسائل(ص:۳۵۴ و ص:۳۵۵ و ص:۳۵۷،ج:۱۲)، دعائم الإسلام(ص:۳۲۱،ج:۲)، تنبیه الخواطر(ص:۱۷۰،ج:۲)، من لایحضر(ص:۵۷،ج:۲)، وسائل الشّیعة (ص:۳۰۹،ج:۱۶)، عليّ بن إبراهیم ، عن : أبیه ، عن : النّوفليّ ، عن : السّكونيّ ، عن : أَبي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قالَ : قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم :

أمالي الطّوسي۲(ص:۲۳۸،ج:۱)، الطّوسيّ ، عن : أبیه ، عن : محمّد بن محمّد ، عن : جعفر بن محمّد ، عن : محمّد بن همام، عن: حمید بن زیاد، عن: إبراهیم بن عبیدالله، عن: الرّبیع ، عن: السّكونيّ :

عَنْ : أَبي عَبْدِاللهِ عليه السلام قالَ : قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم : مَنْ أُتِيَ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفَ فَلْيُكافِئْ بِهِ، فَإِنْ عَجَزَ فَلْيُثْنِ عَلَيْهِ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَقَدْ كَفَرَ النِّعْمَةَ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرموده : هر که به او خدمتی و کمکی شد (خواه فکری باشد و یا مالی) باید تلافی و جبران کند ،

و اگر ناتوان است با زبان تشکّر فراوان بنماید ، زیرا : اگر أنجـام ندهـد کفـران نعمت کرده و ناسپاسی نموده .

۲۸۱ـ وسائل الشّیعة(ص:۳۱۳،ج:۱۶)، صحیح‌التّرمذیّ(ص: ۱۳۳،ج:۸)، المسندأحمـد(ص: ۲۵۲،ج:۲)، المسند لأبي داود(ص:۵۵۵ ،ج:۲)، کما في المحجّة البیضاء(ص:۱۰۲ و ص:۱۱۶،ج:۲)،

قالَ رَسُولُ اللهِ صلّی الله علیه و آله و سلّم : مَنْ لَمْ یَشْکُرِ النّاسَ لَمْ یَشْکُرِ اللهَ .

رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم فرموده : کسی که تشــکّر از مـردم نکنـد در مقـابل کارهای خیر آنان ، از خدای عزّوجلّ هم تشکّر نکرده .

۲۸۲ـ نهج البلاغة (حِکَم : ۱۹۵) ، شـرح نهـج البلاغـة(ص:۲۴،ج:۱۹) بحـارالأنوار(ص: ۴۱۷،ج:۷۴)، غرر الحکم(ص:۳۸۹،ج:۱)، وسائل الشّیعة(ص :۳۰۱،ج:۱۶) :

قالَ عَلِیٌّ علیه السّلام : لا یُزْهِدَنَّكَ فِي الْمَعْرُوفِ مَنْ لا یَشْکُرُهُ لَـكَ ، فَقَـدْ یَشْکُرُكَ عَلَیْهِ مَنْ لایَسْتَمْتِعُ بِشَيْءٍ مِنْهُ ، وَ قَدْ تُدْرِكُ مِنْ شُکْرِ الشّاکِرِ أَکْثَرَ مِمّا أَضاعَ الْکافِرُ ، وَ اللهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ .

حضرت أمیرالمؤمنین علیه السّلام فرموده : تو را در أنجام دادن احسان و نیکی به دیگران، سست و بی‌رغبت ننماید اگر کسی سپاسگزاری نکرد (بسبب جهل و یا غفلت) احسان و خدمت‌ها و کمکهای تو را، زیرا: بر آنها سپاسگزاری می‌کند و پاداش می‌دهد آن (خدایی) که از خدمات و نیکی‌های تو بهره نبرده و نمی‌برد ، و تو از سپاس سپاسگزاری (خداوند) بیشتر از آنچه که کفران کننده باید أنجام دهد ، بهره و نتیجه خواهی داشت ، برای آنکه : خداوند نیکوکـاران را دوسـت می‌دارد (و به همین جهت أجر کار نیکوکاران را هیچگاه ضایع نمی‌کند) .

۱۸۶) إثنی عشریّة(ص:۲۵) :

و من وصایاه لِابْنِهِ : یا بُنَيَّ ؛ لاتُهِنْ مَنْ أَطاعَ اللهَ عزّوجلّ وَ لاتُکْرِمْ مَنْ عَصَی اللهَ عزّوجلّ .

از جمله وصیّت و نصیحتهای حضرت لقمان (ع) به فرزندش این بوده : پسرم؛ اهانت و تحقیر و استهزاء نکن کسی را که فرمان خدا را می‌برد، و احترام نکن کسی را که نافرمانی خدا را از روی عمد می‌نماید .

یکی از شیوه‌های ناپسند انسانی اهانت و تحقیر نمودن ، به کسانی است که اطاعت دستورات خدا را در هر جهت می‌نمایند ، خواه بشناسیم آنها را یا نشناسیم ، و در بین جامعه معروف باشند و یا نباشند ، و زشت‌تر از آن احترام کردن أفراد آلوده به گناه است ، در هر موقعیّت و پست و مقام که باشند .

۱۸۷) إحیاء العلوم(ص: ،ج:)، المحجّة البیضاء(ص:۱۵۱،ج:۱) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ لا یُسْتَطَاعُ الْعَمَلُ إلاّ بِالْیَقِینِ وَ لایَعْمَلُ الْمَرْءُ إلاّ بِقَدْرِ یَقِینِهِ ، وَ لا یُقَصِّرُ عَامِلٌ حَتّی یَنْقُصَ یَقِینُهُ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم؛ استطاعت و توانایی و همّت عمل ندارد کسی مگر بسبب داشتن یقین و هدف ، به همین جهت عمل نمی‌کند کسی مگر بقدر یقینی که به درستی هدف خود دارد ، و کوتاهی نمی‌نماید کسی از فعّالیّت مگر آنکه ناقص و ضعیف است یقین و هدف او .

۱۸۸) الإختصاص(ص:۳۴۰)، بحارالأنوار(ص:۴۳۱،ج:۱۳)، عن: الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ لایُعْجِبْكَ إحْسَانُكَ ، وَ لاتَتَعَظَّمَنَّ بِعَمَلِكَ الصّالِحِ فَتُهْلَكَ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده : فرزندم ؛ تو را به عُجب و تکبّر و خودپسندی نیاورد کارهای نیك که أنجام داده‌ای، و خود را بزرگ و باعظمت مپندار بسبب أنجام دادن کارهای پسندیده ، زیرا : بواسطه عُجب و ریا هلاك خواهی شد (و أجر تو ضایع می‌گردد) .

۱۸۹) الإختصاص(ص:۳۴۰)، بحارالأنوار(ص:۴۳۰،ج:۱۳)، عن: الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ؛ لایَغُرَّنَّكَ خَبیثُ اللِّسانِ، فَإِنَّهُ یَخْتِمُ عَلیٰ قَلْبِهِ وَ تَتَکَلَّمُ جَوارِحُهُ وَ تَشْهَدُ عَلَیْهِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده: ای فرزندم؛ فریب ندهد زیبایی گفتار بدزبان، زیرا : در أثر کج‌أندیشی و انحراف فکری به دل او مهر زده شده ، و أعضای بدن او به سخن می‌آیند و در قیامت شهادت بر ضرر و بر أعمال و گفتار او می‌دهند .

بعضی از أفراد منحرف از حقّ و حقیقت زیبا و خوب سخن می‌گویند و با جمله بندیهای عالی و با نثرهای مسجّل تکلّم می‌کنند ، نه آنکه سخن زیبا و خوب بگویند .

۲۸۳ـ بحارالأنوار(ص:۱۰۶،ج:۲)، روضة الواعظین(ص:۶ ،ج:۱)، أعلام الدّین(ص:۹۴)، الخصال(ص:۶۹)، أحمد بن هارون القامیّ ، عن : محمّد بن جعفر بن بطّة ، عن : أحمد بن أبی عبد الله البرقیّ ، عن : أبیه ، بإسناده یرفعه : إلیٰ أمیرالمُؤمنینَ علیه السلام أنَّهُ قالَ :

قَطَعَ ظَهْری رَجُلانِ مِنَ الدُّنیا : رَجُلٌ عَلیمُ اللِّسانِ فاسِقٌ ، وَ رَجُلٌ جاهِلُ الْقَلْبِ ناسِكٌ ، هَذا یَصُدُّ بِلِسانه عَنْ فِسْقِهِ ، وَ هَذا بِنُسُکِهِ عَنْ جَهْلِهِ ، فَاتَّقُوا الْفاسِقَ مِنَ الْعُلَماءِ وَ الْجاهِلَ مِنَ الْمُتَعَبِّدینَ ، أُولئِكَ فِتْنَةُ کُلِّ مَفْتُونٍ ، فَإِنّی سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ : یا عَلِیُّ ؛ هَلاكُ أُمَّتی عَلیٰ یَدَیْ کُلِّ مُنافِقٍ عَلیمِ اللِّسانِ .

حضرت أمیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود : می‌شکنند کمر مرا دو نفر در دنیا ، أوّل : دانشمند زیباسخنگوی فاسق ، دوّم : مرد جاهل عبادت کننده بی‌اطّلاع از مسائل و مبانی دینی ، که دانشمند فاسق بواسطه داشتن فسق و زیباسخن گفتن ، مردم را از راه صحیح و مستقیم منحرف می‌کند و فریب می‌دهد ، و عابد جاهل بواسطه جهل ، مردم را گمراه می‌سازد ، بنابراین : سخت بترسید و پرهیز کنید از (شرکت در جلسات سخنرانی و کتابهای) دانشمند فاسق ، و (دوری کنید)

از جاهل عبادت کننده ، زیرا : این دو نفر باعث فتنه و فساد و گمراهی مردم بی‌اطّلاع و ساده‌لوح می‌شوند ، و من شنیدم از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که خطاب به من می‌فرمود : یا علیّ ؛ هلاکت و بدبختی و گمراهی امّت من بدست منافق زیبا سخنگو (که با کلمات فریبنده و زیبا ، و ایجاد شبهه) انجام می‌شود .

۱۹۰) إرشاد القلوب الدّیلمیّ(ص:۷۱،ج:۱)،إرشادالقلوب الدّیلمیّ المترجم(ص:۱۶۴،ج:۱) :

فِي وَصِيَّةِ لُقْمانَ (ع) لِابْنِهِ بِعُلُومٍ وَ حِكْمَةٍ بَلِيغَةٍ قالَ: يابُنَيَّ؛ لايَكُنِ الدِّيكُ أَكْيَسَ مِنْكَ وَ أَكْثَرَ مُحافِظَةً عَلَى الصَّلاةِ ، أَلا تَراهُ عِنْدَ كُلِّ صَلاةٍ يُؤَذِّنُ لَهَا وَ بِالْأَسْحَارِ يُعْلِنُ بِصَوْتِهِ وَ أَنْتَ نَائِمٌ .

از جمله سفارشها و راهنماییهای حضرت لقمان (ع) برای فرزندش به علوم و دانش و حکمتهای بلیغ این بوده که فرموده : فرزندم ؛ مبادا خروس زیرک‌تر و هوشیارتر از تو باشد ، و بیشتر از تو مواظب وقت نماز باشد ، آیا نمی‌بینی که وقت هر نمازی که أذان گفته می‌شود ، و هنگام سحر شب با صدای بلند بانگ می‌زند ، در حالی که تو در خواب هستی .

تأیید می‌کند سفارش حضرت لقمان (ع) را بیان وجود مقدّس حضرت کاظم علیه‌السلام که فرمود : پدرم در هنگام از دنیا رفتن فرموده :

۲۸۴ـ من لایحضر(ص:۲۰۶،ج:۱)، روضة المتّقین(ص:۲۹۷،ج:۹)، الکافی(ص:۲۷۰،ج:۳)، مرآة العقول(ص:۱۸،ج:۱۵)، بحارالأنوار(ص:۷،ج:۴۷)، محمّد بن یحیی ، عن : أحمد بن محمّد ، عن : محمّد بن إسماعیل ، عن : أبی إسماعیل السّرّاج ، عن : إبن مسکان ، عن : أبی بصیر قال :

قالَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه‌السلام إِنَّهُ لَمَّا حَضَرَ أَبِيَ الْوَفاةَ قالَ لِيْ : يا بُنَيَّ ؛ إِنَّهُ لايَنالُ شَفاعَتَنا مَنِ اسْتَخَفَّ بِالصَّلاةِ .

حضرت کاظم علیه‌السلام فرمود : پدرم حضرت صادق علیه‌السلام هنگام از دنیا رفتن فرمود : به شفاعت ما أهل بیت نمی‌رسد کسی که نماز را سبك بشمارد و أهمیّت ندهد .

۲۸۵ـ التهذيب(ص:۲۳۹،ج:۲)، المحاسن(ص:۷۹)، بحارالأنوار(ص:۸۵ ،ج:۱۰۰)، عن : الحسن بن عليّ بن فضّال ، عن: عبد الله بن بكير، عن: زرارة، عَنْ : أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام إنّه قالَ :

. . . الكافي(ص:۲۶۸،ج:۳)، لئالي الأخبار(ص:۴۵،ج:۴)، مرآة العقول(ص:۱۴،ج:۱۵)، عليّ بن إبراهيم ، عن : أبيه ، عن : إبن أبي عمير ، عن : عمر بن أذينة ، عن : زرارة :

عَنْ : أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ : بَيْنا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله جالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ، فَقامَ يُصَلِّي فَلَمْ يَتِمَّ رُكُوعَهُ وَ لا سُجُودَهُ ، فَقالَ صلى الله عليه وآله : نَقَرَ كَنَقْرِ الْغُرابِ ، لَئِنْ ماتَ هَذا وَ هَكَذا صَلاتُهُ لَيَمُوتَنَّ عَلى غَيْرِ دِيْنِي .

روزی رسول خدا صلى الله عليه وآله در مسجد نشسته بودند که مردی وارد شد و به نماز مشغول گردید ، ولکن : مراعات شرایط نماز را از لحاظ رکوع و سجود نکرد ، آن حضرت فرمودند : همانند کلاغ که دانه‌ای می‌چیند ، اینچنین نماز خوانده ، و اگر این مرد بمیرد و نمازش چنین باشد ، مردنش بر غیر دین من خواهد بود .

۱۹۱) إثنى عشريّة(ص:۱۰۵)، الخصال(ص:۱۲۱)، بحارالأنوار(ص:۱۲۸ و ص:۲۱۰،ج:۱ و ص:۴۱۵ و ص:۵۹ ،ج:۳ و ص:۴۱۹،ج:۱۳ و ص: ۲۰۵ و ص:۲۰۶ و ص:۲۹۶،ج:۷۲ و ص: ۱۵۹ و ص:۲۵۱،ج:۷۳ وص:۳۰۴،ج:۷۵)، قصص الرّاونديّ(ص:۱۹۵)، جامع أحاديث الشّيعة(ص: ۲۱۴،ج:۱۶)، مستدرك الوسائل(ص: ۱۲،ج:۱ و ص:۴۴۲،ج:۲ و ص:۸۷ ،ج:۳ و ص:۲۱۸،ج:۱۲)، الصّدوق ، عن : أبيه ، عن : سعد بن عبد الله ، عن : القاسم بن محمّد الإصفهانيّ ، عن : سليمان بن داود المنقريّ ، عن : حمّاد بن عيسى :

عَنْ : أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قالَ : قالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ : يابُنَيَّ ؛ لِكُلِّ شَيْءٍ عَلامَةٌ يُعْرَفُ بِها ، وَ يُشْهَدُ عَلَيْها، وَ إِنَّ لِلدِّينِ ثَلاثَ عَلامَاتٍ : اَلْعِلْمُ ، وَ الْإِيمانُ ، وَ الْعَمَلُ بِهِ ، وَ لِلإِيمانِ ثَلاثُ عَلامَاتٍ : اَلإِيمانُ بِاللهِ ، وَ كُتُبِهِ ، وَ رُسُلِهِ ، وَ لِلْعَالِمِ ثَلاثُ عَلامَاتٍ : اَلْعِلْمُ بِاللهِ ، وَ بِما يُحِبُّ ، وَ بِما يَكْرَهُ ، وَ لِلْعَامِلِ ثَلاثُ عَلامَاتٍ : اَلصَّلاةُ وَ الصِّيامُ ، وَ الزَّكاةُ ، وَ لِلْمُتَكَلِّفِ ثَلاثَ

عَلامَات : يُنَازِعُ مَنْ فَوْقَهُ ، وَ يَقُولُ مَا لايَعْلَمُ ، وَ يَتَعَاطِي فِيمَا لايَنَـالُ ، وَ لِلظَّالِمِ ثَلاثَ عَلامَات : يَظْلِمُ مَنْ فَوْقَهُ بِالْمَعْصِيَةِ ، وَ مَنْ دُونَهُ بِالْغَلَبَـةِ ، وَ يُعِينُ الظَّلَمَةَ ، وَ لِلْمُنَافِقِ ثَلاثَ عَلامَات : يخَالِفُ لِسَانُهُ قَلْبَـهُ ، وَ قَلْبُـهُ فِعْلَهُ ، وَ عَلانِيَتُهُ سَرِيرَتَهُ ؛ وَ لِلآثِم ثَلاث عَلامَات : يَخُـونُ ، وَ يَكْـذِبُ ، وَ يخَالِفُ مَا يَقُولُ ؛ وَ لِلْمُرائِي ثَلاث عَلامَات : يَكْسَلُ إذا كَانَ وَحْدَهُ ، وَ يَنْشِطُ إذا كَانَ النَّاسُ عِنْدَهُ ، وَ يَتَعَرَّضُ فى كُلِّ أمْرٍ لِلْمَحْمِدَةِ ؛ وَ لِلْحَاسِدِ ثَلاثَ عَلامَات: يَغْتَابُ إذا غَابَ، وَ يَتَمَلَّقُ إذا شَهِدَ ، وَ يَشْمَتُ بِالْمُصِيبَةِ ؛ وَ لِلْمُسْرِف ثَلاثَ عَلامَات : يَشْتَرِىْ مَا لَيْسَ لَهُ ، وَ يَلْبِسُ مَا لَيْسَ لَـهُ ، وَ يَأكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ ، وَ لِلْكَسْلانِ ثَلاثَ عَلامَات : يَتَوانَى حَتَّى يُفَرِّطَ ، وَ يُفَرِّطُ حَتَّى يُضَيِّعَ، وَ يُضَيِّعُ حَتَّى يَأثَمَ ، وَ لِلْغَافِلِ ثَلاثَ عَلامَات : السَّهْوُ ، وَ اللَّهْوُ ، وَ النِّسْيانُ .

قَالَ حَمَّادُ : قَالَ أبُو عَبْدِ الله عليه السلام : وَ لِكُلٍّ وَاحِدَةٍ مِنْ هَذِهِ الْعَلامَـاتِ شَعْبٌ يَبْلُغُ الْعِلْمُ بِهَا أكْثَرَ مِنْ ألْفِ بَابٍ وَ ألْفِ بَابٍ وَ ألْفِ بَاب ، فَكُنْ يَا حمَّـادَ طَالِباً لِلْعِلْمِ فى آناءِ اللَّيْلِ وَ أطْرافِ النَّهَارِ ، فَإنْ أرَدْتَ أن تَقَرَّ عَيْنَكَ وَ تَنَالَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَاقْطَعْ الطَّمَعَ مِمَّا فى أيْدِي النَّاسِ ، وَ عَدَّ نَفْسَـكَ فِى الْمَوْتَى ، وَ لاتُحَدِّثْ لِنَفْسِكَ أنَّكَ فَوْقَ أحَدٍ مِنَ النَّاسِ ، وَ اخْزَنْ لِسَانَكَ كَمَا تخْزَنْ مَالَكَ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرمـود : پسرم؛ برای هر چیزی نشانه‌ای است که با آن نشانه شناخته خواهد شد و نشان داده می‌شود و گواهی می‌گردد .

و برای دین سه نشانه است : ۱ـ علم ، ۲ـ ایمان ، ۳ـ عمل کردن به آن .

و برای ایمان سه نشانه است : ۱ـ ایمان به خدا داشتن ، ۲ـ ایمان بـه کتـاب خـدا

داشتن ، ۳ـ ایمان به فرستادگانش داشتن ، و برای عالِم سه نشانه است : ۱ـ شناختن خدا ، ۲ـ دانستن و گفتن (و أنجام دادن) آنچه که خدا دوست می‌دارد ، ۳ـ دانستن آنچه که خدا خوش ندارد (گفتن و أنجام دادنش) ، و برای عمل کننده به دستورات خدا سه نشانه است : ۱ـ خواندن نماز ، ۲ـ گرفتن روزه ، ۳ـ دادن زکات (و حقوق واجبه شرعیّه دیگر) ، و برای أفرادی که دیگران را به زحمت می‌أندازند سه علامت است : ۱ـ با کسانی که برتر از او هستند نزاع و جدال می‌کند ، ۲ـ اظهار نظر می‌کند نسبت به مسائل و مطالبی که از آن بی‌اطلاع است ، ۳ـ کوشش می‌کند در بدست آوردن چیزی که به آن نمی‌رسد (و یا لیاقت داشتن آن را ندارد) ، و برای ستمکار سه نشانه است : ۱ـ ستم می‌کند به کسی که مافوق او است به نافرمانی کردن ، ۲ـ به زیردستان به زورگویی (و پایمال کردن حقّ و حقوق آنها) ، ۳ـ و کمك و یاور ستمگران بودن ، و برای منافق سه نشانه است : ۱ـ مخالف است گفته‌های او با دلش ، ۲ـ دلش با کردارش ، ۳ـ آشکارش با پنهانش ، و برای گنهکاران سه نشانه است : ۱ـ خیانت می‌کند (در هر حرفی و مطلبی و یا أموال و چیز دیگری که در نزد او أمانت گذاشته می‌شود) ، ۲ـ دروغ می‌گوید ، ۳ـ برخلاف گفته‌های خود عمل می‌کند ، و برای ریاکار سه نشانه است : ۱ـ کسل و سست است (در أنجام دادن تکالیف شرعی) هرگاه تنها باشد ، ۲ـ با نشاط و زرنگ است هرگاه کسی در حضور او باشد (که نماز و دعا و قرآن می‌خواند و به مسائل و مطالب دینی می پردازد و کارهای خیر أنجام می‌دهد) ، ۳ـ در هَر کار خوبی که أنجام می‌دهد انتظار و توقّع تشکّر و تعریف و احترام از دیگران دارد و خوش دارد دیگران از او تعریف و تمجید کنند ، و برای حسود سه نشانه است : ۱ـ غیبت و بدگویی می‌کند هر وقت که غائب شد ، ۲ـ متملّق و چاپلوس است در حضور أشخاص ، ۳ـ شماتت و سرزنش می‌کند أفراد مصیبت

زده و حادثه دیده را ، و برای اسراف کننده سه نشانه است : ۱ـ خریداری می‌کند آنچه را که در حدّ و شأن و لازمه زندگی او نیست ، ۲ـ می‌پوشد لباسی که در خور شأن او نیست ، ۳ـ می‌خورد آنچه که شایسته او (از نظر انسان کامل بودن) نیست (از قبیل دخانیات و همانند آن) ، و برای تنبل سه نشانه است : ۱ـ آنقدر در انجام دادن تکالیف سستی می‌کند تا وقت و زمانش بگذرد ، ۲ـ و آنقدر تفریط می‌نماید تا حقّ ضایع شود ، ۳ـ آنقدر حقّ را ضایع می‌کند تا گنهکار گردد ، و برای غافل سه نشانه است : ۱ـ سهو ، ۲ـ سرگرم بازی شدن ، ۳ـ فراموشی (که در أثر توجّه نداشتن به مسائل دینی و أخلاقی و حقوق دیگران بوجود می‌آید) .

حمّاد گوید : حضرت صادق عليه‌السلام می‌فرمود : برای هر یك از این نشانه‌ها شعبه‌هایی است که بیش از هزار باب و هزار باب و هزار باب می‌شود، بنابراین ای حمّاد ؛ طالب علم باش در تمام شبانه روز ، و اگر می‌خواهی که چشمت روشن شود و دسترسی به خیر دنیا و آخرت پیدا کنی باید طمع به آنچه که مردم دارند نداشته باشی ، و خویشتن را جزو مردگان بدانی (همچنانکه مردگان با أموال دنیایی در ارتباط نیستند ، تو نیز رابطه خود را قطع کن و طمع منما) و خود را برتر از دیگران به حساب نیاور ، و زبان خود را آنچنان محکم نگهدار که أموال خود را نگه می‌داری .

و حدیث فوق در بحارالأنوار(ص:۲۰۵،ج:۷۲)، از قرب الإسناد از حضرت صادق عليه‌السلام از رسول أکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله نقل فرموده .

۲۸۶ـ مکارم الأخلاق(ص:۵۷)، بحارالأنوار(ص:۳۰۳،ج:۷۵ و ص:۸۱ و ۸۲ ،ج:۷۶)، من لایحضر(ص:۱۷ و ص:۱۲۱،ج:۱) ، الکافی (ص:۴۹۹،ج:۶)، التهذیب(ص:۳۷۶،ج:۱)، وسائل الشّیعة (ص:۷۸ و ص:۷۹،ج:۲)، مستدرك الوسائل(ص:۲۶۴،ج:۱۵) :

عَنِ : الرِّضا عليه‌السلام : وَ قالَ الصّادِقُ عليه‌السلام : لَيْسَ فِيمَا إنْتَفَعَ الْبَدَنَ

إسْرافٌ ، إنَّما ألإسْرافُ فِيمَا أتْلَفَ ألْمَالَ وَ أضَرَّ بِالْبَدَنِ .

حضرت امام رضا(ع) می‌فرمود : حضرت صادق(ع) فرموده : در چیزی که استفاده از آن برای بدن انسان منفعت دارد اسراف نیست ، و اسراف (که مورد خشم خداوند است) در چیزهایی است که ثروت و سرمایه را نابود کند و به بدن انسان ضرر و زیان وارد نماید (و مصداق کامل آن : سیگار ، تریاك ، هروئین ، و حشیش ، و کوکائین ، و مسکرات است) .

۱۹۲) الإختصاص(ص:۳۴۰)، بحارالأنوار(ص:۴۳۰،ج:۱۳)، عن:الأوزاعی:

وَ قالَ لُقمانُ (ع) لابْنِهِ: یا بُنَیَّ؛ إنَّهُ إنْ أغْنیٰ أحَدٌ عَنْ أحَدٍ لأغْنَی ألوَلَدُ عَنْ والِدِهِ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ اگر (نظام خلقت انسان چنین بود که) کسی از دیگری باید بی‌نیاز باشد ، هرآینه بی‌نیاز بود فرزند از پدر .

همچنانکه أولاد برای زنده بودن و تأمین مخارج زندگی احتیاج بی‌حدّ به پدر دارد ، از نظر خداپرستی و دین داری و أخلاق و تأمین معاش صحیح و بدست آوردن درجات عالیه بهشتی ، نیاز فراوان دارد به رهبر دینی بنام : پیغمبر و امامان معصوم و عالِم مذهبی .

۲۸۷ـ وسائل الشّیعة(ص:۷،ج:۱۲)، مجالس المفید(ص:)، عن : أحمد بن محمّد ، عن : أبیه محمّد بن الحسن بن الولید ، عن : محمد بن الحسن الصّفّار ، عن : العبّاس بن معروف ، عن : علیّ بن مهزیار ، عن : علیّ بن حدید ، عن : مرازم قال : قالَ أبُوعَبْدِاللهِ(ع) :

بحارالأنوار(ص :۱۶۲،ج:۷۴ و ص:۲۶۴،ج:۸۱)، وسائل الشّیعة(ص:۶ ،ج:۱۲)، مستدرك الوسائل(ص:۴۱۱،ج:۱۷)، الکافی(ص:۶۳۵ ،ج:۲)، مرآة العقول (ص: ۵۲۷ ،ج:۱۲) ، شرح الکافی (ص :۸۰ ،ج:۱۱)، عدّة من أصحابنا ، عن : أحمد بن محمّد ، عن : علیّ بن حدید ، عن : مرازم قال :

قالَ أبُوعَبْدِاللهِ (ع) : عَلَیْکُمْ بِالصَّلاةِ فِی ألْمَساجِدِ ، وَ حُسْنِ ألجِوارِ

لِلنّاسِ ، وَ إقامَةِ الشَّهادَةِ ، وَ حُضُورِ الْجَنائِزِ ، إنَّهُ لابُدَّ لَكُمْ مِنَ النّــاسِ ، إنَّ أحَداً لايَسْتَغْنِىْ عَنِ النّاسِ حَياتُهُ ، وَ النّاسُ لابُدَّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْض .

حضرت صادق عليه السلام مى‌فرمود : بر شما باد ؛ به نماز خواندن در مساجد (به جماعت) و نيكو همسايه بودن با مردم (به ظلم نكردن و رفع نياز آنان نمودن) و شهادت به حقّ و درست دادن ، و در تشييع جنازه (برادران و خواهران) حاضر و شـــركت داشتن ، زيرا : ناچار هستيد كه با مردم زندگى كنيد ، و با آنان معاشرت و داد و ستد داشته باشيد ، چون هيچ كس از شماها در طول عمر و زندگى از ديگرى بى‌نياز نيســـت (چون انسانى مدنى الطّبع است) ، و بطور كلّى همه مردم بــه يكديگــر بــدون اســتثناء احتياج دارند در تمام دوران عمر و زندگى (خواه يكديگر را بشناسند و يا نشناسند) .

۱۹۳) الإختصاص(ص:۳۳۷)، مستدرك الوسائل(ص:۴۲۹،ج:۸)، بحارالأنوار(ص:۴۲۸،ج:۱۳) ، عن : الأوزاعىّ :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ : يا بُنَىَّ ؛ لَوْ كانَتِ الْبُيُوتُ عَلَى الْعَمَلِ (الْعَمْدِ) ماجاوَرَ رَجُلٌ جارَ سَوْءٍ أبَداً .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : فرزندم ؛ اگر اختيار خانه‌ها و خانوادگيها بر پايه عمل و ستون صحيح و سالم قرار داده شده بود ، هيچگاه مـــردى همسايگى بد را انتخاب و اختيار نمى‌كرد .

۱۹۴) الإختصاص(ص:۳۳۹)، بحارالانوار(ص:۴۳۰،ج:۱۳)، عن:الاوزاعى :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَىَّ ؛ لَوْ كانَتِ النِّساءُ تُذاقُ كَما تُــذاقُ الْخَمْرُ ما تَزَوَّجَ رَجُلٌ إمْرَأةَ سَوْءٍ أبَداً .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرمود : فرزندم ؛ اگر زنان چشيدنى بودند همچنانكه شراب را مى چشند ، براى آنكه بفهمند سركه شده يا نه ، هيچ مردى ازدواج با زن بدى (كه توجّه به مبانى دينى و أخلاقى و عفّت و وظايف شرعى

خود نداشته باشد) نمی‌کرد .

در اسلام برای انتخاب همسر دستوراتی داده شده بـرای مـرد و زن ، کـه درباره مرد روایات زیادی روایت شده از جمله :

۲۸۸ـ من لایحضر(ص:۳۹۱،ج:۳)، الکافی(ص:۳۳۲،ج:۵)، مرآة العقـول(ص:۲۲،ج:۲۰) ، التهذیب(ص:۴۰۳،ج:۷)، علیّ بن إبراهیم ، عن : أبیه ، عن : النّوفلیّ ، عن : السّکونیّ ، عَـنْ : أَبِی عَبْدِ اللهِ علیه السلام قَالَ : قَامَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم خَطِیباً فَقَالَ : أَیُّهَا النَّاسُ ؛

روضة الواعظین (ص:۳۷۵)، فقـه الرّضـا علیه السلام (ص:۲۳۴)، المحجّـة البیضـآء(ص:۹۳،ج:۳)، مکارم الأخـلاق(ص:۲۰۳)، معـانی الأخبـار(ص:۳۱۶)، بحـارالأنوار (ص: ۲۳۲ و ص:۲۳۴ و ص: ۲۳۶،ج:۱۰۳)، عن : محمّد بن أحمد السّنانیّ ، عن : محمّد بن جعفر الأسدیّ الکوفیّ ، عـن : سـهل ، عن : أحمد بن بشیر الرّقیّ ، عن : یحیی بن المثنّی ، عن : محمّد بن أبی طلحة :

عَن : الصَّادِقِ علیه السلام عَنْ : آبَائِـهِ علیهم السلام أَنَّ رَسُـولَ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَـالَ لِلنَّاسِ : إِیَّاکُمْ وَ خَضْرَآءَ الدِّمَنِ ، قِیلَ : وَ مَا خَضْرَاءُ الدِّمَنِ ؟ قَالَ صلی الله علیه و آله و سلم : اَلْمَـرْأَةُ الْحَسْنَآءُ فِی مَنْبَتِ السُّوْءِ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره انتخاب همسر می‌فرمود : بپرهیزید از خضـرآء الدّمن (گیاه سبز و خرّمی که در سرگین حیوانات روییـده) ، بـه آن حضـرت عرض شد : خضرآء دمن چیست ؟ فرمود : زن زیبـا چـهره‌ای کـه از خـانواده پست باشد (بواسطه فساد خانوادگی) .

۲۸۹ـ بحارالأنوار(ص:۲۳۵،ج:۱۰۳)، روضةالواعظین(ص:۳۷۴)، لئالی‌الأخبار(ص:۲۲۴،ج:۳) :

قالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم : مَنْ تَزَوَّجَ إمْرَأَةً لایَتَزَوَّجُـها إلاّ لِجَمالِـهَا لَمْ یَرَ فِیهَا مَا یحِبُّ ، وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِمالِهَا لایَتَزَوَّجُهَا إلاّ لَهُ وَکَّلَهُ اللهُ إلَیْهِ ، فَعَلَیْکُمْ بِذَاتِ الدِّینِ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمود : هر مردی که با زنی ازدواج کند برای زیبـایی

او ، زندگی خوشی را که می خواهد نخواهد داشت (زیرا : زیبایی زن گاهی باعث فساد و بیرون شدن از عفّت و نجابت او می‌شود ، چون شیطان صفتهای شهوت‌ران بر او نفوذ می‌کنند) و هر مردی که با زنی ازدواج کند به جهت ثروت او (و یا ثروت پدرش) خداوند او را رها کرده تا اسیر و گرفتار ثروت زن شود ، پس بر شما باد به زنان دیندار که به دستور دین عمل می‌کنند (تا شما زندگی خوش و خرّم داشته باشید) .

۲۹۰ـ مکارم الأخلاق(ص:۲۰۳) :

عَن الصّادِقِ عليه السلام قالَ : إذا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِمالِها أَوْ جَمالِها ، لَمْ يُرْزَقْ ذلِكَ ، فَإِنْ تَزَوَّجَها لِدِينِها رَزَقَهُ اللهُ عزّوجلّ مالَها وَ جَمالَها .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : اگر مردی با زنی برای داشتن أموال زیاد و یا زیبایی ازدواج کند ، هیچیك از اینها به سود او نخواهد بود ، و اگر برای دین داشتن با او ازدواج کند ، خدای عزّوجلّ مال و زیبایی نصیب او گرداند .

۲۹۱ـ بحارالأنوار(ص:۲۱۷،ج:۱۰۳)، مکارم الأخلاق(ص:۲۰۰)، من لایحضر(ص:۳۸۹، ج:۳)، المحجّة البیضاء(ص:۵۴ ،ج:۳)، لئالی الأخبار(ص:۲۱۸، ج:۳)، الکافی(ص:۳۲۷،ج:۵) ، مرآة العقول (ص : ۱۵،ج:۲۰)، قرب الإسناد(ص:۱۱ بمضمونه) ، التهذیب (ص:۲۴۰،ج:۷) ، عدّة من أصحابنا ، عن : سهل بن زیاد ، عن : جعفر بن محمّد الأشعریّ ، عن : عبد الله بن میمون القدّاح :

عَنْ : أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام عَنْ : آبائِهِ عليهم السلام : عَن : النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم قالَ : مَا اسْتَفَادَ إمْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَائِدَةً بَعْدَ الإسْلامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسُرُّهُ إذا نَظَرَ إلَيْها، وَ تُطِيعُهُ إذا أَمَرَها، وَ تَحْفَظُهُ إذا غابَ عَنْهَا فِي نَفْسِها وَ مالِهِ.

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : نبیّ أکرم صلى الله عليه وآله وسلم فرموده : استفاده نبرده مرد مسلمان فایده‌ای بعد از داشتن دین مقدّس اسلام بهتر و بالاتر از داشتن یك زن پایبند به دستورات اسلام، که خورسند و خوشحال شود هرگاه به او نگاه

کند ، و فرمانش را (در مواردی که خلاف شرع نباشد) اطاعت نماید و انجام دهد هر زمانی که به او أمر و دستور دهد ، و عفّت و عصمت و پاکدامنی خود را حفظ نماید ، هر وقت در نزد او نباشد ، و ثروت و سرمایه و أسرار زندگی و آبروی او را نگهدارد هرگاه از دید او غایب باشد .

و درباره زنان روایاتی فراوان نقل شده است ، از جمله :

۲۹۲ـ . . . من لایحضر(ص:۳۸۶،ج:۳)، الکافی(ص:۳۲۴،ج:۵)، مرآة‌العقول(ص:۱۲،ج:۲۰)، علی بن إبراهیم ، عن : النّوفلی ، عن : السّکونی ، عَنْ : أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قال :

بحارالأنوار(ص:۲۳۶ و ص:۲۳۷ و ص:۲۳۹،ج:۱۰۳)، روضة الواعظین (ص:۳۷۵)، لئالی الأخبار(ص:۲۲۷،ج:۳)، مکارم الأخلاق(ص:۱۹۸)، نوادر الرّاوندیّ(ص:۱۰۶)، الغایات(ص:۹۰) :

قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام : قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم : أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُهُنَّ (أَحْسَنُهُنَّ) وَجْهاً وَ أَقَلُّهُنَّ مَهْراً .

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرموده : بهترین زنان امّت من آنهایی هستند که زیبا چهره (از نظر أخلاق و خانه‌داری) و شیوه و رفتار پسندیده (اسلامی) دارند ، و مهریّه ایشان بسیار کم باشد .

۲۹۳ـ الکافی(ص:۳۴۷،ج:۵)، مرآة العقول(ص:۴۶،ج:۲۰)، من لایحضر(ص:۳۹۳،ج:۳)، مکارم الأخلاق(ص:۲۰۴)، وسائل الشّیعة(ص :۷۷،ج:۲۰)، التّهذیب (ص:۳۹۶،ج:۷) ، عدّة من أصحابنا ، عن : سهل بن زیاد ، عن : الحسین بن بشّار الواسطیّ :

قَالَ : كَتَبْتُ إِلَىٰ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ النِّكَاحِ ، فَكَتَبَ إِلَيَّ : مَنْ خَطَبَ إِلَيْكُمْ فَرَضِيتُمْ دِينَهُ وَ أَمَانَتَهُ ، فَزَوِّجُوهُ ﴿ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ ﴾ (أنفال/۷۳) .

حسین بن بشّار گوید : نامه نوشتم به حضور حضرت امام محمّد باقر عليه السلام و پرسیدم : از شرایط کسی که به خواستگاری دختر ما می‌آید ، آن حضرت در

جواب نوشتند : کسی که به خواستگاری دختر شما می‌آید ، اگر از نظر دینداری ، و أمانت داری ، از او راضی هستید ، دختر خود را به او تزویج کنید ، که اگر اقدام به چنین ازدواجی نکنید فتنه و فساد بزرگ در جامعه پیش خواهد آمد .

که در این روایت توجّه به دین و أمانت داری داماد شده .

۲۹۴ـ التهذیب(ص:۴۰۰،ج:۷)، الکافی(ص:۳۲۴،ج:۵)، مرآة العقول(ص:۱۰،ج:۲۰)، عدّة من أصحابنا ، عن : سهل بن زیاد ، و محمّد بن یحیی ، عن : أحمد بن محمّد بن عیسی ، و علیّ بن إبراهیم ، عن : أبیه ، جمیعاً ، عن : الحسن بن محبوب ، عن : علیّ بن رئاب ، عن : أبی حمزة ، قال : بحارالأنوار(ص:۲۳۵ و ص:۲۳۹،ج:۱۰۳)، روضة الواعظین(ص:۳۷۴)، مکارم الأخلاق(ص:۲۰۲)، المحجّة البیضاء(ص:۸۷ ،ج:۳) :

قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِاللهِ الأنْصَارِيّ: كُنّا جُلُوساً مَعَ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَذَكَرنَا النِّسَآءَ وَ فَضْلَ بَعْضِهِنَّ عَلىٰ بَعْضٍ، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم : ألاٰ أُخْبِرُكُمْ ؟ فَقُلْنَا : بَلىٰ يا رَسُولَ اللهِ فَأَخْبِرنَا، فَقَالَ : إنَّ مِنْ خَيرِ نِسَآئِكُمْ الْوَلُودُ الْوَدُودُ الْعَفِيفَةُ وَ السَّتِيرَةُ ، الْعَزِيزَةُ فِى أَهْلِهَا ، الذَّلِيلَةُ مَعَ بَعْلِهَا ، المُتَبَرِّجَةُ مِنْ زَوْجِهَا ، اَلحِصَانُ عَنْ غيرِهِ ، اَلَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ، وَ تُطِيعُ أَمْرَهُ، وَ إذا خَلابِهَا بَذَلَتْ لَهُ مَا أَرادَ مِنْهَا ، وَ لَمْ تُبْذِلْ كَتَبَذُّلِ الرَّجُلِ .

ألا اُخْبِرُكُمْ بِشَرارِ نسآئِكُمْ ؟ اَلذَّلِيلَةُ فِى أَهْلِها ، اَلْعَزِيزَةُ مَعَ بَعْلِـها ، اَلْعَقِيمُ اَلحَقُودُ الَّتِي لَاتُورَّعُ مِنْ قَبِيحٍ . اَلْمُتَبَرِّجَةُ إذا غَـابَ عَنْـها بَعْلُـها ، الحِصَانُ مَعَهُ إذا حَضَرَ ، لا تَسْمَعُ قَوْلَهُ ، وَ لا تُطِيعُ أَمْرَهُ ، وَ إذا خَلا بِـهَا بَعْلُها تَمَنَّعَتْ مِنْهُ كَما تَمَنَّعُ الصَّعْبَةُ عَنْ رُكُوبِـها ، لا تَقْبَلُ مِنْـهُ عُـذْراً ، وَ لاتَغْفِرُ لَهُ ذَنْباً .

جابر گوید : در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودیم و درباره زنـان سخن می‌گفتیم و برتری بعضی از آنها بـر بعضـی دیگـر، آن حضـرت صلی الله علیه و آله و سلم

فرمود : خبر ندهم شما را از زنان ؟ عرض کردیم : بلی بفرمایید ای رسول خدا ؛ فرمود : همانا ؛ از بهترین زنان شما آنهایی هستند که فرزند می‌زاید ، و مهربان ، و باعفّت ، و أسرار زندگی شوهر را پنهان نگه می‌دارد، و در میان خویشاوندان خود و شوهرش باعزّت و احترام و در برابر شوهر نهایت فروتنی و فرمانبری را دارد ، و خویشتن را فقط و فقط برای شوهر زینت و آرایش می‌کند ، و خود را از دید نامحرم و کسانی که باید بپوشاند ، پنهان و حفظ می‌نماید ، گوش می‌دهد به سخنان و دستورات شوهر و اطاعت او را می‌کند (در مواردی که خلاف شرع و عرف نباشد) ، و هرگاه شوهر از او همبستری بخواهد أنجام می‌دهد ، و نباید بذل و بخشش نماید أموال شوهر را (مگر با رضایت و اجازه شوهر) همچنانکه مرد بذل و بخشش می‌نماید .

سپس فرمود : آیا خبر ندهم شما را به بدترین زنان شما ؟ زنی است که در میان خانواده پدری و مادری خود خوار و بی‌ارزش است ، و در خانه شوهر بدأخلاق و با خشونت ، و نازا و کینه‌دار ، که تقوا و پرهیز از کارها و حرفهای زشت ندارد ، زینت و آرایش می‌کند خود را هرگاه شوهر حضور نداشته باشد ، در حالی که در هنگام حضور شوهر چنین نیست ، و به سخنان شوهر گوش نمی‌دهد ، و فرمان او را نمی‌برد ، و هر زمانی که شوهر با او خلوت می‌کند تسلیم نیست و ممانعت می‌نماید ، عذرخواهی شوهر را در انجام ندادن کارها نمی‌پذیرد و اشتباه‌کاریهای شوهر را نمی‌بخشد .

۱۹۵) إرشاد القلوب الدّيلمي(ص:۵۱،ج:۱)، إرشاد القلوب المترجم(ص:۱۲۴،ج:۱) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ: لَوْ كُنْتَ تُحِبُّ الْجَنَّةَ فَإِنَّ رَبَّكَ يُحِبُّ الطّاعَةَ، فَأَحِبَّ مَا يُحِبُّ لِيُعْطِيَكَ مَا تُحِبُّ ، وَ إِنْ كُنْتَ تَكْرَهُ النّارَ فَإِنَّ رَبَّكَ يَكْرَهُ الْمَعْصِيَةَ ، فَاكْرَهْ مَا يَكْرَهُهُ لِيُنْجِيَكَ مِمّا تَكْرَهُ .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرمود : ای پسر؛ اگر تو دوست می‌داری، بهشت را ، پروردگار تو هم دوست می‌دارد اطاعت و فرمان بری را (در دستورات مذهبی و دینداری) پس دوست بدار آنچه را که خداوند دوست می‌دارد ، تا به تو عطا فرماید آنچه را که دوست می‌داری ، و اگر تو کراهت داری از آتش جهنّم ، پروردگار تو نیز کراهت دارد معصیت را ، پس کراهت بدار آنچه را که پروردگارت کراهت دارد ، تا اینکه نجات دهد تو را از آنچه که دوست نمی‌داری و کراهت از آن داری .

۲۹۵ـ آداب النّفس(ص:۲۷۴،ج:۱)، إثنی عشریّة(ص:۵۴)، بحارالأنوار(ص:۲۹۵،ج:۷۷)، تحف العقول (ص:۱۴۸)، عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام فِى خُطْبَتِهِ الْمَعْرُوفَةِ بِالدِّيباجِ :

قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله : مَا رَأَيْتُ مِثْلَ الْجَنَّةِ نَامَ طَالِبُـهَا ، وَ مَـا رَأَيْـتُ مِثْلَ النَّارِ نَامَ هَارِبُهَا .

پیغمبر أکرم صلى الله عليه وآله فرموده : ندیدم چیزی را همانند بهشت که خواستار آن در خواب باشد، و ندیدم چیزی را همانند آتش جهنّم که فرارکننده از آن در خواب رود .

۱۹۶) بحارالأنوار(ص:۴۱۴،ج:۱۳ وص:۱۳۶،ج:۷۱ وص: ۳۰ ،ج:۱۰۳)، روضة‌المتّقین(ص: ۹۱،ج:۱۳)، الخصال(ص:۱۲۲،ج:۱)، الصّدوق ؛ أبی ، عن : سعد بن عبد الله ، عن : القاسم بن محمّد الإصفهانیّ ، عن : سلیمان بن داود المنقریّ ، عن : حمّاد بن عیسی، عَنْ: أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ :

قَالَ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ عليه السلام : كَانَ فِيمَا وَعَظَ بِهِ لُقْمَانُ (ع) إِبْنَهُ إِنَّهُ قَالَ : يَابُنَيَّ؛ لِيَعْتَبِرْ مَنْ قَصَرَ يَقِينَهُ وَ ضَعُفَتْ نِيَّتُهُ [وَ ضَعُفَ تَعَبُهُ] فِى طَلَبِ الـرِّزْقِ، أَنَّ اللهَ تبارك وتعالى جَعَلَ خَلْقَهُ فِى ثَلاثَةِ أَحْوالٍ مِنْ أَمْرِهِ وَ أَتَاهُ رِزْقَهُ ، وَ لَمْ يَكُـنْ لَهُ فِى وَاحِدَةٍ مِنْهَا كَسْبٌ وَ لاحِيلَةٌ، أَنَّ اللهَ تبارك وتعالى سَيَرْزُقُهُ فِى الْحَالِ الرَّابِعَةِ:أَمَّا أَوَّلُ ذَلِكَ : فَإِنَّهُ كَانَ فِى رَحِمِ أُمِّهِ يَرْزُقُهُ هُنَـاكَ فِى قَـرارٍ مَكِـينٍ ، حَيْـثُ لايُؤْذِيهِ حَرٌّ وَ لابَرْدٌ ، ثُمَّ أَخْرَجَهُ مِنْ ذَلِكَ وَ أَجْرَى لَهُ رِزْقاً مِنْ لَبَنِ أُمِّـهِ

يَكْفِيهِ بِهِ وَ يُرَبِّيهِ وَ يَنْعُشُهُ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ بِهِ وَ لا قُوَّةٍ ، ثُمَّ فَطَمَ مِنْ ذٰلِكَ فَأَجْرىٰ لَهُ رِزْقاً مِنْ كَسْبِ أَبَوَيْهِ بِرَأْفَةٍ وَ رَحْمَةٍ لَهُ مِنْ قُلُوبِهِمَا لايَمْلِكَانِ غَيْرُ ذٰلِكَ حَتّىٰ أَنَّهُمَا يُؤْثِرانِهِ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمَا فى أَحْوالٍ كَثِيرَةٍ ، حَتّىٰ إذا كَبُرَ وَ عَقَلَ وَ اكْتَسَبَ لِنَفْسِهِ ضَاقَ بِهِ أَمْرُهُ وَ ظَنَّ الظُّنُونَ بِرَبِّهِ ، وَ جَحَدَ الْحُقُوقَ فى مَالِهِ ، وَ قَتَرَ عَلىٰ نَفْسِهِ وَ عَيَالِهِ ، مَخَافَةَ اقْتَارِ رِزْقِهِ وَ سُوءِ يَقِينٍ بِالْخَلَفِ مِنَ اللهِ ﷻ فى الْعَاجِلِ وَ الْآجِلِ ، فَبِئْسَ الْعَبْدُ هٰذَا يا بُنَيَّ .

حضرت صادق ؑ می‌فرمود : حضرت أمیر المؤمنین ؑ فرموده : از جمله پندهای حضرت لقمان (ع) به فرزندش این بوده : ای پسرم ؛ باید عبرت و پند بگیرد کسی که یقین او أندك و ضعیف و ناتوان است نیّت او در رزق رسیدن ، از اینکه خدای ﷻ خلقت او را در سه مرحله قرار داد ، و درهر مرحله روزیِ او را عطا فرموده، و در هیچ یك از این سه مرحله خود او دخالتی و کوششی نداشته ، بنابراین خدای ﷻ در مرحله چهارم نیز به او روزی می‌رساند ، أمّا أوّل : آنکه او در رحم مادر بوده و او را روزی می‌داده و آنچنان در آرامش و راحتی بوده که از گرما و سرما محفوظ بوده ، پس در مرحله دوّم او را از آنجا بیرون آورده و از شیر مادر روزیش داده به حدّ کفایت و پرورش ، و رشد را بدون آنکه از خودش نیرویی و توانایی و دخالتی داشته باشد ، و سپس در مرحله سوّم از شیر مادرش گرفته و روزی او را ازکسب و دست پدر و مادر قرار داده که با نهایت دوستی و مهربانی قلبی خوراك و پوشاك او را تأمین می‌کردند بطوریکه در بسیاری از وقتها او را بر خودشان مقدّم می‌داشتند تا گاهی که بزرگ شد و عاقل گشت و برای خود کسب اختیار کرد و مشغول شد ، و در این وقت أمر و درآمدش بر او تنگ می‌شود و گمانهای ناپسند به پروردگارش می‌برد و انکار حقوق در أموالش می‌نماید (و وجوهات شرعیّه نمی‌پردازد) و تنگ می‌گیرد برخود و عیال خود

از ترس تنگی روزی و بدی سستی اعتقادش ، با اینکه خدای ﷻ به او می‌دهد در حال حاضر و در آینده ، پس چنین بنده‌ای بد بنده‌ای است ای پسرم .

۱۹۷) أمالی الصّدوق(ص:۵۳۲)، قصص الجزائری(ص:۳۲۷)، بحـارالأنوار(ص:۴۱۳،ج:۱۳ و ص:۲۹۳،ج:۷۵)، محمّد بن موسی بن متوکّل ، عن : علی بن الحسین السّعدآبادیّ ، عن : أحمد بـن أبی عبدالله البرقیّ ، عن: علیّ بن محمّد القاسانیّ، عن: سلیمان بن داود المنقریّ، عن: حمّاد بن عیسی :

عَنِ : الصّادِقِ ؈ قالَ : كانَ فِيمَا أَوْصَىٰ بِهِ لُقْمَانُ (ع) إبْنَهُ نَاتَـانَ أنْ قَالَ لَهُ : يابُنَيَّ؛ لِيَكُنْ مِمّا تَتَسَلَّحُ بِهِ عَلَىٰ عَدُوِّكَ فَتَصرَّعَهُ، اَلْمُمَاسَحَةُ وَ إعْلانُ الرِّضَىٰ عَنْهُ، وَ لاتُزاوِلْهُ بِالْمُجَانَبَةِ، فَيَبْدُو لَهُ مَا فِى نَفْسِكَ فَيَتَأَهَّبُ لَكَ.

حضرت صادق؈ می‌فرمود : حضرت لقمـان (ع) بـه فرزنـدش ناتـان می‌فرموده : فرزندم ؛ باید در مقابل دشمنان مسلّح باشی ، و أسلحه تو بر دشمنت که بخواهی او را به زمین بزنی ، اظهار دوستی و اعلان رضایت از او است ، و از او دوری نکن (و او را زیر نظر داشته باشی) تا آنچه در دل داری پیش او آشکار و پیدا نشود (که خود را برای مقابله با تو مهیّا سازد و در کمین تو باشـد و در وقتهای مناسب برضرر و زیان تو اقدام کند) .

۱۹۸) إثنی عشـریّة(ص:۲۶)، قصـص الأنبیـاء(ص:۱۹۳)، بحـارالأنوار(ص:۴۱۸،ج:۱۳)، الصّدوق، أبی، عن: سعدبن عبدالله،عن: القاسم بن محمّد الإصفهانیّ، عن: سـلیمان بـن داود المنقـریّ، عن: حمّاد بن عیسی :

عَنِ : الصّادِقِ ؈ أنَّهُ قالَ : قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ: يا بُنَيَّ؛ لِيَكُنْ مِمّا تَسْتَظْهِرُ بِهِ عَلَىٰ عَـدُوِّكَ الْـوَرَعُ عَـنِ المَحَـارِمِ ، وَ الْفَضْـلُ فِى دِينِـكَ ، وَ الصِّيانَةُ لِمُـرُوَّتِكَ ، وَ الإكْرامُ لِنَفْسِكَ أنْ تُدَنِّسَهَا بِمَعَاصِي الرَّحْمٰنِ وَ مَسَـاوِي الأَخْلاقِ وَ قَبِيحِ الأَفْعَالِ ، وَ اكْتُمْ سِرَّكَ ، وَ أَحْسِنْ سَـرِيرَتَكَ، فَـإنَّكَ إذا فَعَلْتَ ذَلِكَ أَمِنْتَ بِسِتْرِ اللهِ أَنْ يُصِيبَ عَدُوُّكَ مِنْكَ عَوْرَةً، أَوْ يَقْـدِرَ مِنْـكَ

عَلی زِلَّةٍ ، وَ لاتَأمَنَنَّ مَکْرَهُ فَیُصِیبَ مِنْکَ غِرَّةً فی بَعْضِ حَالاتِکَ ، وَ إذا اسْتَمْکَنَ مِنْکَ وَثَبَ عَلَیْکَ وَ لَمْ یُقِلْکَ عَثْرَةً ، وَ لْیَکُنْ مِمّا تَتَسَلَّحُ بِهِ عَلی عَدُوِّکَ إعْلانُ الرِّضی عَنْهُ ، وَ اسْتَصْغِرِ الْکَثِیرَ فی طَلَبِ الْمَنْفَعَةِ ، وَ اسْتَعْظِمِ الصَّغِیرَ فی رُکُوبِ الْمَضَرَّةِ .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرموده: حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده :
ای پسرم؛ باید از چیزهایی که پشتیبان خود قرار می‌دهی برای غلبه یافتن بر دشمن، پرهیز از تمام محرّمات باشد، و دانستن أحکام دین خود ، و حفظ مروّت (تا نقطه ضعف از تو بدستش نرسد) ، و باید برای خودت أرزش و احترام قائل باشی تا جایی که نافرمانی خدای بخشنده ننمایی و به أخلاق ناپسند و زشتی‌های کردار خود را آلوده نکنی ، و همیشه باید أسرار (زندگی و سرمایه و معاشرت) خود را پنهان داری ، و شیوه و رفتار هر چه بهتر را باید پیشه خود سازی، که هرگاه اینچنین باشی این خواهی بود بسبب پرده‌پوشی خداوند از اینکه دشمن از تو نقطه ضعف پیدا کند و بر تو غلبه و قدرت بدست آورد ، و هیچ وقت از مکر و حیله و نقشه های شوم دشمن این و غافل مباش که او در هر لحظه در کمین تو است ، و اگر بر تو دست یابد ، هجوم می‌آورد ، و کوچکترین لغزشی را گذشت نمی‌کند، و باید أسلحه تو در برابر دشمن اظهار دوستی با او باشد ، و کوچك شمار آنچه را متحمّل می‌شوی در بدست آوردن منفعت ، و بزرگ شمار أندك ضرر را که بواسطه توجّه نداشتن مرتکب می‌شوی .

۱۹۹) مجمع البیان(ص: ج:)، قصص الجزائری(ص:۳۲۹)، بحارالأنوار(ص:۴۲۵، ج:۱۳)، لئالی الأخبار(ص: ۱۰۸،ج:۱) :

قِیلَ لِلُقْمانَ(ع) ما أقْبَحَ وَجْهَكَ ؟! قال : تَعِیبُ عَلَی النَّقْشِ أوْ عَلی فَاعِلِ النَّقْشِ ؟!

گفته شد به حضرت لقمان (ع) : چقدر زشت صورت هستی ؟! فرمود : آیا نقش صورت مرا نقص و عیب می‌دانی (من صورت خود را نیافریده‌ام) و یا بر نقّاش و آفریننده من ایراد و عیب می‌گیری (که او از هر عیب و نقص مبرّا است، و حکیم است و آنچه انجام داده و می‌دهد همه از روی حکمت است اگرچه مطابق فکر انسان نباشد) .

۲۰۰) قرب الاسناد(ص:۷۵)، بحارالأنوار(ص:۴۱۵،ج:۱۳)، هارون بن مسلم، عن: مسعدة :

عَنِ: الصّادِقِ عليه السلام عَن: الْباقِرِ عليه السلام قَالَ: قِيلَ لِلُقْمَانَ: مَا الَّذِي أَجْمَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ حِكْمَتِكَ ؟ قَالَ : لاأَتَكَلَّفُ مَا قَدْ كَفَيْتُهُ وَ لا أُضَيِّعُ مَا قَدْ وُلِّيتُهُ .

حضرت امام باقر عليه السلام می‌فرمود: به حضرت لقمان (ع) گفته شد: کدام یك از نصایح و کلمات حکمت‌آمیز خود را برای عمل کردن انتخاب نموده‌ای و عمل کرده و ترك نمی‌کنی ؟ فرمود : خود را به زحمت نینداختم (برای بیشتر) از آنچه که مرا کفایت می‌کرد ، و ضایع و تباه ننمودم آنچه را که به دستم رسیده و در اختیار من قرار گرفته و می‌گیرد .

۲۰۱) الإختصاص(ص:۳۳۸)، بحارالأنوار(ص:۴۲۸،ج:۱۳)، عن: الأوزاعیّ (باختلاف جزئیّ) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ اَلْمُؤْمِنُ تَظْلِمُهُ وَ لا يَظْلِمُكَ ، وَ تَطْلُبُ عَلَيْهِ فَيَرْضَىٰ عَنْكَ ، وَ الْفَاسِقُ لا يُرَاقِبُ اللهَ فَكَيْفَ يُرَاقِبُكَ ؟!

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ اگر به مؤمن ظلم کنی، او به تو ظلم نخواهد کرد (بسبب سعه صدر و بزرگواری داشتن) و چه بسا بر ضرر او کاری انجام دهی و عذرخواهی کنی ، از تو راضی می‌شود ، ولکن فاسق آلوده به گناه چنین نیست ، زیرا : مراقب خدا نیست (و شرم از محضر خداوند نمی‌کند) پس چگونه مراقب تو می‌شود (و آبروی تو را نگه می‌دارد) ؟!

۲۰۲) الإختصاص(ص:۳۳۷)، بحارالأنوار(ص:۴۲۸،ج:۱۳)، عن: الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ اَلْمُحْسِنُ يُكافَؤُ بِإِحْسَانِهِ ، وَ الْمُسيءُ يَكْفِيكَ مَسَاوِيهِ ، لَوْ جَهِدْتَ أَنْ تَفْعَلَ بِهِ أَكْثَرَ مِمَّا يَفْعَلُهُ بِنَفْسِهِ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : فرزندم ؛ شخص نیکوکار بواسطه نیکوکاری نتیجه و فایده نیك خود را خواهد گرفت ، و شخص بدکردار همان بدی او جزای او است ، که اگر کوشش فراوان کنی تا بیش از آنچه که به خود بدی کرده به او بد کنی ، نخواهی توانست .

۲۰۳) محبوب القلوب (ص:۵۹) :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ مُرْ بِالْمَعْرُوفِ ، وَ إِنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ حَاسِبْ نَفْسَكَ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَ عَلَيْهَا، وَ اعْرِفِ الْعُسْرَةَ، وَ لَمْ تُفْرِطْ فِي أَمْرِكَ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم؛ أمر به معروف بنما ، و نهی از منکر کن ، و حساب تمام کارهایت را رسیدگی کن پیش از آنکه از تو سبقت بگیرند و به حساب گفتار و کردارت رسیدگی نمایند ، و شناسائی کن سختیها (و عواقب بد گناهان را تا گرفتار آنها نشوی) ودر هیچ یك از مسائل زندگی و دینی افراط و تجاوز از حدّش نکن (که دچار خسارت و زیان می‌شوی، که گاهی قابل جبران نیست) .

أمر به معروف و کارهای خیر و پسندیده ، و نهی از منکر و کارها و سخنان زشت و ناپسند شرایطی دارد از جمله :

۲۹۶ـ روضة‌الواعظين(ص:۳۶۵)، وسائل‌الشيعة(ص:۱۳۰ و ص:۱۵۰،ج:۱۶)، مستدرك‌الوسائل (ص:۱۸۷،ج:۱۲)، مشكاة الأنوار(ص:۴۸)، بحارالأنوار(ص:۹۱، ج:۱۰۰)، الخصال(ص:۱۰۹)، الصّدوق، حدّثنا محمّد بن الحسن ، عن : محمّد بن يحيى العطّار ، عن : محمّد بن أحمد ، عن : يعقوب بن يزيد ، عن : محمّد بن أبي عمير رفعه إلى :

أَبِي عَبْدِاللهِ عليه السلام قَالَ : إِنَّمَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ ، وَ يَنْهَىٰ عَنِ الْمُنْكَرِ، مَنْ

كَانَتْ فِيهِ ثَلاثُ خِصَالٍ : عَامِلٌ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ، وَ تَارِكٌ لِمَا يَنْهى عَنْهُ، عَادِلٌ فِيمَا يَأْمُرُ ، عَادِلٌ فِيمَا يَنْهىٰ ، رَفِيقٌ فِيمَا يَأْمُرُ ، وَ رَفِيقٌ فِيمَا يَنْهىٰ .

حضرت صادق(ع) می‌فرمود : کسی باید أمر به معروف و نهی از منکر نماید که دارای سه خصلت باشد : ۱ـ خود عمل کننده باشد به آنچه دستور می‌دهد و أمر می‌کند ، و بازدار خود را از آنچه نهی می‌کند ، ۲ـ در أمر به معروف و نهی از منکر عدالت را مراعات کند (که بیش از حدّ نیاز نگوید ، و در نهی زیاده روی ننماید که طرف مقابل جریّ شود) ، ۳ـ با مدارا أمر به معروف کند ، و با ملایمت و آرامی نهی از منکر نماید .

۲۰۴) الإختصاص(ص:۳۳۸)، بحارالأنوار(ص:۴۲۸،ج:۱۳)، عن: الأوزاعی:

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ : يابُنَيَّ؛ مُعَاداةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ مُصَادَقَةِ الْفَاسِقِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده: فرزندم؛ دشمنی مؤمن بهتر است از دوستی فاسق (زیرا : مؤمن بواسطه داشتن ایمان ، آبرو و أسرار زندگی و دنیا و دین تو را حفظ می‌کند، ولکن؛ فاسق بسبب آلوده بودن به گناه، و أندیشه‌های بد با دوستی نمودن تو را نیزآلوده به گناه می‌سازد ، که گاهی بازگشت تو بسیار سخت خواهد بود) .

۲۰۵) تفسیر البرهان(ص:۸۱۹ ،ج:۲)، تفسیر القمّی(ص:۱۶۷،ج:۱) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ مَنْ أحْيىٰ نَفْساً فَكَأنَّمَا أحْيَى النّاسَ جَمِيْعاً ، أيْ : مَن اسْتَنْقَذَها مِنْ قَتْلٍ ، أوْ غَرَقٍ ، أوْ هَدْمٍ ، أوْ سَبُعٍ ، أوْ كَفَّلَهُ حَتّىٰ يَسْتَغْنِيَ ، أوْ أخْرَجَهُ مِنْ فَقْرٍ إلىٰ غِنىً ، وَ أفْضَلُ مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ : مَنْ أخْرَجَهُ مِنْ ضَلالٍ إلىٰ هُدًى .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ کسی که زنده کند یك انسانی را ، همانند آنست که زنده کرده باشد همه مردم را، یعنی نگه‌داشته

باشد کسی را از کشته شدن ، و یا غرق شدن ، و یا به زیـر هـوار سـاختمان و دیوار رفتن ، و یا دچار حیوان درنّده شدن ، و یا کفالت مخارج ناتوانی را به عهده گرفته به حدّ بی‌نیاز گشتن ، و یا آنقدر کمك مالی به تهی دستی نموده که ثروتمنـد گردیده ، و بهتر و بالاتر از همه اینها آنست که : گمراه شـده را بـه راه راسـت هدایت و راهنمایی بنماید (و کمك فکری دهد بقدری که از گمراهی رهایی پیدا کند و دنیا و آخرت او تأمین شود) .

۲۰۶) الإختصاص(ص:۳۳۷)، کنزالفوائد (ص:۲۱۵)، بحـارالأنوار(ص:۴۲۸،ج:۱۳ و ص: ۱۱۳،ج: ۲۷ باختلاف یسیر) ، عن : الأوزاعيّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ: یابُنَیَّ؛ مَنْ ذَا الَّذی عَبَدَاللهَ فَخَذَلَهُ، وَ مَنْ ذَا الَّذی إبْتَغَاهُ فَلَمْ یَجِدْهُ ، وَ مَنْ ذَا الَّذی ذَکَرَهُ فَلَمْ یَذْکُرْهُ ، وَ مَـنْ ذَا الَّـذی تَوَکَّلَ عَلَى اللهِ فَوَکَّلَهُ إلىٰ غَیرِهِ، وَ مَنْ ذَا الَّذی تَضَرَّعَ إلَیْهِ جَلَّ ذِکْرُهُ فَلَمْ یَرْحَمْهُ (وَ مَنْ ذَا الَّذی لَجَأَ إلَى اللهِ فَلَمْ یُدَافِعْ عَنْهُ) .

حضرت لقمان(ع) به فرزندش فرموده : پسرم ؛ چه کسی است که خدا را عبادت کرده باشد و خداوند او را ذلیل نموده باشد ؟! و چه کسی است که خـدا را بخواهد و بجوید و نیابد ؟! و چه کسی است که خدا را یاد کند و خداونـد او را یاد ننماید ؟! و چه کسی است که توکّل بر خدا کند و خداوند او را به غیر از خـودش واگذارد ؟! و چه کسی خواهد بود که تضرّع و زاری بسوی خدا کند (و حاجات خود را بخواهد) و خداوند به او ترحّم ننماید ؟! و کیسـت کـه در گرفتاریـها و مشکلات پناه به خدا ببرد ، و خدا مشکلات و گرفتاریش را برطرف نسازد ؟!

۲۰۷) الإختصاص(ص:۳۳۶)، بحارالأنوار(ص:۴۲۷،ج:۱۳) ، عن : الأوزاعيّ :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ: یا بُنَیَّ ؛ مَنْ رَکِبَ الْبَحْرَ مِنْ غَیرِ سَفینَةٍ غَرِقَ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود می‌فرمود : فرزندم ؛ (این طبیعی است

که) هر که وارد دریا شود بدون کشتی ، (خواه ناخواه یك روزی) غرق خواهد شد (هر چند شنا بداند) .

بیان آن حضرت اشاره است به اینکه هر که در هر أمری بدون رهبر و بدون تکیه گاه محکم وارد شود ، گرفتار و چه بسا نابود شود ، مخصوصاً در أمر: دین، که اگر کسی مطابق دلبخواه خود و مطابق ذوق و فکر خود، و مطابق درك خود عمل کند گمراه خواهد شد ، زیرا : چشمان ما تا مسافتی محدود می‌بینند ، و گوشهای ما تا حدودی می‌شنود، و صدای ما تا چند متری می‌رسد ، و دستهای ما تا مقداری می‌تواند چیز سنگینی را بلند نماید ، به همین نسبت قوّه شعور و درك و عقل ما می‌تواند مطالبی را درك کند و ما بفهمیم ، از این جهت باید پیرو پیغمبر اسلام صلّی الله علیه وآله وسلّم و أئمّه معصومین علیهم السلام و علمای شیعه که نائب عامّ ولیّ عصر عجّل الله فرجه هستند باشیم ، که اگر متابعت نکنیم بطور مسلّم و بدون شكّ و تردید گمراه خواهیم شد .

و همچنین اشاره است به اینکه : وارد شدن و دخالت کردن در هر موضوع و مطلبی خواه علمی و فنّی باشد و یا غیر آن بدون آگاهی و اطّلاع کامل سبب گرفتاری و گاه نابودی ما می‌شود .

۲۰۸) إثني عشريّة(ص:۲۹) ، غررالحکم(ص:۲۶۴،ج:۱) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) : مَنْ سَآءَ خُلْقُهُ ضَاقَ رِزْقُهُ .

حضرت لقمان (ع) می‌فرموده : هر کس (در طول زندگی خود) بدأخلاق (و بد روش و بدأندیش و بدکردار و بدبرخورد باشد) به تنگی روزی گرفتار خواهد شد .

۲۰۹) تفسیر القمّی(ص:۱۶۴،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۴۱۹،ج:۱۳)، قصص الأنبیاء (ص:۱۹۴)، الصّدوق ؛ أبي، عن: سعد بن عبدالله، عن: القاسم بن محمّدالإصفهانيّ ، عن : سليمان بن داود المنقريّ ، عن: حمّاد بن عيسى، عَنِ: الصّادِقِ عليه السلام قالَ: قالَ لُقْمانُ(ع) لِابْنِهِ : (بِاخْتِلافٍ يَسيرٍ) :

تفسیر القمّی (ص:۱۶۴،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۴۱۱،ج:۱۳) ، علیّ بن إبراهیم ، عن : القاسم بن محمّد الإصفهانیّ ، عن : سلیمان بن داود المنقریّ ، عن : حمّاد بن عیسی قال :

سَأَلْتُ أبا عَبْدِاللهِ عليه السلام عَنْ : لُقْمانَ (ع) وَ حِکْمَتِهِ ؟ قَالَ عليه السلام : کَانَ فِیمَا وَعَظَهُ بِهِ : مَنْ عَنیَ بِالْأَدَبِ إهْتَمَّ بِهِ ، وَ مَنْ اهْتَمَّ بِهِ تَکَلَّفَ عِلْمَهُ ، وَ مَنْ تَکَلَّفَ عِلْمَهُ إشْتَدَّ لَهُ طَلَبَهُ ، وَ مَن اشْتَدَّ لَهُ طَلَبَهُ أدْرَکَ بِهِ مَنْفَعَةً فَاتَّخِذْهُ عَادَةً، فَإنَّکَ تَخْلُفُ فی سَلَفِکَ ، وَ تَنْفَعُ بِهِ مِنْ خَلْفِکَ، وَ یَرْتَجِیکَ فِیهِ رَاغِبٌ ، وَ یَخْشى صَوْلَتَکَ راهِبٌ ، وَ إیّاکَ وَ الْکَسَلَ عَنْهُ وَ الطَّلَبَ لِغَیْرِهِ ، فَإنْ غَلَبْتَ عَلَى الدُّنْیَا فَلاتَغْلِبَنَّ عَلَى ألآخِرَةِ ، وَ إذا فَاتَکَ طَلَبُ الْعِلْمِ فی مَظانّهِ فَإنَّکَ لَنْ تَجِدَ تَضْیِیعاً أشَدَّ مِنْ تَرْکِهِ .

حمّاد گوید : از حضرت صادق عليه السلام از حضرت لقمان (ع) و سخنان حکمت آمیز و رهنمودهای آن بزرگوار پرسیدم آن حضرت فرمود : از جمله پندهای او این بوده که : هر که خواهان أدب باشد کوشش فراوان خواهد داشت برای بدست آوردن آن ، و هر که کوشش دارد تحمّل زحمت و مشقّت آن را بر خود هموار می‌سازد برای یادگیری، و هر که خود را مکلّف به یادگیری بداند، شدّت عمل خواهد داشت، و هر که شدّت عمل ورزد منفعت آن را خواهد یافت، پس تو آن را شیوه و عادت خود قرار بده ، همانا تو جانشین گذشتگان خود هستی ، و آیندگان تو از دانسته‌های تو بهره می‌برند ، و امّید بهره فراوان از علم تو دارد کسی که خواهان أدب باشد ، و سخت بترس از کسل بودن در بدست آوردن علم و أدب ، و (بیشتر بترس) از اینکه در جستجوی غیر علم و أدب باشی ، و اگر بر دنیا غلبه کردی و بدست آوردی آن را و دل به آن بستی نمی‌توانی بر آخرت غالب شوی ، و اگر طلب علم از تو فوت شد هیچ چیزی به پایه ضرر و زیان آن نمی‌رسد (زیرا : جاهل ؛ خود و زندگی خود را در اختیار سلطه

دیگران قرار می‌دهد و همیشه با ذلّت و خواری خواهد بود) .

۲۱۰) إثنی عشریّة(ص:۲۹) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) : مَنْ قَلَّ صِدْقُهُ قَلَّ صَدِيقُهُ .

حضرت لقمان (ع) می‌فرمود : هر کس راستگوییش أندك باشد ، بطور مسلّم و یقین دوستانش أندك خواهند بود .

در اسلام أهمّیّت زیادی به راستگویی داده شده ، و گویای این مطلب قرآن مجید است و أخبار أهل بیت طهارت عليهم السلام ، از جمله :

۲۹۷ـ أمالی الشّیخ(ص:۶۶ ،ج:۱)، تنبیه الخواطر(ص:۲۵۰،ج:۲)، بحارالأنوار(ص:۳۷۵،ج: ۶۹ و ص:۹۴،ج:۷۵)، المفید، عن : إبن قولویه ، عن : أبیه ، عن : سعد ، عن : إبن عیسی ، عن : بکر بن صالح ، عن : الحسین بن علیّ ، عن : عبد الله بن إبراهیم ، عن : الحسن بن زید ، عن :

الصّادِقِ عليه السلام عَنْ : أبيهِ عليه السلام عَنْ : جَدِّهِ عليه السلام قالَ : قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم :

أمالی الصّدوق(ص:۴۱۱)، وسائل الشّیعة(ص:۱۶۳،ج:۱۲)، مستدرك الوسائل(ص:۴۴۲،ج:۸)، الجعفریات(ص:۱۵۰)، روضة‌الواعظین(ص:۳۷۷،ج:۲)، مشكاة‌الأنوار(ص:۱۷۳)، بحارالأنوار(ص:۳۰۲،ج:۷ و ص: ۳۸۱،ج:۹۶)، عن: محمّد بن علیّ ماجیلویه، عن: محمّد بن یحیی، عن: الحسین بن اسحاق، عن: علیّ بن مهزیار، عن : الحسین بن سعید، عن: الحسین بن علوان، عن: عمرو بن خالد ، عن : زید بن علیّ :

عَنْ : آبائِهِ عليهم السلام قالَ : قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم : إنَّ أقْرَبَكُمْ مِنِّي غَداً ، وَ أوْجَبَكُمْ عَلَيَّ شَفَاعَةً : أصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ ، وَ أدّاكُمْ لِلأمَانَةِ ، وَ أوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ ، وَ أحْسَنُكُمْ خُلْقاً ، وَ أقْرَبُكُمْ مِنَ النّاسِ .

حضرت رسول أکرم صلى الله عليه وآله وسلم فرمود : همانا نزدیك‌ترین شما به من فردای قیامت ، و واجب‌ترین شما نسبت به شفاعت من ، کسانی هستند که : در گفتار راستگوترین هستند ، و نسبت به أدای أمانت ، أمانت‌دارترین هستند ، و باوفاترین شما نسبت به عهد و پیمان هستند ، و از نظر خلق و خوی نیکوترند ، و نزدیك‌ترین

شما بر مردم هستند .

۲۱۱) تفسیر روح المعانی(ص:۸۳،ج:۲۱) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ مَنْ کَذِبَ ذَهَبَ مآءُ وَجْهِهِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : فرزند دلبندم ؛ هـر کـه دروغ بگوید ، آبرویش برود .

۲۱۲) إرشادالقلوب الدّیلمی(ص:۷۱،ج:۱)، إرشاد القلوب المترجم(ص:۱۶۴،ج:۱)، الإختصاص (ص:۳۳۷)، بحارالأنوار(ص :۴۱۷ و ص :۴۲۶،ج:۱۳) ، عن : الأوزاعیّ :

الخصال(ص:۱۶۹)، قصص الرّاوندیّ(ص:۱۹۰)، مستدرك الوسائل(ص:۳۳۹،ج:۸)، عقد الفرید (ص:۸۸ ،ج:۳)، الکافی(ص:۶۴۱ ،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۵۳۶ ،ج:۱۲)، شـرح الکافی(ص:۸۹ ، ج:۱۱)، بحـارالأنوار(ص:۲۷۸،ج:۷۱ و ص:۱۹۱،ج:۷۴ و ص:۹۰،ج:۷۵ و ص:۲۸۵،ج:۷۷ و ص:۱۹۲، ج: ۷۸)، علیّ بن إبراهیم، عن: أبیه، عن: بعض أصحابه، عن: إبراهیم بن أبی البلاد، عمّن ذکره، رفعه قال :

فی وَصِیَّةِ لُقْمانَ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ مَنْ لایَمْلِكُ [لایَکُفُّ ـ خ ل] لِسانَهُ یَنْدَمُ .

در سفارشهای حضرت لقمان(ع) به فرزندش این بوده که : ای پسرم ؛ هر که زبان خود را نگه نداشت ، پشیمان می‌شود ، (و چه بسا تا پایان عمر نتواند جبران کند) .

متن این روایت در الخصال(ص:۱۶۹)، بحارالأنوار(ص:۹۰،ج:۷۵ و ص:۱۹۲،ج:۷۸) از حضرت صادق علیه السلام از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام نقل شده .

آری ؛ این انسانست که باید مسلّط بر أعضای خود باشد ، خصوصـاً از : زبان در پرگویی و حرفهای بیهوده و لغو ، و سخنان زشـت و رکیـك و خـلاف أدب و دین ، و کلمات کنایه‌دار و تفرقه‌أنداز و بغـض و دشمـنی و کینـه‌آور ، و نسبتهای ناروا دادن ، مخصوصاً از: دروغگویی، که باید نگهدارد، زیرا : اگر زبان

آزاد باشد می‌گوید آنچه را که نباید بگوید، و نتیجه آنکه : پیش می‌آید آنچه که نباید پیش آید از گرفتاریها .

و در عقد الفرید(ص:۲۷۱،ج:۲)، می‌نویسد که حضرت صادق علیه‌السلام فرموده :

يَمُوتُ الْفَتىٰ مِنْ عَثْرَةٍ بِلِسَانِهِ — وَ لَيْسَ يَمُوتُ الْمَرْءُ مِنْ عَثْرَةِ الرِّجْلِ
فَعَثْرَتُهُ مِنْ فِيهِ تَرْمِي بِرَأْسِهِ — وَ عَثْرَتُهُ بِالرِّجْلِ تَبْرَأُ عَلىٰ مَهْلٍ

انسان در جوانی می‌میرد بواسطه لغزشهای فراوان زبانش، که به آن مقدار نمی‌میرد مرد (و زن) از لغزشهای پاهایش ، پس لغزش او از دهانش به حدّی است که سر خود را با گفتن يك جمله به باد فنا می‌دهد ، ولی لغزش و گرفتاری او بواسطه پاهایش به تدریج است .

۲۹۸ـ إثنی عشریّة(ص:۲۰۶) :

وَ قَالَ عَلِيٌّ علیه‌السلام : رَأَيْتُ جَمِيعَ الْأَخِلاَّءِ فَلَمْ أَرَ خَلِيلاً أَفْضَلُ مِنْ حِفْظِ اللِّسانِ ، وَ رَأَيْتُ جَمِيعَ اللِّبَاسِ فَلَمْ أَرَ لِبَاساً أَفْضَلُ مِنَ الْوَرَعِ ، وَ رَأَيْتُ جَمِيعَ الْأَحْوَالِ فَلَمْ أَرَ مالاً أَفْضَلُ مِنَ الْقَناعَةِ ، وَ رَأَيْتُ جَمِيعَ الْبِرِّ فَلَمْ أَرَ بِرّاً أَفْضَلُ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ الشَّفَقَةِ ، وَ ذُقْتُ جَمِيعَ الْأَطْعِمَةِ فَلَمْ أَرَ طَعاماً أَلَذُّ مِنَ الصَّبْرِ .

حضرت أمیرالمؤمنین علیه‌السلام فرموده : همه دوستان را دیده‌ام و بررسی کرده‌ام و ندیدم دوستی بالاتر و بهتر از نگهداری زبان (از گفتار زشت و رنج‌آور و بیهوده) باشد ، و تمامی پوششهای موجود در دنیا را دیدم و بررسی کردم و ندیدم پوششی بهتر از دوری نمودن از شبهه‌ناك باشد ، و دیدم و دقّت کردم همه ثروت و سرمایه‌ها را و ندیدم سرمایه و ثروتی بهتر از قناعت در زندگی باشد ، و تمامی آنچه خوبی در دنیا وجود دارد دیدم و بررسی کردم و ندیدم هیچ خوبی

را بهتر از ترحّم و مهربانی و کمك و رسیدگی به نیـازمندان آن باشـد ، و همـه چشیدنیها را چشیده‌ام و ندیدم چیزی را گواراتر و لذّت‌بخش‌تر از صـبر کـردن (در مصیبت و گرفتاریها و مشکلات کسب و کار و زندگـی ، و در أنجـام دادن عبادات ، و أنجام ندادن گناهان کوچك و بزرگ) باشد .

۲۹۹ـ مکارم الأخلاق(ص:۴۶۷)، أعلام الدّیـن(ص:۱۹۸،ج:۱)، الخصـال(ص:۱۴)، بحـار الأنوار(ص:۲۷۷ و ص:۲۸۵،ج:۷۱ و ص:۸۷،ج:۷۷)، تنبیه الخواطر(ص:۶۱،ج:۲)، السّعادة الأبدیّـة (ص:۱۹)، مستدرك الوسائل(ص:۲۹،ج:۹)، وسائل الشّیعة (ص:۱۸۸ و ص:۱۹۳،ج:۱۲)، حمـزة بـن محمّد بن أحمد العلویّ ، عن : علیّ بن إبراهیم بن هاشم ، عن : محمّد بن عیسی ، عن : زیاد بن مروان القندیّ ، عن : أبی وکیع ، عن : أبی إسحاق ، عن : الحارث قال :

سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ : مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَقُّ بِطُولِ السِّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ .

حضرت أمیرالمؤمنین علی عليه السلام فرموده : هیچ چیزی سزاوارتر نیست بـه زندانِ طولانی بودن همانند زبان .

۳۰۰ـ إثنی عشریّة(ص:۲۵۵) :

رُوِيَ عَن : النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ : إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ فَيَنْزِلُ بِهَا فِي النَّارِ، فَإِذَا أَرَادَ اللهُ عزّ وجلّ بِعَبْدٍ خَيْراً أَعَانَهُ عَلَىٰ حِفْظِ لِسَانِهِ، وَ شَغَلَهُ بِعُيُوبِ نَفْسِهِ عَنْ عُيُوبِ غَيْرِهِ .

نبیّ أکرم صلى الله عليه وآله فرموده : گاهی مردی سخنی می‌گویـد و بسـبب آن در آتش (فتنه و فساد و جهنّم) می‌افتد ، و هرگاه خدای عزّ وجلّ بخواهد خیر و خوبی یك بنده‌ای را (بسبب عبادت ، و دلی سرشار از محبّت بـه بنـدگـان مؤمـن ، و مواظبت حلال و حرام و محرم و نامحرم نمودن) کمك او خواهد نمود به حفـظ و نگهداری زبان ، و سرگرم برطرف کردن عیـوب و نواقـص أخلاقـی و دیـنی و

زندگی خود بطوریکه از عیوب دیگران چشم بپوشد .

۳۰۱ـ من لایحضر(ص:۳۸۸،ج:۴)، الإختصاص(ص:۲۲۹)، أمالی الطّوسی(ص: ،ج:۲)، جامع أحادیث الشّیعة(ص:۴۸۸،ج:۱۳)، بحار الأنوار(ص:۲۸۷،ج:۷۱)، وسائل الشّیعة(ص:۱۸۷ و ص:۱۹۳، ج:۱۲) ، مستدرک الوسائل (ص :۲۴، ج:۹) ، إرشاد القلوب الدّیلمیّ (ص : ۱۰۳،ج:۱) :

عَنْ : أَبِی عَبْدِ اللهِ عليه السلام قالَ : قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فی وَصِيَّتِهِ لِمُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ : وَ اعْلَمْ أَنَّ اللِّسَانَ كَلْبٌ عَقُورٌ إن خَلَّيْتَهُ عقَرَ، وَ رُبَّ كَلِمَةٍ سَلَبَتْ نِعْمَةً فَاخْزَنْ لِسَانَكَ كَما تَخْزَنُ ذَهَبَكَ وَ وَرَقَكَ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود : حضرت أمیر المؤمنین عليه السلام در ضمن سفارش خود به فرزندش محمّد حنفیّه فرموده: بدان که زبان همانند سگ درنده است که اگر آن را آزاد کنی تو را می گزد، و چه بسا یك کلمه نعمت و آسایش و زندگی را به باد فنا می‌دهد، بنابراین زبان خود را چنان محکم نگهداری کن (از سخنان بیهوده و رنج‌آور) که طلا و نقره (و سرمایه و ثروت) خود را نگهداری می‌کنی .

۳۰۲ـ . . . جواهر السّنیّة فی أحادیث القدسیّة(ص:)، الکافی(ص:۱۱۵،ج:۲)، مرآة العقول(ص: ،ج:)، شرح الکافی (ص:۳۱۸،ج:۸)، وسائل الشّیعة(ص:۲۱،ج:۲۷)، بحارالأنوار (ص:۳۰۴،ج:۷۱) ، عن : علیّ بن إبراهیم ، عن : أبیه ، عن : النّوفلیّ ، عن : السّکونیّ :

عَنْ : أَبِی عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ : قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله : يُعَذِّبُ اللهُ اللِّسَانَ عَذاباً لايُعَذِّبُ بِهِ شَيْئاً مِنَ الْجَوارِحِ ، فَيَقُولُ : أَیْ رَبِّی عَذَّبْتَنِی عَذَاباً لَمْ تُعَذِّبْ بِهِ شَيْئاً ؟! فَيَقُولُ اللهُ عزّوجلّ : خَرَجَتْ مِنْكَ كَلِمَةٌ فَبَلَغَتْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغارِبَها فَسَفَكَ بِهَا الدَّمُ الْحَرامُ ، وَ انْتُهِبَ بِهَا الْمَالُ ، وَ انْتُهِكَ بِهَا الْفَرْجُ الْحَرامُ ، بِعِزَّتِی وَ جَلالی لَأُعَذِّبَنَّكَ عَذاباً لا أُعَذِّبُ بِهِ شَيْئاً مِنْ جَوارِحِكَ .

حضرت صادق عليه السلام می‌فرمود: حضرت رسول أکرم صلى الله عليه وآله وسلم فرموده: خدا زبان را عذاب می‌کند به عذابی که هیچ یك از أعضآء و جوارح دیگر انسان را آنچنان عذاب نکند پس زبان گوید: ای پروردگارم؛ مرا به عذابی عذاب کردی که با آن هیچ یك از أعضآء را عذاب نکردی ؟! خدای عزّ وجلّ فرماید: از تو کلمه‌ای خارج شد که به مشارق و مغارب (تمام شهرها و روستاهای سراسر) زمین رسیده ، و بواسطه آن کلمه : خون حرام ریخته شد و أموال و سرمایه مردم به غارت برده شد ، و أعمال نامشروع أنجام گردید ، قسم به عزّت و جلالت خودم ، تو را چنان عذابی نمایم که هیچ یك از أعضآء و جوارح را عذاب نکنم .

آری ؛ ریشه تمام مباحثه‌ها ، و مناقشه‌ها ، و مایه همه مناظره‌ها، و جدلها، و مرافعه‌ها، و منشأ تفرقه و جنگها ، و روشن کننده آتش فتنه‌ها ، و أبزار مردم فریبی؛ زبان است، و بوسیله آن به دیگران تهمت و افترا بسته می‌شود ، و آبروها ریخته می‌گردد و شهرها و روستاها را خراب، و خانمان‌ها ویران می‌گردد، همچنانکه زبان واسطه معاشرت صحیح و رابطه الفت و دوستی می‌باشد ، و کلید انتقال علوم و صنایع و اختراعات به دیگری ، و موجب عمران و آبادانی شهرها و روستاها و أماکن خیریّه از قبیل مساجد و حسینیّه‌ها و مدارس دینی و فرهنگی و بناهای دانشگاه‌ها می‌شود، خلاصه اگر خدا را شکر می‌گوید، کفر و ناسزا هم می‌گوید .

۲۱۳) إرشاد القلوب الدّیلمی(ص:۷۱،ج:۱)، إرشاد القلوب المترجم(ص:۱۶۴،ج:۱) :

فی وَصیَّةِ لُقْمانَ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ؛ مَنْ یُجالِسِ الْعُلَمآءَ یَغْنَمْ .

در ضمن سفارشهای حضرت لقمان (ع) به فرزندش این بوده : ای پسرم؛ هر کس با علما بنشیند و معاشر باشد بهره و استفاده فراوان نصیب او خواهد بود .

۲۱۴) الکافی(ص:۶۴۲،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۵۳۶،ج:۱۲)، شرح الکافی(ص:۸۹ ،ج:۱۱)، وسائل الشّیعة(ص:۳۱ ،ج:۱۲)، مستدرك الوسائل(ص:۳۰۸،ج :۱۲)، بحـارالأنوار(ص:۴۲۶،ج:۱۳)،

عليّ بن إبراهيم، عن: أبيه، عن: بعض أصحابه ، عن : إبراهيم بن أبي البلاد ، عمّن ذكره ، رفعه قال :

قصص الأنبيآء(ص:۱۹۰)، بحارالأنوار(ص:۴۱۷،ج:۱۳)، الصّدوق ، عن : أبيه ، عن : سعد بن ، عن : إبن عيسى ، عن : الحسين ، عن : أخيه ، عن : أبيه ، عن : عمرو بن شمر ، عن : جابر :

عَنْ : أبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ : قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ مَنْ يُحِبُّ الْمِرآءَ يُشْتَمُ .

حضرت امام محمّد باقر عليه السلام می‌فرمود : حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای فرزندم ؛ هر که جدال و ایرادگیری به افراد را دوست داشته باشد، دیگران در حضور و غیاب او سخنان زشت به او خواهند گفت .

۲۱۵). . . إرشاد القلوب الدّيلمي(ص:۷۱،ج:۱)، إرشاد القلـوب المترجم(ص:۱۶۴،ج:۱)، المحجّةالبيضآء(ص:۳۱۲،ج:۳)، وسائل الشّيعة(ص:۳۱،ج:۱۲)، مستدرك الوسائل(ص:۳۳۹،ج:۸ و ص:۳۰۸،ج:۱۲)، الكافي(ص:۶۴۱،ج:۲)، مرآة العقول (ص:۵۳۶ ،ج:۱۲)، شرح الكافي(ص:۸۹ ، ج: ۱۱)، بحارالأنوار(ص:۴۱۷ و ص:۴۲۶،ج:۱۳) ، عليّ بن إبراهيم ، عن : أبيه ، عن : بعض أصحابه ، عن : إبراهيم بن أبي البلاد ، عمّن ذكره ، رفعه ، قال :

تحف العقول(ص:۳۷۶،ج:۱)، الخصال(ص:۱۶۹)، قصص الأنبيآء الرّاوندي(ص:۱۹۰)، مشكاة الأنوار(ص:۳۱۹)، بحـار الأنوار(ص:۲۷۸،ج:۷۱ و ص: ۱۹۱،ج:۷۴ و ص:۱۹۲ و ص:۲۶۱،ج:۷۸)، بإسناده إلى الصّدوق ، عن : أبيه ، عن : سعد بن عبد الله ، عن : إبن عيسى ، عن : الحسين ، عن : أخيه ، عن : أبيه ، عن : عمرو بن شمر ، عن : جابر ، **عَنْ : أبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ :**

الإختصاص(ص : ۳۳۷)، بحارالأنوار (ص :۴۲۸،ج:۱۳)، عن : الأوزاعيّ :

وَ قالَ لُقْمانُ(ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ؛... مَنْ يَدْخُلْ مَداخِلَ السُّوءِ يُتَّهَمْ ...

حضرت لقمان (ع) به فرزندش می‌فرموده : ای پسرم ؛ هر که وارد شود (و رفت و آمد کند) در جایگاه‌های بدنام ، به بدی متّهم شود .

متن روایت فوق در الخصال (ص : ۱۶۹)، بحارالأنوار(ص:۹۰،ج:۷۵) از حضرت

صادق (علیه السلام) از حضرت امام محمّد باقر (علیه السلام) روایت شده .

آری ؛ هرکه شرکت کند در مجالسی که برخلاف دین سخن گفته می‌شود و یا برخلاف أمنیّت و صلاح مملکت نقشه کشیده می‌شود ، بطور قطع و یقین مورد اتّهام و سوء نظر واقع می‌گردد ، و به همین جهت أسباب زحمت و مشقّت او فراهم خواهد شد از این لحاظ اسلام اجازه نمی‌دهد که در هر مجلسی بدون بررسی و تحقیق قبلی شرکت کنیم و به هر سخنی گوش دهیم و در هر خانه و مکانی قدم بگذاریم ، زیرا : حتمی است اگر در خانه ها و یا مکانهای نامناسب و یا جایگاههایی که أهالی آن مرتکب أعمال زشت می‌شوند، رفت و آمد کنیم، خواه ناخواه مورد تهمت قرار خواهیم گرفت .

و تأیید می‌کند بیان حضرت لقمان (ع) را سخن نورانی مولی الموحّدین حضرت أمیر المؤمنین علی (علیه السلام) که فرموده :

۳۰۳ـ نهج البلاغة(حکم:۳۴۱)، بحارالأنوار(ص:۹۱،ج:۷۵)، غررالحکم(ص:۱۵۹،ج:۵) :

قالَ عَلِیٌّ (علیه السلام) : . . . وَ مَنْ دَخَلَ مَداخِلَ السُّوءِ اُتُّهِمَ .

حضرت أمیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده : کسی که در جایگاه‌های مشهور به بدی وارد شود مورد تهمت و بدگمانی قرار می‌گیرد (هر چند مرتکب کار بدی نشود) .

۳۰۴ـ من لایحضر(ص:۳۹۵،ج:۴)، مستدرك الوسائل(ص:۳۳۹،ج: ۸ و ص:۳۱۳،ج:۱۲)، أعلام الدّین(ص:۳۲۲)، روضةالمتقین(ص:۱۰۲،ج:۱۳)، معانی الأخبار(ص:۱۹۶)، بحارالأنوار (ص: ۹۰،ج:۷۵)، إبن الولید ، عن : الصفّار ، عن : أیّوب بن نوح ، عن : إبن أبی عمیر ، عن : إبن عمیرة ، عن : الثّمالیّ ، عَنِ : الصّادِقِ (علیه السلام) قالَ : قالَ النَّبِیُّ (صلی الله علیه و آله و سلم) :

کنزالفوائد(ص:۲۹۹)، أمالی الصّدوق(ص:۲۰)، السّنانیّ، عن : الأسدیّ ، عن : النّخعیّ ، عن : النّوفلیّ ، عن : محمّد بن سنان ، عن : إبن المفضّل ، عن : إبن ظبیان :

عَنِ : الصّادِقِ (علیه السلام) قالَ : قالَ النَّبِیُّ (صلی الله علیه و آله و سلم) : أَوْلَی النّاسِ بِالتُّهْمَةِ

مَنْ جَالَسَ أَهْلَ التُّهمَةِ .

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرموده : شایسته‌ترین أفراد برای متّهم شدن کسانی هستند که با أهل تهمت مجالست و معاشرت می‌نمایند .

۳۰۵ـ صفات الشیعة(ص: ۶)، وسائل الشّیعة(ص :۲۶۴ و ص :۲۶۵،ج:۱۶)، مستدرك الوسائل (ص:۳۲۸،ج:۸)، عیون أخبار الرّضا عليه السلام (ص:۵۳ ،ج:۲)، أمالی الصّدوق (ص:۴۴۶)، بحار الأنوار(ص:۱۹۱ و ص: ۱۹۷،ج:۷۴ و ص:۳۸۶،ج:۷۷) :

قالَ عَلِيٌّ عليه السلام : مُجَالَسَةُ الأشرارِتُورِثُ سُوءَ الظَّنِّ بِالأخْيارِ .

حضرت علی عليه السلام می‌فرمود : مجالست و همنشینی با أشرار و بدکاران منشأ گمان بد برای أخیار و نیکوکاران است .

۳۰۶ـ ... أمالی الصّدوق(ص:۳۰۴)، الکافی(ص:۱۵۲،ج:۸)، مرآة العقول(ص:۳۷۲،ج:۲۵)، وسائل الشّیعة(ص:۳۶ و ص:۳۷،ج:۱۲)، مستدرك الوسائل(ص: ۳۴۰،ج:۸)، الإختصاص(ص:۲۲۶)، بحار الأنوار(ص:۹۰،ج:۷۵)، العطّار ، عن : أبیه ، عن : ابن أبی الخطاب ، عن : محمّد بن سنان ، عن : أبی الجارود ، عَنْ: أبِي جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ : أبِيهِ عليه السلام عَنْ : جَدِّهِ عليه السلام قالَ : قالَ عَلِيٌّ عليه السلام :
تحف العقول(ص:۳۸۷)، کنز الفوائد(ص:۱۸۲،ج:۲)، نهج البلاغة(حکم:۱۵۱)، صحیفة الرّضا عليه السلام (ص:۷۱)، باختلاف جزئیّ فیهما، بحار الأنوار (ص:۱۸۶،ج:۷۴ و ص:۲۵۱،ج:۷۸) :

عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام إنَّهُ قَالَ : مَنْ وَقَفَ (وَضَعَ) نَفْسَهُ مَوْقِفَ (مَواضِعَ) التُّهْمَةِ ، فَلا يَلُومَنَّ مَنْ أسَاءَ بِهِ الظَّنَّ .

حضرت أمیرالمؤمنین عليه السلام می‌فرموده : هر که به مکانهای مورد تهمت و بدگمانی برود ، نباید سرزنش و ملامت کند کسی را که به او گمان بد می‌برد .

۲۱۶) عقد الفرید(ص:۸۸ ،ج:۳) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ؛ مَنْ يَرْحَمْ، يُرْحَمْ، وَ مَنْ يَصْمُتْ ، يَسْلَمْ ، وَ مَنْ يَقُلِ الْخَيْرَ ، يَغْنَمْ ، وَ مَنْ يَقُلِ البَاطِلَ ، يَأثَمْ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : هر کـه بـه دیگـران ترحّـم و مهربانی کند ، به او ترحّم و مهربانی می‌شود ، و هر که ساکت بماند (از سـخنان زشت و نامناسب و بیجا و زیان‌آور) سالم خواهد بـود از خطرهـا ، و هـر کـه مؤدّب سخن بگوید و سخنان رهنمود دهنده بیان کند ، بهـره عـالی و سـودمند خواهد داشت ، و هر که به باطل و رنج‌آور سخن بگویـد (بطـور یقیـن خـواه ناخواه) به گناه گرفتار می‌شود .

۲۱۷) أعـلام الدّیـن(ص:۲۳۷)، کـنزالکراجکی(ص:۲۱۴)، بحـارالأنوار(ص:۴۳۲،ج:۱۳و ص: ۴۲۸، ج:۷۱ و ص:۷۸،ج:۷۰ و ص:۴۵۸،ج:۷۸)، جامع أحادیث الشّیعة(ص:۴۸۰،ج:۱۳) :

مِمّا رُوِیَ عَنْ : لُقْمانَ (ع) مِنْ حِکْمَتِهِ وَ وَصِیَّتِهِ لِابْنِهِ : یابُنَیَّ ؛ مَـنْ یُرِدْ رِضْوانَ اللهِ یَسْخَطْ نَفْسَهُ کَثِیراً، وَ مَنْ لایَسْخَطْ نَفْسَهُ لایَرْضیٰ رَبَّهُ ، وَ مَنْ لایَکْظِمْ غَیْظَهُ یَشْمَتْ عَدُوَّهُ .

از جمله گفتار حکمت‌آمیز و سفارشهای حضرت لقمان (ع) بـه فرزنـدش این بوده که : فرزندم ؛ کسیکه رضایت وخوشنودی خدا را بخواهد، هوای نفـس خود را به خشم و غضب درخواهد آورد به پیروی از خواسته‌های او نکـردن ، و هر که مخالفت هوای نفس خود نکند ، خدا را از خود خوشنود نخواهد کرد ، و هر که خشم خود را فرو نبرد ، مورد شماتت و استهزاء و سخریّه دشمنـان خـود واقع خواهد شد (زیرا : انسان در حال خشم سخنانی را خواهد گفت بسیار زشـت و رکیك و یا مرتکب کارهایی می‌گردد بسیار زننده که یك فرد عـاقل مرتکـب آن نمی‌گردد ، و به همین سبب مورد تمسخر و استهزاء دشمنان خود واقع می‌شـود ، که گاه تا پایان عمرش نتواند آن لکّه ننگ را از خود و زندگی خود پاك گرداند ، و به این جهت انگشت‌نمای دشمنان خواهد بود) .

۲۱۸) إرشاد القلوب الدّیلمی(ص:۷۱،ج:۱)، إرشاد القلوب المترجم(ص:۱۶۴،ج:۱) :

فی وَصِیَّةِ لُقمانَ (ع) لابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ مَنْ یَکثُرِ الْمِرآءَ یُشْتَمْ .

حضرت لقمان (ع) در ضمن سفارشهای خود بــه فرزنــدش فرمــود : ای پسرم ؛ کسی که زیاد جدال در مسائل و مطالب با دیگران بنماید ، به او سخنان زننده و زشت و بدگویی گفته خواهد شد .

تأیید می‌نماید گفتار حضرت لقمان (ع) را بیان حضرت رسول ﷺ که نقل شده در :

۳۰۷ـ الطّبرانیّ فی الکبیر(ص:)، منیة المرید(ص:۱۵۸)، بحــارالأنوار(ص:۱۳۸،ج:۲)، المحجّة البیضآء (ص : ۳۲۹، ج :۳) ، عن : أبی الدّردآء و أبی أمامة الباهلی ، و واثلة بن الأسقع قال :

خَرَجَ عَلَیْنَا رَسُولُ الله ﷺ وَ نَحْنُ نَتَمَارِیْ ، فَغَضِبَ فَقَالَ : ذَرُوا الْمَرْآءَ لِقِلَّةِ خَیرِهِ ، ذَرُوا الْمِرآءَ فَإنَّ نَفْعَهُ قَلِیلٌ ، وَ إنَّهُ یُهَیِّجُ الْعَــداوَةَ بَـیْنَ الإخْوانِ .

أبودردآء گوید : رسول خدا ﷺ بر ما وارد گردید در حالی که ما جـدال و گفتگو می‌کردیم و سخنان یکدیگر را نقض می‌نمودیم ، آن حضرت در خشم شـده و فرمود: رها کنید مرآء و جدال را ؟ زیرا : أندك است خیر و خوبی آن ، رها کنیـد مرآء و جدال را ؟ چون سود (و بهره علمی و عقلی و دنیــایی و آخـرتی) آن بسیار کم است ، و (بدانید که) مرآء و جدال دشمنی بوجود می‌آورد بین برادران .

۲۱۹) الإختصاص(ص :۳۳۹)، بحارالأنوار (ص: ۴۲۹،ج:۱۳) ، عن : الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقمانُ (ع) لِابْنِهِ : یابُنَیَّ ؛ النِّسَآءُ أرْبَعَةٌ : ثِنْتَانٌ صَالِحَتَان ، وَ ثِنْتَانٌ مَلْعُونَتانِ ، فَأمّا إحْدَی الصَّالِحَتَینِ فَهِیَ: الشَّرِیفَةُ فی قَوْمِهَا ، الذَّلِیلَةُ فی نَفْسِهَا ، الَّتِی إنْ اُعْطِیَتْ شَکَرَتْ وَ إنْ اُبْلِیَتْ صَبَرَتْ، الْقَلِیلُ فی یَدَیْـهَا کَثِیرٌ، الصَّالِحَةُ فی بَیْتِهَا، وَ الثّانِیَةُ: الْوَدُودُ الْوَلُودُ، تَعُودُ بِخَیرٍ عَلَی زَوْجِهَا، هِیَ کَالاُمِّ الرَّحِیْمِ تَعْطِفُ عَلَی کَبِیرِهِمْ وَ تَرْحَمُ صَغِیـرَهُمْ وَ تُحِبُّ وَلَـدَ

زَوْجِها وَ إنْ كَانُوا مِنْ غَيرِها ، جَامِعَةُ الشَّمَلِ، مَرْضِيَّةُ الْبَعْلِ ، مُصْلِحَةٌ فى النَّفْسِ وَ الْأَهْلِ وَ الْمَالِ ، وَ الْوَلَدِ ، فَهِىَ كَالذَّهَبِ الْأَحْمَرِ، طُوبىٰ لِمَنْ رَزَقَهَا ، إنْ شَهِدَ زَوْجَهَا أَعَانَتْهُ ، وَ إنْ غَابَ عَنْها حَفَظَتْهُ ، وَ أَمَّا إحْدَى الْمَلْعُونَتَين فَهِىَ : الْعَظِيمَةُ فى نَفْسِها ، الذَّلِيلَةُ فى قَوْمِها ، الَّتِى إنْ أُعْطِيَتْ سَخَطَتْ ، وَ إنْ مُنِعَتْ عَتَبَتْ وَ غَضَبَتْ، فَزَوْجُها مِنْهَا فى بَلآءٍ، وَ جِيرانُهَا مِنْهَا فى عِنآءٍ، فَهِىَ كَالْأَسَدِ، إنْ جَاوَرْتَهُ أَكَلَكَ، وَ إنْ هَرَبْتَ مِنْهُ قَتَلَكَ، وَ الْمَلْعُونَةُ الثَّانِيَةُ : فَهِىَ عِنْدَ زَوْجِهَا وَ مَيْلِهَا فى جِيرانِها ، فَهِىَ سَرِيعَةُ السَّخْطَةِ، وَ سَرِيعَةُ الدَّمْعَةِ ، إنْ شَهِدَ زَوْجَهَا لَمْ تَنْفَعْهُ ، وَ إنْ غَابَ عَنْهَا فَضَحَتْهُ ، فَهِىَ بِمَنْزِلَةِ الْأَرْضِ النَّشَاشَةِ ، إنْ اسْقَيْتَ أَفَاضَتْ الْمَآءَ وَ غَرَقَتْ ، وَ إنْ تَرَكْتَهَا عَطَشَتْ ، وَ إنْ رُزِقَتْ مِنْهَا وَلَداً لَمْ تَنْتَفِعْ بِهِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای پسرم ؛ زنان بر چهار قسم هستند، دو قسم صالحه، و دو قسم ملعونه، یکی از دو صالحه آنست که : در بین بستگان خود شریف و مورد عزّت و احترام است و در پیش خود کوچك و خوار، و او چنانست که اگر به او چیزی داده شود تشکّر می‌کند و قدر می‌داند ، و اگر گرفتار شود صبر می‌کند (و بیتابی و جزع و فزع نمی‌نماید) ، و چیز أندك را که به او داده شود بزرگ و زیاد به حساب می‌آورد ، و یکی دیگر از دو صالحه آنست که: مهربان (با شوهر و بستگان خود و بستگان شوهر) است ، و فرزندآور است ، و با چهره باز و بانشاط و به خیر و خوبی به استقبال شوهر می‌رود و با او همانند یك مادر مهربان زندگی می‌کند ، و با عطوفت رفتار می‌نماید با بزرگان و بزرگسالان وابسته به شوهر و نسبت به کوچك سالان با کمال ترحّم و دلسوزی است ، و با فرزندان شوهر نهایت محبّت را دارد اگر چه فرزندان خودش نباشند، همه را به دور خود جمع می‌نماید ، و سعی و کوشش در رضایت شوهر از زندگی

دارد ، و اصلاح می‌کند صفات بد خود را ، و نقصهای أهل و عیـال و أمـوال و فرزندان را برطرف می‌سازد ، اینچنین زنی همانند طلای قرمز بی‌غـلّ و غـشّ و خالص می‌باشد ، و خوشا به سعادت و حال آن مردی که اینچنـین زنی داشـته باشد ، که اگر شوهر حاضر باشد، به او کمك (فکری و کاری) می‌نماید ، و اگر غایب باشد ، خود را حفظ خواهد کرد از بی عفّتی و کارهای ناشایست .

و یکی از دو ملعونه آن زنی است که: خود را بزرگ پنـدارد ، ولکـن در میان خویشاوندانش ذلیل و خوار و بی‌احترام ، و اگر چـیزی بـه او داده شـود بواسطه طمع و نداشتن قناعت ناراحت می‌شود ، و اگر به او چیزی داده نشـود سرزنش و اظهار نارضایتی و خشم می‌نماید اینچنـین زنی ، از أخـلاق و رفتـار بدش همیشه شوهرش در بلا و مصیبت و گرفتاری اسـت ، و همسـایگانش در سختی و ناراحتی ، و چنین زنی همانند شیر است که اگـر مجـاور و در کنـار آن باشی تو را می‌خورد ، و اگر از آن فرار کنی تو را می‌کشد.

و یکی دیگر از زنان ملعونه زنی است که : پیش شوهرش زندگی می‌کند ولکن فکر و نظر و میل او به همسایگان اسـت ، و بـه أنـدك مطلـبی نـاراحت می‌شود و سریع و زود گریه می‌کند و اشـك می‌ریـزد (بـرای تحریـك عاطفـه دیگران ، و غالب شدن بر أفراد) ، اگر شـوهرش حـاضر باشـد ، بـه او نفعـی نمی‌رساند و خدمتی نمی‌کند ، و اگر از آن غایب گـردد ، رسـوایش می‌نـماید (و برای رسیدن به أهداف شوم و زشت خود به شوهر تهمتها می‌زند) پس چنـین زنی همانند زمین شوره‌زار است که اگر بـه آن آب داده شـود ، آب را در خـود فرو می‌برد بدون آنکه بازدهی داشته باشد ، و اگر به آن آب داده نشـود تشـنه می‌شود ، و اگر از او دارای فرزند شدی نفعی (و بهره دنیایی و آخـرتی) از آن فرزند نخواهی داشت .

۳۰۸ـ إثنی عشریّة(ص:۲۵۷) :

وَ قالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله : اَلنِّساءُ وَدایِعُ الْأحْرارِ ، وَ لایُعِزُّهُنَّ إلاّ عَزیزٌ، وَ لایُذِلُّهُنَّ إلاّ ذَلیلٌ، وَ الذَّلیلُ عِنْدَ اللهِ فِی النّارِ ، وَ کَذلِکَ الْمَرْأةُ إذا عَزَّتْ زَوْجَها وَ أطاعَتْهُ فِیما یَرْضَی اللهُ تعالی .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده : زنان موجودی ارزشمند هستند که سپرده شده‌اند بدست آزادمردان ، و آنان را عزیز و محترم نمی‌دارد مگر مردی که خود دارای عزّت و بزرگواری باشد ، و آنان را ذلیل و خوار و سرکوب و بی‌أرزش نمی‌کند مگر مردی که خود ذلیل وخوار و بی‌أرزش باشد (در پیش خدا و مردم) ، و هرکه ذلیل و بی‌أرزش باشد پیش خداوند در آتش خواهد بود ، و همچنین : زن در نزد خدا عزّت دارد زمانی که به شوهر عزّت و احترام می‌نماید و فرمانش را می‌برد در آنچه که رضای خدا در آنست .

۳۰۹ ـ لئالی الأخبار(ص:۲۸۷،ج:۳) ، إرشاد القلوب الدّیلمیّ (ص:۱۷۵،ج:۱) :

عَنِ : الْباقِرِ علیه السلام : مَنْ ضَرَبَ إمْرَأةً بِغَیْرِ حَقٍّ فَأنَا خَصْمُهُ یَوْمَ الْقِیامَةِ، لاتَضْرِبُوا نِساءَکُمْ، فَمَنْ ضَرَبَهُنَّ بِغَیْرِ حَقٍّ فَقَدْ عَصَی اللهَ وَ رَسُولَهُ .

امام باقر علیه السلام فرموده : هر که زن را بدون دلیل و به ناحقّ بزند ، من در قیامت خصم او و شاکی از او خواهم بود، زنان خود را بدون حقّ نزنید و هر که زن را بزند به ناحقّ و بدون مجوّز شرعی، نافرمانی خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله را نموده .

۳۱۰ ـ بحارالأنوار(ص:۲۳۹،ج:۱۰۳) ، مستدرک الوسائل(ص:۱۶۱،ج:۱۴) :

وَ قالَ الصّادِقُ علیه السلام : خَیْرُ نِسآئِکُمْ الَّتِیْ إنْ أُعْطِیَتْ شَکَرَتْ وَ إنْ مُنِعَتْ رَضِیَتْ .

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود : بهترین زنان شما ؛ آنهایی هستند که اگر شوهر به او عطا و بخششی کرد تشکّر می‌کند ، و اگر بـه او بخششی و عنایتی

نکرد ، اظهار نارضایتی و شکایت و گلایه نمی‌نماید .

۳۱۱ــ . . . لئالی الأخبار(ص:۲۸۶،ج:۳) ، مکارم الأخلاق (ص:۲۱۴ و ص: ۴۳۰) :

قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وسلم : أَيُّما امْرَأَةٍ آذَتْ زَوْجَها بِلِسَانِهَا لَمْ يَقْبَلِ اللهُ مِنْهَا صَرْفاً وَ لا عَدْلاً وَ لا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتّىٰ تَرْضَاهُ وَ إنْ صَامَتْ نَهَارَها وَ قَامَتْ لَيْلَهَا وَ اعْتَقَتِ الرِّقابَ وَ حَمَلَتْ عَلىٰ جِيادِ الْخَيْلِ فِى سَبِيْلِ اللهِ ، فَكانَتْ أَوَّلَ مَنْ يَرِدُ النَّارَ ، وَ كَذٰلِكَ الرَّجُلُ [مِثْلُ ذٰلِكَ الْوِزْرِ وَ الْعِقابِ] إذا كَانَ لَهَا ظالِماً .

پیغمبر أکرم صلى الله عليه وآله وسلم فرمود : زنی که أذیّت کند شوهر خود را با زبان (به نیش زدن و سخنان زشت و نامناسب گفتن و داد و فریاد کردن) خدای عزّوجلّ هیچگونه خوبی و کارهای خیر و أعمال پسندیده او را نمی‌پذیرد تا زمانی که شوهر از او راضی شود ، اگر چه روزها روزه بگیرد و شبها نماز بخواند، و غلام و کنیزان زیادی را در راه خدا آزاد کند ، و اسبها و تجهیزات جنگی را در راه خدا فراهم نماید و بفرستد ، با وجود اینها أوّل کسی خواهد بود که داخل جهنّم می‌شود ، و همچنین اگر مردی به همسر خود ظلم کند و آزار برساند .

۳۱۲ــ . . . لئالی الأخبار (ص :۹۷،ج :۲) ، إرشاد القلوب الدّیلمی(ص:۱۸۲،ج:۱) ، تنبیه الخواطر (ص : ۳ ، ج : ۱)،

قالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وسلم : هَلاكُ نِساءِ أُمَّتِى فِى الْأَحْمَرِ مِنَ الذَّهَبِ ، وَ الثِّيابِ الرِّقاقِ ، وَ هَلاكُ رِجَالِ أُمَّتِىْ فِى تَرْكِ الْعِلْمِ ، وَ جَمْعِ الْمالِ .

پیغمبر أکرم صلى الله عليه وآله وسلم فرموده : هلاکت و بدبختی زنان امّت من در علاقه‌مندی و خواستن و داشتن طلا ، و پوشیدن لباسهای نازك است ، و هلاکت و درماندگی مردان امّت من در ترك علم (و تحقیق و توجّه به کتابهای دینی نداشتن) و دل بستن به جمع‌آوری سرمایه و ثروت است .

۲۲۰) بحارالأنوار(ص:۴۲۸،ج:۱۳) ، الإختصاص(ص:۳۳۶) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) : نَقْلُ الْحِجارَةِ وَ الْحَدِيدِ خَيْرٌ مِنْ قَرِينِ السُّوءِ .

حضرت لقمان (ع) می‌فرموده : جابجا کردن و بدوش کشیدن سنگ(های بزرگ) و آهن (آسان‌تر و) بهتر است از همنشینی دوست بد (رفتار و بد أندیش و بدگفتار) .

۲۲۱) تفسیر روح المعانی(ص:۸۳،ج:۲۱) ، شرح نهج البلاغة(ص:۳۲۶،ج:۲۰) :

قالَ لُقْمانُ (ع) لابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ نَقْلُ الصُّخُورِ مَواضِعَها أيْسَرُ مِنْ أفْهامِ مَنْ لا يَفْهَمُ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده: بدوش کشیدن و جابجا کردن سنگهای بزرگ آسان‌تر است از فهمانیدن مطلبی را به کسی که نمی‌فهمد و درك نمی‌کند .

۲۲۲) الإختصاص(ص:۳۳۷)، بحارالأنوار(ص:۴۲۸،ج:۱۳)، عن:الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ اَلْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ صاحِبِ السُّوءِ .

حضرت لقمان (ع) به فرزندش فرموده : ای پسرم؛ تنها زندگی کردن بهتر است از همنشینی و معاشرت داشتن با أفراد بد (أخلاق و بدرفتار و بدأندیش) .

۳۱۳ـ أعلام الدّین(ص:۱۹۸ و ص :۲۹۳)، تنبیه الخواطر(ص:۶۱،ج:۲)، بحارالأنوار(ص: ۱۸۹ و ص:۱۹۹،ج:۷۴ و ص:۸۶،ج:۷۷)، مکارم الأخلاق (ص:۴۶۵)، المحجّةالبیضاء(ص: ۳۱۸، ج:۳)، أمالی الطوسی(ص:۱۴۸،ج:۲)، مستدرك الوسائل(ص:۳۳۸،ج: ۸) ، وسائل الشّیعة(ص:۱۸۸،ج:۱۲)، عن : أبی المفضّل ، عن : رجاء بن یحیی العَبَرتائیّ ، عن : محمّد بن الحسن بن شمّون ، عن : عبد الله بن عبد الرّحمن الأصمّ ، عن : الفضیل بن یسار ، عن : وهب بن عبد الله الهمدانیّ ، عن : أبی حرب بن أبی الأسود الدّؤلیّ ، عَنْ : أبی ذَرّ الْغِفاریّ رضی الله عنه :

عَنْ : رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله قال: ... اَلْجَلِيسُ الصّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ، وَ الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ ...

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در ضمن نصایح به أبوذر رضی‌الله‌عنه فرموده : همنشین و معاشر بودن با أفراد صالح بهتر است از تنهایی ، و تنها بودن بهتر است از همنشینی و زندگی با أشخاص بدخصلت و بدکردار .

۳۱۴ــ آداب‌النفس(ص:۶۹،ج:۱)، جامع‌الأخبار(ص:۱۸۳،ج:۱)، تنبیه‌الخواطر(ص:۲۶۶،ج:۲) :

قالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله : مَثَلُ الْجَلِيسِ الصّالِحِ مَثَلُ الدّارِيِّ إنْ فاتَكَ رِيحُهُ لَمْ يَفُتْكَ رِيحُهُ ، وَ مَثَلُ الْجَلِيسِ الْفاسِدِ مَثَلُ صاحِبِ الْكِيرِ، إنْ لَمْ يَحْرُقْكَ شَرَرَهُ آذاكَ بِدُخانِهِ .

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمود : همنشین صالح و درستکار همانند مغازه عطر فروشی است که با وارد شدن در آن اگر سود جنس عطر بهره نمی‌بری از بوی آن بهره خواهی برد ، و همنشین بد و فاسد همانندم‌کوره آهنگری است که اگر از حرارت آن بهره نبری از دودش أذیّت خواهی شد .

۲۲۳) محبوب القلوب (ص:۶۰) :

وَ كانَ سَيِّدُهُ أمَرَهُ أنْ يَزْرَعَ لَهُ فِي أرْضِهِ السِّمْسِمَ ، فَزَرَعَ الشَّعِيرَ ، فَلَمّا دَنَى الْحِصادُ ، قالَ لَهُ سَيِّدُهُ : لِمَ زَرَعْتَ الشَّعِيرَ وَ قَدْ أمَرْتُكَ بِزَرْعِ السِّمْسِمِ؟! فَقالَ لُقْمانُ : كُنْتُ رَجَوْتُ مِنَ اللهِ أنْ يَنْبُتَ لَكَ السِّمْسِمَ، فَقالَ لَهُ سَيِّدُهُ : هَلْ يَكُونُ ذَلِكَ مُتَمَكِّناً ؟ فَقالَ لُقْمانُ (ع) : أراكَ تَعْصِي اللهَ وَ تَرْجُو مِنْهُ الْجَنَّةَ ، فَقُلْتُ لَعَلَّ ذَلِكَ يَكُونُ ، فَبَكى سَيِّدُهُ فَتابَ عَلى يَدِهِ فَأعْتَقَهُ .

مولای لقمان دستور داد به او اینکه درزمین کشاورزی کنجد کشت نماید ، ولی حضرت لقمان (ع) جو کاشت ، و هنگام درو محصول که فرا رسید مولایش متوجّه شد که جُو کاشته ، بعنوان اعتراض گفت : چرا جُو کاشتی با اینکه گفته بودم کنجد کشت کنی؟! حضرت لقمان فرمود: من امّیدوار بودم از خدا که کُنجد برویاند بجای جُوی که کاشته‌ام ، مولایش گفت : مگر این امکان دارد، که کسی

جو بکارد و بجای آن کنجد بدست آورد ؟! لقمان فرمود : من دیدم شما نافرمانی خدا را می‌نمایی و بدستورش عمل نمی‌کنی و با وجود این امّید داری که بـه تـو بهشت عنایت فرماید ؟! از این شیوه و رفتار شما من گمان کردم و با خود گفتم که شاید می‌شود جو کاشت و کنجد برداشت ، و (چنان ایـن سـخن و عمـل حکیمانه مؤثّر واقع شد که) مولایش گریه کرد و توبه نمود بدست او ، و سپس او را آزاد کرد از قید بندگی خود .

وَ قَالَ الْحُكَمَاءُ : الْكِنايَةُ أَبْلَغُ مِنَ التَّصْرِيْحِ .

بزرگان گفته‌اند که : بطور اشاره و کنایه سخن گفتن أثرش بیشتر اسـت از تصریح و واضح و مستقیم به طرف گفتن ، که یکی از راههای أمر به معـروف و نهی از منکر همین است ، زیرا : بعضی از خطاکاران آنچنـان غـرور دارنـد کـه نصیحت را مستقیماً اگر به آنان گفته شود نمی‌پذیرند .

۲۲۴) تنبیه‌الخواطر(ص:۲۵۰)، بحارالأنوار(ص:۴۲۲،ج:۱۳)، مستدرك الوسائل(ص:۱۸۶،ج:۱۱) :

وَ كَانَ لُقْمانُ(ع) يُطِيلُ الْجُلُوسَ وَحْدَهُ وَ كَانَ يَمُرُّ بِهِ مَوْلاهُ، فَيَقُولُ: يا لُقْمَانُ ؛ إِنَّكَ تُدِيْمُ الْجُلُوسَ وَحْدَكَ فَلَوْ جَلَسْتَ مَعَ النَّاسِ كَـانَ آنَـسَ لَكَ ، فَيَقُولُ لُقْمَانُ : إِنَّ طُولَ الوَحْدَةِ أَفْهَمُ لِلْفِكْرَةِ ، وَ طُولُ الْفِكْرَةِ دَلِيـلٌ عَلىٰ طَرِيْقِ الْجَنَّةِ .

حضرت لقمان (ع) طول می‌داد (و خوش داشت) تنها نشستن را، و گاهی مولایش بر او می‌گذشت و می‌گفت : ای لقمان ؛ چرا ادامه می‌دهی تنها نشستن را، و از مردم کناره‌گیری می‌نمایی ، و اگر معاشر می‌شدی با مردم برای اُنـس و اُلفت بهتر می‌بود، لقمان فرمود: تنها بودن برای فهمیدن و فکر کردن (در معرفت خدا و آثار قدرت او ، و أندیشه در أحوال دنیا و بی‌اعتباری آن) بهتر است ، و فکر طولانی و أندیشه زیاد دلیل و راهنمای راه بهشت است .

۳۱۵ـ بحارالأنوار(ص:۱۳۷،ج:۱ و ص:۱۱۱،ج:۷۰ و ص:۳۰۱،ج:۷۸)، الکافی (ص:۱۷، ج:۱)، مرآة العقول(ص: ،ج:)، شرح الکافی (ص: ،ج:)، وسائل الشیعة(ص:۳۳۱،ج : ۵ و ص:۳۵۴،ج:۱۵)، مستدرك الوسائل(ص:۴۶۲،ج:۳)، تنبیه الخواطر(ص:۳۴،ج:۲)، عدة الداعی(ص: ۲۳۳)، تحف العقول(ص :۴۰۷).

وَ قالَ الْکاظِمُ علیه السلام لهشام: یا هِشام؛ الصَّبْرُ عَلَی الْوَحْدَةِ عَلامَةُ قُوَّةِ الْعَقْلِ، فَمَنْ عَقَلَ عَنِ اللهِ اعْتَزَلَ أَهْلَ الدُّنْیا وَ الرّاغِبینَ فِیْها، وَ رَغِبَ فِیْها عِنْدَ اللهِ ، وَ کانَ اللهُ أَنیسَهُ (أُنْسَهُ ، آنسَهُ) فِی الْوَحْشَةِ ، وَ صاحِبَهُ فِی الْوَحْدَةِ ، وَ غَناهُ فِی الْعَیْلَةِ ، وَ مُعِزَّهُ مِنْ غَیرِ عَشیرَةٍ .

امام هفتم علیه السلام به هشام فرمودند: ای هشام ؛ صبر کردن بر تنهایی نشانه قوّت عقل است ، و هرکه از طرف خدا تعقّل و تفکّر کند از أهل دنیا و أفراد دنیاطلب کناره‌گیری خواهد کرد، و تمایل و رغبت دارد به آنچه که در پیشگاه خدای عزّوجلّ است ، در این هنگام خدا مونس و همدم او است در جایگاه وحشت، و در تنهایی یار او است، و سرمایه ثروت او است در زمان تهی‌دستی ، و عزّت و آبروی او است بدون (آنکه محتاج باشد به) خویشاوندان نزدیك و دور .

۲۲۵) الإختصاص(ص:۳۳۹)، بحارالأنوار(ص:۴۳۰،ج:۱۳)، عن: الأوزاعیّ :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : یا بُنَیَّ ؛ وَ لاتُکَثِّرْ مِنَ الدُّنْیا فَإنَّكَ عَلی غَفْلَةٍ (رَحْلَةٍ ـ خ ل) مِنْها ، وَ انْظُرْ إلیٰ ما تَصیرُ مِنْها .

حضرت لقمان (ع) به فرزند خود فرموده : ای فرزندم ؛ أموال دنیایی را روی هم أنباشته نکن ، زیرا : از آن غافل‌گیرانه جدا خواهی شد ، و نیك نگاه بنما به جایی که از دنیا به آنجا خواهی رفت و در آن مکان مورد سؤال و بازجویی قرار می‌گیری .

۲۲۶) الإختصاص(ص:۳۳۸)، بحارالأنوار(ص:۴۲۹،ج:۱۳)، جامع أحادیث الشیعة(ص:

۴۴۷، ج:۱۳) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) لِابْنِهِ : يا بُنَيَّ ؛ وَيْلٌ لِمَنْ تَجَبَّرَ وَ تَكَبَّرَ ، كَيْفَ يَتَعَظَّمُ مَنْ خُلِقَ مِنْ طِينٍ وَ إِلىٰ طِينٍ يَعُودُ ، ثُمَّ لايَدْرِى إِلىٰ مَاذَا يَصِيرُ ، إِلَى الْجَنَّةِ فَقَدْ فَازَ ، وَ إِلَى النَّارِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْراناً مُبِيْناً وَ خَابَ ـ وَ يُرْوىٰ : ـ كَيْفَ يَتَجَبَّرُ مَنْ قَدْ جَرىٰ فِى مَجْرَى الْبَوْلِ مَرَّتَيْنِ .

حضرت لقمان(ع) به فرزند خود فرموده: ای پسرم؛ وای بر کسی که ظلم کند و تکبّر نماید، چگونه کسی خود را برتر و بالاتر از دیگر بندگان خدا می‌داند با اینکه از خاك و گِل آفریده شده و به خاك و گِل بر می‌گردد و مدفون می‌شود، و سپس نمی‌داند که به کجا خواهد رفت ، آیا به بهشت، تا رستگار و به درجات عالیه برسد ، و یا به آتش جهنّم که ضرر و زیان آشکار خواهد دید با ذلّت و خواری، و روایت شده از آن حضرت که فرموده: چگونه تکبّر می‌کند و خود را برتر از دیگران می‌داند با اینکه از دو مجرای بول (پدر و مادر) به دنیا آمده .

۳۱۶ ـ لئالی الأخبار(ص:۱۹۴،ج:۲)، وسائل الشیعة(ص:۳۷۹،ج:۱۵)، بحار الأنوار(ص: ۲۲۵،ج:۷۳)، الکافی(ص:۳۱۲،ج:۲)، مرآة العقول(ص:۲۱۷،ج:۱۰)، شرح الکافی(ص:۳۱۳،ج:۹)، عن : محمّد بن یحیی ، عن : محمّد بن أحمد ، عن : بعض أصحابنا ، عن : النّهدی ، عن : یزید بن اسحاق شعر ، عن : عبد الله بن المنذر ، عن : عبد الله بن بکیر قال :

قالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عليه‌السلام : مَا مِنْ أَحَدٍ يَتِيهُ إِلاّ مِنْ ذِلَّةٍ يَجِدُهَا فِى نَفْسِهِ، وَ فِى حَدِيثٍ آخَرَ عَنْ : أَبِى عَبْدِاللهِ عليه‌السلام : مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلاّ لِذِلَّةٍ وَجَدَهَا فِى نَفْسِهِ .

حضرت صادق عليه‌السلام می‌فرمود : هیچ کس در تکبّر فرو نمی‌رود مگر بسبب خواری و پستی که در خود می‌بیند ، و در حدیث دیگر از آن حضرت روایت شده که فرموده : هیچ کس تکبّر نمی‌کند و خود را برتر از دیگران

نمی‌بینید مگر آنکه به ذلّت و خواری خواهد افتاد بطوری که آشکار در زندگی خود مشاهده می‌کند .

۲۲۷) المحجّةالبیضاء،(ص:۹۸،ج:۳)، لئالی الأخبار(ص:۱۷۵،ج:۲ و ص:۲۷۴،ج:۳) :

وَ قالَ لُقْمانُ (ع) : يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أنْ يَكُونَ فى أهْلِهِ كَالصَّبِىِّ ، فَـإذا كَانَ فى الْقَوْمِ وُجِدَ [كَانَ] رَجُلاً .

حضرت لقمان(ع) می‌فرمود : شایسته برای مرد عاقل آنست که: در میان أهل و عیال و فرزندان خود هماتند کودك باشد (که با آنان همانند کودکان رفتار کند به نوعی که از او وحشت و هراس و تنفّر و دوری نداشته باشند ، و دردها و خواسته‌های خود را به راحتی به او بگویند، و آنان را در بر بگیرد و ملاطفت و مطایبه‌گویی و نوازش کند) و هرگاه در میان مردم باشد، مردی دانای به امور و مدیر و مدبّر دیده شود .

بحمدالله

شنیدم که لقمان سیه فام بود / نه تن پرور نازك اندام بود
یکی بنده خویش پنداشتش / زبون دید و درکار گل داشتش
جفا دید و با جور قهرش بساخت / بسالی سرائی زبهرش بساخت
چو پیش آمدش بنده رفته باز / ز لقمانش آمد نهیبی فراز
بپایش درافتاد و پوزش نمود / بخندید لقمان که پوزش چه سود
بسالی زِ جورت جگر خون کنم / به یك ساعت از دل بدر چون کنم
ولی هم ببخشایم ای نیکمرد / که سود تو ما را زیانی نکرد
تو آباد کردی شبستان خویش / مرا حکمت و معرفت گشت بیش
غلامیست در رختم ای نیکبخت / که فرمایش وقتها کار سخت
دگر ره نیازارمش سخت دل / چو یاد آیدم سختی کار گل
هر آنکس که جور بزرگان نبرد / نسوزد دلش بر ضعیفان خورد
تو بر زیردستان درشتی مکن / گر از حاکمان سخت آید سخن
نکو گفت بهرام شه با وزیر / که دشوار بر زیردستان مگیر

(سعدی)